

مقاله‌ها

بگزیده مقالات کتاب‌های



بخش اول

السلامة



برگزیده مقالات کتاب های فروغ مسجد شماره ۱-۷، جلد یک، بخش اول

تهیه و تنظیم: مرکز رسیدگی به امور مساجد

انتشار: چاپ دوم، پاییز ۱۳۹۷

مدیر هنری: محسن هادی

نشانی: تهران، خیابان جمهوری اسلامی، خیابان دانشگاه جنوبی.

نیش کوچه عطار، پلاک ۵.

کد پستی: ۱۳۱۶۷۱۳۴۹۹

تلفن: ۶۶۴۹۷۰۲۷

www.masjed.ir



فهرست

۱۵	فصل یک: مقاله برتر
۱۷	مسجد تراز نظام اسلامی
۶۱	فصل دو: مسجد، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی
۶۳	مسجد، نماد تمدن اسلامی
۸۷	مهندسی تمدن اسلامی و مسجد محوری
۱۰۵	مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی
۱۲۳	نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی
۱۴۵	مهندسی فرهنگی مسجد در جامعه جهانی
۱۷۳	مسجد، کانون حماسه‌های اسلامی (از آغاز تا کنون)
۲۰۷	نقش مساجد در اتحاد میان ملل مسلمان
۲۲۹	نقش سیاسی مساجد در عصر پیامبر ﷺ و امام علی (علیه السلام) و در عصر حاضر
۲۸۵	نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی
۳۲۷	کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم
۳۸۳	مساجد، مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی
۴۰۵	مساجد مجازی، پلی برای صدور انقلاب



« دیباچه

در طلایه چهارده سالگی انقلاب شکوهمند اسلامی و بعد از چهار دهه تلاش و مجاهدت در عرصه های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی، فکر و کلام رسا و راسخ امام راحل به گوش می رسد که: «مسجد محلی است که از آن باید امور اداره شود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می خواهیم چه کنیم. پیروزی ما برای اداره مسجد است.»^۱

در تمام این سالها، فعالیت های شایان توجهی در بسیاری از نهادها و سازمان های متولی در حوزه مسجد صورت گرفته است. اما دانش تخصصی مدیریت مسجد و تدوین نظریات و تجربیات مرتبط با آن، در این دوره، امری مغفول و فراموش شده بود که در آستانه چهارده سالگی انقلاب اسلامی و عطف به فرمایش امام عزیز علیه السلام که پیروزی ما برای اداره مسجد است، بر آن شدیم، داشته های خود را در مرکز رسیدگی به امور مساجد که به تعبیر مقام معظم رهبری، به

^۱: ۲۰/۴/۵۹

عنوان «مرکز و مرجع مقبول، آگاه و نافذالکلمه ای در امر مساجد^۱» محسوب می‌شود، در حوزه های مطالعاتی، برنامه‌ای و عملیاتی تجمیع و تدوین نموده و به محضر صاحب نظران، دست اندرکاران و کارگزاران عرصه مسجد تقدیم نماییم. امید است ضمن مطالعه و بهره مندی از این مجموعه، با ارائه نظرات و پیشنهادات خود، در تکمیل هر چه بهتر و کیفی محصولات در حوزه مدیریت مسجد، سهیم باشید. فراموش نکنیم «چنانچه مساجد کیفیت شایسته خود را بیابد، هزینة های مادی و معنوی بسیاری از دوش جامعه، مردم و مسئولان برداشته خواهد شد^۲».

مرکز رسیدگی به امور مساجد

^۱ : ابلاغیه ی رهبر معظم انقلاب به آیت الله مهدوی کنی برای تاسیس مرکز

^۲ : رهبر معظم انقلاب ۱۹/۷/۱۳۹۰

فروغ مسجد

پڙيڊه مقالات ڪتاب هائے فروغ مسجد شماره ۱۵-۷،

جلديڪ، بخش اول

« مقدمه

نگاه تمدنی مقام معظم رهبری در طول دو دهه گذشته نشان از اهمیت این موضوع در منظومه فکری ایشان دارد. چنانچه معظم له در نظر و عمل تأکید فراوانی بر جهت‌گیری تمام فعالیت‌های دولت و ملت، به سمت دستیابی به تمدن نوین اسلامی داشته و دارند. چنانچه می‌فرمایند: «آرمان نظام جمهوری اسلامی را می‌شود در جمله کوتاه ایجاد تمدن اسلامی خلاصه کرد.» (۹۲/۶/۱۴) پیشرفت‌های علمی که در طول چند دهه اخیر در فضای علمی و صنعتی کشور به دست آمده و تبدیل شدن ایران به قطب اول اقتصادی منطقه خاورمیانه به طور واضح گویای این مطلب است که به فرموده معظم له بعد سخت‌افزاری تمدن حاصل شده است. (۹۱/۷/۲۳) و نشان دهنده جهت‌گیری دقیق و درست مسئولان کشور به سمت این بعد از تمدن می‌باشد. چنانچه با مشاهده تاریخ نیز می‌بینیم که بعد سخت‌افزاری یعنی پیشرفت‌های علمی در تمدن اسلامی و کل جهان بسیار چشم‌گیر بوده و یکی از پایه‌های اساسی آن تمدن درخشان در فرهنگ اسلامی بوده است.

لیکن این همه، آن آرمان بلند نیست، چنانچه رهبری عظیم الشان می‌فرمایند:

«اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش حقیقی و اصلی تمدن است...» (۹۱/۷/۲۳)

توجه به بعد فرهنگی تمدن یا بعد نرم‌افزاری آن طبق فرموده ایشان مهم‌تر از بخش سخت‌افزار است و در صورت دستیابی به آن، تمدن حقیقی تشکیل می‌شود. اما مع الأسف این مهم هنوز محقق نشده است. به طور واضح‌تر پیشرفت‌های علمی اصلاً قابل قیاس با پیشرفت‌های فرهنگی نیست که نشان از ضعف و عدم توجه مسئولان و نهادهای متولی به مقوله فرهنگ و سبک زندگی است.

در سبک زندگی اسلامی (به عنوان پایه و اساس و نرم افزار تمدن اسلامی) مسجد، محور و هسته فعالیت‌های فردی و اجتماعی است و به شهادت تاریخ، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام تمام شوؤن مدیریت جامعه از جمله فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی، سیاسی و ... را در مسجد سامان می‌دادند. امروز نیز در مسیر نیل به قله رفیع تمدن نوین اسلامی، مهم‌ترین تکیه‌گاه و نقطه عزیمت، مسجد است و آن هم نه هر مسجدی. بلکه این مسجد تراز اسلامی است که می‌تواند از عهده این رسالت خطیر برآید و پرچمدار ترویج و تبیین سبک زندگی اسلامی و چراغ راه حرکت به سمت تمدن والا و بی‌بدیل مورد نظر رهبری عظیم الشان باشد.

«خانه خدا و خانه مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد.

در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند، مسجد مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه مکتب اسلام است ... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچ یک از

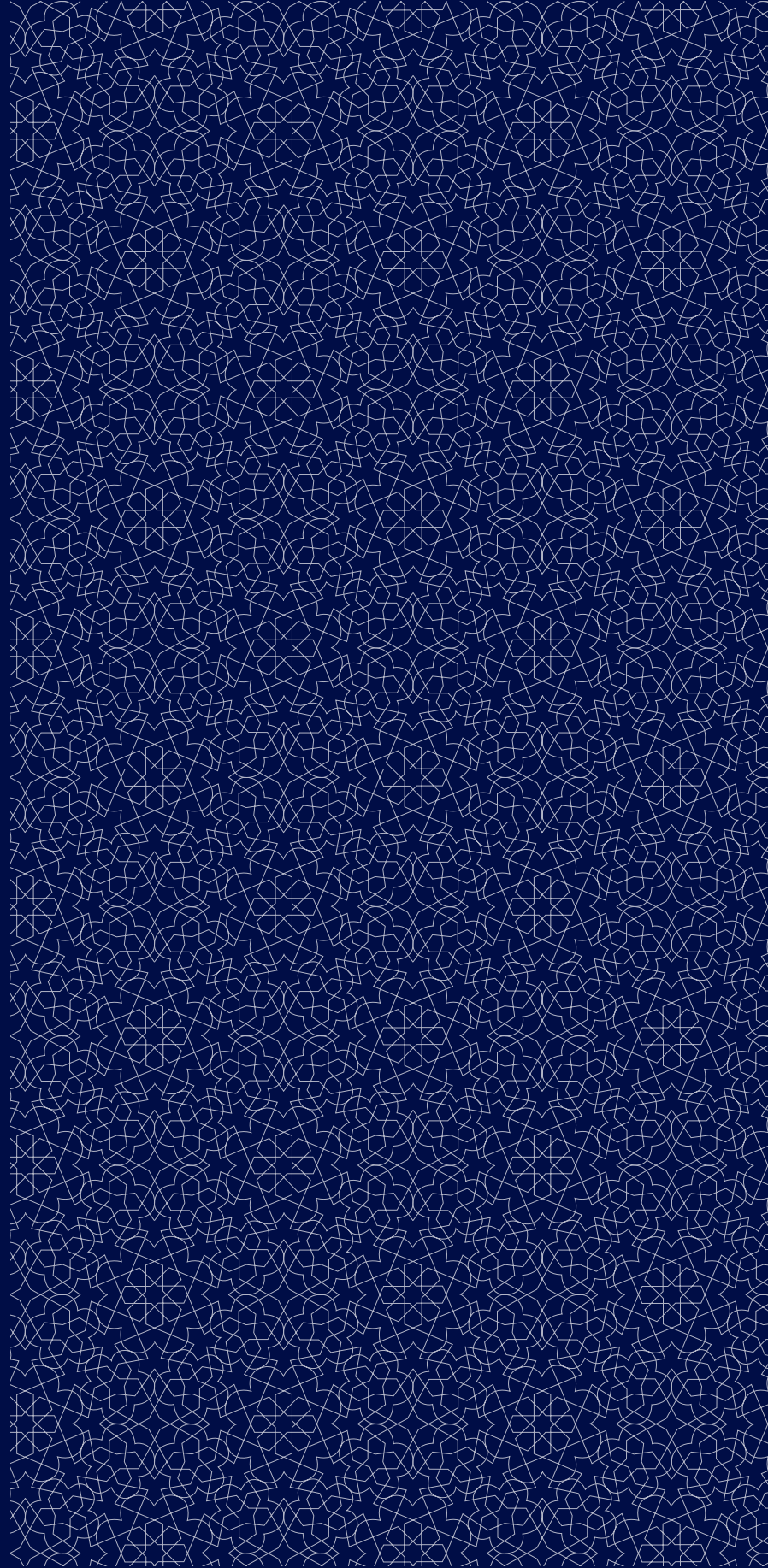
ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد یا ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم.» (پیام مقام معظم رهبری به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹).

مرکز رسیدگی به امور مساجد، تبیین ملاک‌ها و شاخصه‌ها و همچنین تحقق مساجد تراز اسلامی را به عنوان یکی از راهبردهای ویژه خود در دستور کار قرار داده و برآن است تا بسترها و زمینه‌های مناسب برای رقم خوردن این اتفاق مبارک را فراهم نماید.

مجموعه مقالات حاضر که در قالب کتاب سال مرکز و با عنوان فروغ مسجد تدوین گردیده‌اند، گزیده‌ای است از بهترین مقالات گردآوری شده در کتاب‌های فروغ مسجد (از شماره ۱ تا ۷) و تلاشی است در جهت تبیین نقش و جایگاه مسجد در بعد نرم‌افزاری تمدن نوین اسلامی. امید است در نظر فرهیختگان ارجمند به ویژه ائمه محترم جمعه و جماعات مقبول افتد.

لازم است از زحمات خالصانه نویسندگان گرانقدر و همکاران عزیز در دفتر مطالعات و پژوهش‌ها نهایت تقدیر و تشکر را داشته باشیم. مشتاقانه در انتظار راهنمایی‌ها و پیشنهادات سازنده شما سروران گرامی هستیم.

فصل یک:
مقاله برتر



مسجد تراز نظام اسلامی

حمیدرضا مهدوی ارفع

« چکیده

مسجد، اولین و فراگیرترین پایگاه تجلی باورها، ارزش‌ها، اصول و احکام نورانی اسلام است که با ارائه خدمات متنوع، در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی به عموم مردم، به نوعی نمایندگی تمام و کمال شئون گسترده نظام و مکتب اسلام را در سطح محیط پیرامون خود بر عهده دارد. انقلاب اسلامی - که تحوّلی بنیادین را در ارزش‌ها، ساختارها و رفتارها در راستای احیای اسلام ناب محمدی ﷺ ایجاد و ایجاب نموده است - ضمن بازگشت دادن ارکان و اجزاء جامعه به الگوی جامعه مدینه‌النّبی، با لحاظ مقتضیات زمان، عناصر و کارکردهای جدیدی را برای همه یا اکثر ساختارها و از جمله برای مسجد تعریف نموده است. شناخت و پیاده‌سازی عملی این کارکردها و عناصر و توزیع منطقی این نقش‌ها در میان ارکان و اجزاء مسجد، اعم از اجزای داخلی و بیرونی، مهم‌ترین گام راهبردی برای رسیدن به مسجد تراز نظام مقدّس جمهوری اسلامی است. این مقاله با بررسی جایگاه مسجد در طرح کلی اسلام، به تبیین اجمالی شاخص‌های مسجد تراز و شایسته نظام اسلامی می‌پردازد.

« واژگان کلیدی:

مسجد، نظام اسلامی، تراز، ولایت فقیه، کارکرد، اسلام.

« مقدمه

«مسجد تراز نظام اسلامی»، ترکیبی حکیمانه و دقیق است که نخستین بار توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام ارسالی به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز مطرح گردید. برای درک درستِ مختصات این عنوان با مسّی، ابتدا باید تعریفی مبتنی بر منابع علمی از واژگان این ترکیب ارائه نمود.

۱. **مسجد:** مسجد، در اصل اسم مکان از فعل «سَجَدَ، یَسْجُدُ» و در زبان فارسی به معنای محلّ و جایگاه عبادت به کار رفته است. راغب اصفهانی می‌نویسد: «المَسْجِدُ مَوْضِعُ الصَّلَاةِ اِعْتِبَارًا بِالسُّجُودِ؛ یعنی مسجد، جایگاه نماز است و به اعتبار اینکه در آن سجده وجود دارد». سجده، شریف‌ترین رکن نماز و مظهر تامّ بندگی و کُرنش عبد، در برابر پروردگار متعال است. از این‌رو، اسم آن را مسجد گذاشته‌اند.^۳

در اصطلاح شرعی «مسجد، مکانی است که برای برپایی نماز عموم مسلمانان وقف شده باشد». مرحوم شیخ محمدحسن نجفی، در «جواهرالکلام» می‌نویسد: «و المُرَادُ بِالمَسْجِدِ شَرَعًا المَكَانُ المَوْقُوفُ عَلٰی کَافِهِ المُسْلِمِینَ لِلصَّلَاةِ».^۴

۲. **تراز:** در اصل کلمه‌ای پارسی (تراز) بوده و سپس معرّب شده است. به لباس ویژه‌ای که برای سلطان بافته می‌شود، تراز گفته می‌شده است و از همانجا بر هر چیزی که خوب و عالی بوده است، این واژه اطلاق گردیده است و در نهایت، به تقدیر مستوی؛ یعنی چیزی که در اندازه و قواره مورد پسند باشد، تراز می‌گویند.

ابن‌منظور در «لسان العرب» می‌نویسد: «و الطَّرْزُ: مَا یُنْسَجُ مِنَ الثَّیَابِ لِلسَّلْطَانِ،

۱. خانه خدا و خانه مردم، خلوت اُنس با خدا و جلوه حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله آن با عبادتگاه‌های رایج ادیان را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم درهم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به تراز اسلامی آن نزدیک می‌کند... تا این وظیفه به تمام و کمال گزارده نشود، هیچ یک از ما نباید و نمی‌توانیم خطری را که از کمبود مسجد با ضعف و نارسایی مساجد، جامعه و جوانان و خانواده‌ها و نسل‌های آینده را تهدید می‌کند، غافل بمانیم و خود را از برکات عظیمی که مسجد تراز اسلامی به کشور و نظام و مردم هدیه می‌کند، محروم سازیم؛ پیام مقام معظم رهبری به اجلاس سراسری نماز، مهر ۱۳۸۹.

۲. مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۷۱.

۳. ر.ک: فرهنگ مسجد.

۴. جواهرالکلام، ج ۱۴، ص ۶۱.

فارسیّی أیضاً و الطَّرْزُ و التَّرَازُ: جَيِّدٌ كُلُّ شَيْءٍ و قِيلَ: هُوَ مُعَرَّبٌ و أصله التقديرُ المُستوی بالفارسیه»^۱.

از کتب لغت فارسی این گونه استفاده می‌شود که واژه «تراز» یا «تراز» به معنای قاعده، قانون، روش، رتبه، قسم، نوع، هم‌شأن، هم‌پایه و هم‌سطح است.^۲

۳. نظام اسلامی: مقصود از نظام اسلامی، نظامی است که اجرای شریعت اسلامی در همه عرصه‌ها را وجهه همّت خویش قرار داده باشد. رهبری، در این نظام بر عهده مجتهد جامع‌الشرایطی است که افزون بر برخورداری از شرایط افتاء، دارای قدرت رهبری و اداره جامعه اسلامی نیز باشد. رهبری در این نظام با تکیه بر برخورداری از دو اصل «مشروعیت الهی» و «مقبولیت مردمی» دارای اختیاراتی است که می‌تواند به طور مستقیم یا از طریق نصب افراد شایسته در شئون جامعه دخالت کند.

۴. کارکرد: به معنای نقش یا اثری است که هر پدیده در زنجیره پدیده‌هایی که با آنها مرتبط است، باقی می‌گذارد.

« پارادایم‌های «مسجدتراز نظام اسلامی»

اگرچه در خصوص تعریف و مختصات «مسجد تراز نظام اسلامی» غیر از چند پژوهش موردی محدود و یک کتاب کوچک مستقل - که آن هم عصاره یک رساله دکترا بوده است -^۳ تحقیقات شایسته و بایسته‌ای صورت نگرفته است؛ اما از بررسی مجموع دیدگاه‌های منتشره در خصوص مسجد و انتظارات کارکردی آن می‌توان سه تلقی از مفهوم «مسجد تراز اسلامی» احصاء نمود:

۱. دیدگاه تاریخی - سنتی

عده‌ای مقصودشان از «مسجد تراز اسلامی» یا «مسجد تراز نظام اسلامی» همانا

۱. لسان العرب، ج ۸، ص ۱۴۳.

۲. عباسی، رسول، مسجد تراز اسلامی، ستاد عالی هماهنگی و نظارت عالی بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد، تهران، ۱۳۹۰.

۳. همان.

مسجدی است که به‌طور کامل منطبق بر ویژگی‌ها و کارکردهای مسجد در صدر اسلام و به‌خصوص در زمان حکومت نبوی در مدینه الرسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ باشد.^۱ این تلقی اگرچه از لحاظ ابتناء بر روش و سیره پیامبر اعظم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بسیار صواب و قابل تقدیر است و حتی گاهی در ظاهر منطبق با فرمایشی از امام راحل رَحِمَهُ اللهُ است که فرمودند: «امیدوارم موفق به این امر بشوید و مساجدمان برگردد به حال مساجد صدر اول»، اما نگرشی جامع و پویا نیست.

به عبارت دیگر، احیای تمام کارکردها و نقش‌های مسجد در عصر نبوی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، امری بسیار ضروری و متین است؛ اما چنانچه از فرمایش حضرت امام راحل رَحِمَهُ اللهُ و نظایر آن چنین برداشت شود که سقف و نهایت نقش‌آفرینی و کارکرد مسجد همان است که در صدر اسلام ظهور و بروز پیدا کرد و کسی حق ندارد کارکردی فراتر از آن را برای مساجد تعریف نماید، چنین برداشتی به‌طور قطعی ناصواب و عامل رکود و ایستایی خواهد بود.

به نظر نگارنده، سخن حکیمانه امام راحل رَحِمَهُ اللهُ که به‌طور قطعی نمی‌تواند به تنهایی و بدون توجه به سایر مبانی و دیدگاه‌های دیگر ایشان مورد استناد قطعی قرار گیرد، ناظر بر مقایسه دوران پیش و اوایل دوران پس از انقلاب با دوران صدر اسلام است. در واقع، امام در مقام اعلام عدم‌رضایت از وضع موجود مساجد در ابتدای انقلاب و فاصله بسیار زیاد آن از جایگاه و کارکردها شایسته آن است و با ارجاع اذهان به اوضاع مساجد در صدر اسلام و عصر حکومت اسلامی نبوی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قصد داشته‌اند این حقیقت را یادآوری و القاء کنند که باید کارگزاران نظام اسلامی تلاش کنند تا مساجد به عنوان کانون‌های اصلی شکل‌گیری انقلاب به‌تراز لایق خود برگردند.

از طرف دیگر، در زمان شخص امام راحل رَحِمَهُ اللهُ هم مساجد به پایگاه خدماتی تبدیل شده بودند که شاید هرگز در طول تاریخ سابقه نداشته است؛ نظیر تمرکز بسیج اقتصادی در مساجد، مراکز برگزاری انتخابات، محل اسکان مسافران نوروزی و ...

۱. ماهنامه مسجد، ۱۳۹۱، شماره ۱۶۲، ص ۱۳.

۲. صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۴۱.

۲. دیدگاه حدّاقلی

گروهی از صاحب‌نظران و محققان بر این باورند که کارکردها و نقش‌های مسجد در عهد نبوی صلی الله علیه و آله بر دو گونه بوده است:

الف) کارکردهایی که مربوط به مسجد، بما هو مسجد می‌شود، فارغ از اینکه حکومت و حاکمیت اسلامی باشد یا نه و صرف‌نظر از اینکه در حکومت اسلامی، حاکم پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام یا ولی فقیه غیر معصوم باشد.

ب) کارکردهایی که ناشی از اختیارات انحصاری حاکم معصوم - اعم از پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام - است و به‌طور مستقیم به شئون و اختیارات ایشان باز می‌گردد.

این گروه - که اغلب دارای مبانی اسلام‌شناختی غیرپویا و کم‌بهره از تأثیرات زمان و مکان هستند - در سایه دسته‌بندی مذکور، چنین نتیجه می‌گیرند که مهم‌ترین وظیفه مساجد، برپایی نماز جماعت، مجالس ذکر و دعا و موعظه و حداکثر در بُعد اجتماعی - همکاری مؤمنان برای رفع نیازهای مادی و مالی نیازمندان محلّ و تسکین آلام آنهاست.

متأسفانه باید گفت این دیدگاه - دانسته و ندانسته - حاشیه‌ای از تئوری دشمن ساخته «سکولاریسم» و جدایی دین از دنیا و سیاست است که گاه آگاهانه از تریبون‌های روشنفکران دینی مطرح می‌شود و گاه ناآگاهانه بر زبان و قلم متدینین سنتی جاری می‌گردد.

۳. دیدگاه فقه پویا (حداکثری)

ما با تکیه بر دو مبنای اصولی و عمده در فقه شیعه، معتقدیم که کارکردهای مسجد در دوران نظام اسلامی، علاوه بر شمول کلیه کارکردهای مسجد در نظام اسلامی نبوی، می‌تواند و باید بتواند - ضمن رعایت اصول و ارزش‌های بنیادین تفکر اسلامی - شامل کارکردها و نقش‌های نوینی متناسب با نیازها و مقتضیات جدید باشد. دو مبنای اصولی یاد شده عبارت‌اند از:

الف) اطلاق و عمومیت شئون و اختیارات ولی فقیه به عنوان حاکم اسلامی

شکی نیست که پیامبر مکرّم اسلام ﷺ در دوران خود از اختیارات تامّ، مطلق و عامّی در حوزه تدبیر و مدیریت امور امت اسلامی برخوردار بوده‌اند. از طرفی، هر تجویز اختیاری از سوی خداوند متعال، مبتنی بر حکمت و مصلحتی واقعی است. حکمت و مصلحت مطلقه بودن ولایت رسول الله ﷺ همانا برداشتن تمام موانع از سر راه پیشرفت و تعالی امت اسلام و فراگیر شدن ارزش‌های اسلام ناب محمّدی ﷺ بوده است.

اکنون در دوران غیبت و در عصر تشکیل تنها حکومت اسلامی با رهبری فقیه عادل و جامع‌الشرایط، این سؤال پیش می‌آید که فارغ از ولایت تکوینی - که فقط در اختیار معصومان (علیهم‌السلام) است - در حوزه ولایت شرعی و تشریحی، ولی فقیه چه میزان از اختیارات و شئون پیامبر را در عرصه اداره امور امت واجد است؟ اگر بگوییم تنها بخشی از آنها را که مصداق یا مصادیقی از آن در عصر حیات پیامبر، موضوعیت یافته و حضرت نسبت به آن اعمال نظر و اقدام فرموده‌اند و موضوعات و احکام جدید و مقتضیات نوین، از حوزه اختیار حاکم اسلامی خارج و ممنوع است، در این صورت اصل حکمت و مصلحت تفویض و تجویز اختیار به اولیاء زیر سؤال می‌رود؛ زیرا همان وظیفه‌ای که از پیامبر در زمان خودش انتظار می‌رود - یعنی اداره تمام امور امت اسلام و توسعه آرمان‌های اسلام - از ولی فقیه هم انتظار می‌رود؛ در حالی که لوازم آن در اختیار وی قرار داده نمی‌شود و این علاوه بر اینکه تکلیف بمالایطاق است و از نظر عقلی قبیح و محال است، نقض غرض نیز محسوب می‌شود.

بنابراین، چاره‌ای نیست جز اینکه بگوییم ولی فقیه در عرصه اداره امور امت اسلام، از تمام اختیارات و شئون پیامبر ﷺ و امام معصوم (علیه‌السلام) برخوردار است،
طابَقِ النَّعْلِ بِالنَّعْلِ!

امام خمینی رحمته‌الله‌علیه؛ احیاگر ولایت مطلقه فقیه

حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه؛ احیاگر تئوری مترقی ولایت مطلقه فقیه در عصر جدید

در این باره می‌فرمایند: «حکومت، که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله ﷺ است، یکی از احکام اولیّه اسلام است و مقدّم بر تمام احکام فرعیه، حتّی نماز و روزه و حجّ است. حاکم می‌تواند مسجد یا منزلی را که در مسیر خیابان است، خراب کند و پول منزل را به صاحبش ردّ کند. حاکم می‌تواند مساجد را در موقع لزوم تعطیل کند و مسجدی که ضرار باشد، در صورتی که رفع بدون تخریب نشود، خراب کند. حکومت می‌تواند قراردادی شرعی را که خود با مردم بسته است، در موقعی که آن قرارداد مخالف مصالح کشور و اسلام باشد، یک جانبه لغو کند و می‌تواند هر امری را چه عبادی و یا غیرعبادی است- که جریان آن مخالف مصالح اسلام است- از آن، تا زمانی که که چنین است جلوگیری کند. حکومت می‌تواند از حجّ، که از فرایض مهمّ الهی است در مواقعی که مخالف صلاح کشور اسلامی دانست، به‌طور موقت جلوگیری کند»^۱.

ب) تأثیر مقتضیات زمان در توسعه و ضیق موضوعات احکام فقهی

بحث از چگونگی انطباق دین با نیازهای زمان، دامنه‌ای به درازای عمر ادیان دارد. مهم‌ترین چالش‌های هر عصر و نسلی در طول تاریخ، همین مسئله است که آیا امکان انطباق یک دین بر نیازها و مقتضیات همه زمان‌ها و همه مکان‌ها وجود دارد یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟

در پاسخ به این پرسش بنیادین سه دیدگاه متفاوت در میان روشنفکران و صاحب‌نظران پدید آمده است:

۱. **دیدگاه افراطی:** که به‌طور اساسی مقتضیات زمان و مکان را نادیده گرفته و موضوعات احکام را همانند احکام اولیّه و ثابت دین، غیرقابل تغییر و تحوّل می‌داند. شاید تعبیر انسدادی یا متحجرانه بر این دیدگاه، تعبیر ناروایی نباشد.
۲. **دیدگاه تفریطی:** که در مقابل دیدگاه افراطی، تغییرات و مقتضیات زمان را اصل گرفته و دین و احکام آن را فرع و تابع محض مقتضیات زمان می‌داند.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۴۵۲-۴۵۱.

صاحبان این اندیشه - که اغلب روشنفکران غرب زده هستند - در عمل، دین را از عرصه‌های اساسی زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی حذف نموده و آن را در چارچوب فردی و عبادی محصور نموده‌اند.

۳. دیدگاه فقه جواهری: عقل و منطق حکم می‌کند که اجتهاد دینی با مقتضیات زمان و مکان هم‌خوانی داشته باشد؛ به گونه‌ای که نه ارزش‌ها و آموزه‌های دینی نفی گردد و نه عنصر زمان و مکان و شرایطی که دین باید در آن متجلی گردد، نادیده گرفته شود. بنابراین، فقه اسلام در عین سنتی بودن و اجتهاد آن در عین جواهری بودن، منطبق با شرایط زمان و مکان نیز خواهد بود و پویایی آن نیز حفظ خواهد شد.

بیشتر فقهای ما دارای این دیدگاه بوده و بر لزوم انطباق فقه با مقتضیات زمان و مکان تأکید دارند.^۱ نمونه‌های بارز آن در تاریخ معاصر بسیار است. از فتوای

۱. درباره بحث از «تأثیر مقتضیات زمان و مکان در موضوع احکام فقهی»، تحقیقات و تألیفات بسیاری توسط محققین و دانشمندان اسلامی، اعم از شیعه و سنی و در برخی موارد از مستشرقین صورت گرفته است که به برخی از آنها اشاره و اندک توضیحی در خصوص برخی از آنها ارائه می‌شود (اقتباس از: نوری، محمد، گزیده مآخذشناسی نقش زمان و مکان در فقه، آیین پژوهش، ۱۳۷۴، شماره ۳۶).

۱. ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد: «در میان افراد بشر، فقیهان از همه کس از امور سیاست دورترند» (مقدمه ابن خلدون، جلد دوم، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۹، ص ۱۱۴۶ - ۱۱۴۸) دوری فقیهان از مقتضیات زمان و مکان توجه ابن خلدون را جلب کرده و طی یک فصل، به بررسی آن پرداخته است. چکیده این کاوش از این قرار است: غور در مسائل نظری و قیاس‌ها و استدلال‌های فقهی و دوری از جزئیات و امور خارجی، موجب گسستگی از واقعیات اجتماعی شده و اگر به سیاست که یک فن واقع‌گراست، وارد شوند دچار اشتباه خواهند شد.

۲. البوطی، محمد سعید رمضان: «جمل الشبهات التي تثار حول تطبيق الشريعة الاسلامية في العصر الحديث» (عربی)، العوده الى الاسلام، دمشق، الرساله، ۱۴۱۳ ق. ص ۸۹ - ۹۳۸.

۳. تفاحه، احمد زکی: «صلاحیه التشريع، الاسلامی لتطبيق لكل زمان و مکان» (عربی)، الاسلام و الحكم، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، بی‌تا، ص ۲۲۷ - ۲۹۷؛ احکام اسلام نه به‌طور مطلق متغیر و نه به‌طور مطلق ثابتند، بلکه برخی از آنها ثابت و برخی دیگر تغییرپذیرند. تغیر و تطوّر احکام، به دلیل تطوّر زمان و پیش آمدن حوادث مختلف است.

۴. جمال، احمد محمد: «حول تغیر الاحکام بتغییر الزمان»، البعث الاسلامی، جلد نوزدهم، ش ۵، ص ۶۱ - ۶۴.

۵. جناتی، محمد ابراهیم: «نقش زمان و مکان در اجتهاد»، ادوار اجتهاد از دیدگاه مذاهب اسلامی، چاپ اول، تهران، کیهان، ۱۳۷۲، ص ۴۳۵ - ۴۷۹.

موارد و نمونه‌های تأثیر زمان و مکان در اجتهاد مورد بررسی قرار گرفته است. نویسنده قائل به تأثیر بی‌واسطه زمان و مکان در ناحیه ملاک‌ها و موضوعات احکام فقهی و نه در ناحیه خود احکام یا در منابع و ادله است. از این‌رو، زمان و مکان را فقط در «اجتهاد تفریعی و تطبیقی» مؤثر می‌داند. تغیر موضوعات یا تغیر ویژگی‌ها و شرایط آنها، احکام جدیدی می‌طلبد که مجتهد با تکیه بر مصادر فقهی ارائه می‌نماید.

۶. حبیب، ه. ا. ز: «مبادئ الروح العصريه، الديانه المتجدد، القانون و المجتمع» (عربی)، الاتجاهات الحديثه في الاسلام، ترجمه هاشم الحسینی، بیروت، دارالمکتبه الحیاه، ۱۹۶۶ م، ص ۶۷ - ۱۴۳.

۷. حسن، حسن عباس: «التطور و التحول» (عربی)، الصباغه المنطقية للفكر السياسي الاسلامي، بيروت، الدار العالميه، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۹ - ۸۰.

۸. حسين، محمد الخضر: الشريعة الاسلاميه صالحه لكل زمان و مكان (عربی)، قاهره، ۱۳۹۱ ق. چكیده این کتاب تحت عنوان مزبور به صورت مقاله در مجله نور الاسلام (قهره)، مجلد اول، ش ۳ (ربيع الأول ۱۳۴۹) منتشر شده است.

۹. حنفی، حسن: التراث و التجديد (عربی)، چاپ اول، قاهره، المركز العربي للبحث و النشر، ۱۹۸۰ م، خان، وحيدالدين. الاسلام و العصر الحديث (عربی)، ترجمه قطر الاسلام خان، بيروت: دارالنفائس، ۱۹۸۶ م، ص ۱۵۷.

۱۰. داوید، زنه: «انطباق حقوق اسلامي با دنياي جديد»، در مجموعه نظام‌های بزرگ حقوقی معاصر، ترجمه حسين صفایي و ديگران، تهران، نشر دانشگاهي، ۱۳۶۴، ص ۴۵۵ - ۴۶۲؛ نویسنده که از حقوقدانان فرانسوی است. فصل اول از بخش چهارم این کتاب را به حقوق اسلامي اختصاص داده و ذیل سه عنوان «اساس تغييرناپذير حقوق اسلامي»، «انطباق حقوق اسلامي با دنياي جديد» و «حقوق كشورهای اسلامي»، به بررسی موضوع پرداخته است. در عنوان دوم به مکانیسم انطباق فقه اسلام با دنياي جديد می‌پردازد. وی تأکید دارد که فقه اسلامي به گذشته تعلق ندارد و در عصر حاضر کشورهای اسلامي مورد قبول است. آنگاه شیوه‌ها و ابزارهایی که فقه را در عصرهای مختلف فعال می‌سازد، مورد بررسی قرار داده و چهار شیوه و ابزار را بدین شرح برشمرده است: استمداد از عرف و عادت، استفاده از قرارداد، حیل‌های حقوقی و مداخله حاکم.

شارع، امضاءکننده بسیاری از رویه‌های عرف بوده است. عرف متحول در چهارچوب ضوابط اسلامي، مورد قبول است. دومین شیوه بیانگر ضیق دامنه احکام ضروری است که بدین وسیله با خلّو قوانین، انسان‌ها می‌توانند به وضع قوانین و ایجاد قرارداد بپردازند. حیل‌های حقوقی (تغییر عنوان) و بالاخره حاکم با اختیارات خود، ابزارهای خوبی برای فعال‌سازی فقه در عرصه‌های اجتماعی در اختیار دارد.

۱۱. الدرينی، محمد فتحی: «الجمود الفقهي و التعصب المذهبي» (عربی)، بحوث مقارنة فی الفقه الاسلامي و اصوله، جلد اول، بيروت، الرساله، ۱۴۱۴ ق، ص ۷۱ - ۱۰۸.

از آنجا که روح دین اسلام با جمود و تعصب ناسازگار است، قادر به گره‌گشایی از مشکلات عصرهای مختلف و پاسخ‌گویی به نیازهای دوره‌های گوناگون است. نویسنده تأکید دارد که اجتهاد، قرآن و تسامح، از عناصری است که فقه را با زمان‌ها انطباق می‌بخشد.

۱۲. «سر استمراریه صلاحیه الاسلام دینا و تشریحاً لكل زمان و مكان» (عربی)، دراسات و بحوث فی الفكر الاسلامي المعاصر، جلد دوم، دمشق، دار قتیبه، ۱۴۰۸ ق، ص ۴۶۵ - ۴۶۸.

۱۳. الدسوقي، محمد و الجابر، امینه: «عوامل النهضه الفقهيه الحديثه»، مقدمه فی دراسه الفقه الاسلامي، الدوحه (قطر)، دارالتقافه، ۱۴۱۱ ق، ص ۲۸۳ - ۳۰۲.

بررسی جامعه‌شناسانه فرآیند فقه اسلامي تحت عناوین زیر بررسی شده است. گذشته فقه اسلامي و جامعه‌های اسلامي، وضعیت بحران کنونی فقه، عوامل و موجبات پیدایش نهضت فقهی جدید، نمودهای این نهضت، ابداع شیوه‌های جدید برای اصلاح فقه و آینده فقه.

۱۴. الرافعی، مصطفى: «الاسلام و مشکلات العصر» (عربی)، بيروت، الشركه العلمیه للكتاب، ۱۹۸۷ م، ص ۳۰۹. اینکه اسلام تا چه اندازه در برطرف کردن مشکلات عصر توفیق عملی و نظری داشته، مورد بررسی قرار گرفته و در ضمن نقش فقه نیز مورد پژوهش واقع شده است.

۱۵. الزحیلی، وهبه: «تغییر الاحکام بتغییر الزمان او تغیر الفتوی بتغییر الزمان» (عربی)، اصول الفقه اسلامي، جلد دوم، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۶ ق، ۱۱۱۸-۱۱۱۶.

احکام به سبب تغییر عرف، مصالح اجتماعی و مردم یا به سبب پیدایش ضرورت‌ها و یا ظهور سازمان‌های جدید، تغییر می‌یابند؛ اما این مربوط به احکام اجتهادی و معاملات است و احکام عبادی تغییرناپذیر است.

۱۶. الزین، سمیح عاطف: «الاسلام ثابت لا یتغیر و لا یتطور بتغییر الزمان و المكان» (عربی)، الاسلام و ثقافه الانسان، بيروت، دارالكتاب اللبناني، ۱۳۹۳ ق، ص ۳۱۶ - ۳۱۹. بر عدم تغییر و ثبات شریعت و احکام فقهی تأکید دارد.

۱۷. سروش محلاتی، محمد: «امام و نقش زمان و مکان در اجتهاد»، آفتاب تابان (ویژه سومین سالگرد رحلت حضرت امام خمینی ره، روزنامه جمهوری اسلامی)، خرداد ۱۳۷۱، ص ۴۳ - ۵۱. این نوشته، شامل بررسی دیدگاه‌های امام ره در مبحث تأثیر زمان و مکان است.

۱۸. سلام، رفعت: «بحث عن التراث العربی، نظره نقدیه منهجیه» (عربی)، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، ۱۹۹۰م، ص ۳۴۳. سه بخش این کتاب با عناوین: «الثابت و التحول»، «التراث و التجديد» و «جدل التراث و الواقع»، درباره مناسبات تحولات زمان و تغییر مقتضیات عصرها با اصول ثابت دین و فقه است.

۱۹. شبلی، احمد: «موسوعه النظم و الحضاره الاسلامیه (۶) المجتمع الاسلامی» (عربی)، چاپ ششم، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۸۶م، ص ۲۵۳. اسلام دین همه زمان‌ها و مکان‌ها و پاسخ‌گو به نیازهای مردم است.

۲۰. شبلی، محمد مصطفی: «الفقه الاسلامی بین المثالیه و الواقعیه» (عربی)، بیروت، الدار الجامعیه، ۱۹۸۲م، ص ۲۵۲. تعبیر دیگر برای مبحث فقه و زمان، مثالیه و واقعیه است که توسط متفکران عرب مورد استفاده قرار گرفته است. مثالیه، یعنی خیال‌پردازی و ایده‌آلیستی فکر کردن، در مقابل واقع‌گرایی و توجه به واقعیات و حقایق اجتماعی و انسانی. نویسنده با این‌گرایش که فقه اسلامی انعطاف‌پذیر و واقع‌گرا است به تحلیل عناصر و اهرم‌هایی که فقه را سیال و متغیر ساخته، می‌پردازد. البته در خلال این تحلیل‌ها، به مثال‌ها و مصداق‌های عینی هم عنایت شده است. کتاب حاضر، ابتدا به تعریف واقع‌گرایی فقه پرداخته و شبهات عدم‌انعطاف فقه را پاسخ گفته است. پس از آن، سه بخش کتاب آمده است: بخش اول عهده‌دار تبیین سه نکته است: تعامل ارزش‌های اخلاقی متحول با احکام فقهی، تأثیر عرف در تغییر احکام، تأثیر عقل در تغییر احکام فقهی. بخش دوم تحلیلی از مصادر و منابع فقه است با توجه به اینکه آن منابع چه نقشی در انعطاف‌پذیری فقه ایفا می‌نمایند. بخش سوم به کارآمدی و توفیق نظری و عملی فقه در زمان حاضر در عرصه‌های مختلف حیات انسان، مانند معاملات ربوی، حدود و تعزیرات پرداخته است.

۲۱. صادقی، محمد: «فقه گویا یا فقه سنتی، فقه پویا یا...؟»، قم، انتشارات جامعه علوم القرآن، بی تا، ص ۱۰۰.

نویسنده معتقد است که کارآمدی و کارآمدی فقه در پاسخ‌گویی به نیازهای زمان، نه با فقه سنتی و نه با فقه پویا امکان‌پذیر است. از این‌رو، وی با نقادی فقه سنتی و فقه پویا، به دلیل عدم‌آکنای آنها به قرآن به عنوان مصدر اول و عنایت به منابع دیگر، در صدد ارائه جریان سوومی در فقه شیعه به نام فقه گویاست و معتقد است با فقه گویا مشکلات برطرف می‌شود.

۲۲. صافی، لطف الله: «الاحکام الشرعیه ثابته لا تتغیر» (عربی)، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۲ ق، ص ۴۰. مؤلف از موضع مخالفت با تغییر شریعت و احکام دین به تبیین ثبوت و جاودانگی شریعت می‌پردازد. البته خلاصه این جزوه در شماره نخست مجله رساله‌الثقلین آمده است.

۲۳. صعب، حسن: «الاسلام تجاه التحديات العصریه» (عربی)، چاپ اول، بیروت، ۱۹۸۵م.

۲۴. طباطبایی، سید محمدحسین: «اسلام و نیازمندی‌های انسان معاصر»، مجموعه مقالات و پرسش‌ها و پاسخ‌ها، به کوشش هادی خسروشاهی، جلد اول، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱، ص ۴۷-۸۶.

۲۵. العبادی، عبدالله: «تقدیم طاعه علی آخری او ترکها نظراً للزمان و المكان و الاحوال» (عربی)، الدوحه، دارالثقافه، ۱۹۹۲م، ص ۲۵۰.

۲۶. عبدالحمید، محسن: «منهج التغيير الاجتماعي فی الاسلام» (عربی)، بغداد، مکتبه القدس، ۱۴۰۲ ق، ص ۵۷. فراهم آمده از شش فصل است؛ شامل: جامعه‌شناسی و تحولات اجتماعی، اسلام و تغییر جامعه، طرح و زمینه تغییر اجتماعی اسلام، اهداف تغییر جامعه در اسلام، موجبات عدم‌تحول اجتماعی در جهان اسلام، شیوه تحول اجتماعی در اسلام.

۲۷. عبدالقادر، محمد احمد: «بین الاصله و المعاصره» (عربی)، اسکندریه، دارالمعرفه الجامعیه، ۱۹۹۴م، ص ۴۸۰.

۲۸. العشادی، محمد سعید: اصول الشریعه (عربی)، بیروت - قاهره، المکتبه الثقافیه - سینا للنشر، ۱۴۱۲ق. برای انطباق و تطبیق شریعت، با مباحث و مسائل جدی بین‌المللی، جنایی، اقتصادی و ... به تبیین اصول پرداخته تا با تمسک به آنها این انطباق، به سهولت انجام پذیرد.

۲۹. العمری، نادیه شریف: «تغییر الفتوی بتغییر الازمنه و الامکنه» (عربی)، الاجتهاد فی الاسلام، بیروت، الرساله، ۱۴۰۶ق، ص ۲۴۶ - ۲۵۴.

شریعت اسلامی صلاحیت انعطاف با همه زمان‌ها و مکان‌ها را دارد؛ چون موضوعات را به عرف احاله می‌دهد و پس از اخذ رأی عرفی، به استنباط فتوا می‌پردازد. از این‌رو، جایز نیست که مفتی فتوای گذشته را در زمان حال تکرار کند.

۳۰. فضل الرحمن: «الاسلام و ضروره التحديث» (عربی)، بیروت، دارالاساقی، ۱۹۹۳م، ص ۲۴۳. ضرورت توجه به مسائل مستحدث، به خصوص در دوره جدید توسط دین‌داران و فقیهان.

۳۱. فؤاد، نعمت: «الاسلام و انسان العصر» (عربی)، قاهره، مکتبه غریب، ۱۹۹۰م، ص ۱۳۵.

۳۲. القرضاوی، یوسف: «الاجتهاد فی الشریعه الاسلامیه (مع نظرات تحلیلیه فی الاجتهاد المعاصر)» (عربی)، الطبعة الثانیه، کویت، دارالقلم للنشر و التوزیع، ۱۴۱۰/۱۹۸۹، ص ۲۱۳.

۳۳. قطب، محمد: «اسلام و تحولات زندگی»، ترجمه محمدعلی عابدی، چاپ اول: تهران، مؤلف، ۱۳۵۱، ص ۶۱۲. این اثر، ترجمه کتاب التطور و الثیاب فی الحیاه البشریه است. نویسنده با طرح شواهد تاریخی و مطالب دینی، خواهان بررسی این نکته است که چیره شدن تفکر تحوّل‌طلبی در اروپا، هیچ چیز را ثابت نداشتن، حتی دین و معنویات است. با ورود این طرز تفکر به جامعه‌های اسلامی، امور ثابت که ارکان زندگی بشر هستند، در معرض خطر قرار گرفته است. از این‌رو، باید از افراط و تفریط‌ها اجتناب کرد و به‌طور معقول اسلام را با زمان همگام ساخت.

۳۴. کاتوزیان، ناصر: «قلمرو زمانی و مکانی حقوق»، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، مدرس، ۱۳۶۹، ص ۲۳۷ - ۲۶۲. ضمن دو مبحث «قلمرو حقوق در مکان» و «قلمرو حقوق در زمان» به نقش‌آفرینی این دو عامل در حقوق می‌پردازد. گرچه از نویسنده حقوقی صرف است، ولی رهیافت‌های خوبی برای فقه و زمان دارد. مبحث دوم در صدد پاسخ‌گویی به این سه سؤال است: قانون از چه لحظه‌ای قابل اجرا است؟ در چه زمانی سلطه و اقتدار قانون پایان می‌پذیرد؟ قانون آیا ناظر به آینده است؟ همین سؤالات در باب احکام فقهی نیز جاری است.

۳۵. متولی، عبدالحمید: «ازمه الفكر السیاسی فی العصر الحدیث» (عربی)، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، ۱۹۸۵م، ص ۳۱۴. تفکر اسلامی، به‌ویژه در بُعد فقهی آن در عصر حاضر، با بحران مواجه است. از مظاهر این بحران عدم توانمندی و کارآمدی فقه مقتضیات این عصر است. از این‌رو، کشورهای اسلامی، قانون اساسی و قوانین دیگر خود را از منابعی غیر از فقه اسلامی اخذ می‌کنند. مطالب این کتاب در سه قسمت تنظیم شده است: بررسی این بحران و نمودهایش، بررسی علل و موجبات آن و بالاخره راه‌های علاج و چاره‌جویی آن. در این چاره‌جویی‌ها به عصری بودن فقه توجه شده است.

۳۶. محمصانی، صبحی: «ملائمه الشریعه لحاجات العصر الاجتماعیه» (عربی)، الثقافه الاسلامیه و الحیاه المعاصره، گردآورنده محمد خلف الله، قاهره، مکتبه المنهضه المصریه، ۱۹۶۲م، ص ۱۶۱ - ۱۸۳.

۳۷. مدرسی طباطبایی، حسین: «ضرورت احیاء فقه اسلامی»، در کتاب زمین در فقه اسلامی، جلد اول، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲، ص ۲۰-۹. احیای فقه به نزدیکی آن به حقوق و مجهز شدن به روش و اسلوب جدید بستگی دارد. این نوشتار، در واقع بیانگر مکانیسم و چگونگی کارآمدی فقه در پاسخ به نیازهای زمان است.

۳۸. مطهری، مرتضی: «اسلام و مقتضیات زمان»، دو جلد، تهران، صدا، ۱۳۶۲ - ۱۳۷۰، ص ۲۴۳ - ۲۵۸. شامل سخنرانی‌های نویسنده، پس از ۱۳۵۰ و از اولین و متقن‌ترین نوشته‌هایی است که در ایران به این بحث پرداخته است. مقدمه را چنین آغاز کرده است: «برای روشنفکر مسلمان در عصرها مهم‌ترین مسئله اجتماعی، بقا و ماندگاری دین را در گرو همگامی با این تحولات و پاسخ‌گویی به آن اقتضانات می‌داند. راه‌حلی که وی برای حیات و فعال بودن دین پیشنهاد می‌کند، اجتهاد مستمر فقیهان در رخدادهای جدید بر مبنای عناصر ثابت دین است. مفاهیمی همچون خاتمیّت، نسخ، نسبیّت و اطلاق قضایای دینی، عقل، مصالح و مفساد و باید و نبایدها، مناسبات احکام را به مدد طلبیده تا نظریه اجتهاد را پر بارتر عرضه بدارد.

جلد دوم کتاب به‌طور عمدی نقادی دیدگاه‌های جبرگرایی، به خصوص جبرگرایی تاریخی است که جوهره آن عدم اعتقاد به عناصر ثابت و حقانیت نوگرایی افراطی است. ترجمه عربی این اثر: الاسلام و متطلبات العصر، علی هاشم، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۴۱۱ ق.

۳۹. النمر، عبد المنعم: «متی تتغیر الاحکام و لماذا؟ ما السیاسه الشرعیه» (عربی)، الاجتهاد، قاهره، هیئته المصریه، ۱۹۸۷م، ص ۱۲۵ - ۱۴۵.

احکام به تبع تغییر زمان و مکان و تحوّل مصالح و شرایط تغییرپذیر است و این را می‌توان مراعات اقتضای حال نامید.

تحریم استعمال توتون و تنباکو توسط مرحوم میرزای شیرازی تا حکم حضرت امام رضوان الله تعالی علیه مبنی بر تعطیلی موقت حج، همگی مبتنی بر پذیرش اطلاق ید فقیه جامع الشرایط در حوزه مصالح امت اسلامی است.

درباره نقش و تأثیر عنصر زمان در تعیین وضعیّت موضوع احکام شرعی حضرت امام رحمتهما می فرمایند: «اما در مورد روش تحصیل و تحقیق حوزه‌ها، این جانب معتقد به فقه سنّتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم. اجتهاد به همان سبک صحیح است؛ ولی این بدان معنی نیست که فقه اسلام پویا نیست؛ زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند. مسئله‌ای که در قدیم دارای حکمی بوده است، به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند؛ بدان معنی که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی، همان موضوع اوّل که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، به طور واقعی موضوع جدیدی شده است که به اجبار حکم جدیدی می طلبد»^۱.

بنابراین، «استعمال توتون و تنباکو» تا زمانی که فقط «استعمال توتون و تنباکو» است، به نظر برخی مراجع جایز است؛ اما به محض اینکه در اثر نوع روابط استعماری شاه ایران با انگلیس سلطه‌گر، تبدیل به «زمینه‌ای برای تسلط کفار بر مسلمانان و چپاول ثروت مسلمانان توسط بیگانه» می شود، حکم حرمت بر آن بار می شود.

همچنین، تا زمانی که انجام حجّ بیت الله الحرام، فقط «ادای یک فریضه دینی» است و عنوان دیگری بر آن بار نشده است، به طور قطع، جایز بلکه با شرایط

مؤید این، نزول تدریجی شریعت طی بیست و سه سال است. وظیفه رهبران دینی، وضع احکام با توجه به مصالح مسلمانان است. این وظیفه «سیاست شرعی» نامیده می شود.

۴۰. یزدی، محمد: «اسلام همگام با زمان»، تهران، مؤسسه ملی، ۱۳۵۴، ص ۹ - ۵۱. کتاب شامل این عناوین است: گذشت زمان و قوانین، مقصود از زمان، قوانین ثابت روانی، تأثیر زمان بر قوانین فطری، اساس ثابت فطرت، اسلام همراه با زمان.

۴۱. یوسف علی، علی: «الاسلام و مشکلات العصر» (عربی)، بیروت، دار ابن زیدون، ۱۹۸۵ م، ص ۱۰۸.
۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

مندرج در فقه، واجب است؛ اما به محض تبدیل شدن موضوع به «دستاویزی برای تحقیر و توهین شیعه و نظام مقدّس اسلامی»، حکم آن به حرمت مبدّل می‌گردد.

انقلاب اسلامی، زمینه تحقّق ولایت فقیه

البته انقلاب اسلامی به موازات تحوّل که در تمام عرصه‌ها ایجاد کرد، در فقه و استنباط احکام الهی نیز مبانی اسلام ناب را تبیین، تحکیم و ترویج نمود. یکی از این مبانی مسئله نقش زمان و مکان در فهم موضوعات احکام شرعی برای فقیه و مجتهد بود.

این مسئله، به‌ویژه در مورد ولّی فقیه حکومت اسلامی از اهمّیت بالاتری برخوردار است؛ به‌گونه‌ای که امام خمینی رحمته‌الله اجتهاد مصطلح حوزوی را برای اداره امور امت اسلامی کافی نمی‌دانند و خصوصیات دیگری را نیز ضروری می‌شمارند. «مهمّ، شناخت درست حکومت و جامعه است که بر اساس آن، نظام اسلامی بتواند به نفع مسلمانان برنامه‌ریزی کند که وحدت رویه و عمل، ضروری است و همین جاست که اجتهاد مصطلح در حوزه‌ها کافی نیست، بلکه یک فرد اگر علم در علوم معهود حوزه‌ها هم باشد، ولی نتواند مصلحت جامعه را تشخیص دهد و یا نتواند افراد صالح را از افراد ناصالح تشخیص دهد و به‌طور کلی، در زمینه اجتماعی و سیاسی فاقد بینش صحیح و قدرت تصمیم‌گیری باشد، این فرد در مسائل اجتماعی و حکومتی مجتهد نیست و نمی‌تواند زمام جامعه را به دست گیرد»^۱.

عناصر ولایت از نظر امام خمینی رحمته‌الله

به نظر حضرت امام راحل رحمته‌الله ولایت، مراحل و عناصری دارد که یکی از آنها عنصر «استنباط» و دیگری عنصر «موضوع‌شناسی» است؛ در مرحله اول، حکم

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ج ۱۷۷.

موضوعات کلی از ادله، استنباط و در مرحله دوم بر مصادیق عینی، تطبیق داده می‌شود. اندیشه‌های فقهی حضرت امام تذت در مرحله اول، «سنّتی» و در مرحله دوم، «پویا» است و در مرحله سوم که مهم‌تر از این دو است مرحله موضوع‌سازی و ایجاد حوادث نوین در مسیر رشد قدرت اسلام و ایجاد بستر پرورشی متناسب برای رشد کلمه توحید و تربیت انسان موحد است که رسالت اصلی ولیّ الهی است.

مهم‌ترین رکن رهبری، قدرت تشخیص وظیفه در امر سرپرستی حوادث عظیم و عهده‌داری ایجاد موضوعات و بستر پرورشی روحی ذهنی و عینی در مسیر رشد قدرت توحید و اعتلای پرچم اسلام است که تنها با ایجاد چنین زمینه اجتماعی و ایجاد رشد قدرت اسلام از طریق سرپرستی تمایلات و خوف و طمع انسان‌ها در شکل اجتماعی است که زمینه تحقق عینی و همه‌جانبه اسلام در تمامی ابعاد فراهم می‌شود. به تعبیر امام خمینی تذت: «حکومت، فلسفه عملی برخورد با شرک و کفر و معضلات داخلی و خارجی را تعیین می‌کند».^۱

«حکومت در نظر مجتهد واقعی، فلسفه عملی تمامی فقه در تمامی زوایای زندگی بشریت است؛ حکومت، نشان‌دهنده جنبه عملی فقه در برخورد با تمام معضلات اجتماعی و سیاسی و نظامی و فرهنگی است. فقه، تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور است».^۲

«اگر اختیارات حکومت در چارچوب احکام فرعیّ الهیه است، باید عرض حکومت الهیه و ولایت مطلقه مفوضه به نبی اسلام صلی الله علیه و آله یک پدیده بی‌معنی و محتوا باشد... حکومت که شعبه‌ای از ولایت مطلقه رسول الله صلی الله علیه و آله است، یکی از احکام اولیّه اسلام است و مقدّم بر تمام احکام فرعیّ حتی نماز و روزه و حجّ است».^۳

۱. اجتهاد و مقتضیات زمان از دیدگاه امام خمینی تذت؛ بی‌نام، باشگاه اندیشه.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۸.

۳. همان، ج ۲۱، ص ۲۲۵.

۴. همان، ج ۲۰، ص ۴۵۲-۴۵۱.

تعریف مجتهد از منظر امام خمینی رحمته الله علیه

با این مبنا، مجتهد در نظر امام تعریفی بسیار کامل‌تر و جامع‌تر از معنای سنتی متداول در نظر اهل علم دارد: «مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد. برای مردم و جوانان و حتی عوام هم قابل قبول نیست که مرجع و مجتهدش بگوید من در مسائل سیاسی اظهار نظر نمی‌کنم. آشنائی به روش برخورد با حيله‌ها و تزويرهای فرهنگ حاکم بر جهان، شناخت سیاست‌ها و حتی سیاسیون و فرمول‌های دیکته شده آنان و درک موقعیت و نقاط قوت و ضعف دو قطب سرمایه‌داری و کمونیسم که در حقیقت استراتژی حکومت بر جهان را ترسیم می‌کنند، از ویژگی‌های یک مجتهد جامع است. یک مجتهد باید زیرکی و هوش و فراست هدایت یک جامعه بزرگ اسلامی و حتی غیراسلامی را داشته باشد و علاوه بر خلوص و تقوی و زهدی که در خور شأن مجتهد است، به‌طور واقعی مدیر و مدبر باشد»^۱.

^۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۲۸۹.

« حکومت‌ها و مسجد

در نگاه اول اگر عبادت منحصر در نماز باشد و نماز نیز منحصر در انجام حرکات موزون و اذکار معین باشد، ضرورتی برای گرد آمدن در مکان خاص و یا انجام عبادت به صورت جمعی نیست و توجیه روشنی برای بناء مساجد وجود ندارد.

مسجد، مرکز امتزاج دیانت و سیاست

شیخ طه‌الولی به نقل از کتاب «الازهر» بیان می‌دارد: «اهداف اولیه در اسلام از بناء مسجد منحصر در مسائل عبادی تنها نبود، بلکه اهداف سیاسی و اجتماعی در اولویت کار قرار داشت و این معابد از هنگام ظهور اسلام برای تجمع مسلمانان سامان‌دهی گردید. همان‌گونه که علماء تفسیر و حدیث جایگاه‌های ویژه داشتند و چون در اسلام جدایی دین از سیاست معنا و مفهومی نداشت، اولین فلسفه وجودی مساجد برای اطلاع‌رسانی بود و در مرحله دوم مرکزی برای تعلیم و تربیت.^۱ حدود ۲۸ مورد در قرآن مجید از مسجد سخن به میان آمده است و به اتفاق همه تاریخ‌نویسان، خشت اول جامعه مدنی رسول‌الله ﷺ با بناء مسجد در شهر یشرب بر زمین گذاشته شد.

امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «در زمان پیامبر ﷺ گروهی بودند که در مسجد حاضر نمی‌شدند. در یکی از روزها پیامبر گرامی ﷺ فرمود: هر آن امکان دارد در مورد آنان که برای نماز به مسجد فرا خوانده می‌شوند، ولی شرکت نمی‌کنند، دستور دهم تا هیزمی فراهم سازند و بر در خانه آنها بگذارند و آن هیزم‌ها را شعله‌ور سازند تا خانه‌هایشان بر سرشان بسوزد.»^۲ ابن مسکویه از این درجه اهتمام اسلام به امر مسجد چنین نتیجه گرفته است: «شاید علت اهتمام شریعت اسلام برای حضور در مساجد و انجام نمازهای روزانه به جماعت این دلیل بوده است تا انس طبیعی که ریشه همه محبت‌ها است و اصلی‌ترین عامل حرکت اجتماعی است، گسترش پیدا کند.»^۳

۱. شیخ طه‌الولی، الازهر، بیروت، ۱۴۰۹هـ.ق؛ به نقل از: اللؤلؤ و المرجان فیما اتفق علیه الشیخان.

۲. وسایل‌الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۶.

۳. المسجد فی الاسلام، درالعلم للملایین، ص ۱۵۰؛ به نقل از: اللؤلؤ و المرجان فیما اتفق علیه الشیخان.

روش حاکمان در کشورهای اسلامی

رابطه حکومت‌ها با مساجد در سرزمین‌های اسلامی - از دوران حکوت اسلامی نبوی تا دوران جمهوری اسلامی - انواع و گونه‌های متفاوتی را شامل می‌شود. نوع تعامل هر یک از حکومت‌ها با مساجد در درجه اول تابعی از مبانی جهان‌بینی و ایدئولوژی حاکم بر اندیشه حاکمان بوده است. به تعبیر روشن‌تر هر چقدر ایدئولوژی حاکمان اسلامی موحدانه‌تر و منطبق‌تر با ایدئولوژی و جهان‌بینی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله بوده است، نوع بهره‌برداری و تعامل با مساجد صحیح‌تر و بیشتر در جهت اهداف و آرمان‌های الهی بوده است و در مقابل به میزانی که حاکمان از جهان‌بینی و ایدئولوژی اسلام ناب فاصله داشته‌اند، یا مساجد را به پایگاهی برای عوام فریبی و سلطه ناهق بر افکار عمومی دین‌داران قرار داده‌اند؛ نظیر رفتار خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و یا مسجد را به عنوان مهم‌ترین پایگاه دشمنی با حکومت خویش تلقی نموده و از تمام قدرت و امکانات خود برای بی‌فروغ نمودن آنها استفاده کرده‌اند؛ نظیر روشی که حکومت پهلوی اتخاذ کرده بود. با این توضیح می‌توان تاریخ اسلام را از منظر نوع تعامل حکومت‌ها با مساجد به چند مرحله تقسیم کرد:

الف) سیره حاکمیتی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در تعامل با مساجد

از مجموع مدارک تاریخی و روایی این چنین برداشت می‌شود که در سیره نبوی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله، مسجد اولین و مهم‌ترین رکن در همبستگی بین امت و رهبر و مرکز تمام تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی است که حکومت برای اجرای آنها نیازمند حضور و نقش‌آفرینی آحاد مردم است. برخی از این اقدامات عبارت‌اند از: آموزش نیروهای نظامی، اطلاع‌رسانی و بسیج عمومی برای مبارزه با توطئه‌های منافقین،^۱ تعلیم و تربیت، رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مؤمنان و ... علاوه

۱. شاید جالب‌ترین نمونه دخالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امور مسجد، ماجرای تخریب و سوزاندن مسجدی است که به مسجد ضرار معروف گردید. گروهی از منافقان برای ضربه‌زدن به اسلام و تضعیف موقعیت مسجد پیامبر بزرگوار صلی الله علیه و آله نازل کردند؛ ولی پس از نازل شدن آیه مبارکه: «والذین اتخذوا مسجداً ضراراً... (توبه، آیه ۱۰۷)، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله افرادی را گسیل داشت تا این مسجد را خراب کنند و آتش بزنند و مکان آن را تبدیل به محل زباله نمایند؛ علامه طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۳۹۲.

بر این، پیامبر به عنوان حاکم اسلامی تمام وظایف و شئون حاکمیتی خود را با محوریت مسجد و در مسجد رتق و فتق می‌فرمودند؛ در مسجد محکمه قضاوت برپا می‌کردند، با بزرگان به شور می‌نشستند، بیت‌المال را در مسجد تقسیم می‌فرمودند، دیدارهای سیاسی خود را در مسجد برگزار می‌نمودند و... .
با توجه مطالب قبلی می‌توان کارکرد حکومتی مسجد را در ابعاد زیر تقسیم‌بندی کرد:

۱. بُعد اطلاع‌رسانی و آگاه‌سازی افکار عمومی؛

۲. بُعد مشورت و تصمیم‌سازی برای حاکم اسلامی؛

۳. بُعد تعلیم و تربیت؛

۴. بُعد نظامی و سازمان‌دهی و پشتیبانی رزمندگان؛

۵. بُعد اجتماعی و امور حسبه؛

۶. بُعد مقرّر حکومت و مرکز مدیریت جامعه بودن.

پس از ارتحال نبی مکرم اسلام ﷺ، در هر دوره‌ای متناسب با روحیات و سیاست‌های حاکمان بعدی، کارکردهای حاکمیتی مساجد دستخوش تحولات و تغییرات بسیار زیادی شد که به صورت مختصر مورد اشاره قرار خواهد گرفت.

ب) روش خلفای سه‌گانه در حاکمیت بر مسجد

پس از ارتحال پیامبر و روی کار آمدن خلفا، مسجد همچنان پایگاه حکومت و دارای کارکردهای آموزشی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و نظامی بود. خلفای اول و دوم و سوم، دارالخلافه خود را مسجد قرار دادند و با استفاده حداکثری از ظرفیت تجمع و اجتماع مسلمانان در جمعه و جماعات، سیاست‌های خود را اعمال و به اهداف خود - فارغ از حق یا ناحق - جامه عمل می‌پوشاندند. بنابراین، از حیث شکلی و صوری، نقش مسجد و به خصوص مسجدالنبی تفاوت فاحشی با کارکردهای آن در دوران حکومت نبوی نکرد؛ اگرچه در سایر بلاد اسلامی به واسطه نصب افرادی که اغلب التزامی به اهداف و آرمان‌های اسلام ناب نداشتند - نظیر مروان‌ها و معاویه‌ها و غیره - مسجد آرام‌آرام به جای آنکه مایه اعتلای

اسلام و وحدت مسلمانان باشد، مرکز توجیه خیانت‌ها و ظلم و ستم فرمانداران و استانداران و عامل تفرقه و اختلاف میان مسلمانان به‌ویژه نخبگان جامعه گردید.

ج) مسجد در حکومت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

با روی کار آمدن امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (علیه السلام) و با توجه به اینکه مهم‌ترین هدف و مقصد ایشان، احیای قرآن و سنت نبوی و اصلاح مفاسد و بدعت‌های نهاده شده توسط خلفای پیشین بود، احیای کارکردهای اصلی مسجد و بازگرداندن شأن و جایگاه لایق آن سرلوحه برنامه‌های حضرت قرار گرفت.

ایشان همانند پیامبر و خلفای سه‌گانه، مسجد را مقر خلافت و حکومت قرار داد و کلیه وظایف و برنامه‌های حکومتی خود را در مسجد و با محوریت مسجد انجام داد. هنوز در مسجد مقدس کوفه، نشانه‌های متعددی با عنوان «دکه» وجود دارد که هر کدام نمایشگر یکی از کاردهای مسجد در حکومت امیرمؤمنان است؛ مانند «دکه القضاء»، «دکه الطشت»، «دکه الفتوا» و ...

اما تحوّل‌ی که در این دوره در رابطه میان حکومت و مسجد ایجاد شد، شاید وهله اول احیای کارکرد معنوی و تربیت اخلاقی و منبر و عظ و خطابه بود که توسط شخص حضرت احیا و تقویت شد.^۱

د) مسجد در دوران خلفای بنی‌امیه و بنی‌عبّاس

پس از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) حکومت، نظارت بر مساجد جزء وظایف اجتناب‌ناپذیر حکومت‌ها محسوب می‌شد و همه حاکمان هرچند که ظالم بوده‌اند و اعتنایی به سایر احکام اسلام نداشته‌اند؛ ولی به مسجد نیازمند بوده‌اند و همه آنها رونق مساجد و شکوه نماز جماعت و جمعه را جزء شکوه و اقتدار خود می‌دانسته‌اند. ابن‌خلدون می‌گوید: حاکمان صدر اسلام این وظیفه - وظیفه اداره مساجد - را به کس دیگر محوّل نمی‌کردند و هنگامی که درباره مساجد عظیمه سخن به میان

۱. خطبه‌های مفصل و مختصر بسیاری که حضرت در منبر این مسجد ایراد نموده‌اند و بخشی از آن توسط مرحوم سید رضی (رحمه الله) در نهج‌البلاغه گردآوری شده است، بیش از هر نکته‌ای حاوی توصیه به تقوا و اخلاق و معنویت است.

می‌آورد، می‌گوید: تعیین امام این مساجد برای خطبه و نماز در انحصار حاکم بود و کلیه سیاست‌گذاری‌های دینی و شرعی، مانند نماز، قضاء، حربه و جهاد جزء وظایف امامت کبری که خلیفه است قرار داشت و چون نماز عمود دین است و در میان عبادت‌ها از جایگاه بسیار رفیعی برخوردار است. بنابراین، امامت صلوه نیز باید بالاترین شأن حتی بالاتر از حکمرانی باشد.^۱

ابی‌الحسن علی‌ابن محمد بن حبیب ماوردی (متوفی ۴۵۰ هجری) در کتاب «الاحکام السلطانیة و الولایات الدینیة» باب نهم «باب ولایات علی امامه الصلوات» پیرامون رابطه حکومت و مسجد، ابتدا مساجد را دو قسم تقسیم می‌کند: مساجد سلطانی و مساجد عامه.

برای مساجد سلطانی ویژگی‌هایی را بیان می‌کند از جمله اینکه:

- به‌طور کامل حکومتی و دولتی هستند؛ یعنی امام جماعت آن از سوی حاکم تعیین می‌گردد.
- امام جماعت از بیت‌المال حقوق می‌گیرد.
- امام جماعت از سوی حکومت به مقام ولایت صلوه منصوب می‌گردد. البته برای احراز این مقام (ولایت صلوه) باید پنج شرط را داشته باشد.
- حکومت در تمام امور مسجد، به‌طور مستقیم یا از طریق امام جماعت منصوب، دخالت می‌کند.

اما خصوصیت مساجد عامه این است که حکومت حق دخالت مستقیم در آن را ندارد؛ امام جماعت آن توسط خود مردم انتخاب می‌شود.

ریشه تاریخی تضعیف مساجد

تضعیف جایگاه و نقش مساجد در جامعه اسلامی، ریشه در یک جریان طولانی تاریخی دارد. پس از شهادت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و قدرت یافتن بنی‌امیه به سرکردگی معاویه بن ابی‌سفیان، مسجد از سویی برای عوام فریبی و سوء استفاده

^۱. معالم القرية في احكام الحسبة، ص ۲۴.

از موقعیت سوق الجیشی تجمّع مؤمنان و ارتباط حاکم با رعیت در سلطه و اختیار خلیفه بود. او خود را خلیفه رسول الله ﷺ و بالتبع لایق ترین فرد برای اقامه جمعه و جماعت می دانست. بر فراز منبر رسول الله خطاب می خواند و با مغالطه و سفسطه، معارف دینی را دستاویزی برای ظلم و ستم دستگاه حکومت خویش قرار می داد.^۱

خلفا و به مرور سلاطین و پادشاهان کشورهای اسلامی اغلب این وجه از کارکرد مسجد را تقویت می کردند. همه سرزمین هایی که به تصرف مسلمانان درآمد همراه با شعار الله اکبر و جهاد بود و نماز نشانه مسلمانی و مسجد در مقابل کلیساها به عنوان نشانه مجد و عظمت و اقتدار مسلمانان به حساب می آمد. مساجد بزرگی که اکنون در شهر استانبول ترکیه اصلی ترین مرکز جلب توریست می باشد، بقایای اقتدار حاکمان عثمانی است و مساجد عظیمی که در سرتاسر شبه قاره هند وجود دارد، نشانه های اقتدار مسلمان ها است. اکنون نیز در شهری چون استانبول که حاکمان لائیک حدود یک قرن، در صدد نابودی اسلام هستند، صدای اذان در پنج وقت، ارکان این شهر توریستی را به لرزه در می آورد و انبوه نمازگزاران به مساجد روانه می شود و حتی در کشورهای به ظاهر عقب افتاده چون اتیوپی در هنگامه اذان مساجد، به خصوص در رمضان آنچنان مملوّ از جمعیت می شود که مردم صف می کشند و منتظر می مانند تا نماز گروه اول تمام شود و گروه دوم وارد شوند که این صحنه در بعضی اوقات تا چهار بار تکرار می شود. اینها همه نتیجه تبلیغات و فرهنگ سازی حاکمان و سلاطین برای حفظ پایگاه مردمی خود در مساجد بوده است.

از سوی دیگر، کشورگشایی ها و آشنا شدن حاکمان با روش و نظام حکومتی غیرمسلمانان - به ویژه پادشاهان روم و ایران - میل به تجملات و اشرافی گری را در آنان به اوج رساند و همین خصیصه باعث تأسیس کاخ ها و قصرهای مجلل و حکمرانی خلفا در این بناهای بیگانه با روح اسلام گردید. کم کم مسجد دیگر

^۱ البته در این حرکت شوم، گروه هایی از - به اصطلاح - نخبگان جامعه نیز به یاری دستگاه خلافت می آمدند؛ گروه هایی نظیر جاعلان و راویان حدیث، شعرا، خطبا و قضات درباری.

مرکز خلافت و حکومت نبود و جای خود را به کاخ سبز معاویه در شام و سایر کاخ‌ها در بلاد دیگر اسلامی در طول تاریخ داد. این نقطه آغاز به حاشیه رانده شدن مساجد در جامعه اسلامی بود؛ اما همچنان کارکردهایی نظیر تعلیم و تربیت فقط در اختیار مساجد بود.

ابن بطوطه می‌گوید: «پیش از اینکه نظام‌الملک رشته مدرسه‌های معرّف به نظامیه را بنیاد گذارد، درس و تعلیم در مسجدها متمرکز بود و بدین‌گونه تعلیم و تعلّم جزیی از عبادت به شمار می‌رفت.»^۱

ه) مسجد از زمان دولت صفویّه تا پهلوی

دولت صفویّه چون با شعار تشیّع به حکومت رسید در آغاز کار به پیروی از سایر حاکمان و سلاطین اسلامی اقدام به توسعه مساجد بزرگی در شهرهای مختلف نمود، ولی با گذر زمان این حرکت از تب و تاب افتاد؛ زیرا نه مردم به آن درجه از فهم فرهنگی نائل شده بودند که ضرورت و فایده توسعه مساجد را درک کنند و نه دیگر حکومت قدرت یافته صفویّه، خود را محتاج این امر می‌دید. بنابراین، از آن پس، مساجد شیعه دوران غربت خود را آغاز نمودند و هرچه زمان پیشتر رفت این غربت افزون شد؛ به‌طوری که در دوره قاجاریّه و به خصوص در زمان پهلوی اول و دوم، مساجد به عنوان نمادهای تحجّر، موانع توسعه، پایگاه‌های توطئه و نظایر آن تلقی می‌شد و بر همین اساس، مبارزه با مساجد و فعالیت‌های آن در رأس سیاست‌های حکمرانان این سلسله‌های طاغوتی قرار داشت.

البته در تمام این مدّت علماء و مراجع بزرگ، با درک خطر وابستگی پایگاه دین به پادشاهان در مقابل دولتی شدن مساجد مقاومت کردند و در چند نوبت که حکومت‌ها قصد دست‌اندازی بر مساجد را داشتند، با مقاومت سخت از سوی علما و روحانیان مواجه شدند. این مقاومت‌ها در حدّی بود که بعضی از مراجع بزرگ هرگونه همکاری را تحریم نمودند. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه حتی این مسئله را در

^۱. ابن بطوطه، طرح نو، ص ۲۲۴.

رساله عملیه نیز آورد و چند مسئله را در باب امر به معروف و نهی از منکر به تحریم همکاری علما با دولت جائر و حکم عدم عدالت آنها اختصاص داد.^۱

(و) مسجد در دوران حکومت جمهوری اسلامی

وضعیت مساجد را در دوران ۳۴ ساله استقرار نظام مقدّس جمهوری اسلامی می‌توان به سه دوره کلی تقسیم کرد:

۱. **دوره شکوفایی و بالندگی:** از آنجا که امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و یارانش، مسجد را پایگاه، دین را خاستگاه و شعارهای اصیل اسلامی را تکیه‌گاه اصلی انقلاب اسلامی قرار دادند، خود به خود این امور مقدّس در ذهن و دل مردم به عنوان مهم‌ترین امور تجلی کردند. در دوران مبارزات و تا سال‌هایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مساجد پر رونق و فعال شدند. کلیه تصمیمات از مسجد، آغاز و به مسجد ختم می‌شد. امور اصلی انقلاب و نظام در سنگر مساجد، پیگیری می‌گردید و مردم مساجد را به عنوان شبکه اعمال دستورات رهبری انقلاب و حاکمیت نظام اسلامی می‌شناختند. این بالندگی به واسطه تأثیر دفاع مقدّس در جذب گسترده جوانان و نوجوانان به مساجد و آموزش و تربیت و سازمان‌دهی آنان برای حضور در جبهه یا فعالیت‌های فرهنگی و نظامی در پشت جبهه به اوج خود رسید.

شاید مسجد در هیچ دوره‌ای به اندازه دهه‌های ۴۰ تا ۶۰، به مساجد دوران حکومت نبی اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ شبیه نبوده است. اگرچه در این دوره به دلایل مختلفی، مساجد از لحاظ کمی و کیفی فاصله‌ای طولانی با الگوی مسجدالتبی داشتند؛ اما در مقایسه با دوران‌های پیشین و حتی کنونی، از نسبتی بس نزدیک با آن تراز اسلامی برخوردار بودند.

۲. **دوره رکود نسبی:** با اتمام جنگ و تغییر در سیاست‌های رویکردهای دولت جمهوری اسلامی به سمت توسعه عمرانی و اقتصادی و کم‌توجهی مدیران و

۱. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، المجلد ۲-۱، ص ۲۱۲.

دست‌اندرکاران جامعه به امر فرهنگ خودی و نیز با آغاز تهاجم یا شبیخون فرهنگی غرب علیه جامعه نوپای ما، یکی از نخستین ساختارهایی که بیشتری آسیب‌ها متوجه آن شد، مساجد بودند. دیدگاه دولت‌سازندگی فقط بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی و توسعه صنعتی کشور بود و در این میان تنها ساختارهایی ارزش برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری داشتند که برای دولت، سودآوری داشته باشند و مساجد خود به خود از دایره خارج شدند. این سیر در دولت اصلاحات نیز با رویکردی جدید و تحت قالب «توسعه سیاسی و دموکراسی» ادامه پیدا کرد. در این دوره به دلیل غلبه نگاه سکولاریسی بر دولت‌مردان و مسئولان، دین و هر آنچه به آن مرتبط است، از دایره نقش‌آفرینی اجتماعی و سیاسی خارج و مورد بی‌مهری قرار گرفت حتی توصیه‌های دلسوزانه رهبر معظم انقلاب مبنی بر «عدم نگرش مادی به امر فرهنگ» نیز چندان مورد اعتنای مسئولان واقع نشد. در عوض ساختارهای نو و بعضی در تضاد با فرهنگ بومی جامعه اسلامی در مقابل مساجد و با هزینه‌های هنگفت دولتی قد علم کردند؛ فرهنگسراها یکی پس از دیگری با انواع فعالیت‌های و برنامه‌های جذاب برای اقشار مختلف و به‌ویژه جوانان و نوجوانان راه‌اندازی شدند که همه آنها در دو مسئله وجه تشابه داشتند: نخست، نگاه باز و فرادینی به فعالیت‌های فرهنگی به گونه‌ای که از آموزش گیتار و حرکات موزون و انواع ورزش‌های بومی و غیربومی تا آموزش قرآن و تواشیح و ... در آنجا مهیا بود. دوم، خودگردان و بلکه درآمدزا بودن برای دولت.

۳. دوران احیا و تقویت نقش مساجد: با روی کار آمدن دولت نهم و فروکش کردن جوّ دین‌زدایی و دین‌ستیزی از جامعه، مساجد به دو دلیل و اگرچه بسیار کند به گردونه ساختارهای اثرگذار اجتماعی برگشته‌اند. آن دو دلیل عبارت‌اند از:

نخست) رویکرد به نسبت فرهنگی دولت و رییس‌جمهور نهم که زمینه را برای احیای نقش مساجد و اهل مسجد در عرصه سیاست و فرهنگ و اجتماع تا حدودی فراهم آورد. البته حمایت‌های گسترده حقوقی، مادی و معنوی از مساجد

نیز در سایه همان نگاه اتفاق افتاد.

دوم) به جهت شدت گرفتن مسئله تهاجم و ناتوی فرهنگی غرب که هم در حوزه نخبگان، دغدغه‌ها را برانگیخت و هم در سطح عموم مردم مظاهر فساد و ابتذال و ... را عاملی برای نگرانی شد تا مردم و مسئولان برای جلوگیری از گسترش موج این تهاجم ضدفرهنگی به هم‌فکری و همکاری ترغیب شوند. اولین ساختاری که در فرهنگ اسلامی جامعه و به اتفاق همگان می‌توانست نقش پناهگاه و مصونیت بخش به قشر جوان را بازی کند، مساجد بودند. البته این سخن به معنای اوج‌گیری مساجد و رسیدن آنها به نقطه مطلوب نیست؛ بلکه مقصود این است که چنانچه دست‌اندرکاران امور مساجد، هوشیار و فرصت‌شناس باشند، بسترهای اولیه جهت بازمهندسی و گسترش نقش و کارکردهای مسجدها بیش از هر زمان دیگری در سال‌های اخیر فراهم گردیده است.

« شاخص‌های مسجد تراز نظام اسلامی

با توجه به آنچه پیشتر بیان شد، به‌طور قطعی باور به جایگاه منحصر به فرد مسجد در دستیابی نظام اسلامی به اهداف و آرمان‌های بلند خود، نخستین شرط در احیاء کارکردهای مسجد است. برای نیل به این منظور ابتدا باید انتظارات از مسجد را در قالب شاخص‌های مسجد تراز نظام اسلامی مورد بررسی قرار دهیم و سپس با بررسی وضعیت کنونی، برای تحقق وضع مطلوب برنامه‌ریزی و حرکت کنیم.

هر مسجدی دارای ارکانی و هر رکنی باید دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتوان آن را در قالب مسجد تراز، شناسایی و تعریف نمود.

ارکان مسجد:

۱. امام جماعت که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدیر طبیعی مسجد» است.
 ۲. مأموم‌ها که حضور پرشور و منظم و منضبط آنها در مسجد، مهم‌ترین مصداق عمران مسجد تلقی می‌شود.
 ۳. هیأت امناء که از سوی مردم و با تأیید امام جماعت برای اداره امور مسجد به امام جماعت کمک می‌کنند.
 ۴. تشکّل‌های فعال در مسجد، نظیر پایگاه بسیج، کانون فرهنگی و هنری مسجد و ... که عهده‌دار امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد هستند و با هماهنگی امام جماعت و پشتیبانی نیروی مقاومت، به پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی مشغول‌اند.
 ۵. خادم که با نظافت و نظامت به هنگام و شایسته مسجد، موقعیت را برای اقامه نماز و انجام سایر وظایف مسجد فراهم می‌آورد.
 ۶. ساختمان و امکانات فیزیکی مسجد.
- نکته شایان توجه اینکه در میان ارکان برشمرده شده برای مسجد، امام جماعت نقش بسزایی در رونق فعالیت‌های فرهنگی مسجد دارد. بر این اساس، یکی از

ارکان اصلی هر مسجد، امام جماعت آن است. به عبارت دیگر، مسجدی موفق است که امام جماعت موفق داشته باشد و امام جماعتی موفق است که به کارکردها و ویژگی‌های مسجد و نیز وظایف امام جماعت آشنا باشد. بنابراین، با توجه به اهمیت و نقش امام جماعت در مسجد از جنبه‌های گوناگون، در ادامه مباحث، شاخصه‌های امام جماعت مسجد تراز را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

« ویژگی‌های مسجد نمونه

الف. ویژگی‌های عبادی مسجد نمونه

۱. مسجد، جایگاه عالی‌ترین نوع گُرنش عبد در برابر معبود است. سجده، اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست؛ «السُّجُودُ مُنْتَهَى الْعِبَادَةِ مِنْ بَنَى آدَمَ».^۱
۲. مسجد، جایگاه پرستش خالصانه خداوند است؛ «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا».^۲
۳. مسجد، زیارتگاه خداوند متعال است. در حدیثی قدسی، منقول از نبی اعظم صلی الله علیه و آله آمده است: «أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي؛ خوشا به حال بنده‌ای که در خانه خویش وضو بگیرد، آنگاه مرا در خانه‌ام زیارت کند».^۳
۴. مسجد، خانه خدا در زمین است؛ «إِنَّ بَيْوتِي فِي الْأَرْضِ الْمَسَاجِدُ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ النُّجُومُ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».^۴

ب. ویژگی‌های تربیتی مسجد نمونه

۱. مسجد، بهترین محلّ عبادت و عبادت، بهترین عامل پرورش روح آدمی و پاسخ گفتن به مهم‌ترین نیاز طبیعی اوست. تربیت چیزی جز پاسخ صحیح، بهنگام و متعادل به نیازها و پرورش همه‌جانبه استعدادها نیست. اگرچه عبادت در هر مکانی این نیاز طبیعی و معنوی را به‌طور نسبی تأمین می‌کند، ولی این نیاز در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی است و در پرتو عبادت جمعی از غرور و خودپسندی، تنهایی و فردگرایی در امان می‌ماند و با پیوستن به سیل عابدان و نمازگزاران، می‌توان در اقامه نماز و امحاء فحشاء و منکر نقش آفرین باشد.
۲. مسجد، پناهگاه مؤمن از آسیب‌های اخلاقی است. معصومان علیهم السلام در سخنان خویش مسجد را آشیانه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛^۵ انسان در این پناهگاه از

۱. بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۲. جن، آیه ۱۸.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، باب ۱۰ از ابواب وضو، روایت ۵.

۴. همان.

۵. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۳، از ابواب احکام المساجد، روایت ۱۴.

دغدغه و اضطراب، افسردگی و دلهره و ... فاصله می‌گیرد و به برکت ذکر الله به آرامش مستقر دست می‌یابد؛ قرآن کریم در این مورد فرموده است: «أَلَا بَدْرُ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ». شاید به همین دلیل است که امام صادق (علیه السلام) به مسلمانان سفارش می‌کنند که به هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند.^۲

۳. مسجد، مکانی مقدّس و عاری از ظلم و گناه و پلیدی است. حضور مؤمن در مسجد بسان احرام بستن حاجی در حجّ است. با آنکه گناه در همه جا نكوهیده و زشت است، اما در مسجد قباحتی دو چندان می‌یابد؛^۳ پس، مؤمن باید تلاش و کوشش بیشتری کند تا در آن مکان مقدّس به گناه آلوده نشود؛ سخنان ظالمانه بر زبان نیورد؛^۴ به آبروی دیگران تجاوز نکند؛^۵ غیبت و سخنان لغو و بی‌فایده را کنار نهد^۶ و از گفت‌وگوهای بی‌بهره بوی دنیاپرستی و دنیاخواهی می‌دهد، پرهیز کند.^۸

مواظبت در پرهیز از گناه و لغو و ... در مسجد در حقیقت، نوعی تمرین کارهای خیر و دوری از زشتی‌هاست. آثار سازنده و تربیتی حضور در مسجد، رفته‌رفته به دیگر اعمال مؤمن و سایر زمان‌ها و مکان‌های حیاتش نیز سرایت می‌کند و این بهترین روش تربیت غیرمستقیم است.

۴. مسجد، محلّ تزیین شدن به زینت‌های معنوی است. قرآن کریم به مؤمنان سفارش می‌کند که هنگام حضور در مساجد، زینت‌های خود را همراه بگیرند. این توصیه شامل انواع زینت‌ها است که عبارت‌اند از:

(الف) زینت ظاهری فردی، مانند لباس زیبا و پاک، عطر و بوی خوش، نظافت بدن، شانه زدن موها و محاسن و ...

۱. رعد، آیه ۲۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳، باب ۲۱ از ابواب بقیه الصلوات المندوبه، روایت ۳.

۳. رک: کشف الغطاء، کتاب الصلاه، ص ۲۱۱.

۴. بحار الانوار، ج ۸۰، ص ۳۷۷.

۵. روضه الکافی، ص ۳۹.

۶. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۸۵، باب ۲ از ابواب المواقیت، روایت ۴.

۷. همان، ص ۸۶، روایت ۸.

۸. همان، ج ۳، ص ۴۹۳، باب ۱۴ از ابواب احکام المساجد، روایت ۴.

ب) زینت مادّی، شامل: مال و فرزند که در قرآن به عنوان زینت زندگی دنیا معرفی شده‌اند. «المال و البنون زینه الحیوه الدنیا...»^۱.

ج) زینت معنوی، به معنای خصال نیکو و صفات پسندیده اخلاقی است؛ نظیر صدق و صفا و خلوص و مهربانی و ...^۲.

۵. مسجد، کانون پیوند صالحان است. کارشناسان تربیت بالاتفاق بر نقش ویژه دوست و معاشر خوب در تربیت انسان تأکید دارند. اسلام نیز مروج و حامی همین اصل تربیتی است. هم در قرآن کریم و هم در روایات معصومین (علیهم السلام)، نکات فراوانی پیرامون اهمیت و ضرورت یافتن دوستان خوب، راه‌های امتحان و آزمودن دوستان، آداب دوستی و معاشرت، حقوق دوستان و معاشران، مراقبت و حفظ دوستی با صالحان و ... وجود دارد.

مسجد با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمن با نخبگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی انسان فراهم می‌کند. ارتباط دوستانه با نیکان هم‌جنبه ایجابی تربیت - یعنی تشویق و ترغیب به فضایل - را در فرد تقویت می‌کند و هم‌جنبه سلبی آن - یعنی قدرت یافتن بر پرهیز از رذایل - را. ۶. مسجد، بستری مناسب برای پرورش روحیات اجتماعی است. «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» یک بیماری روحی شناخته شده است؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی - در حدّ معقول آن - نشان سلامت روح و روان انسان و تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، انعطاف و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و درون‌گرایی افراطی و بیگانگی از جمع را از آنان می‌زداید.

۷. مسجد، پایگاه تقویت روحیه همدردی، همکاری و همیاری در مشکلات است. مساجد به‌طور معمول، جایگاه طرح مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی است. به‌طور طبیعی، حضور در چنین مکانی روح تعهد و دردمندی را در فرد می‌دمد. پرورش این خوی پسندیده در اشخاص، خود نوعی مبارزه با روح بی‌تعهدی و

۱. کهف، آیه ۴۶.

۲. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۲، باب ۳ از ابواب ما تحب فیه الزکاه و ما تستحب فیه، روایت ۷.

بی تفاوتی است؛ روحیه‌ای که هرگاه در افراد جامعه‌ای - به‌ویژه نسل جوان آن - پیدا شود، آسیب‌های اساسی بر پیکر آن اجتماع وارد خواهد شد.

ج. ویژگی‌های فرهنگی - آموزشی مسجد نمونه

نقش آموزشی - فرهنگی مسجد پس از جنبه‌های عبادی آن، سرآمد دیگر ابعاد است. به‌طور اساسی، پی‌ریزی مسجد در اسلام، پی‌ریزی بزرگ‌ترین مدرسه اسلامی بود. مسلمانان تا چند قرن پیش، با پدیده‌ای به نام مدرسه - به معنای غربی و امروزی آن - روبه‌رو نبودند. پیش از پیدایش مدرسه - که تاریخ پیدایش آن به دو قرن نمی‌رسد - مسجد، یگانه مرکز مهم آموزشی - فرهنگی در کشورهای اسلامی بوده است. تا جایی که روزگاری این مسأله در میان فقیهان مطرح بوده که آیا تأسیس مدرسه جایز است یا نه؟!^۱

۱. وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۲، باب ۳ از ابواب ما تحب فیه الزکاه و ما تستحب فیه، ص ۲۱۷.

« شاخص‌های کلی مسجد تراز اسلامی

۱. آگاهی‌بخشی و بصیرت‌دهی به حرکت امت اسلامی؛
۲. احیای کارکردهای مساجد و بازشناسی آنها؛
۳. ارائه خدمات در ابعاد دنیوی و معنوی؛
۴. نزدیک کردن مردم به باورهای دینی؛
۵. رسانه‌گفتاری و شنیداری برای مردم به خصوص برای جوانان؛
۶. مرکز تعلیم و تربیت برای جوانان؛
۷. کانون موعظه و پرورش و تهذیب نفس برای مردم؛
۸. مرجع رسیدگی مشکلات مراجعان و محرومان؛
۹. محلّ پرورش نیروهای مستعد و استفاده بهینه از آنان در زمینه‌های مختلف؛
۱۰. محلّ امن و مایه خیر و برکت برای مردم؛
۱۱. داشتن مدیریت خوب و فعال؛
۱۲. اهمیت دادن به کیفیت برنامه‌ها؛
۱۳. مرکز تبلیغات و رسانه جهان اسلام؛
۱۴. پناهگاه، در سختی‌ها و مشکلات و حوادث.

« شاخصه‌های امام‌جماعت مسجدرزاز »

در سند «چشم‌انداز مساجد جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی»، پیرامون شاخص‌های امام‌جماعت مطلوب چنین آمده است: «برخورداری از ائمه‌جماعتی عالم، اندیشمند، پارسا، آگاه به مسائل روز، آشنا به فنون مشاوره و مدیریت و دارای روحیه ارتباطی مردمی گسترده».

همچنین مقام معظم رهبری در پیام به اجلاس نوزدهم نماز می‌فرمایند: «روحانی پرهیزکار، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است».^۱

بر این اساس به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مرحله در ترسیم سیمای مسجد تراز اسلامی؛ پس از بررسی و درک عمیق نقش منحصر به فرد مسجد در تعالی فرهنگ جامعه دینی و پیشبرد اهداف انقلاب و نظام اسلامی، همانا احصاء و تبیین شاخص‌های امام‌جماعت چنین مسجد نمونه‌ای است؛ زیرا به همان میزان که اصل تأسیس مسجد در یک منطقه جغرافیایی در تأمین سخت‌افزار هدایت ضرورت دارد، وجود روحانی شایسته و تراز نظام اسلامی برای امامت و مدیریت آن در بُعد نرم‌افزاری ضروری است. به تعبیر رهبر انقلاب «نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است».^۲

دکتر رسول عباسی در کتاب «مسجد تراز اسلامی» شایستگی‌های امام‌جماعت را به چهار مؤلفه کلی تقسیم نموده است که عبارت‌اند از:

۱. «هدفداری»؛

۲. «فضائل اخلاقی»؛

۳. «دانش و مهارت‌ها»؛

۴. «تمایل».

سپس هر یک از این مؤلفه‌ها را تحت شاخص‌های روشنی تبیین می‌نماید که در جدول زیر دسته‌بندی گردیده است:

۱. پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۹/۰۷/۲۰.

۲. همان.

جدول شایستگی‌های امام جماعت

مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
هدفداری	<p>(۱) انگیزه هدایت دیگران</p> <p>(۲) انگیزه خودسازی و تهذیب نفس</p>
فضائل اخلاقی	<p>(۳) خُلق نیکو و حُسن معاشرت</p> <p>(۴) سعه صدر و مدارا</p> <p>(۵) امانتداری و مسئولیت‌پذیری</p> <p>(۶) صداقت و وفای به عهد</p> <p>(۷) عدالت فقهی و تقوا</p> <p>(۸) اخلاص</p> <p>(۹) تواضع</p> <p>(۱۰) نظم و وقت شناسی، حضور منظم و نظم در انجام امور</p> <p>(۱۱) عدالت در رفتار با مردم و توجه به همه افراد</p> <p>(۱۲) ساده‌زیستی و احتراز از تجملات دنیا</p> <p>(۱۳) وقار و ثبات شخصیت</p> <p>(۱۴) شجاعت و استقلال رأی</p> <p>(۱۵) ولایت‌پذیری</p> <p>(۱۶) خودباروری و قاطعیت</p> <p>(۱۷) حُسن شهرت</p> <p>(۱۸) آراستگی و جذابیت ظاهری</p>
دانش و مهارت	<p>(۱۹) پیشگامی در ارتباطات</p> <p>(۲۰) مخاطب‌شناسی</p> <p>(۲۱) شنود مؤثر</p> <p>(۲۲) ارتباطات مؤثر</p> <p>(۲۳) فنّ خطابه</p> <p>(۲۴) هوش عاطفی و هیجانی</p> <p>(۲۵) دید کلان و تفکر راهبردی</p> <p>(۲۶) تفکر تحلیلی و توانایی درک و تشریح اهداف و ارزش‌های مسجد</p> <p>(۲۷) تفکر خلاق</p> <p>(۲۸) آگاهی، بصیرت و بینش سیاسی</p> <p>(۲۹) دانش دینی (فقه، اصول، کلام، تفسیر و ...)</p> <p>(۳۰) شناخت خرده‌فرهنگ‌ها</p> <p>(۳۱) قرائت صحیح نماز و قرآن</p>
تمایل	<p>(۳۲) اهتمام به حلّ مشکلات و امور مردم</p> <p>(۳۳) تلاش و پشتکار در مسجد</p>

علاوه بر ویژگی‌های مذکور، شاخص‌ها و خصوصیات دیگری نیز از امام جماعت مسجد تراز انتظار می‌رود که عبارت‌اند از:

۱. مقبولیت اجتماعی

پیشوایان اسلام بر مقبولیت امام جماعت و اینکه او مورد رضایت و پذیرش نمازگزاران باشد، تأکید فراوان نموده‌اند. رسول مکرّم اسلام ﷺ می‌فرماید: «تَمَانِيَةٌ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ لَهُمْ صَلَاةَ الْعَبْدِ الْأَبْقِ حَتَّى يَرْجَعَ إِلَى مَوْلَاهُ وَالنَّاشِزُ عَنْ زَوْجِهَا وَهُوَ عَلَيْهَا سَاخِطٌ وَ مَانِعُ الزَّكَاةِ وَ إِمَامٌ قَوْمٍ يُصَلِّي بِهِمْ وَ هُمْ لَهُ كَارِهُونَ...» هشت طایفه‌اند که خداوند از آنها نمازی را نمی‌پذیرد: بنده فراری تا وقتی که به سوی مولایش برگردد، زن ناشزه‌ای که همسرش بر او خشمناک باشد، منع‌کننده زکات، امام [جماعت] قومی که نماز بخواند با اینکه مردم از وی کراهت داشته باشند و...»^۱

رحیم نوبهار، با استناد به همین شاخص، معتقد است که باید انتخاب امام جماعت مسجد به مردم - اعم از همسایگان و مجاوران مسجد - واگذار شود. «واگذار نمودن انتخاب امام جماعت مساجد به مردمی که مجاور و همسایه مسجد هستند، سبب می‌شود تا مردم کسی را که به‌طور واقعی دوست می‌دارند، به امام جماعت برگزینند. ضمن اینکه به‌طور معمول شناخت مردم به دلیل ارتباط نزدیک با افراد، واقعی‌تر و درصد خطای آن یا مرکزی که خواهد در این باره تصمیم بگیرد، کمتر است. این امر همچنین، نظام اسلامی را از وجود مرکزی که خواهد در این باره تصمیم‌گیری کند، بی‌نیاز می‌سازد»^۲.

۲. توجه به وظایف امام جماعت

امام جماعت علاوه بر مدیریت صحیح مسجد و اقامه نماز جماعت، لازم است مواردی را مدنظر قرار دهد:

۱. اقتباس از: ویژگی‌های امام جماعت موفق، مجله مبلغان، شماره مرداد ۱۳۸، ص ۳۲.

۲. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۵۹.

۳. نوبهار، رحیم، رابطه نظام اسلامی و مساجد، مؤسسه فرهنگی تبیان، قم، ۱۳۸۷.

الف) مراعات اوقات نمازگزاران و حال ضعیفان

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «إِذَا كُنْتَ إِمَامًا أَجْزَأَتْكَ تَكْبِيرَهُ وَاحِدَةً لِأَنَّ مَعَكَ ذَا الْحَاجَةِ وَالضَّعِيفَ وَالْكَبِيرَ؛ هرگاه امام جماعت بودی، یک الله اکبر برای تو کافی است؛ زیرا افرادی که کار دارند یا ضعیف و پیر هستند با تو هستند».^۱

امیر مؤمنان (علیه السلام) می فرماید: «أَخِرُ مَا فَارَقْتُ عَلَيْهِ حَبِيبَ قَلْبِي أَنْ قَالَ: يَا عَلِيُّ إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ صَلَاةَ أَوْعَفٍ مَنْ خَلْفَكَ...؛ آخرین سخنی که با آن از محبوب قلبم جدا شدم، این بود که فرمود: یا علی! به هنگام نماز [جماعت]، نمازی متناسب به حال ضعیف‌ترین کسی که به تو اقتدا کرده است، بخوان».^۲

در روایت دیگری رسول خدا (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «مَنْ أَمَّ قَوْمًا فَلَمْ يَقْتَصِدْ بِهِمْ فِي حُضُورِهِ وَقِرَاءَتِهِ وَرُكُوعِهِ وَسُجُودِهِ وَقَعُودِهِ وَقِيَامِهِ رُدَّتْ عَلَيْهِ صَلَاتُهُ وَ لَمْ تَجَاوِزْ تَرَاقِيَهُ وَ كَانَتْ مَنَزِلَتُهُ عِنْدَ اللَّهِ مَنَزِلَةَ أَمِيرٍ جَائِرٍ مُتَعَدِّ لَمْ يَصْلُحْ لِرِعِيَّتِهِ وَ لَمْ يَقُمْ فِيهِمْ بِأَمْرِ اللَّهِ؛ کسی که امامت گروهی را به عهده گیرد و در حاضر شدن [برای نماز] و قرائت و رکوع و سجده و نشستن و برخاستن خود، راه اعتدال و میانه را در پیش نگیرد، نمازش مورد پذیرش نخواهد بود و از کتف‌های او تجاوز نمی‌کند و جایگاه چنین امامی نزد خداوند همچون جایگاه سلطان ستمگر و تجاوزگری است که برای اصلاح رعیت خود تلاش ننموده و فرمان الهی را در میان آنان به پای نداشته است».^۳

ب) تعیین ساعتی مشخص برای حل مشکلات

اگرچه اجرای این برنامه در همه مساجد ضروری نیست؛ اما مناسب است امام جماعت با توجه به نیاز محل، ساعتی را به صورت روزانه یا هفتگی در مسجد حضور یابد و به سؤالات پاسخ گفته و به رفع مشکلات فردی و اختلافات خانوادگی پردازد و در صورت نیاز با مراکز حوزوی و متخصصان در تماس باشد تا سؤالات به خوبی پاسخ داده شود.

۱. الکافی، ج ۳، ص ۳۱۰.

۲. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۴۴۷.

۳. همان، ج ۸، ص ۴۲۰.

- ج) حفظ آرامش مسجد؛
د) ارائه برنامه‌هایی که بر جدّایت مسجد بیفزاید؛
ه) تشکیل هیئت امنای شایسته؛
و) رفع موانع جذب جوانان به مسجد.

« نتیجه سخن

امروز، جامعه اسلامی ما همانند دیگر جوامع، از ویژگی‌ها و کارکردهای حقیقی مسجد در صدر اسلام فاصله دارد که برای رسیدن به الگوی مسجد تراز اسلامی نیاز به کم کردن این فاصله‌ها داریم، مسجد تراز اسلامی عهده‌دار نقش‌های مهمی در زمینه عبادی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، نظامی و ... است.

پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ایران - که تحوّلی بنیادین را در ارزش‌ها، ساختارها و رفتارها در راستای احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله ایجاد و ایجاب نموده است - ضمن بازگشت دادن ارکان و اجزاء جامعه به الگوی جامعه مدینه‌النّبی، با لحاظ مقتضیات زمان، عناصر و کارکردهای جدیدی را برای همه یا اکثر ساختارها و از جمله برای مسجد تعریف نموده است. شناخت و پیاده‌سازی عملی این کارکردها و عناصر و توزیع منطقی این نقش‌ها در میان ارکان و اجزاء مسجد، اعم از اجزای داخلی و بیرونی، مهم‌ترین گام راهبردی برای رسیدن به مسجد تراز نظام مقدّس جمهوری اسلامی است.

واژه «تراز» یا «طراز» در کتاب‌های لغت به معنای «قاعده، قانون، روش، طرز، رتبه، قسم، نوع، هم‌شأن، هم‌پایه و هم‌سطح» است.^۱

مسجد تراز اسلامی عنوانی است که نخستین بار مقام معظم رهبری در پیامی که به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز (۱۸ مهرماه ۸۹) دادند، خواستار رسیدن به چنین مسجدی شده‌اند. منظور از مسجد تراز اسلامی، رسیدن به مسجدی، بر اساس قاعده و روش صدر اسلام است.

با امعان نظر در مجموع مدارک تاریخی و روایی، به روشنی درمی‌یابیم که در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله، مسجد اولین و مهم‌ترین رکن در همبستگی بین امت و رهبر و مرکز تمام تصمیم‌گیری‌ها و اقداماتی است که حکومت برای اجرای آنها نیازمند حضور و نقش‌آفرینی آحاد مردم است؛ اقداماتی مانند: آموزش نیروهای نظامی، اطلاع‌رسانی و بسیج عمومی برای مبارزه با توطئه‌های مختلف دشمن، تعلیم و تربیت، رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی مسلمانان و ... افزون بر اینها،

^۱ .ر.ک: کتاب‌های لغت مانند فرهنگ معین، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه «تراز».

آن حضرت صلی الله علیه و آله به عنوان حاکم اسلامی، تمام وظایف و شئون حاکمیتی خود را با محوریت مسجد و در مسجد رتق و فتق می فرمودند؛ در مسجد محکمه قضاوت برپا می کردند، با بزرگان به شور می نشستند، بیت المال را در مسجد تقسیم می فرمودند، دیدارهای سیاسی و دیپلماتیک خود را در مسجد برگزار می کردند. پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و روی کار آمدن خلفای راشدین، مسجد همچنان پایگاه حکومت و دارای کارکردهای آموزشی، تربیتی، سیاسی، اجتماعی و نظامی بود. امام علی علیه السلام نیز مانند پیامبر و خلفای سه گانه، مسجد را مقرّ خلافت و حکومت قرار داد و کلیه وظایف و برنامه های حکومتی خود را در مسجد و با محوریت مسجد انجام داد.

پس از شهادت امام علی علیه السلام و قدرت یافتن بنی امیه به سرکردگی معاویه بن ابی سفیان، مسجد از سویی برای عوام فریبی و سوء استفاده از موقعیت سوق الجیشی تجمع مؤمنان و ارتباط حاکم با رعیت در سلطه و اختیار خلیفه قرار گرفت. این زمان نقطه آغاز تضعیف جایگاه و نقش مساجد در جامعه اسلامی به شمار می رود. معاویه بن ابی سفیان که خود را خلیفه رسول الله صلی الله علیه و آله و لایق ترین فرد برای اقامه جمعه و جماعت می دانست، بر فراز منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله می نشست و خطابه می خواند و با مغالطه و سفسطه، معارف دینی را دستاویزی برای ظلم و ستم دستگاه حکومت خویش قرار می داد. بعد از سلسله خبیثه بنی امیه، سایر خلفا و به مرور سلاطین و پادشاهان کشورهای اسلامی اغلب از مسجد این گونه استفاده می کردند. البته در تمام این مدّت، علما و مراجع بزرگ، با درک خطر وابستگی پایگاه دین به پادشاهان در مقابل دولتی شدن مساجد مقاومت کردند و در چند نوبت که حکومت ها قصد دست اندازی بر مساجد را داشتند، با مقاومت سخت از سوی علمای و روحانیان مواجه شدند. این مقاومت ها در حدی بود که بعضی از مراجع بزرگ هرگونه همکاری را تحریم نمودند. امام خمینی ره حتی این مسئله را در رساله خود نیز آورد و چند مسئله را در باب امر به معروف و نهی از منکر به تحریم همکاری علما با دولت جائر و حکم عدم عدالت آنها اختصاص داد.

نکته شایان توجه این که با مطالعه و مرور گذشته مساجد، به نتیجه می‌رسیم که مسجد در هیچ دوره‌ای به اندازه دهه‌های ۴۰ تا ۶۰ به مساجد دوران حکومت نبی اکرم ﷺ شبیه نبوده است. اگرچه در این دوره به دلایل مختلفی، مساجد به‌طور کمی و کیفی فاصله‌ای طولانی با الگوی مسجدالنبی داشتند، اما در مقایسه با دوران‌های پیشین و حتی کنونی، از نسبتی بس نزدیک با آن تراز اسلامی برخوردار بودند.

به‌طور قطع، باور به جایگاه منحصر به فرد مسجد در دست‌یابی نظام اسلامی به اهداف و آرمان‌های بلند خود، نخستین شرط در احیاء کارکردهای مسجد است. برای نیل به این منظور باید انتظارات از مسجد را در قالب شاخص‌های مسجد تراز نظام اسلامی مورد بررسی قرار داد و سپس، با بررسی وضعیت کنونی، برای تحقق وضع مطلوب برنامه‌ریزی و حرکت کرد.

هر مسجدی دارای ارکانی و هر رکنی باید دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتوان آن را در قالب مسجد تراز، شناسایی و تعریف نمود. مهم‌ترین ارکان مسجد به قرار زیر است:

۱. امام جماعت، که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی «مدیر طبیعی مسجد» است.
۲. مأموم‌ها که حضور پرشور و منظم و منضبط خود در مسجد، مهم‌ترین مصداق عمران مسجد تلقی می‌شود.
۳. هیأت امناء که از سوی مردم و با تأیید امام جماعت برای اداره امور مسجد به امام جماعت کمک می‌کنند.
۴. تشکّل‌های فعال در مسجد؛ نظیر پایگاه بسیج، کانون فرهنگی و هنری مسجد و ... که عهده‌دار امور فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مسجد هستند و با هماهنگی امام جماعت و پشتیبانی نیروی مقاومت، به پاسداری از ارزش‌های انقلاب اسلامی مشغول هستند.
۵. خادم که با نظافت به هنگام و شایسته مسجد، موقعیت را برای اقامه نماز و انجام سایر وظایف مسجد، فراهم می‌آورد.

۶. ساختمان و امکانات فیزیکی مسجد.

در میان ارکان یادشده، نقش امام جماعت بسیار حائز اهمیت است. این روحانی پرهیزکار، کارشناس و دلسوز در مسجد، همچون پزشک و پرستار در بیمارستان، روح و مایه حیات مسجد است. وجود روحانی شایسته و تراز نظام اسلامی برای امامت و مدیریت آن در بُعد نرم‌افزاری ضروری است. به تعبیر رهبر انقلاب «نخستین مطلب مهم، بنای مسجد و حضور روحانی شایسته در آن است»^۱.

۱. پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، ۱۳۸۹/۰۷/۲۰.

« منابع و مأخذ

کتاب:

- « قرآن کریم
« امام خمینی ره، صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۵ هـ.ش.
« ابن‌اخوه، معالم القربه فی احکام الحسبه، اصت مکتبه دارالفنون بغداد، مکتبه المثنی بکیمبریج ۱۹۳۷ م.
« ابن‌ابی‌الحدید معتزلی، قم، انتشارات کتابخانه آیت‌الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
« ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ترجمه: ابوالقاسم امامی، تهران، نشر سروش، ۱۳۹۱ هـ.ش.
« ابن‌هشام، سیرت رسول‌الله، ترجمه: رفیع‌الدین اسحاق بن محمد همدانی، شرکت افست، چاپ دوم، ۱۳۶۱ هـ.ش.
« اسد حیدر، الامام الصادق و المذاهب الاربعه، المجلد ۲-۱، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۰ هـ.ق.
« بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، مقدمه: محمدمنیر دمشقی، بیروت ۱۴۰۶ هـ.ق و ۱۹۸۶ م.
« بدرالدین، ابی‌محمد محمد بن احمد العینی، عمده القاری فی شرح صحیح البخاری، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.ق.
« حر عاملی، محمد بن حسن، وسایل الشیعه، دوره ۲۰ جلدی، اسلامیة تهران، چاپ ششم، ۱۴۰۳ هـ.ق.
« رازی، ابوالفتح، تفسیر، لقیم و حواشی مهدی‌الهی قمشه‌ای، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۲۵ هـ.ش.
« رضایی، علی، جایگاه مساجد در فرهنگ اسلامی، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، قم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
« شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، جامعه مدرسین، قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
« طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، مؤسسه اعلمی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۳۹۱ هـ.ق.
« طه‌الولی، المسجد فی الاسلام، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
« قرائتی، تقی، آیین امامت مسجد، مؤسسه مسجد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۷ هـ.ش.
« کاشف‌الغطاء، شیخ جعفر بن خضر جناحی نجفی، کشف الغطاء من خفیات مبهمات الشریعه الغراء، دارالطباعه سیدمرتضی، ۱۳۱۷ هـ.ق.
« کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی‌اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، چاپ سوم، ۱۳۸۸ هـ.ق.
« کلینی، محمد بن یعقوب، روضه الکافی، دارالتعارف، بیروت، ۱۴۱۱ هـ.ق.
« ماوردی، علی بن محمد بن حبیب، الاحکام السلطانیه، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۰۷ هـ.ق.
« مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ.ق و ۱۹۸۳ م.
« نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لأحیاء التراث، ۱۳۸۴ هـ.ش.
« ابن‌سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۷۸ هـ.ش.
« موحد، دکتر محمدعلی، ابن‌بطوطه، طرح نو، سال ۱۳۷۶ هـ.ش.
« نجفی، شیخ محمد حسن، جواهر الکلام، مشهد مقدس، مؤسسه الامام صاحب الزمان علیه‌السلام، ۱۴۱۷ هـ.ق.
« نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، چاپ اول، ۱۳۷۳ هـ.ق.
« واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، مرکز نشر دانشگاهی.

« فراء، قاضی ابوعلی محمدبن حسین، الاحکام السلطانیه.

مقالات:

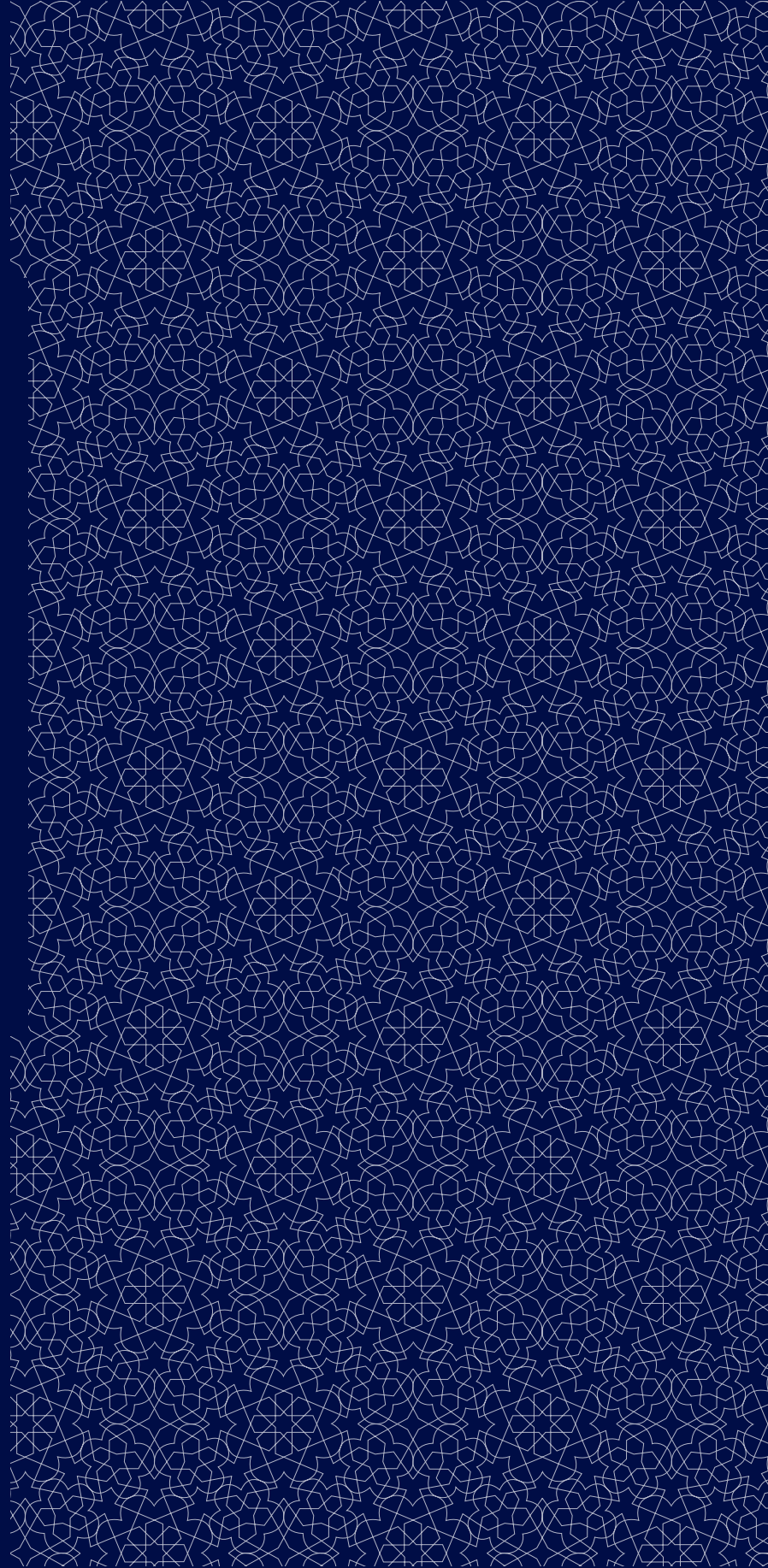
- « فتاحی، محمدجواد، بایدها و نبایدهای مسجد.
- « پیام مقام معظم رهبری به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز، مهرماه ۱۳۸۹ هـ.ش.
- « نوبهار، رحیم، رابطه نظام اسلامی و مساجد، مؤسسه فرهنگی تبیان، قم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « ابوالقاسمی، محمدجواد، رابطه مسجد و حکومت، معاونت فرهنگی، آموزشی و پژوهشی سازمان برنامه و بودجه، شماره ۳.
- « نوری، محمد، گزیده مآخذشناسی نقش زمان و مکان در فقه، آینه پژوهش، بهمن و اسفند ۱۳۷۴، شماره ۳۶.
- « ضرابی، عبدالرضا، نقش و عملکرد مسجد در تربیت، معرفت ۱۳۷۹، شماره ۳۳.
- « طهمورثی، اسماعیل، ویژگی‌های مسجد نمونه، روزنامه رسالت، شماره ۵۸۵۱، ۱۱/۲/۱۳۸۵.
- « قجری، محمدمهدی، ویژگی‌های امام جماعت موفق، مجله مبلغان، شماره مرداد ۱۳۸.

سایت‌ها و وبلاگ‌ها:

- « باشگاه اندیشه، اجتهاد و مقتضیات زمان از دیدگاه امام خمینی ره، بی‌نام.
- « سایت تبیان: <http://www.tebyan.net/newindex>
- « احمدی، محمدبشیر، وبلاگ، دین و اندیشه سیاسی در خاورمیانه، مسجد و سیاست <http://accuracy.mihanblog.com>
- « افسر بیگی، جواد، نقش مسجد در زمینه سازی ظهور امام زمان ع، سایت تبیان <http://www.tebyan.net>

فصل دو:

مسجد، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی



مسجد، نماد تمدن اسلامی

محمود حسین‌زاده خراسانی

« چکیده

نوشته حاضر در صدد تبیین مسجد به عنوان نماد تمدن اسلامی است. نگارنده، ضمن تشریح کارکردهای گوناگون اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی و آموزشی مسجد، خود ساختمان این مکان مقدس را به عنوان نماد توسعه و استواری فرهنگ و تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار می‌دهد؛ زیرا باید در تمام شهرها و محلات کشور اسلامی این نماد حضور و ظهور داشته باشد. این نوشتار، شامل پنج مبحث است که عبارت‌اند از: مفهوم‌شناسی نماد، فواید و تأثیرات نمادسازی، مسجد نماد فرهنگ و تمدن اسلامی، مبارزه با نماد تمدن اسلامی (مساجد)، احیای نماد تمدن اسلامی.

« واژگان کلیدی:

مسجد، تمدن، فرهنگ، شهرسازی، تمدن اسلامی، سنبل، الگو، نماد.

هر ملت و جامعه، فرهنگ خاصی دارد. با توجه به نقش فرهنگ در حیات معنوی جامعه و تأثیر آن در معرفی هویت ملی و تکامل مادی و معنوی جامعه، نمی‌توان حوزه عمل فرهنگ را به برخی زمینه‌ها محدود کرد. از سوی دیگر، برای انتقال آداب و عادت‌ها و اندیشه‌ها از نسلی به نسل دیگر، به یک ابزار نیازمند هستیم. یکی از وسایل انتقال فرهنگ، «نمادها» هستند.

نماد، وسیله مناسبی برای معرفی فرهنگ اسلامی است؛ معرفی تفکر، فرهنگ و نمادهای دینی اسلامی به دیگر جوامع و تمدن‌ها، از زمینه‌هایی است که افزون بر معرفی هویت اسلامی جامعه به دیگران، عاملی در جهت تقویت روح فرهنگ اسلامی و عزت و اعتماد به نفس جامعه نیز محسوب می‌شود. بنابراین، در فرهنگ‌های بشری، سمبل‌ها و نمادهایی وجود دارد که از یک‌سو، شاخص هر فرهنگ و از سوی دیگر، شخصیت‌بخش جوامع و انسان‌ها است. یکی از نمادهای دینی که در طول تاریخ در توسعه و استواری فرهنگ و تمدن اسلامی نقش بسزایی داشته، «مسجد» بوده است. بر این اساس، مسلمانان، از همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی، به دستور پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به سمت مکانی سوق داده شدند که پس از چندی به عنوان نماد و نشانه حکومت اسلامی معروف گشت و این امر به قدری مشهور شد که در نمادبودن مسجد به عنوان سنبُل تمدن اسلامی کسی تردید نمی‌نمود.

بدین ترتیب، شهرهایی که از سابقه تاریخی برخوردار بودند، بعدها به حوزه تمدن اسلامی وارد می‌شدند و به تدریج با ایجاد مساجد و گسترش تعداد مساجد و همچنین با زیاد شدن مدارس اسلامی و سایر تأسیسات لازم، (این شهرها) رنگ تمدن اسلامی به خود می‌گرفتند. بدین صورت، هر شهر، متناسب با وضع جغرافیایی خود و بر اساس مشترکات شهرهای اسلامی و آداب و رسوم و مختصات تمدن و فرهنگ اسلامی، گسترش و توسعه یافت.

بدون تردید، مسجد در ابعاد گوناگونی چون بُعد اجتماعی، سیاسی، قضایی، فرهنگی، آموزشی و ... به پیشرفت جامعه اسلامی یاری رسانده و در نتیجه

موجب رشد و شکوفایی تمدن نوین اسلام شده است. نکته درخور توجه این است که هر امری برای بازشناسی، دارای نشانه‌ای است که آن را از امور دیگر متمایز می‌سازد. کلیسا و صلیب در قرون وسطی، به خصوص در دوران جنگ‌های صلیبی بین مسیحیان و مسلمانان، به عنوان نماد تمدن مسیحیت اطلاق می‌شد. بنابراین، برپایی کلیسا و گسترش تعداد آن در هر کشوری بیانگر این امر بود که تمدن مسیحیت، تمدن غالب است، چنان که مسجد شهر قرطبه در اندلس با استیلای مسیحیان به کلیسا تبدیل شد. در این نوشتار مختصر، نگارنده قصد دارد تا با مطالعه در منابع معتبر اسلامی، نقش خود ساختمان مسجد را به عنوان نماد رشد و ترقی تمدن اسلامی، مورد بررسی قرار دهد.

« مبحث اول: مفهوم نماد

گاهی میان دو پدیده یا دو مفهوم، چنان پیوندی در ذهن ما برقرار می‌شود که با خطور یکی به فضای ذهن، دیگری نیز بدون فاصله در ذهن انسان تداعی می‌شود که اندیشمندان علم منطق، در اصطلاح به آن دلالت می‌گویند. دلالت به سه صورت است:^۱

۱. **دلالت عقلی**، مثال: با دیدن دود، ذهن انسان پی به آتش می‌برد.
۲. **دلالت طبعی** که به عواطف درونی مربوط است؛ به‌طور مثال، شما از رنگ‌پریدگی شخص، به بیمار بودن او پی می‌برید. در روانشناسی از دلالت طبعی، به عنوان «زبان عواطف» تعبیر شده است.
۳. **دلالت وضعی** که عبارت از دلالتی است که سبب آن قرارداد است؛ به این معنی که چیزی را علامت و نشانه چیز دیگری قرار می‌دهند؛ مانند: دلالت لباس سیاه بر ماتم و دلالت علائم راهنمایی بر معانی خاص؛ مثل برداشت ذهن از علامت «پارک ممنوع» و مانند دلالت الفاظ بر معانی، مانند اینکه ذهن از کلمه

^۱. خوانساری، منطق صوری، ص ۸۵.

«میز» به یک سازه چهار پایه منتقل شود. به عبارت دیگر، به این عمل، «تداعی معانی» اطلاق می‌شود؛ به‌طور مثال با شنیدن نام اصفهان، انسان ناخوابسته به یاد آثار تاریخی همچون سی و سه پل، منار جنبان، گز و ... می‌افتد. امروز، در روش‌های مطالعه و یادگیری، تداعی معانی، بسیار مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ به‌طوری که یکی از قابل اعتمادترین روش‌های یادگیری است که به آن «تصویرسازی ذهنی» یا با کمی مسامحه «روش کلمه کلید» اطلاق می‌شود. در این روش، شخص فرا گیرنده در ذهن خود بین دو مفهوم که یکی پایدار و دیگری ناپایدار است، رابطه‌ای ایجاد می‌کند که ذهن با یادآوری مفهوم پایدار، به آن مفهوم دیگر غیر پایدار منتقل می‌شود.

انسان، از این ویژگی مهمّ ذهنی خویش به نحو شایسته‌ای بهره برده است که با «قرارداد» های خاصّ یا عامّ از نشانه‌های ساده‌ای برای احضار این معانی (مفاهیم غیر پایدار) به ذهن، بهره گرفته است که در حقیقت با کلماتی، مانند نماد، سمبل، شعار و مظهر، مورد شناسایی واقع می‌شوند.

زندگی اجتماعی، مملوّ از این نمادهاست؛ کعبه و مساجد، نماد و نشان توحید است؛ پرچم، نشان یک کشور و ملیّت، حلقه نامزدی نشان همسری، لباس روحانیّت نشان عالم دینی، ویرگول، سمبل مکث کوتاه، عبارت «ج» در حروف سجاوندی [در رسم الخط قرآن]، نشانه وقف جایز، ستاره‌های روی دوش نظامیان نشانه رتبه، رنگ‌های کمر بند در ورزش‌های رزمی، نماد رتبه و مهارت، هلال، مظهر امداد رسانی و عمامه، سیاه نشانه سیادت است که اگر بنا باشد به احصاء این نمادها در زندگی اجتماعی بپردازیم، از موضوع اصلی بحث خارج می‌شویم. دسته‌ای از نمادها، نمایانگر یک ایده و یک ایدئولوژی خاصّ هستند و به کار گرفتن آنها نشانه دل‌بستگی شخص به آن مکتب و ایده است؛ به‌طور مثال، صلیب، نشانه مسیحیّت و اذان، نشانه اسلام و چفیه، نماد جبهه و ایثار و شهادت و پرتاب کفش به سوی کسی، نماد نوعی اعتراض و علامت تحقیر است.

پیوند نماد و صاحب نماد در ذهن، چنان استوار است که وجود یکی با وجود دیگری درهم آمیخته و درهم تنیده است و مثل این است که این نماد، وجود دیگری از

معنای آن است که در اصطلاح علمای علم اصول فقه، به «فنا»^۱ تعبیر شده است؛ به طوری که قبح معنا به لفظ نیز سرایت می کند.

نماد شدن چیزی، به دو صورت پدید می آید که در ادامه به آنها اشاره می شود:

(۱) **به سبب تکرار یا به اصطلاح «نمادسازی به صورت تعین»:** به این معنی که فرد خاصی یک نماد را ایجاد نمی کند، بلکه به مرور زمان و بر اثر تکرار مشاهده یا شنیدن مکرر، ارتباط تنگاتنگی بین نماد و آن معنی ایجاد می شود؛ به عنوان مثال، الزیدی روزنامه نگار عراقی، با پرت کردن لنگه کفش به سوی بوش پسر، رئیس جمهور وقت آمریکا و با تکرار این فعل در سراسر دنیا، این عمل، نمادی برای اعتراض به شخص مورد نظر تلقی شد.

(۲) **نمادسازی به شیوه تعین، توسط یک فرد یا گروهی از افراد:** در این قسم، یک فرد یا یک گروه نشانه ای را برای معنایی قرار می دهند؛ مثل طراح که برای یک شرکت تجاری، آرمی را ترسیم می کند یا گروهی برای یک کشور، پرچم یا سرود ملی را طراح می کنند.

این نکته قابل تأمل است که برای آنکه نمادها کارکرد واقعی خود را داشته باشند، باید دو عامل وجود داشته باشد:

- الف) شخص از وضع نماد آگاهی داشته باشد.
- ب) مکرر این پیوند را دیده باشد.

۱. بحوث فی علم الاصول، ج ۱، ص ۱۳۵: «و المراد بالاکیه فی جانب اللفظ أن یلحظ اللفظ فانیاً فی المعنی».

« مبحث دوم: فواید و تأثیرات نمادسازی

الف) تبادل سریع پیام

همان‌گونه که بیان شد، نمادها با تبادل سریع پیام، روابط اجتماعی انسان را آسان می‌کنند. رنگ نارنجی تاکسی، صدای آژیر خودروهای امدادی و ... به راحتی برای اشخاص دارای مفهوم هستند.

ب) نمادها عوامل تأثیرگذار بر اراده افراد

صورت‌های ذهنی انسان‌ها، مشمول مرور زمان است، بنابراین، نمادها و نشانه‌ها ناخودآگاه بر فرد تأثیرگذار هستند و با فراخوانی معنا به ذهن، توجه شخص را بر می‌انگیزد و غفلت را مضمحل می‌نمایند.

برای غفلت‌زدایی به چند طریق می‌توان عمل نمود^۱ که یکی از آنها همین تداعی معانی به وسیله نمادهای موجود در اجتماع است؛ به عنوان مثال، مساجد، یکی از این نمونه‌ها هستند که سمبل توحید و عبودیت هستند و شعار آن، یعنی اذان، نیز هر روز بیانگر همین امر است که شیطان فراموشی را رجم نماید و از دل براند. بر همین اساس، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرماید: «وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَ أَحْذَرُ مَنَازِلَ الْغَفْلَةِ؛ در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا مرکز اجتماع مسلمانان [و سبب غفلت‌زدایی] است؛ بنابراین، با حضور در اجتماع مسلمانان، از غفلت دوری نما»^۲.

ج) نمایانی تفکر و ایده

مساجد، به عنوان جلوه‌های بیرونی دینداری تلقی می‌شوند و کسانی که در این نماد برجسته اسلامی، رفت‌وآمد نمایند، در بین جامعه به عنوان افرادی دیندار شناخته می‌شوند.

پیامبر (صلی الله علیه و آله) در این باره فرمودند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ يَعْتَادُ الْمَسَاجِدَ فَاشْهَدُوا لَهُ

^۱ . تفکر، مشاهده عمل دیگران و موعظه، از عوامل غفلت‌زدا هستند.

^۲ . دشتی، محمد، نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۳۴.

بِالْإِيمَانِ لِأَنَّ اللَّهَ يَقُولُ إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ؛ هنگامی که دیدید مردی بر رفت و آمد به مسجد مداومت می کند، وی را مؤمن بدانید. خداوند متعال می فرماید: تنها آنان که ایمان به خداوند دارند، مساجد خدا را آباد می کنند.^۱ پیراهن مشکی شیعیان در ایام سوگواری ائمه معصومان (علیهم السلام)، عشق فرد را به اهل بیت و اعتقاد آنها را به فرهنگ عاشورا، اعم از ظلم ستیزی و ایثار و شهادت و عفاف و ... بیان می کند. بنابر اصل تأثیر باطن بر ظاهر، می توان نتایجی را که بیان شد، به دست آورد. امروز، اگر کسی در هر جای دنیا، تمثال مبارک حضرت امام تبارک را همراه داشته باشد، این کار او بیانگر ظلم ستیزی وی محسوب می شود؛ همچنان که اگر کسی صلیبی شکسته همراه داشته باشد، بیانگر این امر است که شخص از عقائد نئونازیست ها تبعیت می کند.

د) نماد، بیانگر التزام افراد جامعه

اگر آمار نشان ها و سمبل های یک ایده و فکر در یک جامعه افزایش یابد، بیانگر این امر است که التزام افراد آن جامعه به آن معنا و مفهوم نماد، بیشتر است و آن مفهوم از هنجارهای آن جامعه محسوب می شود؛ به عنوان مثال، وقتی در جامعه ای چادر مشکی که نماد عفاف و پاکدامنی است، پوشش درصد بیشتری از زنان جامعه را تشکیل بدهد، به صورت حتم، اهمیت و حساسیت عفاف را در جامعه بیان می کند.

ه) نماد، توسعه دهنده فرهنگ در اجتماع

با توجه به مطالب بیان شده بند «ج» و کارکردهای مختلف مسجد اعم از فرهنگی، اقتصادی، رسانه ای، عبادی، قضایی، نظامی و هنری، گسترش نماد در یک جامعه، بی شک بیانگر اهمیت مفهوم آن نماد در جامعه است. بنابراین، اگر متولیان فرهنگ، به هر صورت از فرآیند نمادسازی بهره ببرند و همچنین در گسترش

۱. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۶۲، باب ۳، روایت ۱۸.

آن نیز بکوشند، افراد جامعه نیز به تبع آنها، از آن نماد، الگوگیری می‌نمایند و کم‌کم آن مفهوم نمادین در جامعه به عنوان یک ارزش و هنجار اجتماعی مورد پذیرش عموم قرار می‌گیرد.

در همین راستا، مساجد محلات و مساجد جامع می‌توانند در ایجاد، گسترش و استمرار فرهنگ دینی نقش بسزایی ایفا کنند. شاید تشویق اولیاء دین در ساختن مساجد، به همین سبب باشد. در غیر این صورت، ساختن مسجد به اندازه‌های کوچک حتی به اندازه لانه پرنده^۱ چنان که منقول است، امری دور از ذهن به نظر می‌رسد.

از امام صادق (علیه السلام) نقل شده است که فرمودند: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ؛ اگر کسی مسجدی احداث کند در عوض خداوند خانه‌ای در بهشت به عطا می‌کند»^۲.

در مورد سیر به سمت بینش، سلوک، رفتار و کنش و واکنش مردم و دولت به سوی آموزه‌های دینی و اسلامی از دو منظر می‌توان بحث نمود:

(۱) توسعه در بُعد نظری: تعمیق جهان‌بینی الهی و اسلامی از طریق اعتلای معرفت دینی، افزایش دانایی و زدودن جهل و بی‌خردی.

(۲) توسعه در بُعد عملی و کارکردگرایانه.

مسجد می‌تواند در تبلور و تجلی شریعت، ایدئولوژی و تفکر اسلامی در جامعه، ساختار حکومت و رفتار کارگزاران در هر دو منظر ذکر شده، نقش برجسته‌ای را ایفا کند. نقش مسجد در توسعه فرهنگ در اجتماع به شرح زیر است:

الف) نقش نظری مسجد در توسعه و گسترش معرفت دینی و فرهنگ‌سازی

نقش نظری مسجد در توسعه و گسترش معرفت دینی و فرهنگ‌سازی را می‌توان در سه مورد زیر خلاصه نمود:

۱. تبیین عقلانی دین برای مردم در ابعاد مختلف عبادی، معنوی و اعتقادی: مسجد، از همان صدر اسلام به عنوان مکان تعلیم و تربیت مورد

^۱ . من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۵. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «مَنْ بَنَى مَسْجِدًا كَمَفْحَصِ قَطَاءِ بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ».

^۲ . الکافی، ج ۳، ص ۳۶۸.

استفاده قرار می‌گرفت. به طوری که حلقه‌های مختلف علمی در ابعاد مختلف، مانند مسائل عبادی، معنوی و کلامی در آن دیده می‌شد و با این امر مهم، مسائل و مجهولات اصحاب و یاران پیامبر ﷺ با تبیینی عقلانی و عقلایی برطرف می‌گشت.

۲. فرهنگ‌سازی، ترویج مفاهیم و کارکردهای دین؛

۳. تبلیغات دینی، گسترش و اشاعه مفاهیم و معارف و کارکردهای دین.

(ب) نقش ایدئولوژیک مسجد در توسعه فرهنگ دینی

با توجه به این که مساجد به عنوان جلوه‌های بیرونی دینداری و به عنوان یک جامعه آماری کوچک محسوب می‌شوند، می‌توان با کاربردی کردن بسیاری از احکام مختصّ مسجد در فضای مسجد و توسعه عملیاتی آن در سطح محلات و در اجتماعات وسیع‌تر، به نتیجه مطلوب این فرآیند نظری - کاربردی رسید. در واقع، نتیجه این امر، دستیابی به انسان، جامعه، و دولتی توسعه‌یافته و مذهبی است.

« مبحث سوّم: مسجد، نماد فرهنگ و تمدّن بزرگ اسلامی

(۱) مسجد، قلب تمدّن اسلامی

مدینه منوره، اولین مرکز حکومت اسلامی بود که بعد از هجرت نبی مکرم اسلام ﷺ تشکیل شد و با تأسیس اولین مسجد در این شهر، گام‌های مهمی در تشکیل حکومت و مدنیت اسلامی برداشته شد؛ زیرا مسجد، علاوه بر اینکه محلّ عبادت ذات باری تعالی بود، به عنوان رسانه‌ای نو در ترویج فرهنگ و رشد و نموّ مدنیت اسلامی، شناخته شده بود و پیامبر ﷺ گزاره‌های دینی و اخلاقی خویش را در این مکان ویژه القاء می‌نمودند. با این کارکرد تمدّن‌ساز، مسجد به جایی رسید که به عنوان دارالاماره تلقی می‌شد و با توجه به همبستگی بین حکومت‌ها و تمدّن‌ها، مسجد از همان ابتدا به عنوان نماد تمدّن اسلامی مورد توجه بوده است.

از آغاز گسترش اسلام، پیوند بین مسجد و حکومت به حدّی بود که موجب شد تا ساخت مسجد به‌طور عمده توسط حکومت‌ها صورت گیرد و نوع امرای جوامع اسلامی، ساختن مسجد را وظیفه خویش تلقی می‌نمودند و منابع عمومی را برای این کار اختصاص می‌دادند.

امام زمان علیه السلام نیز دارالحکومه خود را مسجد کوفه قرار می‌دهند: «دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا؛ پایتخت حکومت امام زمان علیه السلام کوفه است و دارالاماره آن حضرت، مسجد جامع کوفه است»^۱.

(۲) محوریت مسجد در شهرسازی اسلامی

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای ساختن جامعه جدید و نمونه، نخستین اقدام خود را با فعالیت معماری آغاز کرد. این امر نشان دهنده اهمیت و نقش فضاهای کالبدی شهری در هر جامعه آرمانی است. به این ترتیب، مسجد در قالب نخستین فضای کالبدی شهری در جامعه اسلامی، جایگاه خاص خود را پیدا کرد. البته، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شهر

^۱ . مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

یثرب را تأسیس نکرد؛ ولی ساختن جامعه‌ای نو در این شهر را از بنا نهادن مسجد آغاز کرد.

بعدها مسلمانان، ساختن شهرهای جدید، مانند کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در این شهرها، ابتدا جایگاه احداث مسجد مشخص می‌شد و سپس با محور قرار دادن آن، محله‌ها، خیابان‌ها، بازار و ... شکل می‌گرفت. به طوری که مسجد، به عنوان مدنیت شهری شناخته می‌شد و اگر در جایی مسجد جامع یا آدینه وجود نداشت، از اهمیت شهری، محروم بود؛ به طور مثال، در شهر بصره مسجد علی بن ابیطالب (علیه السلام) در وسط شهر قرار گرفته بود و یا مانند مسجد شهر کوفه که اولین شهر ساخته شده به دست مسلمانان، در قرن ۱۷ هجری است، نخستین محلی که برای شروع شهر ساخته شد، مسجد کوفه بود. این اقدام نمادین، اصل عبادی شهر و جامعه و حکومت، در اندیشه اسلامی را به خوبی نشان می‌دهد. محوریت مسجد در معماری شهری و نیز چرخه امور شهر به صورت قطب فرهنگ‌ساز، سهولت دسترسی مردم به مسجد و تعدد مساجد در محله‌ها در گذشته تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری است.

۳) مسجد، تجلی تمدن اسلامی

با گسترش و نفوذ اسلام در مناطق و سرزمین‌های گوناگون و وارد شدن این فرهنگ و آمیختگی آن با عقائد آن اقوام، به تدریج دگرگونی‌های اساسی و مهمی در فرهنگ و آداب و رسوم ملت‌های تازه مسلمان به وجود آمد و پیشرفت‌های عظیمی در کلیه شئون زندگی، نصیب آنان شد که از مجموع این تغییرات و پیشرفت‌ها (که تجلی آنها در مسجد هویدا بود)، در قالب تمدن اسلامی، قابل شناسائی است.

بعضی از شهرها به دست مسلمانان تأسیس شده است و سابقه‌ای پیش از تاریخ اسلام ندارد؛ مانند: شهرهای بصره، کوفه، بغداد، سامراء، قاهره، قیروان، جرجان و غیره. طبیعی است که بگوییم این شهرها از ابتدا بر اساس فرهنگ و تمدن

خاصّ مسلمانان ساخته شده‌اند و رنگ و نماد تمدّن اسلامی، یعنی مساجد، از ابتدا در آن تعبیه شده است؛ اما یک دسته از شهرها نیز وجود داشتند که از سابقه تاریخی برخوردار بودند و بعدها به حوزه تمدّن اسلامی وارد شدند و به تدریج با ایجاد مساجد و مدارس اسلامی و سایر تأسیسات لازم، رنگ اسلامی به خود گرفتند. در نهایت، هر شهر متناسب با وضع جغرافیایی خود و بر اساس مشترکات شهرهای اسلامی و با آداب و رسوم و مختصات تمدّن و فرهنگ اسلامی، گسترش و توسعه یافت.

یکی از مشترکات، بلکه مهم‌ترین آنها در شهرهای اسلامی، وجود مساجد متعدّد و کوچک و بزرگ است که باعث تقویّت روحیه جمع‌گرایی مسلمانان می‌شود و آنها را از بیماری اسکی‌پسیسم^۱ می‌رهاند. بر همین اساس، امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «وَأَسْكُنِ الْأَمْصَارَ الْعِظَامَ فَإِنَّهَا جَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ؛ در شهرهای بزرگ سکونت کن؛ زیرا محلّ اجتماع مسلمانان است»^۲.

۳-۱) تعدّد مساجد در شهرهای گوناگون اسلامی

اموری هستند که به عنوان شاخص و ملاک مورد توجه قرار می‌گیرند؛ به این معنی که بین افزایش شاخص و معلول، تابعی مستقیم بر قرار است؛ مثل افزایش تعداد دیش‌های ماهواره که نشان‌دهنده عدم علاقه مردم به شبکه‌های داخلی است و یا افزایش سرانه مصرف مواد شوینده، شاخص سلامت یک جامعه تلقی می‌شود. بر این اساس، تعداد مساجد، شاخص تدیّن مردم هر جامعه محسوب می‌شود و می‌توان بین تعداد مساجد و بین تدیّن و دینداری مردم و توجه آنها به ارزش‌ها، تابعی مستقیم بر قرار نمود. بر این اساس، در ادامه، نمونه‌هایی از تعدّد مساجد جامع و غیرجامع ذکر می‌شود:

^۱ . *escapism*؛ پیروان این مکتب، معتقد به فرار از کارهای دولتی یا فرار از کارهای اجتماعی هستند.

^۲ . نهج البلاغه، نامه ۶۹، ص ۴۶۰.

الف) تعدّد مساجد جامع

در هر شهری یک مسجد جامع برای ادای نماز جمعه وجود داشت؛ اما در بعضی از این شهرهای بزرگ چندین مسجد جامع به چشم می‌خورد؛ به عنوان مثال، در شهر بغداد در سال ۲۸۰ هجری، سه مسجد جامع وجود داشت و این، علاوه بر «مسجد جامع و براهنا» بود که به شیعیان اختصاص داشت و در قرن ششم، مساجد جامع این شهر به یازده مسجد رسید.^۱ در فسطاط (قاهره) دو مسجد جامع بود: یکی، جامع عمرو عاص و دیگری جامع بن طوطون.

شهر سرا، پایتخت سلطان اوزبک است. در این شهر سیزده مسجد جامع برای نماز جماعت هست که یکی از آنها مخصوص شافعیان است.^۲ بعدها مساجد جامع دیگری به آنها اضافه شدند که تا قرن پنجم به یازده مسجد رسید.^۳

ب) تعدّد مساجد غیر جامع

مساجد دیگری نیز در شهرهای اسلامی وجود داشتند که عنوان جامع را نداشتند و تعداد آنها بسیار فراوان بود:

۱. مساجد متعدّد بصره: به بیان ابن فقیه در «البلدان» در بصره ۷ هزار مسجد وجود داشته است.^۴
۲. مساجد بغداد: مساجد بغداد را ۳۰ هزار نقل می‌کند.^۵
۳. مساجد قرطبه در اندلس (اسپانیا): در مورد شهر قرطبه، مرکز خلافت اسلامی در اندلس، نوشته‌اند که دارای ۳۸ هزار مسجد بوده است.^۶
۴. مساجد شهر پالمو: برای شهر پالمو در قرن دهم بالغ بر ۳ هزار مسجد در تاریخ به ثبت رسیده است.^۷

۱. آدامتر، تمدن اسلامی در قرن چهارم، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. ابن بطوطه، ترجمه سفرنامه، ص ۴۰۳.

۳. سفرنامه ناصر خسرو، ص ۱۴۵.

۴. ابن فقیه، البلدان، ترجمه فارسی، ص ۱۴۱.

۵. همان، ص ۲۲.

۶. نفخ الطیف، ج ۲، ص ۹.

۷. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۳۲۹.

۵. مساجد شهر دمشق: مساجد دمشق را در قرن چهاردهم، ۱۲ هزار مسجد ذکر نموده‌اند.^۱
۶. مساجد کش: در سراسر این شهر، خانه‌ها و مساجد بسیاری وجود دارد.^۲
۷. مساجد غزه: غزه، شهری وسیع و با مساجد متعدد است.^۳
۸. مساجد تکریت: تکریت، شهری بزرگ و وسیع با بازارهای خوب است و مساجد متعددی دارد.^۴
۹. مساجد شهر کنلوس (مالادیو): کنلوس، جزیره‌ای نیکو است که دارای مساجد بسیار است.^۵
۱۰. مسجد دیار بکر: دیار بکر، مساجد زیادی دارد.^۶
۱۱. مساجد بروجرد: این شهر، مساجد و مدارس متعددی دارد.^۷
۱۲. مساجد اُستَرآباد (گرگان): این شهر، دارای امامزاده و آستانه زیادی است و در مجموع ۴۷ مسجد دارد.^۸

۳-۲) تخریب مساجد و تلقی اضمحلال تمدن اسلامی

بر اساس آنچه ذکر شد، مسجد، به عنوان شالوده حکومت اسلامی در تمدن اسلامی نقش ایفا می‌نماید. به طوری که اگر کسی می‌خواست در غلبه بر مسلمانان، شهر را از نشانه‌ها و تمدن اسلامی پاک‌سازی نمایند، به خراب نمودن مساجد آن شهر اقدام می‌نمودند و این امر را نشان دهنده از بین رفتن تمدن اسلامی تلقی می‌شد. به همین دلیل است که اگر کفار بر شهرهای مسلمانان و خداپرستان دست می‌یافتند، اقدام به خراب کردن مساجد و صومعه‌ها و کنیسه‌ها می‌نمودند.

^۱ . همان.

^۲ . سفرنامه کلاویخو، ترجمه، ص ۱۴۰.

^۳ . سفرنامه ابن بطوطه، ص ۵۱.

^۴ . سفرنامه ابن بطوطه، ص ۲۵۵؛ مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۱۴۱.

^۵ . مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۱۴۸.

^۶ . سفرنامه سیف الدوله، ص ۱۹۰.

^۷ . همان، ص ۲۷۳.

^۸ . مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۳۵۸.

در قرآن مجید نیز به این مطلب اشاره شده است: «وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمْتُمْ صَوَامِعَ وَبِيَعَ وَصَلَوَاتٍ وَمَسَاجِدَ يَذْكُرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا؛ اگر خدا برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی کرد، همانا صومعه‌ها و کلیساهای و کنیسه‌ها و مسجدهایی که در آنها بسیار نام خدا ذکر می شود، به شدت ویران می شدند»^۱.

بر این اساس، اگر افراد با ایمان و غیور، دست روی دست بگذارند و تماشاچی فعالیت‌های ویرانگرانه طاغوت‌ها و مستکبران و افراد بی‌ایمان و ستمگر باشند و میدان را خالی نمایند، اثری از این نمادهای تمدن توحیدی باقی نخواهند ماند؛ زیرا مساجد و معبدهای توحیدی، جایگاه بیداری و نهادینه کردن تفکر و فرهنگ توحیدی است و کفار با این نشانه‌های یگانه‌پرستی به‌طور کامل مخالف هستند. نمونه‌هایی از تخریب مساجد به دست مهاجمان به کشورهای اسلامی به شرح زیر بیان شده است:

۱. تخریب مسجد قیساریه توسط رومیان: وقتی در ایام ابن‌زبیر، رومیان به قیساریه هجوم بردند، آن شهر را ویران ساختند و مسجد آن را نیز تخریب کردند.^۲
۲. تخریب مسجدالاقصی توسط بخت‌النصر: یکی از شواهد مشهور در ویران کردن معابد، تخریب مسجدالاقصی است که توسط بخت‌النصر صورت پذیرفت. او بیت‌المقدس را تصرف نمود و مسجد آن را ویران کرد.^۳
در مقابل این گونه فعالیت‌های مهاجمان و دشمنان کشورهای اسلامی، مسلمانان نیز برای از بین بردن تمدن یهودیان، کنیسه‌های آنان را به مسجد تبدیل می‌کردند که نمونه‌هایی از آن به شرح زیر است:

۱. تبدیل ده کنیسه به مسجد در دمشق توسط ولید: ولید، وقتی دمشق را تصرف کرد، ده کنیسه را تبدیل به مسجد نمود؛ «وهدم الولید عشر كنائس واتخذها مسجداً»^۴.

۱. حج، آیه ۴۰.

۲. بلاذری، فتوح البلدان، ص ۲۰۷.

۳. تاریخ ابن‌خلدون، ج ۱، ص ۷۳.

۴. ابن‌فقیه، البلدان، ص ۱۸۵.

۲. تبدیل کنیسه اسکندریه به مسجد، توسط خضر بن اَبی بکر: در بین سال‌های ۶۷۱ تا ۶۸۰ هجری، خضر بن اَبی بکر بن موسی المهرانی العدوی وقتی وارد اسکندریه شد، کنسیه آن شهر را به مسجد تبدیل کرد؛ «و دخل کنیسه الإسکندریه و نهب ما فیها و صیرها مسجداً»^۱.

۳. تبدیل کلیسای سانتاسوفیا به مسجد ایاصوفیه توسط سلطان محمد دوم: با تصرف و حکوت مسلمانان بر منطقه، این مسجد بر روی کلیسای معتبر مسیحیان به نام سانتاسوفیا، ساخته شد.^۲

۴. تبدیل بتکده و کلیسا به مسجد جامع اموی: مسجد جامع اموی در دمشق در قبل از اسلام بتکده بود و بعد به کلیسا تبدیل شد که در عهد اسلام تبدیل به مسجد شد.^۳

۵. تبدیل کلیسا به مسجد در قرطبه (اسپانیا): رومی‌ها در قرطبه معبدی برای یانوس (یکی از خدایان روم باستان) داشتند که مسیحیان به جای آن کلیسای بزرگی بنیاد کرده بوند، وقتی عبدالرحمن اول به خلافت رسید، این کلیسا را از مسیحیان خرید و ویران کرد و به جای آن مسجد ازرق را ساخت. هرچند این مسجد با استیلای مسیحیان در اسپانیا به سال ۶۳۶ هـ ق به کلیسا مبدل شد.^۴ بدین ترتیب، نمادهای خداپرستی و عبودیت به اقتضای حوادث دچار تغییر می‌شدند و از روی خرابی‌ها، معبدی به عنوان سنبل تمدنی خاص و نوظهور پدیدار می‌شد که با ایجاد معابدی مختص به خود، در صدد ایجاد، ترویج، گسترش و پویایی تمدن خویش بر می‌آمد. بنابراین، مبارزه با نمادها و منهدم ساختن نشانه‌های تمدن‌های مختلف و گوناگون در بستر تاریخ، به فراوان دیده می‌شود؛ به‌طوری پیامبر ﷺ بعد از فتح مکه اولین کاری که انجام دادند، از بین بردن نمادهای شرک در درون و اطراف کعبه^۵ و همچنین در شهر مکه و قبائل اطراف آن بود.^۶

۱. تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، ج ۵۰، ص ۸.

۲. سفرنامه سیف الوله، ص ۱۰۲.

۳. همان، ص ۱۷۴.

۴. مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۲۳۸.

۵. الکلبی، الاضنام، ص ۲۷.

۶. همان، ص ۹.

« مبحث چهارم: مبارزه با نماد تمدن اسلامی (مساجد)

مبارزه با این نشانه و سمبل فرهنگ دینی از دو طریق متصور است؛ همان طوری که کسانی خواسته‌اند در این مسیر گام بردارند، از همین دو طریق بهره‌ها برده، آسیب‌هایی را نیز وارد نموده‌اند:

۱- از طریق توسعه شهرسازی غربی و محو نقش اساسی مسجد

در سیمای شهرهای جدید، اعم از ایران و کشورهای مختلف اسلامی، معماران و برنامه‌ریزان شهر از فرهنگ زلال قرآنی و سنت‌های دینی و بومی بیگانه گشته‌اند و پیش از آن که مروج و مبلغ مظاهر و سبک‌های هنر و معماری اسلامی باشند، جلوه‌های غربی و غربی‌زدگی و مادّی‌گرایی و گرایش‌های اقتصادی را در ساخت‌وساز شهری، مورد توجه قرار داده‌اند که ارمغان این روند، پیدایش ناهنجاری‌های اجتماعی- فرهنگی، فساد و ابتذال و نابسامانی‌های خانواده‌ها است؛ به این علت که گسترش ساخت‌وسازهایی از این دست، سبب پوشیده ماندن مساجد به عنوان نماد تمدن اسلامی از دید شهروندان یک شهر شده است. این موضوع، باعث شده است که مساجد، آن نقش حسّاس خود را (که در مبحث دوم به آن اشاره شد) از دست بدهند.

از سویی دیگر، از آنجایی که مساجد به عنوان برقرار کننده عدالت اجتماعی و رشد و تعالی آگاهی مردم نقش ایفا می‌کنند، به عنوان الگوی ظلم ستیزی شناخته شده‌اند؛ همان‌گونه که در انقلاب اسلامی، نقش مساجد در این بُعد بسیار مهم بوده است. این در حالی است که در دهه‌های اخیر، عوامل استکباری در راستای سیاست اسلام‌زدائی خود با ترفندهای گوناگون از جمله تبدیل مکان‌های مذهبی شهرها برای کارکردهای سودمندتر یا تحت عنوان عمران شهر و رهایی از بافت‌های فرسوده و کهنه، با تخریب بخش‌های حسّاس مکان‌های مذهبی در صدد برهم زدن پیوستگی مسجد با دیگر فضاهای شهری و گسستن پیوند معنوی و روحی مردم با این اماکن برآمدند. به عنوان مثال، پاساژهای ایجاد شده در گوشه‌وکنار شهرهای مختلف از این مکان عبادی به دور افتاده‌اند. در صورتی

که در گذشته بازارها در اطراف مساجد ساخته می‌شدند.

۲- از طریق تخریب فرهنگی مساجد

تخریب دیگری که در رابطه با مساجد صورت گرفته است، تخریب فرهنگی مساجد به وسیله شبیه‌خون فرهنگی است. البته، ناگفته نماند که متصدیان امور فرهنگی در کشورهای اسلامی نیز با کم‌کاری‌های خود در این امر دخیل هستند. یکی از این دسیسه‌های مربوط به این مقوله، دور نمودن مردم، به خصوص جوانان به مسجد است که خود یکی از مصادیق بارز تخریب مساجد است؛ امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ثَلَاثَةٌ يَشْكُونَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَسْجِدَ خَرَابٍ لَا يَصَلِّي فِيهِ أَهْلُهُ؛ در روز قیامت، سه چیز در نزد خداوند شکایت می‌کنند: یکی از آنها، مسجد خرابی که اهلس در آن نماز نمی‌خوانند»^۱.

یکی از سه چیزی که روز قیامت به خدا شکایت می‌کنند، مسجدی است که مردم در آن حضور نمی‌یابند و با این کار موجبات تخریب آن را فراهم می‌کنند. از مصادیق دیگری که می‌توان برای تخریب مسجد در این زمینه ذکر نمود (همچنان که در تفسیر الوسیط ذکر شده)، عدم برپائی جلسات علمی در مساجد است. در همین راستا، امروز متأسفانه منابر و عظم در بیشتر مساجد در حال تعطیل شدن است؛ الزحیلی در تفسیر خود چنین بیان می‌کند:

«عمارہ المساجد عمارہ مادیه بالبناء و الترمیم و معنویہ بالصلاه و العبادہ و الخدمہ و عقد حلقات العلم و الإرشاد و التوجیہ؛ عمارت و آباد کردن مساجد، مثل ساخت و مرمت مسجد می‌تواند مادی باشد. حالت دیگری از آباد کردن، مثل برپایی نماز و عبادات و برپایی حلقه‌های علمی و مشاوره، می‌تواند معنوی باشد»^۲.

بر همین اساس، امام علی (علیه السلام) یکی از کارکردهای مساجد را مقوله یادگیری ذکر می‌کنند و در ضمن روایتی، یکی از فوائد حضور در مسجد را فراگیری مطالب جدید معرفی می‌کنند: «... مِنْ اِخْتَلَفَ إِلَى الْمَسَاجِدِ اَصَابَ اِخْدَى الثَّمَانِ... اَوْ عَلِمًا مُسْتَرْفًا...»^۳.

۱. الکافی، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲. زحیلی، وهبه بن مصطفی، تفسیر الوسیط، ج ۱، ص ۸۳۹.

۳. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۲۲۷.

« مبحث پنجم: احیاء نماد تمدن اسلامی

الف) اهمیت احیاء نمادهای اسلامی

شناخت حقایق متعالی و اصول فطری مشترک و نمادین اسلامی، هم در احیای فرهنگ و حیات جامعه اثر مثبت دارد و هم جامعه را در برابر مفاهیم نمادین فرهنگ‌ها یا قدرت‌های فرهنگی دیگر دنیا بیمه می‌کند؛ این اصول، اصولی هستند که جهان غرب، آن را بر ملت‌های دنیا تحمیل می‌کند و به واسطه آنها، پای همت و اندیشه آنان را به بند می‌کشد.

با روشن شدن اهمیت احیای نمادهای اسلامی، توجه به نقش بنیادین آنها در احیای جامعه اسلامی نیز موضوعی بسیار جدی است. به بیان دیگر، یکی از عوامل مهم احیای جامعه اسلامی، احیای فرهنگ اسلامی یا به عبارتی، احیای اهداف جامعه اسلامی و حرکت بر مبنای قوانین اسلامی است. مهم‌ترین عامل اثرگذار بر احیای فرهنگ اسلامی، شناسایی منابع فرهنگ اسلامی و چگونگی بهره‌گیری از آنهاست؛ زیرا حیات هر فرهنگ و جامعه، به منابعی بستگی دارد که مبنای نظری فرهنگ آن جامعه است.

به‌طور کلی، منابع اصلی در دو گروه قابل دسته‌بندی هستند:

۱. گروه اول یا منابع اولیه که شامل قرآن و سنت معصومان (علیهم‌السلام) است؛
۲. گروه دوم یا منابع ثانویه که تجربه‌های جوامع و تمدن‌های بشری از گذشته تاکنون را دربرمی‌گیرد.

نکته مهم در بهره‌گیری از این دو دسته منبع، آن است که در گروه اول، شناسایی اصول بی‌زمان و مکان و تبیین معیارها برای ارزیابی و گزینش موضوع‌های گروه دوم ضرورت دارد؛ به این معنا که در منابع اولیه نباید در پی یافتن مصداق‌های جزئی بود. همچنین، دریافت‌های منابع ثانویه را باید به صورت مطلق و بدون ارزیابی با معیارهای برآمده از منابع اولیه پذیرفت.^۱

به بیان قرآن کریم، بسیاری افراد از سیمای ظاهری آنها شناخته می‌شوند.^۲ همچنین،

۱. تقی‌زاده، محمد، منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، فصل‌نامه هنر، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۸.

۲. رک: اعراف، آیه ۴۸؛ آل عمران: ۱۰۶ و ۱۰۷.

از معصومان (علیهم‌السلام) روایت شده است که خود را به شکل غیرمسلمانان در نیاوید؛ زیرا نوعی خدشه‌دار کردن هویت اسلامی جامعه است. این مسئله اهمیت نمادها را در فرهنگ اسلامی نشان می‌دهد.

معرفی تفکر، فرهنگ و نمادهای اسلامی به دیگر جوامع و تمدن‌ها، یکی از زمینه‌هایی است که افزون بر معرفی هویت اسلامی جامعه به دیگران، عاملی برای تقویت روح فرهنگ اسلامی و عزت و اعتماد به نفس جامعه نیز محسوب می‌شود. معرفی نشدن ویژگی‌های تمدن اسلامی، سبب گسیختگی جامعه از گذشته و تاریخ خویشتن خواهد شد. در بُعد فراملی، معرفی تمدن اسلامی به دیگران، مایه افزایش اعتماد به نفس جامعه اسلامی و ارتقای آن در جهان است. اهمیت دادن به نمادهای اسلامی در جامعه سبب می‌شود که هویت فرهنگی به شکل مطلوبی اثرگذار باشد و حفظ شود.

ب) مساجد، بزرگ‌ترین نماد تمدن اسلامی

در گذشته مردم به خود اجازه نمی‌دادند منازل ساختمان‌های خویش را بلندتر از مساجد بنا نمایند و احترام آن را در احداث فضای شهری مراعات می‌کردند^۱ و به‌طوری که هم اکنون نیز در بسیاری از شهرهای کویری و نقاط مرکزی ایران، گنبد و مناره مسجد، بلندترین ساختمان شهر به شمار می‌آید تا بتواند نقش مهم و حیاتی خویش را در زنده نگه داشتن فرهنگ و هویت دینی به‌طور کامل به انجام برساند.

امروز، با وجود و توسعه روابط اجتماعی - اقتصادی و پیروی از مدل‌های شهرسازی غربی، اگرچه از مرکزیت مساجد کاسته شده است؛ ولی با اتکا و کمک‌گیری

۱. «إِنَّهُ أَوْحَىٰ إِلَى اللَّهِ الٰهِي نَبِيٍّ مِّنْ أَنْبِيَائِهِ قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ: لَا تَلْبَسُوا لِبَاسَ اٰعْدَائِي وَلَا تَطْعَمُوا مَطَاعِمَ اٰعْدَائِي وَلَا تَسْلُكُوا مَسَلِكَ اٰعْدَائِي فَتَكُونُوا اٰعْدَائِي كَمَا هُمْ اٰعْدَائِي؛ خداوند به یکی از پیامبران وحی کرد، که به مؤمنان بگو: پوشاک دشمنان مرا نپوشید و خوراک آنان را نخورید و راه و رسم آنان را در پیش نگیرید که اگر چنین کنید، همچون دشمنان من دشمن من خواهید شد؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۷۴، برگرفته از: اراکی محسن، نظام اسلامی عمران شهری، روزنامه اطلاعات، ش ۲۱۷۲۱، ۲۱ شهریور ۱۳۷۸.

۲. باز زنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی، ص ۵۸؛ مساجد در سفرنامه‌ها، ص ۲۹۸.

از اعتقادات دینی و احترام معنوی مردم به مساجد قائل، می‌توان مساجد را به عنوان نیروی محرکه قوی و نیرومند به مکان رفیع گذشته باز گرداند و تمهیداتی اندیشید تا مساجد به عنوان نقطه عطف مذهبی منحصر به فرد در شهر، همان نقش اساسی خویش را ایفا کند؛ به عنوان نمونه در شهرهایی که قابل تقریرات ریختی نیستند و در آنها ساختمان‌های بلند، بسیار زیاد است، شایسته و لازم است در این برج‌های مسکونی بلند مرتبه‌ای که دارای جمعیت زیادی هستند در واحدهایی خاص، متناسب با تعداد جمعیت ساکن در برج، یک یا چند مسجد احداث نمود تا در این ساختمان‌های بلندمرتبه نیز نماد اسلامی بودن ترویج شود و در راستای آن، موجبات تقویت فرهنگ دینی در بین ساکنین آن، فراهم آید.

در ساخت شهرهای جدید می‌توان با بهره‌گیری از معماری و شهرسازی اسلامی و متناسب با جغرافیای منطقه‌ای شهرهایی را بنا نمود که در آن مساجد به عنوان نماد تمدن و فرهنگ اسلامی، محوریت شهر قرار گیرد و همسو با آن ارکان شهری توسعه بیابد تا بتوان در همین راستا یک شهر اسلامی بنا نمود.

« نتیجه سخن

مسجد، به عنوان خانه خدا در روی زمین، نهادی است که به امر الهی و به دست مبارک پیامبر اسلام ﷺ در نخستین روزهای تأسیس حکومت اسلامی، در مدینه بنیان نهاده شد. مسجد، نخستین نهاد عینی تمدن اسلامی محسوب می‌شود که از همان ابتدای تأسیس، علاوه بر اینکه پایگاه دینی و معبد مسلمانان به شمار می‌رفت، نخستین کانون فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی مسلمانان نیز بود و پایه‌های اساسی حکومت اسلامی در زمان پیامبر اکرم ﷺ در این مکان استوار شد؛ زیرا مقرر حاکمیت پیامبر ﷺ در آن قرار داشت و بعدها نیز اصول و مبانی دین اسلام از همین نهاد مقدس به مردم عرضه می‌شد.

بدین ترتیب، مسجد که خود یک نهاد تمدن اسلامی بود به زودی، به عنصر عینی در کنار عنصر فرهنگی اسلام تبدیل شد و در تمدن‌سازی دخیل گشت و به تدریج با توسعه تمدن اسلامی، جایگاه خود را به عنوان نماد اسلام در سراسر بلاد اسلامی پیدا کرد؛ به طوری که هر جا و در هر شهر و قریه‌ای که مسجدی وجود داشت، آن منطقه جزء قلمرو فکری، فرهنگی و سیاسی اسلام شمرده می‌شد.

مسجد، سرچشمه تمدن اسلامی است. اگر به هر یک از شهرهای اسلامی بنگریم، مسجد و مجموعه‌های آن را اساس شهرسازی می‌یابیم و در بافت شهرهای اسلامی مسجد، محور است. بورکهارت در کتاب «هنر اسلامی زبان و بیان» می‌نویسد:

«بیرونی‌ترین مظهر یک دین، با تمدنی مانند اسلام که هنر، خود بر حسب تعریف آن جلوه‌گاه برونی است، باید نمودار جهان درونی آن تمدن باشد».^۱

بنابراین، مسجد، قلب و کانون تپنده فرهنگ و تمدن اسلامی است؛ زیرا محوریت مسجد در معماری شهری و نیز چرخه امور شهر به صورت قطب فرهنگ‌ساز، سهولت دسترسی مردم به مسجد و کثرت مساجد در محله‌ها در گذشته تاریخی جوامع اسلامی، از دیگر ابعاد جایگاه مسجد در فضای کالبدی شهری در طول تاریخ بوده است.

^۱. بورکهارت، هنر اسلامی، زبان و بیان، ص ۱۶.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم.
- « نهج البلاغه.
- « ابن الفقيه، البلدان، ابو عبدالله احمد بن محمد بن اسحاق الهمدانی، تحقیق یوسف الهادی، بیروت، عالم الکتب، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ ق/۱۹۹۶ م.
- « ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی مؤحد، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۱ هـ ش.
- « ابن سعد، محمد بن سعد بن منیع الهاشمی البصری، الطبقات الكبرى، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ط الأولى، ۱۴۱۰ هـ ق/۱۹۹۰ م.
- « ابن سعد، محمد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارالبیروت، ۱۹۸۵ م.
- « ابن فقیه، البلدان، ترجمه ح. مسعود، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۹ هـ ش.
- « انصاریان، حسین، ترجمه قرآن، قم، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ ش.
- « بلاذری، ابوالحسن احمد بن یحیی، فتوح البلدان، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۹۸۸ م.
- « تیتوس، بورکهارت، هنر اسلامی، زبان و بیان، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۵ هـ ش.
- « خوانساری، محمد، منطق صوری، تهران، نشر آگاه، چاپ پنجم، ۱۳۶۲ هـ ش.
- « دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، ۱۳۸۵ هـ ش.
- « الذهبی، شمس‌الدین محمد بن احمد، تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الأعلام، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۳ هـ ق/۱۹۹۳ م.
- « زحیلی، وهب‌بن مصطفی، تفسیر الوسیط، دمشق، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـ ق.
- « سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مشهد، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۶۸ هـ ش.
- « ابن بطوطه محمد بن عبدالله بن محمد بن ابراهیم لواتی طنجی، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه: محمد علی مؤحد، تهران، نشر آگاه، چاپ ششم، ۱۳۷۶ هـ ش.
- « سلطان محمد میرزا قاجار، سفرنامه سیف‌الدوله معروف به سفرنامه مکه، تصحیح و تعلیق: خداپرست، علی‌اکبر، تهران، نشر نی، ۱۳۶۴ هـ ش.
- « گونسالس دو کلاویخو، روی، سفرنامه کلاویخو، ترجمه: مسعود رجب‌نیا، تهران، شرکت علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ هـ ش.
- « ناصر خسرو قبادیانی مَروزی، سفرنامه ناصر خسرو، با حواشی و تعلیقات و ...، به کوشش: دکتر محمد دبیر سیاقی، کتابفروشی زوآر، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ ش.
- « سیف، علی‌اکبر، روش‌های مطالعه و یادگیری، تهران، نشر دوران، ۱۳۸۶ هـ ش.
- « صدر، سید محمدباقر، بحوث فی علم‌الأصول، مؤسسه دایره المعارف فقه اسلامی، ۱۴۱۷ هـ ش.
- « صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، قم، مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ سوم، ۱۴۱۳ هـ ق.
- « الکلبی، ابوالمنذر هشام بن محمد، الأضنام (تنکیس الأضنام)، تحقیق احمد زکی باشا، القاهره، افست تهران (همراه با ترجمه)، نشر نو، چاپ دوم، ۱۳۶۴ هـ ش.
- « کلینی رازی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵ هـ ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، مؤسسه الوفاء ۱۴۰۴ هـ ق.
- « مسجد در سفرنامه‌ها.

- « نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل‌البیت لإحياء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸هـ.ق.
- « تقی‌زاده، محمد، منابع و روش شناخت مبانی نظری معماری قدسی و شهر اسلامی، فصل‌نامه هنر، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۸هـ.ش.
- « متز، آدام (شرق‌شناس سوئیسی)، تمدن اسلامی در قرن چهارم، یا رنسانس اسلامی، مترجم: علیرضا ذکاوتی فراگزلو، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۲هـ.ش.
- « مقری تلمسانی، احمدبن محمد، نفع الطیب من غضن الاندلس الرطیب، محقق: احسان عباس، بیروت، دارالصادر، ۱۴۰۸هـ.ق.
- « ابن‌خلدون حَضْرَمِي، ابوزید عبدالرحمن بن محمد بن خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، مترجم: آیتی، عبدالمحمد، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۳هـ.ش.

مهندسی تمدن اسلامی و مسجدمحوری

مصطفی جمالی

« چکیده

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضائات تمدنی آن در دنیای امروز، باید مهندسی تمدن اسلامی بر اساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میان، توجه وافر به معارف مربوط به مسجد و کارکردهای آن بسیار مهم است. نوشتار حاضر، در صدد بیان این موضوع است که مسجد، نقش عظیمی در تحقق تمدن اسلامی دارد و باید کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و ... آن احیاء و فعال گردد. این نوشتار، در سه گفتار به شرح زیر تدوین گردید: گفتار اول، مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی؛ گفتار دوم، جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی، با زیر شاخه حاکمیت در توحید، امام و محراب مسجد، لزوم طهارت و ...؛ گفتار سوم، کارکردهای مسجدمحوری در مهندسی تمدن اسلامی. نگارنده، در گفتار سوم با تبیین مهم‌ترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی صلی الله علیه و آله و تشریح شکل‌دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه، آموزش، شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی و تکامل و تربیت دینی به عنوان کارکردهای فرهنگی مسجد، نقش مسجد در مهندسی تمدن اسلامی را بحث و بررسی کرده است.

« واژگان کلیدی:

مسجد، تمدن اسلامی، مهندسی، فقه حکومتی، علوم اسلامی.

شاید سخن از ارتباط مسجد و تمدن اسلامی برای بسیاری از خوانندگان، تنها تداعی کننده ارتباط ذوقی و سلیقه‌ای در این دنیای ارتباطات باشد؛ چرا که بحث مربوط به این دو موضوع، باید در دو فضای متفاوت مطرح شود؛ به خصوص بر اساس ادبیات روشنفکری سکولار، نخست اینکه سخن از تمدن اسلامی بی‌معناست؛ زیرا دین به هیچ وجه، ناظر به حیات اجتماعی و مدنیت نیست و تنها می‌توان از تمدن مسلمانان سخن گفت و دوم اینکه، مسجد تنها یک مکان عبادی و جایگاه خاصی در تمدن مسلمانان دارد و نباید بیش از حد از این نهاد دینی انتظار داشت؛ ولی با دقت در سیره، معارف و فرهنگ نبوی صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام، به خوبی شأن، منزلت و کارکرد این نهاد ارزشمند دینی در بین دیگر عناصر دینی اسلام روشن خواهد شد.

اولین اقدام پیامبر صلی الله علیه و آله برای شکل دهی مدینه‌النبی و تمدنی جدید در تاریخ بشریت، تأسیس مسجد بود و این اقدام نشان‌دهنده آن است که محور و جوهره جامعه و حکومت و تمدن در اندیشه اسلامی، باید مسجد باشد و دیگر عناصر این تمدن جدید، همه باید بر مدار این محور اساسی شکل بگیرد. عبودیت، عبادت، تربیت، آموزش، جهاد، رفع حوائج فردی و اجتماعی و ... کارکردهای مسجد بر اساس معارف اسلام هستند. با این رویکرد، آیا می‌توان در مهندسی تمدن اسلامی، به این حجم از معارف در مورد مسجد و کارکردهای بی‌شمار آن توجه وافر نداشت؟

وقوع انقلاب اسلامی در سیر حرکت تکاملی جامعه شیعی، نویدبخش احیاء دوباره تمدن اسلامی است و برای تحقق کامل تمدن اسلامی با تمامی اقتضائات تمدنی آن در دنیای امروز، باید مهندسی تمدن اسلامی بر اساس معارف شیعی صورت بگیرد و در این میانه توجه وافر به معارف مسجدی و کارکردهای آن بسیار مهم است.

این مقاله در صدد آن است که نگاهی اجمالی در این مورد عرضه کند و تنها یک شروع در خصوص اندیشیدن و پژوهش در این مسئله باشد. بر این اساس،

ابتدا مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی، سپس جایگاه مسجد در مهندسی تمدن اسلامی و در پایان، به تبیین کارکردهای مسجدمحور در مهندسی تمدن اسلامی می‌پردازد.

« ۱. گفتار اول: مفهوم‌شناسی مهندسی تمدن اسلامی

۱-۱ - مفهوم تمدن

درباره تعریف تمدن و فرهنگ، دیدگاه‌های متفاوتی ذکر شده است. بسیاری از افراد، فرهنگ و تمدن را مترادف با یکدیگر قلمداد می‌نمایند. از جمله «ادوار تایلور» که در این باره چنین می‌گوید:

«کلمه فرهنگ یا تمدن، به مفهوم وسیع کلمه که مردم‌شناسان به کار می‌برند، عبارت از ترکیب پیچیده‌ای شامل علوم، اعتقادات و هنرها، اخلاق و قوانین و آداب و رسوم و عادات و اعمال دیگری است که به وسیله انسان در جامعه به دست می‌آید.»^۱

دیدگاه دیگر درباره تمدن - که به نظر می‌رسد دیدگاه دقیق‌تری باشد - آن است که برای تمدن، معنایی فراگیر قائل بوده که علاوه بر جنبه نرم و فرهنگی حیات اجتماعی، مجموعه عناصر اقتصادی، سیاسی، تکنیک‌ها، سازمان‌های اجتماعی و خلاصه جنبه‌های سخت یک جامعه را نیز شامل می‌شود. در فرهنگ لالاند^۲ «یک تمدن، مجموعه‌ای است از پدیده‌های اجتماعی که قابل انتقال هستند و جنبه‌های مذهبی، اخلاقی، زیباشناسی، فنی، علمی مشترک در یک جامعه یا چند جامعه مرتبط با یکدیگر را به خود می‌گیرند». البته کسانی هم هستند که تمدن را در جلوه‌های فرهنگ مادی و تجسم آن را در شهرنشینی خلاصه می‌کنند.^۴

بر این اساس به خوبی می‌توان به چند ویژگی مفهوم تمدن اشاره نمود: الف) تمدن، آنچنان که از کلمه لاتینی شهرنشین بودن یا شهروندان (Civis) و شکل وصفی آن (Civilis) مشتق می‌شود، متقوم به وسیله شکل‌گیری یک نظام اجتماعی قانونمند است.

ب) گستره یک تمدن، به مراتب بیشتر از یک حکومت و یا حتی یک فرهنگ

۱. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۴۸.

۲. Laland.

۳. ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، ج ۱، ص ۹۹.

۴. روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۵۰.

خاصّ است و در نتیجه، عمر طولانی تری از حیات اجتماعی یک جامعه خاصّ را داراست.

ج) تمدّن، هم یک جنبه سخت و هم یک جنبه نرم دارد که فرهنگ به عنوان جنبه نرم یک تمدّن، زیر بنای ساخت آن است و بُعد عقلانیّت یک تمدّن - که اساس یک تمدّن است - به بعد فرهنگی آن مربوط می شود. البته تمدّن، تنها به این جنبه نباید خلاصه شود، بلکه جنبه های سخت تمدّن، مانند ساختارها، محصولات و ... هم مطرح است.

د) هر تمدّنی، دارای نظامات اجتماعی متعدّدی است که به طور اساسی همین نظامات، تمامیت یک تمدّن را محقق می سازد؛ مانند نظام های حقوقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و دیگر نظامات کلان و خرده نظامات که به صورت هماهنگ، تعیین بخش هستند.^۱

ه) شکل گیری یک تمدّن، محصول هماهنگی نظامات اجتماعی خاصّی است که به پذیرش اجتماعی رسیدند و نهادینه شده اند؛ بنابراین، اگر مؤلفه های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در یک جامعه به پذیرش اجتماعی نرسد، هرگز شکل تمدّنی به خود پیدا نخواهد کرد.

۲-۱- ارکان تمدّن

در مورد مؤلفه ها^۲ و ارکان اصلی یک تمدّن و سهم تأثیر هر یک در ساخت یک تمدّن، برخی اندیشمندان چهار رکن را مطرح کرده اند: پیش بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی، کوشش در راه معرفت و بسط هنر. در نظر ویل دورانت، عوامل تمدّن عبارت اند از: شرایط معرفت الارضی، جغرافیایی، اقتصادی، زیستی، روانی، نظم سیاسی، وحدت زبانی و قانون اخلاقی. از نظر دورانت، اهمیت عوامل و اوصاف و احوال اقتصادی در شکل دهی به یک تمدّن، بیش از عوامل دیگر است.^۳

۱. آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، ص ۱۲۸.

۲. Factors.

۳. دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ج ۱، ص ۳۰۷.

بعضی دیگر، سازه‌های یک تمدن را نظامات مختلفی، همچون نظام اقتصادی، فرهنگی، سیاسی، حقوقی، ارزشی، تاریخی و ... دانسته‌اند. شاید بتوان با نظری دقیق، سه رکن اصلی یک تمدن را «نظام گرایش، نظام اندیشه و فرهنگ، نظام محصولات» دانست که در تقوّم با یکدیگر، هویت تمدنی خاصی را شکل می‌دهند. برخلاف بسیاری از دیدگاه‌ها که فرهنگ را پایه اصلی تمدن مطرح می‌کنند، با نظر دقیق می‌توان گفت که اگرچه فرهنگ، پایه و اساس شکل‌گیری عینیت‌های تمدنی است و تمامی الگوها، مدل‌ها، ساختارها و دانش‌ها و علوم، بستر شکل‌گیری محصولات سیاسی، فرهنگی و اقتصادی را در سطوح مختلف فراهم می‌آورند، اما فرهنگ، خود در بستر نظام گرایش‌ها، تمایلات، عاطفه‌ها و اخلاق اجتماعی شکل می‌گیرد. به تعبیر دیگر، با مطالعه و بررسی حیات اجتماعی انسان، به خوبی نمایان می‌گردد که حیات اجتماعی، مجموعه‌ای از «تمایلات، اندیشه‌ها و محصولاتی» شکل گرفته است که این سه بُعد در هماهنگی با یکدیگر، تمامی حوزه‌های حیات زندگی انسان را پوشش می‌دهد. در میان این سه بعد، نظام تمایلات، سهم اصلی را در شکل‌دهی یک جامعه و تمدن دارد.

به عنوان مثال، جامعه‌ای که تمایلات آن مبتنی بر ارزش‌های اسلامی شکل گرفته است، هیچ‌گاه در اندیشه اقتصادی خود، سراغ الگوهای ربوی و نظام سرمایه‌داری نمی‌رود و روابط اجتماعی و فرهنگی خود را متناسب با تمایلات خود شکل می‌دهد و در نتیجه، محصولات اجتماعی خاصی را در حوزه‌های مختلف، متناسب با تمایلات و اندیشه‌های خود تولید می‌کند. تفصیل این معنا در امر شناخت تمدن اسلامی بسیار مهم است.

آنچنان که بیان شد تمایلات، عاطفه‌ها و احساسات، از مهم‌ترین ارکان یک جامعه و تمدن بشری است که در حیات اجتماعی خود بدان پای‌بند است و به آن تعلق دارد. هر جامعه‌ای، متناسب با حسّ زیباشناسی خود، به برخی موضوعات و مسائل گاهی علاقه روحی و میل و کشش درونی پیدا می‌کند و گاهی از موضوع و مطالب دیگری متنفر و گریزان می‌شود؛ همین تمایلات، به

وسیله تعامل با اندیشه‌ها، مبدأ ابراز رفتارها و موضع‌گیری‌ها می‌گردد. بر این اساس، می‌توان تمایلات اجتماعی را خاستگاه شکل‌گیری تمدن برشمرد و این ادعا با مطالعه تاریخی به خوبی قابل اثبات است؛ چرا که نقطه عزیمت هر شکل تمدنی به شکل دیگری، تغییر در تمایلات، عاطفه‌ها و زیباشناسی اجتماعی است و به تعبیر ماکس وبر، این، اخلاق اجتماعی است که پایه شکل‌گیری یک تمدن می‌گردد.^۱

رکن دوم یک تمدن، اندیشه‌ها و بینش‌های تمدنی است که مبتنی بر آن، محصولات تمدنی شکل خواهد گرفت. این اندیشه‌ها، لایه‌های متعددی دارد که از یک نگاه می‌توان آن را به اندیشه‌های «بنیادی، راهبردی و کاربردی» تقسیم نمود که همین اندیشه‌ها فرهنگ جامعه را شکل می‌دهد. به تعبیر دیگر، مفاهیم، ساختارهای اجتماعی، الگوها و مدل‌های گوناگون در عرصه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و ... رکن دوم و اساس یک تمدن را شکل می‌دهد که بر اساس آنها، روابط اجتماعی و کنش و واکنش‌های متقابل در سطوح خرد و کلان شکل می‌گیرد.

۳-۱- مفهوم مهندسی تمدن اسلامی

مفهوم مهندسی، عبارت است از شناخت و جانمایی عناصر یک نظام و طراحی و تنظیم روابط و تعامل میان این عناصر، به گونه‌ای که در جهت تکامل و پویایی مجموعه، زمینه کارکرد یا رفتار مطلوبی را در نظام فراهم نماید. اصولی که در مهندسی و بر اساس آن در مهندسی تمدن نیز باید رعایت شود، عبارت است از دارا بودن یک نگرش زمینه‌ای. مهندس باید محیطی که می‌خواهد در آن مهندسی کند (به طور مثال، ساختمانی را که می‌خواهد بنا کند) را بشناسد (یعنی شناخت میزان سفتی و سستی زمین و میزان درجه هوا و ...). مهندس باید در محیط مهندسی، با نگرش جامع و با منطق مناسب، با برقراری نسبت بین عوامل، قدرت الگوسازی، قدرت آینده‌نگری و آینده‌پردازی

۱. وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، ص ۶۲.

(یعنی دانستن اینکه قرار است در آینده چه اتفاقی بیفتد)، وظایف خود را به خوبی انجام دهد. همچنین، وی باید بتواند آینده مناسبی را ایجاد کند و برای ایجاد آن برنامه‌ریزی نماید. استقبال از تغییر جایگاه‌ها و حتی تغییر روش، اقتضای دینامیکی بودن یک حرکت است؛ البته مشروط به این است که تعالی و در مجموعه بودن مورد توجه قرار گیرد.

با مفهوم ارائه شده از تمدن و مهندسی، در مهندسی تمدن باید منظومه باورها، ارزش‌ها و رفتارهای موجود در عرصه تمدنی را باز شناخت تا از طریق آن، چالش‌ها، تعارض‌ها، انحطاط‌ها، انتقادهای و نیز قوت‌ها، شناخته شود و مبتنی بر تمدن آرمانی به دست آمده از کتاب و سنت بتوان تمدن هدف، یعنی تمدن قابل وصول را شناسایی نمود و در هر مرحله تکامل تمدنی، تمدن هدف را، به تمدن آرمانی نزدیک نمود. بنابراین، یک فرهنگ آرمانی وجود دارد که از کتاب و سنت اخذ می‌شود که آن را باید حوزه‌های علمیه از منابع شرعی به دست آورند و دیگری فرهنگ مطلوب، یعنی هدف، یعنی فرهنگ قابل وصول که نقش میانی دارد و باید متناسب با شرایط تبیین شود. مهندسی فرهنگی باید برای دستیابی به اهداف میانی اتفاق بیفتد و البته این اهداف میانی، باید در مسیر خود باشد و در هر مرحله به هدف آرمانی نزدیک‌تر شود.

« گفتار دوّم: جایگاه مسجد در مهندسی تمدّن اسلامی

تبیین دقیق جایگاه مسجد در مهندسی تمدّن اسلامی، کار مهم اجتهادی می‌طلبد. بنابراین، پژوهش در این مورد، پیوندی عمیق با فقه حکومتی و فقه اجتماعی اسلام دارد. لازمه داشتن چنین فقهی، دستیابی به فقه‌های جامع، کلّ‌نگر و عمیق است که بتواند به صورت روشمند، در این خصوص، معارف متکامل اسلام را استنباط کند و به حجّیت برساند. توجّه به این نکته اساسی و با عنایت به مفهوم مهندسی تمدّن اسلامی، شاید بتوان بر اساس معارف وارد شده در مورد شأن و منزلت، آداب و جایگاه مسجد، از دو منظر به بررسی نسبت مسجد و تمدّن اسلامی پرداخت.

الف) الگوگیری از مسجد در طراحی تمدّن اسلامی؛

ب) توجّه به مسجدمحوری در مهندسی تمدّن اسلامی.

اگرچه بررسی نسبت مسجد و تمدّن اسلامی از منظر دوّم، موضوع سخن این نوشتار است؛ امّا به طور اجمال، به منظر اوّل هم پرداخته می‌شود.

۱-۲- الگوگیری از مسجد در طراحی تمدّن اسلامی

توجّه به آداب، احکام و نمادهای مطرح در مسجد می‌تواند در طراحی الگوی تمدّن اسلامی راه‌گشا باشد؛ زیرا مسجد، مقیاسی کوچک از نماد تمدّن اسلامی با تمامی مؤلفه‌های تمدّنی آن است.

در اینجا به برخی از این موارد اشاره می‌گردد:

الف) حاکمیت توحید: اولین و مهم‌ترین کارکرد مسجد، کارکردی عبادی است. مسجد، مهم‌ترین عبادت‌گاه مسلمین است که ندای توحید در آن سر داده می‌شود. در طراحی تمدّن اسلامی هم باید توجّه به این اصل اساسی مبذول داشت تا تمدّن اسلامی بستر تحقّق توحید را فراهم آورد. به عبارت دیگر، تمامی اجزاء و مؤلفه‌های شکل‌دهی تمدّن اسلامی باید بر مدار توحید و امر الهی سامان‌دهی شود و یک آهنگ بر تمامی عرصه‌های تمدّنی حاکم باشد. «حَتّی

تَكُونُ أَعْمَالِي وَ أُوْرَادِي كُلُّهَا وَرُذًا وَاحِدًا وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا»^۱.

ب) امام و محراب مسجد: محراب مسجد، نماد تعیین جهت حرکت امام و نمازگزاران است و این رابطه، بین انسان و خدا باید از طریق امام جماعت و پیشوا صورت بگیرد و این امام عادل و با تقواست که از یک سو، ارتباطی با خدا دارد و از سوی دیگر، حلقه واسطه ارتباط مردم با خدا است. بر این اساس، در طراحی تمدن اسلامی هم باید به مسئله امام (علیه السلام) (در زمان حضور) و ولی فقیه (در زمان غیبت) توجه وافر داشت و تنها تناسبات امام است که منجر به تحقق تمدن اسلامی خواهد شد.

ج) لزوم طهارت در مسجد: شرط ورود و ساکن شدن در مسجد، پاک بودن انسان از یک طرف و طاهر نگه داشتن مسجد، از طرف دیگر است. بنابراین، ورود غیرمسلمان به درون مسجد مجاز نیست.

در طراحی تمدن اسلامی هم باید به این نکته اساسی توجه داشت که تمامی مؤلفه‌ها و عناصر تمدن اسلامی، باید پاک و متناسب با فضای مادی و معنوی جامعه اسلامی باشد و در این راستا، باید حریم و حرمت جامعه دین در آن حفظ شود. بر این اساس، هیچ‌گاه نمی‌توان از مؤلفه‌های تمدن‌های مادی (همچون تمدن لیبرال دموکراسی که مؤلفه‌های آن بر اساس مبانی اومانیستی و سکولاریستی بنا شده است) در مهندسی تمدن اسلامی بهره گرفت.

د) عدالت محوری در مسجد: هم امام مسجد باید عادل باشد و هم در ایجاد صفوف نماز جماعت، نمازگزاران هیچ فرقی با یکدیگر ندارند و با وجود تعدد طبقات و گروه‌های اجتماعی، همه با یکدیگر برابر هستند. در طراحی تمدن اسلامی هم باید عدالت محوری به‌طور دقیق رعایت شود؛ بدین معنا که از یک سو، همه امور در جای خود قرار گیرند (وضع کل شیء فی موضعه) و از طرف دیگر، حق همه امور، متناسب با ظرفیت آنها اعطا شود (و اعطاء کل ذی حق حقه)^۲.

^۱. قمی، شیخ عباس، مفاتیح‌الجنان، دعای کمیل.

^۲. حکیم سبزواری، ملاحادی، شرح الاسماء الحسنی، ص ۵۴.

۲-۲- توجه به مسجدمحوری در مهندسی تمدن اسلامی

منظر دوم در نسبت بین مسجد و تمدن اسلامی، توجه به نقش و جایگاه مسجد در حیات اجتماعی و تمدنی مسلمانان است. جایگاه مسجد در فرهنگ اسلامی، برخلاف جایگاه کلیسا در فرهنگ غربی، تنها یک مکان عبادی صرف برای برقراری یک ارتباط فردی و شخصی با خداوند نیست، بلکه مسجد، کانون و هسته اصلی جامعه اسلامی است. بنابراین، می‌بینیم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین گام خود در بنا نهادن تمدن تاریخی اسلام، اقدام به تأسیس مسجد کردند و تمامی این حرکت تاریخی بر مدار مسجد سامان دهی شد. بنابراین، در تأسی از این حرکت پیامبر صلی الله علیه و آله در طراحی تمدن اسلامی باید به این اصل اساسی توجه نمود که الزامات مسجدمحوری در شکل دهی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای تمدن اسلامی رعایت گردد.

به عبارت دیگر، اگر در تمدن لیبرال دموکراسی - که تمدنی اقتصاد محور است - بانک‌های ربوی به عنوان محور اساسی سامان دهی تمامی شئون اجتماعی هستند، در تمدن اسلامی، این مسجد است که باید محور اصلی در پیشرفت و تکامل همه شئون اجتماعی، اعم از توسعه سیاسی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی قرار گیرد.

بنابراین، همه ارکان تمدن اسلامی (نظام تمایلات، نظام بینش و دانش، نظام محصولات)، باید بر اساس اندیشه مسجدمحوری سامان دهی شود.

در ادامه به برخی از الزامات مسجدمحوری در مهندسی تمدن اسلامی اشاره می‌گردد؛ هر چند پرداختن به تمامی وجوه این موضوع مهم، خود موضوع پژوهشی سنگین است که باید مبتنی بر روش اجتهادی و با معیارهای علمی دقیق صورت بگیرد و چه بسا لازم است کرسی‌های نظریه‌پردازی فراوانی از وجوه مختلف در این زمینه برپا گردد.

« گفتار سوم: کارکردهای مسجدمحوری در مهندسی تمدن اسلامی ۱-۳- کارکرد مسجد در شکل‌دهی نظام تمایلات اجتماعی و ساماندهی سیاسی

از مهم‌ترین کارکردهای مسجد در تاریخ و سیره نبوی، شکل‌دهی تمایلات اجتماعی و هدایت سیاسی جامعه است. بسیاری از برنامه‌ریزی‌های سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد انجام می‌پذیرفت. پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بیعت‌های رسمی در مسجد صورت می‌گرفت. خطبه حضرت زهرا علیها السلام علیه خلافت ابوبکر در مسجد ایراد گردید. امام علی علیه السلام مسجد کوفه را مرکز تربیت و شکل‌دهی تمایلات مردمان کوفه قرار داده بود.

در نظام سیاسی اسلامی، «تولید، توزیع و مصرف قدرت» باید بر مدار الهی و تولی به ولایت حضرت حق صورت بگیرد و تحقق این مهم به صورت عالی، جز در خانه حضرت حق امکان‌پذیر نخواهد بود.

بر این اساس مسجد، علاوه بر اینکه مرکز رفع حوائج خرد در جامعه است، مانند محل گردآوری کمک برای مستمندان، برگزاری آئین‌هایی، مانند مراسم جشن‌ها، ترحیم‌ها، گردهمایی‌ها، اقامت موقت در راه‌ماندگان، مراجعه به امام جماعت برای حل دعاوی و ...، باید مرکزیت رفع حوائج در سطح کلان و توسعه جامعه اسلامی هم قرار بگیرد؛ یعنی مسجد، باید مرکز تصمیم‌گیری کلان اجتماعی باشد و تمامی سیاست‌گذاری‌های کلان، اعم از سیاست‌های داخلی و خارجی در آنجا سامان‌دهی شود.

علاوه بر این موارد، مسلمانان در فضای مسجد، زندگی کردن در یک جامعه اسلامی آکنده از خدامحوری، صمیمیت، مواسات و خیرخواهی را در مقیاسی کوچک‌تر تجربه می‌کنند و برای نهادینه کردن این روحیه در سطوح کلان اجتماعی تنها چاره این است که تمامی جامعه اسلامی، به منزله یک مسجد بشود. پیامبر عظیم‌الشأن صلی الله علیه و آله به ابودر فرمود: «حَيْثُمَا أُدْرِكْتِكَ الصَّلَاةَ فَصَلِّ وَ الْأَرْضُ كُلُّهَا مَسْجِدٌ؛ هر جا وقت نماز رسید، همان جا نماز بخوان که سرتاسر

زمین برای تو مسجد است»^۱.

« کارکرد مسجد در شکل‌دهی فرهنگ

از دیگر کارکردهای مسجد، کارکرد فرهنگی و ارتباطاتی مسجد است. مسجد، جایگاهی بلند در ترویج و نهادینه ساختن فرهنگ اسلامی و دست یافتن به اهداف غایی دین، یعنی تعالی فرد و اجتماع دارد. کارکردهای فرهنگی مسجد بسیار فراوان است. بنابراین، لازم است در مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی کشور، توجه وافر و اساسی به این مقوله معطوف شود؛ ولی متأسفانه تاکنون این امر مهم مورد غفلت واقع شده است.

در این قسمت از بحث، به برخی از کارکردهای فرهنگی کشور اشاره می‌گردد و قبل از طرح مطلب، توجه به این نکته اساسی ضرورت دارد که نباید کارکرد مسجد را تنها در تعالی فرهنگ عمومی منحصر کرد، بلکه در مسئله پیشرفت فرهنگ تخصصی و بنیادی جامعه هم باید به محوریت مسجد توجه نمود.

الف) آموزش: مسجد، از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مرکز آموزش معارف قرار گرفت. پیامبر صلی الله علیه و آله ابتدا بر روی تنه درختی و بعدها بر فراز منبر به تبیین احکام الهی و معارف اسلامی پرداخت و سپس، همین امر به یک سنت در مسجد بدل گردید و محراب و منبر، پیوندی جدایی‌ناپذیر پیدا کردند.

علاوه بر آموزش‌های عمومی، حلقه‌های درس و رشته‌های تخصصی در مسجد از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله و بعدها به صورت توسعه‌یافته‌تر از زمان امیرالمؤمنین علیه السلام تا زمان به دانشگاه بزرگ صادقین علیهم السلام شکل می‌گرفت. بنابراین، می‌بینیم که مسجد، کانون آموزش و ترویج فرهنگ، حتی در سطوح مطالب تخصصی و بنیادی نیز بوده است.

متأسفانه با نفوذ فرهنگ مدرنیته در جامعه اسلامی، بخش عمده‌ای از آموزش کشور، چه آموزش متوسطه و چه آموزش‌های دانشگاهی، ابتدا از فضای مسجد جدا و سپس به تدریج حتی از مبانی و اصول اسلامی هم تهی و خالی گردید. بنابراین، با جریان یافتن علوم سکولار در جامعه، روح دین‌داری تضعیف گردید

۱. قائدان، اصغر، آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۱۹۹.

و دین همچون نظامات مادّی از جریان جامعه‌پردازی کنار گذاشته شود و تز جدایی دین از سیاست، بر روح آموزش کشور حاکم گردید. انقلاب اسلامی، فرصت دوباره‌ای است تا با شکستن ساختارهای آموزشی نهادینه شده در جامعه، بستر بازگشت آموزش به مسجد فراهم شد و زمینه تولید علم دینی پدید آمد. به راحتی می‌توان کرسی‌های نظریه‌پردازی را در مساجد فعال نمود که ثمره آن هم حاکمیت روح تعبّد و تعهد بر جریان نظریه‌پردازی است و همه توجّه به مبانی دینی در شکل‌گیری نظریه‌های نوین اسلامی در حوزه دست‌یابی به علوم انسانی اسلامی است.

ب) شکل‌گیری ارتباطات فرهنگی: مسجد، پایگاه شکل‌دهی ارتباطات و اطلاع‌رسانی در فرهنگ نبوی ﷺ بوده است. ندای «الصلاه جامعه» در زمان پیامبر اسلام ﷺ و دوران پس از آن، نوعی اعلام فراخوان عمومی برای گردهم آمدن مسلمانان در مسجد و نشان از اعلام یک امر مهم به هنگام اقامه نماز جماعت بوده است. پس از تشریح اذان در غیر از زمان نماز، مردم با بانک اذان به مسجد می‌آمدند.^۱ علاوه بر این، شبکه ارتباطی مساجد هم در فرهنگ اسلامی قابل توجّه و قابل‌الگوگیری است. وجود «مساجد محلی» و مسجد جامع در هر شهر و ارتباط مساجد جامع با یکدیگر و وجود مسجد جامع در مرکز حاکمیت به عنوان بلندگوی اصلی حکومت، مسئله مهمی در طراحى شبکه ارتباطات است؛ به خصوص، در دنیای امروز که نقش شبکه ارتباطات در اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی، بسیار مهم‌تر از گذشته رخ نمایان کرده است.

بر این اساس، در مهندسی فرهنگی کشور باید شبکه ارتباطی بر مدار و محوریت مساجد شکل بگیرد تا هم پاک بودن این شبکه ارتباطی تضمین شود و هم زمینه شکل‌گیری جبهه فرهنگی توحیدی در مقابل جبهه مادّی پدید آید.

ج) تکامل و تربیت دینی: در اسلام، آموزش هیچ‌گاه از تربیت جدا نبوده است. بنابراین، کارکرد آموزشی مسجد همواره قرین کارکرد تربیتی هم بوده است؛ اما با این حال، توجّه به این بعد از مسجد هم در زمینه توسعه و رشد فرهنگی

۱. ابن‌سعد، محمد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۱۴۶.

کشور بسیار مهم است.

باید مسئولان و متولیان فرهنگی کشور به این باور اساسی رسیده باشند که جز بر مدار مسجد، توسعه تربیتی کشور امکان پذیر نیست. بچه و فرزندی که از ابتدای کودکی و نوجوانی، قرین مسجد نشود و با حلقه‌های ذکر و معرفت مسجد همراه نشود، در جوانی و میان‌سالی هرگز نمی‌تواند در وادی تربیت دینی حضور پیدا کند.

مسجد، کانون رشد اخلاق فردی و اجتماعی آحاد جامعه اسلامی است. تاجری که با مسجد، انس نداشته باشد، تجارتش می‌لنگد و سیاست‌مداری که در مسجد تربیت نشده باشد، هرگز نمی‌تواند چرخ حکومت اسلامی را بچرخاند.

۲-۳- کارکرد اقتصادی و حقوقی

علاوه بر کارکرد سیاسی و فرهنگی مسجد در سیره نبوی صلی الله علیه و آله و حیات علوی علیه السلام مسجد، کارکرد اقتصادی هم داشته است. حفظ و نگهداری بیت‌المال و تقسیم آن به نوعی در مسجد صورت می‌گرفت. همچنین، بیشتر قضاوت‌های حقوقی و قضایی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام در مسجد انجام می‌پذیرفت. مقام بیت‌الطشت و دکه‌القضا در مسجد کوفه بیانگر این مطلب مهم است. بر این اساس، شایسته است در توسعه قضایی و اقتصادی کشور به نقش مسجد در این امر مهم توجه وافر معطوف شود؛ به عنوان مثال، می‌توان در جنب هر مسجد، صندوق قرض‌الحسنه تأسیس کرد و حوائج مادی مؤمنان را برطرف کرد.

« مسجد، کانون شهر اسلامی

نکته مهم دیگر در خصوص مسجدمحوری در مهندسی تمدن اسلامی، قرار گرفتن مسجد در کانون شهر اسلامی است. متأسفانه با نفوذ هنر و معماری غربی در جوامع اسلامی، ابتدا مسجد از مرکزیت معماری اسلامی کنار گذاشته و سپس کم کم مسجد از نقش آفرینی در حیات اجتماعی کنار گذاشته شد و تنها به مرکزی عبادی تبدیل گردید.

با این حال، در فرهنگ نبوی صلی الله علیه و آله با ساخت مسجد، شهر یثرب مدینه‌النبی شد و بعدها مسلمانان شهرهای جدید کوفه، بصره و قاهره را با ساختن مسجد آغاز کردند. در معماری اسلامی همه راه‌های محلات شهر به مسجد ختم می‌شود. بازار در کنار مسجد شکل می‌گیرد و سازوکار شهری بر مدار مسجد سامان می‌یابد. لازمه چنین معماری، کثرت مساجد در محله‌ها و شهرها بود؛ مسئله‌ای که متأسفانه با ورود معماری مدرن به دنیای اسلام و با شکل‌گیری شهرهای صنعتی کم‌رنگ شد؛ تاجایی که هم‌اکنون در کشور انقلاب اسلامی، در بسیاری از مجتمع‌های جدید شهری یا خبری از مسجد نیست و یا متناسب با جمعیت آن، فضای مسجد موجود نیست. در این صورت، چگونه می‌توان سخن از کار فرهنگی به میان آورد؟

علاوه بر تاثیر مسجد در معماری شهری، معماری خود مسجد هم، مقوله دیگری است که نقش تربیتی و اخلاقی آن بسیار مهم است و در این خصوص پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است.^۱

^۱ . حاج سیدجوادی، سیدکمال، مساجد ایران، ص ۳۶۷.

« نتیجه‌گیری

هدف انقلاب اسلامی، تحقق تمدن اسلامی در عرصه جهانی است. برای تحقق چنین تمدنی، باید به همه الزامات آن در دنیای جدید ملتزم بود و برای حفظ اسلامی بودن آن، باید تمامی نرم‌افزارها و سخت‌افزارهای آن بر اساس مبانی، آموزه‌ها و اهداف دینی تولید و یا بازسازی شود. در نتیجه، دست‌یابی به چنین تمدنی، تنها در سایه استنباط فقه حکومتی و تولید علوم اسلامی کارآمد امکان‌پذیر است که همان مغزافزار تمدنی و یا عقلانیت اسلامی است. در این میان، آنچه از قدر متیقن‌های معارف اسلامی به خوبی قابل استنباط است، جایگاه رفیع مسجد و نقش آن در تحقق تمدن اسلامی است. مسجد، با کارکردهای مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، تربیتی و ... محور مهندسی تمدن اسلامی و کانون شهر اسلامی است و غفلت از این مسئله اساسی رفتن به بیراهه است.

« منابع و مأخذ

- « روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران، انتشارات عطار، چاپ پنجم، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « ساروخانی، باقر، درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران، سازمان انتشارات کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « آشوری، داریوش، تعریف و مفهوم فرهنگ، تهران، انتشارات آکه، چاپ دوم، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « وبر، ماکس، اخلاق پروتستان و روح نظام سرمایه‌داری، تهران، انتشارات سمت، چاپ دوم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « دورانت، ویل، تاریخ فلسفه، ترجمه: عباس زریاب، تهران، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- « قائدان، اصغر، آثار اسلامی مکه و مدینه، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « حکیم سبزواری، مآلهادی، شرح الاسماء الحسنی، تهران، ۱۳۵۷ هـ.ش.
- « ابن‌سعد، محمد، الطبقات الکبری، دار بیروت، ۱۹۸۵ م.
- « حاج سیدجواد، سیدکمال، مساجد ایران، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۵ هـ.ش.

مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی

مرتضی رستگار

« چکیده

پژوهش‌های تاریخی انجام‌شده درباره جایگاه مسجد در بین مسلمانان، نشان می‌دهد که مسجد، نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد در جامعه اسلامی است. همان‌گونه که مسجد در صدر اسلام، نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشت. از این‌رو، نگارنده در این مقاله، به اختصار ضمن تبیین ابعاد و کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی مسجد در صدر اسلام، به نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران پرداخته است.

« واژگان کلیدی:

مسجد، انقلاب اسلامی، کارکرد عبادی مسجد، کارکرد فرهنگی - آموزشی و تبلیغی مسجد، کارکرد سیاسی - اجتماعی مسجد، کارکرد اقتصادی مسجد.

« اشاره

مسجد در طول تاریخ اسلام، کانون عبادت، آموزش، پایگاه قضاوت و داوری، مکانی برای ارتباط جمعی و تبادل اخبار، پایگاه جهاد و حرکت‌های انقلابی بوده است. همان‌گونه که مسجد، در صدر اسلام نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشته است. در تکوین انقلاب اسلامی نهادهایی، چون مساجد که مرکز تجلی فرهنگ اسلامی هستند، نقش سازمان‌دهی نیروهای درگیر با رژیم را ایفا می‌کردند. به یقین، یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. در آن زمان، این‌طور نبود که مسجد، جایگاه عزلت‌نشینی و گریزگاهی از جامعه محسوب شود و مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش‌دادن به صوت قرآن به آن پناه ببرند؛ بلکه در پیروزی انقلاب، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی تبدیل گردید. با توجه به نقش اساسی و بی‌بدیل مسجد در صدر اسلام و پیروزی انقلاب اسلامی، در این نوشتار مختصر ضمن تبیین برخی از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، به نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی ایران می‌پردازیم.

« کارکردهای مسجد در صدر اسلام

مسجد، نخستین و مهم‌ترین مرکز و نهاد جامعه اسلامی از صدر اسلام تاکنون بوده است و این مکان شریف کارکردهای عبادی، فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و نظامی را داشته است که در ادامه به آنها اشاره می‌شود:

۱. کارکرد عبادی مسجد

از آیات شریف قرآن کریم این‌گونه استفاده می‌شود که یکی از اهداف آفرینش عالم و موجودات، «عبادت»^۱ و «تقرّب الی الله» است. عبادت در مورد انسان، دو معنای عامّ و خاصّ دارد؛ عبادت در معنای عامّ، هر رفتار و کرداری را شامل می‌شود که رضایت و خشنودی خداوند در آن باشد. عبادت در معنای خاصّ، راز و نیاز با خداوند، ذکر و یاد او و سخن گفتن با اوست و عباداتی چون دعا، ذکر، تلاوت قرآن و برپایی نماز را شامل می‌شود.

بی‌شک، در پیدایش توجّه قلبی به خداوند، عوامل فراوانی نقش دارند که از جمله آنها، «مکان عبادت» است. مسجد، با ویژگی‌های خاصّ خود، بهترین و مناسب‌ترین مکان برای حضور و شکرگزاری به درگاه الهی است. نخستین مسجد در نظام آفرینش، کعبه و مسجدالحرام بوده است.^۲ پیامبر گرامی اسلام ﷺ، از نخستین روزهایی که دعوت به دین اسلام را به صورت آشکار شروع کرد، از مسجدالحرام همچون پایگاهی اساسی بهره گرفت.^۳ شواهد تاریخی، گواه است که پیامبر گرامی اسلام ﷺ، علاوه بر حضور در مسجد و اقامه عبادت در آن، دیگر مسلمانان را نیز ترغیب و تشویق می‌کرد تا به مسجد رفت‌وآمد کنند. پیامبر عظیم‌الشان ﷺ و ائمه معصومین علیهم‌السلام بر اقامه نماز، به‌ویژه نماز جماعت، در مسجد بسیار تأکید کرده‌اند و برای آن فضایل بسیاری نقل فرموده‌اند.^۴ از سوی دیگر، قرآن کریم هر کسی را که به نقش بنیادین مسجد، یعنی «عبادت و پرستش»

۱. ذاریات، آیه ۵۶.

۲. رعد، آیه ۱۵.

۳. آل‌عمران، آیه ۹۶.

۴. اسدالغابه، ج ۳، ص ۴۱۴؛ الاصابه، ج ۲، ص ۴۸۰؛ فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۲۴۳.

۵. اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۳، باب فضل الصلاه فی الجماعه.

آسیب برساند، ظالم می‌داند و می‌فرماید: «وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا؛ کیست ستمکارتر از آن کسی که از بردن نام خدا در مساجد او، جلوگیری کرده و سعی در ویرانی آن می‌نماید»^۱.

در صدر اسلام، مسلمانان به برپایی نمازهای جماعت - که مظهر بندگی، شکوه، حیات و وحدت امت اسلامی است - بیش از امروز اهمیت می‌دادند؛ اما باید گفت که در طول تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام، کارکرد مسجد در بعد عبادی، هرگز افول نکرده است؛ اگرچه در زمینه‌های دیگر با فراز و نشیب بسیار همراه بوده است. ویل دورانت، مورخ مشهور غربی، در گزارشی از جوامع اسلامی، چنین می‌نویسد: پیش از آفتاب و نیمه روز و نزدیک غروب، مؤذن بر گلدسته بالا می‌رود و به وسیله اذان، مسلمانان را به نماز می‌خواند. به راستی، این دعوت چه نیرومند و شریف است که مردم را پیش از طلوع آفتاب به بیداری دعوت می‌کند؛ چه خوب است که انسان به هنگام نیم‌روز از کار باز ایستد و چه بزرگ و باشکوه است که ضمیر انسان، در سکوت شب به جانب خداوند جلّ جلاله توجه کند.^۲

برخی کارکردهای عبادی مسجد، مانند اقامه نماز جمعه، جنبه سیاسی به خود می‌گیرد و روند دیگری پیدا می‌کند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنگام هجرت و قبل از رسیدن به مدینه، در فاصله پانصد متری مسجد قبا و در محلی که اکنون مسجد جمعه در آن بنا شده است، اولین نماز جمعه تاریخ اسلام را خواندند. ایشان پس از ورود به مدینه، نماز جمعه را به صورت مرتب اقامه می‌کرد. روایات زیادی در منابع دینی فریقین، مبنی بر حضور انبوه مردم در نماز جمعه و خطبه‌های رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است. این سنت در زمان خلفای سه‌گانه، امام علی علیه السلام و طبق برخی نقل‌ها، در زمان امام حسن مجتبی علیه السلام رواج داشت و به مساجد جامع و مرکزی شهرهای اسلامی نیز توسعه یافت؛ ولی پس از آن دوران، به تدریج با انحراف از جایگاه واقعی‌اش روز به روز کمرنگ‌تر شد.

قبل از انقلاب اسلامی ایران نیز هیچ‌گاه نماز جمعه، همه جا و به صورت عمومی

۱. بقره، آیه ۱۱۴.

۲. تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۲۷۳.

و مرتب برگزار نشده بود. اولین کسی که در دوران رژیم منحوس پهلوی، خواهان احیای نماز جمعه شد، شهید نواب صفوی بود؛ اما پس از انقلاب اسلامی این فریضه الهی با همان عظمت و شکوه و خصوصیاتش در صدر اسلام، دوباره احیاء شد. پروفیسور حامد الگار در مقاله‌ای با عنوان «امام خمینی و احیای نماز جمعه» چنین می‌نویسد: «احیای واقعی نماز جمعه در ایران یکی از دست‌آوردهای عظیم انقلاب اسلامی ایران است و ما آن را مانند بسیاری از برکات مدیون حضرت امام تقدّس هستیم».^۱

امام خمینی تقدّس، مانند عده‌ای از فقها، جایگاه ویژه‌ای برای اقامه نماز جمعه در عصر غیبت قائل بودند. ایشان در تحریرالوسیله، ضمن تبیین احکام نماز جمعه، می‌فرماید: نماز جمعه و دو خطبه آن از جایگاه عظیم سیاسی، مثل حجّ و عید قربان و فطر برای مسلمانان برخوردار است؛ ولی متأسفانه مسلمانان از این گونه وظایف سیاسی غفلت کرده‌اند. اسلام در تمام شئونش، دین سیاست است و کسی که کمترین تفکر و تأملی در احکام حکومتی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اسلام داشته باشد، این را می‌فهمد. هر کس توهم کند که دین، از سیاست جداست، [مانند] نادانی است که نه اسلام را فهمیده و نه سیاست را [فهمیده است].^۲

امام خمینی تقدّس همچنین در تبیین اهمیت نماز جمعه در یکی از بیانات خود می‌فرماید: «یکی از مهم‌ترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد، قضیه نماز جمعه است... به حمدالله در این نهضت، نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت... مردم و نسل‌های آینده به این مسئله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همه امور است».^۳

ایشان در سخنان دیگری درباره محتوای خطبه‌ها فرمودند: «در خطبه نماز جمعه، مقدّرات مملکت بیان بشود؛ مسائل سیاسی که در مملکت جریان پیدا

۱. الگار، حامد، امام خمینی تقدّس و احیای نماز جمعه، مجموعه مقالات کنگره بین‌المللی امام خمینی تقدّس و احیای تفکر دینی، ج ۲، ص ۴۳۳.

۲. تحریرالوسیله، ج ۱، ص ۲۳۴، مسئله ۹.

۳. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۹۵.

می‌کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود»^۱. یکی دیگر از کارکردهای عبادی مسجد، سنت اعتکاف است. اعتکاف، به مفهوم اقامت در مسجد به قصد عبادت و نزدیکی به خداست. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با وجود آن همه عظمت روحی و کمالات انسانی، به اعتکاف بسیار اهمیت می‌دادند. در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام آمده: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرٍ وَشَمَّرَ الْمُئْتَزِرَ وَحَلَّى فِرَاشَهُ؛ رَسُولُ خَدَّاءَ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي دَهْوَةِ آخِرِ (ماه رمضان) در مسجد معتکف می‌شد. برای آن حضرت خیمه‌ای معین در مسجد برپا می‌شد. حضرت برای اعتکاف مهیا می‌شد و بستر خویش را جمع می‌کرد»^۲.

سنت اعتکاف پس از رسول گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ تا حدود زیادی فراموش شد؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به خصوص در سال‌های اخیر، رونق بسیاری پیدا کرد؛ به صورتی که در بیشتر شهرها به دلیل استقبال زیاد مؤمنان، مشکل مکان به وجود می‌آید.

۲. کارکرد فرهنگی، آموزشی و تبلیغی مسجد

در صدر اسلام، از مسجد استفاده‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی نیز می‌شد. دینی که با امر به خواندن، آموزش، قلم و مبارزه با جهل آغاز شود، طبیعی است به مرکز آموزش و تبلیغ نیز نیاز دارد و جایگاهی والاتر و بهتر از مسجد برای این کار نیست. شواهد تاریخی، حاکی از آن است که پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و یارانش، قبل و بعد از هجرت، از مسجد برای آموزش و تبلیغ استفاده می‌کردند. آن حضرت صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از تبلیغ رسمی دین اسلام و قبل از هجرت به مدینه، تا آنجا که امکان داشت، از مسجدالحرام در راستای تبلیغ و ترویج دین و آموزه‌های اسلام بهره می‌گرفت. از آنجا که کعبه و مسجدالحرام، قبل از ظهور اسلام، جایگاه گردهمایی

۱. همان، ج ۴، ص ۴۴۷.

۲. الکافی، ج ۴، ص ۱۷۵، باب الاعتکاف، ح ۱.

۳. علق، آیات ۱، ۴ و ۵.

مردم بود و مشرکان برای پرستش بت‌ها و طواف کعبه به آنجا می‌رفتند، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و یارانش از این فرصت نهایت استفاده را می‌بردند. گرویدن شماری از یاران پیامبر صلی الله علیه و آله به اسلام، در مکه، ثمره چنین تبلیغاتی بود. برای نمونه می‌توان طفیل بن عمرو را نام برد. طفیل، شاعر خردمندی بود که در قبیله‌اش نفوذ کلام داشت. هنگامی که وی وارد مکه شد، سران قریش و بازیگران عرصه سیاست، از ترس گرویدن وی به اسلام، با جو سازی او را از حضور نزد پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و صحبت با او بر حذر داشتند.

طفیل می‌گوید: سخنان آنان به قدری در من مؤثر افتاد که مقداری پنبه در گوش‌هایم فرو کردم و صبح وارد مسجد الحرام شدم؛ ناخودآگاه کلامی بسیار شیرین و لذت‌بخش به گوشم رسید! احساس مسرت کردم. با خود گفتم تو مرد سخن‌سرای خردمندی هستی؛ چه مانعی دارد که سخن این مرد [پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله] را بشنوی؛ اگر نیک بود آن را بپذیری و اگر زشت بود آن را رد کنی؟ برای ملاقات پنهانی با آن حضرت اندکی صبر کردم. حضرت، به سوی منزل به راه افتاد. وقتی وارد خانه شد، اجازه ورود خواستم و جریان را برای حضرت توضیح دادم و خواستم آیین اسلام را برایم تشریح کند. آن حضرت آیین خود را عرضه داشت و مقداری قرآن برایم تلاوت کرد. به خدا سوگند کلامی زیباتر از آن نشنیده و آئینی معتدل‌تر از آن ندیده بودم! به همین دلیل آن را پذیرفتم! سپس، به حضرت گفتم در میان قبیله خود برای نشر آیین شما فعالیت خواهم نمود. ابن‌هشام در ادامه چنین می‌نویسد: طفیل، تا روز حادثه خیبر در میان قبیله خود بود و به نشر آیین اسلام اشتغال داشت و در همان حادثه با هفتاد یا هشتاد خانواده مسلمان به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پیوست و در اسلام خود پایدار بود تا اینکه پس از رحلت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در عصر خلفا در جنگ یمامه شربت شهادت نوشید.^۱

نقش مسجد در فعالیت‌های فرهنگی، آموزشی و تبلیغی، پس از ورود پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به مدینه، هرگز با وضعیت قبل از آن قابل مقایسه نیست. با بنای

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ج ۱، ص ۳۳۶ - ۳۳۷، به نقل از سیره ابن‌هشام.

مسجد النبی، نه تنها پرستش گاه خداوند متعال ساخته شد، بلکه دانشگاهی فعال و پرشور نیز پی‌ریزی شد. حضور منظم و پیوسته مسلمانان در این مسجد برای برپاداشتن نماز، بهترین فرصت برای کارهای تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود و آن حضرت نیز از این فرصت به خوبی استفاده می‌کردند. ^۱ در نتیجه می‌توان گفت مسجد در صدر اسلام، شاخص‌ترین ساحت فرهنگی و تربیتی اسلامی را به خود اختصاص داده بود. در متون اسلامی، روایات بسیاری در خصوص نقش علمی و آموزشی مسجد در صدر اسلام آمده است؛ برای نمونه به سه روایت اشاره می‌کنیم:

الف) شهید ثانی در «منیه‌المزید» نقل می‌کند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روزی خانه را به قصد مسجد ترک کرد؛ در مسجد با دو گروه رو به رو شد. گروهی به مباحثات علمی و معارف اسلامی و گروهی به دعا و نیایش مشغول بودند. حضرت فرمود: هر دو گروه در مسیر خیر و صلاح هستند؛ یک گروه خدا را می‌خوانند و گروه دیگر به آموزش علم و آگاهی می‌پردازند؛ اما این گروه علمی، از فضیلت بیشتری برخوردار است؛ زیرا که من برای تعلیم فرستاده شده‌ام. آنگاه در میان گروه علمی نشستند.^۲

ب) امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: هیچ گروهی در مسجد خداوند متعال، به منظور تلاوت قرآن و مباحثه علمی پیرامون آن ننشستند، مگر اینکه آرامش قلبی آنان را فرا گرفت و فرشتگان الهی، آنان را (با بال و پر خویش) در بر گرفتند.^۳

ج) ابن عباس از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند: هیچ گروهی در خانه‌ای از خانه‌های من، برای آموزش قرآن و بحث درباره آن اجتماع نکردند، مگر آنکه به مهمانی خداوند تعالی در آمده‌اند و تا زمانی که در مسجد به مباحثات علمی پیرامون قرآن مشغول هستند، ملائکه آنان را در بر خواهند گرفت (و آنان را مورد حمایت و حفاظت خود قرار می‌دهند).^۴

^۱ . نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، ج ۲، فصل ششم.

^۲ . شهید ثانی، منیه المرید، ص ۱۰۷.

^۳ . ابن ابی‌الجمهور احسانی، عوالی‌اللاکی، ج ۱، ص ۳۷۵.

^۴ . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳ - ۳۶۴.

اختصاص روند آموزشی و علمی در مسجد، به صدر اسلام منحصر نیست؛ بلکه در دوره‌های بعد از آن نیز اندیشمندان، متخصصان و دانش‌پژوهان علوم و معارف اسلامی، جلسات خود را در مسجد برپا می‌کردند. مجالس تفسیر و قرائت قرآن، مباحث کلامی، فقهی و حدیثی در عصر ائمه علیهم‌السلام و پس از آن، تا آنجا که تضادی با منافع حکومت‌های وقت نداشت، در مساجد برگزار می‌شد. در دوران انقلاب اسلامی، در مساجدی که مدیریت قوی و ائمه جماعات فعال و انقلابی داشتند، کلاس‌های مختلفی برای آگاهی دادن به مردم در زمینه‌های مختلف برگزار می‌شد. این مساجد، در بازگشت به خویش، خودشناسی و ارزیابی هویت فراموش شده ملت ایران بسیار مؤثر بودند.^۱

۳. کارکرد سیاسی - اجتماعی مسجد

یکی دیگر از کارکردهای مسجد در صدر اسلام، کارکرد سیاسی - اجتماعی بود. به صراحت می‌توان ادعا کرد که در کنار بعد عبادی مسجد، وسیع‌ترین و مهم‌ترین کارکرد مسجد، کارکرد سیاسی - اجتماعی آن بوده است. مسجد، پایگاه و مرکز همه فعالیت‌های سیاسی جامعه اسلامی و حتی دارالحکومه آن بوده است. همه ملاقات‌های عمومی در زمان پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، خلفای نخستین و امام علی علیه‌السلام در مسجد انجام می‌شد و حتی نمایندگان خارجی، در مسجد به حضور پذیرفته می‌شدند. مسجد، محل بیعت و اعلام برنامه‌های حکومتی نیز بود.

ابن‌ابی‌الحدید در شرح نهج‌البلاغه می‌نویسد: وقتی مردم هجوم آوردند تا با امام علی علیه‌السلام بیعت کنند، آن حضرت امتناع ورزید؛ ولی اصرار عموم در حدی بود که حضرت چاره‌ای نداشت. در این مرحله که مشروعیت الهی با مقبولیت عمومی همراه گشته بود و حجت بر آن حضرت تمام شد امام، حاکمیت را پذیرفت؛ ولی برای انجام بیعت فرمودند که اگر به‌ناچار قرار است با من بیعت کنید، پس در مسجد [با من بیعت کنید]؛ زیرا بیعت با من، نباید به‌طور مخفی و پنهان

۱. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۲۴.

باشد، بلکه باید با خواست مسلمانان و در ملاء عامّ و محلّ اجتماع مسلمانان انجام بگیرد. پس، حضرت بلند شدند در حالی که مردم در اطرافش بودند، حرکت کردند تا داخل مسجد شدند؛ مردم از هر طرف بر سر حضرت ریختند و با ایشان بیعت کردند.^۱

روشن است که امروز بیعت به انتخابات، تغییر نام یافته است و کارکرد سیاسی، با پیروزی غرور آفرین انقلاب اسلامی، در مساجد احیا شده است؛ به گونه‌ای که همه انتخابات گذشته (که در واقع، هر انتخاب یک بیعت جدید با نظام اسلامی است) در مجامع عمومی و مساجد صورت گرفته است.

مسجد، در صدر اسلام همواره مجلس مشورتی مسلمانان در رویدادها نیز بوده است. بر اساس دستور قرآن کریم،^۲ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در امور مختلف با افراد دارای صلاحیت مشورت می‌کردند. مهم‌ترین این مشورت‌ها در حوزه نظامی، غزوات و تنظیم سیاست‌های دفاعی بود. یکی از مهم‌ترین مشورت‌ها، در جنگ احد بود که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با اصحاب خود درباره نحوه اجرای جنگ مشورت کردند.^۳ در واقع، پر رنگ‌ترین نقش مساجد در دوران انقلاب اسلامی، نقش سیاسی بوده است. با فراگیر شدن انقلاب اسلامی، مسجدها جایگاهی مؤثرتر در این زمینه یافتند. سخنرانی‌های روحانیان و دانشگاهیان در مساجد مردم را بیش از پیش با ابعاد فساد، ظلم، تبعیض و بی‌عدالتی ساختار سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور آشنا کرد. مساجد، در طرد رژیم طاغوت از سوی مردم، بسیار مؤثر بودند. پس از تبعید امام خمینی ره، در سال ۱۳۴۳، مبارزه فعال سیاسی فروکش کرد و مساجد رویکردی دیگر یافتند. امام خمینی ره، معمار انقلاب اسلامی ایران، در ارتباط با این نقش می‌فرمایند: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بود و از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و مسجد محلّ حرکت قوای اسلامی برای سرکوب

۱. ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۹.

۲. آل عمران، آیه ۱۵۹.

۳. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۳۴ - ۳۷.

کفار و وارد کردن آنها در زیر بیرق اسلام بوده است»^۱.

در واقع، سخنان امام خمینی ره تلاشی برای معطوف نمودن توجه به فرهنگ اصیل اسلامی و سامان‌دهی حرکت‌های اسلامی از مساجد است. مساجد که پایگاه‌های انقلاب بودند، به صورت سنگرهای مستحکم برای مبارزه انقلابی‌ها درآمدند. بر این اساس، امام خمینی ره با ژرف‌نگری خاص خود می‌فرماید: «مساجد و محافل دینیّه را که سنگرهای اسلامی در مقابل شیاطین است، هر چه بیشتر گرم و مجهّز نگه دارید»^۲. همچنین ایشان فرمودند: «مسجد، یک سنگر اسلامی است و محراب محلّ جنگ است و محلّ حرب است؛ [دشمنان،] این را می‌خواهند از دست شما بگیرند»^۳. در پی تأکیدهای رهبر کبیر انقلاب بر استفاده هر چه بیشتر از مساجد و بازگشت آنها به نقشی که در صدر اسلام داشتند، یاران و شاگردان امام، با افشاگری در مساجد، آتش مبارزات را روز به روز شدیدتر و رژیم منحوس پهلوی را ناکارآمدتر کردند. پایه‌های اصلی و اوّلیه انقلاب را شاگردان، نزدیکان و معتمدان امام بنا کردند. امام، ۴۰۰ نفر شاگرد مخصوص تربیت کرده بودند که اثر آنها در همه جا دیده می‌شد. آیت‌الله امامی کاشانی در شرق تهران، آقای ایروانی در جنوب تهران، آیت‌الله غیوری در جنوب شرقی، آیت‌الله ملکی در مسجد همّت شمیرانات، آیت‌الله شهید مطهری در مرکز تهران کانون توحید، امام جمارانی در شمال و مسجد شهید بزرگوار دکتر مفتّح به کار تبلیغی و سیاسی مشغول بودند؛ ایشان در شهرستان‌ها نیز شاگردانی داشتند.^۴

در محور سیاسی، مساجد و نهادهای دینی، به واسطه عملکردشان و عملکرد مبارزاتی‌شان علیه حکومت‌ها، مورد توجه خاصّ کارگزاران دولت بود؛ چرا که می‌دیدیم مسئولان بلندمرتبه رژیم شاه، چه عکس‌العمل‌های تندی در مقابل مسجد و مسجدی‌ها ابراز می‌داشتند و اعمال می‌کردند. بی‌جهت نبود که سپهبد رزم‌آرا، مهره حلقه‌به‌گوش شاه، می‌گفت: مسجد را بر سر کاشانی و

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۵.

۲. همان، ج ۲، ص ۴۸۵.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۳۶۲.

۴. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۸ - ۸۹.

مجلس را بر سر مصدق خراب می‌کنیم؛ به این ترتیب، اهمّیت و حسّاسیت سیاسی بودن مساجد را بهتر درک می‌کنیم.^۱

در دوران انقلاب هم به‌طور طبیعی و بر اساس سوابق تاریخی، مساجد ایران نقش خود را باز یافته و مرکز مبارزات ضد رژیم شاه بودند. حمله به مسجد گوهرشاد در زمان رضا شاه و کشتار مردم، به توپ بستن حرم امام رضا (علیه‌السلام) توسط روس‌ها و همچنین، حمله و به آتش کشیدن مسجد جامع کرمان و کشتار مردم، نشان‌دهنده اهمّیت مسجد در مبارزات مزبور و استفاده از مسجد به عنوان سنگر مبارزه است. همچنین، این امر بیانگر عنادی است که قدرت سیاسی نسبت به این مکان مقدّس داشته است.^۲

در زمینه مسائل اجتماعی، مسجد در اوایل ظهور انقلاب، پایگاه ترغیب و تحریک مردم برای همکاری و همیاری در زمینه‌های مختلف بود. در مسجد، بسیاری از مشکلات اجتماعی جامعه، با همکاری مردم، حلّ می‌شد. از کارهایی که فقط جنبه اجتماعی داشتند می‌توان به کمک‌های مردم در جریان زلزله طبس و کمک به خانواده‌هایی که سرپرست آنها در زندان یا بازداشت بودند، اشاره کرد. مساجد و ائمّه جماعات نه تنها اختلافات مالی مردم را حلّ و فصل می‌کردند، بلکه اختلافات خانوادگی و حتی قومی و محلی افراد را فیصله می‌دادند؛ چرا که متدینین و مؤمنان، مجاز نبودند که به دادگستری و محاکم قضایی مراجعه نمایند... در مورد طلاق نیز وضع به همین صورت بود؛ چون مراجع، شرط صحت طلاق را وجود دو شاهد عادل برای جاری کردن صیغه طلاق، می‌دانستند و دادگاه‌های زمان قبل از انقلاب، مصداق وجود این شرط نبودند؛ بنابراین، بسیاری از طلاق‌ها و صیغه آن در سر نماز جماعت و با شاهد گرفتن از متدینین انجام می‌شد.^۳

آقای هاشمی رفسنجانی درباره نقش مساجد در پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید:
پس از تصویب کاپیتولاسیون و ... ایشان (امام) تصمیم به مبارزه گرفتند و ما

۱. همان، ص ۸۵.

۲. محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۹۱.

۳. همان، ص ۷۴.

هم ستادی برای اداره مسائل مبارزه در این مقطع جدید ایجاد کردیم. امام هم اعلامیه دادند و هم آن سخنرانی معروف (در فیضیه) را ایراد کردند و نیز به علمای سراسر کشور پیام‌هایی فرستادند. مسجد امام (شاه)، پایگاهی مهم شده بود که در این مقطع هر شب یکی از چهره‌های مشهور آنجا سخنرانی می‌کرد. گروه‌ها در اداره [کردن] قضایا فعالیت خوبی پیدا کرده بودند... (بنا شد) چندین هیئت، تشکّل جدید ایجاد کنند و امام هم موافقت کردند و چند روحانی مورد اعتمادشان، همچون آقایان مطهری، بهشتی و انواری را برای پاسخ‌گویی به سؤالات [مردم] و تغذیه فکری‌شان انتخاب کردند... افرادی هم بودند که می‌خواستند کارهای تندتری انجام بدهند. اوج تلاش‌های مبارزین آن ماه، ترور منصور و بازداشت شاخه نظامی هیئت مؤتلفه بود. بعد از ترور منصور، مجلس مسجد جامع با تهاجم پلیس به هم خورد و ادامه پیدا نکرد.^۱

همان‌گونه که ملاحظه کردید، این سخنان در واقع به احیای کارکرد نظامی مسجد در انقلاب اسلامی، همچون دوران صدر اسلام، اشاره می‌کند. از دیگر کارکردهای اجتماعی مسجد در صدر اسلام، انجام امور درمانی در مواقع حساس بود.

«در مسجد پیامبر گرامی ﷺ، جایگاهی برای معالجه بیماران و مجروحان معین شده بود و پیامبر گرامی اسلام ﷺ و یارانش در آنجا از بیماران عیادت می‌کردند».^۲ «واقعی چنین می‌نویسد: «در ماجرای جنگ اُحد، مردم در مسجد چراغ و آتش برافروخته بودند و خستگان و مجروحان را مداوا می‌کردند».^۳

روشن است که انجام این امور در مساجد، به دلیل اضطرار و ناچاری بوده است. در صدر اسلام به دلیل نداشتن مکان مناسب، از مساجد چنین استفاده‌ای می‌شده است؛ زیرا به طور معمول، درمان جراحات‌ها با خون‌ریزی همراه است و این موضوع با مسجد سازگاری ندارد. در انقلاب اسلامی نیز به طور معمول، افرادی که جراحات‌های مختصر داشتند در برخی از مساجد مداوا می‌شدند؛ ولی نقش مساجد در انقلاب در واقع، سامان‌دهی درمان مجروحان و تشکیل

۱. محمدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۱۱۲.

۲. عاملی، جعفر مرتضی، الآداب الطیبیه فی الاسلام، ص ۶۹.

۳. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸۰.

تیم‌های پزشکی برای مداوای آسیب‌دیدگان در مکان‌هایی غیر از مسجد بوده است.^۱ برای نمونه، مسجد باب‌الحوائج و مسجد امام صادق (علیه‌السلام) در تبریز، فعالیت‌های بهداشتی و درمانی داشتند و برخی بیمارستان‌های خیریه را اداره می‌کردند. حتی هزینه آسایشگاه جذامیان را مسجدها، مسجدی‌ها و افراد مؤمن تقبل می‌کردند. همچنین، برای اعاناتی که از مردم جمع می‌کردند قبوضی هم تهیه کرده بودند.^۲ برخی این نقش مساجد را عاملی برای جذب افراد به این مکان مقدس نام برده‌اند.^۳

۴. کارکرد اقتصادی مسجد

حضور در نمازهای جمعه و جماعت به‌طور طبیعی، مؤمنان را از حال و روز یکدیگر آگاه می‌کند و همیاری و همبستگی آنان را به دنبال دارد. در مساجد و جلسات مذهبی، مؤمنان سعی می‌کنند مشکلات دیگر مؤمنان را حل کنند. بی‌شک، از اقدامات بسیار مؤثر و کارآمد مساجد و جلسات مذهبی در قبل از انقلاب اسلامی، پشتیبانی‌های مالی از انقلاب و مبارزان بوده است.

در دوران قبل از انقلاب بسیاری از مساجد، دارای چنین تشکیلات اقتصادی بوده‌اند؛ ولی با توجه به حساسیت رژیم که کار این نهادها را در مقابل فعالیت اقتصادی بانک می‌دانست، اداره کردن آنها بیشتر مخفیانه بود و افراد معتمد و نیکوکار که بیشتر از قشر بازاری بودند، به صورت نهادینه، اما غیرمحسوس این کارهای اقتصادی را انجام می‌دادند و بسیار هم مؤثر بودند.^۴

۱. مصاحبه نگارنده با حاج عبدالکریم احمدی، از مبارزان دوران انقلاب و دفاع مقدس، ۲۵/۳/۱۳۸۲.

۲. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

۳. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۵.

۴. همان، ص ۷۷.

« نتیجه‌گیری و جمع‌بندی

برخی از مجاهدان انقلابی بر این عقیده‌اند که اگر مسجد نبود، انقلاب هم نبود. نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی، به اندازه‌ای بود که نویسندگان مغرب زمین نیز آن را از جمله عناصر بسیار مهم و اساسی در پیروزی انقلاب نامیده‌اند.

حامد الگار، اندیشمند امریکایی، می‌نویسد: مسجد، هسته اساسی تشکیلات انقلاب ایران بود. شاید این هم یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه‌گیری‌های خود باید به آن می‌پرداختیم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و توجه به تمام ابعاد عملکردی آن بود. مسجد در نظر انقلاب‌گران آن زمان، جایی برای عزلت‌نشینی و گریزگاهی از جامعه محسوب نمی‌شد که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه ببرند؛ بلکه مسجد، به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی امور انقلاب تبدیل گردیده بود و به طور خلاصه، مسجد همه آن چیزی شد که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بود.^۲

امام خمینی ره در سخنان خود، مسجد را رمز پیروزی ملت ایران بیان کردند و فرمودند: رژیم اسلام، این‌طور است که افرادش از مسجدند؛ از مسجد نهضت شروع می‌شد و از مسجد، به میدان جنگ‌ها می‌رفتند. در جمعه‌ها که خطابه می‌خواندند یا غیر جمعه که آن سردارشان به منبر می‌رفت، وصیت [سفارش] می‌کرد؛ از آنجا [مسجد] آنها را به راه می‌انداخت تا برای اینکه بروند [میدان جنگ و] مبارزه کنند؛ یک چنین روحیه‌ای که از مسجد تحقق پیدا می‌کند، دیگر نمی‌ترسد از اینکه حالا من بروم شاید چه بشود؛ این [فرد] مسجدی است؛ این [فرد] الهی است؛ آدم الهی نمی‌ترسد...^۳

همان‌گونه که مسجد در صدر اسلام نقش و جایگاه خاص خود را در پیشرفت اسلام ایفا کرد، در انقلاب اسلامی نیز نقش و تأثیر اساسی داشته است. متأسفانه،

^۱ بر گرفته از متن مصاحبه نگارنده با حاج عبدالکریم احمدی، از مبارزان دوران انقلاب و دفاع مقدس، ۲۵/۳/۱۳۸۲.

^۲ الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴.

^۳ صحیفه نور، ج ۹، ص ۸۹، با اندکی تغییر و تلخیص.

با وجود همه برنامه‌های خوبی که در برخی مساجد کشور جاری است، در سالیان اخیر به مساجد توجه کافی نشده است. برخی از کارکردهای مسجد که در پیروزی انقلاب اسلامی نقش اثرگذار داشتند و به یقین در دوام و ثبات آن نیز نقش خواهند داشت، به دلیل پیدایش و تأسیس نهادها و مراکز دیگر، کم‌رنگ یا فراموش شده‌اند.

مشکلی که امام خمینی ره نیز نگران آن بودند و فرمودند: مساجد را خالی نگذارید، اینهایی که صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کرده‌ایم، برویم سراغ کارهای دیگر، [آنان اشتباه می‌کنند؛] خیر! انقلاب از مساجد پیدا می‌شود... مساجد را با مسجد رفتن خودتان آباد کنید.^۱

ایشان همچنین فرمودند: من امروز باید بگویم که برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد تکلیف است؛ امروز [حفظ کردن مساجد] جزء اموری است که اسلام به او وابسته است... مساجد را پر کنید؛ اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، از فانتوم‌ها ترس نداشته باشید؛ از آمریکا و شوروی و اینها ترس نداشته باشید؛ آن روز باید بترسید که شما به اسلام پشت بکنید؛ به مساجد پشت بکنید.^۲

۱. همان، ج ۱۲، ص ۵۰۰ - ۵۰۱، با اندکی تلخیص.

۲. همان، ج ۱۳، ص ۱۹ - ۲۱، با اندکی تلخیص.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۰ هـ.ش.
- « کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « دورانت، ویل، تاریخ تمدن، تهران، آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- « موسوی خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، سید روح الله، تحریر الوسیله، قم، اسماعیلیان، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « _____ صحیفه نور، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ.
- « نوبهار، رحیم، سیمای مسجد، قم، نشر مؤلف، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « شهید ثانی، منیه المرید، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « ابن ابی الجمهور احسائی، عوالی اللالی، قم، انتشارات سیدالشهداء، ۱۴۰۵ هـ.ق.
- « محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « ابن ابی الحدید معتزلی، عبدالحمید، شرح نهج البلاغه، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « محمّدی، دکتر منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « عاملی، جعفر مرتضی، الآداب الطیبیه فی الاسلام، قم، انتشارات جامعه مدرّسین حوزه علمیه، ۱۳۶۲ هـ.ش.
- « آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سرّی، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « _____ امام خمینی و احیای نماز جمععه، مجموعه مقالات کنگره
- « بین المللی امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ و احیای تفکر دینی.
- « ابن اثیر، عزالدین، اسدالغابه فی معرفه الصحابه، داراحیاء التراث العربی.
- « عسقلانی، ابن حجر، الاصابه فی تمییز الصحابه، دارالجیل، بیروت.
- « واقدی، محمد بن عمر، المغازی، ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر
- « دانشگاهی، ۱۳۶۲ هـ.ش.

نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی

جعفر ساسان

« چکیده

مقاله حاضر، نقش مساجد در انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. با توجه به اینکه پیش‌زمینه هر انقلابی، بسیج سیاسی توده‌هاست و به اعتقاد بیشتر صاحب‌نظران حوزه انقلاب، در بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم، نقش سه‌عنصر رهبری، ایدئولوژی و سازمان، جدی است. در نوشته حاضر، کارکردهای مسجد به عنوان سازمان و تشکیلات انقلاب بررسی می‌شود. هر چند مسجد، کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد؛ اما این نوشتار به کارکردهای آن در سه حوزه رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی- هویتی می‌پردازد.

« واژگان کلیدی:

مسجد، انقلاب، بسیج، سازمان‌دهی.

« اشاره

مسجد، از دیرباز در زندگی مسلمانان نقش محوری داشته است و زیربنای شکل‌گیری تمدن اسلامی محسوب می‌شود. مسجد، در نظام سیاسی-اجتماعی مسلمانان، فقط کارکرد عبادی و مذهبی نداشته است؛ بلکه کارکردهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی و ... نیز داشته است.

در ایران، همزمان با ورود اسلام، مسجدها شکل گرفتند و پس از آن، یکی از نهادهای تأثیرگذار در زندگی مردم بودند. در شکل‌گیری نهضت‌های سیاسی-اجتماعی ایرانیان در دوره‌های مختلف نیز مسجدها نقش بسیار مهمی ایفا کردند؛ مانند: قیام سربداران، نهضت مشروطه، قیام گوهرشاد و انقلاب اسلامی. در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجد، یکی از عمده‌ترین محل‌های تجمع، اعتراض مردم و تظاهرات علیه رژیم بود.

به‌طور معمول، در بیشتر انقلاب‌ها، مکان‌های عمومی محل تجمع افراد بودند؛ مثل: باشگاه‌ها در انقلاب فرانسه یا شبکه‌های مخفی حزبی. در انقلاب اسلامی نیز مسجدها به صورت آشکار، همین نقش را داشتند. مسجد، عمده‌ترین ابزار روحانیت برای ارتباط با قشرهای مختلف جامعه و انتقال ایدئولوژی انقلاب و پیام‌های روحانیت به مردم بود. همچنین، به دلیل پیوند تاریخی مسجد و بازار، در قیام‌ها و اعتراض‌های مردمی، مسجدها محل اصلی بسیج تاجران و بازاریان بودند. بنابراین، در انقلاب اسلامی، مسجد در کنار دو رکن «رهبری» و «ایدئولوژی» نقش‌آفرینی کرد. مسجد، در جایگاه نهاد مدنی بومی، در مقایسه با سازمان‌ها و نهادهای مدنی مدرن، نقش بسیار مهمی ایفا کرد و قابلیت مذهب و نهادهای مذهبی را به نمایش گذاشت.

سؤال اصلی

سؤال اصلی پژوهش این است که در دوره شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی (۱۳۴۲ - ۱۳۵۷)، مسجدها چه نقش و کارکردهایی داشتند؟

فرضیه

به نظر می‌رسد که در انقلاب اسلامی، مساجد، سازمان‌ها و تشکیلاتی انقلابی بودند که با ارائه کارکردهای رسانه‌ای - ارتباطی، حمایتی - پشتیبانی و فرهنگی - هویتی، توانستند در غیاب سازمان‌های بسیج‌گر، مهم‌ترین نقش را در بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم ایفا کنند.

مفهوم‌های پژوهش

- ۱- **مسجد:** عبادت‌گاه مسلمانان است و کارکردهای گوناگونی در جامعه دارد.
- ۲- **انقلاب:** تغییرهای سریع، وسیع و همه‌جانبه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه که به‌طور معمول با خشونت همراه است.
- ۳- **بسیج:** فرآیندی است که طی آن جمعیتی منفعل به جمعیتی فعال تبدیل می‌شود و با گردآوری امکانات، به ستیز انقلابی می‌پردازد.
- ۴- **سازمان‌دهی:** یگانگی در تعقیب منافع، از راه تأمین هویت مشترک و همبستگی است.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل: صلاحیت و قابلیت مسجد در جایگاه نهادی بومی و پایگاهی اجتماعی.
متغیر وابسته: بسیج سیاسی و سازمان‌دهی مردم در انقلاب اسلامی.

چهارچوب نظری

چهارچوب نظری پژوهش، بر پایه نظریه‌های نهادگرا یا سازمان‌گرا بنا شده است که نقش سازمان و تشکیلات را در بسیج و سازمان‌دهی انقلابی بررسی کرده‌اند. بر اساس این نظریه‌ها، موفقیت یا شکست جنبش‌های اجتماعی، بستگی به آن دارد که سازمان جنبش، چگونه طراحی و به کار گرفته شوند و تا چه حد در بسیج موفق باشند. یکی از این نظریه‌ها به چارلز تیلی مربوط است

که در کتاب «From Mobilization to Revolution» آن را تشریح کرده است. فرض اصلی تیلی این است که عرصه سیاست، چیزی جز تنازع گروه‌های مختلف بر سر قدرت سیاسی نیست و این نزاع، در همه سطح‌های جامعه ساری و جاری است. او علت‌ها و انگیزه‌های تنازع را بر اساس مدل جامعه سیاسی یا هیأت حاکمه و چگونگی شکل‌گیری و انجام آن را بر اساس مدل بسیج توضیح می‌دهد. او هر گروه و جمعیتی را به حکومت، اعضای جامعه سیاسی و گروه‌های منازعه‌گر یا ائتلافی تقسیم می‌کند.^۱

تیلی معتقد است که آنچه میزان توفیق هر یک از گروه‌ها را تعیین می‌کند، عبارت است: از منابع تهدید و اجبار، منابع اقتصادی، منابع هنجاری یا ارزشی (همبستگی و وفاداری درون گروهی) و دیگر منابع مفید جامعه. این گروه‌ها پیوسته منابع جمعی خود را برای ورود به جامعه سیاسی یا ماندن در آن بسیج می‌کنند.^۲ تیلی می‌گوید: «مهم‌ترین عنصر هر انقلاب، بسیج سیاسی توده‌ها است و ایدئولوژی، رهبری، تشکل و سازمان و توده مردم، مهم‌ترین ارکان هر بسیج سیاسی هستند».^۳

در ادامه، با توجه به مدل تحلیلی چارلز تیلی، به ارائه کارکردها و کارویژه‌های سازمان در بسیج سیاسی، به شرح زیر می‌پردازیم:

۱- سازمان باید قادر باشد تا میان انقلابی‌ها با یکدیگر، انقلابی‌ها با توده مردم و این دو با رهبری، ارتباط دقیق و منطقی برقرار کند. همچنین، رساندن اخبار و اطلاعات، از کارویژه‌های سازمان است.

۲- کارویژه دوم سازمان، پشتیبانی مالی و تدارکاتی و در واقع، بسیج منبع‌ها و امکانات است.

۳- کارویژه سوم سازمان، ایجاد همبستگی و هویت مشترک میان توده‌هاست. سازمان باید قادر باشد طیف‌های مختلف جامعه را زیر یک چتر، گرد آورد. اکنون، بر اساس این کارویژه‌ها به بررسی عملکرد مسجدها می‌پردازیم.

۱. Charles Tilly, From Mobilization to Revolution, London: Addison Wesley (1978), P: 52.

۲. Ibid, P: 57.

۳. شجاع احمدوند، فرآیند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، ص ۶۰.

« ۱. کارکرد ارتباطی - رسانه‌های مسجد

مساجد را می‌توان به منزله یک مرکز تجمع در نظر گرفت. تجمع کارکردهای گوناگون، در عین وحدت، در مسجد باعث گردیده است تا این مؤسسه اجتماعی - دینی، یکی از مهم‌ترین حلقه‌های ارتباطی در جوامع اسلامی باشد. بدین ترتیب، اگر مساجد را محور شکل‌گیری ارتباطات در جامعه اسلامی (چه شهری و چه روستایی)، بدانیم، سخنی به گزاف نگفته‌ایم. محور بودن مسجد در جهان اسلام، حتی در جایگاه جغرافیایی آن نیز تأثیر داشته است. از این نظر، مساجد در قلب اجتماعات اسلامی قرار داشته‌اند.

برای ایجاد بسیج سیاسی باید میان اعضای جامعه، ارتباط‌های سازمانی و ساختاری، هرچند ضعیف، وجود داشته باشد تا رهبران انقلابی از طریق این سازمان‌ها با اعضای جامعه ارتباط برقرار کنند و موقعیت بسیج را مهیا کنند. اگر در جامعه‌ای، هیچ نوع نهاد یا سازمان اجتماعی وجود نداشته باشد و مردم پراکنده باشند و هیچ نوع ارتباط درونی میان اعضای جامعه، در قالب گروه‌های اجتماعی وجود نداشته باشد، به دلیل نداشتن ارتباط با توده‌ها، رهبران انقلابی قادر به تشکیل بسیج نخواهند بود. در نتیجه، باید حداقلی از نهادها و سازمان‌های ارتباطی وجود داشته باشد تا امکان بسیج نیروها فراهم شود.

با توجه به مطالب ذکر شده، ضرورت ارتباط در بسیج و انقلاب انکارناپذیر است. اکنون، سؤال این است که مسجد چه نقشی در این زمینه ایفا کرده است. آیا در عصری که عصر انقلاب ارتباط‌ها و به تعبیر مک لوهان، عصر «دهکده جهانی» نام گرفته است، مسجد می‌تواند با قدمت ۱۴۰۰ سال، با رسانه‌های ارتباطی نو، رقابت کند؟

در پاسخ به این سؤال‌ها، نخست به وضعیت رسانه‌های نو (مکتوب، دیداری و شنیداری) و ورود آنها به ایران نگاهی می‌اندازیم. سپس، برای مقایسه مسجد با آنها، کارویژه‌های ارتباطی مسجد را در بسیج سیاسی بررسی می‌کنیم.

ورود رسانه‌ها به ایران و نفوذ مسجد بر مردم

از ورود رسانه‌های جدید به ایران، حدود دو قرن می‌گذرد. در دهه اول قرن نوزدهم، رسانه‌های چاپی وارد ایران شدند که با سلطه حکومت، قرین شدند. حکومت قاجار، به ویژه در دوره ناصرالدین شاه، سعی کرد با اعمال انحصار، کنترل و سانسور در این رسانه‌ها، آنها را ابزار ارتباطی خود تلقی کند. ظهور تلگراف در اوایل دهه ۱۸۶۰ میلادی در ایران، سبب تحوّل‌های بسیاری شد. این کانال ارتباطی که برای تحقق هدف‌های امپریالیستی و استعماری بریتانیا در ایران توسعه یافته بود، به تقویت حکومت مرکزی در داخل و توسعه هدف‌های استعماری در خارج منجر شد. بدین ترتیب، در اواخر قرن نوزدهم، این دو رسانه مهم در مقابل مردم، فرهنگ و اعتقادهای آنها قرار گرفت.

با روی کار آمدن حکومت پهلوی، علاوه بر مطبوعات و تلگراف، بهره‌گیری از فناوری‌های جدید ارتباطی، نظیر رادیو در دستور کار قرار گرفت. با تأسیس خبرگزاری پارس، وسیله‌های ارتباط اجتماعی به انحصار کامل دولت درآمد. این سیاست‌ها، در دوران محمدرضا شاه نیز ادامه یافت و با تأسیس تلویزیون، در سال ۱۳۳۹، این رسانه جدید نیز به رسانه‌های قبلی اضافه شد. سیطره کامل رژیم پهلوی بر رسانه‌ها و ترویج ایده‌ها و الگوهای مورد نظر رژیم - که با فرهنگ بیشتر افراد جامعه هم‌خوانی نداشت - باعث شد تا کانال‌های ارتباطی سنتی، مستقل از کانال‌های ارتباطی مدرن فعالیت کنند. در نتیجه، نیازهای ارتباطی جامعه از طریق کانال‌های سنتی تأمین می‌شد. این موضوع، به ویژه پس از قیام ۱۵ خرداد، با ظهور امام خمینی رهبر، رهبر نهضت و مساجد به عنوان پایگاه نهضت اسلامی، جدی‌تر شد.

یکی از دلایل موفقیت مسجد، بهره‌گیری از ارتباط چهره‌به‌چهره بود که با توجه به فرهنگ شفاهی جامعه ایران، بسیار تأثیرگذار بود. ویلیام هاگتن با بررسی تجربه ارتباط‌های سنتی درباره انقلاب اسلامی می‌گوید: «آنچه در ایران روی داد، بی‌سابقه بود؛ چون از ارتباطات چهره‌به‌چهره، ارتباطات سنتی، راهپیمایی‌ها

و خطبه‌های نماز جمعه برای خدمت به انقلاب، استفاده می‌شد».^۱

دلیل دیگر، به مسئله مشروعیت رسانه‌ها و پذیرش مردمی آنها بر می‌گردد. با توجه به اینکه رسانه باید حامل پیامی برای مخاطب باشد، هر چه این پیام با فرهنگ و اعتقاد جامعه تناسب بیشتری داشته باشد، پذیرفتنی‌تر خواهد بود. در حالی که رسانه‌های نو از ابتدا با طراحي بیگانگان وارد ایران شده بودند، پس از چندی، مروج فرهنگ بیگانه شدند و در نتیجه، مشروعیت چندانی در جامعه نداشتند؛ اما مسجد، با قدمت ۱۴۰۰ سال، حامل پیام اسلامی و مروج اعتقادهای جامعه بود؛ بنابراین، مشروعیت زیادی در جامعه ایران داشت.

حمید مولانا می‌گوید: «مسجد، در جامعه اسلامی، به عنوان مهم‌ترین کانال ارتباطات اجتماعی، همواره به منزله منبع حرکت‌های فرهنگی و معنوی عمل می‌نمود و نه تنها در بُعد تزکیه معنوی، بلکه به عنوان منبع دانش و اطلاعات مربوط به جامعه، آحاد مردم را تغذیه می‌کرده است».^۲

انقلاب اسلامی، از دیدگاه فرهنگ و ارتباط، به منزله واکنشی علیه جریان غالب در رسانه‌های مدرن ارتباطی بود که در اثر آن، ارتباط‌های سنتی بر کانال‌های مدرن ارتباطی پیروز شد.

«این واقعه مهم نشان داد که در کشورهای اسلامی، به ویژه در ایران، رسانه‌های سنتی (هم گفتاری و هم مکتوب)، نه تنها در مقابله و رویارویی با رسانه‌های جدید، وجود و اهمیت خود را از دست نداده‌اند، بلکه با مشروعیت ویژه‌ای که در جامعه دارند، تحرک بیشتری در دو دهه اخیر پیدا کرده‌اند. انقلاب اسلامی ایران، نشانه بارز آن در عصر حاضر است؛ زیرا این انقلاب، مرهون تحرک و ابتکار زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی سنتی بوده و خواهد بود».^۳

دلیل دیگر موفقیت رسانه‌های مسجد، بهره‌گیری از رسانه‌های نو در جهت هدف‌های انقلاب بود. در واقع، مسجد در جایگاه پایگاه و منبع ارتباط‌های انقلابی، هم رسانه‌های نسل اول (شفاهی و چهره‌به‌چهره) را در اختیار داشت و

۱. ناصر باهنر، رسانه‌ها و دین، ص ۶۸.

۲. همان، ص ۴۱.

۳. حمید مولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه شکرخواه یونس، ص ۸۵.

هم موعظه و خطابه یا رسانه‌های نسل دوّم و سوّم را در اختیار داشت؛ مثل: کتاب، جزوه، اعلامیه و کاست‌های حاوی پیام‌های رهبر انقلاب. مسجدها توانستند از ترکیب رسانه‌های گوناگون، میان رهبری و توده‌ها ارتباط برقرار کنند.

آلویین تافلر در کتاب «جابه‌جایی در قدرت» می‌نویسد: «درک این مطلب که مذهب سازمان‌یافته، صرف‌نظر از هر چیز دیگر، رسانه‌ای انبوه است، کمک می‌کند تا بسیاری از جابه‌جایی‌های قدرت معاصر را تبیین کنیم».

سپس، آلویین تافلر در مورد انقلاب اسلامی می‌نویسد: «در ایران، آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، نفرت طبقاتی و خشم ملی‌گرایانه را با شور مذهبی درآمیخت. عشق به الله، علاوه بر نفرت از امپریالیسم و مخالفت با سرمایه‌داری انقلابی، خاورمیانه را به کانون بالقوه جنگ و درگیری تبدیل کرد».

وی ادامه می‌دهد: «اما آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، به کاری بیش از ترکیب این سه عنصر، در یک حرکت پرشور واحد دست زد. وی همچنین، رسانه‌های موج اول، یعنی موعظه‌های چهره به چهره روحانیان برای مؤمنان را با تکنولوژی موج سوّم ترکیب کرد؛ یعنی همان نوارهای صوتی حاوی پیام‌های سیاسی که در مساجد، به‌طور مخفی توزیع می‌گردید و در همان محل پخش می‌شد و به کمک دستگاه‌های ارزان‌قیمت، تکثیر می‌گردید. شاه، برای مقابله با آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ از رسانه‌های موج دوّم، یعنی مطبوعات و رادیو و تلویزیون، استفاده می‌کرد. به محض اینکه آیت‌الله خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ توانست شاه را سرنگون کند و کنترل دولت را در دست گیرد، فرماندهی این رسانه‌های متمرکز موج دوّمی را نیز در اختیار گرفت»^۱.

یکی دیگر از عامل‌های موفقیت ارتباطی مسجد، مصونیت در برابر حمله‌های رژیم بود. در حالی که رژیم شاه با نهادها و سازمان‌های مدرن به شدت برخورد می‌کرد و اجازه اظهار وجود به آنها نمی‌داد، مسجد به دلیل قداست و حمایت مردمی، از تعرض مصون بود و مبارزان مذهبی می‌توانستند در پوشش مذهب، فعالیت‌های انقلابی را نیز پیگیری کنند.

^۱. آلویین تافلر، جابجایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، ص ۵۴۳.

حسنین هیکل، در این باره می‌نویسد: «در کشورهای اسلامی، نهادی به چشم می‌خورد که قدرت، قادر به دسترسی بدان نیست و آن نهاد، مسجد است. با این نهاد، نمی‌توان مذاکرات پنهانی داشت و یا به آن رشوه داد؛ زیرا انجام چنین عملی به مثابه توهین به عمیق‌ترین و گرامی‌ترین اعتقادات مردم است. مسجد، برای اجتماع مردم، مکانی فراهم آورد که حتی از دسترس مؤثرترین پلیس مخفی به دور است. مردم، به قیمت جانشان از مسجد دفاع می‌کنند. مذهب، دور زندگی مردم عادی یک حصار امنیتی می‌کشد که مسجد و قرآن، سمبل‌های آن به شمار می‌روند».^۱

در نهایت، باید گفت که گستردگی شبکه مسجدها در سراسر کشور، از بزرگ‌ترین شهرها تا روستاها، این امکان را به وجود آورده بود که پیام‌های انقلابی به راحتی در سراسر کشور پخش شود و همه مردم با موعظه‌های انقلابی و پیام‌های رهبر انقلاب در ارتباط باشند.

جان دی استمپل، از کارشناسان سفارت آمریکا می‌نویسد: «یک جنبه مهم رشد حرکت انقلابی، مشارکت دائمی و فزاینده سازمان‌های شیعی مذهبی ایرانیان در جنبش بوده است. وجود ۳۵ میلیون ایرانی، به‌طور تقریبی ۸۰ تا ۹۰ هزار مسجد و ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار روحانی، سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای رساندن پیام، از یک شهر به رهبران شهر دیگر بود که از طریق شبکه مساجد انجام می‌گرفت».^۲ در نتیجه، مسجد به دلیل‌هایی که ارائه شد، توانست پایگاه رسانه‌ای و ارتباطی جریان‌های مخالف رژیم باشد و تنها نهاد مستقل از دولت و تنها گزینه ممکن برای بسیج مردم باشد. در واقع، کارکرد رسانه‌ای مسجد در ارتباط با دو رکن دیگر انقلاب نیز بسیار مهم بود؛ یعنی رهبری و ایدئولوژی؛ زیرا از طرفی پایگاه ارتباطی مردم و رهبری انقلاب، مسجد بود و در طول سال‌های تبعید حضرت امام خمینی رضی الله عنه قطع نشد و از طرف دیگر، ایدئولوژی انقلاب از طریق مسجد گسترش می‌یافت که این شیوه، از اندیشه سیاسی شیعه الهام گرفته بود.

۱. حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، ص ۲۲۶.

۲. جان دی استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی، ص ۶۸.

« ۲. کارکرد حمایتی پشتیبانی مسجد

از جمله شرط‌های موفقیت یک گروه مخالف در نزاع با حکومت، آن است که به لحاظ مادی، به نظام حاکم وابستگی نداشته باشد. هر نهضتی برای سازمان‌دهی و اقدام‌های انقلابی، نیازمند منابع مالی فراوانی است؛ زیرا در هر انقلابی، عده زیادی درگیر مبارزه می‌شوند و تعداد زیادی اقدام‌های پنهان انقلابی وجود دارد که باید از لحاظ مالی تغذیه شوند.

در بسیاری از کشورهای انقلابی، گروه‌های مبارز، مخارج خود را از طریق سرقت یا کمک‌های اعضای خود تأمین می‌کنند. روش اول در میان چریک‌های انقلابی رایج‌تر است؛ اما با توجه به اینکه، ایدئولوژی انقلاب اسلامی، متکی بر دین اسلام بود، این روش‌ها در آن جای نداشت. البته درباره مسجدها، چنین نیازی وجود نداشت؛ زیرا نهاد مذهب در ایران استقلال خود را حفظ کرده بود و اتحاد مسجد با بازار، مهم‌ترین عامل این استقلال بود. بازار در جامعه‌های اسلامی، به خصوص در کشورهای شیعه، ارتباط نزدیکی با محفل‌های دینی داشته است؛ از قبیل: حوزه‌های علمیه، مسجدها و هیئت‌های مذهبی. این نزدیکی و آمیختگی، فقط به بُعد فیزیکی و کالبدی منحصر نبود؛ بلکه فراتر از آن، نوعی همبستگی و تجانس فکری فرهنگی میان بازار و مسجد، در صف‌بندی‌های اجتماعی-سیاسی تشکیل می‌داد. برخی معتقدند که پیوند میان این دو نهاد، فراتر از ارتباط آنها با سایر قشرها و نهادها بوده است؛ از جمله: ارتباط با نهاد حکومت یا ارگ. تبلور این پیوند و اتحاد را می‌توان در تاریخ جنبش‌های سیاسی-اجتماعی دویست سال اخیر ایران به خوبی مشاهده کرد. بر اساس مستندهای تاریخی، در هیچ‌یک از جنبش‌های تاریخ معاصر ایران (مانند: جنبش تنباکو، قیام مشروطه و انقلاب اسلامی)، این دو نهاد، مقابل یکدیگر قرار نگرفته‌اند؛ بلکه در همه صف‌بندی‌ها، جبهه واحدی علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی تشکیل می‌دادند. بر این اساس، قصد داریم به ریشه‌های تاریخی این اتحاد بپردازیم و نقش آن را در بسیج مردمی در انقلاب اسلامی بررسی کنیم.

اتّحاد مسجد و بازار در ایران

مسجد و بازار، دو نهاد از نهادهای اجتماعی هستند که نخست در شهرها پدید آمدند. کارکرد و موقعیت ظهور این دو نهاد، به گونه‌ای بوده است که به‌طور اساسی، جز در اجتماعات شهری، امکان وجود و تداوم نداشتند. احمد اشرف در مورد وضعیت کالبدی و فضایی شهرهای اسلامی می‌گوید: «شهر اسلامی، به لحاظ کالبدی، متشکل از سه رکن اصلی ارگ، مسجد جامع و بازار بوده است که محلّ استقرار و جایگاه عناصر متشکل اجتماع شهری، یعنی عمّال دیوانی، علما و بازاریان بوده است»^۱.

ساخت کالبدی شهرهایی که فرمانروایان مسلمان، در دوره اسلامی، آنها را بنیان نهادند به خوبی، حضور برجسته این دو نهاد را نشان می‌دهد. احمد اشرف می‌نویسد: «شهرهایی که فرمانروایان اسلامی بنیان گذاردند، دو پایه اصلی داشت؛ یکی مسجد جامع و دیگری بازار. مساجد جامع در شهرها، همواره دو کارکرد سیاسی و مذهبی داشتند و به - طور عموم در کنار مقرّ فرمانروایان و والیان قرار داشت و بعدها مرکز اجتماعات سیاسی و رسمی هم بوده است و به - طور معمول، در کنار آن، مدرسه علمیه شهر واقع بود و در نهایت، بازار نیز آن را احاطه می‌کرد»^۲.

مدینه، که در دوره اسلامی در مقابل شهرستان به کار می‌رفت، گذشته از موفقیت دیوانی، نقش مذهبی مهمی نیز داشت. از این‌رو، مسجد آدینه یا مسجد جامع، به تدریج به یکی از رکن‌های اصلی جامعه‌های شهری تبدیل شد؛ تا جایی که شاخص تشخیص تجمّع‌های شهری از اجتماع‌های غیرشهری، وجود مسجد جامع بود؛ بدین معنی که استقرار مقام‌های مذهبی و برپایی مسجد آدینه و اقامه نماز جمعه در سکونت‌گاه، مستلزم آن بود که جمعیت ثابت آن ناحیه تا میزان معینی افزایش یابد.

با اینکه ارگ، در کنار مسجد و بازار، یکی از سه نهاد عمده شهری بود؛ امّا عمّال

۱. احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، ص ۲۳.

۲. همان، ص ۱۸ و ۱۹.

دیوانی، در یک ویژگی شاخص با علما و بازاریان تفاوت داشتند و آن، خاستگاه اجتماعی آنان بود. علما و بازاریان، بیشتر خاستگاه شهری داشتند؛ اما عمال دیوانی، هر چند که در شهرها اقامت داشتند، بیشتر آنها تبار ایللیاتی داشتند و خاستگاه غیرشهری آنان مشهود بود. شاید یکی از دلایل اتحاد و نزدیکی مسجد و بازار یا علما و بازاریان در مقابل حکومت‌ها همین یکی بودن خاستگاه اجتماعی آنان باشد.

همبستگی مسجد و بازار در ایران، در دوره‌های مختلف تاریخی وجود داشته است و این امر، به‌ویژه با ورود استعمار به ایران پررنگ‌تر شد. در دوران حاکمیت سلسله قاجار، نحوه تعامل دولت با علما و اعطای امتیازهای اقتصادی به بیگانگان، باعث شد تا نه تنها پای طرف خارجی به مناسبت‌های قدرت در ایران باز شود، بلکه دو طرف دیگر مسئله، یعنی مسجد و بازار نیز در موضع تخصصی با دولت قرار بگیرند. نمونه بارز این صف‌بندی، جنبش تحریم تنباکو بود که در آن مسجد و بازار در یک صف واحد، در مقابل شاه و طیف خارجی قرار گرفتند. استمرار این صف‌بندی، به نهضت مشروطه منجر شد که برای اولین بار اقتدار پادشاه را به چالش کشید.

اتحاد مسجد و بازار در دوره‌های بعد نیز ادامه یافت و با توجه به سیاست‌های رژیم شاه، موجب نزدیکی بیشتر این دو نهاد شد؛ این سیاست‌ها عبارت بودند از: نوسازی به سبک غربی، ترویج ابتدال و بی‌بندوباری در جامعه، زیر فشار گذاشتن قشرهای مذهبی و به‌ویژه بازاریان. این اتحاد باعث شد که در انقلاب اسلامی، بازاریان و بازار، به مثابه هادی سنتی، نقش بسزایی چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ سیاسی ایفا کنند. از لحاظ سیاسی، موقعیت بازار و جمعیت آن، نقش مهمی در شکل‌گیری تظاهرات مردمی داشت. بازاریان، گروهی از اجتماع سنتی شهرنشین بودند که چند هزار مغازه داشتند و با تعداد زیادی از مردم در ارتباط بودند. هر گاه، اتفاقی می‌افتاد، آنها بازار را می‌بستند و در مسجدها تجمع می‌کردند. تعطیلی بازار، باعث نارضایتی مردم و اعتراض به دولت می‌شد و تا حدی زمینه شکل‌گیری تظاهرات مردمی را فراهم می‌کرد. میثاق پارسا

می‌نویسد: «مساجد، تنها کانال بسیج بازاریان، در اتحاد با سایر گروه‌ها بودند».^۱ «مساجد، محل امنی برای بازاری‌ها فراهم کرده بودند تا گردهم آیند و به مخالفت با رژیم پرداخته، فشارهای حکومت را افشا کنند».^۲ از لحاظ اقتصادی، بازار نقش مهمی در پشتیبانی از مبارزه‌های انقلابی و انقلابی‌ها داشت که می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۲-۱) ساخت مسجد و مکان‌های مذهبی

بسیاری از مسجدها و حسینیه‌های شهرهای بزرگ، در کنار بازار ساخته می‌شد و بازاریان در ساختن آن نقش داشتند. ساخت حدود پنجاه مسجد کوچک و بزرگ در محدوده بازار تهران، در دوره‌های مختلف، دلیلی بر این مدعاست. برخی از این مسجدها نیز به نام بانیان آنها نام‌گذاری شده است؛ مانند: مسجد جلیلی، مسجد سید عزیزالله، مسجد لباسچی، مسجد حاج علی‌اکبر بزاز، مسجد حاج رضا همدانی، مسجد حاج حسین بلورفروش و ...

۲-۲) تأسیس و راه‌اندازی صندوق‌های قرض‌الحسنه و حمایت از مبارزات

تأسیس صندوق‌های قرض‌الحسنه در بازار یا مسجدها و کمک بازاریان به آنها، یکی از راه‌های حمایت بازار از نهضت انقلابی ایران بود. در این مورد سندهایی نیز وجود دارد که برخی از آنها در ادامه بیان می‌شود: «یکی از صندوق‌هایی که به افراد محتاج قرض می‌دهد و آن را در اقساط ماهیانه دریافت می‌کند، صندوق قرض‌الحسنه جاوید، واقع در خیابان خسروی نو و صندوق دیگری در بازار سرای محمدیه است که بیشتر به طلاب و روحانیان وام می‌دهد و به ظاهر، اساس تشکیل این صندوق بر همین مبنا بود. بر عملکرد این صندوق، چند نفر از بازاری‌ها و سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد و شیخ ابراهیم

1. Misagh persa, social origin of Iranian Revolution, Rutgress university press, (1989) P: 94

2. Ibid , P : 125

طالبیان نظارت دارند»^۱.

آقای هاشمی رفسنجانی در خاطره‌های خود می‌نویسد: «در ضمن، بنیاد خیریه رفاه را هم درست کردیم که برای حل مشکلات کسانی که در جریان مبارزه آسیب می‌دیدند، پوشش خوبی بود. صندوق‌های قرض‌الحسنه را هم تشویق کردیم که هم پوشش خوبی برای همان کارهای امدادی-سیاسی و همراهی برای حضور بیشتر در مساجد [بود] و [هم به منظور] بهره‌گیری بیشتر از آنها به عنوان پایگاه مبارزه بود»^۲.

۲-۳) پرداخت هزینه هیئت‌های مذهبی و حوزه‌های علمیه

با توجه به اعتقادات مذهبی بازاریان، آنها خود را ملزم می‌دانستند تا وجوه شرعی را به علما و حوزه‌های علمیه پرداخت کنند. اگرچه آنها از پرداخت مالیات به دولت، امتناع می‌کردند؛ ولی در پرداخت وجوه شرعی، بسیار مقید بودند.

استمپل می‌نویسد: «به هر حال، بازار و مسجد همیشه با یکدیگر همکاری داشته‌اند. هزینه‌های حوزه‌های علمیه و نیز تا ۸۰ درصد هزینه گذران زندگی روحانیان، توسط همین تجار تأمین می‌گردد»^۳.

مواردی که بیان شد، نشان‌دهنده نزدیکی و پیوند مسجد و بازار و تأثیر این دو نهاد در پیروزی انقلاب اسلامی است. در همان حال که بازاریان نیازهای فکری، فرهنگی و عقیدتی خود را از طریق مسجدها برطرف می‌کردند، با کمک‌های خود نیز، نیازهای مسجدها را برطرف می‌کردند و مبارزه‌های مردمی را از طریق مسجدها وسعت می‌بخشیدند.

۱. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، ص ۵۹۹.

۲. هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ص ۲۳۳.

۳. جان‌دی، استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه شجاعی منوچهر، ص ۶۸.

« ۳. کارکرد فرهنگی - هویتی مسجدها

همان‌طور که اشاره شد، یکی از کارکردهای سازمان در جریان بسیج سیاسی و سازمان‌دهی توده‌های انقلابی، ایجاد فرهنگ و هویت مشترک و بسیج عقیدتی و ارزشی است. سؤال این است که کارویژه‌های مسجد در ایجاد فرهنگ و هویت مشترک چه بوده است؟ در پاسخ به این سؤال می‌توان به این موارد اشاره کرد:

۳-۱) رابطه مسجد با روحانیت

رابطه مسجد و روحانیت، رابطه دیرینه‌ای است. گرچه از ابتدای ظهور اسلام و تأسیس مسجد، مردم با حضور در مسجد و دیدار با پیامبر، سؤال‌ها و مشکلات خود را با رسول خدا در میان می‌گذاشتند و مسجد، مرکز همه فعالیت‌های جامعه اسلامی بود؛ اما با گذشت دوران اولیّه و گسترش علم فقه و حدیث، کم‌کم جریان‌های علمی در جامعه اسلامی پا به عرصه وجود گذاشت و روحانیت، در مقام کارگزاران مذهب، وظیفه ارشاد و راهنمایی مردم و آموزش تعلیم‌های اسلامی را بر عهده گرفتند. با فاصله گرفتن حُکام از تعلیم‌های دین و مسجد و تأسیس دار الحکومه، نهادهای مستقل مسجدهای مردمی پا به عرصه وجود گذاشت. در ایران، به‌ویژه از دوره صفویّه و با دعوت از روحانیان سایر کشورها، طبقه جدیدی از روحانیت شکل گرفت که دارای انسجام و تشکیلات بوده، بسیاری از امور مردم به عهده آنان بود؛ از جمله: آموزش، قضاوت، امور ثبّتی و مالی.

در تاریخ سیاسی ایران، روحانیان توانستند در قیام‌های ضدّ استبدادی و ضدّ استعماری، نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کنند. دکتر ازغندی در این مورد می‌گوید: «روحانیان، در مقایسه با سایر اقشار و نیروهای اجتماعی و تشکّل‌های سیاسی، سازمان‌یافته‌ترین و منسجم‌ترین نیروهای اجتماعی جامعه ایران را تشکیل می‌دادند. روحانیان، منابع قدرت متعدّدی داشتند. اولین و مهم‌ترین کانونی که روحانیان از آنجا اعمال قدرت می‌کردند، مساجد بودند».^۱

بنابراین، بهره‌گیری روحانیت از مسجدها، باعث شد که در جریان انقلاب اسلامی، همانند صدر اسلام، مسجدها در مقام پایگاه و تشکیلات مبارزه احیاء

۱. علیرضا ازغندی، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، ج ۱، ص ۱۳۰ - ۱۳۱.

شوند و نقش آفرینی کنند. در این بین، نقش امام خمینی ره در مقام احیاگر مسجدها در عصر حاضر، بسیار تأثیرگذار بود. وی در همه مراحل مبارزه، قشرهای مختلف جامعه را به بهره‌گیری از مسجد و احیای مجدد آن دعوت می‌کرد. این امر باعث شد تا گرایش مردم به مسجدها بیشتر شود. روحانیان و وعاظ نیز با طرح مسئله‌های سیاسی، مسجدها را از جنبه عبادی صرف، خارج کردند.

۳-۲) مسجد و تحوّل اندیشه دینی

یکی از اتفاقاتی نادر که در جریان انقلاب اسلامی رخ داد و در تاریخ معاصر ایران بی‌نظیر بود، حضور روشنفکران مذهبی غیرروحانی، همراه با افراد روحانی در مسجدها بود. در گذشته منبر و خطابه، مختص روحانیان بود؛ اما در دوره انقلاب و با دعوت روحانیت روشن‌بین و آگاه، پای متفکران مذهبی و دانشگاهی به مسجدها باز شد و باعث شد تا تحوّل جدی در عرصه اندیشه دینی به وجود آید. شاید یکی از دلایل این کار، تجربه‌آموزی روحانیان از نهضت مشروطه بود. در جریان مشروطه، در حالی که مردم و روحانیت از پایگاه مسجد به مقابله با استبداد پرداخته بودند، روشنفکران در محفل‌های سری و انجمن‌ها فعال بودند و مسیر دیگری را دنبال می‌کردند. نهضتی که با رهبری روحانیت و همراهی مردم و از پایگاه مساجد شروع شد، ولی در نهایت به کژراهه رفت و از سفارت انگلیس سر درآورد. قیام‌ها و تلاش‌های مردم و روحانیت، به انحراف کشیده شد و باعث روی کار آمدن رضاخان و شکل‌گیری استبداد در ایران شد. بهره‌گیری علمای آگاه و روشن‌بین، همچون شهید مطهری، شهید مفتّح و شهید بهشتی از توانایی فکری و علمی روشنفکران مذهبی، باعث شد که اتحاد نیروهای مذهبی بیشتر شود و چهره جدیدی از اسلام معرفی شود تا غبار تحجّر از چهره دین زدوده شود. بهره‌گیری ایدئولوژیک از مکتب تشیع، در مقام راهنمای عمل انقلابی باعث شد که جوانان دانشگاهی و فعالان انقلابی، به سلاح فکری جدیدی مجهز شوند و در مقابل تفکرهای مارکسیستی، قد علم کنند و در نهایت، گفتمان سیاسی شیعه، به گفتمانی پیروز تبدیل شد.

۳-۳) مسجد و حفظ هویت دینی جامعه

هویت، به منزله شناسنامه ملی جامعه است و شخصیت آن جامعه را معرفی می‌کند. هویت دینی در جامعه ایران گسترش و عمق زیادی دارد و تاکنون تلاش‌های مخالفان دین نتوانسته است آن را کمرنگ کند. دکتر نقیب‌زاده می‌نویسد: «هویت مذهبی از نظر تعداد، گسترده‌ترین باور و از نظر ذهنی و اجتماعی، ژرف‌ترین هویتی است که در بین ایرانیان وجود دارد».^۱

سیاست‌های اسلام‌زدایی رژیم شاه که هویت دینی جامعه را نشانه گرفته بود، باعث شد علما به فعالیت‌هایی دست بزنند؛ از جمله: توسعه نهادهای مذهبی و تأسیس مسجدها. اوج فعالیت‌های رژیم، در قالب برنامه به اصطلاح «انقلاب سفید» بود. هدف رژیم از این اقدام، حرکت در مسیر تعیین‌شده از سوی آمریکا و غرب‌گرایی هر چه بیشتر بود.

«در پی انقلاب سفید، شاه سکولاریزه و غربی کردن جامعه را با تأکید بر فرهنگ قبل از اسلام ایران سرعت بخشید (تا یک اساس ایدئولوژیکی برای حکومت فردی خود تهیه کند) و کوشید تا نهادهای مذهبی را در اختیار خویش بگیرد».^۲

این اقدام‌های رژیم، به واکنش شدید علما، مردم و قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به رهبری امام خمینی ره منجر شد؛ اما رژیم، با اقدام‌های دیگر در پی زدودن مظاهر دینی و فرهنگی اسلام از ایران بود و سعی داشت هویت دینی جامعه و از طرفی تبلیغ و ترویج فرهنگ اسلام را کمرنگ کند؛ از جمله: برگزاری جشن‌های شاهنشاهی، تغییر تقویم هجری و ... در حالی که همه توان رژیم در این راه به کار گرفته شده بود و همه محافل و جمع‌ها، از جمله رسانه‌ها، احزاب دولتی و ... در این راستا قدم برمی‌داشتند؛ نیروهای مذهبی در جبهه مقابل بودند و با رهبری علمای دینی و روشنفکران مذهبی و از طریق مسجدها، هم به نفی اقدام‌های رژیم پرداختند و هم برای اثبات و ارائه فرهنگ اسلامی به زبان روز، در حال بودند.

۱. نقیب‌زاده احمد، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ص ۲۰۴.

۲. امجد محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه، مفتخری حسین، ص ۸۱.

« ۴. مسجد و جامعه‌پذیری سیاسی

جامعه‌پذیری سیاسی، روندی است که در قالب آن، جامعه، فرهنگ سیاسی خود را دائمی می‌کند یا روندی است که با آن، فرهنگ سیاسی شکل می‌گیرد و باقی می‌ماند و تغییر می‌کند. در کشور ایران، با توجه به بیشتر بودن مسلمان جامعه و حاکم‌بودن فرهنگ شفاهی و چهره‌به‌چهره، یکی از کارگزاران اصلی جامعه‌پذیری، مسجدها و نهادهای مذهبی هستند. بدیهی است که مذهب می‌تواند عامل بسیار مهمی در جامعه‌پذیری افراد باشد؛ ولی در جامعه‌ها و دین‌های مختلف، تفاوت‌های زیادی وجود دارد. در اسلام، مسجد، با ارائه کارکردهای عبادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... در جامعه‌پذیری افراد، نقش اساسی دارد. تقابل بین فرهنگ سیاسی شیعه- که از طریق مساجد، حسینیه‌ها و تکیه‌ها تبلیغ می‌شد- با فرهنگ سیاسی رژیم پهلوی، باعث تحوّل شگرفی در فرهنگ سیاسی ایرانیان شد و مشروعیت رژیم را زیر سؤال برد و زمینه انقلاب را فراهم کرد.

« ۵. مسجد و حفظ همبستگی در جامعه

یکی از ویژگی‌های مسجدها در انقلاب اسلامی نیز جلوه‌گر شد، این بود که همه قشرهای جامعه، از هر صنف و گروه، به مسجد می‌آمدند و از برنامه‌های آن استفاده می‌کردند. از آنجا که مسجد، خانه خداست و به هیچ گروه، طبقه و حزب خاصی وابستگی ندارد، در آن همیشه به روی مردم باز است و هر کس می‌تواند در مسجد، متناسب با نیاز خود از برنامه‌های مذهبی، سیاسی، آموزشی و ... استفاده کند. ورود به مسجد، کارت عضویت و هیچ ویژگی خاصی مثل سن، جنس، سطح سواد، طبقه اجتماعی و ... نمی‌خواهد. این ویژگی منحصر به فرد باعث شده است که مسجد، در مقایسه با نهادهای سیاسی-اجتماعی مدرن، جذابیت بیشتری داشته باشد؛ از جمله: حزب‌ها، تشکلهای سیاسی، اتحادیه‌های صنفی و ...

نیکو کدی، درباره استفاده قشرهای گوناگون از مسجدها می‌نویسد: «طبقه وسیعی از تحصیل کرده‌ها، دانشجویان، طبقه سیاسی جدید و تهی‌دستان شهر، تحت تأثیر و سازمان‌دهی مساجد، ستون فقرات سیاست نوین مردمی را فراهم ساختند». بنابراین، حضور همه قشرهای جامعه در مسجدها، باعث یکدلی و اتحاد بیشتر مردم شد و زمینه قیام و انقلاب را فراهم کرد.

۱. نیکو، آر. کدی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، ترجمه حسینعلی نودری، روزنامه ایران، ش ۴۶۵، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸، ص ۶.

« نتیجه‌گیری

نتیجه‌ای که در این پژوهش به دست آمد، بیانگر این است که در جریان شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی، مسجدها، هرچند در یک جایگاه نهادی سنتی بودند و قدمت ۱۴۰۰ سال داشتند؛ اما با ارائه کارکردهای متناسب با نیاز روز جامعه، توانستند گوی سبقت را از نهادهای مدرن و وارداتی برابند و همچون ستون فقرات و سازمان انقلاب ایفای نقش کنند.

این کارکردها، به‌ویژه در سه حوزه رسانه‌ای-ارتباطی، حمایتی-پشتیبانی و فرهنگی-هویتی باعث شد که فرهنگ و ایدئولوژی انقلابی شیعه به گفتمان رایج در جامعه بدل شود و انقلابی اسلامی در ایران شکل بگیرد؛ انقلابی که هرچند در عصری مدرن و در زمان به حاشیه رفتن دین از سیاست و اجتماع شکل گرفت؛ اما از همه نهادها بهره‌جست و شگفتی صاحب‌نظران و تحلیل‌گران مسئله‌های سیاسی را برانگیخت.

« منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- « احمدوند، شجاع، فرآیند بسیج سیاسی در انقلاب اسلامی، مجموعه مقالات انقلاب اسلامی و ریشه‌های آن، تهران، نهاد رهبری، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « ناصر باهنر، رسانه‌ها و دین، تهران، مرکز تحقیقات صدا و سیما، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « حمیدمولانا، گذر از نوگرایی، ترجمه یونس شکرخواه، تهران، مرکز تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- « آلون تافر، جابه جایی در قدرت، ترجمه شهیندخت خوارزمی، چ ۴، تهران، ۱۳۷۲ هـ.ش.
- « حسنین هیکل، ایران: روایتی که ناگفته ماند، ترجمه حمید احمدی، تهران، الهام، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- « جان دی. استمپل، درون انقلاب ایران، ترجمه منوچهر شجاعی تهران، رسا، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، دوره قاجاریه، تهران، پیام، ۱۳۵۹ هـ.ش.
- « مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، یاران امام به روایت اسناد ساواک، کتاب پنجم، شهید هاشمی‌نژاد، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « هاشمی رفسنجانی، اکبر، دوران مبارزه، خاطرات، تصویرها، اسناد تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « ازغندی، علیرضا، تاریخ تحولات سیاسی - اجتماعی ایران، تهران، سمت، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « نقیب‌زاده، احمد، تأثیر فرهنگ ملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « امجد، محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری، ترجمه، حسین مفتخری، تهران، باز، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « آر. کدی، نیکی، بررسی تطبیقی انقلاب مشروطه و انقلاب اسلامی، ترجمه حسینعلی نوذری، روزنامه ایران، ش ۴۶۵، تاریخ ۱۳۷۵/۶/۱۸ هـ.ش.

ب) منابع انگلیسی

- » Charles Tilly, From Mobilization to Revolution, London: Adison Wesley (1978), P: 52.
- » Misagh parsas, social origin of Iranian Revolution, Rutgress university press, (1989) P: 94.

مهندسی فرهنگی مسجد در جامعه جهانی

محسن غرویان

« چکیده

مقاله حاضر در صدد تبیین موضوع «مهندسی فرهنگی مسجد محور» است. نگارنده، بر این باور است که «مسجد»، مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و برخلاف دیدگاه برخی فیلسوفان، مانند «هانتینگتون»، «فوکویاما»، «مارکس»، «انگلس» و ...، آینده تاریخ از آن دین‌مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد، به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت. در این نوشتار، نگارنده در شش مبحث کلی به تبیین دیدگاه‌های خود پرداخته که عبارت‌اند از: کلیات مفهوم‌شناسی، کارکرد و ظرفیت مسجد در روند جهانی‌شدن، جهانی‌سازی فرهنگ، محوریت مسجد در فرآیند جهان‌گستری، جهانی‌شدن به معنای آمریکایی‌شدن، راهبردها و راهکارها.

« واژگان کلیدی:

مسجد، اسلام، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، فلسفه تاریخ، جامعه جهانی.

فلسفه تاریخ، دانش کشف قواعد و بنیان‌های تحولات و تطورات در سلوک تاریخی آدمیان است. فیلسوفان تاریخ، در پی آنند که بر اساس فرمول‌های پیچیده و قوانین به نسبت ثابت، آینده بشر را ترسیم نمایند و غایات حرکت جوامع انسانی را بر اساس مبادی این حرکات، پیش‌گویی و پیش‌بینی کنند. از جمله مفاهیم حوزه مدیریت راهبردی فرهنگ، مفهوم مهندسی فرهنگی است. مقوله مهندسی فرهنگی جامعه جهانی، از مقولات انسانی و دینی - به معنای اعم آن - است. «مسجد»، از آنجا که بزرگ‌ترین پایگاه تبلور آموزه‌های دینی و آسمانی است، نقش اساسی و عظیم در تأمین راهبردی بنیادی در حرکت تاریخ بشر دارد. بی‌تردید، مقوله «مهندسی فرهنگی مسجدمحور» در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش‌های دینی و رضایت شهروندان، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. بدیهی است که درک مشترک و اتفاق نظر نخبگان سیاسی، علمی و مذهبی، شفاف‌سازی و تبیین رابطه این مفاهیم با سایر کلید واژه‌های مدیریت راهبردی فرهنگ جهانی و مؤلفه‌های دخیل در تصمیم‌سازی راهبردی، گامی بزرگ در توسعه و تعمیق فرهنگ مسجد محور، به شمار می‌آید. نگارنده بر این باور است که «مسجد»، مهم‌ترین پایگاه ترسیم و تنظیم حرکت تاریخ در آینده بشریت است و برخلاف دیدگاه فیلسوفانی، همانند «هانتینگتون»، «فوکویاما»، «مارکس»، «انگلس» و ...، آینده تاریخ از آن دین‌مداران با رویکرد اسلامی خواهد بود و مسجد، به عنوان مرکز ثقل و کانون اصلی تحولات جهانی و مهندسی فرهنگی بشریت، ظرفیت‌ها و قابلیت‌های خود را آشکار خواهد ساخت. هم‌اکنون بر اساس گزارش یک نهاد نظارتی، تعداد مساجد و مراکز اسلامی در حال ساخت در شهرهای مختلف آمریکا رو به افزایش است و این امر سبب خشم فزاینده مخالفان مساجد شده و طرح ساخت مساجد و مراکز اسلامی بیشتر، نفرت را در دولت‌مردان آمریکا دو چندان کرده است. شبکه متعلق به «پنتاگون»، با اعلام اینکه ما شاهد ساخته شدن مساجد بیشتری در آمریکا هستیم، مدعی شد که در شهر نیویورک، پیشنهاد فروش یک عبادت‌گاه کاتولیک‌ها به یک

گروه اسلامی، باعث افزایش خشم مردم این شهر شده و طرح ساخت مسجد در «تنسی» باعث اقدام خرابکارانه و حتی تهدید افراد به مرگ شده است.^۱ در این مقاله، نگارنده بر آن است که با نگاهی نوپردازانه، طرحی نوین - و البته اجمالی - در راستای ترسیم خطوط حرکت و جنبش جهانی اسلام با محوریت و کانونیت مسجد ارائه دهد.

۱. خبرنامه سیاسی فرهنگی اجتماعی، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ص ۴۹، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۱۷/۴/۸۹.

« مبحث اول: کلیات مفهوم‌شناسی

طرح مفهوم مهندسی فرهنگی در کلام مقام معظم رهبری

در طول دهه گذشته، مفاهیم مهم و در خور توجهی، مانند گفت‌وگوی تمدن‌ها، ایران فرهنگی و مهندسی فرهنگی در عرصه مدیریت فرهنگی کشور، از سوی دولت‌مردان و فرهیختگان داخلی مطرح گردید.

«مفهوم مهندسی فرهنگی» نخستین بار در سال ۱۳۸۱ توسط رهبر معظم انقلاب در جهت تأکید و تبیین لزوم توجه به فرهنگ و ابعاد ارزش‌های فرهنگی بیان شد. مهندسی فرهنگی با هدف بازطراحی، اصلاح و ارتقاء شئون و مناسبات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، قضایی و اجتماعی کشور بر اساس فرهنگ مهندسی‌شده، با توجه به شرایط و مقتضیات ملی و جهانی مطرح گردیده است. پیشرفت و توسعه علمی و خردمندانه این مفهوم، می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت رفع و حذف کژکارکردهای فرهنگ موجود و شناسایی نقاط مثبت و سازنده ابعاد فرهنگ ملی و سایر ملل و قومیت‌ها به کار گرفته شود. بدیهی است عدم توجه به این مقوله یا مفاهیمی مانند آن، منجر به تضعیف فرهنگ و میراث هویت ملی ایرانیان در تقابل با فرهنگ‌های بیگانه خواهد شد.

جهانی‌شدن، جهانی‌سازی و تعامل فرهنگ‌ها

پیشرفت‌های خیره‌کننده فناوری اطلاعات، توسعه روزافزون صنعت گردشگری و سیاست‌های اقتصادی شرکت‌های چند ملیتی در استفاده از قابلیت‌های کلیدی سایر کشورها، از جمله عواملی است که روند جهانی‌شدن را با حرکتی اجتناب‌ناپذیر مواجه ساخته است. امروز، معنا و مفهوم جدیدی با عنوان مرزهای فرهنگی پدید آمده است که بر این اساس، انسان‌ها بر مبنای چهارچوب فکری‌شان از یکدیگر متمایز می‌گردند. از این رهگذر و در پرتو این تحولات رو به رشد، رویارویی و تعامل فرهنگ‌ها بیش از گذشته باید مورد توجه و مذاقه قرار گیرد. در صورت عدم تجهیز «نظام مدیریت راهبردی فرهنگ ملی» به ابزارهایی، چون مهندسی فرهنگی، در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های

پیش رو، ضمن حذف وجوه ضعیف و ناکارآمد فرهنگ بومی، سایر اجزاء مفید و کارآمد آن نیز در کوره ذوب جهانی سازی فرهنگ‌ها از بین خواهد رفت. این پدیده به از خودبیگانگی فرهنگی، از بین رفتن میراث ارزشی و هویت ملی و سرمایه‌های فرهنگی کسب شده در طی سالیان دراز توسط اعقاب و پیشینیان ما منجر خواهد شد.

« مبحث دوم: کارکرد و ظرفیت مسجد در روند جهانی شدن

مسجد، یک عنصر نقش آفرین

واژه «مسجد» با همه بار معنایی که دارد، مفهومی آشنا برای همه جهانیان است. مسجد، سنگری است که به خوبی می‌توان از آن در جهت بازشناسی و مواجهه با تهدیدها و فرصت‌های پیش‌رو و احیای سرمایه‌های فرهنگی و میراث اخلاقی و ارزش بومی استفاده کرد. بی‌تردید، در روند مناسبات جهانی و در فرآیند جهانی‌شدن و پروژه جهانی‌سازی با رویکرد اسلامی، «مسجد» مهم‌ترین پایگاه و عنصر نقش‌آفرین است. یکی از خطیرترین نقش‌های مسجد، تعیین چهارچوب فکری صحیح و مناسب، برای شکل‌دهی اذهان اهل مسجد در سراسر جهان است. اهمیت این امر تا آنجا است که همه مسلمانان عالم، واقعیت‌ها و مسائل پیرامون خود را با توجه به چارچوبی که مسجد در اذهان آنان ترسیم می‌کند، تعبیر و تفسیر می‌کنند. این پدیده مهم را «چارچوب‌بخشی» یا «معنابخشی» به رفتار دیگران تعریف می‌کنند.

«مسجد»، پایگاه پیام اسلام و مسلمانان عالم است. اندیشمندان و احیاگران بسیاری همواره بر اهمیت واژه‌ها، عبارات و کلام به عنوان عاملی مهم در جهت تبیین و تشریح چشم‌اندازها و افق‌های پیش روی دیگران اشاره کرده‌اند. «اسکاول شین» کلام را به مثابه عصای معجزه‌گر در تعاملات اجتماعی به شمار می‌آورد. اگر ما امروز، «مسجد» را به عنوان مؤثرترین پایگاه تحولات فکری و سیاسی در آینده جهان مطرح کنیم، طنین آن به‌طور قطع، در معادلات و تعاملات فرامرزی و فراملیتی اثرگذار خواهد بود.

«مارتین لوترکینگ» در یک سخنرانی در آمریکا عبارتی را بر زبان آورد و گفت: «من یک رؤیا دارم!» همین سخن او آغاز جنبش بزرگ حقوق شهروندی در آمریکا را رقم زد.

تأثیر واژه‌های پیام‌دار در جهت‌دهی مهندسی فرهنگی

در خلال جنگ جهانی دوم، بسیاری از عملیات‌های نظامی، فاقد عنوانی خاص

به منظور معنابخشی و جهت‌دهی اذهان عمومی بود. در جنگی که «جرج دبلیو بوش» علیه عراق و افغانستان آغاز نمود، انتخاب عناوینی نظیر «عملیات برای آزادی عراقیان» و «آزادی ماندگار» به شکلی تصادفی نبود، بلکه به صورت هدفمند در جهت چارچوب‌دهی و هدایت اذهان عمومی به کار رفت. کاربرد چنین الفاظی در ادبیات با عنوان «صنعت استعاره» مرسوم است. در صنعت استعاره، نویسندگان قسمتی از اجزاء تشبیه (مشبه‌به یا ادات تشبیه) را حذف نموده، ولی معنای ضمنی این ارکان از مفهوم جمله برداشت می‌گردد. استعاره، بیشتر وسیله‌ای برای آراستن سخنان ادبی تلقی می‌شود؛ ولی اهمیت آن بیش از این است؛ زیرا استعاره در واقع، روشی برای تفکر و طریقی از بینش را القاء می‌کند. مکتب «پسانوین‌گرایی مدیریتی» نیز با الهام از این مقوله ادبی به ارائه چهارچوب‌های معنایی، در خصوص مضامین موردنظر محققین و اندیشمندان آن حوزه پرداخته است. هر نویسنده با انتخاب استعاره‌ای خاص، جنبه‌ها یا ویژگی‌های خاصی از یک مقوله را بزرگ‌نمایی نموده است.

به تازگی، به موازات کاربرد این مفهوم در علوم سیاسی، مفهوم جدیدی با عنوان «الگوسازی فرهنگی» در ادبیات مدیریت فرهنگی مرسوم گردیده است که نمایانگر فرآیند ساخت یا الگوسازی اقدامات به منظور مشروعیت‌بخشی و هدایت اقدامات و فعالیت‌های درون سازمانی است. البته این الگوها در فرآیندی جمعی ساخته و پرداخته می‌گردد و مبتنی بر ارزش‌های صرف فردی نیست. از این رو، می‌توان استنباط نمود که ترکیب واژگان مهندسی و فرهنگی، دلالت بر تدوین الگوی عقلایی و خردگرایانه در مدیریت راهبردی فرهنگی دارد.

جهانی‌سازی مسجدمحور در مدیریت راهبردی فرهنگی

ما امروز باید از واژه و عنوان «جهانی‌سازی مسجد محور» فراوان و مکرر استفاده کنیم تا پیام خود را در سراسر جهان و در فضای اندیشه و فلسفه سیاسی عالم، طنین‌انداز نمائیم. شیوه و مشی امام خمینی ره بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران در طرح و تبیین عناوین و مقولاتی مانند حکومت اسلامی، ولایت فقیه،

جمهوری اسلامی، بر اساس الگوی فوق بود و هم‌اینک، برای ترسیم و طراحی آینده تاریخ انسان بر مبنای «فرهنگ مسجدمحور» بسیار راهگشا و کارساز است.

« مبحث سوم: جهانی سازی فرهنگ

در شروع هزاره جدید، «جهانی شدن» جایگاهی بس مهم پیدا کرده است. البته، سؤالات زیر در این خصوص به ذهن متبادر می شود که:

- جهانی شدن چگونه با فرهنگ قابل جمع است؟
- آیا می توان این دو اندیشه را باهم سازگار ساخت؟
- آیا فرهنگ - که محصول مکان و زمان ویژه ای است - ظرفیت و قابلیت جهانی شدن را دارد؟

این موضوع عمیق و پیچیده از سه دیدگاه متفاوت به شرح زیر قابل بررسی است:

۱. ابتدا فرض کنیم که فرهنگ نمی تواند جهانی شود و هرگونه ادّعای برخلاف آن، فقط تلاشی برای مشروع جلوه دادن یا قانونی کردن استیلای یک فرهنگ بر سایر فرهنگهاست؛ منظور، سلطه ای است که ناشی از ارزش ذاتی فرهنگی نیست، بلکه تابع عوامل برون فرهنگی، فناوری، اقتصادی یا سیاسی است. پس، نفوذ و قدرت یک فرهنگ خاص یا ملّتی که آن فرهنگ، نماینده آن است هر چقدر باشد، آن فرهنگ نمی تواند امیدوار باشد که در دیگر فرهنگها ریشه بدواند. طبق این فرض و از منظر این دیدگاه، یک فرهنگ تهاجمی و سلطه طلب، شانسی برای پیروزی ندارد.

۲. دیدگاه دوم آن است که فرض کنیم فرهنگ می تواند با استفاده از ابزار قدرتمند عصر اطلاعات، مانند رایانهها، ماهوارهها، تلویزیون، فضای سایبر و غیره جهانی شود؛ اما این فرض، در برابر طبیعت واقعی فرهنگ قرار می گیرد که از تنوع فرهنگی حاصل از تفاوت های بین جوامع انسانی و تفاوت های موجود بین ریشه های جغرافیایی و تجربه های تاریخی مربوط تولید می شود.

۳. سومین رویکرد نه بر پایه حتمی بودن کثرت گرایی فرهنگ است و نه بر اساس وحدت آن بنا شده است. اگرچه زمینه های فرهنگی و اطلاعاتی باهم یکی نیستند، اما در حال حاضر، دستاوردهای عصر اطلاعاتی تعیین کننده هنجارهای فرهنگی و فراهم کننده جهانی شدن اطلاعات، راه های ارتباطی و

تعامل بین فرهنگ‌هاست. آخرین نوع از چنین راه‌هایی، «شبکه جهانی ارتباطات الکترونیکی» یا اینترنت است که با حذف ابعاد زمانی و مکانی، سیاره زمین را در اختیار خود گرفته است و در حرکت تاریخ با تمامی الزامات و مفاهیمی که برای فرهنگ ایجاد می‌کند، شتاب عجیبی ایجاد کرده است.

جهانی‌سازی و زبان و فهم یکسان

یکی از الزام‌های مزبور، ضرورت یک زبان ویژه جهانی است که بر موانع ناشی از اختلاف زبان فائق آید. این موضوع با اتخاذ زبان موجود یا اختراع زبانی جدید برای این منظور مقدور است و امروز تحقیق برای اختراع شیوه‌های ترجمه فوری و خودکار در جریان است. به هر حال، واقعیت آن است که ابزار لازم برای نزدیک کردن فرهنگ‌ها به یکدیگر، فرهنگ را ضعیف خواهد کرد؛ زیرا فرهنگ، پیش از اینکه تولید یک نظام جهانی باشد، به صورت اندام‌وار، به گروه‌های انسانی گره خورده است؛ یعنی در مجموعه‌های خاص جغرافیایی و تاریخی احاطه شده است و روایات، خاطرات و آرزوهای خاص خود را دارد. از سویی، جهانی‌شدن به این مفهوم است که انسان معاصر به طور دائم و هم‌زمان در معرض محرک فرهنگی خارجی از یک سو و هویت فرهنگی ذاتی خود از سوی دیگر است. اکنون این سؤال مطرح می‌شود که کدام یک از دو عامل فوق در نهایت، دارای قطعیت بیشتری برای شکل دادن به آینده فرهنگی انسان هستند؟

برتری فناوریانه، سرمایه‌ای ارزشمند است؛ به خصوص زمانی که به فرهنگی خاص، جاذبه جهانی ببخشد. البته هر چند فناوری یک شرط لازم است، اما شرطی کافی نیست؛ برای مثال، در مورد ایالات متحده آمریکا، حساسیت انکارناپذیر روش‌ها و فنون رسانه‌های آمریکایی، نقش قاطعی در توسعه بی‌چون و چرای فرهنگ آمریکایی در سراسر جهان بازی کرده است؛ اما در برابر تهاجم فرهنگی آمریکایی در برخی نقاط جهان از جمله ایران اسلامی، مقاومت‌هایی عمیق و پایدار هم صورت گرفته است و در آینده نیز این مقاومت‌ها و پایداری‌ها می‌تواند صورت بگیرد.

« مبحث چهارم: محوریت مسجد در فرآیند جهان گستری

به نظر ما «مسجد»، تنها سنگری است که در تمامی نقاط مسلمان‌نشین جهان، می‌تواند در قالب پایگاهی مهم و کانونی پیرانرژی در برابر موج فرهنگ آمریکایی مقاومت کند و فطرت و وجدان انسان‌ها را مورد خطاب قرار دهد و حرکتی نو را در صحنه جهانی رقم زند. کارشناسان مسائل فرهنگی معتقدند که مشارکت و حمایت مردمی به عنوان موتور محرکه در طرح‌های فرهنگی به شمار می‌آید. استفاده از مفهوم «همترازی» و «هم‌سویی» در جهت انسجام راهبردهای فرهنگی، مثل گفت‌وگوی تمدن‌ها و مفاهیم جدید، مانند ایران فرهنگی (توسعه و تعمیق روابط فرهنگی با دولت‌ها و ملت‌های دارای فرهنگ مشترک با ایران) نقشی بسزا در کسب اهداف و آمال فرهنگی در نقشه تعالی فرهنگ مسجدمحور ایفا می‌کند. همان‌گونه که قرآن، رسالت جهانی دارد و باید گستره گیتی، عرصه ظهور و تجلی نور هدایت اسلام و قرآن باشد، ظرفیت مهم‌ترین پایگاه دینی، یعنی مسجد نیز به‌گونه‌ای است که باید محور تحولات بنیادین جهانی در گستره همه عالم باشد.

تأثیر سازمان مساجد اسلامی در تحولات جهانی

امروز ما با رشد بی‌رویه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی رو به رو هستیم. همین رویکرد باید در نگاه ما به «سازمان مساجد اسلامی» همواره مورد ملاحظه قرار گیرد. نهاد «مسجد» در نگاه ما یک سازمان فراملی است و به همین دلیل است که می‌تواند در پروژه جهانی‌سازی و فرآیند جهان‌گستری بسیار تأثیرگذار باشد. اگر می‌خواهیم که سیر تحولات جهانی را به سمت عبودیت خدای متعال رهبری کنیم، باید نگاهی نو به عالم و آدم بیفکنیم و فرهنگ‌های سنتی و بومی را در سرتاسر جهان در راستای معرفت حق متعال جهت‌دهی کنیم و این مهم جز با محوریت سازمان یافته «مسجد» سامان نمی‌یابد.

حقیقت این است که به درستی مشخص نیست مجموعه فرآیندهایی که امروز با عنوان جهان‌گستری شناخته می‌شوند، از چه زمانی آغاز شد. فقط می‌دانیم

که از مدت‌ها پیش، این احساس - که سرعت و ماهیت تحولات، موجب سرعت گرفتن سرسام‌آور گروهی از فرآیندهای موجود و تغییر ماهیت برخی از آنها و نیز پدیداری فرآیندهای جدید شده - به وجود آمد. خلق مفهوم جهان‌گستری که به منظور ساده‌سازی، درک بهترین و اندیشیدن درباره این تحولات صورت گرفت، در حوزه نظر و عمل تلاش‌های فشرده‌ای را به همراه آورده است. پیروان ادیان و مذاهب الهی و مادی، مکاتب فکری بزرگ در علوم اجتماعی، اقتصادی، سیاست و فرهنگ، هر یک از منظر خود مباحثی را در خصوص فضای مفهومی این واژه مطرح کرده و به نظریه‌پردازی درباره گذشته، حال و آینده جهان در پرتو آن پرداخته‌اند و سؤالات بی‌شماری نیز مطرح شده است. برخی از این سؤالات عبارت‌اند از:

- ماهیت این فرآیند چیست؟
 - آیا جهان‌گستری، فرآیند جدیدی است یا سابقه‌ای دیرینه دارد؟
 - آیا مجموعه تحولاتی که امروز در حوزه این واژه جدید قرار می‌گیرند، تحولاتی خودجوش هستند یا توسط گروه خاصی از کنشگران، اداره می‌شوند؟
 - آیا آنچه که امروز در حوزه‌های فناوری، اقتصادی، سیاست و فرهنگ می‌بینیم، جهانی‌شدن است یا جهانی‌سازی؟ آیا پروژه است یا پروسه؟
 - این تحولات چه آثاری به همراه خواهند داشت؟
 - بر سر حاکمیت دولت‌ها، اقتصادهای ملی، فرهنگ‌های بومی و هویت ملی و سنتی چه خواهد آمد؟
 - کنشگران عمده در جهان آینده چه کسانی هستند و کدام یک تأثیرگذارترند؟
 - جامعه آینده از حیث ماهیت و نوع تعاملات و کنش‌ها چگونه جامعه‌ای خواهد بود؟
- این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش دیگر، چنان اندیشمندان و عملگرایان را به خود مشغول داشته است که امروز کمتر رشته‌ای از شاخه‌های گوناگون علوم را می‌توان یافت که به نحوی درگیر جست‌وجوی پاسخی برای آنها نباشد.

با این همه باید گفت که ما هنوز در مرحله شناخت این پدیده هستیم. در تعریف، تبیین علل پیدایش و پیش‌بینی آثار و پیامدهای این پدیده، به طور تقریبی هیچ‌گونه وحدت‌نظر وجود ندارد. برخلاف این که امروز در حوزه فناوری از «انقلاب صنعتی سوم» و «دهکده جهانی الکترونیک»، در حوزه اقتصاد از منتفی شدن امکان اجرای اقتصاد کینزی و «اداره اقتصاد جهانی توسط شرکت‌های چندملیتی»، در حوزه سیاست از گسترش نهادهای فراملی و زوال دولت‌های ملی و در حوزه فرهنگ از ظهور جامعه مدنی جهانی سخن می‌گویند، همه این گفته‌ها مخالفانی نیز دارند. تنها می‌توان پذیرفت که علم و فناوری - به‌ویژه فناوری اطلاعاتی - دامنه نفوذ جهانی یافته است. همچنین، با توجه به ایجاد و فراگیری رژیم‌های جهانی ملی، پولی و تجاری، نظیر صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی، روندهای اقتصادی، گرایش جهانی دارند و اقتصاد جهان گستر، از هم‌اکنون آشکار است.

در حوزه‌های سیاست و فرهنگ، شاهد روندهای متضادی هستیم. از یک‌سو، با ایجاد و رشد بی‌سابقه سازمان‌های بین‌المللی و فراملی، مانند اتحادیه اروپایی مواجه هستیم و از سوی دیگر، گسترش جنبش‌های ملی‌گرا و قوم‌گرا، به‌ویژه در یوگسلاوی، روسیه، قفقاز و حتی اروپا، آمریکا و کانادا، را شاهد هستیم. از سویی، رواج عناصر و شاخصه‌های فرهنگ غربی، به‌ویژه آمریکایی را در سراسر دنیا شاهد هستیم و از طرف دیگر، گسترش نهضت‌های بازگشت به خویشتن، از جمله جنبش‌های بنیادگرا، اسلام‌گرایی و احیای هویت‌های بومی، محلی، قومی و ملی را به تماشا نشسته‌ایم. گروهی روند فرهنگی غالب در جهان را روند یکسان‌سازی می‌دانند و برخی بر این باورند که غلبه نهایی با فرهنگ‌های سنتی و بومی خواهد بود. آیا پیروز نهایی این کشمکش فرهنگی، «هم‌گرایی» خواهد بود یا «واگرایی»؟ این پرسش نیز هنوز پاسخ دقیقی ندارد.

جهانی‌سازی فرصت یا تهدید

پرسش مطرح دیگر در همه عرصه‌ها، به‌ویژه در حوزه عمل و اقدام این است

که آیا جهان‌گستری - به خصوص در حوزه فرهنگ - فرصت است یا تهدید محسوب می‌شود؟ آیا آمریکایی شدن است، - چنان‌که برخی صاحب‌نظران گفته‌اند - یا استعمار معکوس است؟

سؤال مهم دیگر این است که این پدیده، چه پیامدهای مثبت و منفی را به همراه خواهد داشت؟ طبیعی است که نوع نگرش ما به این پدیده و پاسخ‌هایی که به این پرسش‌ها می‌دهیم، می‌تواند مبتنی بر یکی از سه رویکرد زیر باشد:

۱. می‌توانیم یک‌باره تسلیم این فرآیند شویم و تن به این موج بسپاریم و منتظر نتایج بنشینیم.

۲. می‌توانیم به طور کامل از آن اعراض کنیم و کنار بگیریم و منزوی شویم.

۳. می‌توانیم راه سَوم را برگزینیم، یعنی در این فرآیند مشارکت کنیم و باهوشیاری کامل از مزایای آن بهره بگیریم و از پیامدهای نامطلوب آن، خود را در امان نگاه داریم.

به نظر ما بهترین رویکرد برای مواجهه با این پدیده، شیوه سَوم است و در فرهنگ اسلامی و ملی ما نیز این روش، سابقه و ریشه‌ای طولانی دارد. روایاتی مانند «خُذِ الْحِكْمَةَ وَ لَوْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» از امام علی (علیه السلام) و «اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ»^۱ و «خُذُوا الْعِلْمَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُ»^۲ از پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در این زمینه برای ما راهگشا هستند.

مراکز حساس و تأثیرگذار در جهانی‌سازی

برخی معتقدند که جهانی‌گرایی (globalization) به معنای جهانی کردن امور، به‌ویژه جهانی کردن اقتصاد است. به‌گونه‌ای که در آن، همه بخش‌های جهان، قسمتی از یک واحد اقتصاد باشند؛ یعنی بتوان در سراسر جهان معامله کرد و هر تغییر اقتصادی در هر نقطه عالم، بر تمامی اقتصادهای محلی و ملی و منطقه‌ای تأثیرگذار باشد. در این وضعیت، اقتصاد جهانی، همانند یک اقتصاد ملی، به هم

۱. مشکها لأتوار، ص ۱۳۴، ح ۶۱۲، الفصل الثامن في العلم والعلم.

۲. وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۲۷، ح ۳۳۱۱۹: «قال النَّبِيُّ ﷺ: اطْلُبُوا الْعِلْمَ وَ لَوْ بِالصَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ».

۳. رک: منیه‌المريد، ص ۳۲۳، الفصل الثاني في أفات المناظره.

پیوسته و واحد خواهد بود.

عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که شاید واژه «جهان‌گستری» ترجمه دقیق‌تری برای (globalization) باشد و فعل آن هم لازم و هم متعدی است. بنابراین، هم می‌توان آن را «جهان‌شمول کردن» یا «یکپارچه کردن جهان» ترجمه کرد و هم می‌توان آن را به معنای «جهان‌شمول شدن» یا «یکپارچه شدن عالم» به کار برد. به هر حال، در عصر حاضر در علوم انسانی، معنایی که از این واژه قصد می‌شود، بر یک تحوّل همه‌جانبه دلالت دارد و نه تنها بُعد جغرافیایی کره زمین را در بر می‌گیرد، بلکه بر همه شئون دنیوی انسان، مثل اقتصاد و سیاست و دین و فرهنگ و ... تأثیرگذار است.

مسجد بستر ایدئولوژی جهانی‌سازی

آنچه که امروز برای ما مسلمانان بسیار مهم است، مطالعه بر روی مراکز و کانون‌های جهانی‌سازی است. باید توجه کنیم که مراکز جهانی‌سازی، همواره در طول تاریخ تغییر کرده‌اند. در روزگاران گذشته مراکز قدرتی، مانند یونان، مصر، چین و روم، جهان را تحت تأثیر شدید خود قرار می‌دادند. در دنیای بعد از «رنسانس» نیز آمستردام، لیسبون، پاریس، لندن، واشنگتن هر یک به سهم خود و با ابزارهای مادی و ایدئولوژی‌های گوناگون تلاش کرده‌اند تا خواست خود را در جهان گسترده سازند و این آرمان هنوز هم دنبال می‌شود.

اکنون سؤال این است که چرا ما نتوانیم در این دنیای متغیّر و تأثیرپذیر، «مسجد» را در قالب کانونی محرک و مؤثر در معادلات سیاسی اجتماعی و در تغییرات ژئوپلیتیکی مطرح نمائیم؟!

مراکز و پایگاه‌های جهانی‌سازی را می‌توان با در نظر گرفتن این مبناها تقسیم‌بندی کرد: نیروی انسانی، سرمایه، جغرافیا، اندیشه، فرهنگ، مذهب، هنر، صنعت و فناوری و ... از این‌رو، ما معتقدیم که مسجد به عنوان پایگاه بزرگ مذهب، می‌تواند یکی از کانون‌های قدرتمند در فرآیند جهانی‌سازی مطرح گردد. هر ایدئولوژی بالقوه در کار گسترش و توسعه پیروان خویش است؛ اما مراکز

مانند مساجد اسلامی که در فرآیند تاریخی خود، نقش تأثیرگذار عینی یافته‌اند، نیروهای بالقوه و بالفعل کارآمدتری را برای ایجاد این پدیده، یعنی جهانی‌سازی دارند. در جهان سرمایه‌داری امروز، وقتی یک ایدئولوژی مؤثر، کم‌کم رو به افول می‌رود، یک ایدئولوژی مکمل، هسته‌های محرک جدیدی را به وجود می‌آورد. به طور مثال، امروز ایدئولوژی لیبرالیسم سنتی رو به افول رفته است؛ اما «نئولیبرالیسم» به صورتی فعال‌تر در کار جهانی‌سازی مؤثر است.

در همین راستا، برخی مراکز قدرت غربی، مانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان تجارت جهانی و ... تلاش می‌کنند تا با مهار منابع مهم قدرت و مراکز توزیع نیازهای مردم جهان، روند جهانی‌شدن - به‌ویژه آمریکایی‌شدن - را سرعت بخشند. به نظر می‌رسد که مسجدها می‌تواند به عنوان یک رقیب بزرگ برای این‌گونه مراکز مطرح شود.

پایداری و مقاومت در برابر موج جهانی‌سازی

طرفداران جهانی‌سازی، جهانی‌شدن را یک توسعه‌ای اجتناب‌ناپذیر می‌دانند که نمی‌توان در مقابل آن مقاومت کرد و با مداخله انسانی، به‌ویژه از طریق نهادهای سیاسی، مانند دولت و حکومت، نمی‌توان بر این موج، تأثیر زیادی گذاشت. به نظر حامیان این موج، جهانی‌شدن پدیده‌ای واقعی و ملموس است و به منزله یک تغییر اساسی در جغرافیای روابط اجتماعی به شمار می‌آید؛ یعنی فرآیندهای اجتماعی هم‌اینک به گونه‌ای مسلط در مقیاس جهانی عمل می‌کنند. بنابراین، تأثیر جهانی‌سازی را در همه نقاط عالم می‌توان مشاهده کرد و روابط متقابل جهانی که سبب می‌شوند تا مرزهای ملی اهمیت خود را از دست بدهند، به طور کامل مشهود است. امروز می‌بینیم که اقتصادها، فرهنگ‌ها و سیاست‌های ملی در درون شبکه‌های جهانی و جریان‌های بین‌المللی ادغام می‌شوند. جهانی‌سازان بر این باورند که این تحولات، به طور قهری تفاوت‌های سلطه و اقتدار محلی و ملی را کاهش می‌دهند و فرهنگ و اقتصاد جهانی را یک‌دست و هم‌گن می‌سازند. جهانی‌سازان به پیدایش ساختار جهانی تازه‌ای

اشاره دارند که به زودی، قوانین آن مشخص می‌کند که کشورها، سازمان‌ها و حتی افراد چگونه باید عمل کنند. بر اساس نظریه انسان، جهانی‌سازی، شکل اجتناب‌ناپذیری از توسعه است که هرگونه تلاش برای مقاومت و پایداری در برابر آن به شکست خواهد انجامید.

اما جهانی‌سازی در دهه پایانی قرن بیستم، یعنی ده سال پس از شکل‌گیری جدید و با ارائه دستور کار خود در وضعیت پیچیده‌ای قرار گرفت و مخالفان این نظام، سازمان‌یافته‌تر و نیرومندتر از گذشته به مقابله پرداختند. مقاومت در برابر جهانی‌سازی را می‌توان به گونه‌ای مقاومت در برابر مدرنیسم دانست و بنابراین، این مقاومت به شکل‌های سنتی و رادیکالی از چپ کلاسیک تا چپ جدید و در قالب جنبش‌های منطقه‌گرایی، ملی‌گرایی و معنویت‌گرایی صورت می‌گیرد. به این ترتیب، مخالفان جهانی‌سازی، در میان اقشار مختلف و در سراسر جهان یافت می‌شوند. اغلب آنها، قشرهایی هستند که در طول تاریخ، همواره با بی‌عدالتی مبارزه کرده‌اند. این گروه‌ها می‌توانند در «کانون مساجد اسلامی»، مجتمع و متحد شده و به جنبش و مقاومت خود، انسجامی تازه ببخشند. برخی، به‌ویژه سنت‌گرایان معتقدند که در اهمیت جهانی‌سازی به عنوان مرحله‌ای جدید اغراق می‌شود. طرفداران این دیدگاه سنت‌گرایانه عقیده دارند که فعالیت‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، مذهبی و ...، بیشتر منطقه‌ای هستند تا اینکه جهانی باشند و هنوز نقش مهمی برای دولت - ملت، قائل‌اند. سنت‌گرایان و محافظه‌کاران، نسبت به جهانی‌سازی بدبین هستند و عقیده دارند این پدیده، نشانه‌ای از تغییر بنیانی یا منظم در روابط اجتماعی نیست، بلکه جهانی‌سازی یک اسطوره یا «مرحله گذار»، میان گذشته و حال است و نقش انتقالی دارد.

« مبحث پنجم: جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن! »

در حقیقت، دولت آمریکا در تلاش است که با عنوان جهانی شدن، آمریکایی شدن را سازمان دهی کند. در بسیاری از کشورهای جهان و به خصوص در ایران با جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن مخالفت می شود. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ یکی از مؤثرترین و پرنفوذترین شخصیت های جهان معاصر، با جهانی شدن به معنای آمریکایی شدن مخالف بود. ایشان طی یک شعار معروف و تاریخی فرمودند: «آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند و جوان ها هم مطمئن باشند آمریکا هم هیچ غلطی نمی تواند بکند». امروز هم مقام معظم رهبری با درایت و تدبیر، موج عظیم مخالفت با استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا را هدایت می کنند. در ایران امروز این نکته به روشنی مطرح است که هدف جهانی شدن از نظر حاکمان آمریکا و اروپا، اشاعه فرهنگ غرب و غربی ها است و آمریکایی ها، می خواهند که دیگران مقلد آنها باشند. در حالی که هدف ما از جهانی شدن این است که میان همه اقوام و ملل امکان تبادل نظر، تعاطی افکار و تضارب آراء به وجود آید. اندیشمندان مسلمان و انقلابی باید به این نکته توجه کنند که جهانی شدن و آمریکایی شدن، تحوّل تاریخی مطامع و مطالبات اقتصادی غرب در پنج قرن اخیر است و آمریکا، غرب را نیز در سلطه خود گرفته است. از این رو، در چنین شرایط پیچیده ای باید آگاهانه دست به انتخاب بزنیم و مانند بازیگری فعال و خلاق وارد عمل شویم و فقط تماشاگر صحنه ها و تحولات جهانی نباشیم. ما می توانیم «مساجد» را در پهنه جهان امروز به کانون هایی برای تلاش در راستای بسط و توسعه فرهنگ و حیانی تبدیل کنیم.

موج مسجدسازی و اسلام گرایی در قلب آمریکا

خبرنگار فاکس نیوز این چنین گزارش می دهد: سه مسجد جنجالی در «تنسی» آمریکا در حال ساخت است. در «ویسکانسین» و «بروکلین» و «استاتن ایلند» هم مساجدی در دست ساخت است. نظرسنجی های جدید نشان می دهد بیشتر

۱. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۵۱۶.

ساکنان نیویورک، مخالف ساخته شدن مسجد در نزدیک مقرّ برج‌های دوقلوی سازمان تجارت جهانی هستند. طبق آمار، ۵۲ درصد ساکنان نیویورک، مخالف ساخته شدن این مسجد هستند؛ اما ۳۱ درصد خواستار ساخته شدن چنین مسجدی هستند و ۱۷ درصد هم نظری در این باره ندارند.^۱

با توجه به شرایط فعلی و ملاحظه تحولات جهانی، پیش‌بینی نگارنده آن است که در آینده‌ای نه چندان دور، رئیس‌جمهور آمریکا یک شخصیت مسلمان خواهد بود!

اکنون باید سیر جریانات و سیاست‌های بین‌المللی را با دقت مورد مطالعه و ارزیابی قرار دهیم و خود را برای آینده‌ای آماده سازیم که جهان بر اساس «محوریت و کانونیت مسجد» به عنوان بزرگ‌ترین و مؤثرترین پایگاه اسلامی، دچار تحولاتی اساسی و بنیادین گردد. طرح مباحث استراتژیک و کاربردی در اندیشه حکومت جهانی از دیدگاه اسلام، هم‌اکنون ضرورتی دوچندان یافته است. بر اندیشمندان جهان اسلام فرض است که بیش از پیش به این مهم پردازند و با نگاهی نوپردازانه، ایده‌ها و تئوری‌های نوین را ارائه دهند.

پوچ‌گرایی غرب و رویکرد دوباره به فرهنگ مسجد^۲

علم‌گرایی افراطی غربیان، موجب رشد پوچی‌گرایی و بی‌معنایی زندگی آنان شده است. کسانی چون فرانث کافکا، آلبر کامو، ساموئل بکت، آرتور آداموف، ژان پل سارتر و اوژن یونسکو، حامی رویکرد پوچ‌گرایی هستند و این توهم را در قالب نمایش‌نامه، مقاله و کتاب به تصویر کشانده‌اند.

ژان فوراستیه، نیهیلیسم (پوچ‌انگاری) را زائیده علم‌گرایی افراطی دانسته و می‌گوید: بنابر اندیشه‌های «سارتر» و «کافکا» که آثارشان را می‌توان پیامدهای منفی دانش تجربی و تحقیر و تخریب ارزش‌های سنتی دانست، انسان موجودی بی‌معنا و رها شده در جهان بی‌معناست و ... این‌گونه اندیشه‌های پوچ‌گرایانه و

۱. خبرنامه جامعه مدرّسین، شماره ۱۰۵۶.

۲. در این مبحث از کتاب «دین و دنیای مدرن» نوشته دکتر ابوالفضل ساجدی استفاده شده است.

نیست‌انگاری، سراسر نمونه‌های ادبیات نوین غرب را آکنده است». روژه دوپاسکیه در کتاب «سرگذشت اسلام، سرنوشت انسان» می‌نویسد: «با اعلام پوچی زندگی انسان و هیچ بودن جهان، زندگی در روی زمین برای بسیاری از غربیان به طور عملی معنا و مفهوم خود را از دست داده است... چون در این تمدن غربی «معنای انسان» مفقود و مجهول است. از این‌رو، امیدها و آرزوهای ژرف او نادیده و ناشناخته مانده است.

بی‌تردید، بحران معنوی که امروز غرب معاصر را تحت سیطره خود قرار داده است، نقطه کانونی مسجد و پیام آزادی‌بخش دین را در مرکز توجه جهانیان قرار داده است. استاد شهید مطهری؛ سخنی زیبا در این زمینه گفته است: «امروز، بیشتر دریافته‌اند که عالم‌گرایی محض و تربیت علم خالص از ساختن انسان تمام ناتوان است. تربیت علمی خالص، انسان تک‌ساحتی می‌سازد نه انسان چند ساحتی. امروز، همه دریافته‌اند که عصر علم محض به پایان رسیده است و یک خلأ موجود در درجه اول یک خلأ آرمانی است؛ خلأی در ناحیه مقاصد و غایات و آرمان‌ها است، خلأی است که به پوچ‌گرایی منتهی می‌شود».^۱

نهضت جهانی بازگشت به دین و مسجد

به راستی شواهد فراوانی امروز وجود دارد که نشان می‌دهد علم‌گرایی و عقل‌گرایی و عقل‌گرایی افراطی برای هدایت بشر، ثمری نداشته است و از سوی دیگر، رشد فزاینده دین‌گرایی و توجه به کانون عبادت، یعنی مسجد را در میان غربیان موجب شده است. توده مردم غرب، امروز به این نتیجه رسیده‌اند که فناوری، علوم تجربی محض و مادی‌گرایی صرف، نیاز معنوی انسان را برآورده نمی‌سازد. نشریه «دیلی تلگراف» می‌نویسد: تحلیل‌گران اجتماعی می‌گویند یکی از علل توجه بیشتر مردم به مذهب، این حقیقت است که مانند گذشته در مذهب و علم دیگر ناسازگاری دیده نمی‌شوند.^۲

۱. مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، ص ۳۱ - ۲۰.

۲. روزنامه رسالت ۶/۳/۷۶ به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی.

بدون تردید، وقوع انقلاب اسلامی ایران و پیوند میان «علم و دین در مساجد»، دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه ما در طول سه دهه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگاه جهانیان به دو مقوله علم و دین را عوض کرده است. «مسجد»، محلی است که دین و علم و معنویت در آن به یکدیگر گره می‌خورند و ترکیبی زیبا و جذاب فراهم می‌آورند و همین پیوند زیبا، امروز در سطح جهان، مطلوب و گمشده حقیقی بشر است.

دکتر پنتی کاینن، از محققان و استادان دانشگاه فنلاند می‌گوید: در جهان امروز، تمایل برای پذیرش دین به وجود آمده و این تمایل رو به افزایش است.^۱ همچنین، «پیتر شولاتور» نویسنده و تحلیل‌گر سیاسی معروف در کشور آلمان در همایشی با عنوان «اسلام و اختلاف‌های فرهنگ جهانی» تصریح می‌کند که اکنون نهضت بازگشت به دین و مدینه فاضله آغاز شده است.^۲ از نگاه تحلیلی ما، امروز هرگونه گرایش به دین و معنویت در جهان غرب، گرایشی مجدد به سمت کانون عینی و خارجی دین، یعنی کانون مسجد، شمرده می‌شود. حال از خود بپرسیم که ما از این فرصت طلایی برای نشر و بسط فرهنگ اسلامی در جهان، به چه میزان سود برده‌ایم؟! پیوند حقیقی میان دین و علم، معنویت و مادیت، دنیا و آخرت، عقل و دین و ... آن هنگام عینیت فردی و اجتماعی پیدا می‌کند که ما در درون مسجد به عنوان پایگاه دین و عبادت، مباحث علمی و کلاس‌های درسی در علوم و فنون جدید را ارائه دهیم و نیز در درون دانشگاه‌ها و مراکز علمی، مساجد و کانون سهل‌الوصول عبادت داشته باشیم. این مهم، اقتضا می‌کند که ما در طراحی و مهندسی مجتمع‌های مسکونی، مراکز علمی و دینی خود تجدید نظر کنیم و الگوهای ویژه‌ای به منظور تأمین اهداف بیان شده ارائه نمائیم.

۱. کیهان فرهنگی، سال ۱۳۷۲ و روزنامه کیهان ۱۲/۹/۷۴.

۲. همان.

مساجد، کانون عبادت و قدرت

کیفیت رخدادهای اجتماعی و مسیر تحولات سیاسی در هر جامعه‌ای، مدیون مراکز قدرت و نهادهای تأثیرگذار اجتماعی است. نهاد دین در میان نهادهای اجتماعی، یکی از مؤثرترین نهادهاست و به تعبیرنگارنده این سطور، «فرانهاد» است؛ چرا که دین، در تمامی نهادهای دیگر مؤثر بوده و زیربنای سایر نهادها تلقی می‌شود.

همچنین، تبلور قدرت دین در نماد عینی دین، یعنی مسجد، عینیت می‌یابد. امروز تحلیل‌گران جهانی، به خصوص در غرب پی‌برده‌اند که: «در شرایط حاضر، هیچ قدرت اجتماعی قوی‌تر از دین در جهان وجود ندارد».^۱

معنای سخن مذکور، این است که در شرایط حاضر هیچ پایگاه اجتماعی به اندازه مسجد در بسیج توده مردم و نیروهای اجتماعی برای بهره‌گیری از قدرت اجتماعی، تأثیرگذار نیست. هفته‌نامه فرانسوی «نوول ابرواتور» ضمن تحلیلی، نویسد: «مردم دنیا به‌طور روزافزون، چه در شرق و چه در غرب، به طرف خداوند، مذهب و معنویت سوق پیدا می‌کنند».^۲

^۱. گراهام فولر، تنوسین برجسته سازمان جاسوسی سیا در سیاست خارجی، مجله فارین پالی، چاپ آمریکا، به نقل از جمهوری اسلامی ۲۴/۳/۱۳۷۴.
^۲. رونامه ابراز، موزخ ۶/۶/۱۳۷۵.

« مبحث ششم: راهبردها و راهکارها

برای نیل به مرحله شکوفایی و فعلیت تمدن اسلامی و محوریت کانونی مسجد در عرصه جهانی توجه به راهبردهای و راهکارهای زیر، ضروری به نظر می‌رسد:

الف) نقد درون‌مایه سکولاریزم

تحلیل و بررسی اندیشه سکولاریزم و نقد مبانی آن با روش منطقی و فلسفی یکی از ضرورت‌های فلسفی و کلامی در حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها است که ضروری است تا توسط علما و اندیشمندان جهان اسلام به طور جدی صورت گیرد.

ب) تقویت علائق معنوی و روحانی

در مرداد ۱۳۷۶ به مناسب سالگرد روز جهانی جوانان کاتولیک، گردهمایی بزرگی با حضور پاپ ژان پل دوم برگزار گردید که در آن بیش از یک میلیون نفر به نیایش پرداختند. در این مراسم، جوانان کاتولیک از ۱۴۰ کشور جهان حضور داشتند.^۱ همین‌طور جمعیت میلیونی از زنان سیاه‌پوست آمریکایی در فیلادلفیا اعلام کردند که اکنون زمان تقویت پیوند روحانی و معنوی در خانواده و جامعه سیاه‌پوستان فرا رسیده است.^۲

صدها هزار نفر از مردم آمریکا که در اجتماع میلیونی مقدس به دعوت سازمان میثاق گردهم آمده بودند، به دعا نشستند و خواستار بازگشت معنویت به جامعه خود شدند.^۳ این وقایع و رخدادها و نظایر آنها مانند مراسم ۴۳ هزار نفری جوانان طرفدار مسیح، به هدف آشنایی با ارزش‌های معنوی و ایمان شخصی و اجتماع ۱۵ هزار نفری زنان آمریکایی در آهایو برای دعوت به یکتاپرستی و ارزش‌های مذهبی و معنوی به عنوان راهکار خروج از بن‌بست‌های اخلاقی، نشان‌دهنده نیاز شدید بشر امروز به محوریت و کانونیت مسجد در رشد معنویت است.

۱. دین و دنیای مدرن، ص ۱۲۱.

۲. همان، به نقل از جمهوری اسلامی، مورخ ۵/۸/۱۳۷۶.

۳. همان، به نقل از کیهان مورخ ۱۳/۷/۷۶ و ماهنامه صبح، شماره ۷۶.

ج) توجّه به مذهب در امور بازرگانی

کارشناسان بر این باورند که امروز برای برنامه‌ریزی و توسعه فعالیت‌های تجاری و امور بازرگانی توجّه به مذهب یک ضرورت است. ما باید از این فرصت در جهت تحکیم اندیشه‌های تمدّنی خود در سطح جهانی بهره بگیریم.

د) به‌کارگیری رسانه‌ها و تأسیس شبکه رسانه‌ای «مسجد»

محققان گزارش می‌دهند که هم‌اکنون ایستگاه‌های رادیویی در آمریکا که برنامه‌های مذهبی پخش می‌کنند، میلیون‌ها شنونده را به خود جذب کرده‌اند.^۱ همان‌گونه که ما امروز، شبکه مستقلی به نام شبکه قرآن داریم، باید شبکه‌ای مستقل با عنوان «مسجد» نیز تأسیس و راه‌اندازی کنیم تا بتوانیم مخاطبان داخل و خارج را برای جذب به مسجد به عنوان کانونی مؤثر، تغذیه نماییم. همچنین، بر اساس گزارش شبکه خبری «رویتر»، یک چهارم کاربران بزرگسال اینترنت در آمریکا - که حدود ۲۸ میلیون نفر هستند - به دنبال اطلاعات مذهبی و معنوی در این شبکه هستند که این رقم روزانه بالغ بر سه میلیون نفر می‌شود. بنابراین، سایت‌های متعدّد و گسترده با محوریت مسجد یک ضرورت انکارناپذیر است.

ه) حلّ تعارض ظاهری برخی آموزه‌های دینی با علم و عقل

گرچه عقل و علم با دین تعارض ندارد، اما به ظاهر، برخی آموزه‌های دینی نقلی، همچون مسئله خلقت انسان از گل و ... با برخی تئوری‌های علمی و فلسفی تعارض دارد. ما باید در حرکت علمی و فرهنگی رو به فردی خود، این تعارض‌ها را تحلیل و بررسی کنیم و با حلّ آنها بسترهای علمی و عقلی برای تعمیق گسترش آموزه‌های دینی فراهم نماییم. بر اساس گزارش مؤسسه تحقیقاتی گالوپ در آمریکا، حدود دو هزار عنوان کتاب در

^۱ . جمهوری اسلامی، موزخ ۸۳/۱۳۷۶

^۲ . دین و دنیای مدرن، ص ۱۲۳.

بازار وجود دارد که به موضوعاتی در مورد عبادت پرداخته‌اند. این تعداد، سه برابر تعداد عناوینی است که در موضوعات چینی چاپ شده است. به دلیل اقبال مردم به موضوعات دینی در جوامع غربی، امروز حتی برای فیزیک‌دانان، کیهان‌شناسان و منجمان غربی، این نکته سودآور شده که در عنوان کتاب‌هایشان اسم خدا را بگنجانند. گرچه در داخل کتاب، کاری به خدا نداشته باشند؛ بنابراین، عناوینی نظیر *God And The New Physics* و *God Of Mind The* و ... رایج شده است و علتش هم این است که اقبال عامه به این قبیل کتاب‌ها زیاد بوده است؛ زیرا بسیاری از مردم می‌خواهند تعارض بین علم و دین‌شان حل شود؛ زیرا به آنها گفته شده است که باید بین این دو یکی را انتخاب کنند، اما آنان هر دو را می‌خواهند.^۱

^۱. همان، ص ۱۲۳.

« نتیجه‌گیری

قرآن کریم می‌فرماید: «وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ؛ ما چنین اراده‌ای داریم که بر مستضعفان زمینی منت گذاریم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم».^۱

تعلق اراده الهی بر امامت و پیشوایی مستضعفان و وراثت زمین توسط آنان، جهت‌گیری و هدفمندی حرکت پویای امت اسلامی در جهت تثبیت ارزش‌های دینی در زمین را پیام می‌دهد. ظرفیت‌های موجود در جوامع بشری، نویدبخش آینده‌ای روشن در تاریخ بشری با محوریت دین و کانونیت «مسجد» است. همان‌گونه که فروپاشی شوروی سابق و فرومایگی کمونیسم و اندیشه ماتریالیسم، بعید به نظر می‌رسید، اما عاقبت محقق شد. تفوق اندیشه الهی بر سایر مکاتب و اندیشه‌های موجود در جهان و نیز عینیت یافتن «اندیشه دینی و مسجدمحوری» در دنیای پیچیده امروز، گرچه بعید به نظر می‌رسد، اما شدنی است و ما منتظر فردایی آن‌گونه هستیم.

^۱. قصص، آیه ۵.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« مطهری، مرتضی، انسان و ایمان، تهران، انتشارات صدرا.
« جدید بناب، علی، تحلیل بر عملکرد یهود در عصر نبوت، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تذ، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
« ——— عملکرد صهیونیسم نسبت به جهان اسلام، قم، مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تذ، چاپ دوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
« خبرنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، شماره ۱۰۵۶، تاریخ ۲۷/۴/۱۳۸۹ هـ.ش.
« پییر آستون، میلتنون بینگر، لگنهاوزن محمد، دین و چشم‌اندازهای نو، ترجمه: غلامحسین توکلی، واحد کلام و فلسفه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، بوستان کتاب قم، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« ساجدی، ابوالفضل، دین و دنیای مدرن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی تذ، ۱۳۸۷ هـ.ش.
« فصلنامه علمی و پژوهشی، پژوهش و سنجش، سال هشتم، شماره ۲۵ (ویژه جهانی‌سازی)، بهار ۱۳۸۰.
« ماهنامه مهندسی فرهنگی، نشریه تخصصی شورای عالی انقلاب فرهنگی، سال سوم، شماره‌های ۲۹ و ۳۰، خرداد و تیر ۱۳۸۸ هـ.ش.

مسجد، کانون حماسه‌های اسلامی

(از آغاز تاکنون)

غلامرضا گلی زواره

« چکیده

مقاله حاضر به بررسی نقش مساجد به عنوان کانون قیام‌های اسلامی، از آغاز تا انقلاب اسلامی می‌پردازد. این مقاله، ابتدا به نقش عبادی و سیاسی مسجد در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پرداخته است. در این دوران، مسجد به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان بود و یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن، حرکت و جهاد بود؛ به گونه‌ای که انجام امور مربوط به مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در مسجد تدارک دیده می‌شد. سپس، نگارنده به نقش سیاسی مسجد کوفه می‌پردازد که مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها، هدایت‌ها و خروج‌های امام علی علیه السلام بوده است. مسجد جامع دمشق نیز از جمله مساجدی است که کارکرد سیاسی مهمی داشته است؛ گرچه حکومت پلید امویان، به‌ویژه معاویه، برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفاسد خویش، هر صبح و شام به این مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود، اما در همین مسجد بود که امام سجاد علیه السلام با بیاناتی شیوا و رسا، از فضایل

اهل بیت علیهم السلام سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت‌پیشه‌گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد. با سخنان حماسی و روشن‌گر امام سجاد علیه السلام مسجد، یکپارچه مملو از فریاد، گریه، شور و هیجان شد و ماهیت فساد و تباه‌کاری نظام استبدادی و اختناق اموی رسوا گردید. در نهایت، نگارنده نقش مساجد را در قیام‌های علویان، سربداران و قیام‌گوهرشاد و نقش مساجد در عصر کنونی در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی مورد بررسی قرار داده است.

« واژگان کلیدی:

مسجد، حماسه‌های اسلامی، مسجد کوفه، جامع دمشق، قیام‌های علویان، قیام سربداران، خشم مقدس، قیام‌گوهرشاد، فریاد اعتراض، انقلاب اسلامی، اوج‌گیری نهضت.

« اشاره

مطالعه سیر تحولات و تاریخچه جنبش‌های سیاسی، اجتماعی و حرکت‌های مردمی و انقلابی در ادوار گذشته، به‌ویژه تاریخ معاصر جهان که با هدف ایجاد اصلاحات و یا دگرگونی در ساختار نظام‌های حاکم بر جوامع بشری صورت گرفته، نشانگر آن است که این جنبش‌ها همواره از خاستگاه و پایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان از انقلاب کبیر فرانسه که در سال ۱۷۸۹ میلادی به وقوع پیوست نام برد که خاستگاه و خیزشگاه آن، زندان باستیل در شهر پاریس بوده است. در انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ میلادی در روسیه نیز محیط‌های کارگری، کارخانجات و جوامع دهقانی، نقش زمینه‌سازی و گسترش جنبش مارکسیستی را برعهده داشتند. در میان مسلمانان نیز «مساجد» به عنوان مراکز شروع شکل‌گیری انقلاب‌ها و حرکت‌های مردمی در مبارزه علیه ظلم و ستم، به‌ویژه در دوران معاصر، نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. در نوشتار مختصر به نقش عبادی و سیاسی مسجد از صدر اسلام تا پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان کانون قیام‌های اسلامی می‌پردازیم.

« نقش عبادی و سیاسی مسجد

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌نماید. خداوند، مسجدی را که از روز نخست بر پایه تقوا بنا شده شایسته‌تر می‌داند و می‌فرماید: «الْمَسْجِدُ أَسْسُ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ...؛ مسجدی که از اولین روز بر اساس تقوا بنا شده است...»^۱.

مرحوم طبرسی در تفسیر معروف خود می‌گوید که مراد از این آیه شریفه، هر مسجدی است که بر پایه طاعت الهی و نیت خالصانه برپا گردد.^۲ البته وی قول‌های دیگری را یادآوری می‌کند و می‌افزاید که امکان دارد منظور آیه مسجد قبا یا مسجدالنبی باشد. علامه طباطبایی تأکید می‌نماید که این آیه شریفه به مسجد قبا نظر دارد و بین این مسجد و مسجد ضرار مقایسه‌ای ارائه می‌کند.^۳ بنابراین، آنان که انگیزه‌ای غیر از پرهیزگاری و یکتاپرستی دارند، نمی‌توانند به احداث مسجد همت گمارند و قرآن کریم افرادی را که مسجدی برای زیان به مسلمانان، تقویت کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان ساختند، محکوم می‌کند. فرمان وحی از این مکان که به مسجد ضرار موسوم گردید، پرده برداشت و اهداف شوم بانیان آن را افشا کرد و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد که در آن مسجد نماز نخواند و هرگونه فعالیتی در آن ممنوع است.^۴ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمانی صادر کرد تا بر اساس آن، این مسجد را تخریب نموده و به آتش بکشند و به زباله‌دان تبدیل کنند. پس، اغراض سیاسی منفی که از توطئه‌های دشمنان اسلام حکایت دارد، می‌تواند در لباس زهد و تقوا و حربه مذهب آشکار گردد و از این رهگذر، به مسلمانان ضربه وارد کند و با ساختن مسجد مردم را فریب دهد و باید در برابر چنین نیرنگ‌هایی مراقب بود.

همچنین، قرآن اجازه نداده است مشرکان در حالی که به کفر خویش گواهی می‌دهند، مساجد خدا را آباد کنند. این‌گونه اشخاص اعمال ناپسند دارند و در

۱. توبه، آیه ۱۰۸.

۲. تفسیر مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۷۳.

۳. تفسیرالمیزان، ترجمه، ج ۱۸، ص ۳۳۰.

۴. توبه، آیه ۱۰۷.

آتش دوزخ جاویدان هستند.^۱

در آیه‌ای دیگر به کسانی اجازه داده شده است تا مساجد را آباد و تعمیر کنند که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از خدا می‌ترسند و نماز را اقامه نموده و زکات می‌دهند.^۲

قرآن کریم کسانی را که از یادآوری نام خدا در مساجد توسط دیگران جلوگیری می‌کنند و در خرابی این اماکن می‌کوشند، مصداقی از ستمکارترین افراد دانسته است.^۳ امام صادق (علیه السلام) خطاب به یکی از یاران خویش به نام یونس بن یعقوب می‌فرماید: ستمگران را حتی در ساختن مسجد نیز یاری مکن؛ زیرا هرگاه آنان بخواهند از این مکان، پوششی برای ستم خویش بسازند، یاری رسانیدن به آنان در راستای تقویت بیدادگری است نه احیای مسجد؛ پس، مسجد می‌تواند در گسترش عدالت اجتماعی نقش سازنده و مثبتی داشته باشد.

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در ربیع‌الاول سال سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود. آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر در دوشنبه ۱۲ ربیع‌الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت. پیامبر در این آبادی، شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت. خاتم رسولان این مسجد را برای قبیله بنی‌عمروبن عوف بنا نهاد. آن حضرت به این مسجد توجه ویژه‌ای داشت و هر شنبه با پای پیاده یا سواره از مدینه به قبا می‌آمد تا در آن نماز بگذارد، این همان مسجدی است که قرآن به عنوان اولین مکان عبادی مسلمانان بدان اشاره دارد و فضیلت نمازگزاری در آن طی روایاتی، مورد توجه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه هدی (علیهم السلام) قرار گرفته است.^۴ پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) در مدینه نیز مسجدی را بنیان نهاد که تنها در آن نماز اقامه نمی‌گردید، بلکه مرکز فعالیت‌های فرهنگی و تبلیغی سیاسی مسلمانان تلقی شد. از بدو استقرار رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مدینه که مسجد، به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان

۱. همان، آیه ۱۷.

۲. همان، آیه ۱۸.

۳. بقره، آیه ۱۱۴.

۴. وسایل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۵. همان، ج ۳، ص ۵۴۸، ج ۱۰، ص ۲۷۶؛ وفاء‌الوفاء سمهودی، ج ۳، ص ۸۰۸.

قرار گرفت، یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن حرکت و جهاد بود و مقدمات فکری و اجتماعی اکثر غزوات در مسجد تدارک دیده می‌شد و حضرت محمد ﷺ با بیان شیوای خود، مسلمانان را در این مکان برای جهاد با کفار و مشرکان بسیج می‌نمودند. به یمن امنیتی که در این پایگاه توحید و عبادت وجود داشت، مردم برای گره‌گشایی امور اجتماعی به آن حضرت مراجعه می‌کردند و آن حضرت، مشکلات جامعه را برطرف می‌نمودند. در جوار مسجد، صّفه‌ای برای بینوایان و مهاجران تهی‌دست ساخته شد تا در آنجا بسر ببرند. همین مسائل حکایت از آن داشت که در اسلام، ایمان از مسائل اجتماعی و سیاسی جدا نیست و تنها یک آیین مذهبی معنوی نیست، بلکه با زندگی فردی و جمعی سر و کار دارد و ضمن آنکه همه را به تقوا و پارسایی فرا می‌خواند، از تدابیر در امور سیاسی و اصلاح اوضاع اجتماعی غفلت ندارد.^۱

امام خمینی ره در این باره گفته است: «در صدر اسلام از همین مساجد، جیش‌ها، ارتش‌ها، به راه افتاده، مرکز تبلیغ احکام سیاسی اسلام بوده، هر وقت یک گرفتاری پیدا می‌شد صدا می‌کردند که «الصلوه بالجماعه»، [مردم] اجتماع می‌کردند و آن گرفتاری را طرح [و حل] می‌کردند».^۲

۱. سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، ص ۴۵۳-۴۵۲؛ سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۴۲.

۲. صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۶.

« مسجد، خار چشم دشمنان

بنابراین، مسجد در ضمن اینکه مرکز عبادت و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گران و قوای استکبار است و بر همین مبنا تمامی فریادها، خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مساجد سرچشمه می‌گرفت. به همین دلیل، مسجد در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام و به خصوص تشیع، بزرگ‌ترین پایگاه تجمّع مردم و همچنین، مهم‌ترین خار در چشم حکومت‌های ظالم و جفاپیشه بوده است و همواره آنان در صدد بوده‌اند با شیوه‌های گوناگون این اماکن را به تعطیلی بکشانند؛ اما چون به‌طور مستقیم در برابر شور و احساسات، اراده قوی و ایمان استوار مردم قرار می‌گرفتند، این جسارت و توان را در خود نمی‌دیدند که علنی در برابر افراد مسلمان بایستند. بنابر این از طرق دیگری وارد می‌شوند و از آن جمله در چهره قداست و مذهب در می‌آیند و مسجد را تحت پوشش و استیلای خود در می‌آورند. البته مردم پس از چندی، به این تزویر پی می‌بردند و با چنین حاکمانی به مخالفت برمی‌خاستند و یا از شرکت در مسجدی که تحت سلطه زورمندان بود اجتناب می‌نمودند و اگر امکان اقتداری را به دست می‌آوردند این مکان مبارک و مقدّس را از سلطه آنان می‌رهانیدند.

در طول تاریخ، تمامی قیام‌ها از سرچشمه مسجد جرعه‌نوش بودند و فریاد بیدارباش و حرکت عمومی از بالای منابر سر داده می‌شد و مردم بعد از سخنرانی‌های آتشین، روشن‌گر و کوبنده که توسط گویندگان متعهد و مسئول ایراد می‌گردید، به کوچه‌ها و معابر می‌ریختند و در برابر حکومت‌های ظلم‌پیشه به نبرد می‌پرداختند و یا مرگی با غیرت را پذیرا می‌شدند یا بر تباهی غلبه می‌یافتند. با این وصف، می‌توان گفت مسلمانان عظمت و ابهت معنوی و سیاسی خود را باید مرهون مسجد بدانند و این سنگ‌های تسخیرناپذیر بودند که بزرگ‌ترین نقش را در این راستا ایفا کردند و بزرگ‌ترین سدّ در برابر هر جریان ضدّ ارزشی بوده و هستند.

« مسجد کوفه

کوفه که در آغاز برای استقرار رزمندگان اسلام به وجود آمد، بر کانون مرکزی مسجد شکل گرفت و نخستین محلی که جزو مساجد چهارگانه به شمار می‌رود، مسجد کوفه بود. این مکان، مدتی محل تفسیر آیات قرآن، بیان سنت رسول خدا ﷺ و عرضه معارف اسلام و پایگاه ارشادها، هدایت‌ها و خروش‌های حضرت علی (علیه السلام) بوده است. در همین مسجد آن حضرت از دوچهرگان و مؤمنان سستایمان گلابیه می‌کند و زمینه حرکت و مبارزه با پیمان‌شکنان (ناکثین) و ستم‌پیشگان (قاسطین) و آشوب‌طلبان (مارقین) را فراهم آورد. آن حضرت سرانجام در محراب همین مسجد، در سپیده‌دم نوزدهم رمضان سال چهارم هجرت به شهادت رسید.^۱

در مسجد کوفه، امام حسن مجتبی (علیه السلام) ضمن خطابه‌ای تاریخی از اهل بیت (علیهم السلام) و حق مسلم آنان در خلافت سخن گفت و چون احساس نمود معاویه دست به عصیان زده و افرادی را برای اخلاگری تقویت می‌کند، در پاسخ به این ستیزه‌جویی مؤمنان را بسیج نمود تا با معاویه به نبرد برخیزند؛ اما به دلیل شرایطی که در سپاه خود می‌دید و تبلیغات منفی امویان و نفوذ خوارج و وابستگان دشمنان در میان نیروهای مردمی، امام جنگ را ترک نموده و به صلح روی آورد. طرفین در مسجد کوفه اجتماع کردند و امام با بزرگواری و متانت خاصی بر منبر قرار گرفت در بخشی از بیانات خویش فرمود: معاویه چنین وانمود کرده که او را شایسته خلافت دیده‌ام، ولی او دروغ می‌گوید. بر اساس قرآن و قضاوت رسول اکرم ﷺ ما از همه کس به حکومت اولی‌تر هستیم.^۲

مختار بن ابوعبیده ثقفی برای مجازات جنایتکاران اموی که در کربلا شرارت کرده و کارنامه‌ای ننگین از خود به جای نهاده بودند، در کوفه قیام کرد. مرکز خیزش وی مسجد جامع این شهر است. او پس از مسلط شدن بر اوضاع شهر، در مسجد مذکور برای مردم خطبه‌ای حماسی خواند. سپس، مراسم بیعت با وی با شور و هیجان وصف‌ناپذیری آغاز شد.^۳

۱. گلی زواره، غلامرضا، سیمای کوفه، ص ۷۴ - ۷۲.

۲. مطهری، مرتضی، سیری در سیره ائمه اطهار، ص ۸۹-۸۲.

۳. رضوی اردکانی، سیدابوفاضل، ماهیت قیام مختار، ص ۳۲۲ - ۳۰۹.

« مسجد جامع دمشق

یکی از مهم‌ترین حوادث دردناک تاریخ اسلام، حکومت جابرانه امویان است. معاویه بنیان‌گذار این سلسله ملعون، از سال ۴۱ تا ۶۰ هجری بر سرزمین شام حکومت کرد، ولی عامل دوام سلطه‌اش، سیاست‌بازی و دورویی بود و ماهیت شرک و ستم را در پرده‌ای از ریا و تزویر مخفی کرد و تنها پایگاه تبلیغات مسموم وی در جهت انحراف افکار مردم از مسیر صحیح اسلام و مشحون نمودن اذهان از یاهوسرایی‌ها و تهمت‌ها علیه عزیزترین بندگان خدا، مسجد جامع دمشق بود. بعد از وی، فرزند فاسدش، همانند او از این مکان مقدس استفاده سوء کرد و آن را بهترین جایگاه قدرت پوشالی خود می‌دانست و برای قرار دادن پوششی بر جنایات و مفاسد خویش هر صبح و شام به مسجد می‌آمد و به عنوان نماز جماعت و سخنرانی از آن استفاده می‌نمود؛ اما حادثه‌ای به وقوع پیوست که سیمای کریه او را افشا ساخت. امام سجاد (علیه السلام) و عده‌ای از بازماندگان حادثه نینوا، بعد از حماسه عاشورا، به عنوان اسارت به شام انتقال یافته و در خرابه‌ای اسکان داده شدند. روزی یزید امام چهارم را به این مسجد فراخواند و در حضور آن امام همام از خطیب مزدوری خواست بر فراز منبر برود و از فضایل بنی‌امیه و معایب دشمنان و علیه آل ابی‌طالب مطالبی بر زبان جاری نماید.

امام زین‌العابدین (علیه السلام) چون این سخنان یاهو و باطل خطیب را شنید، روی به آن سخنران نمود و فرمود: وای بر تو، رضایت مخلوق را به خشم خداوند برتری دادی؛ پس، جایگاهت در آتش است. آنگاه از یزید خواست تا اجازه دهد وی بر منبر مسجد رفته و مطالبی بگوید که مایه خوشنودی خداوند و ثواب برای حاضران در مسجد باشد. یزید در آغاز نپذیرفت؛ ولی با اصرار مردم قبول کرد و با کراهت اجازه داد تا امام به منبر برود. حضرت علی بن‌الحسین (علیه السلام) طی بیاناتی شیوا و نافذ از فضایل اهل بیت (علیهم السلام) سخن گفت و از حماسه کربلا و جنایت شقاوت‌پیشه‌گان اموی در کربلا گزارشی ارائه داد و با سخنان حماسی و روشن‌گر خویش مسجد را یکپارچه مملو از فریاد، گریه، شور و هیجان نمود و ماهیت فساد و تباهکاری نظام استبدادی و اختناق اموی را رسوا ساخت و پایه‌های لرزان آن

را رو به ویرانی نهاد. یزید که از این افشاگری سخت هراسناک گردید، به فکر چاره‌ای افتاد و مؤذن را فرمان داد که اذان بگوید تا از این راه جلوی سخنان امام را بگیرد، ولی حضرت سجّاد علیه السلام از این سرود زیبای توحید هم بهترین استفاده را نمود و عباراتی از آن را برای هدایت مردم به سوی حقایق ناب و حاکمیت عدالت اسلامی به کار گرفت.^۱

^۱ . خطیب خوارزمی، مقتل الحسین للخوارزمی، ج ۲، ص ۷۲ و ۷۳؛ شیخ مفید، ارشاد، ص ۲۴۶؛ ابن‌نما حلی ساحلی، مشیر الاحزان، ص ۱۰۴.

« قیام‌های علویان

از حوادث مهمّ سیاسی در ایّام امامت صادق (علیه السلام) قیام زید بن علی در کوفه است. حرکتی که وی آغاز کرد، نشان از نفوذ علویان در میان مردمان عراق دارد. او با بهره‌مندی از چشمه پرفیض پدر، یعنی امام سجّاد (علیه السلام) آنکه به فضائل و معارفی آراسته بود، خود را برای خیزشی علیه هشام بن عبدالملک، خلیفه وقت اموی، مهیّا نمود. وقتی وی به کوفه آمد، شیعیان و علاقه‌مندان به خاندان عترت در مسجد جامع کوفه گروه‌گروه نزدش می‌آمدند و با وی بیعت می‌کردند؛ چون زمان قیام نزدیک گردید، زید به یاران و هواداران وعده داد در چهارشنبه اوّل صفر ۱۲۲ هجری خروج خواهد نمود، ولی وقتی خبر مزبور به گوش والی وقت کوفه یوسف بن عمر رسید، بیعت‌کنندگان با زید را در مسجد تحت فشار سختی قرار داد و فقط از میان ۱۵۰۰ نفر حامی زید، ۳۰۰ نفر موفق شدند به وی پیوندند. در این میان، نضر بن خزیمه که از یاران نزدیک زید بود، به او گفت مردم را در مسجد حبس کرده‌اند، ما را به سوی ایشان ببر؛ زید چنین کرد. اصحابش وقتی به مسجد رسیدند، پرچم‌های خود را از بالای درب‌ها داخل مسجد می‌نمودند و می‌گفتند: ای اهل مسجد، بیرون آیید و به ما ملحق شوید؛ اما از آن سوی، سپاه اموی بر این حامیان، سنگ پرتاب می‌کردند و نبردی سخت بین دو طرف در گرفت و باران تیر به سوی مبارزان بارید و اگرچه آنان فداکاری و مقاومت کردند، ولی این قیام با شهادت زید به پایان رسید. برخی از مورّخان گفته‌اند که عدّه‌ای از کوفیان دعوت زید را نادیده گرفتند و ماندن در حبس و گرفتار شدن در محاصره دشمن را بر پیوستن به فرزند امام چهارم ترجیح دادند.^۱

در عصر امام کاظم (علیه السلام) یکی از نوادگان امام حسن مجتبی (علیه السلام) به نام حسین بن علی بن حسین که شخصیتی ممتاز و مسلمانی راستین بود در هشتم ذی‌حجه سال ۱۶۹ هـ.ق در زمان خلافت هادی عباسی بر ضدّ حکومت ستمگر وقت قیامی را در سرزمین فخر، حوالی شهر مکه، سامان داد. این خروش مقدّس از مسجد النّبوی

^۱ برای مطالعه تفصیل این قیام ر.ک: کریمان، حسین، سیره و قیام زید بن علی؛ مقدّم، عبدالرزاق، رهبر انقلاب کوفه، ترجمه عزیزالله عطاردی.

آغاز شد و روزهای اول انقلاب، مسجد، مرکز جنب و جوش و هیجان‌های مردم بود و در این مکان، ستاد فرماندهی نهضت تشکیل گردید، رهبری قیام همراه با جمعی از شیعیان و علویان وارد مسجدالنبی گردید و در حالی که لباس و عمامه سپیدی پوشیده و شمشیری برهنه در دست داشت، بر فراز منبر رفت و انگیزه نهضت و علت آن را به‌طور اختصار بیان داشت. در آن سال، جمعی قابل توجه برای زیارت بارگاه نبی اکرم صلی الله علیه و آله به مدینه آمده بودند و در روز انقلاب و طی مراسم بیعت، در مسجد حضور داشتند. به‌طوری که مسجد از افراد پر شده بود. پس از انجام این مراسم، نیروهای مبارز در این مکان گرد آمدند و مسلح شده و آماده دفاع و منتظر واکنش دشمن گردیدند. سرانجام پاسبان‌های مدینه که خالد بربری فرماندهی آنان را عهده‌دار بود، به استمداد ۲۰۰ نفر به سوی مقر فرماندهی انقلاب، یعنی مسجد یورش بردند و بدین‌گونه درگیری آغاز شد؛ اما طرفداران حسین گروه‌های مهاجم را عقب زده و از مسجد بیرون راندند و موفق گردیدند که فرمانداری مدینه را تصرف کنند و در روز سوم قیام، شهر به‌طور کامل در تصرف قوای قیام فخر بود. سپاه فاتح از مدینه به سوی وادی فخر رسیدند و در آنجا نیرویی اندک با انبوه نیروهای دشمن با وضعی نابرابر درگیر شدند که منجر به شهادت رهبری قیام و تعدادی از یارانش گردید. اگرچه رهبر قیام در این حرکت مقدس شکست خورد، اما در ابتدای پیروزی، افتخار می‌کرد که به عنوان ذریه‌ای از رسول خدا، در مسجدالنبی بر روی منبر پیامبر با مردم سخن می‌گوید و از این مکان به مبارزه با ظلم و جفا برخاسته است.^۱

^۱ ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبیین، ص ۲۹۸؛ بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۶۵؛ تاریخ طبری، ج ۸، ص ۱۹۴.

« قیام‌سربداران

تهاجم متوالی مغولان به قلمرو جهان اسلام، تعادل سیاسی و امنیتی را بر هم زد. با وجود این بر اثر فروپاشی دستگاه عباسیان توسط این قوم، برخی فرق شیعه بال و پر گرفتند و رشد کردند. در این میان با تلاش‌های بی‌وقفه خواجه نصیر طوسی و ابن‌مطهر حلبی، مذهب شیعه اثنی‌عشری به حیات فکری و ارزشی خود ادامه داد و موفق گردید راه را برای پیروزی‌های آینده هموار سازد.

شیخ خلیفه، روحانی شیعه و انسانی پرهیزگار که از اهالی مازندران بود به سرزمین خراسان مهاجرت نمود و در مسجد جامع سبزوار به وعظ و خطابه و ارشاد مردم پرداخت و سخنان این دانشور عارف عده کثیری را به سوی او جذب کرد و بسیاری از مردم پیروش شدند و بدین ترتیب، آوازه شهرتش در اطراف و اکناف پیچید و صاحبان قدرت را به هراس افکند. عده‌ای که از راه مکر و ریا بر مردم سلطه داشتند با افشاگری‌های او منافع خود را در خطر دیدند، از این‌رو، حاکمان وقت در دو بعد سیاسی و عقیدتی علیه وی به مبارزه برخاستند؛ ولی شیخ خلیفه به عنوان دانشوری عارف، با توجه به فضای سیاسی جدیدی که برای علمای شیعه پدید آمده بود، به کار خود ادامه داد. برخی علمای وابسته به دربار فتوایی صادر کردند با این مضمون که شخصی در مسجد ساکن است و از دنیا حدیث می‌گوید و چنین کسی واجب‌القتل است؛ سپس صورت فتوا را برای سلطان ابوسعید فرستادند تا متن آن را تأیید کند، ولی وی امتناع کرد و گفت: من دست به خون این فرد نمی‌آلایم؛ اما معاندان بعد از نقشه‌های زیادی که به اجرا درآوردند، به هدف خویش رسیده و این عالم شیعی را شهید نمودند و شیخ حسن جوری، شاگردش راه او را ادامه داد و از پایگاه مسجد برای مبارزه با ستیز و ستم، قیام‌سربداران را رهبری نمود و پیروانش اغلب کسبه عادی بودند. حرکت سیاسی این روحانی شیعی در آغاز از موضع مسجد حالت مخفیانه داشت و بعدها وقتی مبارزه آغاز گردید، صورت علنی به خود گرفت. تاریخ آغاز قیام سال ۷۳۶ هـ ق است. آنان در اندک مدتی قوای کمکی علاءالدین محمد وزیر را درهم شکستند و پیروزی از آن سربداران شد و پس از حملات و جنگ و

گریزهای متوالی، شهر سبزوار را تسخیر کردند و آنجا را پایگاه عملیاتی خود قرار دادند. امیر عبدالرزاق، از افراد شجاع سردار، پس از این فتح در سال ۷۳۷ هـ ق در مسجد سبزوار خطبه به نام خود خواند و اعلام استقلال کرد، در این حال شیخ حسن با اقداماتی که دشمنانش علیه او انجام دادند، توسط ارغوان‌شاه، دستگیر شد و در قلعه بلرز محبوس گشت. زمانی که امیر وحیدالدین مسعود بعد از قتل برادر (عبدالرزاق)، روی کار آمد تصمیم گرفت شیخ حسن را از حبس برهاند. استخلاص این روحانی عملی گردید و او از زندان به سبزوار آمد و رهبری مذهبی حرکت سبزوار را همچون گذشته عهده‌دار گشت. امیر مسعود با کمک شیخ حسن و پیروانش لشکر ارغون‌شاه را پراکنده ساخت و سیطره سرداران را تا نقاط دور دست کشانید.^۱

آنچه که قیام سرداران را ممتاز و برجسته می‌نماید این است که درون مایه‌اش مذهبی و شیعی بود و مرکز شکل‌گیری فکری و سیاسی آن مسجد است. در جنبش سرداران سمرقند، نقش اصلی را ایفا می‌کند، رهبر آن مولانازاده سمرقندی، رهبری مقاومت مردم این سامان را در برابر مهاجمان مغول به عهده گرفت. قبل از شروع قیام، مردم از اقشار گوناگون در مسجد جامع شهر گرد آمدند تا در این خصوص به مشورت بپردازند. مولانازاده تیرانداز و دلیر در حالی که شمشیر حمایل کرده، آرام‌آرام بر بالای منبر مسجد آمد و پس از سلام بر حاضران آواز برآورد که امروزه کفار به تخریب قلمرو مسلمانان و کشتار آنان پرداخته، در این مورد نباید کوتاهی کنید. روز قیامت از شما می‌پرسند که چرا با وجود توانایی خاموش ماندید. جهاد و رفع اذیت از خود کردن و غم صلاح مسلمانان خوردن، همچون ادای نمازهای پنج‌گانه و روزه ماه رمضان فرض است. در این زمان از میان شماها که در این خانه خدا حاضر شده‌اید، کدامیک به این امر عظیم قیام می‌نمائید؛ هرچه در دل دارید بگویید و رضا مدهید که کار دین عقب بماند. گرایش مردمی که در مسجد جامع شهر گرد آمده‌اند، نسبت به مواعظ و هشدارهای مولانا متفاوت است. خواص مرقه از اینکه خود را برای

۱. آژند، یعقوب، قیام سرداران، ص ۴۰ - ۲۴.

هدفی والا به خطر بیاندازند شانه خالی می‌کنند؛ ولی عموم مردم که رنج‌دیده و بلاخورده‌اند، برای حفظ دین و صیانت از قلمرو مسلمانان آماده جانفشانی هستند. ناگهان مولانا تیغ از نیام کشید و بر گردن خود نهاد و روی به مردم کرد و گفت: من آماده فداکاری هستم و این وظیفه بزرگ را پذیرا گردیدم؛ شما چه می‌گویید؟ این چنین بود که رهبری قیام را در برابر مغولان پذیرا گشت و قدرتش در این حرکت به حدّی بود که اهالی به اشاره‌اش آماده هرگونه ایثاری بودند. آنان پس از مقدمات و تدارکات لازم بر شهر مسلط شدند و حدود شش سال و هفت ماه، از پاییز سال ۷۶۶ هـ ق تا بهار سال ۷۶۷ هـ ق، به‌طور مستقل بر این ناحیه حکومت کردند؛ اما وقتی دشمن مغرور وارد سمرقند شد، آنها پس از این مدّت، با حيله و نیرنگ تاتاران مغول قتل‌عام شدند و مولانا سمرقندی به دلیل نفوذ عمیق مذهبی از مرگ رهایی یافت.^۱

انگیزه اصلی این قیام، همان مذهب است و این عامل از لابه‌لای سخنان مولانا در مسجد جامع به‌طور کامل مشهود است. کانون شکل‌گیری این قیام نیز مقدّس‌ترین مکان سمرقند، یعنی مسجد جامع بود.

^۱ . منتخب التواریخ، معین‌الدین نطنزی، ص ۲۲۲ به بعد؛ سمرقندی عبدالرزاق، مطلع السعدین، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ص ۳۳۱ و ۳۳.

« خشم مقدس

میرزا مسیح مجتهد استرآبادی، متوفی به سال ۱۲۶۳ هـ ق، از فقهای قرن سیزدهم و شاگرد میرزای قمی است که در تهران به بحث و درس و تربیت شاگردان مشغول بود. هنگامی که وی در مسجد جامع تهران پرتوافشانی می کرد، بر اثر بی کفایتی شاهان قاجار و زورگویی های روس معاهده های ننگینی تحت عناوین ترکمان چای و گلستان به ایران تحمیل گردید. گریبایدوف روسی که فردی متکبر و جاه طلب بود، در پنج رجب ۱۲۴۴ هـ ق برای اجرای یکی از بندهای قرارداد ایران و روس، از جمله استرداد اسرا و دریافت غرامت، به ایران آمد و خواست از روی تحقیر و توهین مردم کار خود را سریع انجام دهد و او به بهانه جستجوی گرجیان و روس های پناهنده، به حریم خانه های مسلمانان تجاوز کرد و در پی تعقیب زنان گرجی برآمد؛ در حالی که بسیاری از آنان از زمان آغامحمدخان قاجار، مسلمان شیعیه شده و به عقد ازدواج مردمان مسلمان ایران درآمده و صاحب فرزند بودند. گریبایدوف این بانوان را با تهدید و ارباب و ضرب و جرح به سفارت روس انتقال داد و در این مکان نیز با آنان بنای بد رفتاری نهاد. زنان با تقاضای وی و همراهانش مخالف بودند به وسیله ذکر و خواندن قرآن به صورت دسته جمعی تنفر خویش را از سفیر و دیگر کارگزاران روس اعلام کرده و فریاد استغاثه خود را به گوش علمای تهران رسانیدند. ضمن آنکه مجتهدان شهر وظیفه خود دیدند تا از حریم ارزش ها و شرافت دینی حمایت کنند، مردم نیز به آنان مراجعه و تقاضای اقدام فوری و مؤثر نمودند.

طبیعی بود که مردم به سراغ مجتهد برگزیده ای می روند که در سنگر مسجد جامع به تنویر افکار عمومی می پردازد و او کسی جز میرزا مسیح مجتهد نبود. سرانجام روز حادثه فرارسید و مردم مسلمان تهران با هدایت علما و فتوای میرزا مسیح، در روز ششم شعبان ۱۲۴۴ هـ ق، در مسجد جامع تهران اجتماع کردند و از این کانون توحید و تقوا به سوی لانه فساد که گریبایدوف ایجاد کرده بود، روانه شدند تا حکم اسلام را مبنی بر آزاد نمودن زنان مسلمان از دست متجاوزان روس، به اجرا در آوردند. جمعیت وقتی به درب سفارت رسیدند، ضمن کنترل

خشم و هیجان خویش خواسته‌های بر حق و منطقی خود را مطرح کردند؛ ولی گریبایدوف به جای بردباری در مقابل مسلمانان دستور تیراندازی داد و نوجوان ۱۴ ساله‌ای را که جلوی جمعیت بود، به شهادت رسانید. مردم پیکر وی را به مسجدی در آن حوالی آورده و بر سر جنازه‌اش به سوگواری پرداختند و برای گرفتن انتقام با هجوم دسته‌جمعی وارد سفارت گردیدند و با افراد آن درگیر شدند و بر اثر آن ۳۸ نفر از ساکنان سفارت، از جمله گریبایدوف و ۸۰ نفر از مردم کشته شدند. دولت روسیه از راه تهدید، از دولت ایران خواست تا رهبر قیام را تبعید کند؛ اما وقتی خبر مزبور به آگاهی مردم رسید، آنان با تظاهرات وسیعی اعتراض خود را با این برنامه اعلام کردند. پس از سرکوبی اهالی تهران، در هشتم صفر ۱۲۴۵ هـ.ق، میرزا مسیح را به مسجد شاه (امام خمینی کنونی) آوردند و وی را مجبور کردند تهران را به مقصد عتبات عالیات، به عنوان تبعید ترک کند.^۱

^۱ . تفصیل این قیام را در کتاب میرزا مسیح مجتهد و فتوای شرف، به قلم نگارنده مطالعه فرمایید.

« قیام گوهرشاد

هم‌زمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) زمزمه‌های حجاب‌زدایی از سوی رژیم رضاخان بلند می‌شود و نطق‌هایی برای آماده‌سازی اذهان عمومی ایراد گردید؛ اما برخلاف پیش‌بینی تئوریسین‌های وابسته به استعمار و پس از جنگ‌های روانی شدید که علیه روحانیت ترتیب دادند، علمای مشهد با شنیدن این زمزمه‌ها و گفتار دولتی‌ها، به‌طور مخفی جلساتی برگزار می‌کنند. در یکی از این نشست‌ها، پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج‌آقا حسین قمی به تهران برود و به‌طور مستقیم با رضا شاه مذاکره کند؛ اما حاج‌آقا حسین قمی در باغ سراج‌الملک شهر ری بازداشت و ممنوع‌الملاقات می‌گردد.

از آن سو، مسجد گوهرشاد مشهد چند روزی است که محلّ اجتماع و سخنرانی علیه کشف حجاب است و با بازداشت این روحانی برجسته، اجتماعات مزبور هر لحظه وسیع‌تر و اعتراضات گسترده می‌شود و سخنرانان در مسجد گوهرشاد با کلامی آتشین‌تر به افشاگری می‌پردازند. گردهمایی فزاینده مردم در مسجد مزبور، همراه با سخنرانی‌های روحانیان بیدار، نزدیک بود تا پایه‌های نظام سلطه استعماری را درهم بریزد؛ اما صبح روز جمعه ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴ هـ ق (۲۰ تیر ۱۳۱۴ هـ ش)، قزاقان مستقر در مشهد برای متفرّق ساختن مردم وارد عمل می‌شوند و بر روی آنان آتش می‌گشایند و یک صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند؛ ولی اهالی مشهد و حومه متفرّق نمی‌گردند و مقاومت می‌نمایند. مهاجمان مسلّح که دستوری برای این خیانت از مرکز یا فرمانده خود دریافت نکرده بودند، از برابر مردم عقب‌نشینی می‌کنند.

پس از این یورش، مردم اطراف مشهد با ابزارهای کشاورزی و بنایی به سوی مسجد سرازیر می‌گردند و مسجد لبریز از جمعیت معترض می‌شود. غذای مورد نیاز افراد متحصّن در مسجد از بیرون توسط حامیان قیام تأمین می‌گردد. زنان خواستار شرکت در خیزش گوهرشاد هستند و مسجد با زدن چادری برای بانوان شجاع و دلیر مهیا می‌شود.

روز شنبه، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۵۴ هـ ق برابر با ۲ تیر ۱۳۱۴، مسجد دیگر جای

سوزن انداختن نبود. شعارهایی ضدّ سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضدّ حجاب‌زدایی داده می‌شود. مردم یکپارچه در مسجد سرود مقاومت سر می‌دهند. عوامل رژیم نگرانی خود را به مرکز خبر می‌دهند؛ اما رضاخان دستور می‌دهد اجتماع‌کنندگان در مسجد را به شدت سرکوب نمایند. سران قشون و شهربانی، قوای خود را هماهنگ می‌کنند. قزاقان در اطراف مسجد مستقر می‌گردند. اسدی، نایب‌التولیه که از کشتاری خونین در آینده‌ای نزدیک اطلاع دارد، نیز می‌داند عده‌ای مجتهد برجسته در مسجد هستند، به بهانه مذاکره آنان از مسجد خارج می‌نماید. پاسی از نیمه‌های شب ۱۲ ربیع‌الثانی گذشته بود که صدای غرش مسلسل‌های قزاقان، خراسان را به لرزه افکند و صدای شیپور جنگ از همه طرف بلند شد. گروهی از دژخیمان اسلحه به دست، به داخل مسجد رفتند و عده زیادی را کشتند و به هیچ‌کس رحم نمی‌کردند. وقتی سپیده سرزد، نه صدای گلوله‌ای بود و نه ذکر فریاد معترضان از مسجد شنیده می‌شد و قزاقان با کشتن بیش از دو هزار نفر تا پنج هزار نفر و اسیر کردن ۱۵۰۰ نفر و بازداشت نمودن عده‌ای از روحانیان موفق شدند تا قلب مقاومت مسجد گوهرشاد را درهم شکنند و دل استعمارگران را شاد کنند و ارباب خود، یعنی رضاخان را راضی نمایند؛ اما آنان نتوانستند آوازهای استقامت و دفاع از ارزش‌های الهی را به بند کشند و کوس رسوایشان به صدا درآمد.^۱

۱. سینا واحد، قیام گوهرشاد، ص ۵۰ - ۴۷؛ بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاخان، ص ۴۷۰ - ۴۶۷.

« فریاد اعتراض

به دنبال دستور امام خمینی ره از اوّل محرم سال ۱۳۸۳ هـ.ق، مجامع و محافل کثیری در سراسر کشور برای روشنگری و افشای رژیم وابسته به استکبار پهلوی برگزار شد و در دسته‌های سینه‌زنی و زنجیرزنی، شعارهای انقلابی مطرح گردید. از جالب‌ترین این برنامه‌ها تظاهرات روز عاشورای تهران بود که از مسجد حاج ابوالفتح، واقع در میدان شاه سابق آغاز گشت. در این حرکت، جمعیت به گروه‌های متعدّد تقسیم شدند و ضمن نظم و سازمان‌دهی، هر گروهی شعار مخصوص خود را داشت. جالب اینکه اقشار دانشجویی، روحانی، بازاری، کارگر و دهقان، در این خشم مقدّس حضور داشتند. تصویر امام خمینی ره و جملاتی از حضرت امام حسین علیه السلام زینت‌بخش صفوف عزاداران بود. تظاهرکنندگان، صبح روز عاشورا شروع به حرکت کردند و ساعت سه بعد از ظهر، پس از عبور از مسیر ری، بهارستان، مخبرالدوله، دانشگاه و بازار در مسجد شاه (مسجد امام خمینی) به گردهمایی خود خاتمه دادند. این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم گردید، تبلور عینی اقشار مختلف جامعه، به خصوص بازاریان و دانشجویان بود که در حمایت از روحانیت و مخالفت با رژیم پهلوی پای به میدان نهاده بودند.^۱ مساجد سید عزیزالله، شیخ علی، امین‌الدوله و آذربایجانی‌ها نیز به عنوان محلّ شکل‌گیری هسته‌های مبارزاتی اهمیتی ویژه داشتند و مرکز ارتباط روحانیان و بازاریان بودند. نقطه عطف این مبارزات، با روی کار آمدن اسدالله علم و اجرای طرح انجمن‌های ایالتی و ولایتی آغاز شد و به مبارزه علنی علما و بازاریان و سایر طبقات با رژیم پهلوی مبدّل گشت. به دنبال سخنرانی امام خمینی ره در خرداد ۱۳۴۲، در مسجد سید عزیزالله مراسم دعا و نیایش برگزار شد و در پی آن علمای وقت، آیات محترم خوانساری، بهبهانی و تنکابنی در این مسجد متحصّن شدند. در پی این اقدام، مساجد دیگر نیز وارد عمل شدند و مبارزات مردمی در کشور افزایش یافت و سخنرانی‌هایی در مساجد فوق به تأسی از امام خمینی ره

^۱ نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، بی‌تا، ص ۵۲ و ۵۳؛ معادیخواه، عبدالمجید، طلوع فجر، ص ۷۷؛ فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، ص ۱۸۸ و ۱۸۹؛ دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳ و ۴، ص ۷۳ و ۷۴؛ ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰، ص ۷۸.

توسط آیت‌الله خوانساری و حجج اسلام فلسفی و تنکابنی برگزار شد؛ به نحوی که عمال رژیم پهلوی در خرداد ۱۳۴۲ مسجد عزیزالله را که در چهارسوق بازار تهران قرار داشت، تعطیل کردند. با وجود این، شدت مبارزات مردمی به حدی بود که اسدالله علم ناچار به لغو تصویب‌نامه مورد اشاره گردید. مسجد سید عزیزالله، همچنان جایگاه خود را در مبارزات ضد پهلوی حفظ نمود و در سال‌های ۱۳۴۶ تا ۱۳۵۰ هـ ش محل موعظه استاد فلسفی و مرکز تجمع مبارزان بود.

در ماه رمضان سال ۱۳۷۱ هـ ق (۱۳۳۱ هـ ش)، قرار بود که حجت‌الاسلام فلسفی در مسجد شاه (امام خمینی کنونی) سخنرانی کند؛ اما چون مطلب ایشان به قول عوامل رژیم تحریک‌کننده بود، عده‌ای از افراد شهرداری داخل مسجد شدند و اجازه ندادند وی بر منبر برود و بدین‌گونه بعد از مراسم آن ایام، این مسجد به تعطیلی کشانیده شد. از آن سو، فرمانداری نظامی تهران در اطلاعیه‌ای، به وعظ هشدار داد به هیچ‌وجه در منابر حق صحبت کردن در مورد مسائل سیاسی را ندارند. امام خمینی ره که در زمان تعطیل گردیدن مراسم مسجد شاه، در همدان بودند، از این برنامه اظهار نگرانی نمود. علمای قم و تهران و ائمه جماعات برخی شهرستان‌ها هم در بیانیه‌های جداگانه‌ای تأسف خویش را از این بابت اعلام کردند.^۱

این مسجد، در حوادث ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ نیز کانون مهمی به شمار می‌رفت. به دنبال اعلام مراجع و اعلام امام خمینی ره به برگزاری مراسم و مجالس عزاداری به صورتی پُررنگ‌تر در عاشورای سال ۱۳۸۲ هـ ق، مردم به صورت دسته‌های عزادار در خیابان‌های تهران ظاهر شدند و با سر دادن شعار «خمینی خدا نگه دار تو، ملت طرفدار تو»، حمایت خویش را از امام و مخالفت خود را با رژیم شاه اعلام کردند. آنان به بازار تهران آمدند و از طریق خیابان مولوی به مسجد شاه (امام) رفتند. در این تظاهرات یکی از دانشجویان ضمن سخنرانی، پشتیبانی دانشجویان را از نهضت امام خمینی ره اعلام کرد. ساعت ۱۶ همان روز، مردم پس از تظاهرات به مسجد بازگشتند و پس از استماع سخنرانی آیت‌الله

۱. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۱۵۱ - ۱۴۹.

مکارم شیرازی که در تقبیح اعمال رژیم پهلوی صورت گرفت، در حالی که شعار «خمینی خمینی خدا نگه دار تو، بمیرد دشمن خون خوار تو» سر می‌دادند به سوی میدان سپه به راه افتادند و در اثنای حرکت، عده کثیری به آنان ملحق شدند. آنان بعد از تظاهرات در بازار، به مسجد حاج ابوالفتح رفتند و در مجلس ماتمی که روحانیان برگزار کرده بودند حضور یافتند. در آن جلسه مقرر گردید که تظاهرات روز بعد از مسجد شاه (امام) ادامه بدهد.^۱

مسجد شیخ عبدالحسین در بازار تهران واقع است که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است. این مکان، توسط وصی میرزا تقی‌خان امیر کبیر از ثلث اموال شیخ عبدالحسین تهرانی مشهور به شیخ‌العراقین ساخته شد. این مسجد نیز مرکز فعالیت نیروهای مذهبی، تبلیغی و سیاسی بود، مرحوم فلسفی در شب عاشورای سال ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش)، در این مکان بحث‌هایی را آغاز کرد که گزارش‌هایی از منبرهای ایشان در اسناد ساواک و شهربانی آمده است. جالب آنکه اسدالله علم، نخست وزیر وقت و نصیری (رئیس ساواک)، برخی امرای ارتش و عده‌ای ساواکی مستمع سخنان وی بودند. جمعیت به قدری زیاد بود که فلسفی از طریق پشت‌بام به مسجد رفت. وی در این منبر، مسجد را کانون جنبش معرفی کرد و از استیضاح دولت علم توسط روحانیت قدرت‌علماء، جنایت رژیم در مدرسه فیضیه و ایجاد محیط رعب و وحشت در قم سخن گفت. به همین دلیل حجت‌الاسلام فلسفی را دستگیر و به زندان شهربانی انتقال دادند.^۲ مسجد جامع بازار به دلیل موقعیت سیاسی بازار دارای نقش و اهمیت خاصی در قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ و انقلاب اسلامی بوده است و از همان آغاز پایگاه مبارزان بود. اسناد شهربانی و ساواک این موضوع را مورد تأیید قرار می‌دهد؛ در اسناد ۱۱ خرداد ۱۳۴۲ شهربانی چنین آمده است: پیرو گزارش قبل، از مسجد جامع مراقبت به عمل آمد. هفت نفر روضه خواندند؛ آقای کامل خراسانی بر منبر رفته و تمام صحبت‌های او اشاره به دولت بود و مردم را علیه حکومت تحریک

۱. امینی، علیرضا، تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی، ص ۲۷۶؛ منصوری جواد، قیام پانزده خرداد به روایت

اسناد، ص ۶۳۵؛ از قبا تا فیضیه، جنبش مسلمانان تبریز، ص ۵۰.

۲. خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، ص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹ و ۲۷۴.

می‌نمود و گفت چرا خارجی‌ان را به خاک ایران راه داده‌اند. آقای انصاری قمی بر منبر قرار گرفت و به مردم گفت چرا قیام نمی‌کنید و چرا از بیگانگان پیروی می‌نمائید.^۱

^۱ . فصل نامه یاد، شماره ۴۵ و ۴۶، ص ۱۷۵، ۱۷۲.

« مسجد و انقلاب اسلامی

امام خمینی ره صرف نظر از آنکه در جلسات درسی، عبادات و نماز جماعت را در مساجد برگزار می نمود، مسجد را بهترین مکان برای شروع نهضت می دانست. او در مسجد اعظم قم، دوم ذی حجه ۱۳۸۳ هـ ق (۱۳۴۲ هـ ش) اندکی پس از آزادی، در جمع هزاران نفر از علما و فضلاء قم و سایر اقشار، به تفصیل آنچه را پس از بازداشت ایشان رخ داده بود و شاه و دستگاه تبلیغاتی وی در ایران و خارج شایع ساخته بودند، به باد انتقاد گرفت آنگاه در اثر انعکاس این فریادها و بیدارباش های روشن گر و حرکت آفرین امام، در سراسر کشور خطبا و گویندگان متعهد در اجتماعات گوناگونی که در مساجد تشکیل می گردید، به پیروی از امام امت به افشاگری و مخالفت با نظام ستم شاهی پرداخته و تحوّل عظیمی در افکار و اندیشه های مردم به وجود آوردند که باعث ترس رژیم پهلوی و اربابانش گردید.

این فریادها که از عمق جان ها و در پایگاه مقدّس مسجد برخاسته بود، بذر امید و حرکتی بود که بر دل ها پاشیده شد و با تداوم آن به رشد و نمو و شکوفایی رسید. امام در نجف اشرف و علما و خطبا و طلاب در شهرهای گوناگون و روستاهای کشور با سخنرانی های کوبنده، بر این حرکت مقدّس تداوم بخشیدند. نوارهای سخنرانی های امام و پیام های معظم له به گونه دقیق و برنامه ریزی شده در مسجد به مردم می رسید. به همین دلیل، رژیم در مقام مخالفت و به تعطیلی کشاندن این اماکن مقدّس برآمد؛ اما موج حرکت چنان قوی بود که نمی توانست آن را از ریشه برکند. بنابراین، گاهی گویندگان متعهد را که بر فراز منابر مساجد، حقایقی را مطرح می کردند راهی زندان، تبعید و یا ممنوع المنبر می گردانید و در مواقعی هم مزدوران رژیم ستم شاهی به مساجد می ریختند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار می دادند و زمانی هم دربها را می بستند تا کسی به این اماکن نیاید.

مسجد هدایت، واقع در خیابان جمهوری تهران، پایگاه مهمّ فرهنگی و سیاسی آیت الله سید محمود طالقانی بود و او در مدّت سی سال در این مکان مبارک

نسلی دین‌دار، دردمند و مبارز تربیت کرد، افراد حاضران در این مسجد اغلب جوانان و دانشجویان بودند. بر اساس گزارش‌های ساواک، طالقانی در مسجد مزبور به موعظه و تفسیر می‌پردازد و در جلسات وی حدود ۴۰۰ نفر شرکت می‌کنند. او در بیانات خود پیوسته به اوضاع روز پرداخته و به مقامات عالی رژیم پهلوی حمله می‌نماید و اولیای امور را به ایجاد محیط رعب و وحشت و نقض قانون اساسی و آزادی بیان، اختلاس و ارتشاء متهم ساخته و حصار را به قیام علیه وضع کنونی تحریک می‌کند؛ چون با وجود تذکرات مکرری که به نام‌برده در مورد خودداری از ادامه این روش داده شد، مشارالیه به حملات خود ادامه می‌دهد؛ بنابراین، عمل وی طبق ماده ۷۹ قانون مجازات عمومی، جرم محسوب می‌شود و در صورت تصویب، مراتب به دادستانی ارتش منعکس تا نام‌برده تحت تعقیب قرار گیرد.^۱

در گزارش ساواک این مسجد به عنوان کانون جوانان معرفی شده است؛ چرا که محلّ فعالیت‌های انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این مسجد بود و انجمن اسلامی دانشجویان تهران، در سال ۱۳۴۲ سخنرانی‌های افشاگرانه خود را علیه انقلاب سفید در مسجد هدایت برگزار کرد.^۲

شهید آیت‌الله مفتّح به موازات فعالیت‌های علمی و آموزشی، بنا به دعوت اهالی مسجد الجواد که یکی از معدود پایگاه‌های عرضه اسلام راستین در آن زمان بود، در این مکان به ایراد سخنرانی و جلسات تفسیری پرداخت و به روشننگری نسل جوان مبادرت نمود. یادآور می‌شود در سال ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۱ شمسی، برنامه‌های تبلیغی این مسجد زیر نظر شهید مطهری بود.

مفتّح در سال ۱۳۵۲ شمسی برای ایجاد تشکّل بین نیروهای مؤمن و مبارز و گشودن سنگری برای ارائه اسلام راستین، امامت مسجد جاوید را پذیرفت و در این پایگاه یک هسته مقاومت تشکیل داد و در اکثر اوقات از سخنرانان مبارز

۱. راهی که نرفته‌ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام‌هاجر درباره آیت‌الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی، (تهران، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی)، ص ۱۴۰ - ۱۳۹.

۲. آیت‌الله سید محمود طالقانی بازوی توانای اسلام به روایت استناد ساواک، وزارت اطلاعات، ص ۳۰۹.

۳. اسفندیاری، محمّد، پیک آفتاب، ص ۷۵ و ۸۱.

دعوت به عمل می‌آورد تا جوانان و به خصوص دانشجویان را متوجّه حقایقی ناب نماید.

به دلیل تبدیل شدن مسجد جاوید به سنگری استوار برای ستیز با طاغوت و استقبال اқشار تحصیل کرده از برنامه‌هایش و سخنرانی شخصیت‌هایی چون آیت‌الله خامنه‌ای و شهید مطهری در آن، برنامه‌های این مسجد بیش از ۱۸ ماه ادامه نیافت و در سوّم آذر ۱۳۵۳، پس از سخنرانی آیت‌الله خامنه‌ای، ساواک به آن هجوم برد و مسجد جاوید را تعطیل و مفتّح را روانه زندان ساخت. در سال ۱۳۵۵ شمسی، مفتّح امامت مسجدی را در حوالی حسینیه ارشاد پذیرفت که به مسجد قبا معروف گردید تا یادآور مسجدی باشد که در ظلمت کده جاهلیت توسط رسول اکرم ﷺ بنیان نهاده شد. مفتّح در مسجد مزبور، در سطحی وسیع‌تر به تشکیل کلاس‌های عقیدتی و سخنرانی‌های روشنگرانه دست زد. رژیم که چنین شور و شوق و تحوّلی را می‌دید، وی را در تنگنایی سخت قرار داد؛ اما او تنها و استوار در برابر فشارهای سیاسی ایستاد و این مسجد چنان مورد استقبال جوانان قرار گرفت که جمعیت انبوه هنگام سخنرانی خیابان‌های اطراف آن را پر می‌کرد. در گزارش ساواک نیز از جذب جوانان مذهبی در این مسجد سخن به میان آمده و اینکه مسجد قبا به قطب تازه‌ای برای مبارزین تبدیل شده و جای مسجد هدایت را گرفته است.^۱

شهید دکتر محمدجواد باهنر، طی سال‌های ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۶، همزمان با استفاده از آموزش و پرورش و مدارس، از مساجد و حسینیه‌ها برای ایجاد تحوّل فرهنگی و سیاسی در جامعه استفاده نمود.

او فعالیت خود را به یک مسجد خاصّی محدود نکرد، بلکه با مساجدی که پایگاه مبارزان بود، ارتباط داشت و در چندین مسجد سخنرانی می‌نمود. مسجد جلیلی، واقع در خیابان ایران‌شهر یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه علیه حکومت پهلوی بود. در این مسجد اқشاری از بازاریان تا روحانیان و دانشگاهیان در آن شرکت می‌کردند و به تبادل نظر در مسائل سیاسی می‌پرداختند. شخصیت تأثیرگذار

^۱. شهید مفتّح و تکبیر وحدت، ص ۱۲۱ - ۱۱۰.

این مسجد، آیت‌الله محمد‌رضا مهدوی‌کنی بود. باهنر در مواردی در این مکان به فعالیت و انجام سخنرانی می‌پرداخت. وی در سخنرانی‌های خود در مسجد جلیلی به ناهنجاری‌های سیاسی در جامعه اسلامی پرداخت و سلطه خارجی را از موانع رشد و ترقی دانست. شهید باهنر به دلیل شرکت در بحث‌هایی که شب‌های شنبه هر هفته در این مسجد تشکیل می‌گردید، تحت مراقبت و کنترل ساواک قرار گرفت در مسجد هدایت نیز باهنر، از رژیم پهلوی انتقاد شدیدی نمود و حکومت شاهنشاهی را زیر سؤال برد. باهنر به دلیل فعالیت در این مسجد و نیز مسجدالجواد ممنوع‌المنبر گردید.^۱

اوج‌گیری نهضت

اول آبان ۱۳۵۶ (ذی‌قعدة ۱۳۹۸ هـ.ق)، خبر تأثرانگیز شهادت حاج مصطفی خمینی موج عظیمی در میان مردم ایران پدید آورد و برخلاف اختناق شدید، اقشار مختلف مجالس ختم گوناگونی برای تجلیل از مقام آن عالم بزرگوار و فرزند رهبر انقلاب ترتیب دادند. اولین مجلس ختم از سوی علمای تهران در مسجد جامع این شهر برگزار شد. سپس در مساجد دیگر تهران، قم و سایر شهرستان‌ها مجالسی بدین مناسبت منعقد گردید.

مجلس بسیار بزرگ و بی‌سابقه از طرف حوزه علمی قم، در مسجد اعظم این شهر منعقد گشت که در این برنامه علاوه بر شرکت گسترده علما، مراجع و فضلا و طلاب، جمعیت زیادی که از شهرستان‌ها آمده بودند، حضور به هم رسانیدند. کثرت حاضران به حدی بود که تمام شبستان‌ها، حیاط مسجد و صحن مطهر حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام) و خیابان‌های اطراف مسجد و حرم مطهر مملو از جمعیت بود. سخنرانان نیز در افشای هرچه افزون‌تر چهره استبداد کوشیدند و پایه‌های ستم را با بیان واقعیت‌ها، متزلزل نمودند.

مجالس ختم، همچنان ادامه داشت تا قیام نوزده دی ۱۳۵۶ در قم به وجود آمد. اربعین شهدای این قیام از سوی روحانیت متعهد تبریز برگزار شد. عده‌ای

۱. باهنر، شهید دکتر محمدجواد، مواضع و دیدگاه‌ها، ص ۹۲ - ۸۹.

هم اعلامیه‌هایی را که بر دیوار مسجد نصب شده بود و مطالعه می‌کردند که مأموران ساواک با آنان درگیر شدند و گروهی از مبارزان به شهادت رسیدند. برای بزرگداشت شهدای تبریز، مردم در شهرهای دیگر نیز مجالسی برگزار کردند.^۱ در روزهای ماه رمضان، سال ۱۳۹۸ هـ.ق، مسجد مولا در شیراز، تحت محاصره قوای نظامی بود؛ اما هزاران نفر در این مکان به منظور اقامه نماز جماعت و شنیدن سخنان آیت‌الله محلاتی گرد آمده بودند. در مسجد جامع این شهر، رژیم دست به جنایتی دیگر زد و عصر پنج‌شنبه، پنجم رمضان (۲۰ مرداد ۱۳۵۷)، هنگامی که مردم بی‌دفاع در این مسجد مشغول انجام فریضه مذهبی بودند، مورد هجوم افراد مسلح پلیس قرار گرفتند در این یورش طی مدّت کوتاهی ده‌ها نفر شهید و عده‌ای زیاد زخمی شدند.^۲

در اصفهان ضمن شکل‌گیری تظاهرات و راهپیمایی‌های گسترده، همه‌روزه و شب‌ها اجتماعاتی در مساجد گوناگون برگزار می‌شد. مسجدالرحیم، مسجد جامع و مسجد سیّد از جمله آنها بود. مسجد حکیم پایگاهی مهم برای نهضت اسلامی در اصفهان به شمار می‌رفت و ضمن سخنرانی‌های انقلابی، اعلامیه‌هایی در این مکان پخش می‌گردید.^۳

در ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ شمسی در حالی که مردم کرمان در مسجد جامع این شهر گردآمده بودند و چهلم شهدای میدان شهدا و فاجعه ۱۷ شهریور تهران را گرمی می‌داشتند و به سخنان یکی از وعاظ گوش فرا می‌دادند، مأموران ساواک در حالی که عده‌ای را اجیر کرده بودند، با چوب و چماق به این مسجد یورش بردند و پس از منفجر کردن چند کپسول گاز اشک‌آور، از درب ورودی و پشت‌بام مسجد با چوب، سنگ و آجر و اسلحه گرم به مردم حمله کردند و عده‌ای را شهید و ده‌ها نفر را مجروح و مصدوم کردند و قرآن‌ها و کتاب‌های موجود در آن را به آتش کشیدند.^۴

۱. تحلیلی از انقلاب اسلامی، حاتم قادری، ص ۱۰۰ - ۹۷.

۲. نهضت روحانیون ایران، ج ۸ و ۹، ص ۲۰۸ - ۲۰۲.

۳. نوربخش، سیدحسین، یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان، ج ۳، ص ۹۸، ۱۰۴ و ۱۴۶.

۴. فوزی ولی‌الله، حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی رضی الله عنه، ص ۹۴ و ۹۵.

هرچه انقلاب اسلامی مسیر حرکت و رشد سریع خود را می‌پیمود، نقش مساجد در شکوفایی آن محسوس‌تر می‌گردید. در لحظات پیروزی، دیگر مساجد کانون تلاش و مبارزه مردم بود و آنان جز مسجد، مکانی را برای دریافت اخبار نهضت نمی‌شناختند. پیام‌های امام توسط گویندگان مذهبی و افراد متعهد از بلندگوهای مسجد منتشر می‌گردید و تمامی راهپیمایی‌های با شکوه و حماسی میلیونی از مساجد سرچشمه می‌گرفتند و مانند جویبارهایی در خیابان‌ها و معابر جاری می‌شدند تا آنکه بساط طاغوت درهم‌پیچید و انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. بعد از این فتح بزرگ، مساجد، کانون‌هایی برای حفظ انتظامات شهری، پاسداری از نهضت و مکانی برای تلاش‌های فرهنگی و اجتماعی بودند. کمیته‌های انقلاب اسلامی، بسیج مستضعفان و کمیته امداد امام خمینی رضی الله عنه در همین مکان‌ها شکل گرفتند و با شروع جنگ تحمیلی، مساجد مراکزی مهم برای سامان‌دهی نیروهای رزمنده و عزیمت آنان به جبهه‌های جنگ به‌شمار می‌رفتند. امکانات مورد نیاز دفاع مقدس در مساجد جمع‌آوری و بسته‌بندی می‌گردید و به رزمندگان اسلام می‌رسید.

« نتیجه سخن

مهم‌ترین پدیده جغرافیایی عبادی در اسلام به شکل مسجد تجلی می‌یابد. خداوند مسجدی را شایسته می‌داند که بر پایه تقوا و اخلاص بنا شده و از انگیزه‌های مادی و نیرنگ‌های سیاسی دور باشد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در سیزدهم بعثت، مکه را به قصد یثرب (مدینه) ترک نمود، آن حضرت بعد از پیمودن ۴۰۰ کیلومتر، در دوشنبه ۱۲ ربیع الاول به دهکده قبا رسید که در دو فرسخی مدینه قرار داشت. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در این آبادی شالوده مسجدی را ریخت که قبا نام گرفت. بنای این مسجد در مقطعی از زمان رسالت آن حضرت شکل یافت که ایشان در حال مبارزه علیه مشرکان و در راستای تداوم این مبارزه تاریخی بوده است. از این‌رو، مسجد در این دوران به منزله پایگاه اساسی تمامی فعالیت‌های عبادی و سیاسی مسلمانان قرار گرفت. بنابراین، ساختار و شالوده مسجد در دوران مبارزاتی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شکل گرفته و به مرکزی برای قیام و جهاد علیه کفار تبدیل شده بود.

در عصر حکومت امام علی علیه السلام نیز مسجد کوفه مرکزی برای سامان‌دهی رزمندگان اسلام بود و آن حضرت در این مکان، زمینه مبارزه با قاسطین، مارقین و ناکثین را فراهم آورد. قیام مختار و انقلاب زیدبن علی در مسجد مزبور شکل گرفت. امویان خواستند سیمای نفرت‌انگیز خود را در پرده‌هایی از ریا و تزویر پنهان کنند. از این‌رو، از مسجد دمشق برای دوام قدرت پوشالی خود بهره بردند؛ ولی امام سجاد علیه السلام در مسجد جامع دمشق نقشه‌های آنان را افشا نمود. قیام شهدای فخر در مسجدالتبی مدینه تکوین یافت. سربداران خراسان و سمرقند، از مساجد این نواحی علیه مغولان وحشی بسیج شدند.

مردم تهران، با هدایت میرزا مسیح مجتهد تهرانی، از مسجد جامع این شهر برای آزاد نمودن بانوانی که در اسارت روس بودند، حرکت کردند و قیام علما و مردم مشهد علیه کشف حجاب در مسجد گوهر شاد به وقوع پیوست.

مردم تهران، قم و برخی شهرهای دیگر در سال ۱۳۴۲ و طی قیام ۱۵ خرداد برای مبارزه با استبداد رژیم پهلوی و افشای کارنامه ننگین آن، تظاهرات گسترده‌ای

را از مساجد سامان دادند و به ندای امام خمینی ره برای جلوگیری از فجایع و اعمال ضدّ شرعی نظام پهلوی لَبّیک گفتند.

انقلاب اسلامی در مساجد به رشد و شکوفایی و بالندگی شکوهمند رسید و امام خمینی ره و یارانش، مساجد را پایگاه مبارزات و تلاش‌های تبلیغی و فرهنگی خود قرار دادند. در لحظات پیروزی این نهضت نیز مساجد، مراکز نظم و انسجام و سازمان‌دهی نیروهای مبارز و مؤمن بود و برخی از نهادهای انقلابی در این کانون‌های عبادی شکل گرفتند.

با مطالعه در تاریخ انقلاب اسلامی به روشنی درمی‌یابیم که اولین جرّقه‌های انقلاب در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ هـ.ش، با سخنرانی امام خمینی ره از دریچه اطلاع‌رسانی، یعنی مسجد (مسجد اعظم) و مدرسه فیضیه قم، بستر اصلی این حرکت، زده شد.^۱

مساجد، نه تنها در ایجاد حرکت و جنبش و نیز آگاه‌سازی مردم مسلمان ایران از ظلم و ستم رژیم شاهنشاهی نقش تأثیرگذار و عمیقی ایفا نمودند، بلکه در کنار آن، هسته‌های اولیه مبارزات مسلحانه را نیز شکل‌دهی و سازمان‌دهی کردند؛ از جمله می‌توان به عمده‌ترین تشکّل و گروه مذهبی، سیاسی و نظامی که در یکی از مساجد جنوب تهران شکل گرفت، اشاره نمود. تشکّل هیئت‌های مؤتلفه اسلامی به وسیله برخی از متدینین و متعهدین مذهبی، جمعیت سرّی اصلاح حوزه، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، المنصورون و ده‌ها تشکّل سیاسی، مذهبی و نظامی، نتیجه آگاه‌سازی، اطلاع‌رسانی و هدایت صحیحی بود که از طریق مساجد و جلسات مذهبی و نهادهای دینی به مردم ارائه می‌شد. همچنین، برخی بنیادهای رفاهی اقتصادی، مانند بنیاد رفاه و تعاون اسلامی را می‌توان نام برد که از مساجد نشأت گرفتند.^۲

بنابراین، مساجد یکی از عوامل مؤثر و مهمّ در ایجاد و شکل‌گیری نهضت اسلامی و زمینه‌ساز گسترش، تعمیق و تثبیت این جریانات و تحولات انسانی بوده است.

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۸-۳۱۹.

۲. شریف، پوررضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۶۰.

مسجد، در شکل‌دهی مبارزه علیه ظلم و استبداد نظام شاهنشاهی و همچنین، در طول هشت سال جنگ تحمیلی نقش مهمی را ایفا نموده است.^۱ به هر حال، مسجد از بدو تأسیس تاکنون، علاوه بر این که مرکز بندگی خدا و تربیت معنوی است، کانونی برای مقاومت در برابر استبداد و سلطه‌گری محسوب می‌شود و در طول تاریخ، تمامی فریادها و خروش‌ها و نهضت‌های اسلامی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از مسجد منشأ گرفته است.

۱. همان، ص ۸۳

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه مترجمان، تحقیق، رضا ستوده، تهران، انتشارات فراہانی، چاپ اول، ۱۳۶۰ھ ش.
- « طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، قم، نشر جامعه مدرسین، ۱۳۸۰ھ ش.
- « شیخ حرّعاملی، محمدحسن، وسایل الشیعہ، قم، مؤسسہ آل البیت ۱۴۰۹، ۱۴۰۹ھق.
- « نعمتی زرگران، مرتضی، شهید دکتر محمدجواد باہنر (مبارزات، مواضع و دیدگاه‌ها)، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴ھ ش.
- « سمهودی، نورالدین علی بن احمد، وفاء الوفاء بأخبار دارالمصطفی، بیروت، دارالکتب العلمیہ، ۱۹۸۴م.
- « سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دہم، ۱۳۷۴ھ ش.
- « سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۶۸ھ ش.
- « شریف، پور رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ھ ش.
- « موسوی خمینی، صحیفہ نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۹، ۱۳۷۹ھ ش.
- « گلی زوآرہ، غلامرضا، سیمای کوفہ، تهران، سازمان تبلیغات، چاپ اول، ۱۳۷۳ھ ش.
- « _____، شهید مفتح و تکبیر وحدت، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، انتشارات شمشاد، چاپ اول، ۱۳۷۴ھ ش.
- « مطہری، مرتضی، سیری در سیرہ ائمہ اطہار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۳ھ ش.
- « شیخ راضی آل یاسین، صلح امام حسن، ترجمہ: آیت‌اللہ سیدعلی خامنہ‌ای، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۳ھ ش.
- « رضوی اردکانی، ابوفاضل، ماہیت قیام مختار، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸ھ ش.
- « خطیب خوارزمی، موفق بن احمد (متوفی ۵۶۸)، مقتل الحسین للخوارزمی، محقق: سماوی، محمد، قم، انتشارات انوار الہدی، ۱۴۲۳ھق.
- « شیخ مفید، الإرشاد، قم، کنگرہ شیخ مفید، ۱۴۱۳ھق.
- « ابن نما حلی ساحلی، جعفر بن محمد، مثیر الاحزان و منیر سبل الأشجان، ترجمہ و نگارش علی کرمی، قم، نشر حاذق، ۱۳۸۰ھ ش.
- « ابوالفرج اصفہانی، علی بن حسین، مقاتل الطالبیین، محقق: صقر، احمد، بیروت، نشر دارالمعرفہ.
- « مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسہ الوفاء، ۱۴۰۴ھق.
- « طبری، محمد، تاریخ طبری، ترجمہ: ابوالقاسم پایندہ، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ھ ش.
- « آژند، یعقوب، قیام سربداران، تهران، نشر گسترہ، -۱۳۶۳ھ ش.
- « نظنزی، معین الدین، منتخب التواریخ معینی، محقق: استخری، پروین، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۸۳ھ ش.
- « سمرقندی، کمال الدین عبدالرزاق، مطلع السعیدین و مجمع البحرین، تصحیح: عبدالحسین نوایی، تهران، پژوهشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ اول.
- « سینا واحد، قیام گوہر شاد، خاطرات شیخ محمد علمی اردبیلی، تهران، وزارت ارشاد.
- « بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضا شاه: نظری بر عملکرد سیاسی، فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰ھ ش، تهران، مؤسسہ تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۰۵ھ ش و نشر

- عروج، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « معادیخواه عبدالمجید، طلوع فجر، تهران، وزارت ارشاد، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- « دوانی، علی، نهضت روحانیون ایران، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم.
- « امینی، علیرضا، تحولات سیاسی و اجتماعی در دوران پهلوی، تهران، انتشارات صدای معاصر، چاپ دوم، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « منصوری، جواد، تاریخ قیام پانزده خرداد به روایت اسناد، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام فلسفی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « راهی که نرفته‌ایم (مجموعه مقالات برگزیده از ۲۰ سال نشریه پیام هاجر درباره آیت‌الله طالقانی) به کوشش مهدی روغنی تهران، مجتمع فرهنگی آیت‌الله طالقانی، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « از قبا تا فیضیه، تهیه و تنظیم بخش مجلات هواداران جنبش مسلمانان مبارز تبریز، ۱۳۵۹ هـ.ش.
- « آیت‌الله سیدمحمود طالقانی به روایت اسناد ساواک، بازوی توانای اسلام، جلد اول، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱ هـ.ش.
- « اسفندیاری، محمد، پیک آفتاب (پژوهشی در کارنامه زندگی و فکری آیت‌الله سیدمحمود طالقانی)، قم، انتشارات صحیفه خرد، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « قادری، حاتم، تحلیلی از انقلاب اسلامی، تهران، دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی آموزشی و پرورشی، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- « نوربخش، حسن، یادواره نهضت اسلامی یا چهره انقلاب در اصفهان، تهران، انتشارات نوربخش، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- « فوزی، ولی‌الله، حماسه‌های اسلامی ملت به رهبری امام خمینی، چاپ‌خانه علمیه قم، انتشارات دارالفکر.
- « ماهنامه مسجد، شماره ۱۰۰.
- « فصلنامه دانشگاه اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸.
- « فصلنامه یاد، شماره ۴۵ و ۴۶.

نقش مساجد در اتحاد میان ملل مسلمان

پژمان ظفیری

« چکیده

مساجد به عنوان کانون اجتماع مسلمانان، از دیرباز در اتحاد و یکپارچگی میان ملت‌های مسلمان، نقشی مهم و مؤثری ایفا کرده است؛ به طوری که در تمام عناصر و اجزای آن، نماد وحدت محسوب می‌شود. در این مقاله، به بررسی پدیده مسجد و تاریخچه آن در اسلام و همچنین، نقش وحدت‌آفرین آن از منظر قرآن و کارکردهای عملی مسجد در ایجاد وحدت و همبستگی میان مسلمانان می‌پردازیم.

« واژگان کلیدی:

مسجد، اتحاد، برادری، برابری، مشارکت اجتماعی.

« مقدمه

در حقیقت، دین از دیرباز به عنوان مهم‌ترین عامل همبستگی و اتحاد در میان مردم بوده است؛ در دین مبین اسلام، مساجد، نمادها و شخصیت‌های اسلامی، همواره کانون گرم اتحاد و همبستگی در میان مردم بوده‌اند. قرآن کریم نیز انسان را به عنوان خلیفه و جانشین خدا بر روی زمین معرفی نموده است و در نتیجه خود انسان، بخشی از خلقت و هستی است. به تعبیر قرآن، جهان به‌طور منظم و یکپارچه تسبیح‌گوی خالق خویش است: «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ خَلِيمًا غَفُورًا؛ آسمان‌های هفت‌گانه و زمین و هر کس که در آنهاست، او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیزی (از جماد و نبات و حیوان و بالاتر از آنها) نیست، مگر آنکه (به زبان قال که بشر عادی نمی‌شنود و به زبان حال) با ستایش (از کمالاتش)، او را تسبیح می‌گوید؛ (زیرا وجودش، دلالت بر وجود، امکانش حکایت از وجوب، حدوثش دلالت بر قدم، نقصش حکایت از کمال، حدّش گویای نامحدود بودن او دارد)؛ ولی شما تسبیح آنها را نمی‌فهمید (و از فهم تسبیح قوی، قاصر و در عدم فهم تسبیح حالی، مقصّرید). به تحقیق که او بردبار و آمرزنده است (و مهلت می‌دهد تا بفهمید و می‌آمرزد اگر نفهمید)»^۱.

پس، هماهنگ با سراسر جهان هستی به یکتاپرستی پردازید. خدای متعال، پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان عامل وحدت و رحمت برای جهانیان معرفی نمود و وی را از هر نوع تفکر نژادی، تعصبی، قبیله‌ای و جغرافیایی به دور داشت: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ؛ ما تو را برای همه مردمان فرستاده‌ایم تا مژده‌رسان (مؤمنان به سعادت ابدی) و بیم‌دهنده (کافران به شقاوت دایمی) باشی؛ اما بیشتر مردم (از این معنی) بی‌خبرند». همچنین، قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ؛ و ما تو را جز رحمت برای تمام جهانیان نفرستادیم»^۲.

۱. اسراء، آیه ۴۴.

۲. سبأ، آیه ۲۸.

۳. انبیا، آیه ۱۰۷.

شکّی نیست که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، همواره در اندیشه و عمل برای وحدت و یکپارچگی مسلمانان تلاش می‌نمود و مبارزه کردن با عوامل اختلاف و سعی در ایجاد همبستگی و اتحاد امت اسلامی از برنامه‌های اولیه و اساسی او بود که در نهایت موفق به تأسیس آن امت واحدی شد که قرآن به آن اشاره می‌کند. «وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ»؛ ولی نباید تصوّر کرد وحدتی که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به وجود آورد، کاری ساده و بدون مشقّت بوده است.

قرآن کریم در اهمّیت و دشواری این کار بزرگ می‌فرماید: «وَ أَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَا أَلْفَتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و [خداوند] میان دل‌هایشان الفت انداخت که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می‌کردی، نمی‌توانستی میان دل‌هایشان الفت برقرار کنی؛ ولی این خدا بود که میان آنان الفت انداخت؛ چرا که او توانای حکیم است.^۱ بر اساس مضامین این آیه شریفه، این خدا بود که عرب‌ها را با وجود آن همه دشمنی شدیدشان، در پرتو اسلام دگرگون کرد و در میان آنان الفت ایجاد نمود و دل‌های پراز حقد و کینه آنان را به هم نزدیک و مهربان ساخت؛ به‌گونه‌ای که به تعبیر این آیه، اگر پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همه آنچه را که در زمین است، صرف این کار می‌کرد، نمی‌توانست میان دل‌هایشان انس و الفت برقرار نماید. در واقع، خداوند با هدایت آنان به سوی ایمان و دوستی و برادری، میانشان انس و الفت انداخت؛ چرا که خداوند بزرگ، عزیز و حکیم است و بر هر کاری تواناست و کارش از روی فلسفه و حکمت انجام می‌پذیرد.

استاد مطهری رَحِمَهُ اللهُ نیز در این باره می‌گوید: «ما می‌گوییم پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وحدت بی‌ظنری ایجاد کرد و خیال می‌کنیم تنها چیز مؤثر این بود که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ایمان به آنها یاد داد و بعد هم فرمان داد، متحد باشید و متحد شدند؛ فکر نمی‌کنیم که موانع اتحاد را که همان ناهماهنگی‌ها و ناهمواری‌ها و پستی و بلندی‌ها از ناحیه مواهب اجتماعی بود از بین برد، بلکه هم مقتضی را ایجاد کرد

۱. مؤمنون، آیه ۵۲.

۲. انفال، آیه ۶۳.

و هم موانع را از بین برد»^۱.

در دین مبین اسلام، بارها بر وحدت و اتحاد و برادری میان مسلمانان تأکید شده است و با آیاتی مانند آیه «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^۲، ندای آن را به اذهان تمام مسلمانان رسانده است و برای این امر مهم تنها به گفتار و دستور بسنده نکرده است؛ بلکه اسباب و عواملی را برای آن مقرر نموده است تا با تحقق وحدت که ثمرات آن به قول امام خمینی رَحْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ، قدرت، توسعه و دانش است، جامعه اسلامی به شکوفایی برسد.^۳ به همین منظور، مساجد در جوامع اسلامی یکی از محوری‌ترین عامل ایجاد وحدت میان مسلمانان است و به یقین، می‌توان اذعان نمود که در میان معابد و مراکز عبادی ادیان الهی، مسجد تنها مکانی است که تمام عناصر و اجزای آن وحدت‌آفرین بوده و نمادی از یگانگی، انسجام و وحدت در آن نمود یافته است. مسجد، هم به لحاظ شکلی و ظاهری و هم از نظر محتوایی و ماهیتی، دارای کارکردهایی است که غایت آن، ایجاد وحدت و یگانگی است.

در این مقاله، سعی بر آن است که در ابتدا واژه مسجد و جایگاه وحدت‌آفرین آن در آیات و روایات مورد بررسی قرار گیرد و سپس، رویکردها و کارکردهای آن در ایجاد وحدت مورد کنکاش قرار گیرد.

۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار ج ۹، ص ۱۵۱-۱۵۰.

۲. آل عمران، آیه ۱۰۳.

۳. امینی، منان، وحدت از دیدگاه علمای اسلام، ص ۳.

« واژه مسجد

مسجد، به معنی محل سجده، برگرفته از سجود، به معنای به خاک افتادن و خضوع و کرنش کردن در پیشگاه خداوند متعال است.^۱ در فرهنگ دینی، سجده اوج عبادت و بندگی انسان برای خداست و در روایات چنین آمده است: «السجود منتهی العباده من بنی آدم».^۲

در حقیقت، برترین و اصیل‌ترین محلّ برای عبادت و تقرّب جستن به خداوند متعال مسجد است. مسجد، جایگاه عبادت و پرستش خالصانه خداوند است.^۳ مسجد، جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است. قرآن در این مورد می‌فرماید: «وَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا دِينَ أَبِي بَكْرٍ الَّذِي هُوَ مِنَ الدِّينِ حَنِيفًا مَّا جَاءَكَ مِنَ الْبَيْتِ الْأَمِيِّ»^۴ انسان از خاک به افلاک است؛ همچنان قرآن کریم در مورد سیر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى».^۵

به اختصار می‌توان گفت که یکی از نقش‌های اساسی مسجد آن است که زمینه عبادت پر حضور و خالصانه را فراهم نماید تا مؤمنان در آنجا با پرداختن به نماز و ذکر و دعا، زنگار غفلت از دل و جان خود بشویند و با خداوند متعال - به معنای واقعی کلمه - انس بگیرند.

در پژوهش‌های باستان‌شناسان به وضوح دیده می‌شود که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از این‌رو، بزرگان دینی در سخنان خویش، همواره مسجد را پناهگاه مؤمن دانسته‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌یابد. امام صادق علیه السلام به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام رویارویی با مشکلات و اندوه‌های دنیوی، به نماز و مسجد پناه ببرند؛ زیرا خداوند در قرآن کریم دستور داده است که: «اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ

۱. جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۲، ص ۱۶۴.

۳. جن، آیه ۱۸.

۴. حج، آیه ۴.

۵. اسراء، آیه ۱.

وَالصَّلَاةِ^۱». ^۲توجه به نماز و راز و نیاز با پروردگار و آن هم در بیت الهی (مسجد)، نیروی تازه‌ای در انسان ایجاد می‌کند و او را برای رویارویی با مشکلات نیرو می‌بخشد.

مسجد، با ایجاد آشنایی و پیوند میان مؤمنان با بزرگان و صالحان جامعه، بستری مناسب برای پرورش و تربیت روحی - اجتماعی وی فراهم می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام و بسیاری از مکتب‌های تربیتی دیگر، «انزواطلبی» و «جمع‌گریزی» بیماری روحی شناخته می‌شود؛ در حالی که اجتماعی بودن و جمع‌گرایی، در حد معقول آن، نشانه سلامت روح و روان انسان و بیانگر تعادل فکری او به حساب می‌آید. مسجد، با فراخوانی پیوسته مسلمانان به جمع، روح جمع‌گرایی، وحدت و نظم‌پذیری را در آنان تقویت می‌کند و هر یک از افراد جامعه را به جای هویت «فردی گسیخته از دیگران»، دارای هویت «فردی پیوسته به دیگران» می‌کند.

^۱. بقره، آیه ۱۵۵.

^۲. وسایل الشیعه، ج ۵، ص ۲۶۳.

« تاریخچه مسجد در اسلام

در دین مبین اسلام، از آنجایی که مسجد نقش وحدت‌آفرینی میان مسلمانان ایفا کرده است، تمامی فعالیت‌ها نیز به مسجد ختم شده است؛ به طوری که هیچ فعالیت‌تی را نمی‌توان یافت که در آمیختگی و ارتباط با دین باشد، ولی به مسجد ختم نشده یا مرتبط با مسجد نباشد. این امر مهم، نشان از جایگاه و اهمیت محوری مسجد دارد. به همین دلیل، ساخت و آبادانی آن همواره از برنامه‌های اولیه شخص پیامبر ﷺ و یاران و تابعان بعد از وی تا اکنون بوده است. پیامبر خدا ﷺ در اولین هجرت به مدینه، اولین مکانی را که برای استقرار آیین اسلام بنا کرد، مسجد قبا بود تا مردم حول محور این مکان مقدس به کسب فضایل انسانی و آموزه‌های دینی و روح وحدت و همزیستی بپردازند و در آنجا هم‌نوا و یک‌دل در شبانه‌روز حداقل پنج یا سه بار دور هم گرد آیند؛ چرا که به مصداق حدیث گهربار پیامبر اکرم ﷺ که فرمودند: «يَدُ اللَّهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ»^۱، این گردهمایی در مسجد، همواره منشأ خیر و برکات معنوی و انسجام اسلامی برای فرد و جامعه انسانی است.

با نگاهی دیگر به نقش وحدت‌آفرین مساجد در جامعه اسلامی، می‌توان دریافت که در هر منطقه جغرافیایی که مسجد حضوری فعال دارد، شعاع نورانی وحدت در فضا آکنده است و اجتماعی آرام و بدون تنش و اختلاف قابل مشاهده است. در فضای کالبدی شهرها و روستاهای کشورهای اسلامی که مساجد همواره قلب تپنده و جوشان آن بوده‌اند، نه تنها همه شبکه راه‌های ظاهری، بلکه ارتباط درونی و قلبی اهالی آنها نیز به مسجد ختم می‌شود.^۲

« وحدت‌آفرینی مسجد در نگاه قرآن

قرآن کریم آیات بی‌شماری را درباره وحدت در میان جوامع اسلامی ارائه داده است؛ ولی چون مقاله حاضر در ارتباط مستقیم با نقش وحدت‌آفرینی مساجد است به همین دلیل، به آیاتی که به طور مستقیم درباره مساجد وارد شده است،

۱. میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۳۳، ح ۲۵۸۸.

۲. ماهنامه مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۲۲، ص ۸۸.

اکتفا می‌شود. در سوره جن، خدای سبحان مساجد را از آن خویش می‌داند و کسی نمی‌تواند حق مالکیت آن را داشته باشد. «وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»؛ و مساجد مخصوص پرستش ذات یکتای خداست، پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید^۱. در آیه دیگری، خداوند به تغییر قبله مسلمانان به سوی کعبه اشاره می‌کند و کعبه را رمزی برای اتحاد و یکپارچگی میان مسلمانان قرار داده و از طرف دیگر آن را رمزی برای هویت اسلامی و استقلال آن از دیگر ادیان و ملل معرفی می‌کند: «قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ»؛ ما نگاه‌های انتظارآمیز تو را بر آسمان [در انتظار وحی و تغییر قبله] می‌بینیم. اکنون روی تو را به قبله‌ای که خشنودت سازد، باز می‌گردانیم؛ پس، روی خود را به سوی مسجدالحرام کن و شما مسلمانان نیز در هر کجا باشید [هنگام نماز]، روی خود به سوی آن بگردانید و گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر قبله به حق و راستی از جانب خداست و خدا از کردار آنها (که مطیع و نیکوکارند و یا منافق و زشت‌رفتارند) غافل نیست^۲.

علامه اقبال لاهوری، درباره نقش وحدت‌آفرین قبله می‌گوید: تعیین قبله واحد برای نماز مسلمانان، به منظور تقویت و حفظ وحدت نظر عموم بوده است و شکل کلی آن به احساس مساوات اجتماعی و تحکیم پیوندهای آن، تحقق می‌بخشد؛ تا آنجا که می‌خواهد، بینش طبقاتی یا نظریه برتری قومی را از میان بردارد.^۳

در قرآن، آیات دیگری نیز درباره نقش وحدت‌آفرینی مساجد بیان شده است که ما به ذکر دو آیه درباره دو مسجد که خداوند یکی را عامل وحدت و دیگری را عامل تفرقه و انشقاق میان مسلمانان معرفی می‌کند، می‌پردازیم.

۱. جن، آیه ۱۸.

۲. بقره، آیه ۱۴۴.

۳. لاهوری، محمد اقبال، تجدید التفكير الاسلامی، ص ۱۰۸.

مسجد قبا، عامل وحدت

قرآن کریم، حق آبادانی و عمارت مساجد را خاص مؤمنان می‌داند و می‌فرماید: «إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخُشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ؛ جز این نیست که مساجد خدا را آن کس آباد می‌کند که به خدا و روز واپسین ایمان داشته باشد و نماز بگزارد و زکات پردازد و جز از خدا نترسد. امید است که اینان از رهیافتگان هدایت‌شدگان [باشند].»^۱

در آیه دیگری خداوند به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد که با جمع مؤمنان در مسجدی گرد هم آیند که بر اساس تقوا درست شده است و از مسجد ضرار که عامل تفرقه‌افکنی و نفاق در میان مسلمانان و ساخته منافقان است، دوری گزینند؛ آنجا که می‌فرماید: «لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَّمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ؛ تو ای رسول ما، هرگز در مسجد آنها قدم نگذار و همان مسجد [قبا] که بنیانش از اول بر پایه تقوا، محکم بنا گردیده تا اینکه در آن اقامه نماز کنی، سزاوارتر است [زیرا] که در آن مسجد، مردان پاکی‌اند که مشتاق تهذیب نفوس خود هستند و خدا مردان پاک و مهذب را دوست دارد.»^۲

مسجد ضرار، عامل تفرقه‌افکنی

منافقان و دین‌ستیزان که همواره در اندیشه تفرقه‌افکنی و ایجاد اختلاف و شکاف میان صفوف مسلمانان هستند، در زمان پیام‌آور خدا صلی الله علیه و آله اقدام به ساختن مسجدی نمودند که خداوند آن را به مسجد «ضرار» و ضربه زدن به اسلام نام نهاد. هدف منافقان این بود تا اتحادی را که مسجد در میان مردم به وجود آورده بود، به هم بزنند و با این کار، دوگانگی بین مسلمانان به وجود آورند؛ ولی خداوند متعال که حافظ دین خود است، به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور داد تا آن

۱. توبه، آیه ۱۸.

۲. توبه، آیه ۱۰۸.

را ویران کند و این کار، الگویی برای آیندگان باشد تا نقش اصلی مسجد که وحدت آفرین است، دستخوش شیطنت‌های تفرقه افکنانه مشرکان قرار نگیرد. قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَارْضَادًا لِّمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفْنَ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ؛ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا...؛ آن گروه منافقی که مسجدی برای زیان اسلام برپا کردند (که مردم به مسجد پیامبر و در نماز او حاضر نشوند) و مقصودشان کفر و عناد و ایجاد تفرقه بین مسلمانان و مساعدت به دشمنان دیرینه خدا و رسول بود و با این همه قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که (در بنای این مسجد)، جز قصد خیر و توسعه اسلام نداریم، خدا گواهی می‌دهد که به تحقیق دروغ می‌گویند؛ هرگز به آن وارد نشو.»^۱

داستان مسجد ضرار، برای عموم مسلمانان در هر عصر و دوران درسی است که هرگز نباید ظاهرین و سطحی نگر باشند و فریب افراد به ظاهر حق‌به‌جانب را بخورند؛ زیرا چهره نفاق و منافق در هر رنگ و لباسی، حتی در لباس طرفداری از قرآن و مسجد ممکن است ظاهر شود و مخالفان اسلام، ممکن است در لباس دین بر ضدّ دین فعالیت کنند. موضوع اتحاد میان مسلمانان، به قدری اهمیّت دارد که حتی اگر ساختن مسجدی در کنار مسجدی دیگر، موجب تفرقه و پراکندگی مسلمانان گردد، مسجد تفرقه‌انداز نامقدس است و خانه خدا نیست؛ بلکه کانون شیطان است.

کارکردهای وحدت آفرین مساجد

مساجد، به عنوان آموزشگاهی مردمی و همیشگی دارای کارکردهای بسیار متنوع و متعدّدی هستند که همگان را شب و روز و در تمام فصل‌های سال در برمی‌گیرد و هیچ شاگردی از پیر و جوان و کوچک و بزرگ را باز پس نمی‌راند و هیچ تشریفات و هزینه و قید و بندی ندارد. تمامی این کارکردها در عین تعدّد، در راستای هم و در یک خطّ معنوی واحد قرار دارند. در واقع، نوعی انسجام و وحدت در تمامی

۱. همان، آیات ۱۰۸-۱۰۷.

این نقش‌ها وجود دارد که در راستای هم و تقویت‌کننده یکدیگر هستند؛ چون هدف نهایی و غایی تمامی آنها در توحید و یگانگی خدا تبیین شده است و رمز و راز معنوی وحدت امت اسلام نیز توحید است و به عقیده اقبال لاهوری، توحید و یگانگی خدا، سرمایه اسرار و شیرازه افکار امت اسلامی است:

اهل حق را رمز توحید بر است
در آتی الرحمن عبداً مضمراً است
ملت بیضا تن و جان لا إله
ساز ما را پرده گردان لا إله
لا اله سرمایه اسرار ما
رشته‌اش شیرازه افکار ما^۱

با نگاهی دیگر به مسجد مشخص می‌شود که همه منابع موجود انسانی در آن در هدف، وحدت نظر دارند. هدف نمازگزاران، امام جماعت، هیئت امناء، خادم، بانی و واقف و ... همه یکی است و ابعاد معنوی، سرلوحه اعمال و افعال آنان در مسجد است.

اکنون در این نوشتار به مهم‌ترین مؤلفه‌های وحدت‌آفرین مسجد، از حیث کارکرد به اختصار اشاره می‌شود:

۱. مسجد و وحدت مؤمنان در پیروی از کعبه

در واقع، تمامی مساجد موجود در کره زمین دارای سمت و جهت واحدی است و سوی همگی آنها به طرف کعبه، اولین خانه خداپرستی و توحید قرار دارد. در حقیقت، همین ساختمان ظاهری مسجد، تمامی مسلمانان را نیز جهت می‌دهد و مسیر آنها را تنها به یک نقطه واحد منتهی می‌کند، نقطه‌ای که کمال و سعادت انسان، تنها با حرکت در این مسیر، روشن و تعیین می‌گردد: «وَ إِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَ اَمْنًا؛ [و به یاد آورید] آنگاه که خانه [کعبه] را پناهگاه و

۱. اقبال لاهوری، محمّد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال، مقدمه و شرح احوال احمد سروش، ص ۶۳.

مأواى امن مردم کردیم». اقرار گرفتن «کعبه» به عنوان قبله، برای تجلی وحدت مسلمانان و تجدید خاطرات ایثارگری و شرک ستیزی حضرت ابراهیم علیه السلام است و به این دلیل دارای قداست و احترام است.

۲. مسجد و وحدت در پخش اذان

به طور کلی، چهار نوع فراخوانی برای انجام عبادت و گردهمایی، برای یک مسلمان قابل تصور است؛ نخست، پخش اذان و فراخوانی در مسجد محله؛ دوم، فراخوانی مؤمنان برای مسجد مرکزی در شهر با عنوان مسجد جامع؛ سوم، فراخوانی مسلمانان به مصلاهی در یک منطقه برای نماز عید؛ چهارم، فراخوانی تمامی مسلمانان برای حجّ به کعبه و مسجدالحرام.

«صوت دلنشین مؤذن و پیام عمیق و رسای اذان، دعوت کننده مسلمانان به نماز جماعت است که در هر شبانه روز، سه یا پنج بار در اوقات صبحگاهان، نیمروز و شامگاهان به گوش مردم به طور کامل آشنا است. این وقت شناسی و دعوت همگانی، جزئی از فرهنگ جامعه اسلامی تلقی می شود؛ در صورتی که در غیر از این ساعات، اگر از مسجدی صدای اذان شنیده شود، به ذهن مردم عجیب به نظر می رسد».^۲

«صدای اذان و اوقات شرعی، به گونه ای است که آنی و لحظه ای در گستره کره زمین قطع نمی گردد؛ زیرا در هر لحظه، هر موقعیت جغرافیایی، واجد یک وقت شرعی در اوقات پنج گانه نماز است که به صورت مستمر و واحد و بانسجامی ناگسستنی، هیچ گونه خلل و یا وقفه ای در برآوردن بانگ توحید ایجاد نمی گردد و به طور دائم، صدای سروش آسمانی اذان در دایره زمین، از سوی نباتات و جمادات و موجودات زنده به آسمان بلند است».^۳

خداوند در آیه نخست سوره جمعه می فرماید: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ؛ آنچه در آسمان ها و زمین است، همواره

۱. بقره، آیه ۱۲۵.

۲. هاشمی سیدابوالقاسم و کنگاوری معصومه، تأثیر بناها و فضاهای مذهبی در جامعه اسلامی.

۳. موظف رستمی، محمدعلی، مقاله مسجد، نماد وحدت.

خدا را [به زبان قال و زبان حال] تسبیح می‌گویند؛ خدایی که مسلط [بر همه عالم هستی]، پاکیزه [از هر عیب و نقص]، مقتدر شکست‌ناپذیر [و دارای اتقان صنع در مرحله تکوین و متانت در تشریح] است.^۴ آری، صدای دلنشین اذان هر صبح و شام با عبارت «اشهد ان لا اله الا الله»، همگان را به وحدانیت خدا و دوری از شرک و بت پرستی دعوت می‌کند.

۳. مسجد و پیمان اخوت و برادری

اخوت و برادری، عاطفی‌ترین و صمیمی‌ترین نوع رابطه‌ای است که بین مسلمانان وجود دارد. به همین منظور، هنوز چند ماهی از حضور پیامبر گرامی اسلام ﷺ در مدینه نگذشته بود که آن حضرت در مسجدالنبی، با هدف ایجاد وحدت و اخوت، بین یاران، انصار و مهاجران، پیمان عقد اخوت بست و خود آن حضرت نیز با حضرت علی رضی الله عنه پیمان برادری بست. با توجه به نقش وحدت‌آفرین مسجد، از آن پس، بسیاری از اختلاف‌ها و درگیری‌های قومی، قبیله‌ای، طایفه‌ای و حتی خانوادگی رفع گردید و سرانجام بسیاری از دشمنی‌ها به دوستی و مودت مبدل گردید.

این سخن ژرف و بیدارگر از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرمودند: «ای مردم، همه شما فرزندان آدم هستید و آدم از خاک آفریده شده است. عرب را بر غیرعرب هیچ فضیلت و برتری نیست، مگر به تقوا و پرهیزگاری».^۵

همچنین، آن حضرت صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «المسلمون إخوة لا فضل لأحد علی أحد، إلا بالتقوى؛ مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوی».^۶

همچنین، از نعمان بن بشیر روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «تری

۴. جمعه، آیه ۱.

۵. حرّانی، ابی‌محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، ص ۳۴.

۶. متقی هندی، علاء‌الدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۱۴۹؛ سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، ج ۷، ح ۲۳۵۳۸.

المؤمنين في تراحمهم و توادهم و تعاطفهم، كمثل الجسد إذا اشتكى عضو تداعى له سائر جسده بالسهر و الحمى؛ مؤمنان در شفقت، دوستی و مهربانی با یکدیگر، مانند اعضای یکدیگرند که اگر عضوی از آن به درد آید، سایر اعضا بی‌قرار می‌گردند و تب می‌کنند»^۱.

مقام معظم رهبری نیز در این باره می‌فرماید: یکی از کارهایی که پیامبر ﷺ، شاید در همان ماه‌های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمانان بود؛ یعنی مسلمان‌ها را با هم برادر کرد. اینکه می‌گوییم با هم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی در حقیقت مسلمانان نسبت به یکدیگر دارای حق برادری هستند و نسبت به هم طلب کارند. پیامبر ﷺ این را عملی کرد.^۲

۵. مسجد و اتحاد در مشارکت اجتماعی

پیامبر اکرم ﷺ و وحدت مسلمانان را در حدیثی، به ساختمانی تشبیه می‌کند که اجزای آن یکدیگر را محکم می‌کنند: «المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً؛ ثم شبك بين أصابعه...؛ مؤمنان برای یکدیگر، مانند اجزای یک ساختمان هستند که باعث تقویت و استحکام یکدیگر می‌شوند. سپس، رسول خدا ﷺ انگشتانش را داخل یکدیگر نمودند (و با این کار استحکام را به حاضرین نشان دادند)»^۳. در کلام گهربار پیامبر اکرم ﷺ آمده است که آن حضرت، انگشت‌های دو دستش را در هم فرو برده و آن را به مخاطبان نشان می‌داد.

در حقیقت، در صفوف نماز مسلمانان در مسجد، نماد بارزی از اتحاد و یکپارچگی مسلمانان دیده می‌شود که در آن افراد توانگر در کنار افراد تهیدست و افراد کوچک در کنار افراد بزرگ و صاحبان منصب و مقامات در کنار سایر اقشار جامعه، به صف واحدی می‌ایستند؛ این صفوف به هم پیوسته آیه زیر را تداعی

۱. رک: مختصر صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۸۷، باب دهم، حدیث ۱۹۹۵.

۲. احمد، بشیر، اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث اندیشه تقریب، ویژه‌نامه انسجام اسلامی (۳)، سال ۱۳۸۷ هـ.ش، به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، اثر سزبان، فصلنامه خرداد، ۱۳۸۶ هـ.ش. ص ۱۵۸-۱۵۹.

۳. مختصر صحیح البخاری، ج ۲، ص ۵۹۰، باب شانزدهم، حدیث ۲۰۰۳.

می‌کند:

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ؛ خداوند کسانی را که در راه او متحد و یکپارچه در صف واحدی مانند دیوار سرب بزرگی می‌رزمنند، دوست دارد»^۱.

۶. مسجد و وحدت در نماز جماعت

نماز جماعت یکی از نمادهای وحدت و اتحاد در سطح جوامع اسلامی است که در شبانه‌روز ۳ یا ۵ وعده، مسلمانان برای این امر مهم فراخوان می‌شوند. گرچه در اسلام نماز جماعت فرض نشده است، اما در مقابل، اجر آن را بیست و هفت برابر از نماز فرادا بالاتر می‌داند.^۲ اسلام برای این گردهمایی، مؤمنان را روزانه در مسجد محله خودشان ۳ یا ۵ بار برای ادای نماز به صورت دسته‌جمعی و یک‌دلی فرا می‌خواند؛ سپس در سطح وسیع‌تری، برای نماز جمعه، مسلمانان را به اجتماع امر می‌کند. در نماز عید دایره شمول، باز هم وسیع‌تر می‌شود و حتی اسلام به مردان و زنانی که عذر دارند و نمی‌توانند نماز بخوانند، دستور می‌دهد در این اجتماع شرکت کنند.^۳ دین اسلام حتی به اجتماع مسلمانان در نگاه بین‌المللی و امت واحد اسلامی نیز توجه نموده و هر سال در قالب حج تمتع و عمره، میلیون‌ها مسلمان در سراسر جهان اسلام در این اجتماع بزرگ، چگونگی وحدت و اخوت و برادری را آموزش می‌بینند و به صورت عملی، چند روزی آن را تمرین می‌کنند.

به هر حال نماز، به خصوص نماز جماعت، نقش بسزایی در وحدت‌آفرینی نمازگزاران دارد؛ به‌گونه‌ای که بسیاری از مستشرقان نسبت به نماز و اثر عمیقش در نهاد آدمی، به‌ویژه نماز جماعت اظهار شگفتی کرده‌اند؛ در این باره «رنان»، فیلسوف فرانسوی، برخلاف کج‌فهمی‌هایی که از اسلام دارد، چنین می‌گوید: «من به هیچ مسجدی از مساجد مسلمانان داخل نمی‌شوم، مگر اینکه

۱. صف، آیه ۴.

۲. صحیح مسلم، حدیث ۶۵۰.

۳. همان، حدیث ۸۹۰.

احساسی از خشوع و حسرت به من دست می‌دهد، از اینکه [چرا] مسلمان نیستم». همچنین، «توماس آرنولد» درباره نماز می‌گوید: «این تکالیف عبادی منظم الهی، از بزرگ‌ترین نشانه‌های امتیاز نظام دینی مسلمانان در مقایسه با دیگران است که جهانگردان در سرزمین‌های شرقی ملاحظه می‌کنند؛ زیرا نحوه برگزاری بسیاری از آیین‌های دیگری که در سرزمین‌های اسلامی مشاهده می‌شوند، خالی از تأثیر معنوی است».^۲

۷. مسجد، عامل برابری و مساوات

در مساجد اسلامی و در صفوف به‌هم فشرده جماعت در آن، مساوات و برابری به‌طور وضوح دیده می‌شود. صاحب منصبان و مقامات با سایر اقشار جامعه، کارگر، کشاورز، دانشمند و دیگران در صفوف واحدی کنار هم دیده می‌شوند. بنابراین، هر کس زودتر به مسجد آمد، در صفوف جلو جای می‌گیرد. محمد اقبال لاهوری روشنفکر معاصر در این باره می‌گوید: «نماز جماعت در اسلام، علاوه بر ارزش فکری خود، به آرمان تحقق وحدت بشریت به عنوان یکی از حقایق زندگی اشاره می‌کند و این آرمان، فقط با برچیدن همه تفاوت‌ها و اختلافاتی که یک انسان را از دیگری متمایز می‌سازد، تحقق می‌پذیرد».^۳

علامه اقبال لاهوری در یکی از کتاب‌هایش، به برهمنی‌اشراف‌منش جنوب هند اشاره می‌کند و می‌گوید: «اگر اینها با طبقه نجس‌ها هم‌ردیف و پهلو به پهلو در یک صف واحد در می‌آمدند، انقلاب عظیم معنوی را به ارمغان می‌آورد».^۴

در حقیقت، همه روز در مسجد، چهره‌ها با هم روبه‌رو می‌شوند و زبان‌ها با یکدیگر زمزمه می‌کنند و دل‌ها با هم انس می‌گیرند. کدام وحدت و برابری از وحدت نمازگزاران در جماعت که پشت سر امام واحدی می‌ایستند و خدای واحدی را می‌خوانند و کتاب واحدی را قرائت می‌کنند و به سوی قبله واحدی رو

۱. آرنولد، توماس، الدعوه الی الاسلام، ص ۵۰.

۲. همان.

۳. لاهوری، تجدید التفکیر الاسلامی، ص ۱۰۸.

۴. همان.

می‌کنند و کارهای یکسانی، از قبیل قیام، قعود، رکوع و سجود انجام می‌دهند؛ کامل‌تر و عمیق‌تر است؟ این وحدتی است که در سطح ظاهر و پوخته نمی‌ماند؛ بلکه به مغز و هسته رسوخ می‌کند و وحدتی در قالب نگرش، هدف، جهت و عمل را به بار می‌آورد.

کدام تصویر، جالب‌تر و زیباتر از منظره مسجد پیامبر در مدینه دیده می‌شود که نژادهای گوناگون غیرعرب، مانند صهیب رومی، سلمان فارسی و بلال حبشی را در بر می‌گرفت و قبایل مختلفی از انصار قحطانی و مهاجران عدنانی را در دامن خود پرورش می‌داد؛ آنچنان پرورشی که یکی از آنان ترجیح می‌داد که خود گرسنه بخوابد، اما برادر و خواهر ایمانی‌اش سیر باشند. قرآن می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ؛ و انصار مدینه، مهاجران مکه را بر خود ترجیح می‌دهند، هرچند که خود سخت نیازمند بودند»^۱.

در مسجد، امتیازات و تبعیضات مقامی، مالی، نژادی و رنگی، ناپدید می‌شود و تمام محیط آن از هوای پاک برادری، برابری و محبت، آکنده است. این نعمت بزرگی است که آدمی، روزانه در میان دنیایی تیره از اختلاف و جدال، پنج یا سه بار، از فضای دوستی و آرامش کامل بهره‌مند می‌گردد.

۱. حشر، آیه ۹.

« نتیجه سخن

بدون تردید، در میان معابد و مراکز عبادی ادیان الهی، مسجد تنها مکانی است که تمام عناصر و اجزاء آن وحدت‌آفرین بوده و نمادی از یگانگی، انسجام و وحدت در آن نمود یافته است. مسجد، هم به لحاظ شکلی و ظاهری که در قالب اجزاء و عناصر مختلف شکل یافته است و هم از نظر محتوایی و ماهوی، دارای کارکردهای افعالی و اعمالی است که غایت آنها ایجاد وحدت و یگانگی است. در شریعت اسلام، محور و کانون تمامی فعالیت‌ها به مسجد ختم می‌شود و هیچ فعالیت و فعلی را نمی‌توان یافت که در آمیختگی و ارتباط با دین باشد، ولی به مسجد ختم نشده، یا مرتبط با مسجد نباشد؛ این امر مهم نشانگر جایگاه و اهمیت محوری مسجد است.

مساجد در میان تمام مذاهب و فرق مختلف اسلامی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و همگی بر منزلت و شأن این مکان الهی و قدسی اتفاق نظر دارند و از این نظر نیز از صدر اسلام تاکنون، نه تنها هیچ تغییری از نظر شکلی و ماهوی نتوانسته که به اصل، بنیان و شأن مسجد خدشه‌ای وارد سازد، بلکه در طول تاریخ، تنها همین مکان به عنوان محوریت وحدت از منظر و بعد مکانی روز به روز به نقش و کارکردهای آن افزوده شده و شاهد افزایش نقش‌آفرینی آن نیز بوده‌ایم و هیچ مکان جایگزینی که بتواند نقش مسجد را ایفا کند، تاکنون در هیچ یک از فرق و مذاهب اسلامی مشاهده نشده است.

مسجد، به عنوان ظرف مکانی که روح توحیدی، وحدانیت و یکتاپرستی در آن ترویج و تبلیغ می‌شود، دارای کارکردهای بسیار متنوع و متعددی است. تمامی این کارکردها در عین تعدد در راستای هم و در یک خط معنوی واحد قرار دارند. در واقع، نوعی انسجام و وحدت نانوشته، در تمامی این نقش‌ها وجود دارد که همه آنها نسبت به هم، همپوشی داشته و تقویت کننده یکدیگر هستند؛ چون هدف نهایی و غایی تمامی آنها در «کلمه الله» و کمال انسان تبیین شده است و آنچنان از تجانس و انسجام برخوردار هستند که هیچ یک از کارکردها در تناقض یا نفی دیگر کارکردها، عمل نمی‌کنند؛ بلکه همه آنها در مسیر اتحاد و

همبستگی برای عروج و کمال انسان قدم می‌گذارند. همه منابع موجود انسانی در مسجد در هدف، وحدت نظر دارند. هدف نمازگزاران، امام جماعت، هیئت امناء، خادم، بانی و واقف و ... همه یکی است و ابعاد معنوی، سرلوحه اعمال و افعال آنان در مسجد است.

بنابراین، مسجد کشتزاری است که تعالیم نظری دین، در محدوده آن، مورد آزمایش قرار می‌گیرد و اصول انسانی آن، آماده اجرا می‌شود.

یکی از ویژگی‌های شریعت حیات‌بخش اسلام، این است که اصول خود را به صورت امری ذهنی یا حرف محض، بر سر زبان قرار نداده است؛ بلکه آن را به زندگی روزانه فرد پیوند داده است؛ از این‌رو اتحاد، آزادی، برابری و برادری به شکل حقایق علمی و حقیقی در مسجد آموزش داده می‌شوند.

پیشینیان ما ارزش و کارکرد مسجد را به عنوان انجمنی فراگیر شناخته بودند و به همین منظور عقد ازدواج خود را در پیروی از حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد انجام می‌دادند: «أَعْلِنُوا هَذَا النِّكَاحَ وَاجْعَلُوهُ فِي الْمَسَاجِدِ». ^۱ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با برگزاری مراسم عقد ازدواج حضرت فاطمه علیها السلام و حضرت علی علیه السلام در مسجد، به افزایش نقش آفرینی مسجد کمک شایانی کرد. اگرچه این سنت، امروزه کمتر در کشور ما صورت می‌گیرد؛^۲ اما در برخی از کشورهای اسلامی این سنت حسنه را جاری می‌نمایند.

«به دستور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، سفره وسیعی در مسجد گسترده و بسیاری از زنان و مردان مسلمان پذیرایی شدند و آنگاه عروس و داماد را به مسجد فراخواندند و دست حضرت فاطمه علیها السلام را در دست حضرت علی علیه السلام گذاشتند و برای آن دو دعا کردند».^۳

علاوه بر اینکه فرد در مسجد، به صورت عملی درس وحدت و بسیاری از مفاهیم را فرا می‌گیرد، درس آزادگی را نیز تجربه می‌کند و از هر نوع بندگی، جز بندگی

^۱ سنن الترمذی، باب اعلان النکاح، ح ۲۶۸.

^۲ ضرورت احیاء این سنت پسندیده با توجه به افزایش روزافزون هزینه ازدواج با هدف افزایش پیوند خانوادگی که در راستای انسجام جامعه و ارزش‌های اسلامی صورت می‌گیرد، لازم به نظر می‌رسد.

^۳ بحارالانوار، ج ۴۳ ص ۱۱۴ - ۱۲۰.

خدا آزاد می‌گردد؛ این، همان آزادی وجدان انسانی و بالاترین نوع آزادی‌ها است؛ اما درباره آزادی عقیده، همین بس است که هرگاه امام در گفتار یا کردار خود در نماز دچار اشتباهی شود، نمازگزاران موظف به اصلاح خطای او هستند و این مورد برای پیر، جوان، مرد و زن، یکسان است.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« ابن ابی عاصم، السنه، بیروت، المكتبة الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۰هـ.ق.
« آرنولد، توماس، الدعوه الی الاسلام، ترجمه: حسن ابراهیم حسن، عبدالمجید عابدین و اسماعیل النحرای، مصر، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، چاپ دوم، ۱۹۷۱م.
« امینی، منان، وحدت از دیدگاه علمای اسلام، انتشارات کرمانشاه، ۱۳۸۶ هـ.ش.
« الترمذی السلمی، ابوعیسی محمدبن عیسی (متوفای ۲۷۹هـ)، سنن الترمذی (جامع ترمذی)، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ.ق.
« جعفریان، رسول، آثار اسلامی مکه و مدینه، انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری مشعر، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹ هـ.ش.
« اقبال لاهوری، محمد، کلیات اشعار فارسی مولانا اقبال، مقدمه و شرح احوال احمد سروش، تهران، انتشارات کتابخانه سنایی، ۱۳۴۳ هـ.ش.
« _____ تجدید التفکیر الاسلامی، ترجمه عربی: عباس محمود، مصر، قاهره، ۱۹۵۵م.
« قشیری نیشابوری، ابی الحسن مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، بیروت، دارالفکر. ۱۴۰۱هـ.ق.
« مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲هـ.ش.
« متقی هندی، علاءالدین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۴۰۹هـ.ق.
« مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۹، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« هاشمی، سیدابوالقاسم و کنگاوری، معصومه، تأثیر بناها و فضاهاى مذهبی در جامعه اسلامی.
« سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴هـ.ق.

سایت اینترنتی و مجلات

- « اندیشه تقرب، ویژه نامه انسجام اسلامی (۳)، ۱۳۸۷ بشیر احمد، اتحاد و انسجام اسلامی در آئینه چهل حدیث، به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، سبزیان، خرداد ۱۳۸۶ هـ.ش.
« بخاری جعفی، محمد بن اسماعیل، مختصر صحیح البخاری، مختصر: ابوالعباس زین الدین احمد بن احمد بن عبداللطیف الشرجی الزبیدی، مترجم: عبدالقادر ترشابی، انتشارات حریمین، زاهدان، چاپ اول، بهار ۱۳۸۴.
« ابن شعبه حرّانی، ابی محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبه، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، تهران، کتابفروشی اسلامیه، ۱۴۰۰هـ.ق.
« موظف رستمی، محمدعلی، مسجد، نماد و وحدت، (فرم، معنا و کارکرد)، ماهنامه مسجد، سال هفدهم، شماره ۱۳۲، آذر ۱۳۸۷هـ.ش، قابل دسترس در: www.ido.ir



نقش سیاسی مساجد در عصر پیامبر ﷺ و امام علی ﷺ و در عصر حاضر

حسنعلی محمودی

« چکیده

نگارنده در این نوشتار، در پی تبیین نقش سیاسی مسجد به‌طور مستقل، در عصر پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ﷺ و عصر حاضر است. این تحقیق در صدد ارائه الگویی مدوّن از کارکرد سیاسی مسجد در زمان پیامبر اسلام ﷺ، بنیان‌گذار اصلی و نخستین این نهاد مقدّس است تا معیاری برای کارکردهای سیاسی مسجد در عصر حاضر باشد. در این راستا، نگارنده با استناد به آیات، روایات و کتاب‌های معتبر، در سه فصل به تبیین و تشریح موضوع پرداخته است؛ در فصل اوّل، کارکردهای سیاسی مسجد در عصر پیامبر اکرم ﷺ و در فصل دوّم، کارکردهای سیاسی مسجد در عصر امام علی ﷺ بحث شده است. در فصل پایانی، کارکرد سیاسی مسجد در عصر حاضر، به‌ویژه نقش مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدّس و همچنین، نقش و کارکرد مسجد در عصر ظهور مهدی موعود ﷺ به اختصار مورد بررسی قرار گرفت.

« واژگان کلیدی:

مسجد، کارکرد سیاسی، عصر حکومت امام علی ﷺ، عصر حاضر، عصر ظهور.

« مقدمه

۱- تبیین موضوع:

مسجد در اسلام تنها معبد و جای عبادت نیست و همچنین، عبادت در اسلام، تنها دعا، نیایش و انجام امور مخصوص که در ادیان به این نام وجود دارد، نیست؛ بلکه جهاد نیز جزئی از عبادت است. به بیان دیگر، مسجد در اسلام، کانون عبادت است؛ اما عبادتی که دامنه تعریف و وسعت آن، چگونگی کلیه امور مربوط به حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جهان اسلام را در برمی گیرد.

۲ - ضرورت انجام تحقیق:

مسجد دارای کارکردهای متنوع در هر عصر و زمانی بوده است؛ از جمله کارکردهای مسجد، نقش سیاسی آن است. در دنیای امروز که اسلام به عنوان یک دین جدای از سیاست نیست، مسجد و کارکرد سیاسی آن به صورت جدی مطرح گردیده است. ضرورت ایجاب می کند که یک الگوی مدونی از کارکرد سیاسی مسجد در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که بنیان گذار اصلی و نخستین این نهاد مقدس بوده است، تهیه کنیم تا بتوانیم معیار سنجشی برای کارکردهای سیاسی مسجد در عصر حاضر داشته باشیم. از آنجایی که جانشین بر حق پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله بر اساس آیه شریف «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ...»^۱ امام علی علیه السلام است، ارزش و اهمیت کارکرد و نقش سیاسی مسجد در عصر آن حضرت، کمتر از زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله نیست. از این رو، بررسی این دوره نیز نگرش بهتری در کارکرد سیاسی این کانون مقدس ارائه می دهد. بنابراین، چگونگی استفاده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام از مسجد در امور سیاسی و تقویت بنیه حکومت اسلامی و مقابله با تهاجم فرهنگی بیگانه و مبارزه علیه حکومت های طاغوتی و استعماری و اتحاد ملی و انسجام اسلامی، الگوی شایسته ای برای بهره گیری از کارکردهای سیاسی مسجد در عصر کنونی است.

۳ - امتیاز تحقیق حاضر:

۱. مائده، آیه ۶۷.

با بررسی و کندوکاوی که در حدّ توان صورت گرفت، مشخص گردید که نقش و کارکرد مسجد در زمینه‌های مختلف به صورت جزئی و پراکنده در تحقیقات مشابه اشاره شده است؛ اما در هیچ یک از تحقیقات، به صورت مستقل به موضوع مسجد و نقش سیاسی و کارکردهای آن در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام پرداخته نشده است. از این‌رو، پژوهش در مورد موضوع کارکردهای سیاسی مسجد در دو عصر بیان شده و مقایسه آن با عصر کنونی، این تحقیق را از تحقیقات دیگر متمایز می‌نماید که خود از امتیازات این پژوهش است.

۴ - سؤالات اصلی و فرعی

۴-۱) سؤالات اصلی

۱. کارکرد و نقش سیاسی مسجد در عصر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام چگونه بوده است؟
۲. مهم‌ترین شاخصه‌های کارکرد سیاسی مسجد در این دو عصر چیست؟
۳. مسجد در عصر کنونی از جهت سیاسی چه نقشی را می‌تواند ایفا نماید؟

۴-۲) سؤالات فرعی

۱. کارکرد سیاسی مسجد چیست؟
۲. مهم‌ترین شاخصه‌های نقش سیاسی مسجد در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام چه بوده است؟
۳. نقش سیاسی مسجد در عصر حاضر چیست؟
۴. نقش سیاسی مسجد در دوران مشروطیت، در پیروزی انقلاب اسلامی چگونه بود؟
۵. نقش مسجد در تداوم و حفظ دست‌آوردهای انقلاب اسلامی چیست؟

۵- فرضیه تحقیق

مسجد در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و در دوران حکومت امام علی علیه السلام جایگاه و نماد سیاست و حکومت بوده است. به عبارت دیگر، مسجد کانون حرکت‌های سیاسی و حکومتی در صدر اسلام و نماد حکومت و دیانت بوده است.

« کارکرد سیاسی مسجد

واژه‌های دین و سیاست، در آیین مقدّس اسلام، مقوله واحدی را تشکیل می‌دهند. به عبارتی دیگر، عبادت و سیاست یک عنصر هم‌شکل هستند که به موازات هم در جهت اعتلای کلمه الله تعریف و تجلّی می‌یابند و به هیچ‌وجه قابل تفکیک از یکدیگر نیستند.

«بر اساس آمیزه دین و سیاست در اسلام، اعمال عبادی و سیاسی آن نیز از مرکزیت «مسجد» هدایت‌پذیر بوده و لوای بلند اسلام با علامت مخصوص «عبادت و سیاست»، در ستیغ قلوب عارفان جهان به اهتزاز در آمده است.^۱ بر این اساس، از جمله کارکردهای مهمّ مسجد، «کارکرد سیاسی» آن است که از زمان رسول خدا ﷺ بر آن تأکید شده و هم‌اکنون نیز اهمّیت آن به‌طور کامل مشخص است. بر همین اساس، آن حضرت پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز، بیشتر امور سیاسی آن روز مانند معرفّی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و ... در مسجد صورت می‌گرفت.

مسجد همواره محلّ تربیت مجاهدانی نستوه، حق‌گرا و ظلم‌ستیز بوده است. به همین دلیل، در طول تاریخ مسجد و مسجدیان، با حکومت‌های ناصالح و فاسد در ستیز و مبارزه بوده و حکومت‌های فاسد و ظالم را به عنوان منکری بزرگ می‌دانستند.

با مطالعه در تاریخ قیام‌ها در دوره‌های مختلف تاریخی به روشنی در می‌یابیم که بسیاری از حرکات‌های سیاسی مردم بر ضدّ حکومت‌های جابر و ظالم زمانه خویش، از طریق تشکّل‌های غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. اگرچه مساجد صحنه برخورد با حکومت‌ها بود، اما «نه به سبب درگیری مذهبی، بلکه به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. بنابراین، توده‌های مردم که با رهنمودهای علمای دین

^۱. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۵۰.

آگاه می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های جابر زمان اعلام می‌کردند؛ به‌طور معمول منشأ اکثر حرکت‌های شیعی از مساجد است.^۱ امروز نیز مسجد پایگاهی برای حفظ وحدت مسلمانان و کوشش آنها برای جلوگیری از توطئه‌های دشمنان است. در مسجد، همه افراد بدون در نظر گرفتن سودهای شخصی و منفعت کسب و کار دورهم جمع می‌شوند و همین احساس یگانگی و وحدتی که در مسجد به وجود می‌آید، مانع به ثمر رسیدن توطئه‌های دشمن می‌شود.

نکته شایان ذکر آنکه آنچه مساجد را به یک کانون سیاسی و عبادی مبدل می‌کند، اجتماع مسلمانان در آن برای انجام فرایض دینی است و در سایه این تجمع و دسترسی به آحاد مسلمانان در جامعه اسلامی، کارکرد سیاسی مسجد، از رونق بیشتری برخوردار می‌گردد. به هر حال، درست است که مسجد در اسلام محلّ عبادت و جایگاه ارتباط بنده با خدا است، اما نه عبادت خشک و خالی و به دور از نگرش‌های اجتماعی و سیاسی، بلکه مسجد در اسلام در عصرهای متمادی، کارکردهای فراوانی داشته و یکی از کارکرد مهمی که حائز اهمیت است، کارکرد سیاسی مسجد است که عبارت است از پیوند مسجد با امور اداری و حکومتی و فعالیت‌های سیاسی که مربوط به سرنوشت جامعه است؛ زیرا اسلام، دینی است که در آن رابطه مستقیم بین فعالیت‌های عبادی و سیاسی وجود داشته و دارد. این ارتباط به روش‌های متعدد قابل تصوّر و درک است که از آن جمله، می‌توان به خطبه‌های نماز جمعه و تبیین مسائل حکومتی و سیاسی و مسائل مهم اجتماعی توسط خطیب نماز جمعه اشاره کرد.

مسجد به همراه حکومت‌های صالح مانند یک پایگاه مهم عمل می‌کند. مسجد و حکومت اسلامی با آنکه جنبه‌های مردمی خود را به‌طور کامل حفظ می‌کند، ارتباط تنگاتنگی نیز با حاکمیت جامعه دارد؛ این ارتباط تا آنجاست که می‌توان آن را یک نهاد مردمی و حکومتی نامید. از این‌رو، حاکم اسلامی می‌تواند به صلاح‌دید خود در اداره امور آن دخالت کند.

^۱ . شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۳.

مسجد در این هنگام از یک سو، بازوان حکومت و اهرمی توانمند برای رهبری جامعه اسلامی است و در عین حال، چونان چشمان امین برای حاکمیت اسلامی عمل می‌کند. مسجد با نظارت دقیق و مردمی، عملکرد دستگاه‌های حکومتی را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. مسجد، همچون دوستی نیک‌اندیش و خیرخواه در سختی‌ها و مشکلات یار و یاور حکومت صالح است؛ هم‌عیب‌ها و نقص‌ها را بازگو می‌کند و هم در راستای رفع آنها می‌کوشد.

گفتار ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و سیره عملی آنان نیز بیانگر این است که «مسجد سنگ بنای حکومت اسلامی» است و حکومت اسلامی، نقطه آغاز ایجاد دولت کریمه جهانی به امامت و رهبری امام مهدی موعود (علیه‌السلام) است، بنابراین، نقش مساجد در تهذیب نفس و تربیت نیروی انسانی صالح و منتظر، برای ایجاد عدالت و فراهم کردن زمینه تشکیل حکومت حضرت مهدی (علیه‌السلام) بر کسی پوشیده نیست.

از دیگر جنبه‌های ارتباط مسجد با حاکمیت جامعه، نقش مسجد در پرورش نیروهای متعهد است که حکومت اسلامی به آنها نیاز دارد؛ زیرا این مسجد است که بار هدایت فکری و تربیتی نیروهای جامعه را بردوش دارد.

همچنین مسجد، نقشی مهمی در شناسایی نیروهای انسانی و کارآمدی دارد که نظام اسلامی نیازمند آن است؛ زیرا به‌طور معمول کسی که در مسجد حضور پیدا می‌کند، بخش مهمی از استعداد و توانایی‌هایش آشکار می‌گردد. در سایه رفت‌وآمد در مسجد، خلق و خوی افراد، آداب و منش‌های افراد تا اندازه زیادی هویدا می‌شود. این شناسایی در روابط افراد با یکدیگر سازنده و مؤثر است. حکومت اسلامی نیز می‌تواند از این گذر، نیروهای متعهد و مورد نیاز جامعه را بشناسد.

بنابراین، مسجد در شناساندن افراد با استعداد و کارآمد توانایی فراوانی دارد و این شناسایی را رایگان در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌دهد. در حالی امروز در جهان، حکومت‌ها بودجه‌های هنگفتی برای شناسایی افراد و نیروهای کارآمد جامعه مصرف می‌کنند.

برای اینکه بیشتر با کارکردهای سیاسی مسجد آشنا شویم، در این نوشتار،

کارکرد سیاسی مسجد در اعصار سه‌گانه: «عصر پیامبر اکرم ﷺ»، «امام علی (علیه السلام)» و «عصر حاضر» مورد توجه قرار می‌گیرد.

« فصل اول: کارکردهای سیاسی مسجد در عصر رسول خدا ﷺ »

دو واژه «دین و سیاست» در آیین مقدس اسلام، مقوله واحدی را تشکیل می‌دهند. به عبارت دیگر، عبادت و سیاست یک عنصر هم‌شکل هستند که به موازات هم در جهت اعتلای کلمه‌الله تعریف و تجلی می‌یابند و به هیچ‌وجه قابل تفکیک از همدیگر نیستند. آنان که وجود یکی از این دو عنصر را مزاحم دیگری تلقی کرده‌اند، به بیراهه رفته و مخاطب کلام الهی‌اند که در قرآن چنین فرمود: «فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ پس، به کجا می‌روید؟»^۱

هرچند که دین، تمام شئون زندگی بشری را شامل می‌شود و جامع‌نگر است، در سیاست خلاصه نمی‌شود؛ اما نکته حائز اهمیت این است که بقا و دوام دین و پاس‌داشت حدود و ثغور شریعت، مرهون سیاست دینی است. دین، زمانی بر سر جماعتی سایه‌افکن می‌شود که از جانب سیاست سالمی محافظت گردد و رهیافت‌های سیاسی جامعه با آموزه‌های دینی منطبق باشد.

امام علی (علیه السلام) فرمود: «غایه‌الدین، الامر بالمعروف و نهی عن المنکر و اقامه الحدود؛ هدف دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است».^۲

بر اساس آمیزه دین و سیاست در اسلام است که اعمال عبادی و سیاسی آن از یک مرکز (مسجد) هدایت پذیر بوده و لواء بلند اسلام با علامت مخصوص «عبادت و سیاست» در ستیغ قلوب عارفان جهان به اهتزاز در آمده است.^۳

مسجد، در جامعه اسلامی همواره از نظر سیاسی، اجتماعی، عبادی و فرهنگی نقش اساسی داشته و قلب جامعه اسلامی است. اهمیت مسجد با تأکید آیات وحی، کلام گهربار معصومان (علیهم السلام) و نقش تاریخی که در تمدن اسلامی ایفا کرده، بی‌نیاز از دلیل و برهان است. شناخت این نیایش‌گاه الهی در مدینه‌النبی برای جامعه امروز ما و دنیای معنویت‌گرا اهمیت بسیار دارد؛ چرا که مسجد در طول تاریخ، خاستگاه آموزش‌های فرهنگی و نظامی و نمایشگاه هنرهای اسلامی و آوردگاه رقابت‌های ادبی بوده است.

۱. تکویر، آیه ۲۶.

۲. غررالحکم، ج ۲، ص ۴۵، شماره ۲۸.

۳. رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، ص ۲۹.

از آنجایی که در حکومت اسلامی میان مقامات مسئول و توده‌های مردم جدایی نیست، مسلمانان می‌توانند بر مسیر و جهت‌گیری‌های حکومت و بر روند امور جامعه نظارت کنند و موضع خود را در مسائل سیاسی به‌طور آشکار اعلام کنند. مردم می‌توانند با ارائه برنامه‌ها، طرح‌ها و پیشنهادهای سازنده حکومت را یاری دهند. بر همین اساس، پیامبر اسلام ﷺ، پس از بنیان‌گذاری نظام نوین اسلامی در مدینه، به منظور دخالت مسلمانان در شیوه حکومت و آشنا ساختن آنان با اهداف سیاسی اسلام، مسجد را که مرکز عمومی و محلّ تجمّع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. به گواهی تاریخ، مسجد در عصر رسول خدا ﷺ در عرصه‌های مختلف از توانمندی‌های بالایی برخوردار بود و کارکردهای فراوانی، مانند کارکردهای اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، تربیتی و ... را دارا بود که ما درصدد بیان همه آنها نیستیم. در این مقاله فقط کارکردهای سیاسی مسجد در عصر پیامبر گرامی ﷺ مورد توجه قرار گرفته و به شاخصه‌های آن اشاره می‌شود.

۱. مسجد پایگاه نظامی مسلمانان

جامعه‌ای که در راه تحقق ارزش‌های اسلامی گام بر می‌دارد، هیچ‌گاه از ستیز و عناد دشمنان دین در امان نمی‌ماند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید: «وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّى يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ؛ و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا اگر بتوانند شما را از دینتان برگردانند»^۱.

از این‌رو، شریعت دین مقدّس اسلام، جهاد و دفاع از دین را در شرایط خاصّ که راه دیگری غیر از جنگ وجود ندارد، امضاء نموده است. به گواهی تاریخ، پیامبر اسلام در طول ۲۳ سال دعوت خویش، پیوسته در حال مبارزه و جنگ‌های کوچک و بزرگ با دشمنان داخلی و خارجی بودند. این مبارزات مقدّس که اسلام در سایه آن به عنوان مکتب نجات‌بخش بشریت زنده ماند؛ پس از هجرت آن حضرت در مدینه و پی‌ریزی حکومت اسلامی صورت گرفت؛ به‌گونه‌ای که

۱. بقره، آیه ۲۱۷.

مسلمانان در طول دوران ده‌ساله حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه بیش از هفتاد جنگ و درگیری داشتند.^۱

از سوی دیگر، در جهاد اسلامی، رسیدن به پیروزی، همواره در گرو برخورداری از نیروهای رزمنده، مؤمن، معتقد و مکتبی است. مسجد، در این زمینه نقش حیاتی را ایفا می‌کند؛ زیرا در حقیقت، رزمندگان مدافع اسلام، پرورش یافته مساجد هستند.

مسجد در فضای قدسی و طهارت و شکوفایی علمی، فرهنگی، تربیتی خود بذر ایمان، معرفت و آگاهی و روشن‌بینی دینی را در جان و دل جوانان حق‌جو می‌پرورد. گاهی دست‌پرورده‌های مسجد چنان به بار می‌نشینند که حتی مرئیان خود را هم دچار شگفتی می‌کند. آنان در نهایت، خار چشم دشمنان دین و مایه عزت و آبروی مسلمانان می‌شوند. خدای تعالی ستم‌ستیزی این‌گونه مسلمانان پارسا و جهادگر را چنین ترسیم می‌نماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَى عَلَى سُوقِهِ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيغِيظَ بِهِمُ الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا» محمد صلی الله علیه و آله پیامبر خداست و کسانی که با او هستند، بر کافران، سخت‌گیر [و] با همدیگر مهربان هستند. آنان را حال در رکوع و سجود می‌بینی. آنان فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود، در چهره‌هایشان مشخص است. این صفت آنها در تورات و مثل آنها در انجیل است که چون کشته‌ای است که جوانه خود برآورد و آن را مایه دهد تا ستبر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده است.^۲

۱. واقدی، محمدبن عمر، المغازی، ص ۲۶.

۲. فتح، آیه ۲۹.

پس مسجد از یک سو، مهد و پرورش‌گاه نیروهای مدافع اسلام بوده است و از سوی دیگر، به هنگام بروز جنگ و پیدایش ناامنی در جامعه، مسجد بسان پایگاه و سنگری استوار برای رزمندگان اسلام در عصر رسول خدا ﷺ عمل می‌کرده است. چنان‌که واقدی در کتاب مغازی در شرح حوادث جنگ احد چنین می‌گوید: «بزرگان اوس و خزرج، مانند سعدبن عباد، سعدبن معاذ و اسیدبن حضیر همراه عده‌ای، در حالی که مسلح‌شدن بودند، شب جمعه را در مسجد کنار خانه پیامبر اکرم ﷺ گذراندند. به دلیل اینکه از شیخون مشرکان بیم داشتند، شب جمعه از مدینه پاسداری کردند تا آنکه صبح شد»^۱.

علاوه بر این، در هر مسجدی، نقطه‌ای بنام محراب ساخته می‌شود. محراب از ماده حرب به معنای جنگ است و این موضوع به این مناسبت است که مسلمانان این نکته را در مساجد در نظر داشته باشند که برای نیل به کمالات مورد نظر و تحقق ارزش‌های اسلامی و دفاع از کیان اسلام و حفظ جامعه اسلامی، از گزند دشمنان، گاهی راه دیگری جز جنگ با دشمنان داخلی و خارجی وجود ندارد.^۲ البته این بدین معنا نیست که اسلام جنگ طلب باشد؛ بلکه اسلام صلح و صفا و همزیستی مسالمت‌آمیز با بقیه مذاهب و ادیان را در قدم اول پیشنهاد می‌کند. بنابراین، در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست»^۳.

مسئله جنگ و جهاد در اسلام، احکام و شرایط خاص خودش را دارد که در شرایط اضطراری به عنوان آخرین راه‌حل تشریح شده است. تبلیغات مسجد، مسئله جنگ را در شرایطی که راه دیگری غیر از جنگ وجود نداشته باشد، به عنوان یک مسئله فراموش‌نشده در ذهن‌ها زنده نگه می‌دارد و همزمان، فرهنگ ایثار، فداکاری، جهاد و شهادت را که مایه عزت و سرافرازی مسلمانان است، شکوفایی می‌بخشد.

۱. واقدی، المغازی، ص ۱۵۲

۲. فتحی و آجارگاه کورش، تأملی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل)، ص ۲۷.

۳. انفال، آیه ۶۱.

به خاطر رابطه تنگاتنگ مسجد با جبهه و جنگ است که مسجیدیان از عبادت‌های عاشقانه‌اش و ارتباط با خدای تعالی بهره گرفته و با دعاهای خالصانه‌شان پشتوانه عظیم برای جبهه‌های نبرد را فراهم می‌آورده‌اند. آنان با دعاهای خود از یک طرف، باران عنایت‌ها و الطاف الهی را بر جبهه‌ها نازل می‌کردند و از طرفی، با این کار همراهی و همدلی خود را با رزمندگان اسلام نشان می‌دادند تا آنان با شور و دلگرمی به جهاد مقدّس خود ادامه دهند.^۱

۲. مسجد تجلی‌گاه وحدت مسلمانان

یکی از نیازهای جامعه نوپای اسلامی در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وحدت و همبستگی مسلمانان بود که آن حضرت تلاش می‌کرد تا در مقابل دشمنان اسلام که از قدرت و قوّت زیادی نسبت به مسلمانان برخوردار بودند، سدّی محکم ایجاد نماید. بنابراین، یکی از نیازمندی‌های جامعه نوپای اسلامی این بود که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نخست، وحدت مسلمانان را شکل دهد تا با یک سازمان‌دهی منظم در مقابل اجانب، از خطرات احتمالی و هجوم آنان در امان باشند. از این‌رو، سعی بر این بود که این همبستگی در مکانی تجلی یابد و از این راه طمع دشمنان اسلام را به یأس مبدّل سازد. مکانی که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقش اساسی برای سازمان‌دهی افراد و جوانان مسلمان ایفا می‌کرد و قدرت مسلمانان را در مقابل دشمن به نمایش می‌گذاشت، مسجد بود.

پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله زمانی که به یثرب آمد، وضعیت سیاسی جدید آغاز شد؛ دو قبیله اوس و خزرج که دشمنی‌های کهنه و مهلک خود را در سایه اخوت دینی فراموش کرده بودند، دور بیرق اسلام گرد آمده و هسته جامعه مسلمانان را تشکیل دادند.

تقسیمات قدیمی ملغا و لقب معزّز «انصار» برای همه کسانی که اسلام را در ساعات سخت یاری کرده بودند، متداول شد. گروه مؤمنان که زادگاه محبوب خود را ترک کرده و از هرگونه وابستگی به آن دست کشیده بودند، نام مهاجرین را

۱. نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، ص ۷۵.

دریافت کردند. برای اینکه پیوند مهاجرین و انصار محکم‌تر شود، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله عقد اخوت بین آنها بست تا در غم و شادی یکدیگر شریک شوند.

اسم قدیمی یثرب به مدینه‌النبی تبدیل شد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در نخستین فرصت، در راه دعوت به اسلام به تأسیس مسجد به عنوان پایگاه مهم اجتماعی و تربیتی پرداخت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در چند کیلومتری شهر مدینه و در محلی به نام قبا، مسجد معروف قبا را ساخت؛ این نخستین مسجدی است که در اسلام ساخته شده است. دو برادری که مالک زمین بودند، آن را هدیه کردند؛ ولی چون یتیم بودند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پول زمین را به آنها پرداخت کرد. ساختمان مسجد از نظر شکل و بنا ساده و با دین بی‌پیرایه‌ای که آن حضرت تعلیم می‌فرمود، سازگار بود. دیوارهای آن با آجر و گل و سقفش از برگ درخت خرما درست شده بود. بخشی از مسجد نیز برای اقامت کسانی که منزل نداشتند، در نظر گرفته شد و در سال‌های بعد نیز مسجد توسعه پیدا کرد.

همین مرکزیت مسجد بود که وحدت، انسجام، قوت و قدرت مسلمانان را در برابر دشمنان خارجی و منافقان داخلی به نمایش می‌گذاشت. تا جایی که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ صَلَاةٍ أَشَدَّ عَلَى الْمُنَافِقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَالْعِشَاءِ؛ هیچ نمازی برای منافقان شکننده‌تر از نماز صبح و عشاء نیست.»^۱ این حدیث از عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از آنکه نماز صبح را با اصحابش به جا آورد، رو به آنان کرد و با ذکر نام، درباره برخی افراد سؤال کرد: آیا آنها به نماز جماعت حاضر شده‌اند یا نه؟ گفتند: ای رسول خدا، نه؛ پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مگر در سفر هستند؟ گفتند: ای رسول خدا، نه؛ آنگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله جمله فوق را فرمودند و بعد چنین ادامه دادند: «...وَلَوْ عَلِمُوا أَيُّ فَضْلٍ فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا؛ اگر مؤمنان می‌دانستند که این دو نماز چه فضیلتی دارد، با حالت سینه‌خیز هم که شده خود را می‌رساند و در آن شرکت می‌کردند.»^۲

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۷۸؛ بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۹.
 ۲. حبو، به معنای سینه خیز رفتن و روی شکم راه رفتن کودکی است که هنوز توان روی پا ایستادن ندارد.
 ۳. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۳.

مارسل بوازار در یکی از کتاب‌های خود در مباحث مربوط به اسلام در جهان امروز، در مورد نقش نیرومند مسجد در صدر اسلام در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می‌نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت فرهنگی و اجتماعی آن را از این بابت نمی‌توان نادیده گرفت؛ به خصوص در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را دگرباره از خود نشان می‌دهند. مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه‌جویان در آمده است. اندک‌اندک مساجد موقعیت سال‌های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده‌اند. تأسیس کتابخانه‌ها و تالار اجتماعات در درون مساجد، این حقیقت را آشکار می‌سازد که مساجد در اسلام بدان گونه که بعضی پنداشته‌اند، منحصر برای ادای فریضه نماز نیست و به یقین یکی از مراکز سیاسی و فرهنگی مهم اسلام است. اقامه نماز جمعه به وسیله‌ای برای گردهمایی مسلمانان در روز تعطیل و طرح مسائل مهم اجتماعی و بحث و گفت‌وگو در باب کمبودهای رفاهی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و غیره تبدیل شده است. گردهمایی جمعه به خصوص در سال‌های اخیر و در ممالک آزاد شده اسلامی که به سوی پیشرفت اقتصادی و حاکمیت سیاسی می‌روند، کارآیی بسیار داشته است. در این سال‌ها، برخلاف تفرقه و پراگندگی سیاسی مردم و گروه‌های مبارز، طرح مقابله علیه ستمگران را ریخته‌اند و در ارکان فرمان‌روایی دست‌نشانندگان استعمار غرب تزلزل پدید آورده‌اند که احزاب و گروه‌های سیاسی مخالف در ممالک غرب از انجام آن هنوز ناتوانند»^۱.

۳. دارالندوه

در لغت، «الندوه» به معنای محلّ اجتماع و محلّ مشورت است. چنان که در مجمع‌البحرین چنین آمده است: «الندوه: الاجتماع للمشوره و منه دار الندوه بمکه التي بناها قصی، لأنهم یبدون فیها، أي یجتمعون و النادی: المجلس و

^۱ بوازار مارسل، اسلام در جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

جمعه «أندیه» و منه الحدیث: متعرض للمقال فی أندیه الرجال، آی مجالسهم؛ ندوه اجتماعی برای مشورت است از آن جمله دارالندوه مکه بود که آن را «قصی» ساخته بود و در آنها در آن مکان جمع می‌شدند و به مشورت و گفت‌وگو می‌پرداختند.^۱

در تاریخ چنین آمده است: «دارالندوه»، خانه قصی ابن کلاب بود. قبل از اسلام محلّ مشورت قریش بوده، بعد از آن (قصی) به پسرش عبدالله به ارث می‌رسد و اکنون جزء مسجدالحرام است.^۲ قبل از اسلام این مکان محلّ مشورت برای قریش بوده، در آنجا قریش به مشورت در رابطه با مسائل سیاسی، اجتماعی و غیره می‌پرداخته‌اند. قرار گرفتن چنین مکانی برای ساختن مسجد، در نخستین دوره از ظهور اسلام بیانگر این نکته است که در دین مقدّس اسلام محلّ مشورت در امور اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، به‌ویژه در امور سیاسی، مسجد است و یکی از نقش‌های مسجد در اسلام همان نقش «دارالندوه» قبل از اسلام است که در جامعه عرب وجود داشته است.

۴. مسجد کانون آموزش فرهنگ ایثار و شهادت

در عصر رسول خدا ﷺ از همان ابتدا، مسجد به عنوان کانون همبستگی مسلمانان، به تحکیم پیوندها و تبادل آرا در امور دینی مسلمانان قرار گرفت. از نخستین روزهای ترویج اسلام، تعلیم با مسجد ارتباط تنگاتنگ داشت و انجام دستورات اسلام با درک و معرفت اسلامی و با یادگیری فرمایش‌ها پیامبر گرامی ﷺ به عنوان «حدیث» بر اساس آیین اسلام آغاز شد.

وجه تربیتی و آموزشی مسجد پس از جنبه عبادی بیشتر نمایان و برجسته است. این نقش مسجد، توجّه همه پژوهشگرانی را که درباره مسجدالتبی سخن گفته یا اثری نگاشته‌اند، به خود جلب کرده است. در برهه زمانی که مراکز آموزشی در کنار مسجد به فعالیت فرهنگی می‌پرداختند، تنها شمار اندکی مکتب‌های

۱. مجمع البحرین، ج ۱، ص ۴۱۳.

۲. تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۵۹.

خانگی بود که در گوشه و کنار شهر مدینه و یا مکه قرار داشت و این مکتب‌ها تنها به آموزش خواندن و نوشتن در پاره‌ای موارد قرآن کریم و معارف اسلامی می‌پرداختند و حجم کارهای آنها هرگز با آنچه در مساجد انجام می‌شد، قابل مقایسه نیست. به‌طور تقریبی، تمام علوم رایج در آن روزگار چون خواندن قرآن و حدیث، در مسجد تدوین می‌شد. علاوه بر آن، افراد با بینش سیاسی و مدیران دلسوز جامعه اسلامی که در برقراری حکومت اسلامی نقش ایفا می‌کردند، در مسجد پرورش می‌یافتند و آماده می‌شدند. از این‌رو، یکی از راه‌آورد‌های مسجد در مدینه‌النّبی، تربیت مدیران باینش سیاسی سالم بود. مسجد پیامبر خدا ﷺ در مدینه، نخستین دانشگاهی بود که حضرت رسول ﷺ با دست خود، یارانش را به نیکی تربیت کردند تا در دین خدا فقیه و دانا شدند. صحابه پیامبر گرامی ﷺ به آن رفت‌وآمد می‌کردند تا دانش، هدایت، فضائل و معرفت بیاموزند و هر اندازه که شرایط زندگی‌شان مساعدت می‌کرد، به این مهم وقت اختصاص می‌دادند. مسجدالنّبی مدرسه‌ای بود که مردان و قهرمانان در آن ساخته شدند و در پرتو قرآن، مردم بت‌پرست به پیشروان هدایت تبدیل شدند. همین افراد داعیان، مبلغان، حامیان، پارسیان شب و سواران میدان در روز نبرد بودند که با آموختن فرهنگ ایثار و شهادت، بار سفر بستند و در راه خدمت و ترویج فرهنگ اسلام شربت شهادت نوشیدند.

در تاریخ آمده است که در میان انصار، هفتاد جوان هستند که به نام قرآن شناسان معروفند. از سر شب به گوشه‌ای در مسجد می‌نشینند و با هم درس و بحث دارند و نماز می‌خوانند. نزدیکی‌های صبح می‌روند و آب آشامیدنی و پشته‌های هیزم می‌آورند و به خانه‌های رسول خدا ﷺ می‌نهند. خانواده‌شان فکر می‌کنند که آنان در مسجدند و اهل مسجد فکر می‌کنند که آنان پیش خانواده‌شان هستند.

پیامبر خدا ﷺ در ماه صفر چهل نفر از قرآن‌شناسان جوان را به ریاست منذر بن عمرو ساعدی مأموریت می‌دهد تا قبیله عامر بن مالک را به اسلام دعوت کنند و به آنان قرآن بیاموزند و نامه‌ای هم همراهشان ارسال می‌کند. منذر بن عمرو،

راهنمایی از قبیله بنی سلیم با خود برمی دارد. آنها به راه می افتند و می روند تا به چاه معونه که از آبهای قابل استفاده قبیله بنی سلیم است، می رسند. در آنجا اردو می زنند و شتران خویش را سر می دهند. حارث بن صمه و عمرو بن امیه را به چراندن و نگهبانی شتران می گمارند. حرام بن ملحان را با نامه پیامبر پیش عامر بن طفیل که در میان عده ای از بنی عامر نشسته است، می فرستند. وقتی به آنها می رسد، بدون اینکه نامه را بخوانند، عامر بن طفیل شمشیر خود را می کشد و حرام بن ملحان را می کشد و بانگ برمی دارد که بنی عامر برای حمله به مالک ابوبراء از قبل آمده و در مرز نجد به عشایر مختلف اطلاع داده است که او یاران محمد را در پناه خویش گرفته است و هیچ کس نباید متعرض آنان شود و همگی گفته اند: تعهد پناهندگی ابوبراء برای همه ما محترم است! وقتی بنی عامر حاضر نمی شوند با عامر بن طفیل بر جمع مسلمانان بتازند، وی برای این کار از عشایر عصبیه و رعل که از شاخه های قبیله بنی سلیم هستند کمک می طلبد و آنها به کمک او می آیند و او را به فرماندهی خویش انتخاب می کنند. عامر بن طفیل به آنها می گوید: من یقین دارم که این شخص به تنهایی به اینجا نیامده است. آنها رد پای او را گرفته و پیش می روند تا به یاران وی می رسند و یاران وی، چون که دیده اند، دیر کرده است رد او را گرفته و پیش آمده اند. سپس، مسلمانان را محاصره می کنند و بنی عامر هم در محاصره شرکت می جویند. آن جوانان قرآن شناس، مردانه می جنگند تا همگی به شهادت می رسند.^۱

۵. مسجد پایگاه تبلیغ پیامبر گرامی ﷺ

در روزگار رسول خدا ﷺ و صحابه ایشان، مسجد، کانون تبلیغ و ارشاد بود و مکان ضیافت و پذیرایی هیئت های داخلی و خارجی بود که بر پیامبر خدا ﷺ وارد می شدند تا به اسلام تشرّف حاصل کنند. یاران رسول خدا ﷺ برای حضور در مسجد و شرکت در این گونه محفل، می کوشیدند و هر گاه یکی از یاران نمی توانست در آن حاضر شود، یکی از صحابه، وی را در جریان جلسات قرار می داد.

^۱. جلال الدین فارسی، فرهنگ جهاد، ص ۳۲۷.

نهضت نبی اکرم ﷺ اندیشه‌های انسان را به سوی تعالی رهنمون ساخت و با فرمان به «خواندن»، مبارزه با نادانی را رسالت خود قرار داد. قرآن کریم در تأکید این مطلب می‌فرماید: «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ * عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ». بدین ترتیب، اسلام ویژگی «ندانستن» جامعه آن دوران را به بستر آگاهی، بینش و دانش مبدل کرد و مسجدالتبی، موجی از افکار و اندیشه‌های الهی را در جامعه ایجاد نمود. پایگاه تبلیغ اسلامی، شور و نشاط علمی را برانگیخت و دانش و آموختن، بهایی دیگر یافت. هر روز، شمار آنان که خواندن و نوشتن می‌دانستند، افزایش می‌یافت و تبلیغ و آموزش با خواندن محتوای پیام آسمانی رونقی چشم‌گیر پیدا کرد.

آموزگار مکتب اسلام، پرستش خدا را محور تبلیغ قرار داد و بر فراگیری معنای ایمان، دانستن آیه‌های کتاب آسمانی تأکید می‌کرد تا از گذر آن رسالت خویش را مبنی بر تفسیر و تبیین آیه‌ها و فحوای کلام آسمانی به مردم انجام دهد. پیامبر اسلام ﷺ برای ادای این رسالت دشوار از هر فرصت برای روشننگری مردم بهره می‌جست، ولی سیره و زندگی پیامبر گرامی ﷺ نشان می‌دهد که مسجد در دوران رسالت، علاوه بر جنبه تربیتی و آموزشی، مهم‌ترین سنگر تبلیغ و ترویج بینش اسلامی در جهان آن روز بوده است؛ به‌گونه‌ای که برای نشست‌ها و اجلاس با سران ادیان و نمایندگان حکومت‌ها مکانی به جز مسجد وجود نداشته و هرگونه تصمیم‌گیری در امور سیاسی و برقراری حکومت اسلامی و معرفی بینش اسلامی برای دنیای آن روز، در مسجد صورت می‌گرفته است. از این‌رو، مسجد به عنوان یک رسانه ملی در عصر رسول خدا ﷺ پیام‌رسان ندای اسلام و سنگر ایمان و توحید بود. برخی از یاران، مانند حضرت علی (علیه السلام) عبدالله بن رواحه، معاذ بن جبل و عباد بن صامت نیز در این راه در کنار پیامبر گرامی ﷺ قرار داشتند و در انجام رسالت الهی او را یاری می‌کردند. عبدالله بن رواحه جلسات مربوط به توحید، معاد، (مسائل اعتقادی) را اداره می‌کرد. او در غیاب پیامبر گرامی ﷺ نیز مسائل فقهی و اعتقادی را به مسلمانان آموزش می‌داد. گاهی

۱. علق، آیات ۱ و ۴ و ۵.

اتفاق می‌افتاد که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله خود در چنین جلساتی شرکت می‌کردند. روزی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در حلقه درسی که عبدالله بن رواحه در آن تدریس می‌کرد، حضور یافتند. با حضور پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله، چنین انتظار می‌رفت که ایشان سخنران مجلس باشند، ولی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمودند: به آنچه مشغول بودید، ادامه دهید؛ من نیز برای آموزش و تعلیم مبعوث شده‌ام.^۱ یکی دیگر از یاران پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله عباده بن صامت، مأمور آموزش قرآن و نوشتن به اصحاب صّفه بود.^۲

۶. مسجد محلّ دادرسی و مدیریت اسلامی

در دوره‌های درخشان رسول اعظم صلی الله علیه و آله مسجد در حیات جمعی مسلمانان با نقش‌هایی چون مجلس شورا، محلّ داوری، مرکز فتوا، پایگاه یا ستاد تقسیم‌های نظامی جلوه می‌کرد.

سپاهیان از مسجد برای جهاد در راه خدا گسیل می‌شدند تا کلمه الهی را برافراشته دارند و پرچم اسلام را در جهان به اهتزاز در آورده‌اند.

تأسیس مسجد در مدینه النبی محور اساسی روند حرکت روزافزون و آغاز فصل جدید سیاسی در حیات امت مسلمان است و نخستین گام بنیادی تمدنی نوین با تأسیس این پایگاه عبادی، سیاسی ریخته شد. مرکزیت سیاسی مسجد در مدینه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و پویایی تمدن اسلام، اصل مهمی است که بر حکومت، جامعه و فرهنگ، تأثیری ژرف دارد. مسجد نبوی کانون جنبش‌های فکری و عملی بوده است و شکوه آن خانه را پیامبر خدا صلی الله علیه و آله که در آن روز مرکز حکومت و سیاست بود، تحت تأثیر قرار می‌داده است. پیمان اخوت دو قبیله اوس و خزرج در مسجد النبی بسته شد و عقد اخوت میان امت نیز از مواردی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد مدینه برقرار ساخت. هیئت‌ها و گروه‌هایی که قصد تشرّف به اسلام را داشتند، به مدینه النبی می‌آمدند و وارد مسجد می‌شدند. اسیران جنگی

^۱ . کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (الترااتب الاداریه)، ج ۲، ص ۲۲۱.

^۲ . همان، ج ۱، ص ۴۸.

را در مسجد جای می‌دادند و تا آزادی و مسلمان شدن در آن نگاه‌داری می‌شدند. پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در بسیاری موارد، تازه مسلمانان را به صورت فردی در مسجد آموزش می‌داد و گفت‌وگوهای علمی و فرهنگی زیادی میان هیئت‌های اعزامی قبایل گوناگون به مدینه صورت می‌گرفت و جایگاه این گفت‌وگو، جایی جز مسجد نبود.

نبی اکرم صلی الله علیه و آله با هیئت‌هایی که به حضور می‌پذیرفتند، به مذاکره دینی و اجتماعی می‌پرداختند که این برنامه‌ها مضاف بر جنبه‌های سیاسی، به منظور گرویدن به اسلام، بحث و گفت‌وگو پیرامون معارف اسلامی سامان می‌یافت. محیط فرهنگی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه ایجاد کرده بودند، ایجاب می‌کرد که در حضور آن حضرت و با اجازه ایشان مسابقه شعر و سخنرانی در مسجد برگزار شود و پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله با بردباری با چنین مسائلی برخورد می‌کردند. مسجد پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به عنوان کانون عشق و مودت میان مسلمانان مدینه در آمد و نقش بسزایی در ایجاد فضای معنوی ایفا نمود تا زمینه مناسب برای اجتماع معتقدان به پیام وحی ایجاد شود.

اهمیت و نقش مسجد الحرام، هرگز از نگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله پوشیده نبود؛ ولی چیرگی قریش و مشرکان، امکان پی‌ریزی فعالیت را از آن سلب کرده بود؛ اما با فتح مکه و اداره سیاسی آن شهر، پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فعالیت‌های فرهنگی و سیاسی را در این مرکز مقدس شروع نمود و به ترویج مبانی دینی دست زد و با انجام کارهایی که به گونه‌ای اداره امور حکومت اسلامی بود، قدم در راه سازندگی و تلاش برای برپایی پایگاه فعالیت‌ها گذاشت.

در وصف و تحلیل جایگاه مسجد النبی و جایگاه آن در مدینه باید گفت که آنچه مکه و مدینه را مکمل هم می‌کند، این است که مکه از یک جهت مرکز حج و زیارت به سوی مکانی بالاتر است و مدینه جایگاه مسجدی است که خاتم رسولان آن را بنیاد نهاد و این مسجد، مرکز حکومت اسلامی و کانون تلاش‌های فرهنگی، اجتماعی پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله گشت و نخستین کار برگزیده پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در مدینه، ساختن این مسجد بود. این بنای مقدس، به همراه بارگاه مطهر حضرت

نبی اکرم ﷺ بر سیمای شهری و معابر و فرآیندهای اجتماعی، فرهنگی مدینه اثر قابل ملاحظه‌ای گذاشته است و مدینه به برکت این بناهای مبارک، حرمت زیادی به دست آورده است.

رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: حضرت ابراهیم علیه السلام مکه را حریم قرار داد و برای مردمش دعا کرد. من نیز مدینه را حرم قرار دادم.^۱

رسول خدا ﷺ برای آنکه آمیختگی مسجد را با زندگی اجتماعی مردم نشان دهد، خانه و مسجد را در یک واحد معماری بر پا کرد و خانه‌های صحابه و مهاجرین و انصار در اطراف آن استقرار یافت. تعداد بسیاری از مسلمانان بی‌خانمان و اهل تعبّد تحت عنوان اصحاب صُفّه، در حوالی مسجد می‌خوابیدند. در کنار مسجد خیمه‌ای به عنوان بیمارستان برپا شد و مکانی به امور نظامی اختصاص داشت و به همین دلیل است که ساختمان‌های مهمّ اجتماعی و عمومی و حیاتی در اطراف مسجد بنا شده بود که این خود، مدیریت ژرف و حساب‌شده پیامبر اسلام ﷺ را به نمایش می‌گذاشت. علاوه بر آن، مسجد محلّ دادرسی و رسیدگی به امور سیاسی و اجتماعی مردم بود؛ بسیاری از اختلافات و گرفتاری‌های مردم در مسجد با پیامبر اسلام ﷺ در میان گذاشته می‌شد و در همان مسجد حلّ و فصل می‌شد. از این‌رو، بنای مسجد در بین بناهای موجود آن روز، مانند خورشیدی بود که خانه مردم از نور آن منور می‌شد و سایر بناهای مسکونی، همانند سیّارات، به دور خورشید می‌چرخیدند و از پرتوافکنی آن بهره می‌گرفتند.

۷. مسجد کانون شورا و انتخابات

پیامبر اکرم ﷺ در مسجد، اصول سیاسی اسلام را، به‌ویژه در اموری که می‌دانست مسلمانان از نظرات و تجربیات مفیدی برخوردار هستند، به شور و مشورت می‌گذاشت. در متون تاریخی آمده است که پیامبر گرامی ﷺ برای اتخاذ مواضع مناسب در جنگ بدر، در یکی از مساجد اطراف مدینه بنام مسجد «عرق الظبیه» با اصحاب به مشورت پرداخت. به روایت انس، هنگامی که

۱. صحیح مسلم، ج ۳، کتاب حج، ص ۱۲۶۰.

خبر آمدن ابوسفیان به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسید، آن حضرت شروع به مشورت با اصحاب نمود. ^۱ همچنین برای رفتن به جنگ احد در مسجد مدینه با مسلمانان به تبادل نظر همت گماشت.

چنان که در مشورت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله اصحاب در رابطه با جنگ احد آمده است، گروهی از نوجوانان که در جنگ بدر حاضر نبودند، از پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله خواستند که به سوی دشمن برود و اشتیاق خود را به شهادت ابراز کرده و گفتند: ما را به مقابله دشمن از مدینه بیرون ببر و اینان غلبه یافتند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز جمعه با مردم نماز جمعه گزارد و آنان را پند و اندرز داد که تلاش و کوشش کنند و فرمود که یقین داشته باشند که اگر شکیبایی و پایداری کنند، پیروزی از ایشان خواهد بود و دستور فرمود که آماده رویارویی با دشمن شوند. مردم بر بیرون شدن از مدینه دل خوش داشتند. چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز عصر جمعه را می گزارد، اطراف مسجد پر شده بود و مردم نواحی بالای مدینه هم آمده بودند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله با عمر و ابوبکر به خانه رفت و آن دو در لباس پوشاندن و عمامه بستن، آن حضرت را یاری دادند و مردم صف کشیده منتظر آمدن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بودند. سعد بن معاذ و اسید بن حضیر به مردم گفتند: شما پیامبر را وادار به خروج کردید و او نمی خواست و حال آنکه فرمان و دستور از آسمان بر او می رسد؛ اکنون هم کار جنگ را به خود او باز گذارید. ^۲

همچنین، در جنگ خندق، وقتی خبر حرکت کفار قریش از مکه به پیامبر صلی الله علیه و آله رسید، مردم را فراخوانده خبر دشمن را برایشان گفت و با آنان مشورت فرمود. سلمان فارسی به حفر خندق اشاره کرد و مسلمانان از این پیشنهاد در شگفت آمدند. ^۳ از این رو، برخی مسجد را «مجلس شورای مسلمانان» نام نهاده اند.

۸. مسجد محلّ تدوین نامه‌ها و پذیرش سران قبایل و حکومت‌ها

در صدر اسلام، بیشتر امور مهمّ سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، نظامی،

۱. دلائل النبوه، ج ۲، ص ۷۴.

۲. الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۶.

۳. همان، ص ۶۴.

تقسیم غنایم، سخنرانی‌ها و ارشادات، نصب استانداران و فرماندهان، کتابت نامه‌های سیاسی، نظامی و ارسال پیام‌ها، اخذ تصمیمات اساسی و نظامی در مسجد انجام می‌شد. حتی پیامبر اسلام ﷺ در مسجد نمایندگان و سران قوم و قبایل مختلف را به حضور می‌پذیرفتند؛ گرچه برای سکونت و استراحت این نمایندگان، خانه‌ای نیز در نظر گرفته شده بود.^۱ برخی از آنها با صلاح‌دید پیامبر اکرم ﷺ در خانه‌های انصار به‌طور موقت سکونت داده می‌شدند.^۲ برای برخی از آنها (مانند هیئت نمایندگی ثقیف، به دلیل طولانی بودن اقامت آنان در مدینه)، خیمه‌ای در مسجد بر پا می‌شد.^۳ جایگاه اصلی این گونه گفت‌وگوها جایی جز مسجد نبود. از این‌رو، نمایندگان قبیله «ثقیف» و نیز نمایندگان «اسقف نجران» در مسجد «عرق الطبیه» به حضور پیامبر گرامی ﷺ رسیدند.^۴

یکی از ستون‌های مسجد نامش «استوانه‌الوفود» (ستون هیئت‌ها) بود. این ستون، جایگاه ویژه‌ای برای پذیرش و دیدار با هیئت‌های نمایندگان قبایل و دولت‌ها و مذاهب خارجی بود و در همین مکان (ستون) مسجد بود که پیامبر گرامی ﷺ دیدار با این هیئت‌ها را انجام می‌دادند.

واقعی در مغازی آورده است که ده نفر از رؤساء و برگزیده‌گان بنی‌تمیم به مدینه آمدند. آنها در صحن مسجد نزد پیامبر گرامی ﷺ آمدند و عطار دبن حاجب تمیمی را پیش آوردند که خطابه بخواند. او خطبه‌ای ایراد کرد. پیامبر گرامی ﷺ به ثابت بن قیس فرمود: برخیزد و خطبه ایشان را پاسخ گوید. ثابت برخاست و با عدم آمادگی قبلی خطبه‌ای خواند. وقتی ثابت بن قیس نشست، آنها گفتند: ای رسول خدا ﷺ، اجازه فرمایید تا شاعرمان شعری بخواند. چون آن حضرت اجازه فرمودند، زبرقان بن بدر را بلند کردند و او ابیاتی را سرود. پیامبر اسلام ﷺ به حسان بن ثابت فرمود: پاسخ‌شان را بده و او برخاست و اشعاری سرود. پیامبر اسلام ﷺ و مسلمانان از خطبه ثابت و شعر حسان خوشحال بودند. نمایندگان

^۱ . ابن شیبیه، عمر، تاریخ المدینه المنوره، ج ۲، ص ۲۳۵.

^۲ . کنانی، عبدالحق، نظام الحکومه النبویه (الترتیب الاداریه)، ج ۲، ص ۴۴۹.

^۳ . همان، ص ۴۴۷.

^۴ . همان.

که آمده بودند، با یکدیگر خلوت کردند. یکی از ایشان گفت که به خدا قسم بدانید که این مرد از طرف خدا تأیید می‌شود و کارهایشان به مراتب از ما خردمندانه‌تر هستند.^۱ پس از آن، هیئت بنی تمیم مسلمان شدند. به دلیل همین، پذیرش هیئت‌های خارجی در مسجد و گفت‌وگو با آنها، برخی مسلمانان به پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌گفتند: ای رسول خدا، آیا ایشان که مشرک هستند، می‌توانند در مسجد وارد شوند؟ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌گفتند: زمین پاک است و چیزی آن را نجس نمی‌کند.^۲

پیمان «حدیبیه» فکر پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را از ناحیه جنوب مکه آسوده ساخت و در پرتو این آرامش، گروهی از سران عرب به آئین اسلام گرویدند. در این هنگام، پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرصت را غنیمت شمرد و با زمامداران وقت و رؤسا و قبایل و رهبران مذهبی مسیحیان جهان آن روز، باب مکاتبه را باز نمود و آئین خود را به ملل زنده جهان آن روز عرضه داشت.

از نامه‌هایی که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله به امراء و پادشاهان و رؤسای قبایل و شخصیت‌های برجسته معنوی و سیاسی نوشته است، ۱۸۵ نامه در دست است که برای تبلیغ و دعوت به اسلام و یا به عنوان میثاق و پیمان نوشته شده است.^۳ به گواهی تاریخ، تدوین و تنظیم همه یا اکثر نامه‌های سیاسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مناطق مختلف و رؤسای کشوری، در مسجد صورت می‌گرفت. تا جایی که برخی نوشته‌اند، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسئله دعوت زمامداران به اسلام و نامه‌نگاری به آنها را، مانند سایر مسائل مهم، در یک شورای بزرگ مطرح می‌ساخت. روزی به یاران خود چنین فرمود: بامدادان، همگی حاضر شوید تا امر مهمی را با شما در میان بگذارم. فردای آن روز، پس از ادای فریضه صبح در مسجد، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به یاران خود چنین فرمود: «بندگان خدا را نصیحت کنید. کسی که سرپرست امور مردم شد و در هدایت و راهنمایی آنان نکوشید، خدا بهشت را بر او حرام کرده است. برخیزید و پیک رسالت، در نقاط دوردست شوید و ندای

۱. واقدی، المغازی، ص ۷۴۲-۷۴۶.

۲. همان، ص ۷۳۶-۷۳۳.

۳. فروغ ابدیت، ج ۲، ص ۲۰۸.

توحید را به سمع جهانیان برسانید؛ ولی هرگز مانند شاگردان حضرت عیسی (علیه السلام) با من مخالفت نکنید. یاران از آن حضرت سؤال کردند که آنها چگونه با حضرت عیسی (علیه السلام) از در مخالفت وارد شدند؟ فرمود: او نیز مانند من گروهی را مأمور ساخت که پیک رسالت در نقاطی باشند؛ دسته‌ای که راه آنها نزدیک بود، فرمان او را پذیرفتند؛ ولی کسانی که راه آنها دور بود، از پذیرفتن فرمان وی سرپیچی کردند».

سپس، پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) شش نفر از ورزیده‌ترین افراد را طی نامه‌هایی که رسالت جهانی آن حضرت در آنها منعکس بود، به نقاط مختلف روانه کرد. بدین ترتیب، سفیران هدایت از مسجد در یک روز رهسپار سرزمین‌های ایران، روم، حبشه، مصر، یمامه، بحرین و حیره (اردن) شدند.^۱

۹. مسجد رسانه امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اسلامی دارای نقش بزرگ و سرنوشت‌ساز است. از این‌رو، در آیات و روایات، این مسئله بر هر مسلمانی واجب شده است. هر فردی به اندازه توانایی خود در قبال این فریضه الهی مسئولیت دارد. گرچه انجام امر به معروف و نهی از منکر منحصر به مکان خاصی نیست؛ اما مسجد بستر مناسبی برای تحقق این دو فریضه مهم الهی است؛ زیرا مسجد محل حضور و تجمع نیروهای زنده و برگزیده است. در روایات آمده است: «لَا يَأْتِي الْمَسْجِدَ مِنْ كُلِّ قَبِيلَةٍ إِلَّا وَفِدْهًا وَمِنْ كُلِّ أَهْلِ بَيْتٍ إِلَّا نَجِيْبُهُا؛ از هر جمعی، تنها آنان که (در فضائل) از همه برترند و به منزله الگو برای گروه خود هستند، به مسجد می‌آیند».^۲

مسجد، پایگاه جوان‌مردانی است که در مقابل تعرض در برابر مقدّسات دینی بر می‌آشوبند و عرصه را بر متجاوزان به حریم دین تنگ می‌کنند.^۳ چنان‌که در سال ۱۳۸۵ مسلمانان علیه اهانت به نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) توسط

۱. الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۴۹.

۲. وسایل الشیعه، ج ۳، ص ۴۷۷.

۳. مستدرک، ج ۳، احکام مسجد، ج ۴.

روزنامه‌های غربی و در رأس آن روزنامه دانمارکی برآشفتنند و از مساجد، راهپیمایی خود را آغاز و به سفارت‌خانه‌های آنان ختم نمودند و با شعارهای کوبنده و انقلابی از مقدّسات اسلام دفاع کردند.

مسجد، جایگاه گردآمدن فرزندان مکتبی است؛ آنان که با یک دست قرآن و با یک دست دیگر سلاح برگرفته‌اند. این حضور، نشان قدرت و عزّت اسلام و مسلمانان است و سبب می‌شود تا خیره‌سرا ن نتوانند بر حریم دین اهانت و تجاوز کنند. اضمن اینکه اجتماع در مسجد، خود اقامه یک معروف بزرگ الهی، یعنی «نماز» و دیگر شعائر اسلامی است. از سوی دیگر، در سایه تجمّع و انسجامی که مؤمنان در مسجد می‌یابند، می‌توان بهترین تشکّل مردمی را برای مبارزه با منکرات و مفسدات اجتماعی پی‌ریزی نمود.

امام رضا علیه السلام فرمود: «حضور در مسجد و نماز جماعت، جلوگیری از بسیاری گناهان است». ^۱ به گواهی تاریخ، مسجد در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم یگانه رسانه و پایگاه ارتباطی پیامبر گرامی با مردم بود. در آن روزگار که رسانه‌ای جز مسجد وجود نداشت، این مکان مقدّس، محلّ مناسبی برای رساندن پیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مردم بود؛ به‌ویژه در مسائل امر به معروف و نهی از منکر که بخشی از آن مربوط به حکومت اسلامی می‌شود؛ مانند «قضاوت» که در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در مسجد انجام می‌شد. بنابراین، مسجد، نخستین مکانی است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم در آن به قضاوت و دادخواهی و حلّ و فصل اختلافات، منازعات و صدور احکام قضایی پرداختند و مکانی دیگری جز مسجد برای قضاوت آن حضرت نقل نشده است. ^۲

۱. وسایل الشیعه، ج ۵، ابواب نماز جماعت، ح ۹.

۲. همان.

۳. فرهنگ مسجد، ص ۲۱۲.

« فصل دوم: کارکرد سیاسی مسجد در عصر امام علی (علیه السلام) »

همان گونه که بیان شد، در دوران رسول مکرّم اسلام (صلی الله علیه و آله) مسجد، از منظر سیاسی جایگاه و نقش محوری، در امور سیاسی و حکومتی آن حضرت داشت. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) وقتی مردم را با ندای «الصلاه مع الجماعة»، به مسجد فرا می خواند، مهم ترین مسائل سیاسی آن روز را در مسجد با جمع حاضران در میان می گذاشت و از همان جا تصمیمات لازم اتخاذ می شد. بعد از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) نیز این سیره ادامه داشته و در عصر جانشین بر حقش علی (علیه السلام)، مانند عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مسجد، کارکرد سیاسی خود را حفظ نموده است.

امام علی (علیه السلام) آنگاه که کوفه را مرکز خلافت قرار داد، در آغاز ورودش به شهر کوفه، به دارالاماره (قصر حاکم کوفه) که طی سال ها به قصری اشرافی تبدیل شده بود، نرفت؛ بلکه به مسجد کوفه رفت و آنجا را محل سکونت خویش قرار داد و در همان مسجد، به تدبیر امور پرداخت. اُسودبن قیس می گوید: بارها دیدم که حضرت علی (علیه السلام) در رحبه (ساحت مسجد، داخل مسجد) مسجد کوفه مردم را اطعام می کرد.^۱

مسجد کوفه، از عصر خلافت امام علی (علیه السلام) خاطرات تلخ و شیرین فراوانی به همراه دارد؛ شاهد نیایش ها و عبادت ها و تهجد های شبانه امام علی (علیه السلام) بوده است؛ از خطابه های فصیح و بلیغش و از شکوه ها و ناله های جان سوزش خاطره ها دارد و جهاد و تلاش و انفاق و اطعام در راه خدا و دادرسی های حکیمانه اش را هرگز فراموش نمی کند.

از همه مهم تر و جالب تر اینکه امام علی (علیه السلام) که یگانه مرد سیاسی در چارچوب سیاست اسلامی و سرباز فداکار اسلام در عصر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) بود، در مسجد متولّد، در مسجد با بیعت مردم به خلافت ظاهری رسید و در مسجد به شهادت شد؛ آنگاه که ابن ملجم ملعون، آن شقی ترین انسان ها، فرق نازنیش را شکافت و محراب مسجد کوفه از خون سرخش رنگین شد و ندای «فزت و رب الکعبه» اش به ملکوت رسید، این مسجد کوفه بود که ملکوتیان و عرشیان، ندبه کنان به

^۱ . جعفریان، رسول، سیره خلفاء از رحلت پیامبر تا زوال امویان.

سوی آن توجّه کردند و ندای «هُدْمَت و الله ارکان الهدی» سر دادند. ناگفته پیدا است که پیوند حضرت علی (علیه السلام) با مسجد، یک پیوند الهی و تکوینی بوده است. بنابراین، آن هنگامی که به خلافت ظاهری دست پیدا می‌کند، برنامه کاری آن حضرت در امور حکومتی و سیاسی نیز جایی جز در مسجد انجام نمی‌شده است. از این‌رو، مهم‌ترین شاخص‌های سیاسی مسجد در زمان آن حضرت را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود.

الف) محلّ جمع‌آوری تجهیزات نظامی

رابطه مسجد و سیاست را می‌توان از اینجا نیز دریافت که بیت‌المال مسلمانان همیشه در مسجد اصلی شهر نگهداری می‌شد. به نوشته بسیاری از تاریخ‌نویسان، در صدر اسلام تنها مسجد، محلّ امن و مطمئن برای نگهداری و حفظ بیت‌المال مسلمانان بوده است. چنان‌که حضرت امیر مؤمنان (علیه السلام) بعد از جنگ جمل بر تمام کشته شدگان جنگ جمل از موافق و مخالف، نماز خواند و آنان را به خاک سپرد و سپس همه اسباب و تجهیزات جنگ را جمع‌آوری نموده، به مسجد بصره انتقال داد و دستور داد که هر کس اگر چیزی از اموالش را می‌شناسد، بردارد، مگر سلاحی که از خزانه بوده یا دارای نشان حکومت باشد. وی تأکید کرد تنها آنچه از امکانات و مال خداوند بر ضدّ لشکر من به کار برده‌اند، به عنوان غنیمت برداشته شود.^۱

ب) مسجد محلّ بیعت

یکی از مصادق بارز مسجد به عنوان کانون عبادی سیاسی در زمان حضرت علی (علیه السلام) این بود که مسجد به عنوان محلّ بیعت (انتخابات) شناخته شد. اخذ آراء عمومی در مورد رئیس حکومت اسلامی، «بیعت» نامیده می‌شود. بنا بر اهمیّت موضوع، ضرورت داشت که از اصولی تبعیّت نماید: نخست: اسلامیّت و تقدّس کار، در آن ظاهر باشد.

۱. ترجمه تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۴۷۱.

دوم: اخذ آراء در یک جوّ سالم، غیرشعاری و به‌طور کامل آزاد انجام شود.
سوم: محلّ اخذ رأی از یک نظم و نسق خاصی برخوردار باشد.
چهارم: رأی‌گیری در مجامع عمومی انجام گیرد تا مردم شاهد نحوه رأی‌گیری و مقبولیت نظام باشد.
پنجم: رأی‌دهی به‌طور علنی باشد تا در قبال مسئولیت‌های نظام، حجت بر همگان تمام باشد.

بر این اساس بود که امام علی (علیه السلام) زمانی که متوجه هجوم مردم به خانه‌اش برای «بیعت» گردید، ابتدا مصرّانه از این امر امتناع ورزید؛ اما از آنجایی که مردم اصرار کردند و بنا بر مصالح نظام اسلامی، ناگزیر از پذیرش مسئولیت شدند و چنین فرمود: «لا تفعلوا، فانّی أکون وزیراً خیراً من أن أکون أميراً، فقالوا: لا والله ما نحن بفاعلين حتّى نبایعک، قال: ففی المسجد، فإنّ بیعتی لاتکون خفياً (خفیه)؛ این کار را نکنید؛ اگر من وزیر باشم بهتر است از اینکه امیر باشم. مردم گفتند: نه؛ به خدا قسم ما کاری انجام نمی‌دهیم، مگر اینکه با تو بیعت کنیم، امام (علیه السلام) فرمود: پس در مسجد باشد؛ بیعت با من نباید مخفی و سرتی باشد».^۱ وقتی بعد از وفات پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) برخلاف آنچه که نباید رخ می‌داد، عده‌ای در قبیله بنی‌ساعده جمع شدند و ابوبکر را به خلافت نامزد کردند. ابوبکر برای اینکه خلافتش را در ظاهر مشروعیت ببخشد، اصرار داشت که از علی (علیه السلام) بیعت اخذ کند. بدین منظور، از علی خواست با او بیعت نماید. امام علی (علیه السلام) با اینکه در واقع، او را قبول نداشت (چون خلافت حقّ مطلق او بود)، با وجود این در رابطه با بیعت چنین اظهار داشت: میعادگاه ما و شما، برای بیعت، فردا در مسجد جامع ان‌شاءالله.^۲

ابو‌ثور می‌گوید: در موقعی که عثمان در محاصره قرار داشت، من نیز در حالی که شمشیری در دست خود داشتم، در میان معرکه بودم؛ امام علی (علیه السلام) به من نگاه می‌کرد؛ نه مرا به کاری امر می‌کرد و نه از کاری باز می‌داشت. وقتی که

۱. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۳۰۶۶.

۲. امامت و سیاست، ص ۲۹.

مردم با حضرت علی (علیه السلام) بیعت می کردند، من به دنبال او بیرون رفتم، در حالی که مردم در پیرامون او گرد آمده بودند و با او بیعت می کردند. علی به دیواری از دیوارهای خانواده بنی حازن رسید. من به یک درخت نخل پناه بردم و مردم نیز میان من و علی قرار داشتند. به مردم نگاه می کردم؛ آنها در حالی که آنان دستانشان را دور تا دور علی گرفته بودند، خود را به علی می رساندند و با وی بیعت می کردند. پس از آن، علی به مسجد آمد؛ اولین کسی که بر منبر رفت و با علی بیعت کرد، طلحه بود. انگشتان دست طلحه لمس بود؛ علی این وضع را به فال بد گرفت و گفت: خدا این دست را نیافریده است که پیمان و بیعت خود را بشکند.^۱

طبری در رابطه با بیعت مردم با علی چنین اظهار می دارد: سخن از بیعت کنان و وقت بیعت علی (علیه السلام) بسیار گفته شد؛ اما او جز مسجد، جایی را نپذیرفت و چون وارد شد، مهاجران و انصار وارد شدند و با وی بیعت کردند؛ پس از آن مردم نیز بیعت کردند.^۲

ج) مسجد محلّ قضاوت و دادخواهی مردم

چنان که اشاره شد، مسجد نخستین مکانی است که پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در امور حکومتی از جمله مسئله قضاوت و رسیدگی به حلّ و فصل منازعات مردمی و صدور احکام قضائی از آن استفاده کرده است.

قضاوت، پس از نبی مکرم (صلی الله علیه و آله) همچنان در مسجد انجام می شد و این امر، به قدری رایج بود که بعد از پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) این سیره ادامه داشت تا جایی که در مورد قضاوت حضرت علی (علیه السلام) چنین آمده است: «أنه كان يفعل ذلك في مسجد الكوفة و له به دكة معروفه بدكة القضاء؛ در مسجد کوفه، محلّی برای قضاوت علی بود که معروف به دکه القضاة بوده است».^۳

حضرت علی (علیه السلام) نه تنها خود در امر قضاوت در مسجد همّت گمارده است، بلکه

۱. آفرینش تاریخ، ج ۲، ص ۸۸۵.

۲. تاریخ طبری، ج ۶، ص ۲۳۲۸.

۳. عوالی اللالی، ج ۲، ص ۳۴۴ باب القضاء.

به سایر قضات دستور می‌داد که در مسجد به قضاوت بپردازند. در روایتی آمده است که آن حضرت ضمن صدور دستوری، در امر قضاوت به شریح فرمود: «یا شَرِيح! اجلس في المسجد، فإنه أعدل بين الناس و أنه وَهَنٌ بالقاضي أن يجلس في بيته؛ أي شريح، در مسجد قضاوت کن که این عمل برای اجرای عدالت بین مردم بهتراست. نشستن در خانه و قضاوت کردن موجب وهن قاضی است»^۱.

۱. دعائم الاسلام، ج ۲، ص ۵۳۴.

« فصل سوّم: کارکرد سیاسی مسجد در عصر حاضر

محوریت مسجد در امور سیاسی در صدر اسلام باعث شد که در زمان‌های بعد، این سنت دنبال شود. گواهی تاریخ و شواهد موجود، سردمداران حکومت هر چند به ظاهر اسلامی، امور سیاسی و کشورداری خودشان را با مسجد مرتبط می‌ساختند؛ به‌گونه‌ای که در هر شهر و برزن، مسجد جامع شکل گرفت و مسئولان حکومتی از طریق آن به بررسی مسائل منطقه بپردازند.^۱

مسلمانان در پی هر فتح می‌کوشیدند مسجد اصلی خود را در مرکز شهر و در مجاورت محلّ زندگی حاکم که به‌طور معمول «دارالاماره» نامیده می‌شدند، ایجاد کنند. در برخی شهرها، مسجد چنان نزدیک به «دارالاماره» ساخته می‌شد که هر دو ساختمان به ظاهر به هم متصل بودند. این پیوستگی نزدیک، نشانگر این عقیده همگانی بود که تمام قدرت سیاسی و مذهبی در دست حاکم است. در شهرهای ایران، از جمله اصفهان، تهران، قزوین، مشهد، نیز مساجد جامع با ارک (دارالاماره) یادارالحکومه ارتباط مستقیم و نزدیک داشته‌اند.^۲

این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، پیام‌هایی را به عصر حاضر منتقل می‌سازد که به مدد آن، می‌توانیم در برابر خصم و مخالف به عینیت سیاست و دیانت در اسلام، احتجاج کنیم و حجّت آوریم.

گرچه در مقطعی از ادوار تاریخی، این اعتقاد و بنیان، با تلاش افزون بنی‌امیه و بنی‌عبّاس کمرنگ شد و این امر باعث شد تا دارالخلافه و مسجد جدای از یکدیگر به کار خود ادامه دهند، با این حال، هنوز آن حالت وحدت تا حدودی حاکم بود. هنوز امت واحد اسلام، دستگاه حکومت و عبادت را یکجا می‌خواست. هنوز هم مسجد بیش از آنی که حاکمان می‌طلبیدند، در سیاست دخیل بود و سررشته خیلی اتفاقات را می‌شد در مسجد جستجو کرد.

آنچه که قصد بررسی آن را داریم، بحث این تغییر و تحوّل در قرن معاصر، البته به‌طور اجمال و خلاصه است؛ یعنی نقش مسجد، در برقرار کردن ارتباط میان

۱. جاسبی، عبدالله، نقش مساجد در اداره عمومی، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۳۱، ص ۱۹-۵.

۲. سعیدی رضوانی، عباس، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۱، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، ص ۱۳۷.

دیوان و معبد، در دورانی که تقابل فکری بین دو نظریه سکولاریزم (دین‌زدایی) و عینیت دین و سیاست، باعث چنددستگی میان امت اسلامی گردیده است. البته اگر با تیزبینی بنگریم، همین تقابل نیز در آن سوی دنیا و در میان ملل غرب نیز چنددستگی ایجاد کرده است و این می‌تواند به ما یاری کند تا در این بازی میان نظریات، پیروز گردیم و عینیت دین و سیاست را در جهان غالب کنیم. نقش مسجد در امور سیاسی را از عصر مشروطه آغاز می‌کنیم. عصری که مبدأ تغییرات شگرفی در تاریخ ایران گردید. بنابراین، بحث را در این قسمت در چهار مقطع زمانی، به‌طور اجمال و گذرا پی‌گیری می‌کنیم:

الف) در عصر مشروطه؛

ب) در پیروزی انقلاب اسلامی؛

ج) در زمان جنگ تحمیلی؛

د) در تداوم انقلاب و حفظ ارزش‌های اسلامی.

الف) مسجد در عصر مشروطیت

در عصر مشروطه، می‌توان موارد متعددی را نام برد که برجستگی نقش مسجد را در وقایع سیاسی روز، نمایان می‌سازد. در آنچه که از تاریخ مشروطه به یادگار مانده و نگاشته شده است، می‌توانیم سررشته مشروطه‌خواهی را از «مسجد» پیدا کنیم؛ «بعد از چوب خوردن تجار در عمارت حکومتی، هیجانی بین تجار و اهالی بازار پیدا شد. متوسل به مرحوم طباطبایی مجتهد سنگلجی شدند. آقا دستور دادند که چند روزی را بی‌صدا مشغول کار خودتان باشید. پس از آنکه اقدامات من انجام شد، به شما اطلاع می‌دهم. ان‌شاءالله کار بزرگی را از پیش بر می‌داریم. این واقعه در سال ۱۳۲۴ قمری واقع شد... انقلاب ایران از اینجا شروع شد»^۱.

پس از این است که مرحوم طباطبایی، در مسجد چاله حصار تهران، سخنرانی‌های خود را آغاز می‌کنند و سنگ بنای حرکتی را می‌گذارند که تا چندی بعد به

۱. محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، ج ۱، ص ۸۸.

یکی از مهم‌ترین انقلاب‌های ایران تبدیل می‌شود. پس از این واقعه، مسجد نقشی فراتر از آنچه که جایگاه عبادت محض تصور کنیم، بر عهده داشته است؛ به خصوص زمانی که مسجد در کنار یک بارگاه امام معصوم یا امام‌زاده‌ای هم واقع شده باشد. نقش حرم شاه عبدالعظیم حسنی و حرم حضرت معصومه (علیها السلام) در عصر مشروطه بر کسی پنهان نیست.

از جمله شاخصه‌های معروف، قیام مسجد گوهرشاد واقع در مشهد مقدس است که هم‌زمان با اجباری شدن کلاه بین‌المللی (شاپو) و زمزمه کشف حجاب توسط رژیم ستم‌شاهی، نطق‌هایی جهت آماده‌سازی اذهان عمومی توسط روحانیان آگاه از مسائل جاری ایراد می‌گردد و علمای مشهد به‌طور مخفی جلساتی را برگزار می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که آیت‌الله حاج آقا حسین قمی به تهران برود و به‌طور مستقیم با رضاشاه مذاکره کند؛ اما ایشان در شهر ری بازداشت و ممنوع‌الملاقات می‌شود.

در این برهه حساس، مسجد گوهرشاد محلّ تجمّع مردم و سنگر اعتراضات مردمی قرار می‌گیرد. اعتراضات با سخنرانی آتشین علما گسترده‌تر می‌شود. افشاگری نظام سلطه اوج می‌گیرد تا اینکه قزاقان در ۱۳۵۴ق، تیر ۱۳۴۱ش برای متفرّق ساختن مردم، آتش می‌گشایند و صد نفر را کشته و زخمی می‌کنند. پس از آن، مردم با یک حرکت انقلابی به سوی مسجد گوهرشاد سرازیر می‌شوند و در آنجا شعارهای ضدّ سلطنت و کلاه بین‌المللی و ضدّ حجاب‌زدایی سر می‌دهند که در این تجمّع، دو هزار نفر تا پنج هزار نفر توسط دژخیمان رژیم به خاک و خون کشیده شدند و یک هزار و پانصد نفر دیگر اسیر شدند؛ اما استقامت نه تنها خاموش نمی‌شود، بلکه شدّت می‌گیرد و کوس رسوایی رژیم سلطنتی به صدا در می‌آید.^۱

یکی دیگر از نمونه‌های بارز نقش مسجد در این عصر، تظاهرات روز عاشورای تهران، در سال ۱۳۸۳ق است که به دستور امام خمینی (ره) صورت می‌گیرد. در این تظاهرات، نقطه آغاز حرکت انقلابی، مسجد حاج ابوالفتح واقع در میدان شاه

۱. سینا، واحد، قیام گوهرشاد، ص ۵۰-۴۷؛ بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضاخان، ص ۴۶۷-۴۷۰.

سابق و نقطه پایانی سیل عظیم جمعیت، مسجد شاه (مسجد امام خمینی رضی الله عنه) است. در این تظاهرات که از مسجد آغاز و به مسجد ختم می‌شود، اقشار مختلف جامعه از جمله بازاریان و دانشجویان با حمایت از روحانیان و مخالفت با رژیم پهلوی، پا به میدان می‌گذارند.^۱

مسجد سید عزیزالله، مسجد شیخ علی، مسجد امین الدوله و مسجد آذربایجانی‌ها در شکل‌گیری هسته مبارزاتی اهمیت‌ی ویژه داشتند؛ این مساجد مرکز ارتباط روحانیان و بازاریان بودند. مسجد شیخ عبدالحسین، واقع در بازار تهران که به مسجد ترک‌ها یا آذربایجانی‌ها موسوم است، مرکز فعالیت نیروهای مذهبی و تبلیغی و سیاسی بود. از این مکان مرحوم فلسفی در شب عاشورای ۱۳۸۳ق، به دلیل سخنرانی‌های کوبنده علیه رژیم ستم‌شاهی دستگیر و به زندان شهربانی منتقل می‌شود.^۲

ب) مسجد در پیروزی انقلاب اسلامی ایران

در دوران پیروزی انقلاب اسلامی، تعریف مسجد به عنوان پایگاه اصلی و اساسی مسلمانان، نمود و جانی تازه و نوین یافت. روحانیان و اصحاب حوزه، توانستند با نفوذی که در مساجد داشتند، اقشار مختلف مردم را در جریان مسائل و اخبار روز قرار دهند. در آن زمان به دلیل تحریم تلویزیون از طرف اقشار مذهبی، مسجد، وظیفه نشر اخبار را نیز در برنامه خود قرار داده بود. بدین شکل که اجتماع نمازگزاران در مسجد، اخبار را خود به خود و سینه به سینه منتقل می‌کرد. گاه نیز امامان جماعت در حین سخنرانی‌های خود این اخبار را به اطلاع نمازگزاران می‌رساندند.

پس از تبعید امام خمینی رضی الله عنه از ایران، برای مسجد و مسجدی‌ها، یکی از مهم‌ترین اخبار، اخبار مربوط به این شخصیت سیاسی - مذهبی بود. در این دوران، حلقه‌های مبارزه در زیر چتر مساجد شکل گرفت. بهانه‌های متفاوتی

^۱ . نقش روحانیت مبارز در جنبش تاریخی ۱۰ خرداد ۱۳۰۲، ص ۵۲ و ۵۳.

^۲ . خاطرات و مبارزات حجت الاسلام فلسفی، ص ۲۵۵، ۲۵۸، ۲۵۹، و ۲۷۴.

برای جذب اقشار مختلف مردم، به خصوص جوانان به سوی روند مبارزه با رژیم، در مسجد به وجود آمد که از آنها می‌توان به کانون‌های قرآن اشاره کرد. آموزش قرآن، نه فقط بر اسلامی بودن حرکت مردمی، مَهْرِ صَحّت می‌گذاشت و نه تنها باور مذهبی را در میان ملت تقویت می‌کرد، بلکه چتر و نقاب بسیار مناسبی بود تا همراه آموزش معارف قرآنی به جوانان، ایشان را با روند مبارزه نیز آشنا نمود.

این حلقه‌ها که در سراسر کشور به صورت پراکنده‌ای شکل گرفته بود، چندی بعد و در پی انتشار بیانیه‌ها و اعلامیه‌های حضرت امام تکذّب وظیفه پخش و نشر این اعلامیه‌ها را نیز عهده‌دار شد. در آن زمان، این اعلامیه‌ها دارای اهمیت فراوانی بود و رژیم با کسانی که این اعلامیه‌ها را پخش می‌کردند، به شدت مقابله می‌کرد و مسجدی‌ها که اینک خود را وارد عرصه نوینی از زیست اجتماعی کرده بودند، این وظیفه را در متن فعالیت‌های دیگر خود در مسجد کرده بودند. البته در اینجا نقش سازنده مسجد را می‌توان به عنوان یک دژ و سنگر در سازمان‌دهی و جهت‌دهی افراد، بیشتر نمایان دید. به نحوی که اشخاص گوناگون در مسجد حضور پیدا می‌کردند و پس از جذب توسط مذهبیان، در مسیر فعالیت‌های سیاسی قرار داده می‌گرفتند؛ یعنی مساجد، کانونی برای شناسایی و جذب اشخاصی که پا در عرصه و دستگاه عبادی اسلام می‌گذاشتند، بود و به کارگیری ایشان در دستگاه سیاسی و حکومتی اسلام در این مکان روحانی پی‌ریزی و پی‌گیری می‌شد.

به اعتراف تاریخ، مساجد در این دوران وظیفه خویش را به خوبی انجام دادند. در این دوران بود که اهمیت مساجد، به فعالیت‌های سیاسی کسانی بستگی داشت که در آنجا نماز می‌خواندند. در این دوران بود که مساجد با امامان جماعت خود شناخته شد و مردم، مساجد را با عنوان و نامی غیر از اسم نوشته شده در سردر آن مسجد می‌شناختند؛ به عنوان مثال، مسجد هدایت را که پایگاه آیت‌الله طالقانی بود، می‌توان به عنوان یکی از پررنگ‌ترین مساجد در این روند محسوب نمود. مسجد قبا، الجواد از نمونه‌های فراوان دیگری است که شاخصه مشترک

همه آنها فعالیت جدی امامان جماعت آنها در مبارزه با رژیم و شرکت در نهضت امام خمینی قدس سره بوده است.^۱

ج) مسجد در زمان جنگ تحمیلی

این سال‌ها به عنوان سال‌های سرنوشت‌ساز برای شروع حرکت حکومتی و در عین حال انقلابی مردم ایران، حساسیت ویژه‌ای داشت. در این مرحله و در پی تثبیت نظامی که آرمان اقشار مختلف مردم و به خصوص مسلمانان بود، مساجد به عنوان محلی برای اطلاع مردم از روند انقلاب شناخته می‌شد؛ به همان شکل که پیش از آن و در سال‌های پیش از ۵۷ نیز بود.

البته این بار و در پی تصرف مراکز خبری از جمله رادیو و تلویزیون، مساجد باید به دنبال نقشی جدیدتر می‌گشتند که متناسب با آن بتوانند در روند شکل‌گیری نظامی که به گمان بسیاری نظام متصل به قیام مهدی علیه السلام، دخیل و شریک باشند. در پی فعالیت روحانیان در مساجد در دوره قبل، برخی از مساجد به نام ایشان شناخته می‌شد، نه به نام مسجد. به‌طور مثال، مسجد آیت‌الله طالقانی و ...

این ویژگی‌ها باعث می‌شد تا مردم برای ملاقات با این روحانیان که در کسوتی متفاوت و در قالب مقامات حکومتی نیز شناخته می‌شدند، به این مساجد رغبت خاصی نشان بدهند. اینجا نیز نقش حکومت و دین با هم نسبتی دیگر پیدا کرد. تا قبل از این، مسجدی‌ها که رویاروی حکومت، تلفیق حکومت و سیاست را موجب شده بودند، باید در مرکز عبادی خویش به یاری حکومت می‌شافتند و این جنبه‌ای دیگری از وحدت سیاست و عبادت را نمایان می‌کرد. در چنین شرایطی بود که همسایه ایران، به وسیله قدرتی دیکتاتوری، که بعدها به همسایگان دیگرش نیز یورش برد، به ایران حمله کرد و باعث گردید تا مراکز دینی مسلمانان، علاوه بر نقش هدایت‌گری به عنوان مراکز جهادی نیز شناخته شوند. مساجد به عنوان مناسب‌ترین و بهترین مرکز برای سازمان‌دهی نیروهای انقلاب و مرکزی برای اعزام نیرو به صحنه رویارویی حق و باطل تبدیل گردید.

^۱ . سایت کانون اندیشه جوان، مقاله میثم رمضان علی، کارشناسی فقه و اصول اسلامی.

شور و شوق ایجاد شده در پی فرمان جهاد ولی امر مسلمانان و شوق به جانبازی و جان‌نشاری در راه اسلام، دستگاه عبادی اسلام را به همان دستگاهی مبدل کرد که در دوران طلایی حکومت و مبارزه خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله بود. مسجد، در دوران خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله، گاه مکانی برای جهاد و سازمان‌دهی نیروها در غزوات و نبردهای صدر اسلام بود. اکنون و پس از این همه سال، این مساجد به دوران طلایی خود باز می‌گشتند و به دامان صدر اسلام پناه می‌بردند تا بگویند که این اسلام و این نبرد در برابر باطل، همان است که در صدر اسلام نیز بوده است.

جدای از این، امام خمینی ره نیز اقامتگاهش را در جنب مکانی به سیاق مسجد قرار داد تا به دیگران بفهماند که دستگاه عبادی و سیاسی در اسلام، یکی است و غیر از مسجد را بر نمی‌تابد و از همین مکان بود که پیامش را به همه جهانیان ابلاغ می‌کرد و غرب و شرق را به تحیر واداشت.

مکان نماز جمعه در میان دانشگاه تهران قرار داشت؛ همچنان که در صدر اسلام این چنین بود و مسجد، مدرس نیز بود. دانشکده‌های کنونی، جلوه‌ای از حلقه‌های آموزشی هستند که در مساجد سال‌های اول ظهور اسلام بر پا بود. حلقه‌هایی که تفسیر و قرائت قرآن در آنها برقرار بود.

د) مسجد در تداوم و حفظ ارزش‌های اسلامی

در سال‌های بعد از جنگ، دوره‌ای قرار داشت که یاوران رهبر کبیر انقلاب، پس از جنگی فرسایشی، اما ارزشی، به مأمّن سابق خود، مسجدها، پناه ببرند. حال و هوای سال‌های مقاومت در پوست و خون این ملت نفوذ کرده بود و نمی‌توانست در مأمّنی به غیر از مسجد آرام بگیرد. امام خمینی ره که در آغاز این مقطع زمانی، دنیا را بدرود گفته، زعامت و رهبری را به خلف صالح پس از خود، رهبر معظم سپردند، مدفنش را نیز مسجدوار قرار دادند تا بگویند که این انقلاب، از نوع انقلاب صدر اسلام است و رهبرش مانند رهبر آن انقلاب، در مدفن به سیاق مسجد مدفون است که آرام خواهد گرفت.

از طرف دیگر، بسیجیان بازگشته از جنگ، به دامن همان مکانی رو آوردند که از آن به جبهه اعزام شده بودند. اینان بهتر آن دیدند تا با تشکیل منظم پایگاه‌های بسیج در مساجد، تا حد امکان خاطره آن سال‌ها را زنده نگه دارند. بنابراین، چنین شد که پایگاه‌های بسیج پس از ساخت هر مسجد به عنوان اولین دستگاه و مرکز، در مسجد مستقر شدند. مسجد، این باور را تقویت کرد که هر کاری، آغازش مسجد باید باشد و مسجد مانند کلیسا و معبد نیست که فقط عبادات فردی را بطلبد، بلکه اسلام، دینی نه فقط در عرصه خصوصی، بلکه اجتماعی سیاسی هم است.

جایگاه سیاسی مسجد از دیدگاه امام خمینی ره

با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی ره، مساجد نیز همانند دوران صدر اسلام جایگاه واقعی خود را باز شناختند؛ به طوری که نیروهای فعال در مساجد به طور مستقیم در متن انقلاب شرکت جستند. به گونه‌ای که از آن پس، مساجد نقش پایگاه ارتباطی مردم را به عهده داشتند و در شرایط حساسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کرده و به انسجام نیروهای مردمی پردازند. علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌های انقلاب، مانند رفراندوم، شوراها محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان، در مساجد انجام می‌گرفت.

برای اینکه به جایگاه اصلی مساجد در عصر کنونی، به ویژه در بعد سیاسی آن بعد از انقلاب اسلامی ایران با مقایسه به جایگاه سیاسی و نقش مسجد در دوران صدر اسلام پی ببریم بجا است که به شاخص‌های نقش مسجد از منظر بزرگ مرد تاریخ و رهبر فرزانه انقلاب پردازیم؛ زیرا او بود که توانست جایگاه اصلی مساجد و کارآیی آن را در ابعاد مختلف، همچون صدر اسلام به تصویر بکشد و یکبار دیگر خاطره‌های شیرین دوران رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و جانشین برحقش، علی مرتضی علیه السلام را نسبت به مساجد زنده سازد.

۱) مسجد سنگر سربازان اسلام

با بررسی نقش مسجد در مبارزه علیه کفر و الحاد، این نکته به دست می‌آید که چشمه زلال مبارزه و نهضت علیه باطل در طول تاریخ از مسجد جوشیده است و این مکان الهی بود که توانست به قیام مقدس مردم ایران که به برقراری حکومت اسلامی انجامید، نیرو و توان ببخشد و همه این مبارزات و پیروزی‌ها بر محور سفارشات و رهنمودهای آن پیر فرزانه و بت‌شکن زمان بود. او بود که بر پایه شناختی که از موقعیت و نقش مسجد داشت، خطاب به مسلمانان جهان می‌فرماید:

«اگر حرم و کعبه و مسجد و محراب، سنگر و پشتیبان سربازان خدا و مدافعان حرم و حرمت انبیاء نیست، پس مأمن و پناهگاه آنان در کجاست؟»^۱

۲) ترس دشمن از مسجد و مسجدی‌ها

از جمله ترفندهای استعمار و دشمنان داخلی و خارجی برای محو اسلام، خاموش کردن چراغ و رونق مساجد بوده است که این حيله خائنانه در رژیم گذشته تا حد زیادی مؤثر افتاد و اکنون نیز تمام سعی و تلاش دشمنان در خلوت کردن مساجد، به عنوان پایگاه ضد استکباری است.

آن بزرگوار با تأکید بر نقش محوری مسجد در خنثی کردن نقشه‌های دشمنان اسلام می‌فرماید: «اینها از مسجد می‌ترسند، من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم؛ شما دانشگاهی‌ها و شما دانشجوها، همه‌تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد».^۲

در جایی دیگر می‌فرمایند: «مساجد و محافل دینی را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید».^۳

۳) مسجد کانون شکل‌گیری انقلاب و تداوم آن

۱. صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۳۱۶.

۲. صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۳۹۳.

۳. همان، ج ۲، ص ۴۵۱.

با بررسی تحولات سال‌های سرنگونی رژیم شاهنشاهی و پیروزی انقلاب اسلامی، نقش و اهمیت مسجد در ابعاد مختلف به وضوح هویدا است. در آن موقعیت مردم و روحانیت با محوریت مساجد به مبارزه ادامه می‌دادند که نه در گذشته و نه در حال و آینده هیچ مکانی قابلیت این مرکزیت را ندارد و هم‌اینک نیز اگر مردم از این مرکز دور بمانند، موجب شادی دشمنان و تضعیف انقلاب خواهد شد. در آن موقعیت حساس، مسجد پایگاه عمده‌ای شد تا شاگردان و پیروان ایشان به همراه اقامه فرایض دینی و عبادی که دلیل حضور مردم در مساجد بود، پیام‌ها و اهداف امام خمینی ره را دریافت کنند.

آن بزرگ معمار انقلاب، با تأکید بر حفظ مساجد به عنوان اصل و اساس انقلاب می‌فرماید: «مسجد، محلی است که از آن باید امور اداره بشود. این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند. این‌طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم. پیروزی ما، برای اداره مسجد است»^۱.

۴) مسجد نقطه آغازین نهضت‌های اسلامی

در زمان رسول اکرم صلی الله علیه و آله یکی از مهم‌ترین نقش‌های مسجد، تدارک مقدمات فکری و بسیج عمومی مسلمانان به منظور جهاد با کفار بوده است. به عینه همین نقش در جریان نهضت روحانیان شیعه به رهبری امام خمینی ره در سال ۱۳۴۲ (ش) و پس از آن در جریان پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشاهده می‌شود. تأثیر این مکان مقدس در طول ۸ سال دفاع مقدس، در جذب نیروهای رزمنده بسیجی و آموزش آنها و نیز پشتیبانی و فعالیت‌های پشت‌جبهه، بر هیچ کس پوشیده نیست. مسلم و بدیهی است که اگر بیانات روشن‌گرانه آن پیر فرزانه نبود، مساجد نمی‌توانستند جایگاه حقیقی خود را به دست آورند و او بود که مساجد را مرکز جنبش‌ها و حرکت‌های اسلامی معرفی کرده و چنین می‌فرمود:

«مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی

۱. همان، ج ۱۳، ص ۱۵.

بوده... از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است. از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید پیروی از پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله و اصحاب آن سرور کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبران قرار دهید...^۱

بر اساس همین دیدگاه است که متفکران و نویسندگان خارجی نیز به اهمیت مساجد در ساختار انقلاب تأکید کرده و آن را محور اصلی در شکل‌گیری انقلاب اسلامی دانسته‌اند. حامد الگار نویسنده و منتقد بزرگ می‌گوید: «مسجد، هسته اساسی تشکیلات انقلاب اسلامی بود. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیای مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر نه عزت و گریزگاهی از جامعه بود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به عنوان یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی بدل گردید. به‌طور خلاصه، مسجد به‌طور کامل چیزی شد که در عصر پیامبر بود».^۲

۵) مسجد مرکز تشکل‌های سیاسی و اجتماعی

نقش‌آفرینی عمیق دین در ایجاد تشکل‌های اجتماعی موجب شده تا اسلام در ابتدای نظام‌دهی سازمان دینی خود، تأسیس مرکز تجمع عمومی مسلمانان را با نام «مسجد» در اولویت قرار داده و اجتماع در آن را به نیکوترین وجه ستوده و شدیدترین تأکیدات را در راستای حفظ این سنگرهای توحیدی ابراز داشته است. حضرت امام بر اساس همین شناخت، بارها بر اهمیت اجتماع و حضور فعال در مساجد تأکید داشته و آن را موجب تقویت اسلام و نظام می‌دانستند.

«مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها؛ اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم

۱. صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۵.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، این‌طور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند پیرزن و پیرمرد».^۱ امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در جاهای مختلفی می‌فرمودند: «نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. اجتماعاتان را حفظ کنید. مساجدتان را محکم نگه دارید».^۲ امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در سخنی دیگر می‌فرمایند: «مسجد مرکز تبلیغ است. در صدر اسلام از همین مسجدها جیش‌ها، ارتش‌ها راه می‌افتاد؛ [مسجد] مرکز تبلیغ احکام سیاسی - اسلامی بوده، هر وقت یک گرفتاری را طرح می‌کردند صدا می‌کردند: «الصلوة مع الجماعة»، اجتماع می‌کردند، این گرفتاری را طرح می‌کردند، صحبت‌ها را می‌کردند. مسجد مرکز اجتماع سیاسی است. اجتماعات خود را هرچه بیشتر در مساجد و محافل و فضاها باز عمومی برپا نمایید».^۳

۶) مسجد مرکز پشتیبانی انقلاب اسلامی

آنچه در تاریخ مسجد در سراسر ایران و در طول مبارزات و فعالیت‌های انقلابی به دست می‌آید، این است که مساجد، تنها جایگاهی بوده است که در جوّی آکنده از وحدت و اخوت و معنویت، نیروهای مبارزه و مؤمن و شجاع را در خود جای داده و از این طریق در جهت بیداری و آگاهی‌بخشی به توده‌های بسیج و گروه‌های مختلف مردمی، رسالت خویش را عینیت بخشیده است. به همین دلیل است که دشمنان از مسجد به عنوان مرکز نیرومند پشتیبانی انقلاب و ستاد عملیاتی رهبر انقلاب اسلامی در هراس و وحشت بوده و بارها مساجد، آماج حملات دژخیمان رژیم سابق قرار گرفته و هم‌اینک نیز دشمنان داخلی و خارجی در صدد خلوت کردن و دور کردن مردم، به خصوص جوانان از مساجد هستند.

آن‌بت‌شکن زمان با درک این حساسیت دشمنان، بارها خطر جدایی انقلاب از مساجد را مورد تأکید قرار داده و می‌فرمودند: «اگر این مسجد و مرکز ستاد

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ۳۲۵.

۲. همان، ج ۱۲، ص ۳۹۳ و ۳۹۴.

۳. همان، ج ۱۰، ص ۱۷ و ۱۶.

اسلام قوی باشد، ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید. ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید. آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت کنید به مساجد»^۱.

امام خمینی ره در بیانی دیگر می‌فرماید: «ای ملت، مسجدهای خودتان را حفظ کنید، روشن فکر غربی نباشید. ای حقوقدان‌ها، مسجدها را حفظ کنید؛ بروید به مسجد... تا این نهضت به ثمر برسد، مملکت شما نجات پیدا کند»^۲.

«این یک توطئه است که می‌خواهند مسجدها را کم‌کم خالی کنند. شما باید هوشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمایی که این معجزه را از مسجد دیدید که همه قدرت‌ها را در هم شکست؛ نه فقط ابرقدرت‌ها، قدرت‌های دیگر را نیز بدر هم شکست، نباید در اسلام سستی کنید. مسجدها را محکم نگه دارید و پرجمعیت کنید»^۳.

رهبر کبیر انقلاب با تیزبینی که در مسائل سیاسی اوایل انقلاب داشتند، خطر جدایی مردم و انقلاب را از مساجد حس می‌کردند و مراقب بودند تا ارتباط مردم با مسجد قطع نگردد. اسناد تاریخی نشانگر آن است که ارتباط مردم با مساجد، نقش بسیار مؤثری در پیروزی انقلاب اسلامی داشته است و تداوم آن نیز بستگی به همین ارتباط دارد.

از جمله مواردی که نشان‌دهنده اهمیت زیاد حضور مردم در مساجد را از دیدگاه حضرت امام نشان می‌دهد، پیامی است که اعلام کردند تا تمامی اسلحه‌هایی که در اوج تظاهرات و درگیری‌ها به دست مردم افتاده است، به مساجد تحویل داده شود. این پیام که با استقبال همگان مواجه شد، تأکید دیگری بر این مطلب است که علاوه به اهمیت اجتماع و تجمع در مسجد، حتی رفت‌وآمد به این جایگاه الهی نیز دارای آثار و برکات و خنثی‌کننده نقشه‌های دشمنان است. در حالی که مکان‌های دیگر نظامی و انتظامی وجود داشت که می‌توانست به عنوان پایگاه جمع‌آوری اسلحه‌ها معرفی شود و این موضوع، چیزی جز اهمیت حضور و

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱.

۲. همان، ج ۸، ص ۶۰.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۱۹.

رفت و آمد به مساجد و پیوند و ارتباط جامعه با روحانیت نیست. حضرت امام در بخشی از این پیام می‌فرماید: «باید تمام اسلحه‌هایی که در دست مردم است، جمع شوند. هر کس اسلحه‌ای پیدا کرد، باید به مسجد محله خود ببرد و به امام جماعت مسجد تحویل بدهد و بعد این اسلحه‌ها از مساجد به کمیته آورده می‌شود»^۱.

به خاطر همین لزوم ارتباط است که در صدر اسلام و حتی بعد از آن، تمام خطابه‌ها و پیام‌ها و مشورت‌ها و نیز محل رفع مشکلات مردم، محل رسیدگی به اختلافات، حل مسائل حقوقی یا قضائی، مرکز آموزش، تعلیم و دانش‌اندوزی و ... در این مکان مقدس انجام می‌گرفته است.

۷) مسئولیت خطیر امام جماعت مسجد

بحث مهم دیگر در مسجد، مدیریت و امامت آن است. این رسالت ویژه و مهم، یعنی «امامت در نماز جماعت» نوعی رهبری و پیشوایی است که لازمه آن این است که امام جماعت در حدّ خود واجد کمال، خصال، روحیات و عملکردهای پسندیده‌ای باشد که همان کمالات در سطح بالاتری برای رهبری صالح جامعه اسلامی مطرح است.

با نگرشی اجمالی به تاریخ مساجد در می‌یابیم که مساجد تنها برای ادای فرائض دینی نبوده، بلکه علاوه بر پایگاه تجمّع طبقات گوناگون اجتماع برای ادای وظایف شرعی و دینی، همواره پایگاهی برای استفاده‌های علمی، فرهنگی، آموزشی و ... برای جوانان بوده است و همان‌گونه که مساجد، محلّ تصمیم‌گیری‌های سیاسی و شروع بسیاری از حرکت‌های اسلامی و نهضت‌ها بوده است، در مقابل، آن روزی که ارتباط با دین و مساجد ضعیف یا قطع شده، ضعف و ناتوانی و شکست را برای ملت‌ها به دنبال داشته است.

در تاریخ انقلاب شکوهمند اسلامی نیز مساجد نقش سازنده و مؤثر خود را در تقویت ایمان به هدف و همچنین، گردآوری طبقات گوناگون مردم، به خصوص

۱. صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۳۱.

جوانان ایفا کردند.

با توجه به مطالب فوق، جایگاه و نقش مهمّ امام جماعت به عنوان اولین برنامه‌ریز، هم در تقویت بنیه دینی و مذهبی و هم به منظور بهره‌برداری مناسب و مفید از مسائل سیاسی، اجتماعی و ارتقای میزان آگاهی آحاد مردم، آشکار می‌شود. به همین دلیل است که در صدر اسلام مدیریت و امامت مسجد النبی ﷺ به عهده شخص پیامبر ﷺ و در غیاب ایشان به عهده کسانی بوده است که به تشخیص آن بزرگوار صلاحیت امامت را داشته‌اند و توسط خود حضرت معرفی می‌شده‌اند. حضرت امام خمینی رحمته الله علیه نیز با توجه به نقش مهم مسجد در ابعاد عبادی، سیاسی، نظامی و اجتماعی، وظیفه امام جماعت را بسیار گسترده‌تر از یک نماز جماعت می‌دانستند و لزوم شایستگی و احراز شایستگی امام جماعت را مورد تأکید قرار می‌دادند و بر این مسئله تأکید داشتند که استقامت هر مسجد و اهل مسجد بستگی به امام جماعت آن دارد؛ چرا که گاه عدم شایستگی او، موجب انحراف و دوری جماعتی از مسلمانان از مسیر حق می‌شود. آن فقید فرزانه می‌فرمودند: «استقامت هر مسجدی و اهل هر مسجد به عهده امام مسجد است... . گوینده‌ها باید [خود به راه] مستقیم باشند تا بتوانند مستقیم کنند. ائمه جماعات باید مستقیم باشند تا بتوانند دیگران را مستقیم کنند».^۱

توجه خاص آن بزرگوار بر لزوم دقت و حساسیت در تعیین و نصب امام جماعت به خصوص در مساجد خاص و پرجمعیت تا آنجا بود که حتی در مواردی به شخصه امام جماعت برخی از مساجد را انتخاب و معرفی می‌کردند که این انتخاب‌ها از دو جنبه حائز اهمیت و قابل دقت است:

اول: تعیین و انتخاب امام جماعت مساجد به قدری مهم و حائز اهمیت است که در بعضی موارد رهبر حکومت اسلامی، به شخصه اقدام می‌فرمودند.

دوم: با توجه به تأکیدات مکرر آن بزرگوار بر نقش سیاسی، اجتماعی و نظامی مسجد، علاوه بر نقش عبادی آن، این مطلب به دست می‌آید که لازم است ائمه

۱. صحیفه نور، ج ۹، ص ۴۷۹.

جماعات مساجد، افرادی آگاه به زمان و با تأیید علماء انتخاب شوند.^۱

۸) پیوند ناگسستنی مسجد و سیاست

مسئله حائز اهمیت دیگری که در صدر اسلام مورد توجه خاص پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله بوده است و مرحوم امام نیز به تبعیت از آن حضرت بر آن تأکید داشتند، مدیریت سیاسی مسجد است. اهمیت این موضوع به حدی است که اگر مسجد از سیاست اسلام دور بماند، آن گونه خواهد شد که دشمنان خواستارش بوده و سعی کرده‌اند تا مسجد و نماز جماعت را به محل صرف عبادت مبدل کنند، تا هیچ ضرر و خطری از این ناحیه متوجه آنها نباشد.

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از محور اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین بخش کار مساجد، در محور سیاست بوده است؛ چرا که مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و رژیم‌های استعماری جهان نیز از مسجد، بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند. بنابراین، همان‌گونه که مسجد از آغاز به عنوان خانه خدا و محبوب‌ترین مکان‌ها به عنوان نخستین کانون عبادی مطرح بوده است و همان‌طور که نخستین جایگاه دانش و مرکز تعلیم و تعلم قرآن و بحث و بررسی مسائل دینی بوده است، به همان نسبت به عنوان نخستین نهاد سیاسی در جامعه اسلامی، از جایگاه و اعتبار خاصی برخوردار بوده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصول سیاسی اسلام را، به‌ویژه در اموری که می‌دانست مسلمانان از نظرات و تجربیات مفیدی برخوردارند، در مسجد به شور می‌گذاشت.

حضرت امام ره در تبیین بعد سیاسی مسجد می‌فرماید: «اما راجع به اسلام، شروع کردند به تبلیغات کردن به اینکه اسلام یک مکتبی است مربوط به دعا و ذکر و یک روابطی مابین مردم و مابین خالق و سیاست، کاری به آن ندارد؛ اسلام به حکومت کاری ندارد؛ به سیاست کاری ندارد. این را آن قدر تبلیغات روی آن

^۱ برای آگاهی در مورد نمونه‌هایی از تعیین امام جماعت مساجد توسط شخص حضرت امام ره، ر.ک: صحیفه نور، ج ۲۲ و ۱۹، صفحات ۲۰۵ و ۱۱۴.

کردند که در جامعه خود روحانیت هم به خورد آنها هم دادند که بسیاری از آنها هم همین اعتقاد را پیدا کردند... که روحانی مسجد برود و نماز بخواند و عرض می‌کنم از این صنف کارها: درس بگویند و مباحثه بکنند و آن آداب شرعی را به مردم نشان دهد. آنها دیدند که نماز روحانیان و نماز اسلام هیچ به آنها ضرر ندارد، هر چه می‌خواهند نماز بخوانند»^۱.

در جایی دیگر با بیان اینکه اسلام با سیاست آمیخته شده و اسلام بدون سیاست، اسلام نیست می‌فرماید: «کتاب‌هایی که اسلام در سیاست دارد، بیشتر از کتاب‌هایی است که در عبادت دارد. این غلط را در ذهن ما جای‌گیر کرده‌اند و حتی [برخی] آقایان، حالا باورش‌شان آمده است به اینکه اسلام با سیاست جداست؛ این [اسلام] یک احکام عبادی بین بنده و خداست؛ بروید توی مسجدها و هر چه می‌خواهید دعا کنید؛ هر چه می‌خواهید، قرآن بخوانید؛ حکومت‌ها هم به شما کار ندارند؛ اما این اسلام نیست»^۲.

آن بزرگ‌مرد تاریخ در اوج اختناق رژیم ستم‌شاهی، یعنی سال ۵۲ می‌فرمایند: «وظیفه علمای اعلام و مبلغان است که جرائم اسرائیل را در مساجد و محافل دینی به مردم گوشزد کنند»^۳.

البته ناگفته پیداست که سیاست مسجد با مسجد سیاسی که طرفداران هر گروه و جناح، این مکان مقدس را سیاسی و جناحی کرده و امام جماعت، نمازگزاران، سخنرانان و تمام برنامه‌های آن، طبق سلیقه آن گروه اجرا می‌شود، فرق می‌کند؛ چرا که با تعریفی که اسلام از مسجد عرضه می‌کند، مسجد نمی‌تواند پایگاه سیاسی «یک حزب» باشد، مسجد از یک سو، به «خدا» و از سوی دیگر، به «مردم» تعلق دارد. از این‌رو، نمی‌تواند زیر سیطره یک باند سیاسی قرار بگیرد و از آن به صورت مرکز فعالیت‌های تشکیلات گروهی استفاده شود.

حضرت امام ره در خاطره‌ای می‌فرمودند: «در دوران رضاخان، من از یکی از ائمه جماعات سؤال کردم که اگر یک وقت رضاخان لباس‌ها را ممنوع کند و اجازه

۱. صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۶.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۲۷.

۳. همان، ص ۷.

پوشیدن لباس روحانی به شما ندهد، چکار می‌کنید؟ او گفت: ما توی منزل می‌نشینیم و جایی نمی‌رویم. گفتم: من اگر پیش‌نماز بودم و رضاخان لباس را ممنوع می‌کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می‌آمدم و به اجتماع می‌رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود.^۱

آنچه از لابه‌لای سخنان و پیام‌های حضرت امام خمینی ره مشهود است، تأکید و سفارش بر اهمیت مسجد و اجتماع در آن است که پرداختن به تمامی آنها در این مقاله نمی‌گنجد؛ ولی آنچه از مجموع سخنان پیامبرگونه ایشان درباره نقش مهم و سرنوشت‌ساز مسجد در جامعه اسلامی به دست می‌آید، حفظ مسجد در راستای حفظ اسلام و دور نشدن از اهداف آن است.

به هر حال، مسلمانان و حکومت اسلامی مکلف هستند که دستورات و احکام دین را به بهترین وجه در تمامی ابعاد زندگی خود پیاده نمایند و از سوی دیگر، باید مراقب باشند تا مبدا به بهانه‌های مختلف (مانند مقدّس بودن مسجد) توطئه جدایی دین از سیاست در جامعه و مسجد اجرا شود؛ چرا که یکی از جلوه‌های پیاده شدن احکام دینی در زندگی مؤمنان، توجه و اهتمام به مسائل و مشکلات سیاسی جامعه و تلاش برای رسیدگی و برطرف ساختن آنهاست و هیچ مکانی بهتر از مسجد برای هماهنگی این فعالیت‌ها وجود دارد و هیچ فضایی بهتر از جماعت مؤمنان، که خود، جلوه‌ای از بعد سیاسی نماز است، وجود ندارد. پس، شایسته است تا سفارشات و نصایح آن پیر فرزانه را به گوش جان بشنویم و به مقدار توان در اجرای آن بکوشیم تا زمانی که بفرموده آن عزیز، همه جا یک صبغه و رنگ اسلامی پیدا کند که اگر ان‌شاءالله این معنا تحقق پیدا کند، همه چیز ما اصلاح می‌شود.

کارکرد سیاسی مسجد در عصر حضور قائم آل محمد علیهم‌السلام

همان‌گونه که در صدر اسلام مسجد، مرکز فرمانروایی و دارالاماره حکومت نبوی و علوی بود و از آنجا به امور کشور رسیدگی می‌شد و در امور سیاسی، مسجد

^۱ . ۴۲۰ داستان از نماز و عبادت امام خمینی ره.

نقش محوری و کانون اساسی و اصلی اداره حکومت و رهبری جامعه را دارا بود، در عصر ظهور آخرین جانشین پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و مصلح جهانی و بنیان‌گذار حکومت واحد جهانی نیز، مسجد چنین نقشی خواهد داشت. چنان‌که از روایات استفاده می‌شود که حضرت مهدی علیه السلام همچون جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله از مکه ظهور می‌کند و مانند امیر مؤمنان علی علیه السلام کوفه را مقر حکومت خویش قرار می‌دهد و مسجد کوفه را دارا لماره خویش و مسجد سهله را محل سکونت خود قرار می‌دهد.

در مورد مقر حکومت حضرت مهدی علیه السلام، امام صادق علیه السلام فرمود: «دار ملکه الکوفه و مجلس حکمه جامعها...؛ مقر سلطنت وی، شهر کوفه است و محل حکومتش، مسجد جامع کوفه...»^۱

در مورد سکونت آن حضرت در مسجد سهله نیز روایات فراوانی وارد شده است؛ از جمله ابوبصیر می‌گوید که امام صادق علیه السلام فرمود: «کأنتی اری نزول القائم فی المسجدالسهله باهله و عیاله؛ مثل اینکه قائم را در مسجد سهله با اهل و عیالش می‌بینم»^۲.

در روایت دیگر می‌خوانیم: «ما آتته صاحبنا اذا قام بأهله؛ همانا آن مسجد، منزل صاحب ما (حضرت مهدی علیه السلام) است؛ آنگاه که با خاندانش بیاید»^۳.

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۱، ج ۵۲، ص ۳۶۵.

۲. همان، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

۳. الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۵.

« نتیجه سخن

از مطالب یاد شده درمی‌یابیم که مسجد، در صدر اسلام تنها محلّ عبادت، تعلیم و تربیت، خطابه و ... نبود، بلکه علاوه بر اینها، کارهای سیاسی نیز در آن انجام می‌گرفت؛ زیرا پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله علاوه بر رهبری دینی، فرماندهی نظامی جامعه اسلامی را نیز بر عهده داشت و به تعبیری دیگر مسجد آمادگاه و رزمگاه مجاهدان اسلام و محلّ طراحی نقشه جنگ و آماده‌سازی نیروها بود.

بر همین اساس، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از بنیان‌گذاری نظام اسلامی، مسجد را که مرکزی عمومی و محلّ تجمع مسلمانان برای ادای فرایض دینی بود، به عنوان پایگاه حکومت و نهاد سیاسی اسلام برگزید. در دوره‌های بعد نیز بیشتر امور سیاسی آن روز، مانند معرفی خلیفه، مراسم بیعت با وی، عزل و نصب استانداران و کارگزاران و ... در مسجد صورت می‌گرفت.

به تدریج در دوره‌های مختلف تاریخی، بسیاری از حرکت‌های سیاسی مردم بر ضدّ حکومت‌های جابر و ظالم زمانه خویش، از طریق تشکّل‌های غیررسمی در مساجد و سایر محافل مذهبی صورت می‌گرفته است. اگرچه مساجد صحنه برخورد با حکومت‌ها بود؛ اما نه به سبب درگیری مذهبی، بلکه به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. بنابراین، توده‌های مردم که با رهنمودهای علمای دین آگاه می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های جابر زمان اعلام می‌کردند.

همان‌گونه که در دوران پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مسجد از منظر سیاسی جایگاه و نقش محوری، در امور سیاسی و حکومتی آن حضرت داشت، در عصر حکومت امام علی علیه السلام نیز مسجد از کارکرد سیاسی قابل توجهی برخوردار بود. آن حضرت آنگاه که کوفه را مرکز خلافت قرار داد، در آغاز ورودش به شهر کوفه، به دارالاماره (قصر حاکم کوفه) نرفت؛ بلکه به مسجد کوفه رفت و آنجا را محلّ سکونت خویش قرار داد و در همان مسجد، به تدبیر امور پرداخت. امام علی علیه السلام که یگانه مرد سیاسی در چارچوب سیاست اسلامی و سرباز فداکار اسلام در عصر رسول خدا صلی الله علیه و آله بود، در مسجد متولد، در مسجد با بیعت مردم به خلافت ظاهری

رسید و در مسجد شهید شد.

آنگاه که ابن‌ملجم ملعون، آن شقی‌ترین انسان، فرق نازینش را شکافت و محراب مسجد کوفه از خون سرخش رنگین شد و ندای «فزت ورب‌الکعبه» اش به ملکوت رسید، این مسجد کوفه بود که ملکوتیان و عرشیان، ندبه‌کنان به سوی آن توجّه کردند و ندای «هُدَمْتُ و اللهُ ارکان‌الهدی» سر دادند. بنابراین، پیوند امام علی (علیه‌السلام) با مسجد یک پیوند الهی و تکوینی بوده است. مسجد در عصر حکومت آن حضرت، محلّ جمع‌آوری تجهیزات نظامی، محلّ بیعت، محلّ قضاوت و دادخواهی مردم بوده است.

محوریت مسجد در امور سیاسی در صدر اسلام و عصر حکومت امام علی (علیه‌السلام) باعث شد که در زمان‌های بعد این سنت ادامه پیدا کند. بنابراین، مساجد در دوره‌های گوناگون همواره پایگاه‌های مطلوبی برای انواع فعالیت‌های سیاسی محسوب می‌شده است. چنان‌که در دوران قبل از انقلاب (عصر مشروطه)، در پیروزی انقلاب اسلامی و در زمان جنگ تحمیلی نقش مؤثری داشت. در پیروزی انقلاب، در شرایط حسّاسی که نهضت اسلامی فاقد هرگونه تشکیلات منطبق با معیارهای اسلامی بود، مساجد توانستند این نارسایی مهم را جبران کرده و به انسجام نیروهای مردمی پردازند. علاوه بر این، بسیاری از برنامه‌های انقلاب، مانند رفراندوم، شوراها، محلی، کانون‌های بسیج و دیگر ضرورت‌های زمان جنگ تحمیلی در مساجد انجام می‌گرفت. به هر حال، مساجد در آگاهی و بیداری توده‌ها در دوران قبل و بعد از انقلاب نقش مؤثری داشته‌اند و هم‌اکنون نیز استعمارگران جهان از مسجد بیش از هر نهاد انقلابی می‌ترسند.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « نهج البلاغه
- « عزیزی، عباس، ۴۲۰ داستان از نماز و عبادت امام خمینی ره، تهران، انتشارات صلاه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « ابن شیبیه، عمر، تاریخ المدینه المنوره، قم، انتشارات دارالفکر.
- « ابن قتیبه دینوری، امامت و سیاست، ترجمه: سید ناصر طباطبایی، تهران، انتشارات قفوس، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « الاحسائی المعروف بابن ابی جمهور، محمّدين علی بن ابراهیم، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیّه، قم، انتشارات سیدالشهداء ۱۴۰۳، هـ.ق.
- « بیهقی، ابوبکر احمد، دلائل النبوه، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی فرهنگ، ۱۳۶۱ هـ.ش.
- « تیمیمی مغربی، نعمان، دعائم الاسلام، دارالمعارف، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « دفتر مطالعات و پژوهش های مرکز رسیدگی به امور مساجد، فرهنگ مسجد، قم، مؤسسه فرهنگي ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « سبحانی، جعفر، فروغ ابدیت، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دهم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « سلیمان اردستانی، عبدالرحیم، یهودیت، قم، انتشارات آیات عشق، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « شریف پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « شیخ حر عاملی، محمّد حسن، وسایل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ هـ.ق.
- « موسوی خمینی ره، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۹، هـ.ش.
- « طبری، محمّد، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « مجلسی، محمّد باقر، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- « مقدسی، مطهر، آفرینش تاریخ، ترجمه: محمّد رضا شفیعی کدکنی، تهران، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « نوبهار، رحیم، مسجد نمونه، تهران، ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- « ابن سعد، محمّد بن سعد، الطبقات الكبرى، ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات فرهنگ و اندیشه، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « واقفی، محمّد بن عمر، المغازی، بیروت، عالم الکتب، چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
- « _____ ترجمه: محمود مهدوی دامغانی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ دوم، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- « یعقوبی، احمد، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمّد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، چاپ ششم، ۱۳۷۱ هـ.ش.
- « آمدی، عبدالواحد بن محمّد تیمیمی، غرر الحکم و درر الکلم، شرح: جمال الدین محمّد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق: میرجلال الدین حسینی ارموی «محدث»، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۶۶ هـ.ش.
- « جهان بزرگی، احمد، اصول سیاست و حکومت، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمّد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق: محمّد سیدگیلانی، دارالمعرفه، بیروت، بی تا.
- « فیروزآبادی، نجم الدین محمّد بن یعقوب، القاموس المحیط، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۵ هـ.ق.

- « طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، المکتبه المرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶هـ.ق.
- « ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، چاپ دوم، لبنان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۲هـ.ق.
- « هارولدج. لاسکی، مقدمه‌ای بر سیاست، ترجمه: منوچهر صفا، تهران، انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۴۷هـ.ش.
- « محیط مافی، هاشم، مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۳هـ.ش.
- « حشمت‌زاده، محمدباقر، مسائل اساسی علم سیاست، تهران، کانون اندیشه جوان، ۱۳۷۷هـ.ش.
- « موریس دوورژه، اصول علم سیاست، ترجمه: ابوالفضل قاضی شریعت‌پناهی. تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۹هـ.ش.
- « خسروپناه، عبدالحسین، جامعه مدنی و حاکمیت دینی، قم، انتشارات وثوق، ۱۳۷۹هـ.ش.
- « عبدالحمید ابوالمحمّد، مبانی علم سیاست، تهران، انتشارات توس، چاپ هشتم، ۱۳۸۰هـ.ش.
- « عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ نهم، ۱۳۸۱هـ.ش.
- « فتحی و آجارگاه کورش، تأملی بر کارکردهای مسجد (مسجد نقطه وصل).
- « کتانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه (الترتیب الاداریه)، ترجمه: علیرضا ذکاوتی قراگوزلو، تهران، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری سمت، ۱۳۸۴هـ.ش.
- « مفید، ابی‌عبدالله، محمدبن محمدبن نعمان العکبری، الارشاد، بیروت، دارالمفید، ۱۴۱۴هـ.ق.
- « جعفریان، رسول، تاریخ خلفاء (از رحلت پیامبر گرامی ﷺ تا زوال امویان)، قم، انتشارات دلیل ما، چاپ ششم، ۱۳۸۶هـ.ش.
- « سعیدی رضوانی، عباس، بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، مجله تحقیقات جغرافیایی، ش ۱۱، ۱۳۶۷هـ.ش.
- « جاسبی، عبدالله، نقش مساجد در اداره عمومی، مجله اقتصاد و مدیریت، شماره ۳۱.
- « بشریه، حسین، دولت عقل، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین (مرکز چاپ و نشر کتاب‌های علمی دانشگاهی)، چاپ دوم، ۱۳۷۴هـ.ش.
- « ———، جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۴هـ.ش.
- « برتراند راسل، قدرت، ترجمه: نجف دریابندی، تهران، انتشارات خوارزمی، چاپ سوم، ۱۳۷۱هـ.ش.
- « بوازار، مارسل، اسلام در جهان امروز، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۵۸هـ.ش.
- « دیوید، مارش و جری استرکر، روش و نظریه در علوم سیاسی، ترجمه: امیرمحمد حاجی‌یوسفی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول، ۱۳۷۸هـ.ش.
- « آنتونی کوئیس، فلسفه سیاسی، ترجمه: مرتضی اسعدی، تهران، انتشارات الهدی، ۱۳۷۱هـ.ش.
- « مرکز اسناد انقلاب اسلامی، خاطرات و مبارزات حجّت الاسلام فلسفی، تهران، فروردین ۱۳۸۲هـ.ش.
- « واحد، سینا، قیام گوهرشاد، تهران، وزارت ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۶۱هـ.ش.
- « بصیرت‌منش، حمید، علما و رژیم رضا شاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵ - ۱۳۲۰هـ.ش، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۷۸هـ.ش.
- « رهبری، حسن، مسجد نهاد عبادت و ستاد ولایت، تهران، دبیرخانه عالی کانون فرهنگی هنری مسجد، چاپ دوم.



نقش مساجد در استحکام انقلاب اسلامی و مقابله با هجوم فرهنگی

سید مصطفی ابطحی

« چکیده

مسجد به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی و کانون تجّمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستاست. این مرکزیت، نه تنها در چهره شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. اگر مسجد در تحقق انقلاب، نقشی محوری داشت، باید در تداوم و بقای آن نیز، با در نظر گرفتن متغیرهای جدید جامعه، کار کرد خود را بروز دهد. در این پژوهش، ضمن بیان مؤلفه‌های هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی و نقش مسجد در تأسیس این هسته، معتقدیم که در وضعیت جدید، مساجد و متولیان آن باید با تلاش مضاعف برای تعمیق ایمان دینی و اعتقاد عملی مردم به مکتب اسلام سیاسی بکوشند و با این رویکرد، شالوده تمدن اسلامی را با محوریت مسجد شکل دهند. این نوشتار، با تعریف مفاهیم و واژه‌ها، به نحوه شکل‌گیری انسجام و بسیج عمومی می‌پردازد. نقش مسجد به مثابه پایگاه اطلاع‌رسانی و سامان‌دهی، دو سرفصل مهم دارد که به شرح زیر هستند:

الف) مسجد به مثابه پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای؛

ب) مسجد به مثابه کانون هدایت و سازمان‌دهی.

عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی-روانی توده‌های بسیج

شده عبارت است از:

۱- اسلامی کردن؛

۲- غرب‌ستیزی؛

۳- رهبری.

ویژگی‌ها، مؤلفه‌ها، مختصات و امتیازات ایدئولوژی اسلامی در کانون‌هایی به نام مساجد برای توده‌ها تبیین می‌شود. با رعایت برخی از امور به شرح زیر، روند کاری مسجد سریع‌تر پیش می‌رود:

۱. نظارت روحانی‌ها بر شبکه وسیع مساجد، تکیه‌ها، حرم‌های مذهبی و انجمن‌ها و هیئت‌های مذهبی به مثابه ابزارهای سازمانی آنها در سطح محلی، مجراهای برقراری ارتباط با مردم و اشاعه‌دهنده تبلیغات.

۲. حلقه‌ها و پیوندهای اقتصادی و شخصی روحانیان مسئول در مسجد با اقشار مستضعف و متوسط، به‌ویژه بازاریان.

۳. استقلال نسبی مالی و سیاسی آنها از دولت.

در طول ۸ سال دفاع مقدّس، مساجد در اعزام و بسیج نیروهای مردمی نقش بسزایی داشتند. چالش نظامی غرب با انقلاب اسلامی به چالش فرهنگی لیبرالیسم با اسلام تبدیل شد؛ نفوذ اندیشه‌های بیگانه از سوی دشمنان یا دوستان نادان، تجدّدگرایی افراطی، بی‌پاسخ‌گذاشتن پرسش‌ها و شبهات، رخنه فرصت‌طلب‌ها و ترک صحنه از سوی نیروهای انقلابی از آفت‌های مهمی است که انقلاب را تهدید می‌کند. امروز، متأسفانه برخی جوانان ایرانی آن‌گونه که انتظار می‌رود، با مسجد مأنوس نیستند. در این نوشتار، به مهم‌ترین علّت‌های مسجدگریزی جوانان و راهکارهای جذب آنان به مسجد پرداخته شده است.

« واژگان کلیدی:

بسیج، انقلاب، نقش بسیج‌گر مسجد در انقلاب، مسجدگریزی، تهاجم فرهنگی، جذب جوانان به مسجد.

« اشاره

مسجد، به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی، کانون تجّمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در شهر و روستا هست. این مرکزیت، نه تنها در چهره شهرها، بلکه در ساختار شهرسازی نیز رعایت می‌شود. در شهرسازی اسلامی مسجد، به مثابه پایگاه عقیده، در کنار بازار، مانند مرکز معیشت، در جوار حکومت و دستگاه دیوانی، به مانند کانون قدرت، نظام یکپارچه را تشکیل می‌دهند. به دلیل نزدیکی بازار به مسجد، داد و ستد، عادلانه و منصفانه صورت می‌گیرد و حکومت نیز به حرمت مسجد، رعایت حال رعایا را می‌کند.

بنابراین، مسجد همه عناصر فرهنگی لازم برای حیات اجتماعی را دارد. مسجد، نخستین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی است که می‌تواند، با آگاهی‌بخشی، رسالت تاریخی خود را در جهت ارتقا‌شأن و جایگاه جامعه اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه اسلامی ایفا کند. این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه انقلاب اسلامی کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب بود و حیرت همه ناظران منصف را برانگیخت. برخلاف انقلاب‌های معمول جهان، انقلاب اسلامی، تشکیلات حزبی و سازمان‌دهی رسمی نداشت؛ اما مساجد هسته‌های اصلی تجّمع مردم و الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم بودند. گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌شد، به گفتمان برتر بدل شد و همه گفتمان‌های چپ، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود حلّ کرد. اگر مساجد در تحقّق انقلاب، نقش محوری داشتند، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز محور پیشرفت انقلاب باشند.

سؤال‌های اساسی

۱. نقش مسجد در تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی چه بود؟
۲. کارکردهای مسجد در حدوث انقلاب اسلامی معطوف به چه اموری بود؟
۳. در تداوم انقلاب اسلامی، مساجد با چه رویکردی قادرند در تعمیق، بسط و گسترش ایده پایداری حکومت دینی و قوام و دوام انقلاب اسلامی، با توجّه به

متغیرهای جدید جامعه ملی و جهانی بکوشند؟

فرضیه

مسجد، اکنون نیز کانون تأسیس هسته بسیج‌گر انقلاب اسلامی است؛ زیرا علت محدّثه انقلاب همان علت مبقیه انقلاب است. بنابراین، ماندگاری و تداوم انقلاب اسلامی در گرو بالندگی و کارآمدی ماهیت هسته بسیج‌گر انقلاب است.

تعریف مفاهیم و واژه‌ها

بسیج^۱: منظور از بسیج، توانایی بالفعل رهبر یا رهبران در جلب حمایت بخش‌های گسترده‌ای از مردم در جریان جنبش اجتماعی یا انقلاب است. این توده‌های مردم، گم‌شده خود را در رهبر، آرمان و اندیشه او می‌جویند و رهبر نیز نشان می‌دهد که فقط به دنبال خواسته‌های معنوی و مادی آنهاست. انقلاب: انقلاب عبارت است از بسیج شدن و در حالت بسیج ماندن؛ بنابراین، هنگامی که نظام سیاسی قادر نباشد حالت بسیج مردم را حفظ کند، انقلاب پایان یافته تلقی می‌گردد.

۱. Mobilisation.

« مباحث نظری بسیج سیاسی مردم

تحلیل هسته بسیج‌گر در انقلاب اسلامی ایران بر اساس دیدگاه چارلز تیلی به خوبی قابل ارائه است. تیلی، از جامعه‌شناسان معروف انقلاب، در تئوری خود، مسئله هسته بسیج‌گر انقلاب را مطرح کرد. به نظر او، هر گاه گروهی بکوشد کنترل خود را بر منابع افزایش دهد، در حال بسیج است و هر گاه، کنترل گروه بر منابع مزبور کاهش یابد، گروه در حالت ضدّ بسیج^۱ قرار می‌گیرد. به گفته تیلی، عوامل تعیین‌کننده توانایی بسیج گروه‌ها و جماعت‌های مختلف عبارت است از:

۱- امکانات موجود گروه؛

۲- مساعدت محیط؛

۳- تشکیلات سازمانی گروه.

تیلی گروه‌ها را از لحاظ توانایی بسیج به دو نوع تقسیم می‌کند: نخست: گروه‌های اشتراکی^۲ که ویژگی محلی دارند. تشکیلات آنها محدود و موضعی است و همه اعضای آنها قدرتی کم و بیش یکسان دارند. در ضمن وفاداری درونی این گروه‌ها زیاد است؛ اما قدرت بسیج آنها کم است. دوّم: گروه‌های سازمان یافته انجمنی^۳ که تشکیلات وسیع و پیچیده‌ای دارند. هر چند وفاداری درونی آنها از نوع اول کمتر است، اما توانایی سازمان‌دهی و بسیج زیادی دارند.

تیلی در مورد بسیج توده‌های مردم به دو عامل تسهیل‌کننده اشاره می‌کند که به شرح زیر است:

نخست: نارضایتی توده‌ها که از ناتوانی رژیم حاکم در پاسخ‌گویی به انتظارات آنها ناشی می‌شود یا از فشارهای ناگهانی که رژیم در موقعیت‌های بحرانی (نظیر جنگ، بحران اقتصادی و ...) بر توده‌ها وارد می‌کند.

دوّم: وجود برخی روابط و همبستگی‌های اشتراکی میان توده مردم که این

۱. Demobilization.

۲. Communal groups.

۳. Association groups

همبستگی‌ها، کنش جمعی را میان توده‌ها امکان‌پذیر می‌کند. به نظر تیلی، فقط نارضایتی توده مردم برای کشاندن آنها به انقلاب کافی نیست؛ بلکه این نارضایتی‌ها فقط زمینه استقبال توده‌ها را از گروه‌های معارضة‌جو و انقلابی فراهم می‌کند. در چنین موقعیتی، وجود همبستگی‌های اشتراکی نقش مهمی در تسهیل بسیج انقلاب توده‌ها و توسعه گروه‌های انقلابی دارد.

جرالد گرین، انقلاب اسلامی ایران را بر اساس مفهوم ضدّ بسیج^۱ بررسی کرده است. طبق تعریف گرین، ضدّ بسیج عبارت است از: «بسیج عمومی علیه نظام سیاسی حاکم از سوی گروهی که در مقابل برگزیدگان حاکم، صف‌آرایی کرده‌اند». گرین، شرایط ضدّ بسیج را این‌گونه بیان می‌کند:

۱. تضعیف اراده و توانایی‌های دولت؛
۲. ساده‌سازی سیاست؛
۳. قطب‌بندی توده‌ها؛
۴. سیاسی شدن بخش‌هایی از جامعه که به‌طور سنتی غیرسیاسی بوده‌اند؛
۵. رویدادهای بحران‌زا؛
۶. واکنش خشونت‌آمیز از سوی رژیم.^۲

^۱ . Counter mobilization

^۲ . J. Green , Revolution in Iran: The Politics of counter Mobilization, New York, Papereyer 1982, P.126-136.

« چگونگی شکل‌گیری بسیج مردم در انقلاب اسلامی

با استفاده از تئوری‌های فوق می‌توان دلایل شکل‌گیری بسیج انقلابی مردم را در انقلاب اسلامی ایران ارزیابی کرد. در تحلیل «بسیج انقلابی» در انقلاب اسلامی ایران باید عوامل زیر را مؤثر دانست:

۱. وجود نیروهای متشکل اجتماعی، به خصوص نیروهای مذهبی که از حضور در عرصه رسمی سیاست محروم بودند. این محرومیت سیاسی در حالی رخ داد که جامعه ایران به شدت در حال تغییر بود. نیروهای مذهبی محروم از حضور در عرصه سیاست و ناراضی از وضعیت فرهنگی-سیاسی جامعه، پیرامون شخصیتی حلقه زدند که بنیان مشروعیت حکومت پهلوی را به چالش کشید و آن را مردود اعلام کرد. مهم‌ترین نیروی مبارزاتی روحانیت علیه رژیم پهلوی، تبعیت کامل از امام خمینی ره بود. هرچند رهبری انقلاب، به لحاظ ظاهری، حزب و تشکیلاتی منسجم نداشت؛ اما تبعیت از امام ره و قرار داشتن برخی از طرفداران ایشان در رده فضلا و مدرّسان حوزه‌ها موجب شد شبکه‌ای از طرفداران ایشان، همچون سازمانی نیرومند و متشکل، پدید آید و انقلاب را پیش ببرد.

۲. نفوذ مذهب شیعه میان اقشار متوسط شهری، به خصوص ظهور مذهب شیعه به مثابه ایدئولوژی و تئوری انقلابی میان اقشار تحصیل کرده مذهبی؛

۳. انسداد سیاسی یا فقدان چرخش نخبگان و جایگاه‌ها در ساختار حکومت پهلوی. نکته مهم این است که همزمان با شکل‌گیری ایدئولوژی انقلابی در جامعه، بر اساس فرآیند نوسازی اجتماعی، افراد تحصیل کرده که توان ورود به لایه‌های تصمیم‌گیری نظام و سیاست رسمی و قانونی را نداشتند- به دلیل فرمایشی بودن مجلس، احزاب و دولت- پاسخ همه مطالبات و اعتراض‌های خود را در ایدئولوژی اسلامی جستجو کردند. بدین ترتیب، دین چارچوب و عاملی شد که نه تنها قشر تحصیل کرده انقلابی را به شبکه وسیع مردم وصل کرد، بلکه رهبری بسیج‌گر انقلاب نیز توانست با بهره‌گیری درست از منابع دینی و ظرفیت‌های انقلابی جاذبه فراوانی برای همگان-روشنفکران و توده‌ها-پیدا کند و شبکه‌ای مذهبی با محوریت مسجد به وجود آمد.

بر این اساس، نهضتی به نسبت، وسیع و خودجوش در تهران و بیشتر شهرستان‌ها میان مبارزان و جوانان مسلمان راه‌اندازی شد. این نهضت برای تأسیس انجمن‌ها، هیئت‌ها و مؤسسه‌های اسلامی با برنامه‌های امدادی، فرهنگی، تبلیغاتی، بهداشتی و حتی تولیدی و تجاری می‌کوشید. همچنین، شرکت‌ها و بنگاه‌های نشریاتی فعال به وجود آمد و درمانگاه‌ها، بیمارستان‌های خیریه به سبک اجتماعی و صندوق‌های قرض‌الحسنه تأسیس شد. انتقال شهید مطهری به تهران در سال ۱۳۳۵ و پیوستن به فعالیت‌های جوانان و دانشگاہیان، تفسیر قرآن و منبر مرحوم طالقانی در مسجد هدایت و تلاش‌های عالمانه دکتر مفتّح در مسجد قبا، نقش بزرگی در این راستا ایفا کرد؛ به گونه‌ای که روحانیت جوان نیز آهسته‌آهسته تمایل و تحرّک بیشتری از خود نشان داد.

« مسجد پایگاه اطلاع رسانی و سازمان دهی

در دهه چهل و پنجاه که سلطه نظام سیاسی پهلوی بر وسایل ارتباط جمعی باعث شده بود تا نیروهای انقلابی از حق فعالیت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی محروم بمانند، مساجد مناسبترین رسانه ارتباط جمعی برای آگاهی بخشی مردم بودند. همچنین، مساجد مهم‌ترین پایگاه هدایت و سازمان‌دهی نیروی انقلابی به شمار می‌رفت. از این‌رو، برای تبیین نقش مسجد در دوران انقلاب اسلامی می‌توان به دو سر فصل مهم اشاره کرد: مسجد به عنوان پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای و مسجد به منزله کانون هدایت و سازمان‌دهی.

در خصوص نقش مسجد به مثابه پایگاه فرهنگی و رسانه‌ای باید به این نکته توجه کرد که در دوران حکومت پهلوی، عموم مردم نابسامانی‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی را مشاهده کرده بودند و متناسب با میزان درک و دریافت خود، پدیده‌های اجتماعی را تحلیل می‌کردند. مسجد به دلیل مسائل معنوی، پایگاهی چند منظوره بود و در آن، همه اقشار جامعه، با همه باورها و عقاید خویش، هر روز دور هم جمع می‌شدند و در همه امور جامعه خود مشارکت می‌کردند. در حقیقت، مسجد، اصلی‌ترین مرکز ارتباطی و اطلاعاتی بود که امکان خبرگیری از همه وقایع در آن وجود داشت. با تشدید مبارزات مردم علیه حکومت پهلوی، مسجد در این زمینه جایگاه ارزشمندتری پیدا کرد. با حضور روحانیان و نخبگان دانشگاهی در اماکن مذهبی، حسینیه‌ها و مساجد، مردم را با واقعیت‌های جامعه، فساد دربار، مظالم دستگاه حکومت و سیاست‌های ضدّ دینی نظام پهلوی آشنا می‌شدند. بنابراین، مسجد ضمن گسستن پیوندهای مردم با نظام سلطنت، جایگاهی برای ترسیم مؤلفه‌های حکومت مطلوب شد. مسجد، مردم را به خویشتن‌شان باز گرداند تا پرچم‌دار هویت دینی و اسلامی شوند. مسجد، در سازمان‌دهی مردم برای تغییر وضعیت موجود و نیل به وضعیت مطلوب نقشی بسزا داشت. مسجد، پایگاه خودآگاهی، حرکت جمعی و اعتراضات مردمی نیز بود. مسجد، از افراد و خانواده‌هایی که در راستای آرمان‌های دینی خود مبارزه می‌کردند و به زندان می‌افتادند، حمایت می‌کرد. توانایی چشم‌گیر

روحانیت در بسیج مردم در مساجد، تکیه‌ها و حسینیه‌ها یکی از ویژگی‌های زندگی سیاسی در انقلاب اسلامی ایران بود. این توانایی در مرحله نخست حاصل به کار بستن ایدئولوژی احیاگرانه اسلامی بود؛ آن ایدئولوژی که پاکسازی جامعه از نشانه‌های فرهنگ و تمدن غربی را وعده می‌داد و مردم را به صحنه می‌آورد. راز مقبولیت ایدئولوژی اسلامی در آن بود که می‌کوشید به نزاع‌های روحی و روانی توده‌هایی پاسخ دهد که در اثر دگرگونی‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شبه‌غربی جابه‌جا شده بودند. برای شناسایی عناصر اصلی این ایدئولوژی و پیوند آن با نیازهای روحی و روانی توده‌های مردم می‌توان به این موارد اشاره کرد.

۱. اسلامی کردن جامعه: توده‌های مردم که قادر نبودند در فرهنگ و شیوه جدید زندگی غربی مضمحل شوند، کوشیدند جامعه‌ای را شکل دهند که ارزش‌ها و قواعد حاکم بر آن با ارزش‌ها و مطلوب‌های آنان منطبق باشد. رواج مفاهیمی، مانند اقتصاد اسلامی، بانکداری اسلامی، جزای اسلامی و مدیریت اسلامی از تلاش برای ساختن جامعه‌ای بر پایه آموزه‌های اسلامی و تقابل با نماد زندگی شبه‌غربی ناشی می‌شود. تلاش بی‌وقفه استاد مطهری در دهه چهل و پنجاه برای تدوین ایدئولوژی اسلامی به مثابه مکتب و دستگاه هماهنگ فکری نقشی اساسی در این امر داشت. در واقع، شهید مطهری، دنبال چیزی بود که در قیام ۱۵ خرداد نیاز به آن احساس شد؛ یعنی یک ایدئولوژی مدون، مکتبی جامع به زبان روز و پاسخ‌گو به شبهات جدید که نهضت بر اساس آن به حرکت خود ادامه دهد و پس از پیروزی نیز برنامه داشته باشد.^۱

۲. غرب ستیزی: ایدئولوژی انقلاب اسلامی با تقلیدی و شبه غربی خواندن نوسازی و تغییرهای اجتماعی به وجود آمده در جامعه به نیازها و علایق مردمی پاسخ داد که فرهنگ و تمدن غربی را عامل نابسامانی‌ها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی می‌دانستند.

^۱ . سیری در زندگانی استاد مطهری، ص ۸۲

۳. رهبری: جابه‌جایی‌های گسترده اجتماعی باعث بی‌ثباتی اجتماعی، ناامنی، سرگشتگی و احساس بی‌هویتی شد و در چنین وضعیتی روحی و روانی، رهبری آگاه، دلسوز و روحانی تسلای روحی ملت را به ارمغان آورد.^۱

^۱ . مونتئی پالمرو و دیگران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه منوچهر شجاعی، ص ۱۵۳.

« جایگاه مسجد

اگر بخواهیم جایگاه و موقعیت مسجد را در اسلام بیابیم باید به صدر اسلام برگردیم و جایگاه مسجد را میان مسلمانان عصر پیامبر ﷺ بررسی کنیم؛ زیرا تاریخ مسجد با تاریخ اسلام گره خورده است و این مکان مقدّس، بی‌درنگ پس از بعثت نبی اکرم ﷺ، نقش‌های مهم و گوناگونی در نهضت و انقلاب آن حضرت بر عهده گرفت.

مسجد، مهم‌ترین و مؤثرترین ستاد فرهنگی برای ترویج فرهنگ اسلامی در تاریخ اسلام بوده است و به همین دلیل، کارکردهای مختلفی داشته است. مسجد اسلامی، چهار نقش را همزمان ایفا می‌کند:

۱. پایگاه عبادت و یاد خداوند متعال؛
۲. پایگاه جهاد فکری و تعلیم و تعلّم معارف اسلامی؛
۳. پایگاه تجمّع نیروهای رزمنده و اعزام آنان به جبهه‌های جهاد؛
۴. پایگاه وحدت مسلمانان و نمایش روح وحدت و یکپارچگی به دشمنان پیدا و پنهان جامعه اسلامی.

« برنامه‌ریزی آموزشی و دینی در مساجد

برنامه‌ریزی، تعاریف گوناگونی دارد؛ اما در تعریفی کلی می‌توان گفت که برنامه‌ریزی، طراحی نقشه برای اهداف مختلف است. یادگیری به نقشه و طرح نیاز دارد و از عوامل فراوانی تشکیل می‌شود؛ از جمله: مربی، فضا، ویژگی‌های یادگیرنده، اوضاع اجتماعی و فرهنگی و سیاسی و همچنین روابط بین یادگیرنده‌ها با یکدیگر و نهادهای تربیتی. برای آموزش و یادگیری در مساجد باید به این موارد بسیار توجه کرد. در عرصه تربیت نباید بر اساس احتمال و تصادف عمل کرد؛ بلکه باید با نقشه حرکت کرد. نقشه و طرح‌ریزی، کار متخصصان است.

« اهمیت تعلیم و تربیت جوانان و نوجوانان

با توجه به آنکه دنیای پر رمز و راز نوجوانی و جوانی، انسان‌هایی کامل می‌سازد، می‌توان اهمیت تعلیم و تربیت آنان را دریافت. با توجه به فطرت انسانی و نیازهای جوانان و نوجوانان، باید زمینه را برای رشد همه قوا فراهم کرد. باید پذیرفت فردی که به مسجد می‌آید عقل و بعد اجتماعی، عاطفی، زیبایی‌گرایی و ... دارد. از این‌رو، شایسته است نخست، جوانان را با انگیزه‌های متفاوت به مسجد هدایت نمود و برنامه‌ها را طوری طراحی کرد که همه قوای او را در برگیرد.

« مسجدگریزی و دین‌گریزی جوانان

امروز، متأسفانه برخی جوانان ایرانی، آن‌گونه که انتظار می‌رفت، به مسجد رفت‌وآمد نمی‌کنند و سلوک حقیقی دین را بر نمی‌گزینند. علت‌های مختلفی برای مسجدگریزی و در نهایت دین‌گریزی جوانان وجود دارد:

۱. بحران هویت معنوی

بحران هویت از سال‌های نوجوانی آغاز می‌شود و بخشی از سال‌های اولیّه جوانی را نیز در بر می‌گیرد. هویتی که نوجوان در صدد است تا به‌طور روشن با آن مواجه شود، این است که او کیست؟ نقشی که باید در جامعه ایفا کند، چیست؟ آیا او برخلاف نژاد، مذهب یا زمینه‌های ملی که او را در نظر مردم، کم‌ارزش جلوه می‌دهد، احساس اعتماد به نفس دارد؟^۱

از عدم توانایی فرد در تحصیل هویت انسانی، با تعبیر مختلفی یاد شده است. برخی از صاحب‌نظران از آن با تعبیر «گم کردن خویش» یا «از خود بیگانگی» یاد می‌کنند؛ روان‌شناسان از این حالت اغلب تحت عناوینی مانند «آشفته‌گی هویت»، «اختلال هویت» و «بحران هویت» یاد می‌کنند و در توصیف آن می‌گویند: «بحران هویت، عبارت است از عدم توانایی فرد در قبول نقشی که جامعه از او انتظار دارد».^۲ این امر سبب مشغولیت بی‌هدف، هیجانات جانشین‌ناپذیر و ایجاد شخصیت منفعل در جوان می‌شود.^۳

به اعتراف همه صاحب‌نظران، جدّی‌ترین بحران در طول زندگی انسان، در خلال شکل‌گیری هویت او رخ می‌دهد؛ چون شخصی که فاقد یک هویت متشکل قابل قبولی باشد، در طول زندگی با مشکلات بسیار زیادی روبه‌رو خواهد شد. چنین شخصی در درجه اول از حقیقت وجودی خود و استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم ندارد و در درجه دوم، از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست، بی‌اطلاع است. در نتیجه، از تشخیص شیوه درست ارتباط با

۱. شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، ص ۵۵.

۲. گروه نویسندگان، مترجمان، دکتر احمد به پژوه و دکتر رمضان دولتی، روان‌شناسان بزرگ، ص ۶۴.

۳. شرفی، محمدرضا، جوان و بحران هویت، ص ۲۴-۲۰.

دیگران و برخورد با پیش آمدها نیز پاسخ به اصلی ترین پرسش های زندگی عاجز است. مجموعه این امور در نهایت، او را در اغلب موضع گیری ها دچار سردرگمی می کند. طبیعی است که وقتی فرد خود را نشناخت و هدف از آفرینش جهان و انسان برای وی معلوم نگشت و با وظایفی که در جامعه بر عهده دارد آشنا نشد، نمی تواند نقش مثبتی در زندگی ایفا کند. بروز چنین وضعی و تزلزل فکری و اعتقادی، مهم ترین خطری است که سعادت انسان را در طول حیات تهدید می کند.

با توجه به گستردگی مفهوم هویت، هر فرد هویت های گوناگونی دارد که هویت دینی یکی از آنها است. هر انسانی به هویت دینی نیاز دارد؛ چون گرایش به پرستش از نیازهای فطری او است؛ به این معنا که فرد، مستقل از هرگونه یادگیری، در درونش تمایل به عبادت و بندگی خدا را احساس می کند. تجلی چنین احساس و تمایل، در اعمال و رفتار دینی، آشکار می شود.^۱

هویت دینی، رابطه بین آدمی و دین را تبیین می کند. تدوین آن هویت، احساس تعهد و مسئولیت در قبال ارزش ها و باورهای آن مکتب را در پی دارد. برخی صاحب نظران، تعهد را به عنوان سنگ بنای هویت دینی، تلقی نموده اند.^۲ با توجه به آنچه هویت دینی به نسل جوان می دهد،^۳ اختلال و آشفتگی هویت دینی، سبب ضعف دین داری در بین جوانان می گردد؛ زیرا تعهد و مسئولیت پذیری فرد را در قبال گزاره های دینی کاهش می دهد و بدین ترتیب، ضمانت اجرایی احکام دینی کاهش می یابد.

اختلال در هویت دینی سبب می شود، فرد نه بتواند ارزش های دینی گذشته خود را ارزیابی نماید و نه صاحب ارزش هایی شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده، طرح ریزی کند.^۴

۱. ابن طفیل اندلسی حکیم فیلسوف و نامدار مسلمان در اثر ارزنده و کلاسیک فلسفی اش به نام «زنده بیدار» این گرایش فطری را به زیبایی هر چه تمام تر به تصویر می کشد.

۲. مکاتب و نظریه ها در روان شناسی شخصیت، ص ۶۹، کارشناسان یونسکو، ص ۱۲۲.

۳. آنچه هویت به نسل جوان می دهد عبارتند از: پاسخ به پرسش های بنیادین، برای بخشیدن به زندگی، رویکرد مثبت به آینده، وحدت اعتقادی، زمینه سازی هویت تمدنی، مقبولیت اجتماعی، شأن و منزلت جوانی و معنا بخشیدن به جهان؛ ر.ک: جوان و بحران هویت، صص ۹۶ - ۱۰۲.

۴. هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ص ۱۲۴.

از دیدگاه جوان، پس از درهم ریختگی نظام ارزشی دینی، امر مثبت و خوبی در دین وجود ندارد تا انگیزه‌ای برای انجام آن داشته باشد. بنابراین، دچار بی تفاوتی و بی مسئولیتی می‌گردد. تخریب نظام ارزشی دینی، سبب می‌شود، بسیاری از افراد که دچار بحران هویت دینی می‌شوند، به دنبال هویت منفی بگردند و هویتی برخلاف آن چه اولیای دین در نظر گرفته‌اند، برگزینند.

بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگاری نوجوانان را می‌توان از این منظر تبیین نمود. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی تفاوتی، هر کدام از آثار فقدان هویت هستند^۱ که در عرصه دینی در قالب بی‌توجهی به اوامر و نواهی الهی، بی‌علاقگی نسبت به شعائر، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند.

با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و عدم تقیید به احکام دینی می‌شود. مسجد از مهم‌ترین نمادها، شعائر و گزاره‌های دینی است که بحران هویت دینی جوان در مورد آن، سبب پایین آمدن اعتقاد و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌گردد.^۲

بسیاری از رفتارهای ضد اجتماعی و ناسازگارانه نوجوانان را می‌توان از این دیدگاه توضیح داد. مسئولیت‌گریزی، دلزدگی و بی تفاوتی، هر کدام از آثار نبود هویت هستند که در عرصه دینی و در قالب‌های بی‌توجهی به فرمان‌های الهی، بی‌علاقگی نسبت به ارزش‌ها، گزاره‌ها، اماکن، مراسم و نمادهای دینی بروز می‌کند. با بیان این مطالب، مشخص شد که بحران هویت دینی، سبب تضعیف باورهای دینی، اختلال نظام ارزشی مذهبی و بی‌توجهی به احکام دینی می‌شود. مسجد، از مهم‌ترین مفاهیم و موضوعات دینی است که بحران هویت دینی جوان، سبب پایین آمدن اعتقاد به آن و ضعف گرایش به حضور در جمع نمازگزاران می‌شود.

۱. جوان و بحران هویت، ص ۲۰.

۲. ر.ک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۸۸.

۲. تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی از مهم‌ترین عامل مسجدگریزی و دین‌گریزی است. در تهاجم فرهنگی، پایگاه‌های دینی، همچون مسجدها مورد حمله قرار می‌گیرند. دشمن به این شیوه می‌کوشد تا فرهنگ ضد ارزشی غرب را در میان جوانان گسترش دهد و آنان را نسبت به مفاهیم و احکام دینی بی‌عقیده سازد.

فساد اخلاقی، قرار دادن جایگزینی برای امور عبادی که با روحیات و غرایز جوانی نیز تناسب دارد، همچون نوار و سی‌دی‌های مبتذل و برنامه‌های ماهواره‌ای، ترویج الگوهای غربی، تضعیف باورهای دینی، تخریب و ترور شخصیت‌های خودی، دور کردن مردم از هویت ملی - اسلامی و ترویج فرقه‌های ساختگی، بخشی از این موانع است.

مسجد، پایگاهی است که در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی بسیار مؤثر است؛ بنابراین، در صورتی که در این جدال نابرابر فرهنگی، مسجد جوانان را جذب کند، قدم بلندی در راه مبارزه با تهاجم فرهنگی برداشته شده است. البته، دین‌گریزی فقط به سبب تهاجم فرهنگی یا هوا و هوس جوانان نیست؛ بلکه علل گوناگونی دارد و باید به صورت واقع‌بینانه به آن نگاه کرد. عوامل دین‌گریزی جوانان متنوع است. برخی از این عوامل عبارت‌اند از: بیان نامعقول از برخی مفاهیم دینی، اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی، بحران هویت معنوی، برخورد‌های نامناسب افراد اهل مسجد، توجه نکردن به نیازهای اساسی نسل جوان، همچون ازدواج، کار و مسکن و ... برای برطرف شدن این عوامل باید گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، طرحی اصولی و همه‌سویه را برنامه‌ریزی کنند تا مهم‌ترین قشر اثرگذار جامعه در آینده از دین، گریزان نشوند.

۳. آشنا نبودن مبلّغان دینی و تفسیر غلط از دین

متأسفانه در روش‌های تبلیغی و جذب جوانان، بیشتر از روش‌های کلیشه‌ای و تکراری و به صورت مستقیم استفاده می‌کنیم و همین امر در بی‌علاقگی و گریز جوانان از نماز جماعت مؤثر بوده است.

معروف است که تأثیر منفی تبلیغ بد از ضدّ تخریب بیشتر است. این مطلب مشهور که تجربه نیز آن را تأیید می‌کند، ثابت می‌نماید که: «آشنایی با شیوه‌های تبلیغ در حوزه دین و به خوبی آشنا بودن با مکانیزم‌های معقول و منطقی آن از وظایف مهم مبلّغان دینی است؛ زیرا آشنا نبودن، سبب می‌شود که خود مبلّغ، مانعی جدی بر سر تبلیغ دین باشد».

مقام معظم رهبری در تبیین ضعف‌های تبلیغی موجود می‌فرمایند: «امروز، دشمن از همه روش‌ها استفاده می‌کند. من دیروز در جمع جوان‌ها می‌گفتم که امروز صدها سایت اصلی و هزاران سایت فرعی در اینترنت وجود دارد که هدف عمده‌شان این است که تفکرات اسلامی و به خصوص تفکرات شیعی را مورد تهاجم قرار دهند. تهاجم هم تهاجم استدلالی نیست؛ از روش‌های تخریبی و از روش‌های روان‌شناسانه و غیره استفاده می‌کنند. همه این موارد، پاسخ دارد؛ پاسخ‌هایش هم مشکل نیست. باید از این وسایل استفاده کرد. باید از آنچه که در اختیار داریم، حدّاکثر استفاده را بکنیم. مانه از صدا و سیمای مان، نه از مطبوعاتمان و نه از بسیاری از منابر عظیم عمومی مان، چنان که باید و شاید، استفاده نمی‌کنیم. این ضعف‌های ماست، این ضعف‌ها را باید کم کنیم. باید روز به روز نقاط ضعف را کم و نقاط قوت را زیاد کرد و این [کار] ممکن است».^۱ اگر دین، آن‌گونه که خداوند بر پیامبر رحمتش نازل کرده برای مردم بازگو شود، جذاب بوده و انسان‌های پاک‌فطرت را به سوی خویش جذب می‌کند؛ اما اگر دین به دست دنیاداران و مبلّغان کم‌مایه یا ناآگاه بیفتد و آنان دین را به‌گونه‌ای تفسیر نمایند که نتیجه‌اش حاکمیت آنان بر مردم باشد و یا اینکه به واسطه بی‌مایگی مبلّغان، دین را برخلاف حقیقتش تفسیر نمایند، دین رحمت را تنها دین جنگ و خشونت جلوه می‌دهند یا دین را به‌گونه‌ای تفسیر می‌نمایند که با مسلمات عقلی و خواسته‌های فطری و اصول مسلم علمی در تعارض باشد. این دین دیگر جذبه‌ای نخواهد داشت و نتیجه‌اش دین‌گریزی و رواج مکتب‌سازی عقلی است.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۷۹/۱۱/۲۷.

۴. غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین

جوان از نظر شناختی، دارای تفکر انتزاعی است و از نظر ذهنی به حداکثر کارایی هوش می‌رسد. در این دوره، گرایش جوانان به «فلسفه زندگی»، آنان را به سوی مسائل اخلاقی، سیاسی و مذهبی سوق می‌دهد. جوانان، تلاش می‌کنند هویت مذهبی خود را شکل دهند؛ اما به دلایل گوناگون ممکن است در فرآیند هویت‌یابی مذهبی با بحران مذهبی مواجه شوند و نتوانند این هویت را خوب تشخیص دهند. در نتیجه، دچار سردرگمی و در نهایت، حالت بی‌رغبتی و گریز از دین شوند. یکی از علل این بحران، ناهمخوانی سطح شناختی جوان با سطح معارف دینی است که به او ارائه می‌شود.

جوان به دلیل توانمندی‌های ذهنی خود، دین فقط تقلیدی را بر نمی‌تابد. او باورهای دینی را که از دوران کودکی به صورت تقلیدی به او القا شده، کنار می‌زند و می‌خواهد دینی را بپذیرد که با سطح تفکر او متناسب باشد؛ اما بسیاری از اوقات آنچه به عنوان دین به او عرضه می‌شود، برایش قانع‌کننده نیست.

از سوی دیگر، جوان می‌خواهد همه آموزه‌های دینی را با عقل خود بسنجد. او فکر می‌کند اگر آموزه‌های دینی در قالب‌های فکری او بگنجد، صحیح است و در غیر این صورت درست نیست و باید کنار گذاشته شود. این عوامل موجب می‌شود تا هویت دینی جوان به خوبی شکل نگیرد و دچار بحران شناختی نسبت به این آموزه‌ها شود و راه نجات از این بحران را گریز از دین بداند.

قرآن کریم نیز یکی از علل عمده گرایش به کفر و بی‌ایمانی را جهل و ضعف معرفتی انسان‌ها می‌داند. حضرت نوح (علیه السلام) به قوم خود می‌فرماید: «وَلَكِنِّي أَرَأَيْتُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ؛ شما را مردمانی ناآگاه می‌بینم».^۱

امام علی (علیه السلام) نیز درباره علت کفر می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ الْعِبَادَ حِينَ جَهْلُوا وَقَفُوا، لَمْ يَكْفُرُوا و لَمْ يَضِلُّوا؛ اگر مردم در موارد ناآگاهی درنگ و تأمل می‌کردند، هرگز به

۱. هود، آیه ۲۹.

کفر و گمراهی نمی‌گراییدند»^۱.

بنابراین، یکی از علل روان‌شناختی دین‌گریزی در همه انسان‌ها، به‌ویژه جوانان، ضعف معرفتی و عدم تفکر درباره دین است.

علت دیگر این بی‌ رغبتی و گریز از دین برداشت‌های غلط و نادرست از معارف دینی است. بسیاری از اوقات، دین، مساوی با معنویت لحاظ شده و در حدّ یک نیاز معنوی صرف بدان نگریده می‌شود. سپس، چنین نتیجه‌گیری می‌گردد که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین، نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد. این دیدگاه ساده‌انگارانه و کاهش‌گرایانه نسبت به معارف دینی، به تدریج باعث حذف دین از زندگی انسان می‌شود. جوانی که در جست‌وجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، به تدریج آن را کنار می‌گذارد و چه بسا آن را امری زاید و دست و پاگیر انگاشته، از آن گریزان می‌شود.^۲

۵. ناسازگاری میان قول و عمل مدّعیان دین در تربیت دینی نسل جوان

یکی از عوامل مسجد‌گریزی و دین‌گریزی، اعمال خلاف کسانی است که نسل جوان به عنوان الگو به آنان می‌نگرند. جوانان با مشاهده کسانی که قول و عملشان یکی نیست و در عین حال، دیگران را به دین‌داری و انس با مسجد دعوت می‌کنند، از خود می‌پرسند: اگر دین اسلام خوب و ارزشمند است، چرا مدّعیان آن بدان عمل نمی‌کنند؟ آنها می‌گویند: چرا این مدّعیان دین، فقط ما را به عمل به دستورات دینی توصیه می‌کنند؛ حال آنکه خودشان فرسنگ‌ها با دین و مظاهر دینی فاصله دارند؟

جوان، چون هنوز از پختگی لازم در مورد دین برخوردار نیست و به آن حدّ از شناخت و عرفان مذهبی نرسیده است تا لغزش افراد را به حساب خود آنها

۱. غرالحکم، ج ۷۵۸۲.

۲. شاکرین، حمیدرضا، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، ص ۲۴۸-۲۵۰.

بگذارد، نه دین و مذهبشان، به محض دیدن خلاف و اشتباه در اعمال الگوها و کسانی که دیگران را به طرف دین دعوت می‌کنند، آن را به حساب دین و اخلاق و فضیلت می‌گذارد و از این‌رو، تمام دیدگاه‌ها و آرزوهایش به یک‌باره فرو ریخته، نسبت به همه چیز بدبین می‌شود. بر این اساس، می‌گویند لغزش الگو و کسی که به عنوان منادی دین مطرح است، خطرناک‌ترین وضع برای نسل جوان است. برای افرادی که دین و مذهب به‌طور کامل برای آنها جا افتاده باشد، این مسائل مشکلاتی را ایجاد نمی‌کند؛ زیرا آنها می‌دانند که هر شخص، ممکن است دچار خطا و اشتباه گردد و یا ممکن است هوای نفس بر شخص غالب شود و اعمالی را برخلاف دین و مذهب مرتکب گردد. از این‌رو، کارهای چنین فردی را به حساب دین او نمی‌گذارند؛ ولی جوانی که تازه می‌خواهد دین را انتخاب کند و بدان معتقد شده و به این وسیله از الگوهای مذهبی پیروی نماید، آن را به حساب دین گذاشته و چنین تصوّر می‌کند که تمام دین همین است.

در این باره می‌توان گفت که الگوهای زنده و مشهور باید در مورد هدایت نسل نو احساس مسئولیت و مواظبت بیشتری کنند و از سوی دیگر، به نسل جوان اصالت دین منهای افراد، تفهیم گردد تا با فرو ریختن و یاریزش یک الگو، جوان آن را به حساب فرو ریختن دین و اخلاق نگذارد.

جوانان نه تنها رفتار خود مرتبی و مدعیان دینی را به دقت می‌نگرند، افکار و کردار فرزندان و بستگان نزدیک او را نیز می‌کاوند. اگر میان آنان افراد نامناسب، فاسد، و سودجو یافت شود، آن را بر ضعف معلّم دینی حمل می‌کنند. بدین دلیل، مرتبی دینی باید برای تربیت نزدیکان خود نیز اهمّی ویژه داشته باشد و با تدابیری، پیشاپیش از آینده تاریک آنان جلوگیری کند. از این‌رو، قرآن کریم نیز تأکید ویژه‌ای بر توجّه به هدایت نزدیکان دارد؛ آنجا که می‌فرماید: «إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تُعْبُدُونَ؛ آن زمان که ابراهیم به پدر و قوم خود گفت: آخر این چیست که می‌پرستید؟»^۱ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز بیان رسالت را از نزدیکان خود آغاز

۱. صفات، آیه ۸۵.

کرد و سپس به دیگران توسعه داد.^۱
بنابراین، رابطه جوان با مسجد تا حدّ زیادی بستگی به نوع برخورد و رفتار امام جماعت و متولیان فرهنگی مسجد و الگوهای جامعه و دیگر مسجدی‌ها دارد. جوانان، حسّاس و زودشکن هستند. رؤیت فاصله میان گفتن و بودن در جامعه، زمینه گریز جوانان را از مسجد و دین فراهم می‌کند. آنها کمتر می‌توانند به تحلیل عمیق پردازند، از این‌رو، زود قضاوت نموده و حکم صادر می‌کنند.

۶. آشنایی نداشتن جوانان با فلسفه نماز و اسرار نماز جماعت

گاهی عدم آگاهی کافی از نماز، عالم نبودن به محتوای آن، آشنا نبودن به اهمیّت و احکام و اسرار و فلسفه نماز جماعت باعث ترک یا سستی در اصل نماز و حضور نیافتن در مسجد می‌شود.

برای عدم حضور در نماز جماعات و مسجد علّت‌های گوناگونی وجود دارد، از جمله: غفلت از پاداش‌های نماز جماعت، بی‌رغبتی به دلیل بد رفتاری برخی نمازگزاران در مسجد، هم‌فکر نبودن با امام جماعت از نظر دیدگاه سیاسی، طول کشیدن نماز جماعت، رفتار متولیان و دست‌اندرکاران مسجد و ... است.

مقام معظم رهبری فرمودند: «برای تبیین ژرفای نماز و معرفی رازها و زیبایی‌های آن، دست به تلاش پی‌گیر و همه‌جانبه زده شود».^۲

امام رضا (علیه السلام) درباره فلسفه تشریح نماز چنین فرمودند: «همانا علّت واجب شدن نماز، اقرار به ربوبیّت خداوند عزّ و جلّ است و نفی نظیر شرک برای خداوند و ایستادن انسان در برابر او با حال تضرّع و مسکنت و فروتنی و خضوع و اعتراف به گناهان و نیز درخواست عفو از تقصیرات و برطرف ساختن آثار گناهان است که شخص در گذشته مرتکب شده و صورت نهادن بر زمین است و هر روز برای بزرگداشت خداوند جلّ جلاله و دیگر آن که نماز سبب می‌شود تا بنده پیوسته به یاد خدا باشد و او را فراموش نکند، طاغی و یاغی نباشد و با خشوع و تذلّ

۱. ابوالفضل ساجدی، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه سان؟ ص ۲۳۷.

۲. پیام به اجلاس ششم، ۱۳۷۶، ص ۶.

و رغبت خواستار فزونی بهره خود در دین و دنیا باشد و علاوه بر اینها انسان با نماز، بر خود واجب می‌سازد که پیوسته و شبانه‌روز در مقام بندگی و به یاد خداوند متعال باشد و همین نماز گزاردن شخص در پیشگاه پروردگار عزّ و جلّ خود، بازدارنده او از گناهان است و او را از فسادهای گوناگون مانع می‌شود... و فلسفه سجده بر خاک آن است که غرور و طغیان و خودخواهی را از خود دور کنیم و به یاد خدای یکتا باشیم و از گناهان و ناروایی‌ها به دور باشیم»^۱.

آنچه باعث شده است که خداوند تبارک و تعالی از زبان پیامبر گرامی ﷺ و ائمه هدی (علیهم‌السلام) برگزاری نمازها را به جماعت توصیه فرماید، بسیار والاست؛ زیرا جماعت یکی از مظاهر عظمت مسلمانان و اتحاد و یگانگی آنهاست. شواهدی نشان می‌دهد که پاره‌ای از مقررات نماز جماعت، همچون تأکید بر منظم بودن صفاها و اتصال شانه‌های نماز گزاران، نهی از اینکه نماز گزار تنها در صف بایستد و ... بدین منظور تشریح شده است تا هم وحدت و هماهنگی مسلمانان بیشتر شود و هم بهتر به نمایش گذاشته شود. اقامه نماز جماعت در مسجد بسیار فضیلت دارد و بر آن تأکید بیشتری شده است. در آیات متعددی به نماز جماعت، به خصوص در مسجد، سفارش شده است: «وَأَقِمْوُا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ نماز را بپا دارید. زکات را ادا کنید و (عبادت دسته‌جمعی را فراموش ننمایید) با رکوع کنندگان، رکوع کنید»^۲.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمودند: اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، برای هر رکعت از نماز آنها ثواب ۱۵۰ نماز است و اگر دو نفر به امام جماعت اقتدا کنند، برای هر رکعت از نماز آنها، ثواب ۶۰۰ نماز است و همین‌طور ادامه فرمودند تا رسیدند به اینکه اگر تعداد اقتداکنندگان از ۱۰ نفر بگذرد، اگر تمام هفت آسمان، صفحه کاغذ شوند و تمام درختان قلم و دریاها مرکب و جنّ و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی‌توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.^۳

۱. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۲۲؛ وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴.

۲. رک: وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۵۱۳، باب ۳۵ از ابواب احکام المساجد، روایات ۱ و ۳ و ۵، ص ۴۶۰ و ۴۷۱، باب ۵۸ و ۷۰ از ابواب صلاه الجماعه.

۳. بقره، آیه ۴۳.

۴. رک: مستدرک الوسائل، ج ۶، ص ۴۴۳ و ج ۱، ص ۴۸۷ و ج ۶، ص ۴۴۳؛ جامع‌الأخبار، ص ۷۷.

اما این فلسفه جماعت‌ها به‌طور عمده در میان مردم، به‌ویژه نسل جوان جامعه، غریب و ناآشناست؛ چه بسا آشنایی جوانان با این مفاهیم عظیم و درک فیوضات معنوی آن، علاقه‌مندی مضاعف را در آنها ایجاد کند.

۷. دوستان ناباب

دوستان، نه تنها با هم انس می‌گیرند و با مصاحبت و همنشینی، موجبات شادمانی و نشاط یکدیگر را فراهم می‌سازند، بلکه هر دوستی به مقیاس درجه رفاقت و دوستی، در امور مادی و معنوی دوست خود نفوذ می‌نماید و هر یک، خواه ناخواه بر عقاید و اخلاق و رفتار و گفتار دیگری اثر می‌گذارند.

قرآن کریم از زبان اهل جهنم نقل می‌کند که می‌گویند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي؛ وای بر من، کاش فلانی را (که سبب انحراف من شد) دوست خود نمی‌گرفتم؛ او [بود که] مرا به گمراهی کشانید، پس از آنکه قرآن به من رسیده بود».^۱

این آیه شریفه با صراحت تمام، به نقش گروه‌های صمیمی (دوستان و اطرافیان) فاسد در گمراهی و دین‌گریزی اشاره می‌کند.

رسول خدا ﷺ فرمود: «المرء علی دین خلیله و قرینه؛ دین و روش هر کس طبق مذهب و آیین دوست و همنشین خود خواهد بود».^۲ به همین دلیل است که گاهی یک فرد فاسق در مدتی کوتاه گروه زیادی را از دین بیزار می‌کند.

در روایتی از حضرت سلیمان عليه السلام آمده است که فرمود: «درباره کسی به نیکی یا بدی قضاوت نکنید تا دوستانش را ببینید؛ زیرا، هر کسی به وسیله امثال و اقرانش شناخته می‌شود و به صفات همنشینان و دوستانش منسوب می‌گردد».^۳ تأثیر دوست همنشین در انسان به اندازه‌ای است که حتی می‌توان از نوع دوستان یک نفر، به آسانی به خصوصیات اخلاقی وی پی‌برد.

بنابراین، به تجربه ثابت شده که کسانی که با دوستان فاسدی همنشین

۱. فرقان، آیه ۲۹-۲۸.

۲. وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۰۷.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۶۲.

بوده‌اند، عاقبت به انواع گناهان آلوده شده‌اند؛ زیرا آنها برای اینکه کمتر احساس گناه کنند و شریک جرم پیدا نمایند، سعی می‌کنند افراد دیگر را به سرنوشت غم‌انگیز خود گرفتار کنند. وقتی پای صحبت بسیاری از جوانان فاسد می‌نشینیم، درمی‌یابیم که عامل اصلی آلودگی خود را همنشینی با دوستان ناباب ذکر می‌کنند.

۸. تراکم کاری

امروزه بسیاری از شهرنشینان، بخش زیادی از وقت خود را در بیرون از خانه به سر می‌برند و به دلیل وجود گرفتاری‌های زندگی و نیازهای اقتصادی، ناچار بیش از یک شغل دارند. این تراکم کاری علاوه بر خستگی جسم، سبب کسالت و افسردگی روحی نیز می‌شود که برای رفع آن، فرد نیاز به استراحت دارد؛ یعنی بسیاری از شهروندان وقتشان را به دو بخش تقسیم می‌کنند: قسمتی را در خارج از خانه برای کار و رفع نیازهای زندگی می‌گذرانند و باقی مانده آن را در خانه به استراحت می‌پردازند. روزهای تعطیل نیز به استراحت، تفریح یا دیدار از خویشاوندان می‌پردازند. در این شرایط جسمی و روحی، حوصله‌ای برای رفتن به مسجد و حضور در میان صف‌های نماز جماعت و شنیدن سخنان امام جماعت باقی نمی‌ماند. در این شرایط، سخن از ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و آموزشی و عبادی مسجد، چیزی جز شعار و نظریه‌پردازی نیست و تبلیغات هم اثر چندانی نخواهد داشت. حضور در مسجد، به امنیت روانی و دست کم آمادگی جسمی و روحی نیاز دارد که گوناگونی کارها این آمادگی را از میان می‌برد. از این‌رو، ائمه علیهم‌السلام، در روایات‌ها به تعادل، توجه همه‌سویه به مسائل زندگی و خودداری از زیاده‌روی در بعد خاص توصیه کرده‌اند.^۱

۹. هم‌زمانی برنامه‌های رسانه و مسجد

در صدر اسلام به دلیل رشد کم جوامع از لحاظ تمدنی و نهادها و مراکز اجتماعی،

۱. رک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۶۸.

به تعبیری مساجد تنها رسانه ارتباطی بین شرع اسلام و توده مردم بود که به وسیله پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و بعد از آن توسط ائمه اطهار عَلَيْهِمُ السَّلَام شکل می‌گرفت.

پیدایش مراکز موازی مساجد مثل مدارس، بسیج، فرهنگسراها و مراکز متعدد فرهنگی، تعدد کانال‌ها و شبکه‌های تلویزیونی و ماهواره و اینترنت و غیره، سرگرمی‌های متنوع و برنامه ورزشی و تفریحی با سرمایه‌گذاری‌های کلان، جذب امکانات فرهنگی به منظور اجرای طرح‌های گوناگون و چیزهای کم‌اهمیت، مثل موسیقی و سرگرمی‌های بی‌محتوا، ارائه چهره ضعیف از اهل مسجد در فیلم، حاضر نشدن پیوسته در مسجد، ضعف تبلیغات، پیام‌های بی‌محتوا، پخش برنامه‌هایی که گاهی به‌گونه غیرمستقیم بر مسجد تأثیر منفی دارد.^۱

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد، برگزاری مراسم در مناسبت‌های دینی است که از نقاط قوت مسجدها به‌شمار می‌آید و سبب رونق و شکوفایی مسجد می‌شود و بسیاری از افراد، با انگیزه شرکت در چنین مراسمی در مسجد حاضر می‌شوند. کیفیت و چگونگی برگزاری این مراسم در تداوم حضور شرکت‌کنندگان بسیار مؤثر است. استقبال نمازگزاران از این مجالس به محتوای برنامه، مکان و زمان آن، شخصیت دیگر شرکت‌کنندگان تناسب مجلس با نیازها، سلیقه‌ها و فرهنگ شرکت‌کنندگان بستگی دارد. اگر این مسائل رعایت نشود، مراسم‌های مذهبی مسجد، با استقبال خوبی روبه‌رو نخواهد شد.

در این میان، برنامه‌هایی که رسانه در مناسبت‌های مذهبی پخش می‌کند، به‌طور معمول چنین ویژگی‌هایی دارند و از سطح کمی و کیفی خوبی بهره می‌برند. بنابراین، افراد با وجود برنامه‌های رسانه، در مسجد حاضر نمی‌شوند. بسیاری از کسانی که در مراسم دینی مسجد شرکت نمی‌کنند، در پاسخ به این پرسش که چرا در مسجد حاضر نمی‌شوید، می‌گویند: برنامه‌های تلویزیون از برنامه‌های مسجد محلّ پربارتر و بهتر است.^۲

۱. ر.ک: فروغ مسجد، ج ۳، سال ۱۳۸۴ ه.ش.

۲. ر.ک: محمدی، محسن، مسجد، ص ۶۹.

۱۰. اختلاف‌ها

مسجد، کانون مردمی و پایگاه اجتماع و وحدت مردم از تمام گروه‌هاست. مسجد در هنگام نماز، مؤمنان نمازگزار را در کنار هم جمع می‌کند و همه با رعایت یک نوع آداب، یک خدا را می‌پرستند و با کنار گذاشتن هرگونه اختلاف از نظر ثروت، سواد، سن، نژاد، موقعیت اجتماعی و جنس به عبادت می‌پردازند. وجود اختلاف‌ها و نزاع‌ها در چنین فضایی، زمینه پراکندگی و حاضر نشدن مردم را در مسجد ایجاد می‌کند. برخی از این اختلاف‌ها را بررسی می‌کنیم:

الف) اختلاف‌های سیاسی

مسجد جنبه‌های سیاسی گسترده‌ای دارد؛ ولی اختلاف‌های سیاسی، حزب‌گرایی و تعصب به یک جناح، فضای مسجد را آشفته می‌کند. گاهی دیده می‌شود که مسجد بر اساس گرایش‌های سیاسی، به چند دسته تقسیم می‌شود و برخی جناح‌ها در مسجد ویژه‌ای حاضر می‌شوند و مخالفان آنان به آن مسجد نمی‌روند. در این شرایط، گفت‌وگوی مسالمت‌آمیز و پرهیز از حرکت‌های افراطی سیاسی و معیار قرار دادن اسلام برای حفظ وحدت لازم است. در این میان، امام جماعت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد.

ب) اختلاف‌های مدیریتی

اختلاف میان اعضای هیئت امناء در مسائل جاری مسجد، گاهی سبب ایجاد دو دستگی میان نمازگزاران می‌شود و فضای مسالمت‌آمیز مسجد را با نقدهای مخرب آشفته می‌کند. مسجد، مکانی برای عبادت و آرامش روحی است و این اختلاف‌ها علاوه بر اینکه بر کیفیت فعالیت‌های مسجد اثر بدی می‌گذارد، مسجد را از آرامش خارج می‌کند. اهالی محل هم به دلیل اختلاف هیئت امناء انگیزه‌ای برای حضور در مسجد نمی‌یابند.

نقش امام جمعه، امام جماعت و امور مساجد، در برطرف کردن این اختلاف‌ها

بسیار مؤثر است.^۱

۱۱. پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد

در بررسی نقاط ضعف و قوت مسجدها، بیان شد که پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد از نقاط ضعف مسجد است که سبب حاضر نشدن افراد در مسجد می‌شود. از مسجدی که فقط نماز جماعت به صورت خشک و بی‌روح در آن برقرار می‌شود، نمی‌توان شکوفایی و حضور همه‌جانبه مردم را انتظار داشت. وقتی مسجد در سطح گسترده فعالیت ندارد، اهالی محلّ برای حضور در مسجد، کمتر انگیزه دارند. این موضوع، عامل مهمّی در حذف فرهنگ مسجد از جامعه است. متأسفانه، بسیاری از مسجدها که امام جماعت همیشگی در آنها حضور ندارد، با این مشکل روبه‌رو هستند.

^۱. رک: همان، ص ۷۰.

« راهکارهای جذب جوانان به مسجد

حضور جوانان در مساجد به منظور برنامه‌ریزی برای آنان و اجرای برنامه‌ها الزامی است. بنابراین، باید با توجه به نیازها و ویژگی‌های جوانان به راه‌های جذب آنان توجه کرد. از مهم‌ترین راه‌های جذب جوانان به مسجد عبارت است از:

۱. مدیریت صحیح و خردورزانه مسجد

امروزه با رشد فناوری‌های علمی و ارتباطات گسترده دیگر نمی‌توان مانع ورود فرهنگ بیگانه شد. از این‌رو، باید به جوانان در برابر هجوم افسار بیگانه مصونیت بخشیم. یکی از بهترین راه‌ها برای مصون ماندن نسل جوان، جذب آنها در سایه برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح و خردورزانه مساجد است. مدیریت صحیح می‌تواند با برنامه‌ریزی، اجرا و هدایت درست امور، راه‌های متفاوتی برای جذب جوانان به مسجد فراهم آورد.

۲. رفتار مناسب با جوانان

جوانان راه‌های دفع رفتاری را نمی‌پذیرند؛ اگر جوانی در راهش به مانعی برخورد کند که با روحیه‌اش هماهنگی نداشته باشد، سرخورده می‌شود و از ادامه راه باز می‌ماند. در ارتباط با جوانان، باید ابتدا راه ارتباطی و عاطفی را هموار کرد تا به برنامه‌های تعیین‌شده، ایمانی نسبی پیدا کنند یا کل اهداف را بپذیرند. در رفتار با جوانان، باید شناخت کافی از وضعیت فیزیولوژی، شخصیتی و رشد رفتاری آنان داشت و نیازشان را سنجید و به نظریات و افکارشان اهمیت داد. حتی در برخی مواقع باید به مسائل خصوصی آنها وارد شد و با آنان همدلی کرد. در واقع، آنها را آن‌طور که هستند بپذیریم، نه آن‌طور که خودمان می‌خواهیم.

مسئولان مساجد باید با تحمل و بردباری و انعطاف‌پذیری، با جوانان بزرگوارانه برخورد کنند و چون پدری دلسوز دست نوازش بر سر فرزندان خود بکشند و «ارتباط عاطفی» را بر ارتباط دستوری و خشک، مقدم دارند. روان‌شناسان معتقدند نخستین امری که بر اثر پیوندهای معنوی یا معنایی و دوستی می‌شکفتد، محبت

است و محبت در ابتدای امر، مستقل و فراگیر است.^۱ بنابراین، توجه کردن به جوانان و سرمایه‌گذاری برای آنها نیز از امور مهمی است که مسئولان و گردانندگان مسجد باید به آن توجه داشته باشند. گرداندن مسجد و اداره‌کنندگان امور آن، نباید به شکل سنتی باشد، یعنی به شکلی که گاهی اوقات مشاهده می‌شود، اکثر کودکان و نوجوانان را به دلیل شلوغ کردن، حرف زدن و غیره از مسجد بیرون می‌کنند یا نسبت به آنان بدرفتاری می‌شود. باید توجه داشته باشیم که این نوع برخورد با آنها، سابقه بدی در ذهن آنان باقی می‌گذارد. این نکته بسیار دیده شده است که با بی‌حرمتی به جوان و شخصیت او، وی از مسجد رویگردان شده، نه تنها از حضور در مسجد امتناع می‌کند، بلکه به دلیل نوع رفتاری که با او شده است، به اسلام نگاه بدبینانه پیدا می‌کند و این معضلی است که در سال‌های اخیر، بسیار مشاهده می‌شود.

آری، جوان موجودی است عاطفی و زودرنج که اگر با صداقت و احترام با او برخورد نشود، این دوره از حیات در عمق روح او نفوذ کرده و او را مجذوب می‌کند و می‌تواند به تحوّل شگرف در روحیه و اعتقادات او بینجامد. بسیاری از دست‌اندرکاران کانون‌های فرهنگی و مذهبی مساجد بدون توجه به روحیات و اقتضائات سنتی جوانان به واکنش‌های تند و افراطی دست می‌زنند و چه بسا با یک برخورد ناسنجیده و حتی آمرانه جوان را برای همیشه از مساجد دور می‌کنند.

۳. برنامه‌ریزی فرهنگی مناسب

ذوق، سلیق و افکار قاطبه نوجوانان و جوانانی که به‌طور معمول حضور فعالی در مسجد دارند، مورد توجه قرار نمی‌گیرد. با توجه به شرکت تعداد بی‌شماری از نوجوانان و جوانان در مساجد، لازم است، در اجرای برنامه‌ها، سلیقه‌های آنان مدنظر قرار گیرد؛ اما برنامه‌ریزی سنتی موجب شده است تا نظرات و خواسته‌های این قشر نادیده انگاشته شود که این امر موجبات ناراحتی آنان را

۱. دکتر محسنی، دکتر دادستان، روان‌شناسی رشد، ص ۱۵۳.

فراهم می‌سازد.

برنامه‌ریزی فرهنگی در مسجد، باید با توجه به موقعیت محلّه، شهر و روستا یا سنّ افراد صورت پذیرد؛ برای مثال، برای افرادی که قصد شرکت در کنکور را دارند، باید کلاس‌های تست، روان‌شناسی، تندخوانی، تهیه کتب مختلف و راه‌های موفقیت در کنکور در نظر گرفته شود. همچنین، باید از اینترنت، فیلم، سریال، بازی، سرگرمی و غیره استفاده بهینه کرد.

مسائل و مشکلاتی که در برنامه‌های فرهنگی، تبلیغی و دینی مساجد وجود دارند و باعث ایجاد فاصله بین جوانان و مسجد می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱. متنوع نبودن برنامه‌های مساجد و نیز روش‌های تبلیغ و ناآشنا بودن گردانندگان آن با شیوه‌های نوین جذب نوجوانان و جوانان به مسجد و در مقابل متنوع و جذاب بودن برنامه‌های مراکز و اماکن تفریحی اجتماعی نظیر: باشگاه‌های ورزشی، کلوب‌ها، کافی‌نت‌ها، ماهواره و ...؛ باید اذعان داشت که برنامه‌های بعضی از مساجد اغلب یکنواخت، کسالت‌آور و خسته‌کننده است.

۲. اعمال روش‌های خشک و مستبدانه در بعضی برنامه‌ها و آموزش‌های مذهبی و به کارگیری شیوه‌های غلط تعلیمی و درخواست اطاعت کورکورانه و بی‌قید و شرط که موجب بی‌علاقگی و دل‌سردی از دین و مراکز دینی، به خصوص مساجد در نوجوانان و جوانان می‌شود.

۳. ملحوظ نداشتن شاخص‌های مذهبی، فرهنگی، بومی، نژادی، زبانی و نیز عدم به کارگیری اولویتهای اصلی در برنامه‌های فرهنگی - تبلیغی موجب شده است تا تعدادی از برنامه‌ها و فعالیت‌های اجرایی برای نوجوانان و جوانان از نتایج مثبت و مطلوبی برخوردار نباشد.

۴. کمتر مشاهده می‌شود که در انجام برنامه‌های مذهبی و اسلامی از وجود اندیشمندان و صاحب‌نظران بزرگوار استفاده شود. استفاده از اساتید دانشگاهی و حوزوی مطلع، موجب اقبال نوجوانان و جوانان به مساجد خواهد شد.

۵. حاکم بودن افکار عام‌نگر، همراه با اجرای برنامه‌های عامه‌پسند و سنتی که این‌گونه برنامه‌ها بیشتر مورد پسند بزرگسالان و سالخوردگان است.

۶. طولانی شدن برنامه‌های اجرایی مساجد، به‌ویژه سخنرانی و خطابه و عَاطا، ائمه جماعات و مبلغان و نیز اقامه نماز و اجرای مراسم دعا و زیارت از دیگر عوامل ایجاد فاصله بین مسجد و نوجوانان و جوانان است.
۷. خلأ برنامه‌ریزی منسجم، مرتّب و منعطف در مساجد موجب شده است تا اغلب مساجد ما دچار برنامه‌های یکنواخت و کسل‌کننده شوند.
۸. حاکم نبودن روحیه جوان‌گرایی و تفکر جوانی و در نظر نگرفتن سلايق و نظرات جوانان، در برنامه‌ریزی فعالیت‌ها توسط مدیریت مساجد موجب مسجدگریزی جوانان می‌شود.
۹. منطبق نبودن برنامه‌های مساجد با نیازهای فکری و فرهنگی جوانان و متناسب نبودن با شرایط زمان و مسائل مبتلا به روز جامعه از دیگر موانع جذب جوانان به مسجد است.
۱۰. فقدان تجهیزات، لوازم و ابزار مناسب نرم‌افزاری مدرن و به‌روز در مساجد (رایانه، وسایل آموزشی و کمک آموزشی و ...) از عوامل ایجاد مسجدگریزی است.
۱۱. نبود برنامه‌های زمان‌بندی شده و تعریف شده کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت در مساجد موجب فاصله نوجوانان و جوانان از مساجد می‌گردد.

پیشنهاد‌های مهم برای رفع کاستی‌ها و نواقص مربوط به برنامه‌ریزی‌های فرهنگی مساجد

۱. در برنامه‌ریزی فرهنگی و دینی مساجد به نیازها، علایق و سلايق نوجوانان و جوانان توجه شود.
۲. انطباق محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد با نیازهای فکری جوانان، مقتضیات زمان، و مسائل روز جامعه.
۳. استفاده از تکنولوژی آموزشی روز در اجرای برنامه‌های آموزشی، فرهنگی، دینی و ... مساجد.
۴. تشکیل بانک اطلاعات و مرکز اطلاع‌رسانی و گروه ویژه مطالعاتی و تحقیقاتی به منظور انجام پژوهش در مورد ارزیابی برنامه‌های فرهنگی مساجد.

۵. بهره‌گیری از وجود اساتید و صاحب‌نظران مشهور دانشگاهی و حوزوی در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد.
۶. تنوع بخشیدن به محتوای برنامه‌های فرهنگی مساجد از نظر موضوع، روش و اجرا.
۷. استفاده از شیوه‌های نوین آموزشی در ارائه و انتقال مفاهیم و ارزش‌های دینی و مذهبی به نوجوانان و جوانان.
۸. «اصل آسان‌گیری» و «اصل اعتدال و میانه‌روی» در آموزش مسائل و مفاهیم دینی به نوجوانان و جوانان از سوی مربیان دینی و مبلغان رعایت گردد.
۹. پرهیز از اجرای برنامه‌های یکنواخت، تکراری و خسته‌کننده.
۱۰. تجهیز مساجد به امکانات، لوازم و ابزار فرهنگی روز دنیا، از قبیل کتابخانه‌های تخصصی، سالن مطالعه، کامپیوتر، وسایل آموزشی و ...
۱۱. طرح کردن مسائل و مشکلات نوجوانان و جوانان محله و برنامه‌ریزی در راستای رفع و حل مشکلات آنان.
۱۲. عدم یکسنگری در اجرای برنامه‌های فرهنگی مساجد.
۱۳. داشتن مدیریت زمان در برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد، به‌طوری که سعی شود برنامه‌های اجرایی مساجد (سخنرانی‌ها، کلاس‌های آموزشی، همایش‌ها، مراسم دعا و ...) کوتاه و متناسب با ظرفیت‌های جسمی، روحی و روانی، ویژگی‌های سنی و ذهنی مخاطبان طراح و اجرا گردد تا از خستگی، دلزدگی و در نتیجه، گریز جوانان از برنامه‌های فرهنگی مساجد جلوگیری به عمل آید.
۱۴. برنامه‌های فرهنگی و دینی مساجد برای نوجوانان و جوانان جذاب و مفید بوده و هنر و مهارت را به آنان بیاموزد (زیستن دینی).
۱۵. مشارکت دادن نوجوانان و جوانان در امر برنامه‌ریزی‌های فرهنگی و دینی و اجرای برنامه‌ها در جذب جوانان به مسجد مؤثر است.
۱۶. بسیاری از جوانان، به این خاطر از مساجد دوری می‌کنند که آن را همیشه مکانی برای گریه، موعظه و عبادت می‌دانند؛ در حالی که اسلام، مسجد را

علاوه بر عبادت، مکانی برای آموزش، تعلیم و تربیت و شادابی جامعه معرفی کرده است. اگر این روحیه شادابی و طراوت همراه با حفظ حریم‌های اسلام به مساجد برگردانده شود، مکانی برای گرایش جوانان خواهد بود. اجرای برنامه‌های فرهنگی، آموزشی و هنری و برگزاری اعیاد اسلامی، مثل قربان، نیمه شعبان، فطر، غدیر، ولادت‌های ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و ... روح نشاط را به جامعه بر می‌گرداند.

۴. جلسات پاسخ‌گویی به پرسش‌های دینی جوانان

یکی از راه‌های جذب جوانان به مسجد، رفع نیاز فکری و معنوی آنان است. جوانان ذهن خلاق و جست‌وجوگری دارند و همواره به دنبال کشف حقیقت و حل مسائل و پاسخ‌گویی به شبهات هستند. علاوه بر آن، امروز شبهه‌افکنی در حوزه فرهنگ دینی یکی از پرخطرترین جلوه‌های تهاجم فرهنگی در عرصه تربیت دینی است؛ این شبهات به قول استاد مطهری، گذرگاه خوبی هستند؛ اما عدم پاسخ‌گویی به آنها موجب تزلزل در عقاید و اندیشه‌های دینی آنان می‌گردد و پایه‌های تربیت دینی را سست می‌گرداند.

جوان، اگر احساس کند که مسجد، محلی برای پاسخ‌گویی به سؤالات اوست و در آن شخصیت ارزشمند و فرهیخته‌ای است که درد او را درک می‌کند، خواه ناخواه به سمت و سوی او متمایل می‌گردد و دیگران را نیز با خود همراه می‌سازد.

استاد مطهری می‌گوید: ما امروز از این نسل گله داریم که چرا با قرآن آشنا نیست؛ چرا در مدرسه‌ها قرآن یاد نمی‌گیرند؛ حتی به دانشگاه هم که می‌روند از خواندن قرآن عاجزند؛ البته جای تأسف است که این‌طور است؛ اما باید از خودمان بپرسیم ما تاکنون چه اقدامی در این راه کرده‌ایم؟ آیا با همین فقه و شرعیات و قرآن و آنچه که در مدارس است، توقع داریم نسل جوان با قرآن آشنایی کامل داشته باشد؟ قرآن از مؤمنان می‌خواهد که سخنانشان محکم و استوار باشد: «قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا»^۱؛ این نکته در تربیت دینی و جذب جوانان

۱. احزاب، آیه ۷۰.

بسیار مهم و حیاتی است که سخنان مرتبی باید همچون سدّی محکم جلوی امواج مختلف مقاوم باشد.^۱

نکته درخور توجه اینکه، باید با توجه نیازها و روحیات و علایق جوانان، در برنامه ریزی‌ها، بعد از مخاطب‌شناسی و نیازسنجی، جلسه‌های ویژه‌ای برگزار کرد. برای ارزیابی برنامه‌های تدوین‌شده، اجرا شده و بحث و گفت‌وگوی منتقدانه و تبادل پیشنهادهای مفید در برنامه‌ریزی آینده، باید کوشا بود. این جلسات بحث و گفت‌وگو، علاوه بر رسیدن به راهکارهای مفید، باعث خودارزشمندی و تقویت خلاقیت، ابتکار و اعتماد به نفس در فرد می‌شوند. ضمن اینکه ارتباط دوستانه بین آنها و مدیران مسجد، مستحکم‌تر می‌شود.

۵. ایجاد اعتماد در جوانان

جوانان روحیه ویژه‌ای دارند. مدیران و مسئولان مساجد باید به علائق و موقعیت جوانان اهمیتی خاص دهند. «ستایش خواهی و جلب توجه کردن دو نوع از خواسته‌های جوانان در زمینه ذهن و عاطفه است». بنابراین، بهادادن به جوانان، عامل مهمی در راستای تأمین خواسته‌ها و ایجاد اعتماد و جذب آنان به مسجد است. بر این اساس، می‌توان از طرق مختلف در افراد اعتماد و ایمان کافی ایجاد کرد و آنها را به مساجد هدایت کرد. البته این به معنای اختیار دادن زیاد و غیرمنطقی به جوانان و یا پذیرش هر نوع نظر و سلیقه آنان نیست.

بزرگان و اعضای هیئت امنای و امام جماعت می‌توانند، برای فعالیت‌های گوناگون مسجد، نظر جوانان را جویا شوند و در صورت امکان، پیشنهادهایشان را اجرا کنند. این اقدام، سبب خودباوری، اعتماد به نفس و احساس شخصیت در جوانان می‌شود. آنان از اینکه می‌بینند نظرهایشان در تصمیم‌گیری‌های مسجد اثر دارد، خوشحالند و مسجد را از خود می‌دانند. در نتیجه، پیوسته در مسجد حاضر خواهند شد. همچنین، برخی از کارهای مسجد را می‌توان به‌طور کلی یا جزئی

۱. ر.ک: مطهری، ده گفتار، ص ۱۸۹.

۲. جوانان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، صص ۴۳ - ۴۴.

به جوانان واگذار کرد؛ برای مثال، در یک مراسم، برنامه پذیرایی بر عهده جوانان باشد. این اقدام با روحیه پرشور و نشاط جوانان تناسب دارد و سبب ایجاد وارستگی جوانان و علاقه‌مندی آنها به مسجد می‌شود.

۶. شکل ظاهری و داخلی مسجد

مسجد باید نمایی بسیار زیبا و آرامش‌بخش داشته باشد؛ همچنین، ساختمان و تجهیزات درون مسجد باید تمیز و آرامش‌بخش باشد. جوانان روحیه‌ای زیبادوست و پر نشاط دارند؛^۱ از این‌رو، مکان‌هایی که چنین ویژگی داشته باشد، در جذب آنان مؤثر است. برای جذب جوانان به مساجد باید این مکان‌ها را آراسته و پاکیزه ساخت. فرش‌های مسجد باید تمیز و پاکیزه باشند. روشنایی مسجد در حد مطلوب باشد. مسجد، همواره معطر و خوشبو باشد. نمازگزاران با لباس‌های پاکیزه و بوی خوش وارد مسجد شوند.^۲ مسجد از آرامش لازم برخوردار باشد. به مسائل دنیوی کمتر پرداخته شود و بیشتر مسائل اخروی مورد اتمام قرار گیرد. مؤمنان به یکدیگر احترام گذاشته و یکدیگر را به صبر، شکیبایی و خصلت‌های نیکو سفارش کنند.

امام علی (علیه السلام) در سفارش‌هایش خطاب به مالک اشتر می‌فرماید: «إِجْعَلْ أَفْضَلَ أَوْقَاتِكَ لِلصَّلَاةِ؛ بهترین اوقات را برای نماز قرار بده»؛ حال اگر افضل اوقات برای نماز است، افضل جاها هم باید برای نماز باشد.^۳

۱. معماری مسجدها، تجلی عرفان، نور و رنگ در معماری مسجد، ص ۴۳۹.

۲. انصاری‌راد، علی‌اکبر، راهکارهای جذب جوانان به مساجد، قابل دسترس در: www.com.andishegom.com

۳. محسن قرائتی، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، ص ۴۸.

« نتیجه سخن

مسجد، به مثابه تابلوی فرهنگی جوامع اسلامی کانون تجمع دینی، سیاسی و اقتصادی مردم در هر شهر و روستا هستند. مسجد، به عنوان نخستین و گسترده‌ترین شبکه اجتماعی، می‌تواند با آگاهی‌بخشی، رسالت تاریخی خود را در راستای ارتقاء شأن و جایگاه جامعه اسلامی، مبارزه با حاکمیت جور و تقویت ارزش‌ها، هنجارها و رفتارهای جامعه اسلامی ایفا کند. این مؤلفه ممتاز مساجد در ایران معاصر و در عرصه انقلاب اسلامی، کانون هویت‌ساز و بسیج‌گر انقلاب بود؛ به‌گونه‌ای که حیرت همه ناظران منصف را برانگیخت. برخلاف انقلاب‌های معمول جهان، انقلاب اسلامی تشکیلات حزبی و سازمان‌دهی رسمی نداشت؛ اما مساجد، هسته‌های اصلی تجمع مردم و الهام‌بخش رفتار دینی و سیاسی مردم بودند. گفتمان دینی که در منابر، مساجد و حسینیه‌ها مطرح می‌گردید، به گفتمان برتر بدل شد و همه گفتمان‌های چپ، سوسیالیستی، ناسیونالیستی و لیبرالیستی را در خود حل کرد. اگر مساجد در تحقق انقلاب نقش محوری داشت، باید در تداوم و بقای انقلاب نیز محور پیشرفت انقلاب باشد.

رونق و شکوفایی مسجد در ایجاد و تداوم فرهنگ دینی بسیار مؤثر است. امروز با توجه به تهاجم فرهنگی گسترده دشمنان انقلاب و اسلام و تغییر نگرش افکار عمومی درباره دین و دین‌داری، لازم است مسجدها با شیوه‌ها و ابزار نوینی، رسالت دینی خود را انجام دهند.

اهمیت و ارزش حضور در مسجد و نمازهای جماعت بر اساس آیات الهی، روایات و سیره معصومان علیهم‌السلام بر کسی پوشیده نیست، از طرفی، جذب جوانان به این امر مهم در کشور اسلامی مسئله جدی و از دغدغه‌های متولیان امر است، ویژگی‌های دوره نوجوانی و جوانی ایجاب می‌کند که راهکارهای متناسبی برای جذب آنها به مسجد و جماعات استفاده شود. باید پذیرفت فردی که به مسجد می‌آید، عقل و بعد اجتماعی، عاطفی، زیبایی‌گرایی و ... دارد. از این‌رو، شایسته است نخست، جوانان را با انگیزه‌های متفاوت به مسجد هدایت نمود و برنامه‌ها را طوری طراحی کرد که همه قوای او را در برگیرد. در مجموع، اگر می‌خواهیم

جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم تا به فردایی روشن و پرثمر دست یابیم. امروز، متأسفانه برخی جوانان ایرانی آن‌گونه که انتظار می‌رود با مساجد مانوس نیستند. علت‌های مختلفی برای مسجد‌گریزی جوانان وجود دارد که از جمله مهم‌ترین آنها عبارتست از: بحران هویت معنوی، تهاجم فرهنگی، ناآشنایی مبلغان دینی و تفسیر غلط از دین، غفلت، جهل و عدم تفکر جوانان درباره دین، ناسازگاری میان قول و عمل مدعیان دین در تربیت دینی نسل جوان، ناآشنایی جوانان با فلسفه نماز و اسرار نماز جماعت، دوستان ناباب، تراکم کاری، هم‌زمانی برنامه‌های رسانه و مسجد، اختلاف‌ها، اعم از اختلاف‌های سیاسی و مدیریتی و پایین بودن سطح کمی و کیفی فعالیت‌های مسجد، موجب مسجد‌گریزی مردم، به‌ویژه، قشر نوجوان و جوان می‌گردد. از این‌رو، باید برای حضور جوانان در مساجد، برنامه‌ریزی کرد و با توجه به نیازها و ویژگی‌های آنان به راه‌های جذب توجه کرد. برخی از راهکارهای متناسب برای جذب آنان به مسجد و جماعات، موارد زیر قابل طرح است:

۱. بهانه‌های مختلفی برای عدم حضور در مساجد مطرح می‌شود که پیشنهاد می‌شود، باید جوانان را با فلسفه، اسرار و ارزش جماعات و حضور در مساجد آشنا کرد که طبق فرمایش پیامبر اسلام $\text{ا}ن$ اگر افراد ارزش حضور در جماعات را بدانند، برای شرکت در آن قرعه‌کشی می‌کنند.

۲. ایجاد جاذبه و رعایت شکل ظاهری (بهداشت و نظافت) مساجد به عنوان عامل دیگری برای جذب جوانان مطرح است. روشن است که جوانان به‌ویژه تحصیل‌کرده‌ها چقدر به امر بهداشت و نظافت اهمیت می‌دهند.

۳. نقش امام جماعت به عنوان یکی از ارکان و عوامل تأثیرگذار در امور مسجد و همچنین، جذب و نگهداری جوانان است که در این زمینه ایجاد ارتباط عاطفی، صرف وقت کافی برای امور جوانان، مورد پذیرش مردم و جوانان بودن، داشتن تقوا و فضائل اخلاقی و عدالت، رعایت نظافت و تمیزی، نظم و انضباط داشتن، بردباری، آسان‌گیری و عمل به گفته‌ها مواردی هستند که رعایت آن از طرف

امام جماعت در جذب جوانان مؤثر است.

۴. در روش و شیوه‌های تبلیغ، داشتن ایمان قلبی، عامل بودن و نیز روش ارتباط مستقیم نفس با نفس و جذب همسالان توسط جوان مسجدی مؤثر است.

۵. از وظیفه و نقش نمازگزاران و اهالی مسجد می‌توان به داشتن غیرت نسبت به نماز، رعایت حرمت اشخاص، بهداشت و نظافت لباس، بدن و دهان، پرهیز از تندی و افراط در برخورد با نوجوانان و جوانان، مطابقت گفتار و عمل متولیان امور مساجد، ایجاد ارتباط بین مدرسه و مسجد و به‌طور کل احیای مسجد و جماعات اشاره کرد.

۶. احیای کارکردهای مختلف مسجد از جمله آموزش، فعالیت‌های ورزشی، فرهنگی، هنری و ...

۷. ارائه الگو برای جوانانی که در جماعات و مسجد حضور نمی‌یابند از طریق صدا و سیما، رسانه‌های جمعی از قهرمانان ورزشی، هنرمندان و اهل علم در حال نماز خواندن و حضور در مساجد.

۹. عدم انحصاری کردن امور و فعالیت‌های مسجد و پایگاه مقاومت و کانون‌های مساجد و رفع موانع حضور و عضویت جوانان و نوجوانان علاقه‌مند محله‌ها در این نهادها.

۱۰. ارائه و بیان ترجمه دعاها و اذکار به زبان روان برای آشنایی جوانان و نوجوانان با معارف و پیام‌های دلنشین و تأثیرگذار این دعاها.

با توجه به آنچه گفته شد می‌توان به این نتیجه رسید که برنامه‌ریزی، همراه با یک مدیریت قوی و منسجم اسلامی، اساسی‌ترین وظیفه در میان وظایف مدیران مساجد است. در مجموع، اگر می‌خواهیم نوجوانان جوانان و بزرگسالانی علاقه‌مند به حضور در مساجد داشته باشیم، باید روی نوجوانان سرمایه‌گذاری کنیم تا به فردایی روشن و پرثمر دست یابیم.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« نهج البلاغه
« آمدی، عبدالواحد، غررالحکم، تهران، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۶۶ هـ.ش.
« شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه، ۱۴۰۷ هـ.ق.
« شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه قمی، من لایحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ هـ.ش.
« ابوالفضل ساجدی، دین‌گریزی چرا؟ دین‌گرایی چه‌سان؟ قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ۱۳۸۴، تَبَّهْ هـ.ش.
« شرفی، محمدرضا، دنیای نوجوان، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم، ۱۳۷۲ هـ.ش.
« شعیری، محمدین محمد، جامع‌الأخبار، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳ هـ.ش.
« _____ جوان و بحران هویت، تهران، سروش، چاپ دوم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« بیانات مقام معظم هبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۲۷/۱۱/۷۹.
« شاکرین، حمیدرضا، پرسش‌ها و پاسخ‌های دانشجویی، قم، نشر معارف، چاپ سوم، ۱۳۸۵ هـ.ش.
« قائمی، علی، جوان از دیدگاه نیازها، خواسته‌ها و مصالح، تهران، دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، ۱۳۷۹ هـ.ش.
« گروه نویسندگان، روان‌شناسان بزرگ، مترجمان: دکتر احمد به‌پژوه و دکتر رمضان دولتی، تهران، مؤسسه انتشارات تربیت، چاپ دوم.
« مطهری، مرتضی، سیری در زندگانی استاد مطهری، تهران، انتشارات صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۷۷ هـ.ش.
« _____ ده گفتار، قم، انتشارات صدرا، ۱۳۵۶ هـ.ش.
« مونتی پالمرو و دیگران، نگرش جدید به علم سیاست، ترجمه: منوچهر شجاعی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۶۷ هـ.ش.
« مکاتب و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، انتشارات رشد آموزش و پرورش برای آینده، کارشناسان یونسکو، مرکز تحقیقات آموزشی، چاپ اول، ۱۳۷۰ هـ.ش.
« نوری، میرزا حسین، مستدرک‌الوسائل، مؤسسه آل‌البیت ۱۴۰۸، ۱۳۶۷ هـ.ق.
« محمدی، محسن، مسجد، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ.ش.
« هورنای کارن، تضادهای درونی ما، ترجمه: محمدجعفر مصفا، انتشارات بهجت، چاپ پنجم، ۱۳۶۴ هـ.ش.
« معماری مساجد، مجموعه مقالات دومین همایش بین‌المللی معماری مساجد، تهران، افق آینده، دانشگاه هنر، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« قرائتی، محسن، یکصد و چهارده نکته درباره نماز، تهران، چاپ و نشر و طرح ستاد اقامه نماز، ۱۳۷۰ هـ.ش.
«



کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم

عبدالوهاب عطایی

« چکیده

نگارنده در مقاله حاضر، نقش سیاسی مساجد در قرن‌های چهارم و پنجم هجری قمری را بررسی می‌کند. در این دو قرن، حوادث و رویدادهای مهمی، همچون قیام‌های خلفای فاطمی، آل بویه، سلجوقیان، غزنویان و غیره رخ داد. حتی نفوذ و قدرت آنها، مرکز خلافت بنی‌عبّاس، یعنی بغداد را فراگرفته و سلسله بنی‌عبّاس را تحت سیطره خویش قرار داد. نگارنده، ضمن بیان مهم‌ترین راهبردها و کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم، به مقایسه آن کارکردها با کارکرد سیاسی و فرهنگی مساجد عصر حاضر می‌پردازد و در نهایت، اساسی‌ترین راهکارهای احیای نقش سیاسی مساجد در عصر حاضر را بیان می‌نماید.

« واژگان کلیدی:

کارکردهای سیاسی مساجد، قرن چهارم و پنجم ه.ق، خلفای فاطمی، اسماعیلیان، سلاطین، سلجوق، عبّاسیان، غزنویان، مساجد در انقلاب، نماز جمعه از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ نماز جمعه و جماعت.

« مقدمه

مسجد، در اسلام کانون عبادت است؛ اما عبادت از یک مفهوم گسترده‌ای برخوردار است که شامل کلیه امور مربوط به حیات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ... می‌گردد؛ چنان‌که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله، از همان ابتدای تشکیل حکومت، مسجد را نیز بنیان نهاد. در حقیقت، مهم‌ترین شاخصه مسجد، کارکردهای چندمنظوره آن است که تنها به عبادت، نماز و دعا خلاصه نمی‌شود.

به دلیل پیوند عمیق بین دیانت و سیاست، یکی از شاخصه‌های اساسی مسجد، کارکرد سیاسی آن است. با مطالعه در تاریخ و منابع معتبر اسلامی به روشنی درمی‌یابیم که مساجد در قرن‌های چهارم و پنجم، کارکردهای سیاسی زیادی داشته‌اند؛ زیرا در آن دوره‌ها، حوادث و رویدادهای مهمی، مانند قیام‌های خلفای فاطمی، آل‌بویه، سلجوقیان، غزنویان و غیره رخ داد؛ حتی نفوذ و قدرت آنها مرکز خلافت بنی‌عبّاس، یعنی بغداد را فراگرفته و آنها را تحت سیطره خویش قرار داد. خلفای فاطمی در مصر بعد از استقرار در آن شهر، از جایگاه مقدّسی چون مسجد، خلافتشان را به طور رسمی اعلان کردند. از طرفی آل‌بویه با سیطره‌شان در بغداد، توجه‌شان به مراکز دینی همچون مساجد و عتبات عالیات متبرّک‌ه اولیای الهی متمرکز گردید. از این‌رو، بسیار شایسته است که پژوهشی در نقش سیاسی مساجد در دوره‌های یاد شده، داشته باشیم. در این پژوهش به دنبال دست‌یابی به این پرسش هستیم که جایگاه مساجد از لحاظ سیاسی و فرهنگی در قرن چهارم و پنجم چگونه بوده است؟ در واقع، اساسی‌ترین کارکرد راهبردی مساجد در جهت رونق‌بخشی انقلاب‌ها و رویدادهای سیاسی قرن چهارم و پنجم چه بوده است و تفاوت آن نسبت به وضعیّت مساجد در زمان فعلی چیست؟ هدف اصلی این تحقیق، تبیین کارکردهای سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم و مقایسه آن با کارآیی مساجد در عصر حاضر است تا با تدوین شاخصه‌های آنها، نتایج این تحقیق برای آگاهی نسل جوان، کارساز باشد. این بررسی، بیشتر با رویکرد دینی و با تأکید بر نهاد دینی مساجد و روابط بین مساجد، حکومت و انقلاب‌ها انجام می‌گیرد.

« مسجد و مؤلفه‌های کارکردی آن

مسجد در تاریخ اسلام نقش مؤثری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشت. مسجد به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بسیار مقدّس است که شناخت و بهره‌گیری از زوایای آن در استفاده هر چه بهتر و بهینه از این مکان، مؤثر خواهد بود.

آنچه اهمیت بسزا دارد، جایگاه و کارکرد مساجد و تجمّعات مذهبی است. طبیعی است که عناصر ساختاری و پدیداری و نظام موجود در مسجد در جهت توسعه و پیشرفت یا انحطاط و عقب‌ماندگی یک کشور اسلامی اثر کلیدی دارد. از جمله آن عناصر عبارت‌اند از:

۱. ساختمان مسجد، که با کارکردهای مثبت و منطبق با اهداف اولیه آن، باید سرای آخرت و بنای بهشت باشد.

۲. محراب، که در واقع نمادی از حرب و مکانی برای آمادگی دفاعی از مبانی دین اسلام و ستیزه با دشمنان دین و مذهب است، مکان واقعی برای مبارزه با دشمن بیرون و درون است.

۳. صفوف جماعت، که همه رو به یک هدف و در تبعیت از قیام و حضور امام صورت می‌پذیرد، جلوه‌گاهی از اتحاد و یکپارچگی و وحدت مسلمانان است. تا زمانی که انسان‌ها به صورت پراکنده باشند، امکان ارتقای فرهنگی را نداشته و در ارتباط اجتماعی و سیاسی، آسیب‌پذیر خواهند بود.

۴. منبر، که وسیله‌ای برای اعلان مواضع و مهم‌ترین عامل اطلاع‌رسانی است.

۵. امام جماعت، که امام، مقتدا و راهنماست و هم دعوت‌کننده مأموم به سوی خداوند است.

چنین عناصر و ساختاری، رساترین و صادق‌ترین و بلندترین فریاد دین‌خواهی، دین‌پروری و دین‌زایی را به نمایش گذاشته است.

« رویکرد قرآن نسبت به دیدگاه کارکردگرایانه مسجد

قرآن کریم از مسجد دو تصویر با دو نوع کارکرد متفاوت ارائه داده است. ابتدا تصویری از جبهه ایمان و جایگاه و کارکردهای آن و سپس ترسیم تابلویی از جبهه کفر با کارکردهای ویژه خود ارائه نموده است؛ یعنی مسجدی با کارکردهای مثبت و مسجدی با کارکردهای منفی.^۱

از یک سو، مسجدی را معرفی می‌کند که بر اساس تقوا و در جهت اهداف اولیه ساخته شده است.^۲ چنین مسجدی به یقین پایگاه توحید و ایمان، جایگاه جهاد و ایجاد وحدت در صفوف بندگان خداست و بنا بر رسالت و ماهیتش کسانی را جذب می‌کند که آزادی و پاکی را می‌طلبند.

از سوی دیگر، مسجدی را توصیف می‌کند که با انگیزه‌های شیطانی و اهداف ضدّ مردمی، در جهت زیان‌رسانی به جامعه و اسارت مردم و بستن راه خدا و ایجاد پایگاه کفر و الحاد و زمینه‌سازی برای تفرقه و توطئه، توسط کسانی که تشنه دشمنی با حقیقت و مخالف ایمان‌اند، بنا شده است.^۳

در طول تاریخ، دولت‌ها برای رسیدن به اهداف خود، از مسجد با روش‌های گوناگون بهره برده‌اند؛ از سوی دیگر هم، مردم برای دستیابی به خواسته‌های مشروع‌شان، فریاد و انتقادشان را به عنوان یک فشار مردمی علیه حکومت از مساجد شروع کرده‌اند. بنابراین، می‌توان گفت که سیاسی بودن مسجد و منبر، دارای پیشینه تاریخی بسیار غنی و طولانی است و حتی معابد نیز چنین کارکردی داشته‌اند. اکنون، جا دارد که به برخی از نمونه‌های تاریخی این کارکرد اشاره کنیم.

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۰.

۲. توبه، آیه ۱۰۹.

۳. توبه، آیه ۱۰۷.

« استفاده از مسجد با کارکردهای مثبت

یکی از دلایل شکست سیاست‌های اسماعیلیان، توان مقاومت پیروان تسنن، مذاهب اکثریت، به‌ویژه سوریه بود؛ این شکست مانند رخدادی کوچک بر پیکره خدشه‌ناپذیر مکتب تسنن باقی ماند. به‌علاوه، خلافت جدید، در بطن تاریخ اقتصاد مصر چیزی را تغییر نداد، بلکه باعث تشدید مشکلات آن گردید و فاصله طبقاتی بین کارگر شهری با روستایی یا جلال و شکوه دولتی را آشکار ساخت.^۱ خلفای فاطمی برخلاف آن ضعف‌ها و افراط‌ها، افتخارات به مراتب بیشتری از پیشینیان خویش به ارمغان آورده و از موقعیت استثنایی این شهر برای مبادله اندیشه‌ها استفاده کردند. آنها، دانشمندان مسیحی، اقلیت‌های مذهبی و ... را با سعه صدر بیشتری در زمینه سیاست رسمی دولتی پذیرا شدند.

امام عزیز، در دوران خود، تلاش زیادی نمود تا میان اندیشمندان و علمای اسلام و سایر ادیان، تعاملات علمی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی به وجود آورد تا از این طریق در میان ادیان الهی تنش‌زدایی نماید. وی اندیشمندان و علما را از سرزمین‌های دور در مراکز علمی جمع می‌کرد و به مباحث علمی دعوت می‌نمود. از آن مراکز علمی، مساجد جامعی چون مسجد الازهر، مسجد جامع عمروبن‌العاص است. چنان‌که این سخن را یکی از تاریخ‌نویسان چنین می‌نویسد: «به حکم امام عزیز، به وسیله وزیرش سیدنا یعقوب‌بن‌کلس، برای فقها وظیفه معین شده بود و برای ترقی و ترویج این مراکز دانش و علم، از سایر شهرها و نقاط دوردست نیز علما و فقها را به این مکان دعوت می‌نمودند و حتی برای آنها حقوق معینی مقرر شده بود. علما و طلاب برای استفاده از مجالس و عظ و بحث فقه، از مسافت‌های بسیار دور به سوی این مرکز علم و دانش می‌شتافتند... در همین مسجد یا مرکز علمی، قاضی عبدالعزیزبن محمدبن نعمان از روی کتاب جدّ خود با نام «اختلاف الاصول و المذاهب» به شاگردان درس می‌گفت. همچنین، قائد جوهر کتابخانه‌ای در آن تشکیل داد که بعدها مورد توجه عالمیان واقع گردید».^۲

۱. تلخیص از: آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی، ص ۲۵۹ و ۲۶۰.

۲. خلفای فاطمی، ص ۳۷ و ۳۸.

یکی از صفات برجسته علما و خلفای فاطمی این بود که تعصب مذهبی نداشتند! بر این اساس، در این مرکز علمی - جامع الازهر - تمام مذاهب را با گشاده‌رویی خود مورد استقبال قرار می‌دادند؛ این راهبرد و خطمشی آنها در راستای تحقق انسجام و یکپارچگی جهان اسلام و آسیب‌شناسی و تنش‌زدایی و روحیه تعامل و همگن شدن، قابل تأمل بوده و از شاهکارهای آنها شمرده می‌شود.

مسجد الازهر مصر در عصر خلفای فاطمی (و نیز فسطاط)

«در بین سال‌های ۳۵۹ - ۳۶۲ هـ. ق. (۹۷۰ - ۹۷۲ م) مسجد الازهر به وسیله «جوهر حقلی» بنیان نهاده شد. وی غلام مسیحی‌زاده و نومسلمان بود. سپاه فاطمیان به فرماندهی او مصر را فتح کرد. هنوز بعضی قسمت‌های اصلی بنای این مسجد، پابرجاست...»^۱

یکی از خلفای فاطمی، «الحاکم بامرالله» بوده است. طبق شواهد تاریخی، او نیز همچون خلفای دیگر فاطمیان به مسجدسازی علاقه‌مند بود؛ چنان‌که کتاب «تاریخ تمدن» به آن اشاره دارد: «مسجد الحاکم بامرالله را از سنگ ساخته‌اند و قسمت اعظم آن هنوز پابرجاست».^۲

در تاریخ آمده است که شهر مصر را خلفای فاطمی در قرن چهارم ساختند و هر خلیفه فاطمی، می‌کوشید که از خلفای قبل از خود، شهر را بهتر بسازد و تزیین نماید. این خلفا بنا و ساخت و ساز را جزء افتخارات و مفاخر خویش می‌دانستند. چنان‌که گوستاولوبون در این زمینه می‌نویسد: «شهر قاهره در سال ۳۵۹ هجری (۹۷۰ م) بنا شد. قصبه قدیم فسطاط که عمروعاص آن را بنا نهاده بود، در داخل حصار شهر در همان محلی واقع شده بود که شهر جدید بعدها در آنجا بنا شد».^۳ در ادامه او می‌نویسد: «این شهر تازه، از آغاز تا بنیاد و تا روزی که به پایان رسید سه سال بیشتر طول نکشید. خلفای فاطمی، بخش زیادی از عواید خود را صرف آرایش و تزیین این شهر می‌کردند و هر خلیفه‌ای

۱. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۶۵.

۲. تاریخ تمدن، ویل دورانت، ج ۴، ص ۳۶۵.

۳. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۲۷۸.

تمایل داشت که بیشتر در این قسمت بر خلفای پیش برتری جوید تا آن حدّ که «لکوکین» وقتی به جای خلفا، حکمران مصر شد، آراسته زیباسازی شهر را جزء مفاخر خود می‌شمرد»^۱.

از این رو، یکی از کارهای مثبت خلفای فاطمی، توجّه جدّی آنها به رونق‌بخشی مساجد در ابعاد گوناگون بوده است. همان‌گونه بیان شد، خلفای فاطمی، اکثر عایدات خود را صرف ساخت و توسعه مسجد کرده و این کار را جزء افتخارات‌شان می‌دانستند. این مطلب نشان می‌دهد که آنها به مساجد و اغراض سیاسی آن توجّه داشته‌اند.

گوستاولوبون در مورد جامع الازهر می‌نویسد: «جامع ازهر، در سال ۳۵۹ هجری مطابق ۹۷۰ میلادی) از نقطه‌نظر آرایش و تزیین، به مراتب از مسجد «طولون» بهتر و بالاتر بود. این مسجد به خاطر مدرسه‌ای که در سال ۳۷۸ هجری قمری در آن بنا شد، در میان تمام مساجد اسلام شهرت زیادی پیدا کرده و تاکنون هم از مساجد معروف است. طّلاب از سرزمین‌های اسلامی دوردست برای تحصیل در این مسجد جمع می‌شوند و در حقیقت، مسجد مزبور در شرق، آخرین موطن برای تکمیل علوم عربیّه است»^۲.

آثار روابط فاطمیان با قشرهای مختلف

در مسجد الازهر آموزش‌های عالی عرضه می‌شد و خلفا و وزیران آنان به دانش‌پژوهان و مساجد توجّه می‌کردند. شاهد این مدّعا، این بیان تاریخ است: «به سال ۳۷۹ هـ. ق. (۹۸۸ م) یعقوب بن فلیس، وزیر خلیفه را وادار کرد تا خرج ۳۵ شاگرد در جامع الازهر را پردازد. بدین ترتیب، قدیمی‌ترین دانشگاه جهان به وجود آمد... از همین زمان، خلفا و وزیران و مردم ثروتمند برای تعلیم رایگان طّلاب، هزینه تحصیلی پرداخت می‌کردند؛ چون دانشگاه جامع الازهر با کمک مالی دولت و توانگران اداره می‌شد»^۳. از این مطالب درمی‌یابیم که روابط اجتماعی

۱. همان، ص ۲۷۸-۲۷۹.

۲. لوبون، گوستاو، تاریخ تمدّن اسلام و عرب، ص ۲۷۸.

۳. همان، ص ۲۸۵.

میان دولتمردان خلفای فاطمی و طبقه مرفّه و ثروتمند در آن قلمرو از جغرافیای سیاسی جهان اسلام، روابطی حسنه بوده و به برکت حضور در مساجد، بین آنها تعامل وجود داشته است.

در جای دیگر، نویسنده «تاریخ تمدن»، از رابطه خوب اجتماعی بین خلفای فاطمی با مردم و اجتماع در جهت رونق بخشیدن به پایگاه‌های دینی و مذهبی، مشارکت، هماهنگی و بهبود تعامل دوجانبه می‌نویسد. چنان‌که ویل دورانت می‌نویسد: «با وجود امتیازات فراوانی که خلفا داشتند، مصر از رفاه بهره‌مند بود؛ زیرا حلقه ارتباطی بازرگانی آسیا و اروپا به شمار می‌رفت... وقتی ثروت بغداد کاهش یافت و قوّتش به سستی گرایید؛ در همان حال، ثروت و قدرت قاهره افزایش یافت. ناصر خسرو که در سال ۴۳۹ هـ. ق. (۱۰۴۷ م)، پایتخت تازه را دیده بود، می‌گوید: ... ثروتمندان بزرگ فراوان بودند؛ یکی از تجّار مسیحی، در مدّت پنج سال که به دلیل کمبود آب، قحطی شده بود، همه مردم را از مال خود اطعام می‌داد. یعقوب بن فلیس، ثروتی معادل ۳۰ میلیون دلار آمریکایی به جا گذاشت. این ثروتمندان با خلفای فاطمی در بنای مساجد و ایجاد کتابخانه‌ها و مدرسه‌های بزرگ و تشویق علم، مشارکت داشتند»^۱.

با توجّه به نکات تاریخی یادشده درمی‌یابیم که:

۱. روابط میان مردم و حاکمان در عصر یادشده، مناسب بوده است.
۲. همچنین، مسجد در یکپارچگی و هماهنگی بین مردم و حاکمان اسلامی نقش بسزایی داشته است.
۳. مردم در ساخت و ساز کتابخانه‌ها و مدارس با دولت سهیم بوده‌اند.

فَعَالِيَتِ هَايِ سِيَّاسِي وَ مَذْهَبِي فَاطْمِيَّانِ بَسْ اَز فَتْحِ مِصْر

وقتی که فاطمیان کشور مصر را در سال ۳۵۸ هـ. ق. (۹۶۹ م)، فتح کردند، «جوهر غلام المعز» خلیفه فاطمی، دعوت خاندان علوی را آغاز نمود. او وقتی از ساختن شهر قاهره فراغت یافت، دستور داد که دیگر به نام عبّاسیان خطبه نخوانند و

۱. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، ص ۳۶۴.

در عوض، خواندن خطبه را به نام «المعز» فاطمی انجام دهند. در دوره تصدّی «جوهر غلام المعز» در تمامی مساجد مصر، مانند جامع عمر، جامع ابن طولون و جامع ازهر که «جوهر غلام المعز» آن را بعد از فتح مصر، بنا نموده بود، دعوت شیعه انجام می گرفت.^۱

هدف فاطمیان از ساختن مسجد تنها عبادت نبود، بلکه فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نیز هدف مهم‌تر آنها بوده است. این حقیقت از اسناد تاریخی نیز استنباط می‌گردد: «بنای مسجد در مصر، فقط برای انجام عبادات نبود؛ بلکه ساختن آن برای مقاصد سیاسی و اجتماعی نیز مدنظر بود. از این جهت مساجد، مراکز مهم تمدن اسلامی گردید و جای اجتماع علما و فقها شده و محلی خاص برای انتشار اخبار مهم جامعه بود؛ زیرا مقصود عمده‌ای که فاطمیان از سیاست خود در مصر داشتند، جلب نظر عامّه و توجه عمومی به سوی ایشان و ورود مردم در حوزه مذهب شیعه بود.^۲ بنابراین، خلفای فاطمی نهایت تلاش خود را در جهت نشر شیعه اسماعیلیه به کار می‌بستند و از اسم مذهب در راستای مقاصد سیاسی مشروع‌شان استفاده درستی نمودند. وقتی فاطمیان، مصر را فتح کردند، در مصر دو مسجد وجود داشت: یکی، جامع عمر در شهر فسطاط و دیگری، جامع ابن طولون که اوّلی در مرکز شهر و دوّمی در حومه آن قرار داشت. «جوهر، به زودی جامع الازهر را در قاهره، پایتخت تازه فاطمیان انتخاب کرد و در جامع عمر، در تاریخ ۱۹ شعبان ۳۵۸ هـ. ق پس از استیلا یافتن به فسطاط، چند روز بعد به نام المعز خطبه خوانده شد و ذکر نام المعز لدین الله در خطبه جمعه به جای نام خلیفه عبّاسی، یکی از حوادث مهم تاریخ بود.^۳ البتّه بنا به شواهد تاریخی، مبلغان و خطبا در مرحله نخست در خطبه‌هایشان به‌طور مستقیم نام المعز لدین الله را نبردند؛ فقط اوصاف علویان را بازگو می‌کردند؛ اما بعد از سه ماه (در ذی‌القعده ۳۵۸) خطیب، ابتدای خطبه را به نام اهل بیت خوانده است؛ ولی در رمضان ۳۵۹، جوهر دستور داد که به دیوارهای مسجد جامع عمر با

۱. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۶.

۲. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۷.

۳. همان.

مرکب سبز، شعار علویان را بنویسند. پس از آن، دعوت شیعه در جامع ابن طولون هم رسمیت یافت.

مسجد و جشن و نماز جمعه خلفای فاطمی

خلفای فاطمی تأکید داشتند که در سه جمعه آخر ماه رمضان برای اقامه نماز به مساجد حاکم، الازهر و عمرو بروند. خلیفه در این ماه یک جمعه استراحت می‌کرد. این روز را «جمعه الراحه» می‌نامیدند. صاحب بیت‌المال، صبح هر جمعه خودش بر مراسم آماده‌سازی مسجدی که قرار بود در آن نماز برگزار شود، نظارت می‌کرد. در این مراسم، مسجد را با حصیر و سایر گستردنی‌ها فرش می‌کردند. اندکی پیش از رسیدن خلیفه، قاضی القضاة با منقلی، منبر و قبه را بخور می‌داد.

خلیفه فاطمی سوار بر مرکب می‌شد و به راه می‌افتاد. زمانی که به مسجد می‌رسید، عده‌ای بر طبل می‌کوبیدند و صنج می‌زدند و قاریان با صدای نیکو قرآن می‌خواندند. خلیفه به محض اینکه به مسجد می‌رسید، به اتاق خطابه می‌رفت که برای او اختصاص یافته بود. به طور معمول، سرداران سپاه و بزرگان مورد اعتماد با گروهی از پاسداران نخبه خلیفه از او محافظت می‌کردند. پس از اینکه نماز به پایان می‌رسید، خلیفه لحظه‌ای استراحت می‌کرد، تا هبه‌ها را در میان خطبا، مؤذنان و ناظران اموال و سرپرستان کودکان بیت‌المال پخش کنند.

چنین موکب‌هایی به مناسبت عید فطر و قربان و حج نیز انجام می‌شد.^۱ یکی از ویژگی‌های ممتازی که در قرن چهارم و پنجم قابل ستایش بود و امروز در مساجد ما انجام نمی‌شود، اعلان مسائل مهم کشوری است که در مسجد به اطلاع مردم می‌رسید؛ اما امروز از رسانه‌های رسمی کشوری اعلان می‌گردد.

دعوت در جامع الازهر

«فاطمیان، جامع الازهر را مرکز نشر عقاید مذهبی خود قرار داده بودند و پیروان

^۱ . تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۱۸۷-۱۸۸.

ایشان در آنجا جمع می‌شدند و اولین نماز که در جامع الازهر خوانده شد، در هفتم رمضان سال ۳۶۱ هـ. ق بود.^۱ قبل از ورود خود خلیفه فاطمی - المعز لدین الله - در شهر مصر تبلیغات خیلی شدت نداشت؛ اما بعد از ورود خلیفه فاطمی، تبلیغات آنها شدت می‌گرفت. خلیفه فاطمی دستور داد که عبارات زیر را روی دیوارهای قدیمی مصر بنویسند:

«خیر النَّاس بعد رسول الله ﷺ امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام)؛ یعنی بهترین مردم بعد از رسول خدا ﷺ، امیر المؤمنین علی بن ابی طالب (علیه السلام) است.»^۲

خلفای فاطمی و مبلغان آنان، نه تنها به نشر و دعوت فضایل خودشان، بلکه به فضایل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) نیز توجه داشتند و کسانی که امام علی (علیه السلام) را یاری نکرده و به خاندان آل محمد (علیهم السلام) ستم روا داشته بودند، مورد طعن قرار می‌دادند؛ حتی آنها فضایل اهل بیت (علیهم السلام) را در تابلوها نقش نموده، به دیوار مساجد و ... ثبت می‌کردند. «خلفای فاطمی، فضایل امام علی (علیه السلام) و اولاد او را بعدها جزء نقش مسکوکات خود نموده و دیوارهای مساجد و معابد و شهرهایی که در تحت سلطه و تصرف آنها بود، آن فضایل را رسم و ثبت می‌کرده‌اند».^۳

روش دعوت اسماعیلیان

دعوت‌گران اسماعیلی، به روش‌های دیگری شهرت داشتند. آنها قبل از آموختن از مریدان خویش تعهد می‌گرفتند که سر آموخته شده را حفظ کنند و به کسی نگویند و در راه حفظ آن تمام رنج‌ها را تحمل نمایند. برای تعلیم دعوت در قصر خویش و مکتب‌ها و مسجدها، انجمن‌ها داشتند. کار دعوت به عهده «سر دعوت‌گر» بود که او را «داعی الدعوات» نیز می‌خواندند و همسنگ قاضی القضاات بود و گاهی هر دو منصب را به یک نفر می‌دادند.

داعی الدعوات، دوازده همکار به عنوان «نقیب» داشت که هر کدام چند نایب داشتند که پیوسته در سفر بودند و در ولایت‌های نزدیک و دور، مریدان و پیروان

۱. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۳۸.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. تاریخ خلفای فاطمی، ص ۱۴۰.

را تعلیم می‌دادند. ریاست دعوت به داعی الدعات محوّل بود که از مریدان، به‌طور مستقیم یا به وسیله نمایان پیمان می‌گرفت و بر مباحثات مذهبی که در انجمن‌ها انجام می‌گرفت، نظارت داشت و خلاصه آن را به تصویب و امضای خلیفه می‌رسانید. معروف‌ترین آنها، حنیفه «نعمان مغربی» و «هبه الله» شیرازی بودند.^۱ همچنین، برای زنان نیز انجمن‌هایی به نام «انجمن دعوت» وجود داشت که اصول مذهب را به آنها می‌آموختند.^۲

روش استفاده از مساجد (در قرن ۵۴هـ) راهکارها و ابزارهای توسعه فرهنگی

در آن زمان از روش‌های گوناگون با محوریت مساجد برای آگاهی مردم و نشر معارف الهی و رونق علم و دانش بهره می‌گرفتند؛ مجالس درس و املا و حلقه‌های علمی از جمله راه‌های توسعه فرهنگی در عصر عباسی بود که پیش از تأسیس مدارس، در مساجد برگزار می‌شد. ابوبکر بن انباری (۳۲۸ق) چندین مجلس املا داشت. حسن بن حمومه قاضی (۳۳۵ق) مجالس املائی خود را در استرآباد تشکیل می‌داد. غلام ثعلب، لغوی معروف، (۳۲۵ق) نیز صاحب امالی فراوانی است... ابونجار در سال ۳۴۸ هجری در گذشت. او دو حلقه در روزهای جمعه در جامع منصور داشت. یکی برای فتوا بود و دیگری برای املائی حدیث... فیروزآبادی قاضی در سال ۵۰۰ هجری با ابوالطیب در حلقه نقد در جامع منصور شرکت کرد.^۳

سیاست مذهبی سلاطین سلجوق و استفاده مثبت از مسجد

سلاطین حنفی مذهب سلجوق با زخم شمشیر و کشتار مخالفان و خوار کردن مذاهب دیگر، سیاست مذهبی خود را جامه عمل می‌پوشاندند.^۴ راوندی که خود حنفی مذهب است، سیاست پیشبرد مذهب حنفی را به زور شمشیر و به قیمت

۱. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۵۵۴.

۲. همان، ص ۵۵۵.

۳. تمدن اسلام در عصر عباسیان، ص ۳۲۸.

۴. دولت سلجوقیان، ص ۱۵۲.

کشتار پیروان دیگر مذاهب اسلامی، به دست سلاطین سلجوق تأیید می‌کرد؛ زیرا در نظر ایشان، این کار دارای تقدّس مذهبی بوده است.^۱ از پژوهش‌های تاریخی چنین استفاده می‌شود که سلسله سلجوقیان در راهبردهای جنگی خود در مقابل دشمنان، برای تقویّت روحیه خود و لشکریان‌شان از فضای روحانی و معنوی مسجد، همراه با نماز و دعا و مناجات بهره می‌جستند. آنها بنیان‌های ساختاری و تشکیلاتی‌شان را به سوی فضای معنویّت سوق داده و تقویّت می‌نمودند.

این سلسله در شرف مواجهه جبهه جنگ با کفار و معاندان اسلام، از مساجد و معابد برای دعا و مناجات با خدا در جهت رسیدن به مقصود، یعنی پیروزی بر دشمنان، کمک می‌جستند و شاهد این مدّعا جنگی است که ال‌ب ارسلان (سلجوقی) با قیصر روم آغاز کرد و در طیّ آن، دست به مناجات و دعا در معابد و مساجد به درگاه ایزد منان برداشتند: «وقتی که سلطان ال‌ب ارسلان از عناد و استبداد حاکم روم آگاه شد، به لشکریان و دلاوران جنگی گفت که اگر ما در جنگ سستی کنیم حتّی یک نفر هم زنده نخواهیم ماند و یا به اسارت محنت‌بار دشمن در خواهیم آمد؛ اکنون چاره‌ای جز صبر نیست؛ تا اراده قادر مختار به آنچه از خیر و شرّ مقدّر کرده، ظاهر گردد. لشکریان این کلمات را از سلطان شنیده، جواب دادند که: جان‌ها فدا کنیم و به قدر توان و امکانات سعی نماییم».^۲ آنگاه می‌گوید: سلطان به استظهار [پشتیبانی] تمام، روی به مخالفان نهاد و از جانبین [دو طرف] آواز کوس و ناقوس به اوج آسمان رسید و غبار معرکه به ایوان و کیوان متصاعد گشت که ارباب توحید در مساجد و معابد دست به دعای جیوش [ارتش] مسلمانان برآوردند.^۳

این شاهد تاریخی درباره حاکمان سلسله سلجوقی، بیانگر نقش ارزنده و کارکرد سیاسی مسجد در تقویّت روحیه سپاه اسلام و مستحکم نمودن باورهایشان است. ال‌ب ارسلان سلجوقی با تقویّت باورهای دینی مردم، از این ظرفیّت به نحو

۱. راجه الصدور، ص ۲۱۷، به نقل از: دولت سلجوقیان، ص ۱۵۲.

۲. تاریخ روضه الصفا، ص ۳۱۵۸.

۳. همان، ص ۳۱۵۶.

احسن، به نفع حکومت مقتدر خود، در برابر مسیحیان استفاده کرد.

تاریخ، دعا و مناجات الب ارسلان را برای پیروزی بر دشمن، چنین ذکر می‌نماید: «ای ربّ الارباب! و ای مسبّب الاسباب، این بنده گناهکار را به جزای ائمی [گناهی] که دارد، مؤاخذه مکن! و نظر و مرحمت و عنایت از این عبد ضعیف که متکفل عباد صالحین تو شده، باز مگیر و عنان این باد سموم را که متوجّه اولیای دین تو شده، به جانب اعدا منعطف مدار». ^۱ البتّه این نکته را باید یادآور شد که الب ارسلان این دعا را هنگامی می‌نماید که بادهای مهلک، هنگام آماده شدن سربازان برای جنگ با دشمن، به سوی لشکریانش وزیدن گرفته بود و بعد از این دعا است که نتیجه و اجابت آن را مشاهده کردند. بنابراین، روشن می‌شود که سلجوقیان در راه رسیدن به اهداف و راهبردهای کلان خود، به روش‌های گوناگون دینی و مذهبی از جمله با قرار گرفتن در فضای روحانی و معنوی مسجد، همراه با دعا و مناجات، از خداوند یاری می‌طلبیدند. چنان‌که در ادامه، صاحب روضه الصفا می‌نویسد: «و سلطان مناجاتی دور و دراز کرده و معاریف [بزرگان] لشکر به موافقت (همراهی) سلطان به گریه افتاد، در همان حال اثر اجابت دعا ظاهر گشت و آن (ریح) عاصف بر دشمنان دین در هبوب [وزیدن] آمد... و سلطان خود نیز حملات متواتر [پشت سرهم] کرد و صفوف لشکر روم به هم آمده، راه انهزام [شکست] پیش گرفتند». ^۲

در نتیجه این جنگ، قیصر روم اسیر گشت؛ اما بنابر تقاضا و تعهد بر اطاعت از سلطان ارسلان، قیصر روم آزاد گشت و دختر قیصر را الب ارسلان به عقد فرزندش درآورد. سپس، با احترام همراه با هدایایی، قیصر روم را رها کرد. ^۳ اکنون روشن گردید که سلاطین سلجوقی، از مسجد هم برای به قدرت رسیدن یا سرکوب مخالفان داخلی‌شان استفاد می‌کردند و از پیوند دادن مسجد و پایگاه نظامی، برای نیرو گرفتن سربازان و جنگجویان خود در مقابل دشمن بیرونی، یعنی کفار و مسیحیت بهره می‌جستند.

^۱ . همان، ص ۳۱۵۸.

^۲ . تاریخ روضه الصفا، ص ۳۱۵۹.

^۳ . همان، ص ۳۱۶۰.

« مسجد و پناهگاه

همچنین یکی از بارزترین و مؤثرترین محور کارکردی بازدارندگی مساجد در مورد مسائل سیاسی بود. مساجد بهترین پناه برای آنانی بود که از همه جا قطع امید کرده بودند و یگانه مأمن خویش را خانه خدا می‌یافتند و عامه مردم صدای مخالفت، اعتراض و انتقادشان به دستگاه حاکم و وضعیت سیاسی و اجتماعی موجود را با تحصن به گوش ستم‌پیشگان و ستم‌دیدگان می‌رساندند که گاهی نتایج مثبت و کارآیی خوبی هم در پی داشت. به عنوان نمونه، در این خصوص می‌توان به عکس‌العمل علمای اسلام در جهان اسلام و به‌ویژه در ایران در دوره مشروطه در مساجد اشاره کرد؛ در انقلاب اسلامی، برای مخالفت امری، علما و مردم در مساجد تحصن می‌کردند: «در ساعت ۱۹، ۱۰/۱/۱۳۵۷ حدود ۷۰۰ نفر از طبقات مختلف و اقلشار مذهبی به منظور اعتراض به حادثه روز ۱۳۵۷/۹/۲۴ کرمان که منجر به کشته شدن ۴ نفر گردید و همچنین آزادی ۴ نفر فرهنگیان این شهر - که در زندان به سر می‌برند و در حوادث و تظاهرات دستگیر شده بودند - در مسجد تحصن کردند و قصد دارند تا عصر روز ۱۳۵۷/۱۰/۲ به تحصن خود ادامه دهند»^۱.

کارکردهای سیاسی مساجد

سال‌های اول هجرت، زمانی که اولین مسجد ساخته شد، آن را پایگاه مسلمانان قرار دادند تا به آیندگان بفهمانند که دین و سیاستمان یکی است. دیوان، که دادگستری دولت آن موقع بود، مرکز مسجد بود. مسجد محلّ عبادت و مکان خاکسار شدن در برابر معبودی بود که به تازگی پیامبر آخرین را برای هدایت بشر فرستاد و کنیسه و کلیسا را به مسجد، مبدل ساخته بود. این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، پیام‌هایی را به ما قرن بیست‌ویکمی‌ها منتقل می‌سازد که به مدد آن، می‌توانیم در برابر خصم و مخالف عینیت سیاست و

۱. سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷، ۳۷۲، ص ۱۹۴، به نقل از مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۷۳.

دیانت در اسلام، احتجاج کنیم و در قرن معاصر برای نقش مسجد در ارتباط برقرار کردن میان دیوان و معبد استدلال آوریم؛ دورانی که تقابل فکری بین دو نظریه سکولاریزم (دین‌زدایی) و عینیت دین و سیاست، باعث چنددستگی میان امت اسلام گردیده است، بجاست که ما عینیت دین و سیاست را در جهان اشاعه دهیم. در دوره‌های مختلف مبارزات سیاسی مردم بر ضد حکومت‌های حاکم، از مساجد سازمان‌دهی می‌شد. اگر مساجد صحنه برخورد با دولت بود، نه به خاطر مذهب، بلکه بیشتر به دلیل مخالفت حکومت‌ها با اسلام اصیل و فرهنگ مسجدی بود. از این‌رو، توده مردم که با رهنمودهای علمای دین، از مسایل سیاسی آگاه می‌گشتند، از همین پایگاه، مخالفت‌های خود را با دستگاه‌های ستمگر زمان اعلان می‌کردند. حرکت‌های شیعی هم به طور معمول، از مساجد شکل می‌گرفت.^۱ ما به عنوان نمونه تاریخی به برخی قضایای گذشته اشاره می‌نماییم.

مسجد و جشن‌های عصر عباسیان

جشن‌ها و مراسم، اقداماتی بود که به مناسبت خروج خلیفه یا سلطان یا امیر یا والی در روزهای عید یا ایام حجّ برای بدرقه کاروان حاجیان و استقبال هیئت‌ها و دادن خلعت به وزرا و اعیان انجام می‌شد. کارهایی که در موکب خلیفه در عصر عباسی انجام می‌شد، از لحاظ زیبایی و شگفتی و ابهت و شکوه با آنچه در عصر امویان صورت می‌گرفت، تفاوت فاحشی داشت.

شاید موکب روزهای جمعه بیش از هر موکب دیگری تکرار می‌شد و گسترش داشت؛ زیرا خلیفه در میان همراهی محافظان خود به نماز جمعه می‌رفت. پرچمداران در پیشاپیش موکب حرکت می‌کردند و سپس امرای خاندان عباسی سوار بر اسب و پس از آنان خلیفه بود که بر اسب سفیدی از نژاد اصیل، نشسته و ارکان دولت پیرامون او را محافظت می‌کردند. رسم بر این بود که به هنگام نمازها در کنار دارالخلافة، طبل و شیپور می‌زدند.^۲

^۱ . همان، ص ۸۳.

^۲ . صله تاریخ الطبری، ج ۱۱، ص ۱۴۳، به نقل از تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۱۸۷.

اعتراض مردمی و خلفای عبّاسی

در زمان خلفای عبّاسی گاهی مالیاتی سنگین از مردم اخذ می‌شد؛ به طوری که گاهی به شورش مردم و تجمع در مساجد منجر می‌شد و دیوان‌ها را به آتش می‌کشیدند: «چون صمصام الدوله، پسر عضدالدوله، به سال ۳۷۵ ق (۹۸۵ م) تصمیم گرفت بر فرش جامه‌های ابریشمی و پنبه‌ای در بغداد، عوارضی بر اساس یک‌هشتادم دریافت کند، مردم در جامع منصور اجتماع کردند تا نماز را برهم زنند و شهر به سوی آشوب می‌رفت که حکومت از وصول آن مالیات گذشت».^۱ روشن است که محور تجمع و اعتراض علیه سیاست مالیاتی دولت آل بویه که زیر نظر خلفای عبّاسی بود، مردم مرکز تجمع و حرکت‌های سیاسی ضد حاکم وقت را «مسجد جامع منصور» در بغداد انتخاب کردند. این حوادث در آن برهه زمانی این نکته را می‌رساند که نقش مساجد در میان مردم علیه حاکمان همچنان زنده بوده است؛ به طوری که حتی با آن شورش‌ها خویش، دولت را به تسلیم خواسته‌های خویش وا می‌داشتند.

نمونه دیگر اینکه، در سال ۳۸۹ ق (۹۹۸ م) دوباره تصمیم گرفته شد که بر منسوجات ابریشمی و پنبه‌ای بغداد مالیات ببندند که مردم شوریدند و رو به مسجد جامع نهادند و جلو نماز و خطبه را گرفتند و برخی دیوان‌ها را آتش زدند. جمعی از مردم به تهمت دست‌داشتن در ماجرا گرفتار و مجازات شدند و کار چنین فیصله یافت که فقط از قیمت پارچه ابریشمی، مالیات به روش ده یک محاسبه گرفته شود.^۲

مثال دیگر اینکه، در عصر ما نیز مسجد تریبون سیاسی حرکت «اخوان المسلمین» بود. پس از کشته شدن حسن البنا، رهبر و مرشد عام اخوان، در نتیجه سخت‌گیری‌های زیاد و سنگ‌اندازی‌های حکومت، مرکز اجتماع اخوان المسلمین، جایی جز مسجد نبود. یکی از این مساجد، مسجد قاهره بود که

۱. سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷، ۳۷۲، ص ۱۹۴، به نقل از مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۲۲۷.

۲. تمدن اسلامی در عصر عبّاسیان، ص ۲۲۷.

اخوان قاهره، برای برپایی نماز جمعه در آنجا گردهم می‌آمدند.^۱ مسجد، به مثابه پایگاه‌های نیرومند انقلاب اسلامی و سنگرهای مستحکم مبارزه در آمدند و از طریق وفاق گروهی، در درون این مساجد، پایگاه‌های عظیم نظری و محلی بود که اقشار انقلابی ایران با مسؤولیت‌های دینی و تصمیم‌های انقلابی و تعاون اجتماعی آشنا شدند و خود را برای یک نبرد طولانی به منظور حاکمیت بر سرنوشت خویش آماده ساختند. امام امت از مساجد به عنوان «سنگر» یاد کردند و مرحوم آیت‌الله طالقانی می‌گفتند: «انقلاب ما از مسجد شروع شد و باید در مسجد ادامه پیدا کند. اسلام اصیل را باید در مساجد فراگرفت که نه کمونیسم است نه کاپیتالیسم؛ بلکه اسلام است... هیچ چیزی نمی‌تواند جای مسجد را بگیرد، نه کلیسا، نه دانشگاه، نه مدارس و نه پادگان‌ها. دنیا را باید از طریق مساجد نجات دهیم؛ البته نه مسجدی که فقط ختم قرآن و دعا باشد، بلکه مانند مسجد زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله دنیا را بلرزاند».^۲

ما و قتی تاریخ را بررسی می‌نماییم، در قرن چهار و پنج تنها جایی که برای حاکمان سیاسی مهم بود تا سیاست و راهبردشان را اعلان نمایند، مسجد بوده است. حاکمان اموی در اندلس هم با آن روش و رویه از مساجد سود بردند که در مطالب قبل، به برخی از نمونه‌های آن اشاره کردیم و ادامه هم به نمونه‌ای از آن اشاره می‌نماییم.

در دوره عبدالرحمن، در مساجد اندلس منصور عباسی را دعا می‌کردند. این موضوع نشان می‌دهد که در طول تاریخ اموی و عباسی، مردم استفاده سیاسی و قدرت و هیبت خلافت را از مساجد می‌شنیدند و از آنجا کارگزاران‌شان به تبلیغ خلفا می‌پرداختند. تنها زمانی عبدالرحمن دعای خاندان عباسی را از خطبه قطع کرد که پسر عمویش عبدالملک بن عمر مروانی تهدید کرد در صورت تداوم این مسئله، خودکشی خواهد کرد.^۳ بر این اساس، تا ابتدای قرن چهارم قمری، امرای اموی قرطبه از نشانه‌ها و القاب حکومت، به لقب امیر بسنده کردند. البته،

۱. همان، ص ۸۸.

۲. روز قهرمانان، ص ۷ و ۲۸.

۳. دولت امویان در اندلس، ص ۳۱۵.

دعاگویی برای خلفای عباسی در مساجد اندلس را قطع نمودند و با آنان اعلان دشمنی کردند؛ اما در مقابل لقب «ابناء الخلیف» را برای خود استفاده کردند.

مسجد و مدرسه

در روزگار گذشته، مدرسه‌ها در کنار مساجد بنا می‌شد؛ اما امروز چنین کارکردی کم‌رنگ شده است و بیشتر مدارس از مساجد جدا شده است؛ ولی در آن زمان (قرن ۵ و ۴) در هر مسجدی یک مدرسه تأسیس می‌شد. به عنوان مثال، «در قاهره در اثر تشویق خلفای فاطمی و حمایت آنان از علم و فرهنگ، چنان‌که خودشان در این جنبش مشارکت داشتند، نهضت فکری رونق گرفت. در مصر در هر مسجدی، یک مدرسه تأسیس شد و حلقه‌های علمی و مجالس مناظره، تدریس و تحقیق بر پا گردید... در قرن چهارم هجری بیش از ۱۱۰ مجلس علم و معرفت در قاهره شمارش و در تاریخ ثبت شده است.^۱

استفاده از مسجد با کارکرد منفی

شاید در ابتدا، بیان این مسئله که جلسات مذهبی مساجد، کارکرد منفی نیز دارد، کمی بعید به نظر آید؛ اما هنگامی که به بررسی اسناد و شواهد پردازیم، این مطلب را می‌پذیریم؛ یعنی در واقع، درک می‌شود که مساجد هم می‌توانند به پایگاهی برای تبلیغ و اشاعه نظرها، اهداف و عملکردهای ضد مردمی و غیرمذهبی رژیم‌های غیردینی تبدیل شوند و حتی ائمه جماعت آنان نیز مدیحه‌سرا و دعاگوی سرکردگان آن رژیم باشند.

بهترین سند و تابلوی مشهود در این زمینه را قرآن کریم در مقابل ما قرار داده است و به مسجد ضرار اشاره می‌کند: «گروهی دیگر از آنها (مشرکین)، کسانی هستند که مسجدی برای زیان (به مسلمانان) و (تقویت) کفر و تفرقه‌افکنی میان مؤمنان و کمین‌گاه برای کسی که از پیش، با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بود، ساختند. آنها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی (و خدمت) نظری نداشته‌اند، اما

۱. تمدن اسلامی در عصر عباسیان، ص ۳۱۹-۳۱۸.

خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگویند»^۱.
 در صدر اسلام، منافقان ظاهر الصّلاح پایگاهی به نام «مسجد ضرار» در مقابل مسجد رسول خدا ﷺ بنا نمودند. منافقان به خصوص و دشمنان اسلام، همگی در طول تاریخ سعی داشتند در لباس زهد و تقوا و با حربه «مذهب علیه مذهب» به اسلام ضربه وارد کنند. بر این اساس، درس بزرگ ماجرای مسجد ضرار برای مسلمانان این است که نباید ظاهربین باشند و به هر مسجدی که احداث می‌شود، اعتماد کنند؛ چون این نوع مساجد نه تنها مرکز اتحاد و ایمان نیستند، بلکه بذر تفرقه و کفر را در میان مسلمانان می‌کارند. از این‌رو، مؤمنان و مسلمانان باید همیشه آگاهانه حرکت کنند و توطئه‌های دشمنان اسلام را که در زیر لوای اسلام طرّاحی می‌شود، خنثی کنند.^۲

سیاست دنباله‌روی

از بررسی‌ها این نتیجه به دست می‌آید که سلاطین امور در اندلس، مانند عبدالرحمن، ساخت و ساز و تعمیر مساجد را با هدف سیاسی و تعقیب نمودن سیاست و رویه اسلافشان انجام می‌دادند. عبدالرحمن نقش تشویقی در توسعه و عمران داشته و خود در چندین طرح قرطبه شرکت داشته است و تصمیم گرفته بود که در کنار توسعه اقتصادی، سیاسی، نظامی سرزمین خود، توسعه عمرانی نیز داشته باشد تا دنباله‌روی عباسیان و فاطمیان در این عرصه باشد. چنان‌که ذکر شد، در عصر فاطمیان اهمیت و توجه به مساجد درخشش خاصی داشت؛ اما در مقابل، متأسفانه برخی از آنها حرکات منفی نیز داشتند که از مسجد در دعوت‌شان استفاده می‌نمودند؛ در همین زمان، برخی دعوت‌گران افراطی بودند که بر ضدّ نمایندگان قدیم برخاستند و معروف‌ترین آنها حمزه بن علی زوزنی و حسن بن حیدره فرغانی و محمد انوشکین بخاری درزی بودند. به سال ۴۰۸ هـ.ق، حمزه بن علی از خدای حاکم سخن گفت. وی کتابی نوشته

۱. توبه، آیه ۱۰۷.

۲. مسجد در آئینه قرآن و روایات، ص ۷.

بود که در آن گفته بود، روح خدای سبحان در آدم تجلی یافت، آنگاه به علی بن ابیطالب (علیه السلام) در آمد. روح امام علی (علیه السلام) به عزیز و پس از او به حاکم رسیده و حاکم، خداست که روح خدا در دمیده شده است. حمزه بن علی، بنیان‌گذار مذهب درزیان، است. درزیان دو گروه بودند: یکی روحانیان که روش‌شان این بود که اصول مذهب را نیک می‌دانستند و دیگری حسبمانیان که آنها نیز دو گروه می‌شدند: حسبمانیان خاصه و حسبمانیان عامه.

حسبمانیان خاصه کار جنگ و سالاری را بر عهده داشتند و حسبمانیان عامه، عوام بودند که از مذهب جز نام آن چیزی نمی‌دانستند. کسی نمی‌توانست از گروه حسبمانیان به گروه روحانیان برود، مگر آزمون‌های بسیاری بدهد و آشکار شود که می‌تواند اصول مذهب را درک کند و این اطمینان حاصل شود که در جمع درزیان، عضوی مفید و واقف بر مذهب و دین خواهد شد.^۱

هر نهضت، وقتی از اصول اولیه خود منحرف گشت، شکست آن قطعی است. این طبیعی است که هر حکومتی اگر از اصول اولیه خود پا فراتر نهاد، باید انتظار افول روزافزون خویش را داشته باشد؛ زیرا مردم و اجتماع انسانی به‌طور روشن انحراف آن را لمس نموده، برخلاف ایده و باورهای خود تحلیل می‌کنند و به آن پشت می‌نمایند. این امر، سبب سقوط و شکست آن قدرت حاکم می‌گردد. از این‌رو، یکی از علل شکست خلفای فاطمی را می‌توان انحراف از اصول اولیه دانست.

حمزه و دیگر دعوت‌گران درزی، مؤلفات بسیار دارند که برخی از آنها غوامض مذهبشان را روشن می‌کند. از این نکته معلوم می‌گردد که آنها، افراطیان اسماعیلیه بوده‌اند و مایه کارشان از اسماعیلیان دور نیست. بنای رسالت ایشان بر نظریه فلسفی است که از عقاید باطنیان و معتزلیان گرفته‌اند؛ زیرا فلسفه، که به پندار فاطمیان اساس شریعت بود، به تدریج جای قرآن و سنت را گرفت. از رسائل درزیان معلوم می‌شود که داعی الدعات صدوپنجاه و یک دست‌یار داشته که هر یک دعوت‌گر دیگر بوده‌اند و آنها به غیر از مؤذنان و خطیبان مسجدها

۱. تاریخ سیاسی اسلام، ج ۳، ص ۵۵۴.

بودند که مذهب را تبلیغ می‌کردند.

در عصر حاضر نیز چنین ترفندهایی از جانب رژیم‌های غیردینی، یعنی روش استفاده از دین و مذهب علیه خود آن استفاده شده و می‌شود. این دین‌مداران بیدارضمیر و دلسوز به اسلام و مذهب هستند که باید با روشن‌دلی این توطئه‌ها را با آگاهی کامل شناخته و در نطفه خفه نمایند. برای نمونه، در زمان رژیم پهلوی، آنها روحانیت درباری را به خدمت گرفته و در میان فعالان ضد رژیم به سطح مساجد و جامعه می‌فرستادند تا اخبار دست اول را به رژیم گزارش نمایند! با این عمل بزرگ‌ترین ضربه‌ها را به دین، دین‌داران و انقلابیون وارد می‌کردند و با استفاده از لباس و ظاهر دین، از طریق رخنه به درون گروه‌های مذهبی و مبارز مساجد، حيله و ترفندهای مودیان‌شان را محقق می‌کردند. می‌توان به یک نمونه از گزارش‌های ساواک و مأموران آنها استناد کرد:

«گزارش کلانتری انتظامی اصفهان در خصوص نماز جماعت و سخنرانی مذهبی در مسجد شاه توسط اسدالله مرشد و دعا برای سلامتی محمدرضا پهلوی و ...». البته حضور روحانیت درباری تنها در نهادی چون مسجد و منابر خلاصه نمی‌گردید، بلکه در نهادهایی چون سازمان‌ها، اداره‌ها، وزارتخانه‌ها و دستگاه‌های دولتی نیز مشغول بودند و به‌طور رسمی و عملی برای رژیم کار می‌کردند و به نوعی مخبر رژیم بودند.^۲

به‌طور کلی، در دنیای اسلام، به‌ویژه ایران بعد از پذیرش اسلام، این دین به عنوان آیین غالب مطرح شد و مسائل بر مبنای این مذهب شکل گرفت. بیشتر نهضت‌ها با مذهب آمیخته و عجین شد و بر اساس قاعده «نفی سبیل»، با رهبری نهضت روحانیت در دوران معاصر و کار بزرگ میرزا شیرازی، دست بیگانگان از کشور قطع شد و مذهب تشیع قدرتش را نشان داد؛ برخی از این قیام‌ها عبارت‌اند از: کار مرحوم کاشف الغطا در جریان ضد استعماری و وحدت‌خواهی امت مسلمان، نهضت جنگل و مانند آنها. پس می‌بینیم در این مملکت اکثر

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۴۷.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۱۴۷.

قریب به اتفاق قیام‌ها و نهضت‌ها رنگ و بوی دینی و اسلامی داشته است.^۱ حیات سیاسی در زمان رضاشاه به علت کنترل سخت و دیکتاتور مآبانه، محدود بود. تجربه پیوند ملت و مذهب دوباره در دوران نهضت ملی شدن نفت ثمر داد و پیروزی مصدق در پی پشتیبانی‌های مردم و آیت الله کاشانی رقم خورد. سپس در دوره دهه اول ۱۳۴۰ش، دسایس و ترفندهای اجانب به‌ویژه آمریکا در این کشور رخ داد و بار دیگر ایران را به سرزمین خیزش‌ها، بحران‌ها و حرکت‌های جمعی بر ضد شاه تبدیل کرد. در این زمان، یکی از فعال‌ترین پایگاه‌های انقلاب، تحریک، تهییج و حمایت مردم، مساجد بودند.^۲

شاهد بر این مطلب به‌طور کلی، اظهارات متفکران و نویسندگان خارجی است که به این مهم معترف بوده و به ضرورت و تناسب، در نوشته‌هایشان به اهمیت مسجد بر انقلاب اشاره کرده‌اند. از جمله، حامد الگار، نویسنده و منتقد بزرگ، می‌گوید: «مسجد، هسته سیاسی تشکلات ایران بود. شاید این هم یکی از دیگر نکاتی است که در مجموعه نتیجه‌گیری‌های خود می‌بایست بدان می‌پرداختم. یکی از عناصر مهم در پیروزی انقلاب، احیاء مجدد مسجد و تمام ابعاد عملکردی آن بود. نقش مسجد، دیگر گوشه عزلت و گریزگاهی از جامعه نبود که مردم برای دوری جستن از دنیا، گرفتن وضو، انجام عبادات یا گوش دادن به صوت قرآن به آن پناه می‌بردند، بلکه برعکس، مسجد به یک کانون مبارزه و مرکز فرمان‌دهی تبدیل گردید. به‌طور خلاصه، مسجد همه آن چیزی شد که در عصر پیامبر بود».^۳

درباره انقلاب اسلامی ایران، مساجد و جلسات مذهبی دارای کارکردهای مختلفی بوده‌اند. از جمله عناصر و مؤلفه‌های قابل بررسی، علل و پیش‌زمینه‌های پیدایش و شکل‌گیری انقلاب در سال‌های ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۳ش بوده است؛ به‌طوری که هر کدام از این عناصر و علل، بهترین عامل برای آغاز یک حرکت و خروش بودند؛ اما آن عنصری که باعث شد این عوامل پیش‌زمینه‌ای برای وقوع پدیده انقلاب

۱. تلخیص مصاحبه: روح‌الله حسینیان، ۷۸/۱۱/۱۹ به نقل از: مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۶.

۳. حامد الگاری، دین و دولت در ایران، ص ۱۵۴، به نقل از: مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۷.

در سال ۵۷ شوند، پیوستگی، هم‌سویی و مهم‌تر از همه، انسجامی بود که به‌طور مرئی و نامرئی در بین این پدیده‌ها به وجود آمده بود. در جریان مخالفت امام خمینی ره با مسئله کاپیتولاسیون در آبان ۴۳، پایگاه‌های مهم مذهبی و مهم‌ترین آنها مساجد، حرکت‌های توفنده، روشنگرانه و در عین حال افشاگرانه‌ای را بر ضد رژیم شاه سازمان‌دهی و آغاز کردند. در نتیجه، خروش امام خمینی ره و همیاری علما و هم‌صدایی و عَظ در مساجد با این اقدام امام و از طرفی پیوند و هماهنگی توده مردم با پاسداران حریم دین، ره‌آوردی جز پیروزی انقلاب به دنبال نداشت. در واقع، مساجد با سازمان‌دهی مردمی و بسیج عمومی از آغازین روزهای مرحله پیروزی به صورت یک مجموعه کارآ و مؤثر با حفظ عناصر کارکردی و ایفای نقش‌های گوناگون، خواب خوش را از سر کاخ‌نشینان بردند و آنها را به سقوط و فرود واداشتند.

از سال ۴۲ ش، یعنی بعد از مبارزه‌خواهی امام خمینی ره علیه شاه مساجد، شاهد اوج مبارزات علیه شاه بودند. در ۱۵ خرداد آن سال و محرّم آن، تظاهرات دانشجویان نیز از مسجد هدایت تا مدرسه حاج ابوالفتح را شاهدیم.^۱

همچنین، جشن‌های ۲۵۰۰ ساله رژیم شاه، یکی از وقایع مهمی بود که نه تنها در تحریک احساسات ضد شاهنشاهی مردم و انقلابی‌ها مؤثر بود، بلکه خود به عنوان نقطه عطفی در شروع و درگیری مبارزات مسجد و مسجدی‌ها شد. ائمه جماعت مساجد، مخالفان و مبارزان علیه رژیم در این مقطع زمانی (۱۳۵۰ ش) فرصتی دیگر یافتند که علم مخالفت را بار دیگر برافرازند.^۲

بنابراین، مسجد یکی از نهادهایی است که کارکردهای متنوع دارد: مساجد به عنوان مراکز و پایگاه‌هایی برای تحریک و ترغیب مردم مسلمان به همکاری، همیاری، همبستگی و مساعدت عمل می‌کنند. مساجد در محله‌ها وظیفه راهبردی و راهبری مردم را در امور اجتماعی به عهده می‌گیرند و هر گاه مشکلی اجتماعی پیش آید، در رفع آن پیشقدم بوده‌اند.

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۵۳.

۲. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۴۷.

یکی از مؤثرترین فعالیت‌های مساجد و به‌طور کلی، نهادهای دینی ایجاد انگیزه دوستی، همبستگی و تعاون بین افراد جامعه است؛ زیرا حضور مستمر افراد در مسجد و صفوف جماعت، احساس درونی خوبی را نسبت به یگدیگر در آنها ایجاد می‌کند و همین امر در درازمدت، حس تعاون را در افراد جامعه تقویت می‌کند. جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از جمله «درسلر» معتقد است که از جمله کارکردهای دین «کند کردن تغییرات اجتماعی»، «کمک به جامعه‌پذیری» (جامعه‌پذیری، هم‌نوایی فرد با هنجارهای گروهی است)، «ایجاد پیوند، انسجام، همبستگی گروهی»، «احساس تعلق و یکی بودن با دیگران» افراد جامعه است.^۱

سیاست آل‌بویه و استفاده از جایگاه مسجد

به نظر می‌رسد که با توجه به شواهد تاریخی، خلفای عباسی بسیاری از کارها را که در مساجد در خطبه‌های نماز جایز نمی‌شمردند؛ به خاطر حفظ موقعیت‌شان و در زمانی که بیم از دست دادن مقام و موقعیت خود را احساس می‌نمودند، به راحتی خیلی آن موارد را که برخلاف اعتقادشان بود، جایز می‌شمردند و به آن مبادرت می‌نمودند. اکنون برخی از نمونه‌های آن را که در تاریخ ذکر گردیده، پی می‌گیریم.

در سال ۳۳۲ هجری محمدبن یاقوت، رئیس حاجیان و فرمانده سپاه، از طرف خلیفه که قدرت زیادی به دست آورده بود، موافقت خطبای بغداد را به دست آورد تا او را دعا کنند و بعد از نام خلیفه، نام او را ذکر نمایند. برخی خطبا در روز جمعه از مسجد جامع بغداد به او دعا کردند؛ خلیفه راضی، آن را کار زشت شمرد و خطیبانی را که به نام او دعا کرده بودند، برکنار کرد و کسانی دیگر را به جای آنها گماشت.^۲

بر اثر فشارهای سیاسی بر خلفای عباسی، آنها راضی و موافق می‌شوند که به نام امرای آل‌بویه در مساجد به نام آنها خطبه خوانده شود؛ این در حالی است

۱. همان، ص ۷۰.

۲. رسوم دارالخلافه، ص ۱۳۳؛ آل‌بویه و اوضاع زمان، ص ۲۳۵.

که قبل از این درباره فرمانده و رئیس حاجیان چنین عملی را زشت شمرده بودند!

با اینکه قبل از امرای آل بویه، رسم نبود که جز خلیفه، نام کسی را در منابر روز جمعه ببرند، اما زمان وقایع ۳۲۴ گفته شد که الراضی خلیفه، با اکراه، دیلمی که عنوان امیر الامرای و تدبیر مملکت را به عهده او گذاشت، دستور داد در همه منابر به نام او خطبه بخوانند.^۱

عضدالدوله وقتی وارد بغداد شد، هارون بن المطلب خطیب در مسجد جامع رصافه (از محله‌های بزرگ بغداد) در خطبه‌ای که ایراد کرد، نام او را ذکر نمود،^۲ عضدالدوله چون از این امر آگاه شد، به خلیفه نوشت و از او خواست که نامش در خطبه ذکر شود، خلیفه هم پذیرفت و این امر تا زمان‌های بعد جریان یافت.

نقش حسینیه‌ها و مساجد در وحدت دین و سیاست

از همان سال اول هجرت که اولین مسجد ساخته شد، پیوند بین دین و سیاست به نمایش گذاشته شد. این همزیستی و وحدت بین دستگاه حکومت و دستگاه عبادت، برای ما نسل‌های این عصر پیام‌هایی دارد و آن، عینیت دیانت و سیاست است. ساختار فکری قرون اول نیز همین بود. همان‌گونه که در اوایل امر، دارالخلافت و دارالقضا نیز در مسجد بود. مردم برای مهم‌ترین ارکان زندگی اجتماعی‌شان، یعنی قضا و اجراء به مسجد پناه می‌بردند؛ مسجدی که هم پنج وقت نماز در آن بر پا می‌شد و هم مأمن آرامش و نظم اجتماعی‌شان بود. در ادوار تاریخ، این اعتقاد و مینا، با تلاش بنی‌امیه و بنی‌عباس دگرگون شد و دارالخلافت از مسجد جدا شد؛ ولی این فکر که مسجد جایگاه حل و فصل بسیاری از مسائل زندگی مردم است، در اذهان بود و در مسجد جست‌وجو می‌شد. تحولات عصر قرن ۲۱ میلادی را باید از قرن جلوتر، یعنی از دوران اندیشه مشروطه‌خواهی تا به حال بررسی نمود و در چهار مرحله - در ایران - دسته‌بندی

۱. ر.ک: تجارب الامم، ج ۵، ص ۳۵۱.

۲. رسوم دارالخلافت، ص ۳۴.

نمود: از زمان مشروطه تا سال ۱۳۴۲، از ۱۳۴۲ تا ۱۳۷۵، از ۱۳۷۵ تا ۱۳۶۷ و از ۱۳۶۷ تا زمان حاضر. این تقسیم‌بندی به اعتبار پدید آمدن وقایع است و مطلق نیست.

۱- در تاریخ مشروطه‌خواهی می‌توان وقایع متعددی را نام برد که برجستگی نقش مسجد را در وقایع سیاسی آن روز نشان می‌کند. طبق شواهد متعدد تاریخی می‌توان گفت سررشته مشروطه‌خواهی، از مسجد بوده است.

۲- همچنین، در سال‌های ۱۳۴۲ به بعد تا ۱۳۷۵ مسجد در این دوران به عنوان یک پایگاه اساسی حرکت‌های اجتماعی علیه ستم‌شاهی حیات نوینی یافت. قشر روحانیت با نفوذی که در مساجد داشتند، اقشار مختلف را در جریان مسائل روز قرار می‌دادند. به‌ویژه، بعد از تبعید امام از ایران به خارج از کشور، مردم اخبار آن رهبر فرزانه‌شان را از طریق مسجد جویا می‌شدند. به اعتراف تاریخ، مساجد در این زمان وظیفه خویش را به‌خوبی انجام دادند. در این دوران بود که فعالیت سیاسی و نبض آن به دست کسانی در میان توده مردم بود که در آن مسجد را اداره می‌کردند و نماز می‌خواندند؛ یعنی هم روحانی مسجد و هم نمازگزاران آن، نقش داشتند.

۳- از سال ۱۳۷۵ به بعد بود که سال‌های سرنوشت‌ساز، برای حرکت نهادینه شدن حکومت اسلامی در جامعه ایران شروع شد و حساسیت‌های سیاسی و اجتماعی ویژه‌ای را به دنبال داشت.

مسجد و ترور، عصر خلافت‌المستظهر بالله احمد پسر المقتدی بالله (۴۸۷-۵۱۲)

از بررسی‌ها، در گذر تاریخ زندگی سیاسی برخی خلفا، چنین برداشت می‌شود که خلفا خودشان در مساجد حضور پیدا می‌کردند و با برخی از عامه مردم، روابط مستقیم داشته‌اند و به مشکلات آنها گوش می‌دادند. برخلاف روزگاران ما که روابط بین مردم و حاکمان به‌طور مستقیم یا وجود ندارد یا محدود است. در تاریخ می‌نویسند: «در سال ۵۰۹، در ماه محرّم، مودود، صاحب موصل، به جنگ با بلاد فرنگ پرداخت. وی پس از شکست فرنگ‌ها، مدّتی در نزد طغن

کین صاحب دمشق سکنی گزید. روزی به مسجد جامع رفت تا نماز بخواند؛ مردی باطنی در ظاهری که گویی او را دعا می‌کند و از او صدقه می‌خواهد، نزدیک وی شد و چهار ضربه کارد بر او وارد ساخت. مودود در همان روز جان سپرد؛ باطنی، در حالی کشته شد که هیچ کسی او را نمی‌شناخت. سرش را بردند و پیکرش را آتش زدند»^۱.

امروز، نیز ما شاهد ترورها و قتل و کشتار مسلمانان توسط عده‌ای محدودی از مسلمانان افراطی هستیم. آنها با جمود فکری عمیق خود، برای به دست آوردن قدرت و نا امن کردن بلاد مسلمانان، دست به جنایات وحشتناک می‌زنند. این افراد پلید، نه تنها فرد، بلکه جمعیت‌های عظیم مسلمانان و نمازگزاران را در آتش خشم جهالت یا تعصب کورشان می‌سوزانند و خانواده‌های بسیاری از مسلمانان را داغدار می‌کنند!

^۱ . برای مطالعه بیشتر رک: ابن ابی‌العبری، مختصر تاریخ دول، ص ۲۷۷ - ۲۷۸.

« مسجد، پناهگاه حاکمان

بدون شک، مسجد به عنوان کانون امن در بسیاری از شرایط نامساعد سیاسی و اجتماعی که در جوامع اسلامی پدیدار می‌گردد، پناهگاه مردم بی‌دفاع بوده است و در این عصر نیز این کارکرد باقی است. همچنین، مساجد برای حاکمان و امرای اسلامی، نیز در شرایط بحران اجتماعی و سیاسی، پناهگاه بوده است. چنان‌که جوینی به یک نمونه از آن را در کتاب تاریخ خویش ذکر می‌نماید: «در زمان حاکم، ابوعلی منصور، طبعش ظلم و حیف و میل بود که بر اهل مصر به نهایت رسانید. فساد زیادی در مصر روا داشت تا جایی که مردم مصر حوصله‌شان سر آمد و علیه حاکم شوریدند و حاکم و در باریانش به مسجد جامع پناهنده گردیدند و قرآن‌ها بر سر چوب کردند که اگر ظلم و ستم بدون اجازه تو انجام می‌گردد، پس به ما اذن بدهید که مفسدان را از این فساد جلوگیری نماییم و مردم با نظامیان هم‌دست شده و وضع را بدتر کردند...»^۱

سفر ملک‌شاه به بغداد

«در رمضان ۴۸۴ هـ. ق (۱۰۹۱ م)، بار دیگر سلطان ملک‌شاه به بغداد رفت. برادرش، تُتُش در این زمان، حکومت دمشق را به عهده داشت... در این سال، سلطان فرمود تا در بغداد مسجد جامع بنا کنند و دستور وی اجرا گردید»^۲.
خواجه نظام الملک، وزیر الب ارسلان، به کاردانی و کفایت، شهرتی تمام داشت. در احوالات او نقل می‌کنند که او قبل از رسیدن به وزارت، وضع زندگی خوبی نداشت و حیران بود که چه کند و مایحتاج از کجا به دست آورد. در یکی از سفرها، الب ارسلان وزیر سابق خود، عبدالملک وزیر، را گفت: می‌خواهم یکی از کاتبان را با خود به قصر ببرم و خواجه نظام الملک برای کتابت انتخاب شد. خواجه نظام الملک، قبل از وزارت در اثنای اندیشه امرار معاش، وضو ساخت و به مسجدی که نزدیک خانه وی بود، رفت و دست به سوی آسمان دراز کرده، به

۱. تاریخ جهانگشای جوینی، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۶.

۲. تاریخ روضه الصفا، ص ۳۱۹۳.

عرض نیاز به درگاه بی‌نیاز مشغول گشت؛ ناگاه نابینایی در را مسجد باز کرد و وارد شد و گفت: در این مسجد کیست؟ خواجه جواب نداد؛ نابینا با عصا به گرد مسجد گشت و شرط احتیاط به جا آورد و چون کسی را نیافت، پیش محراب مسجد رفت و زمین بکاوید و کوزه‌ای پر از زر مسکوک بیرون آورد؛ بعد از چند لحظه بازی کردن با آن، همه را دوباره زیر خاک در جایش دفن کرد و بیرون رفت. خواجه، با فراغت بال، زرها را در آورده، با خوشحالی آماده سفر گردید و در خدمت سلطان روان شد و در اندک فرصتی مرتبه وزارت رسید؛ اما بعد از مدتی در عین شوکت و جلال و قدرتش، روزی از روزها همان نابینا را در بازار دید و با خود به خانه برد و همان زرها را با هدایای دیگر به او برگردانید.^۱

از این قضیه تاریخی بر می‌آید که برخی از حاکمان و عاملان دستگاه سلجوقیان، در عین شوکت و قدرت و قرار داشتن در جایگاه بالایی مقام سیاسی و اجتماعی، به مساجد آمده، با خواندن نماز حاجت و دعا در پی حل برخی مشکلاتشان بر می‌آمدند.

^۱ . تاریخ روضه الصفا، ص ۳۱۹۳.

« نقش مهاجرت بازرگانان و تاجران در ایجاد مساجد در جهان

از بررسی‌ها این نتیجه به دست می‌آید که در گسترش اسلام، توأم با مساجد در جهان، علاوه بر هیئت‌های مذهبی و مبلغان اسلام، بازرگانان نیز نقش داشتند. آنها با مهاجرت از کشورهای اسلامی به بلاد غیرمسلمان، نقش بزرگی داشته‌اند و تأثیرگذاری آنان قابل انکار نیست. نویسنده «تمدن اسلامی در اسپانیا» در این زمینه می‌گوید: «با اطلاعات و معلوماتی که تا کنون در اختیار داریم، مشکل بتوان جریان گسترش آیین محمدی و جریان گسترش زبان عربی را در شبه جزیره ایبریا از یک دیگر تفکیک کرد؛ در عوض بررسی‌هایمان به جایی رسیده است که می‌توانیم چگونگی گسترش آن دو جریان را به تصویر در آوریم؛ می‌دانیم که دین اسلام در حال حاضر، نه به ضرب شمشیر و نه حتی به وسیله مبلغان و هیئت‌های مذهبی، بلکه در شیار نفوذ بازرگانان گسترش می‌یابد»^۱. در ادامه، نویسنده فوق می‌افزاید: «در قرون وسطی نیز به احتمال قوی، وضع بر همین منوال بوده است. البته، این نوع گسترش تجاری، مانع همیاری رسولان و داعیان مؤمن و معتقدی نمی‌شود که با شخصیت نیرومند خود، اعتبار و وزن عقاید نیروزای خود را دو چندان می‌ساختند. در قرن نهم، بعضی آیین‌های کم و بیش مخالف - مانند آیین مالکی یا تعالیم باطنی فرقه‌ای فاطمی‌ها - به وسیله شخصیت‌هایی که از شرق فرا می‌رسیدند، آشکارا یا پنهانی در شبه جزیره اشاعه می‌یافت»^۲.

انتشار مدنیت عربی - اسلامی تابع عامل‌های گوناگون بود. اعتقادات مذهبی بازرگانان، روابط و مناسبات بین روشنفکران، انتشار کتاب‌ها و رساله‌ها، دعوت رسولان و داعیان، حیثیت و درخشندگی افکار تازه برخی از این عوامل هستند. گفته می‌شود که شبه جزیره ایبریا به وسیله یک سپاه عربی به اشغال در آمده است. این سپاه به ظاهر از شرق حرکت کرده، پس از گذشتن از تنگه جبل الطارق... نخستین موج عربیت را به جریان انداخت و ابتدا همین مناطق را

۱. هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ص ۲۹۰.

۲. هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، ص ۲۹۰.

پوشش داد.^۱

سلطان محمود در اواخر سال ۴۰۴ هـ.ق، در صدد فتح نندنه، یکی از قلاع هندوستان که بر سر راه کشمیر واقع بود، بر آمد. او بعد از محاصره آن قلعه، آنها را وادار به تسلیم نمود و در اوایل سال ۴۰۵ وارد کشمیر شد. وی قلاع و استحکامات آنجا را نیز فتح نمود و به جای بتخانه‌هایشان، مساجد و منابر برپا ساخت و برای آموختن قوانین اسلام، چند تن از علما را به نقاط مختلف هندوستان فرستاد و خود به غزنین برگشت.^۲

آثار و پیامدهای فتوحات غزنویان به هندوستان

تبدیل بت‌خانه‌ها به مساجد و اشاعه فرهنگ و گسترش قدرت سرزمینی اسلام

سلطان محمود و بسیاری از سلسله غزنویان بنا به شواهد متعدّد تاریخی، افزون بر نقش توسعه اسلام در شبه قاره هندوستان، با ساختن مساجد و فرستادن علما، برای تبلیغ و نشر احکام و معارف دین اسلام نیز نقش بسزایی داشته‌اند و از این طریق هم به دین اسلام خدمت کرده‌اند و هم روابط و یکپارچگی تحت قلمرو قدرت سیاسی خویش را به نیکوترین و مؤثرترین روش بهبود بخشیدند؛ حتی در خود غزنین مساجد جامع بزرگی را بنا کرده و یا توسعه داده‌اند. چنان که شواهد تاریخی گویای این مطلب است:

«سلطان محمود بعد از فتوحات خود، در سال ۴۰۹ به غزنین باز گشت. به دلیل این که جمعیت غزنین زیاد شده بود و مسجد شهر کوچک به نظر می‌آمد، وی در صدد ساخت مسجد جامع بزرگتری برآمد. به دستور سلطان از ممالک اطراف، با کمک معماران خاص، سنگ‌های مرمر گرانبها را در آن مسجد تعبیه کردند. شکوه و جلال این مسجد، عظمت و اشتهار جامع دمشق را از میان برد. می‌گویند در روزهای جمعه و اعیاد، سه هزار غلام جهت ادای فریضه در آنجا حاضر می‌شدند

۱. همان، ص ۲۹۹-۳۰۰.

۲. تاریخ دیلمان، ص ۲۴۹-۲۴۶.

و هر یک در جای مخصوص خود مشغول به عبادت می‌گردیدند»^۱.

به‌طور کلی، از پژوهش درباره سلسله‌گزنویان، این نتیجه به دست می‌آید که آنان به ساخت و ساز مساجد و کتابخانه و آموزش و تعلیم و تربیت توجه خاصی داشتند و ساختن مساجد جامع را نماد و مظهر قدرت و شکوه و اقتدارشان می‌دانستند و خود امرا که برجسته‌ترین آنها سلطان محمود غزنوی است، به دستور ایشان مسجد جامع بزرگ در شهر غزنین ساخته شد و دری هم به طرف سرای وی برای رفت‌وآمد شخصی او در نظر گرفته شد.

چنان‌که برخی می‌نویسند: «در جوار این مسجد (مسجد جامع غزنین)، مدرسه عظیم با کتابخانه‌ای حاوی کتب و تصانیف در علوم مختلف و حدیث و فقه بنا نهادند و فقها و طلاب از اقصی نقاط متصرفات غزنویان، برای تعلیم و تعلم در آنجا حاضر می‌شدند و سلطان محمود برای آسایش و رفاه حال طلبه موقوفه‌ای در آن مدرسه معین کرد که از آن محلّ موجب هر یک از طلاب را در آغاز ماه می‌پرداختند. می‌گویند برای آنکه سلطان هر وقت بخواهد به سهولت وارد مسجد شود، راه مخصوصی از مسجد به سرای وی تعبیه کردند»^۲.

۱. تاریخ دیلمان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

۲. تاریخ دیالمه و غزنویان، ص ۲۶۲-۲۶۳.

« انقلاب ایران و احیاء مجدد کارکرد مثبت مساجد

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز پس از رسیدن به پیروزی بر اساس تفکر اعتقادی و عبادی مسجد، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین کارکرد مساجد در محور سیاست بوده است. البته بسیاری از عملکردهای مساجد، به امور اعتقادی، اجتماعی، تبلیغی و حتی هنری نیز مربوط می‌شد؛ اما نمادی‌ترین نقش‌ها در طول انقلاب اسلامی در جهت مبارزه سیاسی بوده و شامل کارکرد سیاسی مسجد بوده است.

ممانعت از تجمع‌های سیاسی

پس از واقعه ۱۵ خرداد، همان‌گونه که در مطالب قبل هم اشاره شد، نیروهای امنیتی و انتظامی نظارت خود را بر مساجد و جلسات مذهبی افزایش دادند و با کنترل شدید آنها و نیز دستگیری عوامل فعال، در واقع از انجام هرگونه عمل انقلابی جلوگیری می‌شد. همه مجالس مذهبی قبل از انقلاب به‌طور مستقیم و غیرمستقیم تحت کنترل و نظارت رژیم و مأموران زبده ساواک بود که بهترین، موثقترین و مفیدترین اطلاعات را در کم‌ترین زمان ممکن به دست می‌آوردند و به سازمان خود منتقل می‌کردند و گزارش‌ها، در اسرع وقت به هسته سازمان ساواک ارسال می‌شد؛ مانند: گزارش ساواک درباره سخنان انتقادآمیز غلامحسین شیرازی، محمدتقی فلسفی، حجازی و شجاعی در مساجد و منابر بر ضد رژیم... و تقدیر از امام خمینی رضی الله عنه... و تأکید بر مبارزه با رژیم پهلوی و محکوم کردن نفوذ اسرائیل و بهائیان در کشور.^۱

از جمله عملکردهای سیاسی ائمه جماعات مساجد و علماء، پس از ۱۵ خرداد، ارسال تلگرام‌هایی است که به محضر رهبری انقلاب مخابره می‌شد... در دیگر شهرستان‌ها نیز به مناسبت‌های مختلف، اجتماعات سیاسی در مساجد برگزار و باعث تحریک مردم به مبارزه با رژیم و آگاهی آنها از وضع اجتماعی می‌شد. نمونه‌ای از این تجمعات را در مسجد جامع کرج، در روز عید فطر سال ۵۶ و نیز

^۱ . مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند ساواک به شماره بازبایی ۱۱۲-۲۰، کد ۲۴۰۲۴/۱۲۰۲، مورخه ۱۶/۳/۴۲.

مسجد قبا در تهران، می‌توان نام برد که از عمده‌ترین، مؤثرترین پایگاه‌های انقلاب در تهران بود.^۱

از جمله فعالیت‌های سیاسی مساجد و علما و روحانیان، موضع‌گیری‌های آنان در مقابل مسائل برون‌مرزی اسلامی بود. از بارزترین آنها، مقابله با صهیونیست غاصب و توسعه‌طلبی‌های آن بود. در آن زمان که رژیم پهلوی از حامیان رژیم اسرائیل بود و بدیهی است که عاملان آن رژیم و ساواک نسبت به این قضیه حساس باشند و با هر روحانی و روشنفکری که به طریقی در مقابل اسرائیل می‌ایستاد، مقابله کنند؛ تا آنجایی که رژیم، علنی به خطبا، روحانیان و ... ابلغ می‌کند که نباید در منابر به اسرائیل بد بگویند و به هیچ‌وجه نباید سخنی علیه اسرائیل بگویند؛ ولی خطبا و علما هیچ‌گاه از آگاهی‌دهی به مردم در مساجد و منابر ساکت نماندند!^۲

۱. مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۶- ۸۷.

۲. همان، ص ۹۴.

« نقش و جایگاه مسجد در دنیای توسعه یافته

در جوامع مسلمان، مسجد در واقع، قلب تپنده حیات اسلام، دارای جایگاه ویژه و اثرگذار و کانون و محور فعالیت‌های جامعه اسلامی است. آنچه اکنون به عنوان «معبد» در دیگر ادیان مطرح است، ارتباطی عمیق و ریشه‌دار با جامعه و مسائل اجتماعی ندارد؛ اما مسجد در ارتباط با مسائل اساسی و بنیادین جامعه، نهادی مؤثر و دارای جایگاه ارزشمندی است.

مسجد، هر چند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. از آنجا که مساجد در خط‌دهی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نقش غیرقابل انکاری دارند، ضروریست که در فرآیند «توسعه» و «جهانی شدن» نقش مساجد و بایسته‌های آن در کشور اسلامی به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

در شرایط کنونی «توسعه و جهانی شدن» و عصر انفجار اطلاعات، دیگر نمی‌توان در مساجد فقط به تلاوت آیات کریم و نقل روایتی از معصومان (علیهم‌السلام)، توصیه‌های خلاق و مشکلات مسجد و یا اهل محله بسنده کرد و بهره‌وری مساجد را به این حد، محدود و متوقف ساخت.

مساجد، باید بتوانند با رویکرد و رهیافتی جدید و هدفمند، نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن، اهداف، خوبی‌ها و معایب آن آشنا کنند و مسجدی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر در جهان کنونی به «حکومت جهانی و دولت کریمه» بیندیشند.^۱

در واقع، در فرآیند «جهانی شدن» در بعد فرهنگی، سعی بر این است که فرهنگ جهانی را به جای فرهنگ‌های سنتی، ملی و محلی اشاعه دهند. در این راستا هویت‌های فرهنگی که دین یکی از عناصر اساسی آن در هر جامعه است، مورد تعرض قرار می‌گیرد. این تعرض با اشاعه سکولاریزم به عنوان یکی از مؤلفه‌های فرهنگ جهانی صورت می‌گیرد و نوعی فشار برای استحاله مذهب به عنوان جزئی از فرآیند سقوط سنت اعمال می‌گردد.

۱. فروغ مسجد، ج ۵، ص ۵۵۴.

بر همین اساس، بیشترین مقاومت در مقابل جهانی شدن از سوی مذاهب بزرگ شرق، مانند اسلام، هندوئیسم و آیین کنفوسیوس صورت گرفته است؛ پیروان این مذاهب، جهانی شدن را یک پروژه غربی برای جهانی سازی سکولاریزم غربی در نظر می گیرند.

از آنجایی که اسلام کانون انس و الفت مسلمانان و عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است، جایگاه اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را در موضوع «توسعه و جهانی شدن» نمی توان نادیده گرفت.^۱

مسجد همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین کننده سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در جامعه کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت ها نیز بوده است. امروز، مساجد باید آماده باشند تا بیش از آنچه تاکنون بوده اند، در سطح جهانی و شرایط جدید توسعه و جهانی شدن، حضور بسیار گسترده تر، قوی تر و تعیین کننده تری داشته باشند. در شرایط جدید نگرش به جهان، مسئولان و متولیان مساجد، دیگر نباید محله ای، شهری و حتی کشوری بیندیشند؛ چه اینکه آموزه های دینی ما هم مبتنی بر توسعه همه جانبه مسلمانان و جهانی اندیشی است.^۲

بی دلیل نیست که مارسل بوازار اسلام شناس سوئیسی، درباره نقش نیرومند مسجد در فرهنگ، اقتصاد، سیاست و وحدت مسلمانان چنین می نویسد: «مسجد، عامل نیرومندی در همبستگی و اتحاد مسلمانان جهان است و اهمیت اجتماعی و فرهنگی آن را از این بابت نمی توان نادیده گرفت. به ویژه در روزگار معاصر که مسلمانان شور و حرارت صدر اسلام را بار دیگر از خود نشان می دهند، مساجد به صورت مراکز تربیت روحانی و پایگاه جنبش امت مسلمانان نسبت به ستمگران و سلطه جویان در آمده است و به تدریج مساجد موقعیت سال های نخستین ظهور اسلام را به دست آورده اند».^۳

از این نکته، نباید غافل شویم که هدف و مبنای اصلی «جهان گستری» استکباری

۱. همان.

۲. فروغ مسجد، ص ۵۶۲.

۳. بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، ص ۱۰۱ و ۱۰۲.

و نه «جهانی شدن»، سودجویی و تأمین منفعت بیشتر برای دولت‌های بزرگ، شرکت‌ها و نهادهای فراملی و ... است و نیز به برتری‌طلبی و سلطه‌جویی قدرت‌هایی چون ایالات متحده تأکید دارد. حتی احتمال می‌رود که آنچه در روند فرآیند «جهانی شدن» وجود ندارد و یا نمود ضعیفی دارد، تلاش برای تأمین نیازهای اساسی معنوی جهانیان، مانند برابری، عدالت، معنویت، اخلاق، رفاه همه‌جانبه و ... است؛ برعکس در سایه آنها جهان امروز با اباحی‌گری و بحران معنویت، هویت و اخلاق روبه‌رو است.

این در حالی است که نقش مساجد در جوامع مسلمان، بسط و گسترش و تعمیق ذکر خدا، معنویت و عواطف، عدالت، اخلاق، تحکیم بنیاد روابط انسان‌ها، به‌ویژه در درون خانواده و احترام متقابل بزرگ‌ترها و مانند اینهاست.

با وجود این، ما در انتظار حکومت ایده‌آل و آرمانی جهانی به سر می‌بریم و وظیفه افراد متعهد این است که این فرهنگ را بسط و توسعه دهد که در این صورت می‌توان از مسجد به‌طور مؤثری در توجّه دادن افکار عمومی به حکومت دولت کریمه بهره گرفت و تئوری «تشکیل دولت کریمه جهانی» را به جهانیان ارائه داد و نکات مثبت و ارزنده آن را بیان نمود.

در مسجد، این پایگاه اعتقادی مسلمانان، باید تبیین شود که حکومت واحد جهانی اسلامی، تحت رهبری افراد صالح و وارسته و شخصیت‌های برجسته دینی که معصوم از خطا و یا تالی تلو معصومانند، ایجاد می‌شود. در واقع، خدا و احکام اسلامی و قرآن، محور زندگی بشر قرار خواهد گرفت.

در مساجد، در کنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محوری‌های اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است و توسعه علمی، قسط و عدل از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است. علاوه بر آن، در مساجد باید تبیین گردد که حکومت و دولت جهانی حضرت مهدی علیه السلام مشروعیت خود را از خدا دارد، بر مبنای حاکمیت عقل است و از افراد فاسق و فاجر و کافر، در آن حکومت خبری نیست و خواسته‌های بشر در هنگام حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، الهی

خواهد بود.

اگر بپذیریم که مساجد، محلّ فراهم آمدن «احباء الله» است و واژه مسجد غیر از معنای خاصی که دارد، مفهوم دیگری هم دارد و آنگاه با «بینشی جهانی» در این عبارت حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) دقت کنیم، به یافته‌های تازه‌ای در باب جهانی شدن خواهیم رسید. آن حضرت (علیه السلام) فرمودند: «الدنیا مسجد احباء الله؛ دنیا مسجد دوستان خداست».^۱

^۱ . نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۱۳۱، ص ۴۹۳.

« مسجد و اجتماع

روشن تر از ادیان دیگر، در دین اسلام این خاصیت دیده می‌شود که مسجد مسلمانان و خانه پیامبر ﷺ در یک جا است و آنجا مبدأ رسالت و تبلیغ، مرکز فرماندهی، محلّ قضاوت و سیاست و میعادگاه تجمع و تصمیمات است. چنان که در قرآن خداوند می‌فرماید: «فی بیوت اذن الله... و الابصار»^۱ و این سنت در زمان خلفای راشدین و حکومت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نیز ادامه دارد. طبیعی است که چنین باشد؛ زیرا که اسلام دین جامع دنیا و آخرت است و دین از سیاست و اجتماع، تفکیک پذیر نیست. دنیا و دین در این مکتب در هم ادغام شده‌اند. در حکومت خلفای اموی و عباسی و از آن به بعد در کلیه کشورهای اسلامی، حق اصیل مسجد، تغییر یافت و دخالت و حاکمیت آن بر اجتماع کم شد؛ ولی ارتباط دوجانبه باقی ماند و تبعیت از حکومت قوت گرفت.^۲ اگر به ایران بعد از اسلام نظر بیندازیم، می‌بینیم تاریخ مساجد و سرگذشت سلسله پادشاهی ایران به هم آمیخته است... حتی نهضت‌های بزرگ ایرانیان از جمله قیام مشروطیت به قول کسروی که ارادتی به مذهب نداشت، از مسجد و منبر و محراب سرچشمه می‌گرفته است.^۳

در حکومت صفویّه که اوج مرکزیت و قدرت و سلطنت در تاریخ بعد از اسلام در ایران است، مسجدها از لحاظ کمیت و کیفیت به نهایت خود می‌رسد. در عصر قاجاریه هم با وجود اینکه از جهاتی انحطاط معماری و هنری و... را شاهد هستیم، در عین حال، تعداد مساجد و ابنیه اسلام زیاد دیده می‌شود.^۴ در عصر پهلوی حکومت و سیاست عوض می‌شود و وضع مساجد نیز عوض می‌شود و رو به خاموشی و کساد می‌رود.

۱. نور، آیات ۲۶-۲۷.

۲. صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۵.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان،

« تحوّل در مساجد

برای نام‌گذاری مساجد، در گذشته اسم سلاطین، اعیان، امرا و عمّال دولت به کار می‌رفته است یا نام پیش‌نماز یا معمار بر روی مسجد گذاشته می‌شد؛ ولی امروز رفته‌رفته به جای آنها، نام‌گذاری‌های معنوی و ایمانی به کار برده می‌شود. از این جهت که بانی معین و متعیّن نداشته است یا بنا با همکاری اجتماعی تأسیس شده است و یا از این جهت که خواسته‌اند، با توسّل به نام ائمه علیهم‌السلام جامعیت و خلوصی بیشتر به آن بدهند؛^۱ اما تحوّل تنها در اسم‌گذاری نیست؛ از نظر معماری و ساختمان، تأثیر خاصّ فتی-مهندسی و تکنیک‌های جدید را مشاهده می‌نماییم. سبک و سلیقه‌های جدید بروز می‌نماید و مساجد، در جست‌وجوی پاکیزگی و پاکی و تسهیلات عملی، برای تطبیق با خواسته‌های زندگی ماشینی به پیشرفت خود ادامه می‌دهند.

از نظر اداره مسجد نیز، به جای موقوفه و متولّی سابق، تمایلی به سوی هیئت مدیره یا هیئت امنا و شورا دیده می‌شود؛ اما از نظر محتوا، در دوران اخیر، سعی می‌شد مسجد بیشتر محلی برای تعزیه‌داری محرّم و وعظ و احیای ماه رمضان باشد؛ حتّی مدرسه و حجره که یکی از خصوصیات مساجد قدیم اسلامی است خالی می‌شده است؛ ولی هم اکنون به نقشه مساجد به تدریج کتابخانه و دفتر و سالن سخنرانی افزوده می‌شود؛ حتّی برخی مساجد علاوه بر اینها، غیر از دفتر و کلاس درس قرآن، قرائت‌خانه و ساختمان درمانگاه و زیر زمین‌های مخصوص تدارک و توزیع غذا نیز دارند و برخی مساجد حتّی ادعای تشکیل یک مرکز اسلامی را دارند.

در گذشته چنین موارد که برشمردیم در مساجد تعبیه نشده بود؛ اما بر اثر پیشرفت و ماشینی شدن زندگی، در مساجد امروزی نیز تغییراتی به وجود آمد و خدمات و ظرفیت‌های خدمت‌رسانی آن به شکل تازه‌ای رونق یافت.

مسئله‌ای که پیش می‌آید این است که آیا این تحوّلات و تطوّرات، در جهت خواسته‌های اسلام است یا حساب جداگانه‌ای دارد یا نقض غرض و عامل تضعیف

۱. صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۸-۷.

اسلام است؟ گمان می‌کنیم که پاسخ آن را بهتر است در سنت پیشوایان اسلام و در خود قرآن جست‌وجو کنیم. اولین مسجد که به دست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بنا شد، یک چهار دیواری بود و بس. با فرش طبیعی از ریگ بیابان بنا شده بود: «جُعِلَتْ لِي الْأَرْضُ مَسْجِدًا وَ طَهُورًا؛ زمین برای من محل سجده و طهارت قرار داده شد».^۱ بعدها برای اینکه آفتاب داغ عربستان، نمازگزاران را به سختی نیندازد، اجازه داده شد یک پوشش حصیری با لیف خرما بالای سرشان بیندازند. شاید یک ایوان یا صفه نیز که محل همواری بود، تعبیه کردند. از منبر و محراب هم مختصری وجود داشت. اینها همه نشان آن بود که مسجد نباید تفصیل و تزیین داشته باشد؛ فقط ساییانی داشته باشد.^۲ خوشبختانه امروز، نمونه مسجد مورد نظر اسلام باقی است، آن هم مسجد خیف است.

سؤال ما این است که چطور چنین وضعیتی به وجود آمد و مساجد، تزیین شده و باشکوه شدند؟ باید گفت که به طور مسلم جواب این سؤال، تأثیر و تحوّل بشری است. بشر، کارش قیاس به نفس و خودبینی است و در مرحله اول، سعی دارد هر چیز را در استخدام و استثمار خود در آورد و در مرحله دوم، هر چیزی را به رنگ خود و سود خود در آورد. در تاریخ سیر تحوّل مساجد، سه دسته از عوامل زیر تأثیر داشتند و این همان نقش اجتماعی مساجد است.

۱- خود مردم و مؤمنان پیشنهاد دادند و همه آنها حسن نیت و قصد ثواب داشتند. چون خدا از همه برتر است و بهترین چیزها باید نثار نام او شود. پس به قیاس خانه‌های خودمان و بزرگان دنیا، خانه خدا و اولیای خدا باید از هر مکانی زیباتر و باشکوه‌تر باشد؛ از اینجا نهضت تعظیم و تزیین مساجد سرچشمه گرفت.

۲- زورمندان و سلاطین، چون خود را جدای از مردم می‌دیدند و نمی‌خواستند به طور دائم به همین سبک زندگی کنند و از طرف دیگر می‌دیدند که مردم به دین خدا اتکا و احترام دارند، مسجد را به عنوان یک زمینه تفاهم بین خود و مردم یافتند. آنها تصوّرشان این بود که با تجلیل و عمارت مسجد می‌توانند

۱. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۱.

۲. نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۱۰.

خود را در دل مردم جای دهند و با نقش ظلّ الهی، به یک نوع تحکیم قدرت و ضمانت بقا دست یابند. البته، این کار همیشه از روی سوء نیت و به قصد استفاده از عقاید و عواطف مردم نبود و شاید در مواردی تمایل به توبه به درگاه خدا، برای جبران گناهان و کفاره ظلم‌ها، آنها را به طرف عمارت مسجد و زیارتگاه می‌کشانده است. در هر حال، مسجد یا معابد عامل پیوندی برای پادشاهان و حکام با مردم و با خدا گشت. این کیفیت یا حقیقت، آن قدر سابقه‌دار و ریشه‌دار است که در زمان خود پیامبر اسلام ﷺ همزمان با مسجد او مشاهده می‌شود؛ مسجدی که قرآن نامش را مسجد ضرار می‌گذارد، خود را در میان جامعه اسلامی نشان می‌دهد.

۳- متولیان معابد و مساجد، یعنی کهنه و روحانیان که خواهان امتیازی برای خود در برابر دولت و ملت بودند نیز از جمله این عوامل به حساب می‌آیند. بنابراین، نتیجه سه عامل فوق باعث شد که مسجد به مکانی زیبا، مجلل، مقدّس، وسیع و رفیع تبدیل گردد و محلّ تفاهم عناصر سه‌گانه‌ای چون سلطنت، روحانیت و مردم شود.

اگر مسجد به این ترتیب به صورت محیط تفاهم سه‌جانبه در آمد، به این دلیل بود که میدان برخورد بین شیطان و خدا نیز بود. به عبارت دیگر، مسجد محلّ تضادّ میان روح بشری حیوانی با روح انسانی الهی است؛ بشری که می‌خواهد هر چیزی را به رنگ خود و به سود خود در آورد و خدایی که می‌خواهد دنیا و انسان‌ها به رنگ او درآیند.^۱

اکنون ببینیم که قرآن سنت، شرط اصالت مسجد و اساس آن را در داشتن چه چیزی می‌داند؟ قرآن پایه و اساس را در داشتن تقوا و طهارت بیان می‌کند.^۲ قرآن به سازنده و نیت سازنده توجّه دارد و آنهایی را که مسجد را به قصد اختلاف و آزار پیامبر اسلام ﷺ و مردم بنا نهاده‌اند، منع می‌نماید.^۳ به گفته مولوی:

ما درون را بنگریم و حال را

۱. نقش متقابل مسجد و اجتماع، ص ۱۴.

۲. توبه، آیات ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۲۸؛ بقره، آیه ۱۱۴.

۳. توبه، آیه ۱۸-۱۷.

نی درون را بنگریم و قال را

پس، خدا با محتوا و اثر، کاری دارد و بشر با ظاهر و زرق و برق مسجد سروکار دارد. قرآن و پیغمبر اسلام ﷺ نه تنها مسجد را مثل کلیسا برای تاج‌گذاری پادشاهان، جایی برای فریبکاری و زیانکاری دنیاداران دنیاپرست نمی‌داند، بلکه عنایت خاصی نسبت به توده اجتماع داشته‌اند و از ابتدا مسجد، متعلق به عموم بوده است.^۱

۱. آل عمران، آیه ۹۶؛ حج، آیه ۲۷ و ۴۰؛ بقره، آیه ۱۲۵.

« مسجد، مرکزی عبادی، سیاسی

در واقع، آنچه بررسی‌های تاریخی به ما نشان می‌دهد، گویای این است که مسجد در چندین قرن، یعنی از قرن اول تا قرن چهارم و پنجم مرکز عبادی و سیاسی بوده است. مسجدهای مهمی چون: «مسجد مطرزی، مسجد قدیم و مسجد عقیل، سده چهارم هجری در نیشابور»، «جامع قرطبه (۱۷۰هـ.ق)»، «جامع اعظم قیروان در سده پنجم»، «جامع اصفهان در سده پنجم هـ.ق»، «جامع حلب در سده پنجم»، در کنار مناسک عبادی-سیاسی، محلّ تعلیم و تربیت نیز بوده‌اند.^۱

در زمان پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله مسجد، علاوه بر وظیفه مرکزیت مذهبی، محلّی برای امور سیاسی نیز بود. «در اسلام مسائل سیاسی، منفک از مسائل مذهبی نیستند. سیاست و مذهب چنان یگانه‌اند که احکام اسلامی شامل عبادات، معاملات و تمام اعمال فردی و اجتماعی می‌شود. علاوه بر این، مساجد به عنوان محلّی برای قضاوت و دادخواهی و بحث‌های عمومی و استراحت مسافران و بینوایان نیز مورد استفاده قرار می‌گرفت». ^۲ حاکمان اسلامی برای جلب نظر اندیشه‌ها و تضارب آراء در مساجد، کتابخانه هم تأسیس می‌کردند و یک آرامش فکری برای بررسی‌های علمی و تحقیقی فراهم می‌کردند. از جمله می‌توان به «مکتبه الزهرا» در قرطبه اسپانیا اشاره کرد. «اولین و شاید مشهورترین کتابخانه در «مکتبه الزهرا» در قرطبه اسپانیا قرار داشت که به وسیله «حکم»، خلیفه اموی (خلافت از ۳۶۶-۳۵۰هـ.ق/ ۹۷۶-۹۶۱) تأسیس یافته بود. حکم که به نام المستنصر معروف بود، دانشمندترین و دانش‌دوست‌ترین حاکم در تاریخ اسلام بود». ^۳

۱. تاریخ تمدن و فرهنگ اسلامی، ص ۱۴۵.

۲. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۴.

۳. نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ص ۱۴۰.

« مساجد و نماز

مساجد در گذر زمان، یعنی از صدر اسلام تا کنون، مکان خاکساری و محلّ انس با معبود بوده است که مؤمنان در شبانه‌روز چند بار به مسجد رفته، اعمال عبادی‌شان را به انجام می‌رسانند. افزون بر آن، هفته‌ای یک بار در مساجد جامع و مصلّی‌ها تجمّع نموده، مسائل روز در مقوله‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و به‌ویژه توطئه‌های دشمنان را از زبان و بیان خطبا و وعّاظ می‌شنوند. در حقیقت، تأثیرات محتوای خطبه‌ها در بیداری و سازندگی مردم قابل ستایش است. بزرگان دین همواره به مردم، به‌ویژه به مسئولان و نخبگان سیاسی و اجتماعی جایگاه و اهمّیت نماز جمعه و جماعت و عمق تأثیرگذاری مطالب دارای محتوای سالم را گوشزد نموده‌اند.

بیدارگر عصر ما، امام خمینی ره در این خصوص توصیه و سفارش‌های مهم و ارزنده‌ای به مسلمانان کرده است که در اینجا به ذکر برخی سخنان ایشان اکتفا می‌نماییم.

مقابله دشمنان با مساجد

همواره مساجد سنگری برای رویاروی با دشمنان بیرونی نیز بوده است؛ چنان‌که امام خمینی ره در خصوص مقابله با دشمنان می‌فرماید: مبارزه با علم و فرهنگ با شدّت هرچه بیشتر ادامه دارد و می‌خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران، عقب‌مانده نگه دارند؛ با ادّعای اسلام و تظاهر به مسلمانی، کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدّسه قرآن را یکی پس از دیگری، محو و نابود می‌کنند. علمای اعلام و محصلان علوم اسلامی در تحت فشار عمّال استعمار دست و پا می‌زنند. مدارس علوم دینیّه، مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند.^۱

در بیان دیگرش چنین می‌گوید: دفاع از حقّ و اسلام از بزرگ‌ترین عبادات است. بگذار عبادت‌گاه‌های ما را در این شهر مبارک (ماه رمضان ۱۳۸۹ هـ. ق مطابق

۱. صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵۸.

با مرداد ۱۳۵۷ هـ ش) به خون بکشند و ببینید که مسلمانان با عبادت بزرگ‌تر ماه شریف را می‌گذارند... مأموران شاه به مسجد ریخته و به قتل و جرح مردم بی‌دفاع پرداخته‌اند و مسجد را به آتش کشیده‌اند.^۱

سرانجام، به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد؛ یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود، خنثی کنند.^۲

محتوای نماز جمعه از دیدگاه امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ

در اندیشه دینی ما به محتوای مطالبی که برای عاشقان دین بیان می‌گردد، توجه جدی شده است و بزرگان دینی در این مورد همواره سفارش می‌کنند. درباره محتوای نماز جمعه و آشنایی مردم با نیازها و وظیفه خطیرشان، یکی از رهبران عصر ما می‌گوید: باید سعی شود خطبه‌ها پرمحتوا باشد. در خطبه‌ها هم باید امر به تقوا و این‌گونه مسائل رعایت شود و هم مردم را به وحدت و حضور در صحنه دعوت نمایند.^۳

نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است، در عین حال که عبادت است؛ در خطبه نماز جمعه باید مسائل سیاسی روز طرح بشود؛ گرفتاری‌های مسلمانان طرح بشود.^۴

ضمن انجام این فریضه، مردم را در خطبه‌های نماز به وظایف مهم و خطیری که دارند، آشنا سازید و از توطئه دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمایید.^۵

در هفته، یک اجتماع بزرگ از همه در یک محل و نماز جمعه که مشتمل بر دو خطبه است که در آن خطبتین باید مسائل روز، احتیاجات کشور، احتیاجات منطقه و جهات سیاسی، جهات اجتماعی، جهات اقتصادی طرح بشود و مردم

۱. همان، ج ۲، ص ۸۸.

۲. صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۷.

۳. امام در سنگر نماز، ص ۱۳۹.

۴. امام در سنگر نماز، ص ۱۳۹.

۵. همان، ص ۱۴۰.

مطلع بشوند بر این مسائل.^۱

نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است، باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت ما گمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است.^۲

در خطبه نماز جمعه مقدرات مملکت باید بیان شود؛ مسائل سیاسی که در مملکت باید جریان پیدا کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها، در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود.^۳

آثار و برکات نماز جمعه و جماعت

امام خمینی رحمته الله علیه درباره اثرات نماز جمعه و جماعت، خطاب به جوامع مسلمانان می‌فرماید: هر روز اجتماعات در تمام مساجد کشورهای اسلامی از شهرستان‌ها گرفته است تا دهات و قراء و قصبات، روزی چند مرتبه اجتماع برای جماعت و برای اینکه مسلمانان در هر بلدی، در هر قضیه‌ای از احوال خودشان مطلع بشوند، از احوال مستضعفان اطلاع پیدا کنند.^۴

اجتماع کنید و نمازهای جمعه را باشکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم؛ که شیطان‌ها از نماز می‌ترسند، از مسجد می‌ترسند.^۵

در صدر اسلام هم، نماز جمعه و مساجد چنین وضعی داشتند که اجتماعات وسیله‌ای بودند برای رفع گرفتاری‌های مسلمانان و تصمیم‌گیری در مقابله با دشمنان اسلام و شما اگر خطبه‌های آن زمان را مطالعه کنید، می‌بینید که چقدر آنها پرمحتوا بودند.^۶

در صدر اسلام، مسائل سیاسی در مسجد به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند،

۱. همان، ص ۱۴۳.

۲. امام در سنگر نماز، ص ۱۴۴.

۳. همان، ص ۱۴۵.

۴. صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.

۵. همان، ج ۱۲، ص ۱۴۹.

۶. همان، ج ۱۷، ص ۵۳.

حلّ و فصل می‌شد و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد.^۱

مسجد مسلمانان در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان خلفایی که بودند... مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است. در زمان رسول خدا ﷺ و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر (علیه السلام)^۲

در واقع، دیدگاه امام خمینی قدس سره درباره کارکرد مساجد این است که باید مساجد ما همانند زمان پیامبر گرامی ﷺ، کارکرد چندمنظوره برای حلّ و فصل بسیاری از مسائل اجتماعی و سیاسی، اقتصادی مسلمانان باشد؛ اما مسجد، تنها محلّ تجمّع پیرزنان و پیرمردان نباشد؛ چون اگر چنین شود در حقیقت، خواسته دشمنان اسلام را پیاده کرده‌ایم.

۱. همان، ص ۳۹.

۲. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۱۲۰.

« نتیجه سخن

از مطالب یادشده، نتیجه می‌گیریم که مسجد در تاریخ اسلام، نقش مؤثری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشته و به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بس مقدسی است؛ چنان‌که مساجد امروزی، چنین نقشی را دارا است. مساجد، همواره بستری مناسب برای تعامل و تفاهم فکری و نیز در مقابل تضاد فکری میان حاکمان و مردم بوده است. از نیمه قرن سوم تا قرن چهارم، ما شاهد ضعف عباسیان و به قدرت رسیدن خاندان‌های آل بویه، فاطمیان، اخشیدیان، اندلس، غزنویان و سلجوقیان هستیم که مساجد در این دوران، یکی از پایگاه‌های تبلیغاتی برای تغییر افکار عمومی رعایای آنها محسوب می‌شد. حاکمان از مساجد به عنوان مظهر و نماد سیاسی‌شان استفاده می‌کردند و در راستای آن هدف، به تأسیس یا تعمیر مساجد می‌پرداختند. خاندان‌های فوق، به خاطر دنبال‌روی و عقب‌ماندن از حکمای سلف، با جدیت تلاش می‌کردند تا مساجد را باشکوه بسازند و بعد از آن به احیاء و ترویج علم و دانش و نمایش اقتدار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بپردازند و اظهار وجود نمایند. به عنوان مثال، در دوره عبدالرحمن ناصر، مساجد شهر در اندلس به سه هزار رسیده بود و نیز «جوهر سیسیلی»، فرمانده فاطمیان، شهر قاهره و مساجد جامع الازهر را بنا کرد و آل بویه بعد از فتح بغداد به مساجد و قبور ائمه علیهم‌السلام توجه کرده و سرمایه‌های زیادی را به تعمیر و ساخت و ساز آن اختصاص داده بودند. همچنین، بعد از به قدرت رسیدن سلجوقیان، این روند رو به کاهش نهاد. در واقع، کارکرد مساجد نیز در ابعاد گوناگون، به‌ویژه کارکرد آموزشی آن از این زمان به بعد، بیشتر کم‌رنگ شد و نظام‌الملک به جای آن به تأسیس نظامیه‌ها روی آورد.

غزنویان، به‌ویژه سلطان محمود غزنوی با فتح هندوستان، مساجد را جایگزین معابد و بتکده‌ها نموده، علما را برای آموزش احکام اسلام، به آنجا فرستاد و در غزنه به تأسیس مساجد و کتابخانه بزرگ دست‌زند و فراگیری علم و دانش را رونق بخشید.

آل بویه به دلیل اعتقاد به مذهب شیعه، به مشاهد مشرفه و مرقد‌های مطهر اهل بیت (علیهم‌السلام) بسیار توجه می‌کردند و در تعمیر و بزرگداشت این اماکن تلاش فراوانی می‌کردند. از این‌رو، بزرگان و علمای تشیع به آنان و اقداماتشان توجه خاصی داشتند. علمای بزرگی چون شیخ مفید، سید مرتضی و سید رضی در زمان دولت آل بویه حضور داشتند. بنابراین، در این زمان تشیع از رشد اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بالایی برخوردار بودند.

آل بویه، به محض دست یافتن به بغداد در صدد توسعه مذهب زیدیه بودند و معتقد بودند که خلفای عباسی خلافت را از مستحقان اصلی اش غصب کرده‌اند. بر اساس این باور، با یک بازی پیچیده سیاسی، در سال ۳۳۴ هجری مستکفی بالله، خلیفه عباسی، را به خلع کردند و به زندان انداختند و پسرش را روی کار آوردند. بنابراین، نخستین جلوه‌های عدم اعتقاد به خلفای عباسی را با برکناری خلیفه نشان دادند. از دیگر سو، عضدالدوله از جمله سلاطین بود که در فرونشاندن آتش اختلاف مذهبی مجدانه تلاش کرد و شهر بغداد را آباد ساخت و مساجد و بازارها را ترمیم کرد.

همچنین، عباسیان به‌ویژه به وسیله قدرت سلجوقیان، خواستند طریق جماعت اهل سنت را در مقابل فرقه‌های شیعه، به‌ویژه فاطمیان اسماعیلیه تقویت کنند. تأسیس نظامیه در قرن پنجم هجری را باید یکی از مظاهر اختلاف‌های مذهبی شیعه و سنی دانست.

از طرفی، سبکتکین بعد از مرگ پدر- که در غزنین از طرف سلسله سامانیان، حکومت آنجا را داشت- به سال ۳۵۲ به جای او نشست و از منصور اوّل اطاعت نکرد. پس از درگذشت سبکتکین، پسر او سلطان محمود غزنوی (۹۹۸-۱۰۳۰) روی کار آمد. محمود پس از ۱۷ بار لشکرکشی به هندوستان، قسمت شمال غربی آن سرزمین را به تصرفات خود ملحق کرد. حقیقت امر این است که سلطان محمود و بسیای از حاکمان سلسله غزنویان، بنا به شواهد متعدد تاریخی، افزون بر داشتن نقش مثبت در جهت توسعه اسلام در شبه قاره هندوستان، با ساختن مساجد و فرستادن علما برای تبلیغ و نشر احکام و معارف دینی و علوم اسلامی،

تلاش‌های شایسته‌ای داشته‌اند. در واقع، اسلام را محمود غزنوی به هندوستان برد و بت‌پرستان آن دیار را مطیع اسلام نمود و با ساختن مساجد به جای بت‌ها، ندای توحید را در آن سرزمین طنین‌انداز نمود؛ این حقیقتی است که خیلی از خاورشناسان و تاریخ‌نگاران به آن اقرار دارند.

حقیقت این است که روابط میان حاکمان و مردم در دوران خلفای عباسی ضعیف بوده است و از مساجد فقط برای تحکیم اقتدار حاکمیت خویش استفاده سیاسی می‌کردند. از جانب دیگر، امرای آل بویه نیز اصول و استراتژی‌شان را در مساجد به اطلاع مردم می‌رساندند و برخی از خط‌مشی‌ها و شعارهای‌شان را به دیوارهای مساجد نقش می‌کردند. از این‌رو، روابط حاکمان آل بویه با مردم حسنه و رضایت‌بخش بوده است.

به عنوان نمونه، برای نشان دادن کارآیی سیاسی مساجد در قرن چهارم و پنجم، برخی نکات را اشاره می‌نماییم:

در مساجد حکومت اغلبی شمال آفریقا و سیسیل، بانگ اعلام به حکومت‌نشستن حکمران جدید طنین‌انداز شد. در آن روز که مصر را فتح نمودند، پایگاه‌شان را در کنار مسجد قرار دادند و در اولین خطبه سیاسی-عبادی جمعه، خلافت معز برای مردم مصر بیان می‌شود و از او و اقتدار و شوکتش برای تحکیم قدرت سیاسی و دینی‌شان تجلیل می‌شود و نیز با تمام توان و همت بلند، در شمال، مسجد ابن طولون شهر قاهره و مسجد الازهر را می‌سازد. در واقع، مهم‌ترین شاخصه مسجد در اسلام، پیوند سیاست و دیانت است.

همچنین، در عصر عبدالرحمن ناصر، افزون بر ساخت مساجد جدید، مساجد مهجور نیز گشوده و فعال شد و مردم به تعمیر مساجد و اقامه نماز در این مساجد روی آوردند. امیر عبدالرحمن سوم با ایجاد وحدت ملی و ارتباط تنگاتنگ با قشرهای گوناگون جامعه در اندلس، بزرگ‌ترین پیروزی و بقای مسلمانان در قاره اروپا محسوب می‌شود و نامش در ردیف قهرمانان اسلام در اروپا ثبت شد.

در واقع، در پی پاسخ به این پرسش بودیم: اساسی‌ترین کارکرد راهبردی در جهت رونق‌بخشی مساجد در قرن چهارم و پنجم چه بوده و اهمیت آن نسبت به

زمان فعلی چیست؟ اکنون به این نتیجه رسیدیم که مسجد در تاریخ اسلام نقش مؤثری در رساندن پیام الهی به مؤمنان و باروری استعدادهای متعالی آنان داشته و به عنوان یکی از قوی‌ترین وسیله ارتباط جمعی، دارای آثار بس مقدس است؛ چنان که مساجد امروزی همچون نقشی را دارا است.

قرآن کریم از مسجد، دو تصویر با دو نوع کارکرد متفاوت ارائه داده است. ابتدا تصویری از جبهه ایمان و جایگاه و کارکردهای آن و سپس ترسیم تابلویی از جبهه کفر با کارکردهای ویژه خود، ارائه داده است.

دولت‌ها، برای رسیدن به اهداف خود از مسجد با روش‌های گوناگون در طول تاریخ بهره برده‌اند؛ مردم نیز با استفاده از مساجد خواسته‌ها، فریادها و انتقادهایشان را از طریق آن اعلام و پیگیری می‌کردند.

از این‌رو، یکی از کارهای مثبت خلفای فاطمی، توجه جدی‌شان به رونق‌بخشی مساجد در ابعاد گوناگون بوده است. آشکار است که خلفای فاطمی اکثر عایدات خود را صرف مسجد می‌کردند و آن را جزو افتخارات‌شان می‌دانستند. جوهر غلام‌المعز خلیفه فاطمی دعوت برای خاندان علوی را آغاز نمود. وقتی از ساختن شهر قاهره فراغت یافت، دستور داد که دیگر به نام عباسیان خطبه نخوانند و در عوض، خواندن خطبه را به نام‌المعز فاطمی مرسوم نمود. بر همین اساس، هدف فاطمیان در ساختن مسجد، هم عبادت بود و هم فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی.

در آن زمان از روش‌های گوناگون، با محوریت مساجد در جهت آگاهی مردم و نشر معارف الهی و رونق علم و دانش بهره می‌گرفتند. از جمله، سلاطین حنفی‌مذهب سلجوق با زخم شمشیر، کشتار مخالفان و خوار کردن مذاهب دیگر، سیاست‌های مذهبی خود را جامه عمل می‌پوشاندند.

از پژوهش‌های تاریخی، چنین به دست می‌آید که سلسله سلجوقیان در راهبردشان، در مقابل دشمنانشان از مساجد برای تقویت روحیه خود و لشکریان بهره می‌بردند. تاریخ، دعا و مناجات‌الرب ارسلان را برای پیروزی بر دشمن، ذکر می‌نماید.

خلفای فاطمی و عباسی، سلاطین آل بویه، امویان اندلس، سلجوقیان و غزنویان از مساجد، استفاده‌های سیاسی، علمی و آموزشی، اجتماعی و ... کردند. آنها با ساختن مساجد باشکوه یا تعمیر آنها، محلی برای تجمع اندیشمندان به منظور تدریس علوم و مناظرات فراهم کردند و به شوکت و اقتدارشان افزودند.

در دوران انقلاب اسلامی ایران نیز، پس از پیروزی بر اساس محورهای اعتقادی و عبادی، پررنگ‌ترین، فعال‌ترین و بارزترین بخش کارکردهای مساجد در محور سیاست بوده است. از جمله: عملکردهای سیاسی ائمه جماعات مساجد و علما پس از ۱۵ خرداد، ارسال تلگرام‌هایی که به محضر رهبری انقلاب و ... غیر از تهران، در دیگر شهرستان‌ها نیز به مناسبت‌های مختلف، اجتماعات سیاسی در مساجد برگزار و باعث تحریک مردم به مبارزه با رژیم و آگاهی آنها از وضع اجتماعی می‌شد. مسجد، هر چند یک واحد اجتماعی کوچک، ولی نماد یک جامعه اسلامی و نمونه عینی حاکمیت ارزش‌های اسلامی است. از آنجا که مساجد در خط‌دهی و هدایت سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، نقش غیرقابل انکاری دارند؛ مساجد باید بتوانند با رویکرد و رهیافتی جدید و به طور هدفمند، نمازگزاران را با وضعیت کنونی جهان و روند جهانی شدن و معایب آن آشنا کنند و مسجدی‌ها باید بیش از هر زمان دیگر، در جهان کنونی به «حکومت جهانی و دولت کریمه» بیندیشند.

مسجد، همواره در کنار کارکرد عبادی و معنوی خود، کانون اثرگذار و تعیین‌کننده سیاسی، فرهنگی اجتماعی در جامعه و کشورهای مسلمان و حتی در بین سایر ملیت‌ها نیز بوده است. در مساجد، در کنار اقامه نماز باید افکار عمومی به این نکته جلب شود که توسعه در حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام بر محوری‌های اخلاقی، اجتماعی، امنیتی استوار است و توسعه علمی، قسط و عدل از ویژگی‌های بارز حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
« نهج البلاغه
« شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« آندره میکل، اسلام و تمدن اسلامی، با همکاری هانری لوران، ترجمه: دکتر حسین فروغی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱ هـ.ش.
« ویل دورانت، تاریخ تمدن، گروه مترجمان، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱ هـ.ش.
« لوبون، گوستاو، تاریخ تمدن اسلام و عرب، مترجم: سید محمدتقی فخردایی گیلانی، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم.
« مودودی، ابوالاعلی، تمدن اسلام و غرب، مترجم: ابراهیم امینی، تهران، کانون انتشارات چاپ چهارم، بی‌تا.
« سیف آزاد، عبدالرحمن، تاریخ خلفای فاطمی، تهران، دنیای کتاب، چاپ دوم، ۱۳۶۸ هـ.ش.
« مکی، دکتر محمد کاظم، تمدن اسلامی در عصر عباسیان، مترجم: دکتر محمد سپهری، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ.ش.
« ابراهیم حسن، دکتر حسن‌سف، تاریخ سیاسی اسلام، مترجم: ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاوید، چاپ دهم، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« حلیمی، کمال‌الدین، دولت سلجوقیان، مترجم: عبدالله ناصری طاهری و همگان، مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳ هـ.ش.
« راوندی، قطب‌الدین، راحه الصدور و آیه السرور، انتشارات اعلمی، بی‌تا.
« شاه‌ابن‌محموده، «میر خواننده»، محمدبن‌خاوند، تاریخ روضه الصفا فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء، تصحیح: جمشید کیان‌فر، تهران، انتشارات اساطیر، چاپ دوم.
« سازمان عقیدتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران، گزارش زمستان ۱۳۵۷ هـ.ش.
« القرطبی، عریب‌بن‌سعد، صله تاریخ الطبری، بیروت، منشورات مؤسسه الاعلمی.
« متر، آدام، الحضاره الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری أو عصر النهضه فی الاسلام، ترجمه: محمد ابوریده و رفعت البداوی بیروت، دارالکتاب العربی، چاپ چهارم، ۱۳۸۷ هـ.ق/۱۹۶۷ م.
« موسوی‌الخمنی، سید روح‌الله، صحیفه نور، مؤسسه چاپ و نشر آثار حضرت امام خمینی (ره).
« الهی، محمدعلی، روز قهرمانان، تهران، اداره عقیدتی، سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران، بی‌تا.
« نعنی، عبدالمجید، دولت امویان در اندلس، مترجم: محمد سپهری، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۰ هـ.ش.
« تقدسی‌نیا، خسرو، مسجد در آینه قرآن و روایات، قم، انتشارات ائمه، ۱۳۵۷ هـ.ش.
« الگاری، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه: ابوالقاسم سری، تهران، انتشارات طوس، ۱۳۶۵ هـ.ش.
« صابی، ابوالحسن هلال‌بن‌محسن، رسوم دارالخلافة، تصحیح و حواشی: میخائیل تمواد، ترجمه: محمد رضا شفیعی کدکنی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ هـ.ش.
« بخاری، محمدبن‌اسماعیل، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
« فهیمی، علی‌اصغر، آل‌بویه و اوضاع زمان ایشان، تهران، انتشارات صبا، ۱۳۵۷ هـ.ش.
« مسکویه، احمدبن‌محمد، تجارب الامم و تعاقب الهمم، مترجم: ابوالقاسم امامی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۹ هـ.ش.
« ابن‌ابی‌العبری، مختصر تاریخ الدول، مترجم: عبدالمحمد آیتی، تهران، انتشارات علمی و

- فرهنگی، ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « جوینی، علاءالدین عظاملک، تاریخ جهانگشای جوینی، تصحیح: محمد قزوینی، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۸۵ هـ.ش.
- « صابی، ابواسحاق ابراهیم بن هلال، التاجی اخبار الدوله الدیلمیه (در اخبار ائمه زیدیه فی طبرستان و دیلمان و جیلان)، ویلفرد مادیلونگ، بیروت، المعهد الألماني للأبحاث الشرقيه، ۱۹۷۳ م.
- « ایگنا سیو اولگوئه، هفت قرن فراز و نشیب تمدن اسلامی در اسپانیا، مترجم: ناصر موفقیان، شباویز، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « ولایتی، دکتر علی اکبر، فرهنگ و تمدن اسلامی، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « پرویز، عباس، تاریخ دیالمه و غزنویان، ناشر: علی اکبر علمی، چاپ دوم، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- « فروغ مسجد، ج ۵، مجموعه سخنرانی‌ها و مقالات برگزیده چهارمین همایش بین‌المللی هفته مساجد، تهران، انتشارات ثقلین، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « بوازار، مارسل، اسلام و جهان امروز، مترجم: مسعود محمدی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۹ هـ.ش.
- « صالح، مهندس مهدی، نقش متقابل مسجد و اجتماع، بی تا، بی جا.
- « السباعی، محمد مکی، نقش کتابخانه‌های مساجد در فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه: علی شکویی، تهران، سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « امام در سنگر نماز، تهران، ناشر ستاد اقامه نماز، چاپ هفتم، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « صمدی المنادی، محمد، الوزراء فی العصر الفاطمی، دایره المعارف، قاهره.
- « طاهری، عبدالله ناصر، فاطمیان در مصر، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- « کاشفی، محمد رضا، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « قربانی، زین‌العابدین، تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

مساجد، مهم‌ترین پایگاه‌های مبارزه با تهاجم فرهنگی

عسکری اسلام‌پور کریمی

« چکیده

نوشتار حاضر به منظور تبیین یکی از کارکردهای فرهنگی مساجد، یعنی نقش مساجد در مبارزه با تهاجم فرهنگی تدوین یافته و نگارنده در دو فصل به تبیین موضوع پرداخته است. در فصل اول، مفاهیم و کلیات که شامل مفهوم فرهنگ و تهاجم فرهنگی، پیشینه تهاجم فرهنگی، مهم‌ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی و اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی، مورد بحث قرار گرفته و در فصل دوم نقش مساجد در انجام فعالیت‌های دینی و اعتقادی و همچنین خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، جنبه‌های گوناگون مبارزه مساجد با تهاجم فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. در طی روند بحث در این نوشتار، شش نقش مبارزاتی مساجد در مقابله تهاجم مورد بررسی و تبیین قرار گرفت که عبارت‌اند از: ۱. روشننگری متولیان فرهنگی مساجد نسبت به جریان تهاجم فرهنگی؛ ۲. تقویت روحیه تعبد و ارتباط مستحکم با معبود؛ ۳. شناخت فرهنگ خودی؛ ۴. گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه؛ ۵. تشکیل جلسات مذهبی در مساجد؛ ۶. بیان عواقب شوم انحطاط فرهنگی توسط متولیان فرهنگی مساجد.

« واژگان کلیدی:

فرهنگ، تهاجم فرهنگی، پیشینه تهاجم فرهنگی، ابزارهای تهاجم فرهنگی، اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی، روشننگری متولیان فرهنگی مساجد، تقویت روحیه تعبد، امر به معروف و نهی از منکر، شناخت فرهنگ خودی، جلسات مذهبی، عواقب شوم انحطاط فرهنگی.

« مقدمه

با مطالعه‌ای گذرا در تاریخ پر بار اسلام، به روشنی درمی‌یابیم که شریعت اسلام و مسلمانان، هیچ‌گاه از هجوم و تبلیغات سوء کفار و دشمنان اسلام به دور نبوده است؛ بلکه دشمنان با راه‌های مختلفی در صدد براندازی اسلام بودند و هنوز هم این شیوه ادامه دارد.

امروز، استعمارگران، اعم از سوسیالیسم و کاپیتالیسم برای غارت یک کشور به چهار رکن حساس آن حمله‌ور می‌شوند:

۱. **نیروی نظامی:** از نظر تسلیحات جنگی، نظام دفاعی کشور را به خود وابسته می‌کنند یا جاسوسان خود را در مراکز حساس آن می‌گمارند و برای خود، نوکرانی نیز در داخل ارتش خریداری می‌نمایند.

۲. **سیاست:** امروز مشاهده می‌گردد که بیشتر تصمیمات و روابط بین کشورها، بر اساس خواست غرب است؛ اما توسط مهره‌ها و عروسک‌های بی‌اراده حاکم در آن کشورها اجرا می‌گردد.

۳. **اقتصاد:** استعمارگران با انواع دسیسه‌ها، اقتصاد کشورها را ورشکسته می‌کنند و آنها را به بند وام و کمک‌های به اصطلاح «بلاعوض» می‌کشانند؛ سپس، توسط عوامل نفوذی و مزدوران داخلی، دولت حاکم را از نظر اقتصادی تحت فشار قرار می‌دهند.

۴. **فرهنگ:** این هدف، از مهم‌ترین اهداف استعمارگران است. اگر استعماری توانست فرهنگ جامعه را از بین ببرد و فرهنگ خود را جایگزین آن کند در واقع، کاری را کرده است که با انواع سلاح‌های مدرن عملی نبود و در حقیقت کل آن جامعه را سرباز خویش ساخته است. امروز، تهاجم به فرهنگ، یکی از رایج‌ترین نوع تهاجم و راهی مطمئن و سریع برای دستیابی به اهداف استعمارگرانه است. استعمار می‌کوشد تا ملت‌ها را از محتوای فرهنگی، تاریخی و ملی آنها دور ساخته و تاریخ و مذهب و سنن ملی و مذهبی‌اش را مسخ و یا نفی نماید. با تغییر دادن فرهنگ یک جامعه بر اساس اندیشه بیگانه، بدون اینکه ردپایی از تمدن باقی مانده باشد و بدون نیاز به لشکرکشی، کشور مهاجم به اهداف شوم خود

می‌رسد. بنابراین، تهاجم فرهنگی را باید یک جنگ برای به تسخیر درآوردن درون انسان‌ها دانست. هرچند این تسخیر، گاهی آن قدر شدید می‌شود که در ظاهر هم نمود پیدا می‌کند.

دشمنان قسم خورده اسلام و انقلاب، پس از جنگ تحمیلی هشت‌ساله و اعمال شدیدترین تحریم‌های اقتصادی و سیاسی، راه دیگری را برای تهاجم به انقلاب در پیش گرفته‌اند و قصد دارند تا فرهنگ غنی انقلاب اسلامی را به سوی ارزش‌نماهای غربی بکشانند.

گرچه در مبارزه با تهاجم فرهنگی دشمن، همه ملت و نهادها و دستگاه‌ها و مراکز تأثیرگذار فرهنگی، وظیفه دارند که در مقابله با دشمن از هیچ تلاشی دریغ نورزند، اما در این میان، مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، وظیفه سنگین‌تری بر عهده دارند. بدون تردید، مسجد می‌تواند تعلقات معنوی و ارتباط نسل‌های مختلف را با دین برقرار نماید و ارتباط عمیق ائمه جماعات با افراد محلّ و اجرای برنامه‌های آموزشی و تربیتی، مؤثرترین شیوه برای بالابردن سطح آموزش عمومی و تربیت دینی و مقابله با هجوم ویرانگر فرهنگ فاسد غرب است. در این نوشتار مختصر، به نقش مساجد در مقابله با تهاجم فرهنگی اشاره می‌کنیم.

« فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱-۱- مفهوم فرهنگ

واژه «فرهنگ»، همچون سایر کلمات در ادبیات کشورها دارای معنی خاص خود است. فرهنگ، در ادبیات فارسی به معنای ادب، تربیت، دانش، علم، معرفت، مجموعه آداب و رسوم، مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم است.^۱ فرهنگ، واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء «فر» و «هنگ» است. «فر»، به معنای شکوه و عظمت است و اگر به عنوان پیشوند به کار رود، به معنای جلو، بالا، پیش و بیرون است. «هنگ»، از ریشه اوستایی سنگ و به معنای کشیدن، سنگینی است. بنابراین، فرهنگ واژه‌ای مرکب و به معنای بیرون کشیدن، بالا کشیدن، برکشیدن است که در ادبیات فارسی به مفهوم لغوی خود به کار رفته است.^۲ «فرهنگ، مجموعه‌ای تامّ از خصوصیات معنوی مادّی، فکری و عاطفی است که جامعه یا گروه اجتماعی را متمایز می‌کند و نه تنها در بر گیرنده هنر و ادبیات است، بلکه شیوه‌های زندگی، حقوق اساسی بشر، نظام‌های ارزش، سنت‌ها و باورها را هم در بر می‌گیرد».^۳

فرهنگ، مقوله‌ای بسیار گسترده است. از این نظر جامعه‌شناسان و مردم‌شناسان درباره تعریف جامع و کامل آن اتفاق نظر ندارند و هر یک تعریف خاصی از آن ارائه داده‌اند.

«الوین هاج» در دائره‌المعارف علوم اجتماعی کوپر در تعریف فرهنگ می‌نویسد: «فرهنگ، عبارت است از شیوه زندگی یک قوم شامل الگوهای مرسوم تفکر و رفتار، در بردارنده ارزش‌ها، اعتقادات، قوانین و احکام رفتار، سازمان سیاسی، فعالیت اقتصادی و هر چیز دیگری که از طریق یادگیری، نه توارث زیستی، از نسلی به نسل دیگر انتقال یافته است».^۴

همچنین ادوارد تیلور، مردم‌شناس انگلیسی، فرهنگ را این‌گونه تعریف کرده

۱. معین، محمّد، فرهنگ فارسی معین، ذیل واژه: «فرهنگ».

۲. رک: روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ‌شناسی، ص ۱۱.

۳. رک: سازمان علمی فرهنگی و تربیتی سازمان ملل متحد (یونسکو)، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی ترجمه محمّد فاضلی، ص ۲۸۰.

۴. رک: نوید، مهدی، فرهنگ و مقاومت فرهنگی.

است: فرهنگ، عبارت از مجموعه علوم، دانش‌ها، هنرها، افکار و عقاید، اخلاقیات، مقررات و قوانین، آداب و رسوم و سایر آموخته‌ها و عاداتی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می‌کند.

استاد محمدتقی جعفری رحمته‌الله، فرهنگ را چنین تعریف می‌کنند: «فرهنگ عبارت است از کیفیت یا شیوه بایسته و یا شایسته برای آن دسته از فعالیت‌های حیات مادی و معنوی انسان‌ها که مستند به طرز تعقل سلیم و احساسات تصعید شده آنان در (حیات معقول) تکاملی باشد»^۱.

فرهنگ، عبارت است از مجموع اندیشه‌ها، معتقدات، آرمان‌ها، هنرها، شیوه تفکر، شعائر، رسوم و دیگر مظاهر زندگی یک ملت که ضامن سلامت فکر، توانایی تن، آسایش جسم و روان و سرانجام ایجاد وحدت ملی می‌گردد.

۲-۱- مفهوم تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی «cultural invasion»، مترادف اصطلاح امپریالیسم فرهنگی، خبری است. تهاجم فرهنگی، یعنی اعمال قدرت به منظور اشاعه ارزش‌های فرهنگی امپریالیسم در میان ملت‌های جهان سوّم و تباه کردن فرهنگ این ملت‌هاست. واژه تهاجم فرهنگی یا نبرد فرهنگی، عبارت است از: تلاش برنامه‌ریزی شده، حرکتی مرموزانه و سازمان یافته یک گروه یا یک جامعه برای تحمیل باورها، ارزش‌ها و اعتقادات خویش بر سایر گروه‌ها و جامعه‌ها، با استفاده از شیوه‌ها، ابزارها و امکانات گوناگون و متنوع.^۲

۳-۱- پیشینه تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی، پدیده‌ای تازه تولّد یافته نیست که در قرن بیستم به منصفه ظهور رسیده باشد؛ بلکه سابقه‌ای دیرینه دارد. این پدیده، از ابتدای تاریخ زندگی اجتماعی بشر مطرح و موجود بوده است؛ زیرا از همان هنگام تقسیم شدن

۱. ر.ک: جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، ص ۵۰.

۲. مهیمنی، محمدعلی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، ص ۳۰۱.

انسان‌ها به حق و باطل و مسئله استکبار و سلطه‌طلبی در بین آنان رواج داشته است.

اگر بخواهیم تاریخ این نوع از هجوم را در کارنامه اخیر مغرب‌زمین به عنوان چهره شناخته شده استعمارگری و سلطه‌جویی بررسی کنیم، باید دانست که از زمان تجدید حیات فرهنگی (رنسانس) در غرب و ظهور اندیشه و فرهنگ جدید، ملاک‌ها و ارزش‌هایی توسط مغرب‌زمین عرضه شد که با فرهنگ و ارزش‌های دیگر، تفاوت اساسی داشت. این فرهنگ جدید، زمینه را برای ظهور قدرت‌های سرمایه‌داری و نظام کاپیتالیستی هموار ساخت. قدرت‌های جدید غربی که برای استحکام و گسترش نظام سرمایه‌داری خود به منابع دست‌نخورده نیاز داشتند، به استعمار سرزمین‌های جهان پرداخته و کشورهای مختلف آفریقایی و آسیایی را زیر سلطه خود گرفتند؛ این استعمارگران، برای تثبیت سلطه خود بر سرزمین‌های جدید، به زدودن موانع فرهنگی در کشورهای زیر سلطه خود پرداختند. ساختن مدارس به سبک غربی، وارد کردن کالاهای غربی و به راه انداختن جریان‌های سیاسی و مذهبی بر اساس مبانی خودشان، از جمله اقدامات آنها برای مقابله با فرهنگ بومی بود.

نظام سلطه‌جوی غرب، بعد از استقلال‌یابی کشورهای تحت سلطه خود، به ویژه در کشورهای اسلامی که بعد از تجزیه امپراتوری عثمانی اتفاق افتاد و بسیاری از سرزمین‌های اسلامی به صورت کشورهای جدید و براساس ناسیونالیسم شکل گرفتند؛ به‌طور غیرمستقیم به گسترش فرهنگ خود و جایگزین کردن آن در کشورها پرداخت و تهاجم فرهنگی را در پیش گرفت.

پس از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی که در حقیقت پیروزی اسلام بر سردمداران کفر جهانی بود و به دنیا نشان داد که دین، به ویژه شریعت حیات‌بخش اسلام، می‌تواند به عنوان یک قدرت جهانی علیه زورمداران دنیا عرض اندام نماید و در مقابل قدرت‌ها بایستد، قدرت‌مندان سیاسی دنیا، و در رأس آنها آمریکا و غرب در صدد برآمدند تا در مقابل این فرهنگ بایستند یا آن را به انحطاط و نابودی بکشانند یا جلوی گسترش آن را بگیرند و یا آن را

از کارایی بیندازند. بر این اساس، برای تضعیف اسلام و ارزش‌های اعتقادی، و همچنین کم‌رنگ ساختن روحیه ایثار، جهاد، شهادت، خوداتکایی و ضدیت با ظلم، به تخریب فرهنگ ملی کشور پرداختند تا با جایگزین کردن فرهنگ آمریکایی و غربی، به ایجاد بحران هویت بپردازند. مهم‌ترین علل و ریشه‌های تهاجم فرهنگی عبارت است از:

۱. پیدایش اسلام انقلابی در ایران و جهان و حاکمیت دین در عرصه اداره جامعه؛
۲. پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اساس نظام سلطه را به چالش کشاند. چنان‌که «دانیل پاتیس»، رئیس انستیتوی پژوهش‌های سیاست خارجی آمریکا، در سمیناری (در پاییز سال ۱۳۶۸، در شهر استانبول ترکیه) گفت: «ما تا ده سال پیش، حساسیت خاصی نسبت به اسلام نداشتیم؛ اما امروز این‌طور نیست و همه ما نسبت به این پدیده جدید در ایران و برخی از کشورهای دیگر، باید با حساسیت بیشتری برخورد کنیم. امروز، مسلمانان به ایران نظر دارند و از آن الگوبرداری می‌کنند. امروز، ایران برای مسلمانان به مثابه یک آزمایشگاه است. اگر این تجربه موفق شود، جسارت مسلمانان کشورهای دیگر هم بیشتر خواهد شد».^۱

۳. جمهوری اسلامی ایران، ام‌القری و کانون حرکت جهانی اسلام شناخته شد؛
۴. دشمنان در شکست دادن جمهوری اسلامی از طریق تهاجم نظامی و محاصره سیاسی و تحریم‌های اقتصادی شکست خوردند.

نکته شایان توجه اینکه، ابزارها و شگردهای دشمن نیز در تهاجم فرهنگی به انقلاب و اسلام بسیار مهم است. اشاعه فرهنگ فساد و فحشا در میان جوانان، تولید و انتشار شبهات دینی و فرقه‌سازی به ویژه در بین جوانان، و ایجاد تردید در باورها از طرق مختلف، به‌ویژه از طریق سایت‌ها، شبکه‌های ماهواره‌ای، تضعیف روحانیت با حربه‌های تبلیغاتی، تحقیر و منزوی کردن جریان ادب و هنر و فرهنگ اسلامی و متهم کردن نظام اسلامی به سلب آزادی‌های مدنی و ضدیت با حقوق بشر، از شیوه‌های تهاجم فرهنگی و شگردهای فرهنگی دشمنان است. ترویج و اشاعه دنیاطلبی و مادی‌گرایی افراطی، با تبلیغ مظاهر زندگی غربی

۱. رک: مجله ۱۵ خرداد، دی‌ماه ۱۳۶۹.

و تبلیغ گسترده سکولاریسم (دین‌زدایی)، لائسیسیسم (دین‌پرهیزی)، اومانسیسم (انسان‌مداری) و تأکید بر وجود قرائت‌های مختلف از اسلام و تضاد میان علم و توسعه با دین و اخلاق، از دیگر روش‌های تهاجم فرهنگی است.

۳-۱- مهم‌ترین ابزارهای تهاجم فرهنگی

مهاجمان فرهنگی، در القای مسائل و مفاهیم (فرهنگ) مورد نظر خود، از وسایل و ابزارهای گوناگونی استفاده می‌کنند که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

الف) تبلیغات: تبلیغات گسترده از طریق تکنولوژی ارتباطات و وسایل ارتباط جمعی، به دلیل ویژگی‌هایی که برای آن برشمرده‌اند، بسیار مورد توجه عاملان تهاجم فرهنگی قرار می‌گیرد. این ویژگی‌ها عبارتست از: پوشش فراگیر، فرامحیطی بودن، چندحسی بودن، قابلیت تطابق با فهم عوام.^۱

ب) شایعه‌پراکنی: شایعه در اصطلاح، خبر بی‌اصل و نادرستی است که در میان مردم بر سر زبان‌ها بیفتد. شایعه را دولت‌های بیگانه برای ضربه زدن به پیکر یک ملت و برای تأثیرگذاری در بافت فکری و ذهنی آنان دامن می‌زنند.

ج) آموزش، زبان، ترجمه و اصطلاحات: آموزش به سبک غربی، یکی از روش‌های استعماری نفوذ در برنامه‌های آموزشی کشورهای جهان سوم بوده است. یکی از کارکردهای پنهان این برنامه‌های آموزشی که در ظاهر به منظور پیشرفت علمی در این کشورها اجرا شده، زمینه‌سازی برای پذیرش فرهنگ بیگانه و برتر جلوه دادن آن و انهدام فرهنگ ملی بوده است.

البته، زبان نیز می‌تواند مهم‌ترین ابزار نفوذ فرهنگ بیگانه باشد. اگر به جای استفاده لغات خودی، استفاده از لغات بیگانه به صورت افسارگسیخته در محاورات رسمی و عمومی رواج یابد، نسل جدید ممکن است در آینده از معادل فارسی آن لغات محروم و بی‌خبر بماند.

همچنین، در مورد ترجمه نیز می‌توان گفت که اگر آموخته‌های فارغ‌التحصیلان ما به‌طور عمده از متون ترجمه شده باشد، دانش‌آموختگان امکان تفکر مستقل

۱. ابراهیمی، پرچهر، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب.

را از دست می‌دهند و اصطلاحات بیگانه به تدریج به جای اصطلاحات هماهنگ و مأنوس با فرهنگ خودی می‌نشینند.

د) تحریف واقعیت‌ها: یکی از رایج‌ترین شیوه‌های مطبوعاتی، تحریف واقعیت‌ها است؛ این تحریف بدو صورت است: نوع لفظی، نوع معنوی؛ در نوع لفظی، تحریف‌کننده از خود ساز و برگ‌هایی بر پیکره وقایع و حقایق اضافه می‌کند و چهره روشن حقایق را تاریک و زشت جلوه‌گر می‌سازد. در نوع معنوی، تحریف‌کننده جملات را طوری تفسیر و توجیه می‌نماید تا درست بر خلاف معانی واقعی آنها باشد و گاهی از طریق اغراق و مبالغه واقعیت را تحریف می‌کنند که در این روش، تضادهای درونی جوامع را شدت می‌بخشند و مسائل کوچک را بزرگ جلوه داده، مردم را به نظام حاکم یا به دیگر افراد و گروه‌ها بدبین می‌نمایند.

ه) ترور شخصیت‌های محبوب اسلامی: اصطلاحی که امروزه برای ترور کردن از طریق وسایل ارتباط جمعی مورد استفاده قرار می‌گیرد، ترور شخصیت است که هدف آن، ترور شخصیت‌های سیاسی و مهم، از طریق تهمت زدن و یا به تصویر کشیدن نقاط ضعف آنها است و این در صورتی است که نتواند فردی را از نظر فیزیکی ترور کنند و یا ترور فیزیکی فرد مورد نظر به مصلحت آنان نباشد. آنها با این شیوه باعث می‌شوند که رهبران صاحب نفوذ، نزد مخاطبان دچار بی‌منزلتی و تخریب چهره شوند.

و) یکی از ابزارهای مهم دشمن در تهاجم فرهنگی، «کتاب‌ها و نشریات» است. دشمنان اسلام در تهاجم فرهنگی و جنگ روانی، از کتاب‌ها و نشریات در ارائه تبلیغات گسترده منفی خود استفاده بسیاری می‌کنند. به طور اساسی، ماهیت جنگ روانی و فرهنگی بهره‌برداری از تبلیغات و نشریات مبتنی بر دروغ، تهمت، فریبکاری، نیرنگ‌افکنی و فتنه‌انگیزی برای نفوذ در عواطف و احساسات و جذب مخاطبان به منظور استفاده از حمایت‌های آنان در جهت تحقق مقاصد خاص جریان‌های سیاسی است.

۴-۱- اهداف دشمن در تهاجم فرهنگی

۱. مبارزه با بیداری اسلامی، با فشار بر طرفداران سیاسی اسلام و انقلاب اسلامی از طریق اتهام‌زنی، تروریست خواندن و ...؛
 ۲. ایجاد اختلاف و شکاف در جهان اسلام با دامن‌زدن به اختلافات شیعه و سنی و ایران را تهدیدی برای کشورهای منطقه معرفی کردن؛
 ۳. معرفی‌سازی حکومت و ترویج پلورالیسم دینی؛
 ۴. از بین بردن امید مردم نسبت به آینده با سیاه‌نمایی مسائل داخلی کشور؛
 ۵. ایجاد بی‌اعتمادی در مردم نسبت به رهبران انقلاب و مسئولان، با هدف از بین بردن پشتوانه‌های مردمی نظام اسلامی؛
 ۶. ایجاد اختلاف و تعمیق آن در میان جریان‌های سیاسی؛
 ۷. ترویج اندیشه‌های مادی با هدف سوق دادن مردم به دنیاگرایی و اصالت دادن به لذت‌جویی؛
 ۸. ترویج اباحه‌گری و بی‌بند و باری اخلاقی برای مقابله با فرهنگ مقاومت و شهادت طلبی؛
 ۹. ترویج لیبرال دموکراسی غربی با شعار توسعه دموکراسی و تأمین آزادی‌های مدنی؛
 ۱۰. مبارزه با نفوذ معنوی و قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه خاورمیانه و در میان ملل محروم جهان.^۱
- به‌طور کلی، دشمن در تهاجم فرهنگی می‌کوشد تا سه عنصر اساسی فرهنگ، یعنی شناخت‌ها و باورها، ارزش‌ها و گرایش‌ها و رفتارها و کردارهای جامعه مورد هجوم خود را با دگرگونی روبه‌رو سازد. البته باید توجه داشت که دشمن در تهاجم فرهنگی، همیشه به دنبال جایگزین کردن فرهنگ مهاجم به جای فرهنگ بومی نبوده، بلکه ممکن است بیگانه کردن مردم آن جامعه از فرهنگ خودی و نابود کردن هویت فرهنگی یک جامعه را در نظر داشته باشد.

۱. رک: جوانی، یداله، آشنایی با جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، سخن آشنا، سال پنجم، شماره ۶۳.

« فصل دوم: نقش مساجد در مبارزه با تهاجم فرهنگی

مساجد، به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با این تهاجم، نقش مهمی بر عهده دارند. با توجه به نقش مساجد در انجام فعالیت‌های دینی و اعتقادی و همچنین خنثی‌سازی توطئه‌های دشمنان، در ادامه جنبه‌های گوناگون مبارزه مساجد با تهاجم فرهنگی را بررسی می‌کنیم:

۱-۲- روشنگری متولیان فرهنگی مساجد نسبت به جریان تهاجم فرهنگی

به‌طور معمول، تهاجم فرهنگی به اندازه‌ای دقیق برنامه‌ریزی می‌شود که افراد جامعه، متوجه تهاجم نمی‌شوند و دگرگونی‌های فرهنگی را لازمه رشد و تحرک فرهنگ می‌دانند و این دگرگونی‌ها را زایش فرهنگی می‌نامند. بنابراین، یکی از عوامل مهم موفقیت در مبارزه با تهاجم فرهنگی، شناخت جریان تهاجم، شیوه‌های تهاجم، گونه‌های تهاجم و راه‌های مبارزه با تهاجم است. بر این اساس، یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های مسجد در جریان مبارزه با تهاجم فرهنگی، آگاه کردن مسلمانان از تهاجم فرهنگی و گونه‌های آن و راه‌های جلوگیری از آن است. مجالس و تشکل‌های مذهبی، از بهترین ابزارهای روشنگری فرهنگی هستند که به خوبی می‌توانند راه مبارزه را ترسیم کنند و مسجد، پایگاه مجلس‌های مذهبی است. در این جلسه‌ها، مسلمانان افزون بر آشنایی با فرهنگ دینی، از وضعیت سیاسی و تهاجم فرهنگی دشمن باخبر می‌شوند و می‌آموزند که چه راه‌هایی را برگزینند. آنان با پیشینه تهاجم فرهنگی در کشورهای اسلامی آشنا می‌شوند و از گذشته آنها عبرت می‌گیرند. نقش آموزش افراد تأثیرگذار و روحانیان در این مسیر بسیار تعیین‌کننده است. می‌توان گفت رهبری مسلمانان، در دفاع از فرهنگ ملی و مذهبی به دست افراد تأثیرگذار، به ویژه روحانیان است.

نوجوان و جوانی که در مسجد آموزش می‌بیند، از یک سو خانواده خود را تحت تأثیر قرار داده و از سوی دیگر با ورود به اجتماع می‌تواند به پشتوانه اندیشه مذهبی، در جنبه‌های مختلف، به‌ویژه در عرصه فرهنگی تأثیرگذار گردد. البته به وسیله متصدیان و مبلغان دینی در سنگر مساجد، در مبارزه با تهاجم فرهنگی

دشمنان، تلاش‌های قابل تاملی صورت گرفته و می‌گیرد که هنوز هم جا دارد که گام‌های بلندتری برداشته شود. اگر بتوانیم جایگاه مسجد را با زندگی مردم و به‌ویژه با بهترین ثانیه‌های زندگی جوان پیوند دهیم، به جایگاه واقعی و اثرگذار مسجد در این زمینه رسیده‌ایم.

در طول تاریخ مبارزه‌های فرهنگی و سیاسی مسجد، بیدارگری‌ها و حرکت‌های اصلاحی به چشم می‌خورد که در تکاپوی نظام ارزشی دینی بسیار مؤثر بوده‌اند. جایگاه ویژه مسجد در فرهنگ دینی و امکانات بالقوه و بالفعل آن، همراه آموزش‌ها و مفاهیم حاشیه‌ای و ایجاد یک نظام ارزشی قوی و ماندگار در صحنه فرهنگ و اجتماع، بسیار اثرگذار بوده است.

به هر حال، مساجد به عنوان مهم‌ترین پایگاه تبلیغ و آموزش دینی، در مبارزه با این تهاجم، وظیفه سنگینی بر عهده دارند. بر این اساس، متولیان فرهنگی مساجد، به‌ویژه امام جماعت می‌توانند با روشنگری و تبیین صحیح مسائل سیاسی روز، در جهت تقویت باورهای دینی و پی‌ریزی بینشی درست در زمینه تعالیم دینی و سیاست، چون سنگری نفوذناپذیر مردم را در برابر بمباران فرهنگی دشمن محافظت نمایند و سودجویان غرب را ناکام و ناامید سازند. امام جماعت، در گستره و نفوذ فعالیت‌های فرهنگی مسجد نقش اساسی دارد و می‌تواند به کمک کسانی که در مسجد حاضر می‌شوند و کسانی که اداره امور آن مکان را بر عهده دارند، از نظر فرهنگی مسجد را کارآمد نمایند. امام جماعت آگاه می‌تواند مردم را در جهت‌گیری صحیح رفتاری در مسائل سیاسی و اجتماعی، رهنمون شود و از کژروی و ناهنجاری‌ها بازدارد.

۲-۲- تقویت روحیه تعبد و ارتباط مستحکم با معبود

یکی از ارکان اساسی ادیان توحیدی، به‌ویژه اسلام، عبادت و بندگی خداوند متعال است. عبادت؛ یعنی راز و نیاز کردن با خداوند و نجوا گفتن با او. جوهر و جان این نیایش، حضور قلب و توجه به خداوند است.^۱

۱. امام خمینی (ره)، چهل حدیث، ح ۲۷، عبادت و حضور قلب.

برای فراهم شدن چنین عبادتی، به شرایط و عوامل فراوانی نیاز است که مکان عبادت، یکی از آنها است. اسلام، با در نظر گرفتن مکانی به نام مسجد و قرار دادن مقرراتی ویژه برای آن، در حقیقت مکان مناسبی را برای نماز و ارتباط با خداوند پیش‌بینی کرده است.

نام مسجد، گواه روشنی بر این سخن است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَ أَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا؛ مساجد از آن خداست؛ پس، باید کسی جز او را نخوانید».^۱

بنابراین، مساجد با ویژگی‌ها و شرایط مخصوص به خود، مناسب‌ترین مکان برای حضور در درگاه الهی و شکرگزاری از اوست. مسجد، نردبانی بلند برای دستیابی به معنویت دینی و برآوردن نیازهای روحانی انسان است. مسجد، به سبب ویژگی‌هایی که دارد، در واقع، تجلی‌گاه حق و اسماء و صفات الهی و جایگاه تربیت معنوی و الهی آدمی به شمار می‌رود.

هرچه ارتباط جوانان با فضای معنوی و روحانی مسجد بیشتر باشد، منیت‌ها در ضمیر پاکشان زده می‌شود و در فردایی نه چندان دور از نگاه عشق به مردم در راه خدا به فعالیت‌های مؤثر می‌پردازند.

برخی از افراد برای همراهی و ارتباط با دوستان، وارد مسجد می‌شوند و وقتی مسیر رشد را پیمودند، حاضر نمی‌شوند ارتباطشان را با مساجد تا پایان عمر قطع کنند. از انگیزه ملاقات با دوستان به انگیزه ملاقات با خدا می‌رسند و همه چیزشان رنگ خدایی می‌گیرد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی زیبا، تأثیر هم‌نشین را بر انسان، چنین بیان کردند: «هم‌نشین صالح، همانند عطر فروش است که یا از عطرش به تو هدیه می‌دهد یا بوی آن را در جامه‌ات باقی می‌گذارد. هم‌نشین بد، مانند آهنگر است که اگر جامه‌ات را نسوزاند، یا بدبویت می‌کند یا با آن بو، تو را می‌آزارد».^۲

در روایات نیز آمده است: کسی که به مسجد رفت و آمد می‌کند، یکی از منافع

۱. جن، آیه ۸.

۲. کنز العمال، ج ۹، حدیث ۲۴۶۷۶.

هشت‌گانه نصیب او می‌گردد که یکی از آن منافع: «دوست و برادری پیدا می‌کند که در راه خدا کمک‌کارش می‌شود».^۱

با شکل‌گیری چنین ارتباط مستحکمی، محال است که دشمنان بتوانند به اهداف خودشان دست بیابند. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، آن بت‌شکن زمان، با درک این نقش مسجد فرموده‌اند: «اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد، از فانتوم‌ها ترس نداشته باشید! از آمریکا و شوروی و اینها ترس نداشته باشید! آن روز باید ترس داشته باشید که شما به اسلام پشت کنید، به مسجد پشت کنید».^۲

همچنین مقام معظم رهبری در این مورد می‌فرماید: «ما باید نگران دین مردم باشیم. بهترین جا برای حفظ دین مردم، همین مساجد است».^۳

ایشان در جای دیگر می‌فرمایند: «مسجد، به‌طور کلی به عنوان یک پایگاه دینی، پایگاه عبودیت، پایگاه معرفت، می‌تواند برای جوامع اسلامی منشاء و سرآغاز حرکات بزرگ و برکات ماندگار باشد».^۴

به هر حال، اگر جوانان ما با مسجد و نماز انس بگیرند و لذت ارتباط با خدا و عالم غیب را درک کنند، هیچ‌گاه حاضر نمی‌شوند سرشت پاک انسانی خود را به لذت‌های حرام آلوده نمایند.

۳-۲- شناخت فرهنگ خودی

برای دفاع از یک فرهنگ، شناخت آن بسیار لازم است. اگر مردم یک کشور، فرهنگ خود را به خوبی بشناسند و نقاط قوت و دیرپایی آن را بدانند، فرهنگ مهاجم، قدرت تسلط فرهنگی را نمی‌یابد و نمی‌تواند نظام ارزشی آنان را دگرگون سازد.

مسجد با آموزش فرهنگ دینی، آن شناخت لازم را برای مسلمانان ایجاد می‌کند

۱. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰.

۲. امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱، با اندکی تلخیص.

۳. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، چهارم آبان، ۱۳۷۳.

۴. بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، نوزدهم دی، ۱۳۷۵.

تا آنان، قدر فرهنگشان را بدانند. این شناخت، خودباوری لازم برای دفاع از فرهنگ مهاجم را ایجاد می‌کند. در سایه این آموزش‌هاست که تعهد مسلمانان افزایش می‌یابد و سلاح کارگشایی به نام غیرت دینی در مبارزه با مهاجم فرهنگی ایجاد می‌شود.

۴-۲- گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در جامعه

امر به معروف و نهی از منکر و نیز پند و نصیحت از جایگاه ویژه‌ای در اسلام برخوردار است که آثار و برکات فراوانی برای پیروان این دین الهی به ارمغان آورده است و در اصلاح روابط اجتماعی نقش مهمی را ایفا خواهد نمود.

«بی‌گمان یکی از پایگاه‌های مهم امر به معروف و نهی از منکر و انتقاد سازنده از برنامه‌های حاکمیت، حتی در نظام اسلامی، مساجد است. در نظام اسلامی، مردم همان‌گونه که در برابر یکدیگر مسئول و موظف به امر به معروف و نهی از منکر هستند، در ارتباط با نظام اسلامی نیز وظیفه بزرگ امر به معروف و نهی از منکر را بر عهده دارند. مردم باید ضمن حمایت از نظام اسلامی برنامه بخش‌های گوناگون حکومت را منصفانه و دلسوزانه نقادی کنند و ضعف‌ها، کاستی‌ها و یا خدای نکرده انحرافات را در چارچوب موازین اسلامی به مسئولان گوشزد نمایند. مساجد، مستقل از حاکمیت که ائمه جماعت آن از سوی مردم گزینش شده باشد، می‌توانند این مهم را به خوبی انجام دهند. در این باره، مسجد جایگاه گردهمایی دین‌داران دلسوز، میدان حضور قدرتمندانه مؤمنان و نمایشگاه ایمان، وحدت و همبستگی آنها است. بیماردلانی که میل به انجام گناه دارند، با دیدن صحنه نمایش ایمان و همبستگی مؤمنان از نگاه و سرکشی باز می‌ایستند. همچنین، آنانی که به دلیل سستی ایمان، متزلزل و مردّد هستند از مسجد روحیه ثبات و استواری می‌گیرند. بدینسان حضور مسلمانان در مسجد خود به خود سبب جلوگیری از بسیاری از معاصی می‌شود.

این نقش ارزنده «مسجد» و «نماز جماعت»، در گفتاری گهربار از امام رضا علیه السلام به روشنی، بیان شده است.

آن حضرت در بیان رمز و راز تشریح نماز جماعت، که به طور معمول در مسجد برگزار می‌شود، می‌فرماید: «إِتْمَا جُعِلَتِ الْجَمَاعَةُ لِئَلَّا يَكُونَ الْإِخْلَاصُ وَ التَّوْحِيدُ وَ الْإِسْلَامُ وَ الْعِبَادَةُ لِلَّهِ إِلَّا ظَاهِرًا مَكْشُوفًا مَشْهُورًا لِأَنَّ فِي إِظْهَارِهِ حُجَّةً عَلَى أَهْلِ الشَّرْقِ وَ الْعَرَبِ لِلَّهِ وَ وَحْدَهُ وَ لِيَكُونَ الْمُنَافِقُ وَ الْمُسْتَخِفُّ مُؤَدِّيًا لِمَا أَقْرَبَ بِهِ يَظْهَرُ الْإِسْلَامَ وَ الْمُرَاقَبَةَ وَ لِيَكُونَ شَهَادَاتُ النَّاسِ بِالْإِسْلَامِ بَعْضِهِمْ لِبَعْضٍ جَائِزَةً مُمَكِّنَةً مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْمُسَاعَدَةِ عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَى وَ الزَّجْرِ عَنِ كَثِيرٍ مِنْ مَعَاصِي اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛ [نماز] جماعت بدان سبب مقرر شده است تا اخلاص، توحید، اسلام و پرستش خدا، همگی ظاهر، آشکار و مشهود باشند؛ زیرا در آشکار کردن این امور، حجت خدای یگانه بر اهل خاور و باختر وجود دارد. همچنین [به آن دلیل باید احکام اسلام آشکارا عملی گردد و بر انجام آن مراقبت کنند] تا منافق و سست‌دین نیز آنچه را [در زبان] به آن اقرار کرده است، در عمل به جای آورد و اسلام و مراقبت بر آن را اظهار کند و برای آنکه گواهی دادن مردمان به مسلمانی یکدیگر، روا و ممکن باشد. همچنین مساعدت در نیکوکاری و تقوا و جلوگیری از [ارتکاب] بسیاری از نافرمانی‌های خداوند عزیز و جلیل [معاصی] با حضور در نماز جماعت محقق می‌شود».^۱

به طور کلی، نفس حضور در مسجد به طور غیرمستقیم باعث ایجاد انگیزه لازم در نمازگزار و مراجعان به این مکان الهی می‌شود، تا به علت حضور در این مکان خویش را عاری از گناه و منکرات نمایند و همچنین به علت اینکه حضور در مسجد نیز نیاز به ملزوماتی دارد که قبل از عزیمت به سوی آن باید مراعات شود و این ملزومات از سوی حق تعالی و پیشوایان دین ذکر شده است و خود به خود زمینه و اسباب اصلاح در رفتار و عمل به آموزه‌های دینی را که در راستای اعمال خیر و معروف است، ایجاد خواهد کرد. بنابراین، می‌توان گفت که گسترش فرهنگ امر به معروف و نهی از منکر در بین افراد اهل مسجد به طور مستقیم به دو طریق زیر است:

۱. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۷۲، ح ۹.

الف) از طریق آموزه‌های اخلاقی امام جماعت؛

ب) از طریق دوستان و افراد مسجدی.

در مقابل، افرادی که با مسجد و نماز جماعت مأنوس نیستند، از این شناخت و شخصیت اجتماعی بهره‌ای نخواهند داشت، افراد مسجدی کمتر آنها را می‌بینند و کمتر می‌توانند رفتار آنان را شناسائی کنند و قضاوت صحیح هم درباره آنان مشکل خواهد بود و به این تنبیه اجتماعی دچار خواهند گشت! بر همین اساس، پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرموده است: «إِذَا سُئِلْتَ عَمَّنْ لَا يَشْهَدُ الْجَمَاعَةَ فَقُلْ لَا أَعْرِفُهُ؛ اگر درباره کسی که در نماز جماعت شرکت نمی‌کند، از تو سؤال کردند، بگو او را نمی‌شناسم». یعنی، عدالت و تعهد و درست‌کاری او برای من مشخص و ثابت نشده است.

حضور پنج‌گانه مؤمنان در مساجد و برخورد با افراد شایسته و صالح به‌طور غیرمستقیم باعث انتقال رفتار نیکو و شایسته اهل مسجد به یکدیگر و جلوگیری از منکرات خواهد شد. فرد نیکوکار، به دنبال یافتن دوستی متدین است و یک فرد متدین هیچ‌گاه با فرد گنهکار، پیمان دوستی و رفاقت نمی‌بندد؛ زیرا مسجد، محل رفت‌وآمد انسان‌های صالح و مؤمن است در نتیجه، تمامی نمازگزاران و اهالی مسجد، یکدیگر را در گفتار و عمل، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بنابراین، اگر نمازگزاران و اهل مسجد، به این اصل مهم دینی و عقلی آگاهی یابند و خود، مقید و عامل به آن باشند و هر کس در محدوده زندگی خویش با فساد و زشتی‌ها مبارزه کند و مردم را به نیکی دعوت نماید دشمن، هرگز روزه‌ای برای نفوذ نخواهد یافت. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». «این آیه شریفه بیان می‌دارد که «امر به معروف و نهی از منکر» از لوازم و واجبات اجتماع سالم و صالح است.

مقام معظم رهبری در اشاره به اهمیت این موضوع می‌فرماید: مسئله امر به

۱. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۵.

۲. آل عمران، آیه ۱۰۴.

معروف، تکلیف همیشگی مسلمانان است. جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند. قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر است.^۱

امام جماعت با تبیین جایگاه و اهمیت این فریضه الهی در مسجد، می‌تواند اهل مسجد را در مقابل تهاجم فرهنگی دشمن، واکنش‌ناپذیر نماید یا حداقل از شدت نفوذ دشمن در نیل به اهداف شوم خود بکاهد.

به طور قطعی، اگر جامعه‌ای در برابر منکرها و ترویج فرهنگ بیگانه، حساس باشد و با مشاهده نابسامانی‌ها تذکرات لازم را به افراد ناآگاه بدهد، می‌تواند نقش بسیار مهمی در دفع تهاجم‌های فرهنگی داشته باشد.

۵-۲- تشکیل جلسات مذهبی در مساجد

تشکیل جلسات مذهبی در مساجد، پایگاه‌های مقاومت و تکایا و آشنا کردن جوانان با قرآن، معارف اسلامی، تاریخ انبیا و امامان، برگزاری مجالس سوگواری و میلاد، سخنرانی و خطابه‌های مذهبی، بیان تفسیر و معانی قرآن، اعتقادات و جهان‌بینی‌ها می‌تواند عامل مهمی در مقابله با تهاجم فرهنگی به حساب آید؛ زیرا عامل گرایش بسیاری از جوانان به آداب و فرهنگ غربی و بیگانه، نداشتن آشنایی با تعلیمات مذهبی و فرهنگ اصیل اسلامی است. اگر تعلیمات و معارف اسلامی به وسیله امام جماعت و متولیان فرهنگی مساجد با در نظر گرفتن نیازمندی‌های زمان و مسائل مورد نیاز جوانان، به سبک زیبا و دلپذیر و استدلالی تدریس شود و در برخی موارد به صورت سؤال و مسابقات فرهنگی-مذهبی طرح و بیان شود، به یقین نقش مهمی در گرایش جوانان به ارزش‌های اسلامی و فاصله گرفتن آنان از ارزش‌های منحط غربی دارد.

^۱. بیانات مقام معظم رهبری، در دیدار علماء و روحانیان، ۷/۵/۷۱.

۶-۲- بیان عواقب شوم انحطاط فرهنگی توسط متولیان فرهنگی مساجد

تاریخ امروز و گذشته، به صورت زنده و روشن، صحنه‌های مجازات الهی را نشان می‌دهد. قرآن کریم برای جلوگیری از انحراف انسان‌ها و به قصد عبرت‌آموزی چنین کسانی را مثال می‌زند و می‌فرماید که خداوند شالوده زندگی آنان را از اساس ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب الهی از جایی که نمی‌دانستند، به سراغشان آمد.^۱

تبیین سرنوشت قوم نوح، عاد، ثمود، شعیب، لوط و طغیان‌گران متعدّد دیگر، در برخی آیات قرآن برای بازداشتن جامعه از دچار شدن به چنین سرنوشتی است. در آیات الهی، چنین سرانجامی برای عموم کسانی که در انحطاط فرهنگی و دینی فرو رفتند، تصویر شده است. در واقع، آنچه در این ماجراها بیان می‌شود و از انکار و تکذیب آیات الهی و انکار معاد و رستاخیز و فساد و نتیجه دردناک آنها، درس‌هایی مطرح می‌گردد که مخصوص جمعیت و گروه خاصی نیست، بلکه همه کسانی که در چنین راهی قدم بگذارند، به چنین سرنوشت و پایانی دچار خواهند شد و در آخرت نیز به‌طور دائم در عذاب الهی خواهند ماند.

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۶۹ و ج ۲۵، ص ۸۷.

« نتیجه سخن

آنچه مسلم است، این است که دشمن، تهاجم خود را از جبهه فرهنگی شروع کرده و در حال گسترش آن است. اگر اقدام شایسته صورت نگیرد، به قطع، این غده سرطانی به تمام پیکره جامعه اسلامی سرایت می‌کند.

به هر حال، این دود سیاه که از شعله‌های آتش خانمان‌سوز فرهنگ غرب برخاسته است، همه جا گسترش می‌یابد و با سایه شوم خود، مانع از تجلی نور فرهنگ انقلابی اسلامی خواهد شد. از این‌رو، همان‌گونه که هنگام تهاجم نظامی خود را آماده دفاع و فداکاری می‌کنیم، در جبهه فرهنگی هم باید با تمام امکانات به دفاع و دفع فرهنگ دشمن پردازیم؛ در غیر این صورت، سنگرها را یکی بعد از دیگری از دست خواهیم داد و زمانی به خود می‌آییم که کار از کار گذشته است.

آنچه در مجموع می‌توان به آن دست یافت این است که بر اساس نظم نوین جهانی، تهاجم فرهنگی غرب، به‌ویژه استکبار جهانی (آمریکا) علیه سایر فرهنگ‌ها در حال انجام است و این امر با گسترش فتاوری ارتباطات، شدت، سرعت و پیچیدگی بیشتری پیدا کرده است. استکبار جهانی که داعیه سرپرستی جهان را در سر می‌پروراند و خواستار نظامی تک‌قطبی است، هیچ فرهنگ رقیبی را که مخالف این سیاست باشد، تحمل نخواهد کرد. به یقین، فرهنگ اسلامی از این قاعده مستثنا نخواهد بود و در رأس کشورهای اسلامی، ایران به واسطه انقلاب اسلامی و مخالفت علنی آن با قدرت‌طلبی آمریکا مورد هجوم بیشتری قرار گرفته و خواهد گرفت؛ از این‌رو، به منظور مقابله با این هجوم، باید تمام ترفندها و حيله‌های فرهنگ مهاجم شناخته شود و سپس ابزار کافی برای مقابله با آن فراهم گردد. از آنجا که تهاجم فرهنگی فرآیندی فرهنگی است، باید با ابزارهای فرهنگی در مراکز فرهنگی با آن مقابله کرد و از مبارزه با ابزار خشن پرهیز نمود؛ یعنی تولیدات فرهنگی متناسب با فرهنگ ملی و دینی را باید گسترش داد و از نیروهای متعهد و دلبسته به کشور در ساخت این تولیدات کمک گرفت و سپس با بهترین روش‌ها این تولیدات را به جوانان عرضه کرد. به‌علاوه،

به جای آنکه بخواهیم در برابر تهاجمات غرب به صورت تدافعی عمل کنیم، بهتر است که از قبل ریشه‌های فرهنگی خود را در ابعاد دینی، سیاسی و اقتصادی قوی سازیم و حالتی تهاجمی به خود بگیریم. در این میان، قشر جوان که به‌طور معمول آسیب‌پذیرترین اقشار در برابر تهاجم فرهنگی هستند، باید مورد توجه بیشتری قرار گیرند و تأمین نیازهای جسمی و روحی و تعمیق باروهای دینی آنان در اولویتهای اول برنامه‌های کلان کشور و متولیان فرهنگی باشد.

مسجد، به عنوان یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های دینی، در این راستا وظیفه مهمی دارد. در طول تاریخ مبارزه‌های فرهنگی و سیاسی مسجد، بیدارگری‌ها و حرکت‌های اصلاحی فراوانی به چشم می‌خورد که در تکاپوی نظام ارزشی دینی بسیار مؤثر بوده‌اند. جایگاه ویژه مسجد در فرهنگ دینی و امکانات بالقوه و بالفعل آن، همراه آموزش‌ها و مفاهیم حاشیه‌ای و ایجاد یک نظام ارزشی قوی و ماندگار در صحنه فرهنگ و اجتماع، به‌ویژه در بین نسل جوان بسیار اثرگذار بوده است. متولیان فرهنگی مساجد، در حفظ و تقویت نظام ارزشی نقش بسیار مهمی دارند و کوشش‌های بسیاری در این مکان مقدس می‌توانند انجام دهند که برخی از آنها عبارت‌اند از: بیان معیارها و شاخص‌های ارزش‌ها و آرمان‌های دینی، ارائه مدرک و شناخت صحیح از دین، برپایی مجلس‌های مذهبی مانند سخنرانی‌های دینی و ویژه برنامه‌ها در مناسب‌های مذهبی، بیان ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، اجرای ارزش‌ها و اعمال دینی مانند برقراری نماز جماعت و مجلس‌های دعا و نیایش، مطرح کردن مسائل اعتقادی و احکام فقهی، بیان اندیشه‌های دینی، معرفی و تربیت الگو، پاسخ به شبهه‌های دینی و اعتقادی، ایجاد نظام تربیت دینی و تقویت هویت دینی.

البته مسئولان کشور و متولیان فرهنگی جامعه، به‌ویژه متولیان فرهنگی مساجد و اماکن مذهبی باید علاوه بر تبلیغ زبانی، به منظور ترویج عملی فرهنگ دینی و ملی در تمام زمینه‌ها، نمونه‌ای از این فرهنگ را در زندگی خود پیاده کنند و در عمل نشان دهند که پای‌بند به ارزش‌های والای اسلامی هستند.

« منابع و مأخذ

- « قرآن کریم
- « روح‌الامینی، محمود، زمینه فرهنگ شناسی، انتشارات عطار، چاپ اول، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « سازمان علمی فرهنگی و تربیتی ملل متحد (یونسکو)، راهبردهای علمی توسعه فرهنگی، ترجمه محمد فاضلی، تهران، انتشارات تبيان، چاپ اول، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- « جعفری، محمدتقی، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « نوید، مهدی، فرهنگ و مقاومت فرهنگی، تهران، انتشارات محیا، ناشر، رویان، چاپ هشتم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
- « مهیمنی، محمدعلی، گفتگوی فرهنگ و تمدن‌ها، تهران، نشر ثالث، ۱۲۷۹ هـ.ش.
- « مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ هـ.ق.
- « موسوی خمینی رحمته، سیدروح‌الله، چهل حدیث، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، چاپ پنجم، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « _____، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۹، رحمته هـ.ش.
- « متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله.
- « شیخ حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسایل الشریعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
- « بخشی از بیانات مقام معظم رهبری، چهارم آبان، ۱۳۷۳؛ نوزدهم دی، ۱۳۷۵؛ در دیدار علماء و روحانیان ۷/۵/۷۱.
- « مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- « ابراهیمی، پریچهر، تأملی بر فرهنگ، تفاوت فرهنگ شرق و غرب، تهران، انتشارات آموزشی رشد علوم اجتماعی، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- « جوانی، یداله، آشنایی با جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، سخن آشنا، سال پنجم، شماره ۶۳.
- « مجله ۱۵ خرداد، دی ماه ۱۳۶۹ هـ.ش.

مساجد مجازی، پلی برای صدور انقلاب

یحیی جهانگیری سهروردی

« چکیده

مقاله حاضر، در صدد تبیین این موضوع است که مسجد مجازی، می‌تواند در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، پاسخگوی بسیاری از نیازهای افراد باشد؛ به‌ویژه مساجد خارج کشور که برای تبلیغ دین اسلام با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. مسجد مجازی می‌تواند با توجه به توصیه‌های معمار بزرگ انقلاب اسلامی، امام خمینی ره، مبنی بر لزوم صدور انقلاب اسلامی به اقصی نقاط جهان، نقش بسزایی داشته باشد. مراد از مسجد مجازی، عبارت است از وجود همه سازوکارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی)، در فضای مجازی، اعم از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای. نگارنده مقاله، با بررسی فرصت‌ها و تهدیدهای مربوط به مساجد در عرصه جهانی، بر ضرورت توجه به «مسجد مجازی»، برای تبلیغ معارف عالی اسلام و صدور انقلاب تأکید می‌کند.

« واژگان کلیدی:

مسجد مجازی، انقلاب اسلامی، صدور انقلاب، موج الگوگیری از انقلاب، متولیان مسجد.

« مقدمه

مَدّتی است که رهبر معظم انقلاب، بر ضرورت نوآوری، به دلیل «اجتناب‌ناپذیر بودن تحولات در جوامع بشری»^۱ تأکید می‌کنند. در نتیجه، ایشان «مدیریت تحولات در کشور»^۲ را ضروری دانسته‌اند و فرموده‌اند: «با توقف در گذشته و نفی نوآوری، نمی‌توان به جایی رسید... بنابراین، تنها راه صحیح باز گذاشتن راه نوآوری، آزادفکری و آزاداندیشی و مدیریت این راه تحول‌آفرین است».^۳ ایشان، یکی از سال‌ها را، سال نوآوری و شکوفایی نامیدند که ضرورت این مسئله را، در این برهه از ایران معاصر نشان می‌دهد.

مسجد نیز باید در دایره نوآوری، جایگاه خود را مشخص کند و از این قافله عقب نماند. به فرموده ولیّ امر مسلمین، «تحول، راز ماندگاری و تعالی بشر است».^۴ در غیر این صورت، «کناره‌گیری از تحول، موجب از بین رفتن و یا منزوی شدن خواهد شد».^۵

در این مقاله، سعی داریم برای بهبود وضعیت موجود مساجد، جذب بیشتر جوانان، بهره‌گیری از رقبای فرهنگی مسجد در راستای مسجد (یعنی قرار دادن ابزارهای جدید فناوری در طول مسجد و نه در عرض آن و به عنوان رفیق مسجد، نه رقیب آن) و رساندن پیام انقلاب به جهان، چند راهکار کاربردی پیشنهاد کنیم.

۱. سخنان رهبر معظم انقلاب در دومین روز از سفر به استان سمنان در جمع دانشگاهیان، برگرفته از روزنامه ایران، ش ۳۴۹۴، تاریخ ۸۵/۸/۲۰، ص ۶.

۲. همان.

۳. همان.

۴. همان.

۵. سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار جمعی از اساتید، فضلا، پژوهشگران و مبلغان حوزه‌های علمیه قم، مشهد و اصفهان، تاریخ ۸۶/۹/۸.

« مسجد مجازی

یکی از ویژگی‌های اماکن مجازی این است که بشر در آن، بر مکان و زمان فائق می‌آید و می‌تواند از هر جای کره خاکی، در هر زمان به معبد مقصودش دست یابد. در حالی که مکان‌های مذهبی واقعی، فاقد چنین ویژگی هستند و استفاده از آن، نیازمند برنامه زمانی و مکانی خاص است. بنابراین، مسجد مجازی می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه خطیب، باشد.

مراد از مسجد مجازی در این مقاله عبارتست از وجود همه ساز و کارهای (ارکان) یک مسجد واقعی (فیزیکی)، در فضای مجازی اعم از اینترنت و بازی‌های رایانه‌ای.^۱

لازم به ذکر است که این مقاله بخشی از کتابی است که به همت دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، با عنوان «مسجد مجازی» تألیف شده است.

^۱. جهت اطلاعات بیشتر، به مقاله همین نویسنده در همین مجموعه با عنوان «مسجد مجازی، بایسته چشم‌انداز بیست و نهم ساله ایران اسلامی»، مراجعه کنید.

« مسجد و انقلاب »

چه آنان که حوادث انقلاب اسلامی ایران را دیده‌اند و چه آنان که آن را در لابه لای نگاشته‌ها مطالعه کرده‌اند، به این حقیقت واقف هستند که رابطه دو پدیده «مسجد» و «انقلاب»، یک رابطه علی و معلولی است. در دیدگاه بنیانگذار انقلاب تذکره، «این مساجد است که این نهضت را درست کرده است». بیان همین فراز، برای اثبات میزان تأثیر مساجد در تحقق انقلاب، می‌تواند گواه این رابطه، روشن باشد.

نقش مساجد در پیروزی انقلاب، چنان پُررنگ است که حامد الگار، نویسنده آمریکایی، هسته اساسی پیروزی انقلاب اسلامی را مسجد می‌داند. وی می‌گوید: «در دوره نهضت خمینی تذکره بود که مسجد، به یک کانون مبارزه و مرکز فرماندهی، بدل گردید و به‌طور خلاصه، مسجد تمام آن چیزی شد که در عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بود». ^۱ مساجد در دوران انقلاب، به‌طور طبیعی و البته با تکیه بر پیشینه تاریخی خود، مرکز مبارزه علیه رژیم بودند. ^۲ به همین دلیل بود که همواره با عکس‌العمل تند رژیم طاغوت مواجه می‌شد. ^۳ مساجد، نه تنها پایگاهی برای بیدارسازی مردم علیه حکومت پهلوی بود، بلکه محلی برای سازمان‌دهی نیروهای انقلابی و مبارزه بودند. تبادل اطلاعات و جلسات مشاوره میان مبارزان انقلاب، در مساجد صورت می‌پذیرفت؛ زیرا پخش اعلامیه در اغلب مساجد، سهل‌تر و سریع‌تر صورت می‌گرفت و اعتراض مردم و علما و حضرت امام تذکره، از طریق پخش اعلامیه آنان در مجامع مذهبی به ویژه مساجد، همه‌گیر می‌شد. ^۴ تأثیر مساجد بر پیروزی انقلاب، آن قدر صریح است که یکی از یاوران انقلاب می‌گوید: «اگر مسجد نبود، انقلاب نبود». ^۵

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۰.

۲. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سزّی، ص ۱۵۴.

۳. الگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم سزّی، ص ۱۵۴.

۴. محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، ص ۹۱.

۵. شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، ص ۸۸ و ۸۹.

۶. سیفی، محمّدهدی، نقش تاریخی مساجد در انقلاب اسلامی، روزنامه رسالت، ش ۶۵۰۵، مورخ ۱۳۸۷/۵/۳۱، ص ۱۷.

۷. رستگار، مرتضی، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی، فروغ مسجد (۲)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دوّمین همایش هفته جهانی مساجد، ص ۱۹۶.

نقش مساجد، بعد از دوره «حدوث انقلاب»، نیز متوقف نماند. پس از پیروزی انقلاب، مساجد بودند که همچنان در مرحله «ثبوت انقلاب» نیز نقش آفرینی کردند. بعد از پیروزی انقلاب با توجه به فروپاشی نظام شاهنشاهی، به طور تقریبی، همه کارهای انقلاب در مساجد انجام می‌گرفت. کمیته‌های انقلاب از دل مساجد جوشید. مساجد، در زمان هشت سال دفاع مقدّس، در اموری مانند اعزام نیرو، پشتیبانی، برگزاری مراسم دعا و بزرگداشت شهدا، نقش چشم‌گیری داشتند. در زمان سازندگی، در امداد رسانی به مردم آسیب‌دیده از بلایای طبیعی، بازسازی مناطق جنگی و برگزاری انتخابات و ... همچنان مساجد، فعال ظاهر شدند.^۱

انقلاب اسلامی، یک فرآیندی است که مراحل تکاملی دارد و عبارت‌اند از: مرحله نخست، پیروزی انقلاب اسلامی بود که از آن به «حدوث انقلاب» یاد می‌کنیم. این مرحله از انقلاب به یاری خدا، همّت مردم و رهبری امام تقدّس به کامروایی تحقق یافت. مرحله دوّم انقلاب، استقرار دولت اسلامی و اثبات کارآمدی نظام مبتنی بر ولایت فقیه است که با عنوان مرحله «ثبوت انقلاب» از آن نام برده می‌شود. مساجد، در این دو مرحله، محور یا حداقل نقش آفرین بوده‌اند. مرحله سوّمی که انقلاب پیش روی دارد، ایجاد تمدّن اسلامی است. طرح نظریّه «صدور انقلاب»، در راستای این مرحله می‌تواند تفسیر گردد. ایجاد تمدّن اسلامی، هدف نهایی انقلاب اسلامی است.

به زعم نگارنده، همچنان که مسجد، مبنای اساسی، «حدوث» و «ثبوت» انقلاب بوده است، باید در مرحله سوّم از فرآیند تکاملی آن، یعنی مرحله «صدور» انقلاب نیز، نقش محوری را به خود بگیرند. به‌طور اساسی، مسجد، به این سبب که خاستگاه توحید و نفی شرک و باطل است و جایگاه ندای حقّ و دادخواهی مظلوم نیز به حساب می‌آید، همواره مهد قیام و اعتراض بوده است و مردم نیز بر حسب مقتضیّات و شرایط جامعه از این مکان مقدّس الهام گرفته‌اند.^۲

۱. شکریان، ناصر، مسجد، ملجأ مردم، فروغ مسجد، ج ۵، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های چهارمین همایش هفته جهانی مساجد، ص ۲۴۱.

۲. جهانگیری، یحیی، مسجد مجازی، نوآوری در افق ایران ۱۴۰۴، مجله ره‌آورد، ش ۲۳.

۳. میزبانی، مهناز و سایرین، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب، ص ۵۲.

« جایگاه صدور انقلاب در قاموس فکری امام رهبر و رهبری

درک دقیق از معنا و زمان اعلان تئوری صدور انقلاب، از طرف امام نشان می‌دهد که امام، حتی قبل اینکه انقلاب، عینیت یابد، تحقق غایتش را در صادر نمودن آن می‌دید. «صدور انقلاب اسلامی از لحظه ورود حضرت امام رهبر به پاریس و اوج‌گیری نهضت مقدّس مردم ایران، در کانون توجهات جامعه جهانی قرار گرفت و اولین پرسش‌ها در این باب، توسط نهادهای سیاسی غرب و قبل از پیروزی انقلاب اسلامی مطرح گردید»^۱. از این روی، امام رهبر، نه بعد از انقلاب، بلکه قبل از انقلاب هم، دغدغه صدور انقلاب داشتند. حال آن که برخی با عدم درک صحیح از صدور انقلاب، آن را پروژه‌ای متعلّق به اوایل انقلاب می‌دانند!

با تأمل در خاطرات یکی از یاران امام، مشخص می‌شود که آن حضرت، حتی در اسفند سال ۴۱، انقلاب را به سه مرحله تقسیم نموده بودند: «شما بدانید که مبارزه ما سه مرحله دارد: اسلامی کردن ایران، اسلامی کردن کشورهای اسلامی، اسلامی کردن جهان؛ آن روز است که به مولایم، مهدی عج، عرض می‌کنم: جهان منتظر قدوم مبارک توست»^۲.

انقلاب اسلامی، یک رویداد نیست که صدورش نیز متوقف به زمان خاصی باشد. انقلاب اسلامی، یک فرآیندی است که تا تشکیل تمدن اسلامی، رفاه و آزادی همه مستضعفان باید در گسترش آن کوشید. همچنان که امام فرمود: «مقصد این است که اسلام، احکام اسلام، احکام جهان‌گیر اسلام زنده بشود و پیاده بشود و همه در رفاه باشند و همه آزاد باشند، همه مستقل باشند»^۳.

انقلاب‌ها، به صورت طبیعی، میل به گسترش دارند و انقلاب اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. از این نظر، می‌توان گفت صدور انقلاب‌ها، فرآیندی طبیعی است و همچنان ادامه دارد.

^۱. دولت‌آبادی، فیروز، صدور انقلاب تمنا و تقابلی از درون و بیرون، مجله حضور، ش ۲۶، ص ۳۵.
^۲. آقای عسکراولادی، قابل دسترس در:

www.navideshahed.com/fa/index.php?Page=definition&UID=95847

^۳. دبیری‌مهر، امیر، صدور انقلاب، خیال یا واقعیت، سایت باشگاه اندیشه، قابل دسترس در:

www.bashgah.net/pages-19302.html

^۴. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رهبر، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، ص ۳۱.

« صدور انقلاب، یک ضرورت

امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ فرمودند: «ما موظفیم که اسلام را در همه جای دنیا معرفی کنیم»^۱؛ زیرا ایشان مظلومیّت و غریب بودن اسلام را در دنیای امروز درک می‌کردند.^۲ امام رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ در عین توجّه به مشکلات معیشتی مردم، غفلت از اهداف و آرمان‌های انقلاب را به مسئولان گوشزد می‌کردند. ایشان فرمودند: «مسائل اقتصادی و مادّی، اگر لحظه‌ای مسئولان را از وظیفه‌ای که بر عهده دارند، منصرف کند، خطری بزرگ و خیانتی سهمگین را به دنبال دارد. باید دولت اسلامی تمام سعی و توان خود را در اداره هرچه بهتر مردم بنماید؛ ولی این بدان معنی نیست که آنها را از اهداف عظیم انقلاب که ایجاد حکومت جهانی است، منصرف کند».^۳ از منظر رهبر معظم انقلاب نیز انقلاب، دو جهت دارد: یکی مبارزه با استبداد داخلی است و جهت دیگر، سخن و پیام نوین انقلاب برای دنیا و بشریّت است. «پیام جهانی و انسانی اسلام است که او را به ستایش وادار می‌کند. جنبه دوّم، بسیار مهم است؛ ما باید بتوانیم این را بیان کنیم».^۴ همچنان که ایشان فرموده‌اند، صادر کردن تفکّر انقلابی و اندیشه مبارزه به بیرون مرزها، بسی مهم‌تر از مبارزه با استبداد داخلی است.

شاید به دلیل اهمّیت موضوع بود که رهبر معظم انقلاب حدود یک ماه بعد از انتصاب به رهبری انقلاب، در نوزدهم تیر ۱۳۶۸ به تبیین نظریّه صدور انقلاب پرداختند.^۵

رهبر فرزانه در جایی دیگر، صدور انقلاب را تداوم راه انبیا و ستیز با آن راه، کار دشمن شمرده، فرمودند: «ما به این کار و انجام این وظیفه افتخار می‌کنیم. این، راه انبیاست و ما این راه را باید ادامه دهیم...؛ چرا ما باید از صادر کردن توحید و اخلاق انبیا و روح فداکاری و اخلاص و تزکیه اخلاقی، به کشورهای دیگر خجالت بکشیم؟! چرا باید شرم کنیم از اینکه، غیرت و حمیّت صحیح

۱. صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۰۲-۱۰۳.

۲. همان.

۳. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی، ص ۴۷.

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اعضای شورای عالی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۱۳۸۰/۱۱/۱۷.

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار و بیعت اقشار مختلف مردم کشور، مورخ ۱۳۶۸/۰۴/۱۹.

و ایستادگی در مقابل قدرت‌های باطل را به صورت درس عملی به ملت‌های دیگر ارائه و تعلیم بدهیم؟ ملت‌ها باور نمی‌کنند که بشود با عوامل و مزدوران قدرت‌های استکباری درافتاد. ما درافتادیم و پیروز هم شدیم. چرا این عمل و تجربه خودمان را در اختیار افکار عمومی ملت‌ها نگذاریم؟ ما این انقلاب را صادر می‌کنیم. ما از اینکه بتوانیم توحید و مکتب انبیا و روش‌های انسانی پاکیزه و طاهر و صبر و مقاومت و ایثار را به کشورهای دیگر صادر کنیم، هیچ ابایی نداریم. رسانه‌های غربی که با پول صهیونیست‌ها و با تدبیر سیاست‌مداران خبیث و ظالم و فاسد اداره می‌شوند، می‌خواهند جنجال درست کنند و ما را از این حرف و عمل که فرهنگ و مفاهیم انقلاب باید صادر شود، پشیمان کنند»^۱.

^۱. رک: سایت مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir

« صدور انقلاب، کاری فرهنگی

صدور انقلاب، صدور رسالت انقلاب اسلامی و انتقال ارزش‌های معنوی و الهی به گوش جهانیان است. این امر، در سایه زور و لشکرکشی انجام نمی‌شود؛ بلکه جهت نیل به این هدف باید کلیه امکانات و ابزارهای پیام‌رسانی، محتوای پیام، موقعیت زمان و مکان، نیازهای مخاطبان در مناطق مختلف دنیا مورد توجه و دقت قرار گیرد. انقلاب ما یک انقلاب فرهنگی بود و به تعبیر شهید مظلوم دکتر بهشتی «انقلاب ارزش‌ها» محسوب می‌شود.^۱ مقام معظم رهبری نیز بر این امر صحه گذاشتند و فرمودند: «اگر منظور این است که ما مواد منفجره صادر می‌کنیم، این ادعا دروغ است... صدور انقلاب، به معنای صادر کردن ارزش‌های انقلابی و افشاگری درباره مستبدها و ظالم‌های عالم، وظیفه و تکلیف الهی ماست. اگر این کار را نکنیم، کوتاهی کرده‌ایم». ^۲ در اوایل انقلاب عده‌ای، صدور انقلاب را را رویکرد نظامی تفسیر می‌کردند؛ اینجا بود که امام ره رویکرد فرهنگی را پیشنهاد نمودند و فرمودند: «اینکه می‌گوییم باید انقلاب ما به همه جا صادر بشود، این معنی غلط را از آن برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشایی کنیم. ما همه کشورهای مسلمانان را از خودمان می‌دانیم. همه کشورها باید در محل [جغرافیایی] خودشان باشند، ما می‌خواهیم این چیزی که در ایران واقع شد و این بیداری که در ایران واقع شد و [ملت] خودشان از ابرقدرت‌ها فاصله گرفتند و دست آنها را از مخازن [کشور] خودشان کوتاه کردند، این [بیداری]، در همه ملت‌ها و در همه دولت‌ها [ایجاد] بشود. آرزوی ما این است...»^۳.

رهبر معظم انقلاب، در روزهای آغازین رهبری، قالب صدور انقلاب را، نه یک قالب نظامی، بلکه فرهنگی شمردند و فرمودند: «پس از پیروزی انقلاب اسلامی، سردمداران تبلیغات جهانی روی اشاعه فرهنگ انقلابی اسلام جنجال راه انداختند و آن را به عنوان صدور انقلاب - با معنای غلطی که از صدور انقلاب می‌کردند - مورد تهاجم تبلیغاتی قرار دادند. همه رسانه‌ها در سرتاسر عالم، روی این نکته

۱. سالار، محمد، انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ش ۵، ص ۲۳.

۲. ر. ک: سایت مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۷.

و کلمه تکیه می‌کنند که جمهوری اسلامی در صدد صدور انقلاب است! خباثت آنها در اینجاست که صدور انقلاب را به معنای صدور مواد منفجره و ایجاد درگیری در گوشه و کنار عالم و از این قبیل کارها معرفی می‌کنند که این هم مثل بقیه خباثت‌های تبلیغاتی دنیای غرب، یک ترفند ردیالانه است»^۱.

امام علیه السلام بر این امر تصریح داشتند: «ما که می‌گوئیم باید انقلاب به همه جا صادر بشود. این معنی غلط را از او برداشت نکنند که ما می‌خواهیم کشورگشائی کنیم»^۲. در فرازی دیگر، ایشان رویکرد نظامی به این مقوله را نه یک امر مطلوب که حتی ناممکن می‌دانستند: «ما که می‌گوییم که اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این نیست که ما سوار طیاره بشویم و بریزیم به ممالک دیگر، یک همچو چیزی، نه ما [این را] گفتیم و نه ما می‌توانیم»^۳.

رهبر انقلاب نیز، صدور انقلاب را فرهنگی می‌شمارند: «صدور انقلاب، صدور تجاوز و جنگ و به معنای گرفتن زمین‌های دیگران نیست... صدور انقلاب، به معنای صدور پیام و صدور رسالت انقلاب است؛ صدور ارزش‌هایی مانند استقلال، عدم وابستگی، خودکفایی، خصلت‌های انسانی پاک، ایمان، شرف، افتخار، حمایت از مستضعفان و ...»^۴. در بیانی دیگر امام علیه السلام، تبیین اندیشه‌های انقلاب را صدور انقلاب می‌دانند: «صدور انقلاب، به معنی لشکر کشی نیست، بلکه می‌خواهیم حرفمان را به دنیا برسانیم»^۵.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار و بیعت اقشار مختلف مردم کشور، مورخ ۱۳۶۸/۰۴/۱۹.

۲. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی علیه السلام، ص ۵۹.

۳. همان، ص ۶۱ - ۶۰.

۴. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۲، که نقل کرده از مباحثی پیرامون فرهنگ انقلاب اسلامی، ص ۳۶۴ و ۳۶۶، شهید محمدجواد، باهنر.

۵. صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱۴.

« مساجد مجازی، روش عملی صدور انقلاب

با گذشت بیش از سی سال از پیروزی انقلاب، بجاست که در نحوه عملیاتی نمودن صدور انقلاب، قدری تأمل نماییم؛ زیرا صدور انقلاب، نه همزاد با انقلاب، بلکه پیش از آن، مدنظر بنیان گذارش بوده است.

چنان که گفته شد در دو مرحله «حدوث» و «ثبوت» انقلاب، محوریت مسجد به طور کامل مشهود است. صد البته که خود این تعامل، بین دو مرحله انقلاب و مسجد، بر پویایی مساجد و تنوع بخشی به کارکردهای آن نیز مؤثر بود. در جریان صدور انقلاب نیز باید مساجد، محوریت را بر عهده گیرند. شاید به این دلیل بود که رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، تأکید داشتند که باید مساجد، همواره آماده قیام و پیشبرد اهداف اسلامی باشند. «اسلام، مساجد را سنگر قرار داد؛ وسیله از باب اینکه از همین مساجد،... همه اموری که اسلام را به پیش می برد و قیام را به پیش می برد، مهیا باشد». ^۱ با توجه به محذوریتهای ساخت مسجد و مهم تر از آن، ممنوعیتهای احیای کارکردهای انقلابی در مساجد خارج کشور، و زمان بر و پرهزینه بودن ساخت مساجد فیزیکی، توجه به مساجد مجازی یک ضرورت تلقی می گردد. تأکید می کنم که مساجد مجازی، می تواند ما را در مشکلاتی که در ساخت مساجد فیزیکی در خارج کشور داریم، یاری رساند، یعنی با جذب مخاطب توسط مساجد مجازی، می توان از آن در ساخت مساجد فیزیکی، احیای کارکرد انقلابی و مخالفت با قوانین ممنوعیت ساخت مسجد فیزیکی، کمک گرفت.

نباید فراموش نمایم که از یک سو، با یک تکلیفی به نام صدور ارزش های انقلاب و یاری مستضعفان مواجه هستیم که طبق تحلیل، باید این مرحله از انقلاب نیز مبتنی بر مساجد باشد و از سوی دیگر، با موانعی که بر سر راه انجام این وظیفه از طریق مساجد فیزیکی قرار گرفته است، این موانع، زمانی تکلیف را ساقط می کند که هیچ راه جایگزینی مطرح نباشد. مسجد مجازی، در عین فرصت بودن برای صادر نمودن انقلاب، خود موانع، را نیز بر خواهد داشت؛ زیرا

۱. همان، ج ۱۷، ص ۶۰.

موجب توسعه زیربنایی و گسترش کارکردی آن خواهد شد و این، یعنی اثبات زمینه کارآمدی دیگر برای مساجد در سوّمین مرحله از انقلاب!

در فرهنگ امام تقدّس، ثمره انقلاب، آزادی همه مستضعفان جهان است و در اندیشه او، باید مساجد را حفظ نمود؛ «ای ملت! مسجدهایتان را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد». بنابراین، تحقّق این دو، با مساجد مجازی سامان می‌یابد.

حضرت امام تقدّس، در عین حال که پیروزی انقلاب را برخاسته از فعالیت‌های مسجدی می‌داند؛ رها کردن مساجد و نیز بسنده کردن به وضع موجود را ناکافی می‌شمارد. ایشان، پیروزی انقلاب اسلامی را نوعی آماده‌سازی خویشتن برای اداره پویای مساجد می‌داند. بی‌شکّ مراد حضرت امام تقدّس مدیریت عبادی صرف نیست؛ آنچه از سخنان امام استفاده می‌شود، تحوّل در کارکرد مساجد، به سوی ایجاد پیروزی‌های دیگر اسلامی است. ایشان فرمودند: «این مساجد بود که این پیروزی را برای ملت ما درست کرد. این مراکز حسّاسی است که ملت باید به آن توجّه داشته باشند، این طور نباشد که خیال کنیم حالا دیگر ما پیروز شدیم، دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم؟ پیروزی ما، برای اداره مسجد است».^۳

بدیهی است که امام تقدّس روش تبلیغی و استفاده از ابزار رسانه‌ها را شیوه عملی صدور انقلاب معرفی می‌کردند: «ما که می‌گوییم اسلام را می‌خواهیم صادر کنیم، معنایش این است که می‌توانیم به وسیله دستگاه‌هایی که داریم، به وسیله همین صدا و سیما، به وسیله مطبوعات، به وسیله گروه‌هایی که به خارج می‌روند، اسلام را آن طوری که هست معرفی کنیم. اگر آن طوری که هست معرفی بشود، مورد قبول همه خواهد بود».^۴

مقام معظم رهبری نیز استفاده از ابزارهای متناسب با زمان و مخاطب را اثر گذار می‌دانند: «ماییم و تفکّر و معارف اسلامی؛ ماییم و پیام انقلاب اسلامی؛ ما باید بتوانیم اینها را درست به دنیا برسانیم...؛ ما باید بتوانیم مفاهیم و معارف اسلامی

۱. صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۰.

۲. جهانگیری، یحیی، کارکرد سیاسی مساجد، آرشیو دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد، ص ۶.

۳. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵.

۴. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی تقدّس، ص ۶۱ - ۶۰.

و آنچه را که متعلق به ماست را بیان کنیم؛ البته باید با لحن و بیان روشنفکرانه و به‌طور کامل، مترقی و با استفاده از واژگان متناسب با هر دوره و زمان باشد.^۱ مسجد به مثابه رسانه‌ای سنتی و اینترنت به مثابه ابزاری مدرن، می‌توانند در ابلاغ پیام انقلاب، نقش آفرین باشند. متأسفانه، یک رویکرد خاص در کشور ما، این دو رسانه را در ساحت انتزاعی آشتی‌ناپذیر قرار داده است. به همین دلیل، هیچ‌گاه آنچنان که لازم است، نتوانسته‌ایم از ظرفیت این دو رسانه در بیان رسالت انقلاب، بهره‌جوییم. مسجد، رسانه‌ای سنتی، ولی پویا، مقبول غیردولتی و دینی است؛ در مقابل آن، اینترنت، ابزاری مدرن، با مخاطبانی بسیار است. معقول آن است که کمیّت یکی با کیفیت دیگری همراه گردد و این دو از عرصه رقابت، به ساحت رفاقت بازگردند.

^۱ .بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۸۰/۱۱/۱۷.

« دشمن علیه انقلاب

امروز، ایران اسلامی، آماج شبیخون فرهنگی دشمن قرار گرفته است. وجود هزاران سایت «انٹی خمینی»^۱ و ... نشان از ضرورت اقدام سریع و قدرتمند برای صدور ارزش‌ها و فرهنگ انقلاب دارد که باید در این مورد، همت گماشت. رهبر انقلاب فرمود: «اگر ما بتوانیم در صحنه فکر و فرهنگ، کار شایسته‌ای انجام دهیم، همه تهدیدهای مادی دنیا خنثی خواهد شد».^۲ در باور امام رحمته‌الله‌علیه، برای مقابله با ترفندهای دشمن، ما باید از اهرم صدور فرهنگی انقلاب، بهره بگیریم: امام خمینی رحمته‌الله‌علیه فرمودند: «ما باید در صدور انقلاب به جهان کوشش کنیم... از طرفی دیگر، تمام قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها کمر به نابودی ما بسته‌اند و اگر ما در بسته بمانیم، به‌طور قطع، با شکست مواجه خواهیم شد. ما باید حسابمان را به‌طور صریح، با قدرت‌ها و ابرقدرت‌ها یکسره کنیم و به آنها نشان دهیم که با تمام گرفتاری‌های مشقت‌باری که داریم، با جهان برخورد مکتبی می‌نماییم».^۳ در سنجش میزان اسلام‌ستیزی استکبار، کافی است بدانیم که تنها از سال ۱۹۸۰ واژه‌ای به نام «اسلام‌فوبیا»،^۴ در ادبیات انگلیسی ابداع شد^۵ که به اسلام‌هراسی و تعصب علیه اسلام و مسلمین اشاره دارد و هزاران سایت اینترنتی در این زمینه فعال است؛ آیا ما، مخاطب این دستور امام نیستیم که فرمود: «ما انقلابمان را به جهان صادر می‌کنیم؛ چرا که انقلاب ما اسلامی است و تا بانگ لا اله الا الله و محمد رسول الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر تمام جهان طنین نیفکند مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبران هست، ما هستیم».^۶

۱ . anti-Khomeini.

۲ . بیانات مقام معظم رهبری در جمع مسئولان سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، مورخ ۸۰/۱۱/۱۷.

۳ . صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی رحمته‌الله‌علیه، ص ۳۴ و ۳۵.

۴ . Islamophobia.

۵ . Conway, Gordon & others, Islamophobia: A Challenge for Us All, Runnymede Trust Publication, 1997, p 1.

۶ . Sandra Fredman & others, Discrimination and Human Rights: The Case of Racism, Oxford University Press, 2001, p121.

۷ . صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۴۰.

« موج الگوی گیری از انقلاب

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موج حمایت از تمام نهضت‌ها و جنبش‌های رهایی‌بخش بپاخواست. آقای صبحی الجابی، پژوهش‌گر و نویسنده سوری، در خصوص تأثیر و بازتاب جهانی فرهنگ و تمدن انقلاب اسلامی اظهار می‌دارد: «انقلاب اسلامی، فرهنگ و تمدن حقیقی را برای جهانیان به ارمغان آورد. این تمدن در تمام زمینه‌های سیاست، حقوق بشر و اخلاق، با فرهنگ و تمدن غرب تفاوت اساسی دارد. به هر حال، هر کس فرهنگ انقلاب اسلامی را الگوی خود قرار دهد، به‌طور حتم، پیروز خواهد شد».^۱

به این دلیل بود که امام، اندیشه صدور انقلاب را به هیچ عنوان آرمان‌گرایانه و غیرعملی تلقی نمی‌کرد؛ بلکه آن را واقعیتی ممکن می‌دانست و در بسیاری از مناطق جهان اسلام، آن را به رأی‌العین می‌دید. «نهضت مقدس ایران، نهضت اسلامی است. از این جهت بدیهی است که همه مسلمین جهان تحت تأثیر آن قرار می‌گیرند».^۲ «ما امروز، دورنمای صدور انقلاب اسلامی را در جهان مستضعفان و مظلومان بیش از پیش می‌بینیم».^۳

آن مرد بزرگ، نشانه‌های تحقق این پدیده را نمایان می‌دید: «امروز، قدرت ایرانی و قدرت اسلام در ایران به‌طوری است که توجه همه ملت‌های ضعیف را به خودش معطوف کرده است و اسلام صادر شد در سرتاسر دنیا، از این سیاه‌های عزیزی که در آمریکا هستند و تا آفریقا و تا شوروی و همه جا، نور اسلام تابیده است و توجه مردم به اسلام [معطوف] شده است و مقصود ما از صدور انقلاب همین بود و تحقق پیدا کرد و ان شاء الله، اسلام در همه جا بر کفر غلبه پیدا خواهد کرد».^۴

اسامه ابوحمدان، نماینده جنبش مقاومت اسلامی فلسطین (حماس) در لبنان، انتفاضه مردمی فلسطین را یکی از ثمرات انقلاب اسلامی در ایران می‌داند و در

۱. انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۶ و ۲۷؛ روزنامه کیهان، شماره ۱۶۴۴۰، ص ۱۶.

۲. صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی (ره)، ص ۲۵.

۳. همان، ص ۹۲.

۴. صحیفه نور، ج ۱۱، ص ۲۶۶.

این باره می‌گوید: «با پیروزی انقلاب اسلامی، مهم‌ترین خواسته مسلمانان در قرن بیستم تحقق یافت. مسلمانان جهان، انقلاب اسلامی را الگو و سرمشق خود می‌دانند.»^۱

گیزلاکرافت، دانشمند آلمانی شرکت‌کننده در همایش بین‌المللی «گفتگوی فرهنگ‌ها: حافظ، گوته و پوشکین»، با اعلام این مطلب، گفت: «اسلام، در دهه‌های اخیر به الگو و مکتب نیرومندی تبدیل شده است که در سایه آن، مبارزه شدید با مادی‌گری و برای احیای معنویت جریان دارد.»^۲

^۱ . انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۸؛ روزنامه کیهان، مورخ ۷۷/۱/۱۰.

^۲ . انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، ص ۲۱.

« متولیان مسجد و صدور انقلاب

امام تَنَزُّهُ به‌طور رسمی، متولیان، ائمه جماعات و روحانیان را برای عملی نمودن صدور انقلاب، آن هم از طریق مساجد، مخاطب قرار می‌دهد: «مسجد، در اسلام و در صدر اسلام، همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بود... از مسجد، تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است، از مسجد، حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آنها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. شما که از اهالی مسجد و علمای مساجد هستید، باید از پیغمبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اصحاب آن سرور پیروی کنید و مساجد را برای تبلیغ اسلام و حرکت اسلامیت و قطع ایادی شرک و کفر و تأیید مستضعفان در مقابل مستکبران قرار دهید».^۱ آیا نباید این مخاطبان، در چگونگی عملی نمودن آن، قدری تأمل نمایند؟! نباید فراموش کنیم که فرهنگ تشیع، پیوسته اعتراض به حکومت‌ها را فریاد نموده است. از این‌رو، مکتب تشیع، روحانیت معترضی را تربیت نموده است که خانه‌اش، مساجد است. باید این مساجد و روحانیت آن، فریاد ظلم‌ستیزی انقلاب را به گوش همگان برسانند.

۱. صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵.

« نتیجه سخن

به یقین، مساجد در روند شکل‌گیری و پیروزی انقلاب اسلامی نقش بسزایی داشتند. همچنان که مساجد، در حدوث انقلاب نقش داشتند، در ثبوت و استمرار آن نیز نقش‌آفرین هستند. البته خود این دو مرحله، بر تعامل و پویایی مساجد و تنوع‌بخشی به کارکردهای آن نیز مؤثر بود. در فرآیند صدور انقلاب نیز باید مساجد، محوریت را بر عهده گیرند. شاید به همین دلیل بود که رهبر فقید انقلاب اسلامی ایران، تأکید داشتند که باید مساجد، همواره آماده قیام و پیشبرد اهداف اسلامی باشند. «اسلام، مساجد را سنگر قرار داد؛ وسیله از باب اینکه از همین مساجد... همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد، مهیا باشد»؛ اما با توجه به محذوریت‌های ساخت مسجد و مهم‌تر از آن، ممنوعیت‌های احیای کارکردهای انقلابی در مساجد خارج کشور و زمان‌بر و پرهزینه بودن ساخت مساجد فیزیکی، توجه به مساجد مجازی، امری ضروری تلقی می‌گردد. بر این اساس، مساجد مجازی می‌تواند ما را در مشکلاتی که در ساخت مساجد فیزیکی در خارج کشور داریم، یاری رساند؛ یعنی با جذب مخاطب توسط مساجد مجازی، می‌توان از آن در ساخت مساجد فیزیکی، احیای کارکرد انقلابی و مخالفت با قوانین ممنوعیت ساخت مسجد فیزیکی کمک گرفت. بنابراین، مسجد مجازی، به مثابه ابزاری مدرن، می‌تواند در ابلاغ پیام انقلاب، نقش‌آفرین باشد؛ ابزاری که افزون بر آن که می‌تواند پاسخ‌گوی نیازهای افراد در هر زمان و مکان، آن هم به انتخاب مخاطب نه به انتخاب خطیب، باشد؛ به‌طوری که هیچ‌گونه از محذوریت‌های ساخت مسجد فیزیکی و پرهزینه بودن ساخت و اداره آن را نیز ندارد.

« منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- « موسوی خمینی ره، صحیفه نور، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، ۱۳۷۹، تذکره هـ.ش.
- « _____ وصیّت‌نامه سیاسی الهی امام خمینی ره، انتشارات قدس رضوی.
- « آلگار، حامد، دین و دولت در ایران، ترجمه ابوالقاسم ره، تهران، طوس، تهران، ۱۳۶۵ هـ.ش.
- « محمّدی، منوچهر، تحلیلی در انقلاب اسلامی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۳ هـ.ش.
- « شریف‌پور، رضا، مسجد و انقلاب اسلامی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۰ هـ.ش.
- « سیفی، محمّدمهدی، نقش تاریخی مساجد در انقلاب اسلامی، روزنامه رسالت، ش ۳۱، ۶۵۰۵/۵/۱۳۸۷ هـ.ش.
- « رستگار، مرتضی، مسجد در صدر اسلام و نقش آن در پیروزی انقلاب اسلامی، فروغ مسجد (۲)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های دومین همایش هفته جهانی مساجد، قم، مؤسسه فرهنگی ثقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- « شکریان، ناصر، مسجد، ملجأ مردم، فروغ مسجد (۵)، مجموعه مقالات و سخنرانی‌های چهارمین همایش هفته جهانی مساجد، انتشارات ثقلین، قم، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ.ش.
- « جهانگیری، یحیی، مسجد مجازی، نوآوری در افق ایران ۱۴۰۴، فصلنامه ره‌آورد نور، سال هفتم، شماره ۲۳ (پیاپی: ۴۰)، تابستان، ۱۳۸۷ هـ.ش.
- « میزبانی، مهناز و سایرین، نقش مساجد و دانشگاه‌ها در پیروزی انقلاب، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳ هـ.ش.
- « دولت‌آبادی، فیروز، صدور انقلاب، تمنا و تقابلی از درون و بیرون، مجله حضور، شماره ۲۶، سال ۱۳۷۷ هـ.ش.
- « مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ره، صدور انقلاب از دیدگاه امام خمینی ره، تبیان، دفتر ششم، چاپ اول، تابستان ۱۳۷۴ هـ.ش.
- « سالار، محمّد، انقلاب اسلامی و صدور ارزش‌های فرهنگی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، ستاد دهه فجر انقلاب اسلامی - شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، تهران، ش ۵، سال دوم، ۱۳۸۲ هـ.ش.
- « صدور انقلاب، بازشناسی جریان افول، نشریه دانشجویی خیزش، شماره ۵ و ۲ و ۲۴.
- « جهانگیری، یحیی، کارکرد سیاسی مساجد، آرشیو دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد.
- « روزنامه کیهان، مورخ ۱۰/۱۱/۷۷.

ب) منابع انگلیسی

- » Conway, Gordon & others, Islamophobia: A Challenge for Us All, Runnymede Trust Publication, 1997, p 1.
- » Sandra Fredman & others, Discrimination and Human Rights: The Case of Racism, Oxford University Press, 2001, p121.

ج) استفاده از سایت‌های:

- « سایت مقام معظم رهبری به نشانی: www.khamenei.ir
- « سایت نوید شاهد به نشانی: www.navideshahed.co
- « سایت باشگاه اندیشه به نشانی: www.bashgah.net